حمدنی حد اولمیان صبور بی ملال • و شکر لا یعد اولان شکور بی زوال • حضرتنه که بیمار خانهٔ غم • و دار الشفاء الم ده • داروی تلخ ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات تجرعنه صابر اولان بندگان عالی همتی اشارت بشارت • وبشر المؤمنین ایله سرفراز • و خلعت معیّت • ان الله مع الصابرین بر ارجلهٔ طوایف بیننده ممتاز ایلدی • و فروماندگان زاویهٔ عجز و اضطراری و شکسته دلان گوشهٔ خمول و انکساری • شراب الجبار • انا عند المنکسرة قلوبهم ایله مجبور • و دردمندان دردکشان میخانهٔ عشق و محبتی • و باده نوشان بزم مشقت و بلیتی • اذا احب الله قوما ابتلاهم • جامیله مسرور • و مجبور قلدی رباعی
ای شربت درد تو دوای دل ما • آشوب بلای تو عطای دل ما • از نامهٔ حمد تو صفای دل ما • وز نام حبیب تو صفای دل ما نثر و درود نامعدود • و صلوات غیر محدود اول سید انبیا و سند اصفیا • حضرتلرینه که کلام معجز نظام ربانی نشان علوشانیدر طغرای غرای • ولکن رسول الله وخاتم النبیین • ایله موقع و مزیندر • و آیات محکمات قرآنی منشور محو مکانیدر • عنوان قربت بیان • وکان قاب قوسین او ادنی ایله موشح و معنوندر • و فرق فرقدسای افسر • لولاک لما خلقت الافلاک • ایله

مشرف و معزز • و خلعت خلقتی طراز • انک لعلی خلق عظیم • بر له معلم و مطرز در • مرآت جمال لقای حق • و محرم خلوت سرای غیب مطلقدر مثنوی وجودی پرتوی آیینهٔ ذات اینک نور یله روشن جمله ذرات • پنجه اولمایه کون کبی جهان گیر • بر الده مصحف و بر الده شمشیر نثر باعث ایجاد لوح و قلم • و سبب تکوین طوایف بنی آدم ایکن • کفرهٔ فجرهٔ قریش و ظلمهٔ اهل بغی و طغیاندن • انواع تکذیب و اهانته • و اصناف اذیت و سخریته تحمل ایدوب رفع نزول عذاب • و اطفاء نایرهٔ غضب رب الارباب ایچون • عذر خواهی • اللهم اهد قومی فانهم لا یعلمون • بر له حسن اعتذار • و لطف استعذار بیان ایلدی رباعی
ای لطف تو سرمایهٔ اصناف کرم • بخشد کرمت علم با شراف امم • از مدح تو عاجز است مداح زبان • در وصف تو قاصر است وصاف قلم نثر نسایم تحیت و رضوان • و شمایم روح و ریحان • اصحاب کبار • و احباب بزرگوار • حضرتلرینک مراقد منورلرینه و اصل • و مشاهد مطهره لرینه متواصل • اولسون که اقتدیتم سپهرینک ستاره لری وار در اولا مصایب و بلیاتی • و صادر اولان نوایب داهیاتی • حسن انقیاد • و کمال اعتقاد ایله تیغ قلدقلری اجلدن • شان شریفلرینه قرآن عظیم • و فرقان قدیم • بو آیت کریمه ایله ناطق اولدی که • اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون مثنوی جام محنت خورند دم نزنند جز براه وفا قدم نزنند بیت خوش همی نوزند در بلا چون عود • که از ایشان برون باید دود نثر خصوصا لدغ مار • و قتیل حیهٔ غار • کوی ربای اولین • میدان تصدیق حضرت ابو بکر الصدیق • و طعین خنجر آبدار • و جریح تیغ زهربار • قالع قلاع کفر و فسوق حضرت عمر فاروق • و شهید دار • و ذبیح طایفهٔ بغی و انکار • المستحیی منه ملائکة الرحمن حضرت عثمان بن عفان • و خاتمهٔ چار یار • و وصی نبی مختار • علی عالی مقدار • و سایر آل اطهار • و اولاد معالی اعتبار که هر بری هادی طریق هدایت • و پیروی شارع تم بعثت در • کتب سماوینک برنده • کلک بیان ایله مرقوم • و سلک عیان بر له منظومدر • من احب او جب نصب علیه البلاء • یعنی هر که دعوی محبت الله این • و دست ارادت ایله

حلقهٔ درمحبت دبرده • ویاخود حق تعالی خلعت محبوبیت کیدره • وجرعهٔ جام
مقبولیت نوش ایدره • سحاب عنادن باران بلا کشت زار حالنه ریزان • درود
بهجت ساحت دلهجاندن کریزان اولور • البلاء للولاء کاللهب للذهب بیود
لشدر • مفهومی بوبیتدن معلومدر بیت دوست همچون زر بلا چون آتش است
زرخالص در دل آتش خوش است نثر معلوم اولدیکه بلا محک نقد عالمیان • ومعیار تجربهٔ
آدمیاندر • هرکه دعوی محبت ایده • آنی بوتهٔ بلاده • وکورهٔ عناده • آتش امتحان
ایله ضررلر • اکر غش هوای نفس دیندن • وغل آرزوی طبع رد ایدن پاک اولد خالص
آزمایشدن چقوب سکهٔ زن عنایت حق چهره سن • دار القرب هدایتده سکهٔ قبول
ایله اراسته قلور • واکر مغشوش ومعیوب اوله • محنت احتراق ایله موسوم اولوب مردود
ابدقلور قطعه خوش بود کر محک تجربه آیدبمیان • تاسیه روی بود هرکه دروغش
باشد نثر بلا متوجه اهل دلادر • محنت متعلق صدق وصفا در بیت سرقبول بباید
نهاد وکردن طوع که هرچه حاکم عادل بهم داد است نثر سید کائنات علیه افضل
الصلوة حضرتلرندن سوال ایلدیلر • ای الناس اشد بلاء الانبیاء یعنی ادم اوغلنلرندن
قنغی طایفه نک بلاسی اشد ومحنتی ازیددر • بیوردیکه بیغمبرلرکه محرم حریم رسالت
ومحترم حرم جلالت دررلر • جملهدن انلروک بلالری زایده • وعنالری متزایددر
ثم الامثل فالامثل • بس شول طایفه که انلره مشابه اوله • سلوک سبیل محبتده • ووقوف
اسرار معرفتده • بلاسی دخی اشد اولور • بو قیاس اوزره هرکه درکاه قربه اقربدر
انک بلا وعناسی جملهدن اصعبدر قطعه هرکه درین بزم مقرب تراست • جام
بلا بیشترش میدهند • وانکه زدلبر نظر خاص یافت • داغ عنا برجکرش می نهند
انکا آتش ابتلاسندن • هزار دل کباب • ومحنت وبلاسنده صد هزار دیده پر
آبدر • هر بادیهده بجز سرکشته • عشق هوای محبت الله ایلر باد آسا رقصه کرمش
وهر زاویهده بجز سوخته تاب تجلی سطوت کبریادن جان ویرمشدر • هیچ برولی
صدور اتمدیکه سوختهٔ آتش بلا • وهیچ بر نبی ظهور قلمدیکه • دل نی بلی نشانهٔ تنزیل

اولیه

اولیه • بو وارنمایا یادار سرببر محنت وغم • وبو منزل بی قرار طوبطولو مشقت والمدر
بیت کرازوی لطف جویی قهر یابی • وکر تریاک خواهی زهر یابی نثر آخر نظر
ایلکه حضرت آدم صفی • ونوحهٔ نوح نبی • نار خلیل جلیل • ذبح اسمعیل بتبل بکاء یعقوب
شفیق • بلیت یوسف صدیق • سرکردانی موسی کلیم • بیماری ایوب سقیم • فرق
شکافتهٔ زکریای مظلوم • حلق بریدهٔ یحیی معصوم • الم لب ودندان مبارک سرور
انبیا • وجکر پارهٔ حمزهٔ سید الشهدا • ومحنت اهل بیت رسالت • ومصیبت
خانهٔ وادهٔ عصمت وطهارت • وسرشک درد آلود بتول عذرا • وفرق خون آلود
علی مرتضی • ولب زهر چشیدهٔ نور دیدهٔ زهرا • ولقای دم آلای شهید کربلا • هب
بوماتم خانهده ظهور اتمشدر • وسرجمله بوکاشانهده صدور ایلمشدر • وسایر بلا
کشیده کان امت • ومحنت رسیده کان عالی همت • کلیا بو وادهده نیمشدر
وبو دودهده بونیمشدر قطعه عالم زبلاهای تو محنتکده است • وین محنت وغم نصیب
هر دلشده است • هرجاکه نکاه میکنم دره تو • دلخون شدهٔ سوختهٔ غم زده است
ای عزیز هیچ برنبینک یولنه اول مقدار خار بلا دوکلدی که راه سید البشره دوکلدی
وهیچ برپیغمبرک سر سعادت اثرنه کرد محنت چیلدی که فرق فرقدسای حضرت زین المحشره
چیلدی • نته کم بومعنیده بیورلمشدر • ما اوذی نبی مثل ما اوذیت • وهیچ بر
پیغمبرکه اهل بیتنه اول مرتبهده جفا ایلدیلرکه • اهل بیت خواجهٔ کائناته • واولاد امجاد
مفخر کائناته ایلدیلر • اول جملهدن بری واقعهٔ شهداء کربلادر • که هیچ دیده اول
کونه مصیبتی خاکدان پر احزان دنیاده معاینه اتمدی • وهیچ کوش اول نوعه بلیتی
هیچ برزمانده اشتمدی قطعه تا دهر هست واقعهٔ زین صعب ترندید • هرکس
خبر شنید کشش با خبر ندید • چشم زمانه بروری چرخ قصهٔ • پرسوزتر زحال شهیدان شنیده
ندید کتاب ثمرات الجنان نده ابن عبد البر امام حسن بصریدن نقل ایدوب
ایدرکه • واقعهٔ کربلاده • اهل بیت رسالتدن آلتی آدم • حضرت امام حسین
معالی شیم برله • جام شهادت ایچوب • وجناح سعادت آچوب عازم دار الملک

جنان • ومهمان خوان غفران اولدی که اول حضره انلره شبیه ومماثل ونظیر ومعادل
یوغیدی مصابیح القلوبده • مذکوردر که کعب الاحبار حوادث وفتن که ملاحمده
وکتب متعدده ده کتورمشلر • واهل مدینه یه خبر ویرمشلر • که اکبر فتن واعظم محن
قتل حسین در • اولدم که قتیل تیغ اشرار اوله • ماتمنده هفت آسمان خونبار اوله حضار
مجلس ایدیلرکه بیت کورمدک ایشتمدک عالمده هرکز بویله • کما اچون آسمان ماتم طوتوب
قان آغلیه • ایدیکه • ویکم ان قتل حسین امر عظیم • وخطب جسیمدر • زیرا فرزند خاتم
پیغمبران • وسبط رسول آخر زماندر • نجم آل عبا • ونور دیده فاطمهٔ زهرادر • واول
حذای بی همتا که جملهٔ مخلوقات قبضهٔ قدرتنده • وکوی جان کعب جوکان اراده تنده
در • مطالع قلوب کوردم شول زمانده که حسینی شهید ایده لر قوم ملائک وسکان سبع
ارایکدن • برجوق روضهٔ مینو بهجت • وتربهٔ جنت فسحت لرنده قرار ایده لر • تا قیام
قیامت • ماتم ایدوب مانند سحاب نوبهار • علی التوالی اشکبار اوله لر • وروز آدینه
ده وشب جمعه ده • یتمش بیک فرشته نزول ایده • بالای قبر شریفنده کریه وزاری قلوب
علی الصباح صوامع عالیه لرینه کیده • امام همام سکان آسمان میاننده عبدالله مقتول
واهل زمین یاننده • عبدالله مذبوح دیمکله معروف در • وفرشتگان دریا اراسنده
حسین مظلوم • وفرشتگان هوا اراسنده حسین شهید دیمکله موصوفدر رباعی بر قتل
حسین ارض وسمای کریند • از عرش علا تا به ثرای کریند • ماهی درآب ومرغ برروی هوا
درماتم شاه کربلا می کریند • ویوم عاشوراده غم جکر سوز • والم ماتم اندوز ایله
غمکین وزار • وحزین واشکبار اولمق • موجب حصول رضای ربانی • وباعث
دخول ریاض جاودانیدر • نته کم آثارده وارد اولمشدر که • من بکی علی الحسین اوتباکی
وجبت له الجنة • هرکه ماتم حسینی یاد ایدوب اغلیه • ویاخود اغلر لنسه جنت کرمسی واجب
اولور • وجار الله علامه بیورر که • هرکه حسین اچون اشکبار اولور دخول جنته الحاق
بولور • وهم کم اغلرلنه • من تشبه قوما فهو منهم • حکمجه وعده • وجبت له الجنة ده
داخل اولور قطعه • بیاد حسین علی کریه کن • کزین کریه پیدا شود آب رد • هران

نامه

باب الیف کتاب

نامه کز قطرهٔ ترشد سیاه • بدان آب کردن توان شست وشوی

بو کتاب مصیبت نصابک قصه کذاری • وبو قصهٔ
پر غصه نک حصه داری • عشق ومحبت میخانه سنک رند سینه چاکی • ودرد ومحنت
بهانه سنک مست بی باکی مثنوی بلا میخانه سینک درد نوشی • عنا کاشانه سینک بر فروشی
خرابات اهلنک ننک ونامی • شراب عشق مستی یعنی جامی • غفر الله ذنوبه • وستر عیوبه
بو بندهٔ ادنی • وچاکر بی ریا • سپاهی اوغلنلری زمره سندن اولوب دیوان
معموره خزانهٔ عامره عمرها الله تعالی الی یوم الآخره کتابندن ایدم • اشغال دیواندن
فارغ اولسم • کندو دیوانم ترتیبنه اشتغال ایدردم • ویاخود اول ارباب طبع سلیم
واصحاب فهم مستقیم ایله مصاحبت ایلردم • که هر برینک حین تحریرده خامه سی ناثر
درر فصاحت • وناظم غرر بلاغت • بلکه باسط فراید • وجامع فواید ایدی • و
هنکام تقریرده • زبان بدایع بیانلری • امیر کلام خطهٔ مقال • وزمان تخیلده طایر
فکرتلری • شاهین شکارستان خیال ایدی • وبالجمله آینهٔ خاطرم صیقل بروز ایله
مجلا • وبکر فکرم زیور خیالات رنکین ایله مجلا ایدی • ناکاه کین کاه قضادن
بر طاعون عبرت نمون ظاهر اولدی که • ادنی مدتده صدای • واآسفاه • وادای
واویلاه ایله عالم طولدی • طوفان فوات بر مرتبه ده جوشان • وعمان ممات
بر مثابه ده خروشان ایدی که • زورق تابوت امواج دریا آسا بری برینه طوقنوردی
وکیجه اوتوز مینک نمازی بر یردن قلنوردی • صاحب قران اجل خوفندن
هر کشیهٔ حیرت المشدی • وتحمل موتادن اعناق رجال عملدن قالمشدی • بو داهیهٔ
کبرانک هیبتندن • وبو حادثهٔ عظمانک دهشتندن حقیقت • الحاقة ما الحاقة
دیدهٔ بصیرت ایله معاینه • وبجرت • یوم الفزع الاکبر • کما هی مشاهده قلنور ایدی
بیت انجنین واقعهٔ هایله واکاه هنوز • چرخ کردان وقمر دوشن وخورشید انور
هر کسک جاننه بر آتش دوشدی • نار الله الموقدة • انک سوزندن بر علامت •

واشد العذاب • انک تصورندن برآیت ایدی • بو واقعهٔ جانسوزدن دللر خون
و بو مصیبت ماتم افزوزدن دیده لر جیحون ایدی قطعه موج زن می بینم از هر دیده
طوفان غمی • می رسد در کوش از هر لب صدای ماتمی • اهل عالم را نمی دانم چه کار افتاده
این قدر دانم که درهم رفته کار عالمی • عزیزان مصر یوسف چهره لرین کرک اجل الدرب
کثرت بکادن وصف • وابیضت عیناه من الحزن • ایله موصوف اولدی وافغان
یا اسفا علی یوسف • برله ماتم خانهٔ عالم طولدی • هر نخل کل که تابوت فرزندان • لاله
عذاری ارسته قلوردی • زبانهٔ آتش مصیبتدن علامت ایدی • وهر لالهٔ نعمانی که دستهٔ
پسران کلعذارده • جای کیر اولدی اشک خونین والدیندن اشارت ایدی • بو اثناده
دورت فرزند دلبندم وار ایدی که هر بر نیک اختر خلقتی کوهر آداب اولو الالباب
ایله محلی • و مرآت فطرتی صیقل قابلیت برله مجلی • تکمیل فضل و کمال • و تحصیل علم و اشتغاله
صمیم جاندن طالبلر • و تنمیق ثلث و تعلیقده خوشنویسان عالمه قلم نسخ چکمکده
راغبلر ایدی • دست قضا طومار حیاتلرین منطوی • و تندباد فنا شمع حیاتلرین
منطفی قیلدی • والله یدعوا الی دار السلام • خطابنی سمع جان ایله کوش ایتدیلر • فیها ما
تشتهی الانفس و تلذ الاعین • ضیافتخانه سنه کتدیلر • بو واقعهٔ هایله نک وقوعی
و بو حادثهٔ نازله نک حدوثی • خرمن صبر و قراره آتش برقدی • خان و مان دلده جانی
سراسر یقدی بیت من دانم و دل که چه می بینم از فلک • کس را وقوف نیست که ما را چه
حالتست نثر شداید دور ستمکاردن • نائرهٔ غم خون • و نکایت روزکار
غداردن چرخ بوقلمون کبی حالم دکرکون اولوب • مدت مدیده بیت الاحزانده یعقوب
دار کریهٔ جانسوزدن بردم کوز یومدم • و ایام و لیالی یوسف تخت نشین مردم
دیده یه سراپردهٔ پلکی حجاب ایدوب اویومدم بیت دل ز پیوند کسان بر داشتن
آسان بود • لیک از پیوند جان خود بریدن مشکل است نثر بو ایام مصیبتده
و هنکام بلیتده • انشا و انشاد اولان ابیات پرسوزدن • و اشعار ماتم افزوزدن
بری بو در قطعه درد کلدر بو اقی چشم نکارمدن بنم • کریه ایلر هر سحر دوزکارمدن بنم

بر مصیبتده ریکا ایرن که هر ماتم زده • کندویه ویرور تسلی حال زارمدن بنوم
طاش طاش اوزره قوماسون عاقل و دانا اولان • عبرت آلسون هر کیشی دار و دیار
مدن بنوم • جوی خون آغشته جسم اشکبارم یریدر • کندی اول سرو سهیلر چون کنارمدن
بنوم • قنلو تیشلر آه سندن چقدی یر یر دود آه • سرولر پیدا اولیدر لاله زارمدن
بنوم نثر بو اثناده مانند خامهٔ سرکشته حال • و مثال نامهٔ شکسته بال ایکن • کندو کندومه
لسانکونه خطاب ایدب • ای غریق عمان مصیبت • وی حریق نیران بلیت • ابتدای
ایجاد عالمدن • بو دم دک عاقبت کار بنی آدم رحلت و انتقالدر بیت ترکیب
اوله چون آتش و آب و هوا و خاک • ممکنمدر که جمع و ثبات اقتضا ایده • افراد ممکناتدن
هیچ بر فردک برات حیاتنه طغرای خلود چکلمدی • و هیچ کسک صحیفهٔ زندکانی بسته
ارقام دوام یزلمدی قطعه هر کس ببهانهٔ از این دیر فنا • شد عازم آن منزل
جاوید بقا • باقی بنود کسی بعالم ابدا • جز ذات خدای که ندارد همتا • پس قضایه
رضادن غیری درمان • و بلایه صبردن اوزکه امکان یوقدر قطعه کلور البته تقدیر
الهی • کرکس ایسنکی نوش ایت کرک تلخ • قضای مبرمک دفعینه هرکز • نه کرجی قادر اولور
نه شیخ • بو بابده • و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین • بیورلمشدر دیدکده • رضینا
بقضاء الله • دیوب صمیم جاندن وارد اولان قضایه رضا ویردم • و افوض امری
الی الله • مبتغاسنجه درون دلدن عنان اختیاری ید مشیته طپشردم بیت
سر چون و چه کونه رابکذار • الرضا بالقضاست چارهٔ کار • اتفاقا بو اثناده
مزاج صحت امتزاج نقاسات عارضهٔ حرماندن عرض مرضه کرفتار اولدی • و خمود
بارقهٔ مقصوددن نائرهٔ تب اشتعال بولدی • کثرت تف و تابدن • و وفرت
تعب و اضطرابدن • مانند شعلهٔ شمع مقدار طرفة العین بر یرده قرار ایده مزدم
آخر مرضم دروهٔ اشتداددن طرف انحطاطه میل ایدب • عقدهٔ عارضه • و سدهٔ
ممرضه حل اولدی • و اذا مرضت فهو یشفین • دار الشفا سندن • شربت شفا ویرلوب
علت صحته و سقامت سلامته مبدل اولدی • و الحاصل تن ناتوانمده • نه مجال صحت

ومطالعهٔ مدونا ته قدرت اكليوب • الكتاب النفيس خير الجليس حكمنجه يا مده
حاضر اولان مجلداته ال اوردوم • كيف ما اتفق الجندن برين آجوب كوردوم متاع
بلاغتك خواجهٔ جهاني • ووصف فصاحتك وصاف بديع البياني • مناقب اهل
بيت مطهرك واصفي • مولانا حسين واعظ كاشفي • مؤلفاتندن روضة الشهدا ديكله
مسمى كتاب مصيبت انتمايش • روضهٔ مزبورهٔ ديدهٔ دقت برله تماشا قلدم • في
الحقيقه بر روضهٔ زيبا • وبر حديقهٔ دلارا ايمش • كه اشجار سطوري ازهار مصايب
ايله مزين • واثمار حروفي رنك نوايب برله ملون • هر نهالي الف ابتلايه اشارت
وهر دالي دل دردمندن كنايت مشاهده سندن • جان مصيبت ديده مه اطمينان
كلي • ومطالعه سندن • دل محنت رسيده مه تسلي جلي حاصل ايتدم • دكندو كندومه
ايتدم • اكر بكا ايزد دوراندن مهلت وامان • وشايد سپهر ستمكاردن رخصت
وزمان ميسر اولورسه • وشاهد زيبايه خامهٔ عباسي عمامه ايله • رومي جامه كيدرم
وعروس معاني حسن زيور الفاظ تركي برله مزين قلوب • مجلاي ظهوره كتورم تاكم
دستور العمل ارباب بلا • وكارنامهٔ اصحاب ابتلا اولوب • مايدهٔ فايده سندن
نواله بند • وفوايد عوايدندن بهره مند اوله لر • بو خاطره بي حيز قوتدن فعله كتورمك
تصميم خاطرم • وهم خوابهٔ ضمير فاترم ايكن • فرمان واجب الاذعان سلطاني • و
مثال منمثال خاقاني • وارد اولوب • بو بنده يه بيت الله الحرامك • ترميمي خدمتي
وحرم محترمك نظارت موجب العزتي • تفويض بيورلمش • بر موجب فرمان عاليشان
مهمات ابنيه‌دن ولايت مصريه ده بولونور لوازم بالتمام تدارك اولنوب
سرعت تام ايله كعبهٔ معظمه جانبنه توجيه عنان عزيمت ايتدم • حصول وصول
ميسر اولدقده • اول خدمت سعادت خاتمه مباشرت ايتدم • تجديد سطح معلا
وفرش مطاف علا • وترخيم جوف بيت مكرم • وترميم مباني حرم محترم • معاونت
عنايت الهي • ومقارنت حسن نيت شهنشاهي برله اوج ييلده تمام اولدي
الحمد لله العلي الشان • والمنة للرب المنان • بو خدمت سعادت ايت واسطه

سيله بو بندهٔ اقرانمدن سرافراز • نه اقران بلكه زمرهٔ بندكان خلافت پناهدن
ممتاز ايدب • سرافتخارم اوج برج كيوانه • وتارك استظهارم فرق فرقدانه
متصل قلدي • بر خدمت عالي نهمت دركه التي يوز ييلدن برو • بر بنده يه ميسر
اولمامشدر من بعد نيجه • روزكار كجمك كرك • ونجه ليل ونهار مرور ايتمك كرك • تا كه بر
بنده يه دخي نصيب اوله • وقتا كه خدمات بر ورهٔ مأموره • ومصالح سوانح
مشكوره • على وجه المرام اتمام واختتام بولدي • اول مكان سعادت نشاندن
رخت اقامتي دردم • سلطان انجم حشم • وخاقان ستاره خدم حضرتلرينك سدهٔ
كيوان رتبت • وعتبهٔ ثريا منزلتلرينه يوز اوردم مثنوي نه سلطان افتاب
عز وتمكين • او در عالمده سلطان السلاطين • نجم شاهي قپوسي بنده سيدر • جهان
خسروارى الكنده سيدر • عدالت كستردين برور اولدر • جهان حاكملرينه سرور
اولدر نثر استان اسمان مقداري • مجمع جنود الطاف رباني • ودرگاه سپهر اشتباهي
مرجع سالكان طريق سلطنت وكامراني فرق همايوني • افسر تأييدات الهي برله
سرافراز ومفتخر • وآوازهٔ عدالت روزافزوني • اطراف ربع مسكونده شايع ومنتشر در
بيت الهي تا بود افلاك انجم • مبادا نام نيكش زجهان كم نثر بتاييد الهي باد منصور
زعدلش جمله عالم كشت معمور • رافع رايات عدالت ورعيت پروري • جامع آيات
جلالت • ومرحمت كستري • عنوان نامهٔ جهانباني • طغراى منشور كشورستاني
ممهد اساس سلطنت • مطرز لباس خلافت • واسطهٔ عقد شهرياري • دُرّ صدف
تاجداري • داحي بساط عدل وامان • ماحي اثار ظلم وعدوان • صاحب قران
زمان • سلطان ابن سلطان • سلطان سليمان خان • ابن سلطان سليم شاه
ابن سلطان بايزيد خان مثنوي هر قنده عزم ايدرسه ممالكستان اوله • نصرت
ركابدار وظفر همعنان اوله • هر قنده نصب اولنسه خيام خلافتي • اكا دعاى ذره
دلان پاسبان اوله • معدلت جهان آراسي بر مرتبه ده در كه • كنجشك ضعيف
البال حلقه ماري نشيمن • وكبك درى آشيانهٔ شاهيني مسكن • قلمشدر شهباز ديهولو

هم آشیانه • وشیر آهو ایله هم کاشانه • آثار ظلم وبدع مرفوع • ویاجوج مکر وفتن
مدفوع • ایام خجسته انجاملرنده قلم بدایع نگاردن غیری برسرگشته وزار وخط
اشعاردن اوزکه برسینه چاک وسیهکار بولنمز • تیغدن غیری بیل بکلیوب کیجلک
ایدر خونریز • وکهربادن اوزکه قومدیغی یردن برچوب قالدرمغه قصد ایلز
نی برحصیر کسنه قالمدی مثنوی اوزرینه کسنه دستین حرام • مگر بزم اهلنه جامی لعل فام
کسنه اولمدی دورنده گریان • مگر بزم صفاده شمع سوزان • قویوب مظلومه حکم
کسی خنجر • مگر کیم غمزهٔ خونریز دلبر • دروندن دلده اتمز کسنه آه • مگر کوه گراندن اولدی کاه
کهکاه • طوتبدر بیلله بیلبانلرالفت • یکک ارادهٔ قلاب محبت • شجاعت
وشهامتی وسماحت وسخاوتی بردرجه ده درکه • اگر رزم وغزاسی شرحنک میداننده
پهلوانلق کوستر سم • هزار رستمک قصه ودستانی ابتر اولور • وجود وسخاسی
وصفنک عماننده گوهرفشانلق ایلیسم • بیشمار حاتمک دفتر ودیوانی دردلوده
بیت دریوزهٔ نولهٔ عطاسن قیلن گدا • نام سوالی اکه عمرنده مطلقا نثر
مورچهٔ شمشیری پنجهٔ شیرپیشه سلطنتی حربگاهدن قچورمشدر • وزاغ تیغی پنجهٔ
شهباز اوج خلافتک کبوتر روحن اوچورمشدر • هنگام رزمده مثال شمشیر سر
افشان • ایام بزمده مانند خورشید زرافشان • زبان تیغی تیغ زبان کبی حلال
مشکلات ظفر • وبحر طبعی مانند طبع فیاضی نفایس گهر • آتش حملاسی جبلاء آتش آسا
جهان سوز • وباران رحمتی باران کبی گیتی افروز • آتش ذهن وقادی
منبع آب حیوة • وآب تیغ جهان کشاسی خرمن ممات • بحر انعام عامندن فیض
غمام بررشحه • وعطای بحر وکان • قلزم احساننده برقطره بیت ابره دیرلر
خاصیت دست پادشاه • قلمزدی برچنار نهی دست وبی ثمر • الطاف عریض
الاطرافی ربع مسکونه شامل • واعطاف واسع الاکنافی ارزاق عباده کافل آنی
قطب الملک خلاق عالم • قیوس قسم ارزاق آدم بیت دلیل دلمزمی اکا بو کرامت •
اقرابا غنا اهل ولایت • ایادی غوادی فیضانی مانند دریا • اعتراف ایلان

ایله

ایله نقصان پذیر اولمز • وطبع درافشان مثال عمان کهر بخشلیغه سیر اولمز نظم
لولوي لاله اولا هرقطرهٔ باران اگر • بخشش ایدر کف دریا نوالندن سحاب
برپادشاه کشورکشادرکه • انا فتحنا لک فتحا مبینا • طراز آیت ظفر آیتی درد آیت
قل اللهم مالک الملک طغرای منشور ولایتی در • آق سنجاق تباشیر صبح ظفردن عبارتدر
ومهچهٔ اعلام نصرت اعلامی علم عالم کبی افتابدن علامتدر • شمسهٔ شمشیر تابدارندن
چهرهٔ ظفر تابان • وابتسام سنان خونبارندن • روی نصرت خندان برق تیغی
مانند تیغ برق جهان کشای • وآفتاب رای رای آفتاب مثال عالم آرای فاتح
مقالید السموات والارض • کلید نصر وفتحی دست سعادتنه تفویض وتقلید • وبازوی
کامکارین محل تعویذ تایید قلدی • کاسر کوس روس روس قاطع اعناق افلاق
وانکروس • فاتح قلعهٔ عدن • مسخر ولایت یمن وبصره در بیت مهر دیاری ضرب
تیغ ایله مسخر ایلدی • گوهر تیغن عروس ملکه زیور ایلدی • قلاع ارباب علدوانی
طوب گردون کوبی صدمتندن • بنیان کفرکبی ویران • وطایفهٔ قزلباش ضلالت
عنوان نیزهٔ رجوم آثاری اوجندن مانند دیو رجیم وایما یارب وگریزان
مثنوی کشاد مملکت رای امیزی • کلید فتح تیغ ملک گیری • طوتردی عالمی فتنه
غباری • صوچماسیدی تیغ ابداری • فلک قهرینه گر مانند اولیدی • نجوم نحس
دولتمند اولیدی • علوشانی وسمو مکانی بردرجه ده درکه • اگر بهرام حقره کورده
پای بندتقدیر اولمسه • غاشیهٔ عبودیتین • بردوش ایدردی • ورستم دستان ستم
زال دهر ایله محبوس محبس خاک اولمسه حلقهٔ اطاعتن کوش حالنه منکوش ایلردی • سپهر سریری
سریر سپهر کبی بنجار افهامدن افزون آسمان قدری قدر آسمان آسا دایرهٔ
تصویردن بیرون • وجود بی نظیری واحد الانام • کف کهرباری ثانی الغمام ضمیر
منیری ثالث النیرین • پایهٔ قدری تاج فرق فرقدین • ذات شریفی مهر سپهر سلطنت
وعنصر لطیفی سپهر مهر خلافت • برپادشاه سکندر رتبت • وبرشهنشاه سلیمان
مکنت درکه • کنگرهٔ باب همایونی • رفعتده شرف ایوان زحلدن منیع • ودیوان

خانهٔ سعادت مقرونی فسحتده میدان الدن وسیع • بر شهریار ستارهٔ شاه
درکه سلطان هفت اقلیم • آسمان پایهٔ سریر عالم مصیرنه یوز سوریکله مفتخردر
تاجدار عالمپناه درکه سلاطین ربع مسکون غاشیهٔ عبودیتن • بر دوشی تمکله
مستبشردر **بیت** نجه بیک باب اولسه یرلسه شهک اوصافی • صحیفهٔ نه دورحه جی
دوته هر بابی • جنود مجنده سلطان انجم خدم • وعساکر نصرت مآثر خاقان
ستان حشم • شغل پردهٔ سراپردهٔ اقامت نصب ایدیدی • کثرت خیام فلک
قیامدن • دوفرت سحابه سحاب ارتسامدن چادر کحلی آسمان درای حجاب ع
قالوردی • وافتاب عالمتاب ترتیب • وتعبیت زمین دن معزول اولوردی
وجوان بخت بلند پایه • وآسمان تخت خجسته سایه شهزاده لری • که نور باصرهٔ
حدیقهٔ شهریاری • ونور ناظرهٔ حدیقهٔ تاجداری **نظم** الحق عدل وداد ایله همیشه
جهان داورلرندن برتر ایله • غبار موکبی خورشید آسا • فلکلر فرقنه تاج ایله
دوزیرای آصف ارایی که چار رکن قصر خلافت • وخشید ارکان سلطنت عمدهٔ
عالم فروغ رای ظلمت زدا ریله روشن • وساحت امید بنی آدم نسیم نسایم کیتی
آرا ایله گلشن در • هر بری رستم صلابت • وعلی شجاعت ومحمد سماحت در • وبالجمله
مقتبس پرتو آفتاب سپهر سعادتدر • وامرای صف آرایی که هر بری سمندر آتش شجاعت
وغضنفر بیشهٔ شهامت در • ادام الله سلطانه • واظهر علی العالمین بره واحسانه لا زال
ریاض الانام • بسحایب سماء اطلاله مورقه • وبدور الافلاک بلوامع ذکاء اقباله مشرقه
وقتی که صحیفهٔ مفتخر خاتم عنوان اجابت شهریاری ایله معنون • ومنشور متمنیاتم
توقیع اسعاف تاجداری برله مزین • واقع اولوب مقتضی المرام • وکیف المهام
عودت اتدکده • دمنی نک دمی کاو دسمکه • وسرنی نک سری نلک نلکه ایرمش هلال
صورت فلک سرعت سحاب بادبان • شهاب ریسمان • بر کشتی یه کیردم مساعدهٔ
روزگار له اولی مدتده • مانند برق خاطف طی مکان ایدب مجمهٔ مصره ایردم
کردن حالم قیود خدمتدن آزاده • ولوح ضمیرم نقوش شغالدن ساده کوروب

انخان

رشحات دوات دریا مقاطر • وقطرات اقلام غمام مآثر ایله • روضهٔ مزبورهٔ
شاداب • وسبزه زار معانی سن سیراب قلمغه خامه وادبیل بغلدم • عقل نورانی
جلباب • کرعنان باب اولوا الالباب • ونماینده راه صواب در • بوفقیره
خطاب اتدی واتیدی • ای فارس میدان بلاغت • وی شهسوار جولانکه
فصاحت • اکرچه رشحات اقلامک صفاده رشک قطرات سحاب • ونظم کلامک
لطافت وسلاستده غیرت در خوشاب در • عروس معانینک کوشی وکردنی • درر
الفاظ برله آرایش قلمغه • وابکار افکار منصهٔ ظهورده جلوه ونمایش ویرمکه
قادرسن • لکن بو جواهر مربوطک • وبو نوادر مضبوطک • اصل وفرعی کلیا کتب
صحت الجامده کلک بیان ایله مرقوم • ومدونات لآلی انتظامده سلک صراحت
برله منظوم در • سایر رسایل حسنیات • وجراید تواریخ وحکایات کبی • تغییر
وتبدیله قابل دکلدر • اول سببدن جهرهٔ عوانی معانی سنه حلیهٔ بلاغت • وکلکونهٔ
فصاحت ایله رنک وصورت ویرمک متعسر در • ومخدرهٔ الفاظنک کوشی وکردنی
زیور مجاز استعاره برله تحلی قلمق متعذر در • سمند طبع هر برده جولان کوسترلمز
وجواد ذهن هر میداندن مطلق العنان اولمز • مجرد تحت اللفظ ترجمه اتسک فضلا
یانده • قدر واعتبار بولمز • ومطعن اعدا اولمقدن غیری نسنه عاید اولمز • زیرا
عرفای ناسک • وظرفای نکته شناسک • سلاقت طبع سلیملری • ولطافت ذهن
مستقیملری • بر مثابه ده درکه • فن اشعارده جامی فصاحت عنوانک جام نزاکتنه
سنک طعنه اترلر • وصنعت انشاده خواجه جهانه متاع بلاغت صاترلر • هر منصف
ومؤلفی همایون نامهٔ حکمت عنوان • وشرف الانسان فضیلت بیان کبی کان
جواهر لطایف • وعمان درر ظرایف اولمق دلرلرکه عبارات منثوراتی نمزدای
اولی الابصار • واشارات منظوماتی فرح فزای خواطر منشیان فضیلت مآثردر
بیت بیاض غرهٔ صبح سعادت • سواد دیدهٔ اهل نظردر • حروف الجره اولان معنای
روشن • سواد دیده ده نور بصردر • چون خطاب مستطاب عقلی کوش ایتدم • جواهر

نصایحن آویزهٔ اذن اذعان ایدب ایتدم • ای عقل صاحب رشاد دی رهنمای
ارباب سداد • کلام حقیقت آثارک • وگفتار نصیحت شعارک صحیحدر اما بوکمینهٔ
کم سرمایه • و بندهٔ فرومایه • شاید کتابی جامهٔ عجمی ویرکرتهٔ پارسی دن چقوب بالای
والاسنه مانند نخل گل لباس رنکین رومیانه • وتشریف خاص لی لهجانه • کیدرب
مجلای ظهورده • و منصهٔ صدورده جلوه کر قلمقدن مرادم اظهار فضل وهنر دکلدر
ونه امید تحسین مخدوم وچاکردر • نیت لهادم • وامنیت فوادم • محفل انصاب
دانش فارسیدن بی نصیب اولان مصیبت دیدکان • روم ومحنت کشیده کان
مرز وبوم • واخی معانی بدیع الآثارندن جزوی النکات ایله متمتع • واولی مطالعه
وملاحظه برله منتفع • اولوب استعدادلری مقدارنجه حصه دار اولقدر • واستعدادلری
اعتبارنجه تسلی بولمق در • شاید بو واسطه ایله • جامی بیچارهٔ خیر دعا ایله یاد ایده لر •
وروح روانن فاتحهٔ فایحه برله شاد ایلیه لر **نظم** جامی بیچارهٔ یاد ایلیوب • رچچون
کم اوقورسه فاتحه • هر نفس ایره مشام روحنه • بوستان فضل حقدن رایحه • بوکتاب
بلیت آیتک مطالعه سی موجب انکشاف جمال مطلوب • وبونسخهٔ تسلی غایتک ملاحظه سی
سبب انشراح صدور ارباب قلوب در • فراید فواید موعظتک سلک الفاظنده منتظم
وعواید موائد نصیحت ضمن عبارتنده مندرج ومرتسم در • سواد الفاظی مثال مردمک
دیدهٔ منور • حدقهٔ باصرهٔ امید • وبدایع معانی سی مانند پرتو مهر حضرت بخش حدیقهٔ
سعادت جاوید در **بیت** سوادی توتیای دیدهٔ جان • بیاضی نوربخش چشم امید •
وبالجمله مولانای سالف الذکرک تحریر ایتدوکی نسخهٔ فارسینک چهرهٔ حالی حسن عبارات
ایله خالی در • لکن خط وخال الفاظ مسجع • و زیور خیالات رنکین • ونکات واجب
التحسین دن خالی در • اگرچه بو فقیر قلیل البضاعه دخی مولانای مشار الیه اثرنجه کتدم
لکن اثنای حکایاتنده بعض آیات ضروری الذکر • واحادیث شریفه • واثار واشال
مشهوره الحاق ایتدم • ومشاتبان لطافت بیان ایله عروس طرسه مناسب اولان
بپرایهٔ الفاظ مسجع برله زینت ویردم • وچهرهٔ آینه کردار ابکار افکاره گلگونهٔ

حسن تعبیر ایله صورت ویردم • وجابجا ایراد اولنان ترکی مقطعات ورباعیات
وابیات • وغزلیات کلیا بو حقیر کم استطاعتک نتیجهٔ خامهٔ فکرتی • وثمرهٔ شجرهٔ
باغ قریحتی در • الحمد لله آز زمانده فیض فضل ربانی • ودین عنایت سبحانی برله بو
غریبتی حیز قوتدن فعله کتوردم • وشول که مکنون خاطر فاطرم ایدی امداد مداد
وواسطهٔ واسطی نژاد برله صحیفهٔ بیانه یتوردم **قطعه** اکرادماسه فاممهز بانم • احلمدن
بنم رازدرونم • بوظلمتدن حیات آبن چقردم • جو خضر همت اولدی رهنمونم **نثر**
الطاف عمیمهٔ فضلای خرده بین • واعطاف جسیمهٔ بلغای فضیلت آیین دن ملتمسدر
که • بو جریده یه حرف انکشت تعرض قونلمیه • وچشم اعتراض ایله نظر اولنمق رواکورلمیه •
زیرا هفوات اوهامدن بر مرده عصمت میسر دکلدر • و زلات اقدام اقلام دن بر فرده
عفت متصور دکلدر **رباعیه** خطا وسهو برله وقت تحریر • غلطلر که دوشه نوک قلمدن •
بنان لطف اصلاح قلق • بعید اولمایه ارباب کرمدن • چون عنوان نامهٔ نام سعادت
عنوان پادشاه جهانله مرقوم اولدی • نام نامیسی سعادت نامه دیکله موسوم اولدی
قواعد تألیفی اون باب اوزره مبنی • معاقد تصنیفی ابتلای بعض انبیا بیی وحقائق
آل عبایی مشتمل ومحتوی در **باب اول** ابتلای بعض انبیای کرام • علی
نبینا وعلیهم السلام بیاننده در **باب ثانی** حضرت سید الابرار وسند
الاخیار علیه الصلوة الملک الجبار • اولان جفای قریش بدکرداری • واذای سایر کفار
وفجاری • وشهادت حمزه وجعفر طیاری • بیان ایدر **اوچنجی باب**
وفات سید المرسلین علیه افضل الصلوة المصلین • وعلی آله واصحابه اجمعین بیاننده در
دردنجی باب فاطمة الزهرا • رضی الله عنهانک • ایام ولادتندن هنکام وفاتنه
دک • بعض احوال سعادت مآلی بیاننده در **بشنجی باب** امیر المؤمنین وسلطان
المحققین • ختن الرسول • زوج البتول • جناب ذو المواهب • علی بن ابی طالب
حضرتنک ایام ولادتندن • هنکام شهادتنه دک وقوع بولن اخبارین بیان • و
اثارین عیان ایدر **آلتنجی باب** امام حسن عالیشان الیه الله لباس الغفران

حضرتنک زمان ولادتندن • اوان شهادتنه دک بعض فضایل علیه سی وخصایل
سنیه سی بیانندە در یدنجی باب حضرت امام حسینک ولادتی • ومناقب
علیه سی • ومراتب سنیه سی بیان • وبرادر سعادت منظری انتقالندن صکره بعض
احوال حیرت مآل بیان ایدر سکزنجی باب مسلم عقیل ابن ابی طالب الآف
مصایب ایله شهید اولدوغی ذکر • وفرزندان سعادت عنوانی اصناف نوایب
برله موقف شهادته ایردکلرین مشعردر طقوزنجی باب امام حسین فرخ لقا • واولاد
واقربا • وسایر دوستان صادق الوفا • میدان کربلاده اعدای بدرای ایله محاربه اتدکلرین
اندکلرین • وجام انتقامدن شربت شهادت نوش ایدب • بزمگاه عقبایه کتدکلرین
اشعار ایدر اوننجی باب ایکی فصل اوزره مبنی در فصل اول اهل بیته واقع
اولان وقایع مهمی • وفصل ثانی قتلای امام حسینک عقبات عقوباتن مشعر ومحتوی
در قصۀ اول انبیای عظامدن اولا آدم صفی • یعنی اول نور مختفی مبتلا
اولمشدر • هنوز کتم عدمدن فضای وجوده • وبیدای قدمدن صحرای شهوده
کلمامشدی • کرا احزاب ملائک • واصحاب ارایک • طایفۀ آدمیان حقنده دهان
طنزی باز • وزبان طعنی دراز ایدب مرتکب مناهی وحریص ملاهی اولملرینه
شهادت اتدیلر قطعه کلدی داخی فنا اقلیمنه • محنت اولمشدی نصیبی آدمک •
اوردیلر دردو بلا بنیادنی • اورمدین داخی بناسین عالمک • اندن صکره عزرائیل
بحکم ملک جلیل • جملۀ روی زمیندن • بر آوج خاک الوب • بطن نعمان نام مکانده
قودی • فرمان حکمت بیان سبحانی • وامر رحمت رسان صمدانی • بو نوعیله جریان
بولدیکه • قرق کون بر سحاب پاک • اول قبضۀ خاک اوستنه علی التوالی ماطر ومتقاطر
اولوب • بر لحظه سایه سن دور • وبر لحظه طرفۀ آخره مرور ایتمیه • اول سحاب بفرمان
رب الارباب • اوتوز دوقز صباح بحر همومدن • ولجۀ غمومدن آب الوب
خاک آدمه یغدردی • پس خاک آدم آب هم وغم برله کل اولدی بیت آدمک طینتی شو دمده
کم تخمر قلدیلر • محنت درد و بلای انده مخمر قلدیلر نثر قرقنجی کون بحر شادیدن آب الوب

برنجه

برنجه قطره صچدی • کویا کثرت هم وغم • وقلت نشاط وانبساط آدم بو سببدندر •
بیت حکمتی وار بی سبب صنعک جهانده آدمک • بر نفس خرم اولوب یللرله غمناک
اولدوغی اول پادشاهلر پادشاهی • بو بنده کان سامی
حقنده هر نه میسر ومقدر قلدیسه راضی یوز بیت آب لطفی اولمسیدی خاکه بودکلو
نثار • کم بلور داخی نه توزلرقوپریدی روزکار نثر چون روح شریف قالب آدمه
حلول ایلدی • تعظیما سجود ملائک اولدی • ودیدۀ کرامتی کون دیکانه • وکوکبۀ
عظمتی زمین وآسمانه طولدی • وحوا آدمک پهلوی یسارنده وجوده کلوب
بر برینه یار وهوادار ومونس روزکار اولدی • وفرمان یزدان بو وجهله جریان
بولدیکه • یا آدم اسکن انت وزوجک الجنة • یعنی ای آدم سن وزوجک وهمسرک
جنتده ساکن • واندە هر یرده دیلرسکز متوطن اولوب • مطعومات متنوعه سندن
وفواکه کوناکونندن یییه سز • ومشروبات لذیذه سندن • نوش ایدب البته زنکار
النکندن کیه سز • ومقتضای مرادک • ورضای فوادک اوزره هر جانبی سیر وتماشا
ایلکدن قضا وطرایله • اما بغدای • ویا انکور • ویا کافور • ویا قلم اجی یاننه وارمقدن
حذر ایله مثنوی قوردی آدمه تخت خلافت • اوردی آدمه تاج کرامت • اول
اولدی تخت بختنک تاجداری • خلافت ملکتینک شهریاری نثر بر مدت قلم بر درخت
نیک بخت ایدی • که میان فردوسده جامع ثمرات لطیفه • ومطعومات طیبه ایدی
هر کم اندن اکل ایدردی جمله نیک وبدی فهم ایدردی • پس آدم وحوا جنتده آرام ایدب
درجات عالیه • ومقامات سامیه یه واصل اولدی • ابلیس پر تلبیس بو حاله رشک
ایدب طاوس ومار وسیله سیله جنانه داخل اولدی • ابلیس خبیث طینت بشه آدمی فریفته
قلمغچون انواع وسوسه وحیله بنیاد ایتدی • آخر اسم اعظم خداوند جهانی یاد
ایتدی • آدم صفی هانه دل انک غلاظ وشداد • سوکند یر کرندنه اعتماد ایلکده
دروغ ایمانه اینانوب عهد وپیماندن غافل اولدی • پس ناچیار بجرۀ منهیه دن
اکل وتناول اولدی • همان ساعت هر طرفدن • آثار قهر وبلا پیدا • وهر کوشه دن

علامت زجر وعنا هویدا اولوب یوز دوتدی بیت هر طرفدن ظاهر اولدی لشکر
جیش وفتن • هر یکادن باهر اولدی جیش و اندوه محن نثر حضرت آدم سلطان دار
الملک جنت اولوب تاج عزتی برسر قلهٔ کرامتی در بر قلوب • غلمان وولدان آدم
حضورنده • مقام خدمتده رضوان • وحوران حوا محضرنده • پایهٔ ملازمتده ایکن
ثمرهٔ شجرهٔ دن که اکل ایتدیلر فی الحال • افسر اقبال • واکلیل اجلال سرلرندن رفع اولندی
وحلل حلی بهشت بدن لطیفلرندن خلع قلندی • برهنه قالوب کندولرینه نظر ایدوب
حاللرین متغیر کوروب متحیر اولوب • نالهٔ جانسوزه وکریهٔ ماتم افروزه آغاز ایلدیلر آخر
برهنهلک خجلتندن • وعریانلق حیثیتندن محروم ومحزون • مایوس ودلکرخون • هر درخته که
توجه ایدوب برک ونوا رجا ایلر ایدی • فی الحال انلردن دور اولوب اعراض ومجانبت ایدر
لر ایدی • اول سببدن ایادی مطالبه لری انلره ایرمز • وپوشش تن ایچون برک ونوا
اللرینه کیرمزدی • غایت خجالتلرندن • ونهایت حیرتلرندن • کاه درخته نهان وکاه
خلف انجار ده پنهان اولورلردی • جناب کردکاردن • وحضرت پروردکاردن
خطاب مستطاب افرارا منا • ایردکده آدم ایتدی • بل حیا دمنک کندوکنا همدن
شرمسارم • یوقسه درکاهکدن • اورکه جرم وعاصینک کریزکاهی • واداني واقاصینک
مسند وپناهی • اولدوغی مقرردر بیت قنده وارم درکهک قویوب سنک ای پادشاه
آستان لطفک اولور چون کنهکاره پناه نثر آخر الامر تن عورلرین برک انجیر ایله مستور
قلدیلر • اهبطوا منها جمیعا • حکمنجه آدم دست خواهی طوتوب دار عشرتدن • دیار
عسرته • توجه ایدوب کیدرکن • متصل عقبنه نظر ایدوب • عنایت ازلی قرین حالم وهدایت
لم یزلی • رهین امالم اولوب • بو شب غمک صباحی • وبو در بستهنک مفتاحی • بر یید
اوله دیو امید وار ایدی • چونکم فوایح روایح کلشن الهیدن مشام مراممه بر شمایم ملی
ودامن شاهد مقصودی دست امیده کرمدی • ساحت جانی غبار اکسار وجان
جنانی خار اضطرار طولدی • زمان خوجاده زبان الهام بیاننه کلمهٔ تسمیه جاری
اولدی • جبرئیل ایتدی ای آدم • نه خوب فکر ایلدک • ونه عظیم کلیم سویلدک • بران تأخیر

ایله • امیددر که سپهر غیبدن لمعهٔ انوار آفتاب نجات درخشان • وافق مرادیدن پرتو
ماهتاب حاجات تابان اوله • خطاب ایردی که • ای جبرئیل عالم اوله که کتنولر مقر
راحتدن • مسکن پر زحمته نزول اتسونلر • جبرئیل ایتدی • ای خداوند کریم • سنی رحمان ورحیم
اسمیله یاد ایلدی • بو وسیله رحمت ایلیک الطاف عالیهٔ الهیدن عجب • واعطاف سادات
نامتناهیدن مستوجب اولمیه • فرمان ایردی که • بن رحمت اتمک ایله رحمتمه نقص و
زوال طاري • وبکا ندامت وملال عارض اولمز • اکر بکون بوکا رحمت ایلیم برکسنه یه
رحمت ایلمش اولورم • اما یارین آدم جنته متوجه اولوب پانجه هزار هزار کنهکار
ودنجه بجه عاصی وسیهکار ایله کلدکلرنده فضل واحسانم حال تباهلرینه کارساز ولطف
بی کرانم • جان پر کناهلرینه • دلنواز اولوب جمله سنه جوار رحمتمده جای ویروب
شاملرین • نعمای شاململه معطر • ومقاملرین لمعات نور قدسیمله منور قلسم کرکدر •
تاکه سعت عفور رحمتم • ووسعت فضل مغفرتم آشکار اوله • اکابر زمان وافاضل دو
راندن بري • تأویل ایلمشلردر که اول شجرکه آدم انک یانینه وارمقدن منع اولندي
واول شجر محبت ایدی • نفس الامرده آدم ایچون دکشلر ایدی که یحبهم ویحبونه
واندن نهیه سبب محبوبلق غنج ودلالی درکه • حسن وجمالی انک ایله کامل بولور • یا طالبی
تحریص وترغیب ایلمکدر • الانسان حریص علی ما منع • یعنی طبیعت انسانی بو جبلت
ایله مجبولدرکه هر نه دن منع اولنسه میلی جهتدن اکه زیاده اولور • اکرامرنهی متعلق
اولمسه ممکن ایدی که آدم استیفای مرادات نفسنه مشغول اولوب میوهٔ محبت طعم
یمکدن بی پروا اولیدی • یعنی در بیت جسمه رغبت ایدوب پرورش روح دن غافل
بسل مرا ولدی که • ای اکرم اکر آسایش طلب ایدرسک ایشته جنت بی دایج شجرهٔ محبت
یانینه وارمه تاکه استجلاب محنت محبت ایله نفسکه جور ایدم • واقتضای بلای عشق برله
جانکه قهر وستم ایلمشلردن اولیسن • زیرا نوش محبت بی نیش محنت دکلدر • ومحبت
توامان • وبلا • وولا مثلا زمانده کسوی بخته اولور درد له مرد حزن • آتشیله خالص اولور
سیم وزر • عشق دعواد رجفا چکمک کواه • شاهد اولماسه اولور دعوی تباه • سلطان

العارفین قدس سره دن منقولدرکه حضرت آدم وجوده کلمزدن مقدم عشق محبتدن
برمظهر طلب ایلدی چون قوم ملایک استحقاق مظهریتی یوغ ایدی کنج خلوتده غنوده
وکوشه فراغتده آسوده اولدیلر اول دقتده کم که ابلیسک دیده طاعتی وطنطنه عادتی
ملک وملکوته دوشلدی عشق دیلدیکه کم مواصلت ابلیسه دست اوره سلطان غیرت
حریف سناس اول اوازه سمع استماع ایلدکده عشق نیه برده غیبدن ساکن وجلا
وابلده متمکن اولوب جن وملکدن وساکنان فلکدن قطع امید ایلدی شول
دم که آدم نقاب ترابدن چهره کش ومجلای ظهورده جلوه نما اولدی عشق صورة
شجره منهیه ده آدم عرض ایلدیلر جالنه واله وحیران وزار وسرکردان دیله دیکه عقد
مواصلت ایلیه بو معنی سرای سلوت قرای جنتده دکاشانه بهجت نمای راحتده
راست کلمز زیرا بازار جنتده متاع محنتک وکالای شفقتک رواجی یوقدر عاشقک
مقامی دار الملام کرکدر دار السلام کرکمز ناله وزاری وکریه بی قراری زنوانیان
جهان بی وفایه وخاکساران خاکدان پر جفایه مناسب در **شعر** ای برادر عاشقی را
درد باید درد کو بر سر کوی ملامت مرد باید مرد کو چندازین ذکر فسرده چند فکر د راز
نعره های آتشین وچهره های زرد کو **نثر** پس آدم هوای محبت ایله فضای جنتدن بو تنکنای
محنته ایردی وساحل سلامتدن بو کرداب ملامته کردی درجات انس والفت درکات
نکبات کلفته کلزار راحت خارستان مشقته ومرتبه قربت بادیه غربته مبدل اولدی
ندای اهبطوا منها وارد اولدقده آدم دست حوادن طوتوب معا روان اولدیلر
رباعی برخیز وقت افتراقست امروز با محنت ودرد اتفاقست امروز ای دیده رخ
وصال دیدی یک چند چون بارکه نوبت فراقست امروز **نثر** فی الحال جبرئیل ایروب
ایتدیکه ای آدم فرمان جلیل بودرکه دستکی حوادن دور واوزکی وصالندن مهجور
ایده سن که هر بریکوز بر طرفه کشته کوز کرکدر پس آدم دست موانستی دامن مواصلت
حوادن چکدی هر بری بر جانبه کتدی آدم درون دلدن قان اغلیوب
واغونتاه وحوا جان وجکردن اغلیوب واکرتباه دیر ایدی جمع ملایک دیده

تعجب

تعجب ایله بونلرک حال حیرت مآللرینه نکاه ایدرلردی آدمک کریتنه وحوانک غربتنه
رحم ایدوب کریه وآه ایدرلر ایدی آخر آدم علیه السلام کوه سراندیبه نازل اولدی
وحوا دریای هندده جده نام موضعه واصل اولدی آدم کوه پرشکوه مزبورده مرتبه
قربت خداوند بهشتی یاد ایدوب ایکی یوز ییل کریان اولدی جویبار دیده سندن
هر سویه جویلر روان اولدی ناله جان سوزدن وکریه غم اندوزدن وحوش
وطیور معاینه قلوردی درون دلدن رحم ایدوب حال حیرت مآلنه واله وحیران
قالورلردی **مثنوی** دمادم ناله وفریاد ایدردی خداوند بهشتی یاد ایدردی
نه ممکندر بو حالت اوله تقریر وحضرت حوادخی ساحل دریاده انیس والفتدن دور
ومسکن شرفیدن مهجور زار وغمکین اولوب سفینه حالی کشاکش روزکار ایله انقلا
بدن خالی اولمیوب حضور وقراری کتمش ایدی وقطرات اشک چشمندن کنار دریای
مروارید فرید ایله پر ایتمش ایدی **نظم** حباب آسا دمادم کوزی یاشلو صدف وش
دهر الندن باغری باشلو اولوردی اشک خونین ایله کریان کورنمزدی کوزینه در دو
مرجان نه بر مونس که دردین قله تقریر نه بر محرم که حالن ایده تصویر اونوتدرمش
اوزین الام هجران بلا الجمع حالی پریشان نه قلسون نیلسون دوران الندن
کیم قان اغلسون هجران الندن **نثر** برکون آدم جبرئیلدن صوردیکه حوا قنده در
ایتدیکه کنار دریاده در سنک حالکدن کلیا بی خبر وحسرت وصالکده دریا کبی خشک
لب ودیده تر در آدم حمان حوانک نامن وشانن کوش ایتدی هجوم هموملردن بیهوش
اولوب کندویی فراموش ایتدی **مثنوی** نه برده یاد اولورسه نام دلدار اولور عشق ایچا
انده واله وزار دیرران نه حالت نشئه سی قوپار ور آه ناله نغمه سی نیچون دیرسه
حالت عشق جانان نیچون ایتدرمیه لی کبی افغان او بیهوش لقده جبرئیل امین
وزلی باشنه بالین ایتدی عالم خوابه دارب کوردیکه حوا کنار دریاده درر
بار اولوب دیر ایدی حبیبی آدم اجایع انت ام شبعان الاتبکی انت ام عریان
انایم انت ام یقظان آدم دیلدیکه جواب ویره بیدار اولدی کوردیکه حوا یانده

یوق بی اختیار تیغ قهر ایله رشتهٔ امیدن کسته • و دود آه حسرت آلودن کنگرهٔ افلاکه
پیوسته قلدی • جبرئیل کیفیت حالندن استفسار ایلدکده حضرت آدم صورت واقعهٔ
تصویر • و دواقع اولان گفتاری تقریر ایدرکن زمام اختیاری • ید اقتداردن گیدوب
نهاد حسرت آبادندن • بر وجهله فریاد ایلدیکه جبرئیل امین انک ناله و زارنه و شدت
اضطرارنه رحم ایدوب • بی اختیار ناصیهٔ تضرعی خاک مذلته سوروب و جبین توقعی زمین
خدمته اوروب • الهی بو غریب و بیچاره یه • و دردمند داوارهٔ یه رحمت ایلدیو عرض
نیاز ایتدکده خطاب مستطاب وارد اولوب • ای جبرئیل آدمه بشارت ایله اول گون
قریب اولمشدر که مهر طالعی افق عز و اجلالدن طالع • و ماه مرادی اوج برج اقبالدن
لامع اوله بیت . بزیر عقده نهان وقتها دشاد بهاست • بسی مرادکه در زیر نامرادیهاست
خدای عز و جل را بغمی هر چه کند • لطیفه ایست که کس را ازان خبر نبود • و این مقاصد و مطالب
منقدهٔ مکان و شدایدده جلوه نما ایلر • و شواهد مناصب و مراتب حجب بلیتدن
چهره کشا ایدر بیت نسیم باد صبا دوشم آگه آورد • که روز محنت و غم رو بکوتهی آورد
جبرئیلک بو اشارت نماسندن • آدمک جاننه بشاشت کلی حاصل • و جنانه هشاشت
جلی واصل اولدی • اندن صکره حضرت حق جلت آلاؤه • و عزت اسماؤه • توبهٔ آدمی
قبول ایلدی • بو بابده ذیل کلام طویلدر • ارباب تدقیق و اصحاب تحقیقدن بری
بیورمشدر که آدم صفی نک دعاسی مقبول • و تیر رجاسی هدف اجابته موصول اولمسنه
اوچ نسنه سبب اولمشدر • حیا و بکا و دعا • حیای آدم بر مرتبه ده غالب ایدیکه
شهر بن حوشب رحمه الله علیه . بیوردیکه چون آدم روی زمینه نزول ایتدی کمال غمندن
و نهایت حزنندن • اوچ یوز ییل باشن قلدروب صوب اسمانه نظر اتمدی • بکاسی
اول مثابه ده ایدیکه اخبارده وارد اولمشدر اهالی عالمک گریه سی جمع اولنسه داود
نبینک و نوح نجینک [illegible] راجح اوله • و آدم صفینک گریسی کلیسندن متزاید
اوله • و مرغان هوا انک چشم آبدن سیراب اولوب • بر برنه بونک کبی آب خوشگوار
نوش ایلدک دیدکلرنده آدم قوشلر بو سوزی بطریق الطعن سویلرلر ظن ایدوب

لوای آه عالمگیری اوج برج سمایه • و نایرهٔ آتش تأثیری چرخ معلایه ایرگوروب
ای بار خدا بخت سیاهم • و حال تباهم • شول مرتبه ایردیکه مرغان هوا اشک چشم محزو
نمه الورلر دیدکده خطاب ایردیکه • ای آدم خرم و خندان • و مسرور و شادان اولکه
طیور همایون بال راست سویلرلر • نیاز مندلرک آب دیدهٔ محنت دیده لرندن نفیس
تر جوهر قیمت آور آفریده اولمش دکلدر قطعه اشک ریز اول جهانده کم بودر • سبب
آب روی شاه و گدا • اشک در گوهر گرانمایه • بو جهان نقدی اولمز الا بها • و سبزه زار
مرادات نی قطرات عبرات تازه و خرم اولمز • و هیچ کس نک گریهٔ شوری حزم و سرو
بحرم اولمز بیت گوزک نیدر رسه باران محنت • امیدک سبزه زاری خرم اولمز • و هم
آدم علیه السلام بو اوله لرکه • خاتم الانبیا • حضرت محمد مصطفی • علیه التحیة والثنا یه التجا ایدوب
دیدیکه • الهی بحق محمد علیه الصلوة والسلام • بنم توبه می قبول ایله • حضرت عزت الاؤه
بیوردیکه سن محمدی نه دن بلورسن • ایتدیکه ساق عرشده اسم نامیسین سنک نام
شریفکه قرین گوردم • بلدم که اکرم موجودات • و اعظم مخلوقات اولدر مثنوی
اودر فخر جهان مقبول درگاه • اودر مسند نشین لی مع الله • شه ملک رسالتدر کاچ
فلکلر تختی انک تختگاهی • چون آدم مفخر عالم حضرتلرن شفیع ایتدی توبه سی
قبول اولدی چون آدم کرد روی دل بسویش • شفیع آدم آمد آب رویش
گر او گلدستهٔ بند گلشنش بود • نه آخر خوشه چین خرمنش بود • آدمک چکدوکی بلالر
و نهایت • و گوردوکی عنالره غایت یوقدر • جمله دن بری قابیل هابیلی قتل ایتدوکی
دم زیاده بحضور اولمشدی • و صورت حالی بو منوال اوزره ظهور بولمش ایدی
آدم حوا ایله بولشدقدن صکره • حوا ایکی نوبت حامله اولوب • هر بطنده بر پسر
و بر دختر وجوده گتوردی • هر بری قد و قامت چکوب حد بلوغه ایریدی • بطن
اولده ظهور ایدن • دختری بطن ثانیده وجود بولن پسره ویردی • اتفاقا قابیلک
همزادی اولان دختر که نامی اقلیما • ایدی حسن و جمالندن مهر و مشتری خجل و لطف و ذکاندن
انس و پری منفعل • عذوبهٔ گفتاری شکردن اعلی • و لطافت رخساری قمردن اسنا

والحاصل جملەدن مستثنی ایدی **مثنوی** جمالی مطلع نور ملاحت • جبینی مشرق مهر صباحت
اصلمش زلف مشکین کردنینه • کورن صانور کوترمش عنبرینه • و هابیل ایله قران
اولان قزکه اسمی لیوذا ایدی • خلعت حسن وجمالی دن معرا ایدی • آدم لیوذا یی
قابیله • واقلیمایی هابیله ویردی • قابیل بو امره قایل • و بو حکمه قائل اولمیوب
بنم همشیرم • خلوت خانهٔ رحمده بکا انیس ایدی • جملەدن بکا اقرب واولی در حسن
وجمال صاحبی در • سایرلردن • توامنه انسب واحری در • دیو نزاع اتدی آدم بیوردی
که حکم الهی بو وجهله صدور بولمشدر • بنم بو بابده اصلا اختیارم • و تبدیل و تغییره اقتدارم
یوقدر **بیت** حکم انکدر برانک حکمی یوز • هیچ مخلص نسنه یوق معلومی یوز **نثر** قابیل ایتدی
هابیله سندن ارتوق محبت ایدرسن • ادل اجلدن جمیلا ولانی اکا تعیین ایلرسن
آدم ایتدیکه اکر سوزمه اعتماد • و قولمه اعتقاد ایلمزسک • ایکی کوز دخی قربان ایلک
هر کیمک قربانی قبول اولورسه اقلیما انک اولسون • هابیل کلوب جملهٔ اغنامدن قربانه
اصلح • بر کبش املح ذبح ایدب • بر جای منیع • و بر محل رفیع ده قویوب حسن عقیدت
وخلوص نیت ایله ایتدی • اشبو ذبح اولان قربان • مقبول بارکاه سبحان اولمزسه
اقلیمای ترک ایدرم • و قابیل دخی بر دسته کندم کتوروب همان اول موضعده • وضع ایدب
اکر مقبول اکر غیر مقبول • قز قرنداشی ترک ایتمزم دیدکده • نا الفور بر آتش غیذانی دود
صوب فلک کبوددن • نازل اولوب قربان هابیلی محو ایدوب • بیرامی نذر قابیل اذیتی سوب
تدبیر هابیل موافق تقدیر واقع اولوب • قربانی مقبول اولدی • قابیلک کانون
درونی • نایرهٔ خشم وحسد ایله طولدی **قطعه** کیجه کوندز بنم نار بلاده • انوکم دایما
ایشی حسد در • ایل ایچون کندو جانن اوده آتن • جهان ایچنده غایت بی خرد در **نثر**
والحاصل قابیل حسام انتقام ایله بیل بغلیوب • کین اراده مکین اولوب فرصته ناظر
ودم سفک دمه حاضر اولدی • شول دم که حضرت آدم دم زیارت بیت المعموره کتدی
قابیل وقت فرصت • و زمان رخصت در • دیو هابیلک قیولی سردسی اوجنه عزیمت
ایتدی • کوردیکه هابیل • سر راحتی بالین غفلته قویوب یاتمش • وزورق حسن

وحرکتی

وحرکتی قعر دریای غفلته باتمش • خاکدن بر سنک قالدروب سر سعادت منزلنه اوروب
هلاک ایتدی • وجسم پاکن آلودهٔ خون وخاک ایلدی • هابیل کشته اولدی قابیل نیجه
ایده جکن بیلمدی • آخر اتی بر انبان ایچنه پنهان ایدوب • باپ او زارکبی ارقه سنه
اوروب بیابانه کتدی • نیجه ایام ولیالی علی التوالی سرکردان اولوب مسافهٔ بعید
قطع اتدی • آخر الامر بر کون کوردیکه • بر زاغ منقار وچنکالی ایله زمینی حفره ایدوب
بر زاغ مردهٔ انده دفن اتدی • قابیل دخی همان اول طریقه ایله • هابیلی مدفون قلوب
کتدی • وقتاکه آدم زیارت حرمدن مراجعت ایلدی • هابیلدن غیری نه قدر فرزندی
وار سه مراسم استقبالی رعایت ایلدی • آدم هابیله و هابیل آدمه زیاده محبت ایدردی
زیرا حلیهٔ قابلیت وجمال ایله اراسته • وزیور حسن وخصال برله پیراسته • جوان ادیب
وپسر لبیب ایدی **مثنوی** ادل جوان بر سر و سیم اندام ایدی • قدی کلکون خطی عنبر
فام ایدی • سوزه کلسه لعل تردن دردکر • کولسه کوللر خجلتندن در توکر • تاریخ
مزبوره کلنجه شیث متولد اولمامش ایدی • خبرده واردر که اجل اولاد آدم شیث نبی
ایدی • لمعهٔ نور محمدی جبینی مبیننده لامع • وچهرهٔ منیرندن ساطع ایدی **بیت**
بشر روهمه صورت بر دیوارند • نه چنین صورت زیبا که تو داری دارند **القصه**
آدم هابیلی کوره میوب • بهر نه قدر تفحص وتجسس ویرسش وتجسس قلدی نام ونشانی
پیدا • وخبر واثری هویدا اولمدی • ناچار اقدام اقدامه سوار اولوب یدی کون
یدی کیجه جبال وصحرای • واحتمال دیردکی ارای • کوچه کوچه جست وجوی • وکوشه
بکوشه تک و پو قلدی • بولمیوب متحیر وحیران ومتفجع وسرکردان قالدی **بیت**
شب من سیه شد از غم مه من کجاست جویم • بشب دراز هجران مکر از خلاب جویم • آخر
سکزنجی کیجه • واقعه سنده کوردیکه هابیل بر محلده دوروب • یا ابتاه الغیاث دیر
ایدی • یعنی ای بابا بکا مدد ایله • آدم که هول واقعه دن بیدار اولدی • وردنی
اتش حسرت • ودیده لری اشک فرقت ایله طولدی • جبرئیلی باینده کوروب
احوال هابیلدن خبر صوردی جبرئیل اتدی • ای آدم جبار عالم کندو عظمتی ایله سکا

تعزیت ایدوب • عظم الله اجرک دیوب بیوردی • یعنی حق تعالی بو مصیبتده سکا اجر جزیل • وصبر جمیل روزی قلسون اکاه اول که قابیل هابیلی هلاک
ایتدی • منزل ومقامن زیر خاک ایتدی • آدم که بو خبر دلدوزی • و بو حدیث جگر
سوزی کوش ایتدی • حلقهٔ دود آهن کوش فلکه منکوش ایتدی جبرئیلدن مزار
فاکن • ودفن جسم پاکن • استفسار قلدی • جبرئیل آدمی انک مرقد شریفنه ومشهد
منیفنه ایلتدی • آدم نقاب ترابی چهره همشدن رفع ایدوب کوردیکه ضرب سنکله
کشته • واعضاسی سراسر خون ایله اغشته اولمش • یوزین یوزینه اوروب بیت
اول شکل واول شمایل زیباسنه دریغ • خاکه دوشن بو قامت بالاسنه دریغ • دیو
نالهٔ جهانگیری • وفریاد آتش تاثیری فلک اثیره ایرکوردی بیت قالمیه بر دیده
بو درد یله خوناب اولمیه • اولمیه بر سینه بو آتش له بر تاب اولمیه • والحاصل اول قدر
کریه • وفغان قلدیکه • ملائکهٔ هفت آسمان • کریه کنان • ونالهٔ زنان اندیلرکه ای
اهل زمین • واسمانک پروردکاریا • بر هیچ کون ایدی که آدمک کریه وزاری
سندن قولاقلرمز آسوده اولمش ایدی • حالیا بینه انک نالهٔ زاری وآه
آتشباری • بزی فرسوده قلدی • الحاصل انک آتش التهاب آتش فرقتنه تسکین • و
اضطراب باب حسرتنه تمکین ویر • بزانک کریه وزارینه طاقت کتورمزز • ونالهٔ
بیقرارینه قوت بیتورمزز • فی الحال خطاب ملک المتعال • وارد اولدیکه ای آدم
جبرائیل • اجر صابران مصیبت دیده کان بجد • وثواب شاکران محنت کشیدکان
لایعد در • وامر ایلدم که یوم الجزا عذاب دوزخک نصفی تنها قابیله اوله • واکابر
ناسک بر ندن منقولدرکه جملهٔ اهل اسلام • متفق لردرکه سید الانام ادم حفیدی
اشرف وافضل واعرف واکملدر • قاتل فرزند آدمه بو مقدار عذاب وعقاب
مقدر اولیجق • قاتل فرزند رسول خدایه نه اولاجق در • صحیفهٔ رضویه ده محرر
درکه علی بن موسی رضا ابای کرامندن • نقل ایدرکه قاتل امام حسینک دست
وپای زنجیر آتشین ایله بسته اولا • وآتشدن تابوت اچنده عذابی لاینقطع و

دیکه بسته اوله • وکندودن بر رایحهٔ قبیحه پیدا اوله که • اهل دوزخ اول رایحه نک
شدة قباحتندن حق تعالی یه التجا • وانک رفع ودفعن تضرع ایله استدعا ایده لر •
بوکه کبی عذاب الیم • اول ظلیم لایق در که • نه جدی محمد مصطفی • ونه پدر علی مرتضی دن
حیا اتدیلر • ونه بو فساد که مقابله سنده • جزاء مکافاتدن ابا اتدیلر کنز الغرایبده
کلمشدرکه برکون فاطمة الزهرا حسن وحسینه یکی جامه لر کیدردی • خدمت حضرته کوندردی
وار قلرنده کریبان حسین زیاده مطار اولوب • کردن مبارکن صقمش • تکمه سن چوزدکده
کوردیکه • بغازنک صقدوغی یردن بر قزل خط پیدا اولوب • بو یلنکه ایرهسن احاطه
قلمش بیت کریبان بیری تاثیر ایلمش کم کورسه دیر • کردن سیمینه مرجاندر اولوبدر نانه
طوق نثر دقتی که کریبان کردن حسینه • مضایقه ویردوکین مشاهده قلدی • مشرب مسرتلری
مکدر • وایینهٔ مجلای خاطرلری • معبر اولدی • فی الحال جبرئیل حاضر اولوب • دیدیکه کردننده
اولان خط بو مقدار • الم چکرسن • برکون اوله کروه مکر واعدانک خنجر ظلم واعتدالری
ایله • بونی اول لقه . بو غلودغی یردن • قطع اولنوب • راس شریفی بدن لطیفندن
مفرز اوله • وبو عالم پر المدن • غم نامحصور ایله دار الملک عقبایه ایرشه • خواجهٔ عالم بو
خبردن پر غم اولوب کریان اولدی • بجه کریان اولمیه لرکه بو ماتم خانه ده . بوندن صعب
بلا معاینه اولنمامشدر • وبوندن مشکل عذاب مشاهده قلنمامشدر قطعه یاش یرینه
کیجه کوندر یر یدرقان اغلسه • چشم کردون بو بلاین ابتلای کورمدی • اولدی پژمرده
صو سزلقدن کل باغ نبی • بکسنه بو باغده برک وفایی کورمدی • رسم ماتم اشکارا اولالی
بو دهرده • کربلادن اوزکه بر ماتم سرای کورمدی انبیا مکرامندن ورسل عظامدن
بلا بر کرفتار اولانلک بری دخی نوح علیه السلامدر طقوز یوز اللی ییل
بلای بجد • وجفای لا یعد ایله • متألم اولوب • اول زمان قومنک کفتار بیهوده سن کوش
وشربت قهر زهر آلوده سن نوش ایدوب • ابلاغ پیام ربانی • واعلام اوامر سبحانی ده
دقیقه • رقیقه فوت ایلیوب • طرف مختلفه دن سبیل رشاده • وسبل منحرفه دن جاده سداده
دعوت اتدی کتاب تکمله ده • وارد اولمشدرکه • اوچ فریق خلقه مرشد طریق اولوب هادیه

ضلالتدن • زاویهٔ سعادته داخل • وزندان اخزاندن گلستان راحته واصل اولما
لرینه اقدام ایلدی • فایده منداولدی • هر قرنکه اهل بر جهلی اوج یوزییل صفهٔ
شش کوشهٔ جهانده عیش وعشرت ایدب • برکام اولدیلر • وشکرستان مساعدهٔ
زمانده • ذوق بهجت قلوب • نی شکرا عمار دن شهد کام الدیلر • آخر هر تاب خانهٔ
عللده • و دیرهٔ محنت مدار هر عمده • مدت مسافرتلری تمام • وزمان اقامتلری نهایت
وانجام بولنفین • فراش اجل تخت حیاتلرینی • وتلاع ثباتلرینی • دیار رحمته ایلتدی •
قایم مقام ابای سلف اولان • اولاد ناخلفی • دخی دعوت اتدی • هرکه انکا منندن
ایدی سوزین کوش اتدی • حضرت نوح ندا ایدب • ای قوم ضلالت کیش • وی طایفهٔ
نفاق اندیش • دار ایمانه داخل اولک • ودیار مغفرت یزدانه وصول بولک • دیو هر چند کر
نصح وپند اتدی • قطعا تأثیر اتدی • وایینهٔ دللرنده اولان زنک وشقاوت • ذرکات
غباوت • صیقل گفتار هدایت • اثار ایله کیتمدی • کوندن کونه بغض وعداوتلری شدت
ورشتهٔ ضلالتلری ممتد اولوب • اول باغ رسالتک درخت سدره تختنه اولقدر سنک
سنکین اترلر ایدی • که کاه برک وبار وجودی • اوراق خزان کبی خاک ایله یکسان اولوردی
وکاه جسم خون الوده سی • زیر سنک کرانده اولان یاقوت • رمانی کبی نهان اولوردی •
اول سنک دلان حضرت نوح هلاک اولدی دیو تصویر ایدرلردی • سرور نامحصور ایله دونوب
مکانلو مکاننه کیدرلردی بیت کوهر پاک کرک تا کم اوله قابل فیض • یوقسه هر سنک سیه
لعل بدخشان اولمز القصه فی الحال جبرئیل کلوب اوستنده خاک مزار کبی اولان احجاری
رفع ایدب • بر فراتله مسح اتدکده جسم زخم خورده سی صحت بولوردی • واستخوان شکستهسی
درست اولوردی بیت کوکلک شاد اولنجی کم ایرشه زخم • کور بنور چونکه انده صورت
رحم • حضرت نوح علی الصباح • انجمن اعیان کفار • ومجمع ذو الفخار اشراره دارب • ایلر
دیکرای قوم عناد آیین • وی طایفهٔ فسادکزین کلمهٔ توحید توبهٔ دهانده قالکجه سیابک
وجودکز • حرق ناردن خلاص اولمق میسر دکلدر • وامر ونهی رب العباد • واطاعت
وانقیاد • وبنم رسالت ونبوتمه اقرار واعتقاد قلینجه • ورطهٔ شقاوتدن • ساحل سعادته

ایرمک متصور دکلدر • اول کفار پر فساد وبی رشاد • وفجار بد نژاد تیره نهاد • کیرد
حله قلوب • کاه دست استکباری دراز ایدب سنک استنکار ایله ضرب ایدوب
جان پر الاس محزدن • وکاه کمان امتهاندن • تیر آزار اتوب • دل استهامن پر خون
ایدرلردی بیت الکا اتدکلری جور وجفانک • شب هجران کبی پایانی یوقدر • اول
حضرت میدان قضا وقدرده ثابت قدم اولوب • سپر رضاسی • روی حالنه چکردی
وهر انده بیک بیک بلایه • وشمشیر جفایه • تحمل صبر ایدردی • دیقینا بلمش ایدیکه بلیت
واذیت عین سعادت ورحمت در اول جهتدن دوستلرینه عطا قلور • ونعمت وراحت
سبب طرد وغفلتدر • انکچون دشمنلرینه رواکورر قطعه دستی باستین ولا اشنا بوده
کزدامن تیغم دنیا جدا بوده • ای که غفلتست همه ذوق وراحتست • وانجا که عشق اوست
بلا در بلا بوده • دلی صل اول قوم لوم آیین • نوم ضلالتدن اویندی • دکاشانهٔ دللرنه
قندیل هدایت یاقلدی • هر بری اولاد وصغارینه حضرت نوح بنان استحقار ایله کوسترب
بو مرد دیوانه نک زنهار وزنهار • مقالنه مائل وفریفته • وکفتار عجیب وغریبنه شیفته
اولمقدن • احتراز ایده سز که پدرلرمز دخی بحر بیهوده سن رضا ایله کوش • وعلام نصایحی
کام قبول ایله نوش اتمیوب • هر انده جور وجفا • دهر زمانده قهر وایذا قلمقدن خالی
اولمدیلر • کرکدر که سزدخی بهان اول منوال اوزره عمل ایده سز • ابا واجدادکز سلوک
اتدوکی طریقه کیده سز • دیوب کودکان ساده دلوک خط شقاوت صحایف بالنرنه
مرقوم • ونقش ضلالت لوح خیاللرنده مرسوم • اولماسن مراد ایدرلر ایدی • اتفاقا
برکون برصبی • نوح نبی یی کورب • شاید دقت فرصت • وزمان رخصت فوت
اولوب • ثواب وازادن دور • واجر وجزادن مهجور اولم دیوب • فی الحال زمیندن
بر سنک الوب • جناب نوحه اتدقده • ضربت سنکدن سر سعادت اثرنده مثال لاله شکاف
آچلدی • جهان دم کل رخسارنه ارغوان صچلدی • بو حال فجرت مالدن • دل دریا مثالی
جوشه • وزبان تضرع ابتهالی خروشه کلوب • ای کریم کارساز • وای رحیم بنده نواز
امواج دریای محن بجد • وافواج لشکر فتن لا یعد • بو ضعیف شکسته بالک • ونحیف

برکشته احوالک • نه قدر قدرت وقوتی اوله که ممانع ومدافعه یه طاقت کتوره بله
بیت دل زبون لشکر غم بی عدد • یا اله العالمین سندن مدد • رب انی مغلوب
فانتصر • وعکس قوایم عرش برینه • رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا
بناسن طاق رواق علیتیه ایرکوردی • عمان عمیم الفیضان عنایت الحمیدن بر
قطره متقاطر • ومهر تابان عظیم اللمعان • رحمت ناحتناهیدن بر ذره صادر اولوب
امر واجب الامتثال باری • بو منوال اوزره جاری اولدیکه • ای نوح برکشتی جهان کرد
اباد وای دنه مباشرت • وبر سفینهٔ دریا نورد تعمیر وبنیادنه مسارعت ایدوب
اولاد واحفاد • وذریتوکی • ودعوتکه اجابت ایدوب اهل ایمان اولان امتوکی • دیر
یوزنده موجود اولان نسنه دن بر جفت آفریده بی ذکر اولان کمی قویوب کوتور •
مدت قهرم منتهی اولنده انلری محفل نجاته یتور • فی الحال امر ذو الجلالی امتثال ایدوب
فلک فلکدن وسیع • وحصار کردوندن منیع • وسعت جریانده دورق بحر اخضردن
سریع • برکشتی سحاب بادبان • وشهاب ریسمان تعمیرنه • اشتغال اتدیکه • نه ملاح
روزکار • آینهٔ آبده مثلن معاینه اتمش • ونه سیاح شهر ودیار دریای مکوناته
نظری وصفن اشتمش ایدی • انجام واختتام بولدقده غمام انتقام قهاریدن امطار
دمار ریزان • وچشم زمین خشم رب العالمین قورقوسندن • بلوح کالانهار
کریان اولمغه بشلیوب • برطوفان عذاب پدید اولدیکه • جمله کفاردن بردیارده
بردیار قلمیوب • آب حمیم اغراق اولندیلر • مغاده التهاب نیران جحیم احراق او
لندیلر • اول سیه کارلر • جزای اعماله موافق • واول بدکردارلر سزای افعاله مطابق •
کرداب هلاکه • وعذاب الیم فاکه دوشوب • الم شدید • وتعذیب مزید ایله • ابد الاباد
نارده مخلد قالدیلر • کشتی نوح نجی الله ای روی آبده مانند حباب کشت ایدوب
جملهٔ عالمی طایف اولدی • زمین کربلایه کلدکده حرکتدن قالوب • واقف اولدی حضرت
نوح مناجات ایدوب • باعث توقفدن سوال اتدکده خطاب ایردیکه • سفینهٔ
اهل بیتی کمثل سفینهٔ نوح • بو جای محنت مدار • وبو محل مشقت قرارده نوح کرداب

خون اولسه کرکدر **ناقلان اخبار** مصایبی بو وجهله تقریر • ومنهیان آثار نوایبی بو
یوزدن تحریر ایدرلرکه • امام حسین مدینهٔ منوره دن رحلت • وجانب کوفیه
عزیمت ایلدکده هفت ساله بر دختر قمر پیکری وار ایدی • مریضه اولوب مشاق خط
وترحاله طاقتی • والام نقل وحرکته قدرتی اولمامغین • امام ایله همراه اولمیوب
امهات مؤمنیندن • مصونهٔ محترمه حضرت ام سلمه • اونده قالمش ایدی • لکن پدر فرخنده
منظرینک حالتی هر آنده تفحص واستقصا • وارام انتقالنی هر زمانده استفسار واستنبا
آلمکدن خالی دکل ایدی • امام عالی همم کربلاده شهید اولدوغی دم • بر زاغ کلوب
روان اولان اشیانه سی کبی قان ایجنه کیروب بوالندی • بال وپری وپای وسری
جمله قانه بویندی • جثهٔ خونینی طوطی آسا • ومخلب رنکینی پنجهٔ مرجانه دوندی • بو حال
ایله استعجال بال اچوب • مدینهٔ منوره یه واروب • خانهٔ ام سلمه نک دیواری کنارینه قوندی
شول دم که بال تیز پرواز افتاب اشیانه سی افقدن • پر وبال آچدی زاغ سیاه شب
بخاء زرین چکالی خوفندن • احتراز ایدوب قاچدی • قضای الهی برله اول سلاله مشکین
کلاه طشره چقدی • تیر نظری زاغ خون آلوده یه طوقندی • هر بال وپری کویا کوزینه
بر مصایب نامه کورندی • اهاندم جزع ایمانی سن • سرشک جزع برله پر ایدوب فزع
وزاری قلمغه آغاز اتدی • ونالهٔ جان کاهی کوش مهر وماهه ایرکوروب • درون
خانه یه کتدی • مخدرات حجرات رسالت یانینه جمع اولوب • ای شمع محراب امامت
وای قرة العین جسم قرابت • تقلبات زماندن نه حادث اولدی • که بو مرتبه ده کریه وناله یه
باعث اولدی دیدکده • زاغ خون آلودهٔ کوستروب بیوردیکه • خبر برکشتی نوح بوایلی
حالادی جبر کشتی اهل بیتی بوکتوردی • شویله فهم اولنورکه • کشتی اهل بیتی کمثل سفینهٔ
نوح • بو ابامده کرداب بلاده • وبو هنکامده غرقاب کرب وبلاده هلاک اولدی
ام سلمه تسلی ویروب ایتدیکه • بو واقعهٔ هایله • وتوعنک علامت کاملهسی • وبو حادثهٔ
بر غایله حدوثنک سمت شاملهسی واردر • امیددر که بو عقدهٔ مشکله • انامل تأمل ایله انحلال
وبو جراحت محصله مرهم تحمل برله اندمال بوله • زیرا نبی یانمده بر مقدار خاک کربلا

واردر • برشیشه ضمننده مضبوط • ودمانی مهر بندی محافظت برله بربوطه زجد بزرکوارک
بیور مشدر شول دم که امام حسین درد وبلا ایله کشته • وخون لاله کونی خاک کربلا ایله
آغشته • بوخاک پاک دخی بوتده قان رنکین نغلسه کرکدر • واحوال یتیم الی کورب اغلسه
کرک . بوبابده علما اختلاف اتمشلردر اقوال قاضی عیاسده کلمشدرکه رسول مجد
یعنی حضرت محمد • امام حسینک طف نام محلده یعنی کربلاده شهید اولجاغن خبر ویردی
ودست مبارکی برله برمقدار خاک جقرب • یعنی انک مرقد مطهری • ومشهد منوری بوتراب
معطرده اوله کرکدر دیو بیوردی امام یافع کتاب مرآت جاننده کتورمشدرکه امام همام
بجلی حضرت احمد بن حنبل مسند احمد دیمکله مشهور اولان کتابده خادم سید الانام
علیه السلام • ومخدوم علمای عظام • انس بن مالکدن • روایت ایلرکه • موکل سحاب اولان
ملک حجره طاهرهٔ حضرت رسالته کلوب امام حسینی کوردکده • ایتدیکه • بو پسر فرخنده سیرکه
مزید تملق • ووفور تعلق • برله محبت ایدرسن • سنک امتک کرمای صحرای کربلاده آتش
عطش ایله • دل وجانن یاندرسه کرکدر • آخر الامر حرب خنجر آبدار ایله • شربت شهادت
قاندرسه کرکدر • اکر فرمان اولورسه شهید اولجغی مکانی کوسترم دیوب • ید تصرف اولمقدار
دراز ایتدی که زمین کربلایه ایردی • اول محلدن برمقدار قزل توپراق الوب حضرته
ویردی • انلر دخی ام سلمه یه تسلیم ایدوب • برشیشه ایچنه قویوب پنهان اتدرمشلردی • اول
دمکه امام قتل اولوب خون کلکونی . زمین کربلاده روان اولدی • حمن شیشه ده اولان
خاک دخی قان اولدی شواهد ده ام سلمه دن منقولدرکه • برشب حضرت رسول بنم یاتدیغم
خانه دن جقوب • برجانبه روان اولدیلر • بردمدن صکره کیسوی مسک باری ژولیده
وجسم تابداری ژولیده غبار آلوده • مراجعت قلدقده ایتدیکه • یا رسول الله بو نه
حالتدرکه مشاهده اولنور • ونه مالدرکه معاینه قلنور • ایتدیکه دیار عراقده کربلا نامی
ایله مسمی اولان • جای پر افتراقده حسینک مشهد جسم پاکی • ومطرح خون پاکی کوسترد یلر
جمله اولاد • واحبابنک • واقربا واصحابنک قانلرندن الدم • الحقله دیو بکا ویردی
قزل توپراغ ایدی الوب برآبکینه یه قویوب • اغزن محکم بغلادم • شول دمکه امام قبلهٔ

طاعت

طاعت جانب عراقه کتدی • یعنی الام سوی حضور حفظ او زره ترجیح اتدی • بن دخی
اول شیشهٔ مرتبه • چقروب • دم بدم نکاه ایدردم • ایا بو راز نهفته نک مالی نه منجر
اوله دیو کریه وآه ایدردم • روز عاشورای پر سوزده کوردم که شیشه نک درونی
خون اولمش • بلدمکه احوال اهل بیت دیکرکون اولمش • راوی بخن اول ایلر که اول
وقت دختر امام • اندیشهٔ شیشه ایله اب پر جوشی کبی • انقلاب واضطرابه • وموی آتشی
دیده کبی پیچ وتابه دوشمشدی • ام سلمه شیشه • چقروب کوردیکه • اول خاک خون اولمش
بلدیلرکه • اول سرحلقهٔ بزم حقیقتک • وپیمانه کش • خم خانهٔ وحدتک • صاغر حیاتی بادهٔ
ممات ایله • دولمش پس هر بری شیشهٔ صبر وسکینتی زمین ضجرته اوردی • صدای آه وفغان
نه قبهٔ اسمانی • یا نغلندردی قطعه لمنشیه یارب ندن که بویله بو عالم خراب اوله • بحر زلال
آل محمد سراب اوله • اول سرو بوستان ولایت دوشوب یره • لایقمیدرکه منزلی انک تراب
اوله • یا رب ندن دل جکر کوشهٔ رسول • نار مصیبته دونه دونه کباب اوله • بوینی انک که
بوسه که مصطفی ایدی • تیغ جفا ایله اکه خون علاب اوله • کلزار فخر عالمه اول کل که آل ایدی
خون ایله لاله وش نه روا خضاب اوله • جامی قوا اعتراضی که حقک اراده تی • اولمکم بوموجب
اجر وثواب اوله • فردوسده ایروب درجات رفیعه یه • قرب جناب اقدس ایله کامیاب
اوله • جنات عدن ایچنده تماشالرایلکه • بنوب براقه جدی ایله هم رکاب اوله نثر ابنیای
معجزنشان • واصفیای ساطع البرهان • سهام ابتلای الهی یه • وحسام زرایای محنت
سپر وشان اولنلرکه • بر دخی بانی بنای کعبه وحطیم • یعنی حضرت ابراهیم • درکه اکا
خدای ملک جلیل خلیل دیوب آکنه خلعت کیوردی • وانبیا واصفیا بینینده رتبت
عالیه ویردی • ارباب عرفانه معلوم • واصحاب وجدانه مفهوم درکه • بوکلزار فناده
کل وصلت بی خار فرقت میسر دکل • وبو دیار پر غباده شور محبت بی سوز محنت متصور
دکلدر بیت جهانده بی تعب اقبال اولمز • مثلدر بو بلاسز بال اولمز نثر حضرت خدا جل
وعلا • صدیق اخلاص مالک • برینی عطایای بلا ایله ممتاز • وهدایای عنا ایله سرافراز قلسه
منظر نظر عنایت • علیه سبحانی • ومظهر اثر رعایت صمدانی • اولوب محنتی محبت بلور • درج

مطلب حضرت ابراهیم
٤٢

ایرسه کویا کنج بولور قطعه طریق عشق جانان جز بلا نیست • زمانی بی بلا بودن
روا نیست • اکر صد زخم از وبر جانم آید • چو تیر از شصت او باشد خطا نیست •
افرین اول اکا بردینه • وتحیین شول ارباب یقینه که • نحن نفرح بالبلاء کما یفرح اهل
الدنیا بالنعم • مفهومی حرز جانلری • دورد زبانلری بیدر • زیرا بلا بر صیقلدر که کوکل
آیینه سن غبار هوادن پاک وصفا • وزنکار لذات ماسوادن مجلا ایلر • ومحنت بر
کحل الجواهردرکه • دیدهٔ بصیرته • سبل خلل عللدن مبرا ایدب • لایق مشاهدهٔ دیدار خدا
ایلر مثنوی هرکم اوله دردعشقک محرمی نیشی نوش اولور جراحت مرهمی • ایله دیدی عشق
جسمک زرد وزار • اینکک التون ایلدی اکسیر وار • منبئان اخبار ابتلای انبیا
ومخبران اثار بلای اصفیا • بو وجهله تقریر ایدرلرکه • چون اتش نمرود اشتعال بولدی
وخلیل جلیل القدر منجنیقه قویلدی • دیدیلرکه • اتش پرتابه پرتاب ایدهلر بو حالدن
زمین وزمانه دلوله • وانس وجانه غلغله دوشوب • جمله حمله عرش وسکنهٔ کرسی کروبیان
وسایر ملائکهٔ مقربین نالان اولوب جملهٔ عذار تضرعی درکاه حضرت باری سمتنه
طوتوب • ایتدیلرکه • ای خالق کون ومکان • وای رازق انس وجان • اهل عالمدن
واولاد آدمدن • سنی کمال وحدانیت ایله بلور برقولک واردر • انی داخی اتشه یاقی
استرلر • بیورکه خلاص ایدهوز • فرمان ایردیکه وارک اکا نظار اولک استمداد
استرسه معاون اولک القصه کلدی حضرت ابراهیم سلام دیردی خلیل الله رد
سلام ایدوب بیوردی • سزکم سزکه بو تنها دلیکه بو نجلیین شدت زماننده • دونک
کبی محنت اوانده کلوب سلام ویرسز • ایتدی بن موکل ریاح اولان ملکم کلدم که سکا
غمخوار اولم • وبو بند بلادن خلاصکه مددکار اولم • اکر فرمان اولورسه • عسکر بادهامر
ایدهیم • جمله جمرات سوزانی • وشرر شرار نیرانی • برندن قالدروب • نمرود مطرود وک
توابع ولواحقنک مسکن حضورلرینه • ومامن سرورلرینه ایلدوب • معمورهٔ خان ومانلرین
یقوب • ومقصورهٔ دار ودیارلرین یاقوب • برباد اندوریم حضرت ایتدی
شولکه نکه مسند وپناهی بارکاه ملک علام • وملجأ وملاذی درکاه واهب المرام

اوله غیره اعلام مرامدن مستغنی در • ملک الریاح قالقوب کتدی عقبنجه
نزول ایتدی • واتیدی • ای خلیل رب الارباب • شراب سحاب ایک زمام زمام
وقراری بنم قبضهٔ تصرفمده • دربیورملورسه قطرات بارانلهٔ جمرات سوزانی سوندوره
لر • واسکازمین اسا آب غرق ایده بعده • تقدم ایدب ایتدیکه ای صاحب
خلت • ویپدرملت فرمان اولورسه جبال بابل طایفهٔ نمرود یلرک اوزرینه حواله ایدوب
وجود بی خودلرین نهالحال ارده حوره نوله ایدهیم انک اردنجه • کلوب حمله طبقات
ارض • بالطول والعرض • زیرحوزهٔ حکومتمده در • اول حضرته اتدی بیورسن • اراضی بابل
اشارت ایدهیم • اول قوم مغبونی مانند کنج قارون یره کچوردسون دیدکده • جمله سنه
خطاب ایدب ایتدیکه • خلوا بینی وبین حبیبی • امروم مهر وجهله بن اکا تفویض ایلدم
اولدره یا درکوره فرمان الکدرر • ای انک جلادن صکره • کلدی شول زمان
ضیقده که اول حضرت منجنیق دن آتلوب جزیرهٔ اتشه قریب اتدی • ندا اتدی که
ای خلیل هل لک حاجة • بیوردیکه • اما الیک فلا • جبرئیل ایتدی امیدوار اولدغک
یردن بچون طلب اتمزسن بیوردیکه • علمه بحالی حسبی عن سوالی مثنوی نه لازمدر
که عرض ایدم مرادم • انک معلومیدر ما فی الفوادم • زبان بی زبانه واقف اولدر
رموز کاینانه عارف اولدر نظم ارادات جهان حکمکار اولدیلر یفعل الله مایشاء
ویحکم مایرید نه اتش نمرود دن شکایت • ونه سوزدلدن برسوز روایت ایلدین
بیت حاشا که بن شکایت نمرود دون ایدم یا خود حدیث قصهٔ درد درون
ایدم نثر بو اثناده • جناب رب الاربابدن خطاب ایرب • یا نار کونی بردا وسلاما
علی ابراهیم • یعنی ای اتش جون ابراهیم کندو طبیعتندن چقدی سن دخی مجبول اولدیغک
حالدن چق • سرد وسالم اول • وجون بزه دوست دیدی • دوست دوستی یقیق
لایق دکل دیوب • اول حضرتی راه صدق قدن دار الملک سلامته داخل • وطریق
فلتده حمای حمایته واصل اتدی بیت دیرایسک خار امید وبره کل • بلایه صبر قیل
حقه توکل • هرکه بلایه صابر وشاکر اولوب قضایه رضا دیردی • لاجرم کلخن محنتدن

کلشن راحته ایردي مصرع هرکمی درده کرفتار اتسه درمانن دیور ◦ آتش سوزانی
عین کلستان بولدی خلیل ابتلای بری دخی ذبح اسمعیلدر حق تعالی نص تنزیلده
قصهٔ اسمعیلده حضرت خلیل ◦ مطیع فرمان جلیل ◦ اولاد وغندن خبر دیروب بیورر
ان هذا لهو البلاء المبین ◦ بو بر بلا ایدیکه امتحان خلیل ایچون بیدا ◦ وار عیارِ صدیق
ایچون هویدا اولدي ◦ تاکم محبان راه آله ◦ ومقربان درکاه ◦ متنبه وآکاه اولەلرکه
دعوی محبت قطع پیوند فرزند ومال انمنجه صحیح اولمز ◦ ومدعای صداقت ترک حب
جاه ◦ وجلال قلمینجه صورت بولمز شعر خون ریز بود همیشه درکشورها ◦ خونابه بود
مدام در ساغرها ◦ واري بسرها کرنه دورازما ◦ مادوست کشیم وتونداري بسرها
نثر برکون اسمعیل پیغمبر صید وشکاردن عودت ایدوب ◦ شهره داخل اولورکن
اثار راه شکارکاه آینهٔ رخ رنده اشکار ◦ وتاثیر تاب آفتاب چهرهٔ جهان
افروزنده ◦ بدیدار ایکن ◦ اتفاقا پدر بخجسته پیکری ابراهیم پیغمبره ملاقی اولوب ◦
قمر راهدن کذر اتدی ◦ اول حضرت دوروب بسار جنبدنه ◦ دیدهٔ دقت ایله نظر
اتدی ◦ بر رخسار زیبا کوردیکه ◦ مثال کل خندان کلکونهٔ لطافت ایله محلی وبر
قد بالا تماشا قلدیکه ◦ مانند سرو روان ◦ موزون ودلارا ◦ آهوی چشمی هزار
شیری شکار ◦ وکفتار شیرینی بنجه خسرو فرهاد ◦ زار ایدردي قطعه هرکیجه کم عرض
دیدار ایلسه اول افتاب ◦ سر بسر انوار غرق ایلردی جمله عالمی ◦ طرهٔ مشکینک برتارن
آچسه باد صبح ◦ بوی عنبردن پر اولوردي مشام آدمی نثر اول جمال باکمال واول
یال وبالی مشاهده ایلدکده ◦ سلسلهٔ مهر ومحبت پدری متحرک ◦ ورشتهٔ میل
والفت بشری متشبک اولوب ◦ همای دل همایونی ◦ اول شهباز شکار ایده صید یعنی
سلسلهٔ پیوند فرزند اول حضرته قید اولدي مصرع چون محبت رونمود اسباب
محنت سازکرد نثر چونکه بهار کلزار محبت آچلدی ◦ شکوفه زار حضورنه خار بلا چقلدی
بیت آچلدن سبزه زار چرخده وردِ نهان ◦ کسه بر کل کورمدی اکه قرین اولمیه
خار ◦ شول دمکه اول افتابک انوار تماشاسیله کاشانهٔ دل وجانی طولمش ایدی

بحر اخضر نیل کونده ◦ نیلوفر خورشید ◦ غایب اولمغه قریب اولمشدی مثنوی چون ایروب
شب مه اتدی عرض دیدار ◦ بو طاق لاجوردی اولدی زنکار ◦ چراغ مهری کردون
فلکی بنهان ◦ یخونمک شمعی بربر اولدی تابان نثر اوکیجه حضرت ابراهیم بر مقتضای
عادت ◦ بعد ادای وظیفهٔ عبادت ◦ سر سعادتن بالین استقامته ◦ قویوب
خوابه واردي ◦ کوش هوشنه عالم غیبدن ◦ بر خبر لاریب ایردي ◦ که ای خلیل چون
بنم راه محبتمده دعوای صداقت ایده سن ◦ قلادهٔ فرزندی ◦ کردن جانه پیوند
ایدوب ◦ بیلدرسن بلمزسن که بیت کر بزم عاشقم غیره بقه ◦ عالمی غیرتم اوده یقه ◦
امدی اکر بکا عاشق ◦ ودیولده صادق اولوب ◦ زلال وصالمه تشنه ایسک رشتهٔ
جان ستانکی تیز ایله ◦ وفرزند دلبندک حجی کلوسن ◦ خون ریز ایله بیت داری
سر یوسف پدر از هر چه عزیز است ◦ کین تحفه پس از دست بریدن نتوان یافت ◦
ابراهیم بو جوبک سطوتندن ◦ وبو خطابک هیبتندن ◦ کانون درونی آتش اضطرابله
طولدي شمع کردار هزار سوز کداز ایله خوابدن ◦ بیدار اولدی ◦ علی الصباح ماجره
دیدیکه ◦ ای مادر اسمعیل اوغلک ایله ◦ بر دوستک ضیافت خانه سنه کتسک کرکدر ◦
آنی پیرایهٔ خلعت فاخره ◦ وکسوهٔ ظاهره برله محلی ایله ◦ وروی وموین کلاب
نابله ◦ یویوب پاک ومطرا ایله مثنوی شانه کن مرغول زلفش از کلاب ◦ کرد
بنشان راز رخ چون افتاب ◦ اندک آرایش مکن بسیار کن ◦ هرچه بتوانی همه
درکار کن ◦ هاجر امر شریفه ◦ بی تحاشی دنکاسل هزار رغبتله تقبل ایدوب ◦ روی
آبدارین کلاب آمیز ◦ وموی تابدارین ◦ عنبر ریز ایلیوب ◦ نرکس شهلالرین کحل
ملاحتله مکحل ◦ وسنبل مشکبوین کلبرک سوري اوزره مسلسل قلدی اول
کل کلبن رسالتی غنچه مثال ◦ قت قت مجزو معطر جامه ایله تزیین اتدی درخشنده
خالدارین ◦ ادیوب ◦ وطرهٔ مشکبارین قوقولیوب ◦ ایتدی ای فرزند عزیز دای
پسر صاحب تمیز مجلسنی فنفی ضیافت خانه ده مهمان ◦ ایلرکه کیسوی پریشانکدن
شامهٔ جانه ◦ اثار رایحهٔ جهان کلور ◦ ودیانیجه مجوده شمع تابان ایدرلرکه خال

عذارکدن سینهٔ سوزانمدن علایم داغ حرمان کوریور **قطعه** فرقتهٔ صالمه بنی ای ماه
تابان کتمه کل رخلرکدن روشن اولسون چشم کریان کتمه کل فروریرکن بزم
جانه رخلرک ای نور پاک غیر صحبت کاه اولمه شمع تابان کتمه کل کتمکه عزم ایلیسک
بارنجه جان اولور روان کیمینجه جان بزمدن لطف ایت ای جان کتمه کل قالدم
آتقده حمان ای سایهٔ لطف اله حالمی زلفک کبی اتمه پریشان کتمه کل کل کبی ارام قل
ای سرو باغ اعتدال سایه دوش اتمه بنی خاکیله یکسان کتمه کل **نثر** حضرت ابراهیم هاجره
ایتدی که بیله الوب کتمک ایچون کاردورسن احضار ایله هاجره بوکارک آخرین
تأمل ایتدی بحر حیرته توغل ایتدی بعد زمان باشن قالدرب ایتدی ای خلیل
الله لطف ایدب بوحالک ما لذون بنی آگاه ایله که کارد الت قطع دیجر اندر ضیافت
خود باعث مواصلت یار اندر ورسن سبب تعب قید وبند زنداندر محبت دیجی
وسیلهٔ اغلال عقدهٔ درد منداندر بو محلده کارد ورسنک مناسبتی اولمدیغی ارد
وبو خصوصه علام موافقی مبیندر حضرت خلیل شاید قربان اتمک لازم دیوب ماجری
تبلیغ اتدی کارد ورسنی الوب اسمعیل ایله همراه اولوب کتدی ابلیس پرتلبیس بو
کارنا کزیردن خبر اولوب کندنی خیسنه خطاب ایدب مادر شفقت اثر پسر
قمر پیکرینه بالطبع کثیر المیلان اولور وطایفه نسانک حبایل حیله ایله اصطیادی وادنی
وسیله برله افسادی آسان اولور دیدی دخی وارب دهان نیرنکی وزبان روان
پررنکی درکار ایدب صورت حالی سبیداج مکر وحیلت ایله تحلی وعذار
مالی گلکونهٔ عذر وخدعیت برله مجلی ایده رک اوله که بونلره برنقش کجم دیوب
بر پیر منحنی صورتنده هاجره وارب ایتدی ای هاجره هیچ بلورمسن که ابراهیم بعض
اول بر تجربه منتظر ایله قنده کتدی ایتدیکه برصدیق صادقک خانه‌سنه وبر رفیق
موافقک کاشانه‌سنه کتدیلر ایندیکه اول ای برمحله ایلتوب حنجرهٔ نازنیننه
خنجر آهنین اورماغله نادوان سیم نابدن یاقوت مذاب اقتسه کرکدر سعی
باشن کسوب جوی کلکون سندن اقن قانله جهرهٔ شمس بیماسن حمرنک لاله احمر اتسه

گکد

گکدر **نظم** ایتدی ای پیرنه تدبیر عجبدر اکرسن ابلیس شریر اولیه‌سن خلیل کبی پدر
اسمعیل کبی پسره بی وجه قصد ایدب نو بادهٔ گلستان خلقتی وکلدستهٔ بوستان
ملتی فلک هلاکه صالمقدر طور عقلادن دور ودرویش فضلادن مهجوردر ایتدیکه
ای هاجر عالم مثالده حضرت عزت فرزندکی بوم یولده قربان قل دیو فرمان ایلدی
دیوب بوامر خطیره اقدام ایدر خواب خیالده ظهور ایدن کفتاری برهان قاطع
وعالم مثالده صدور ایلین اثاری دلیل ساطع ظن ایدب طریق رشادی قویوب
مضیق فساده کیدب بو خیال خام ایله همدست وبو جام انکار ایله سرمست اولمشدر
قطعه ایچوردی جام غفلت ساقی خواب اولیدر نشاسندن مست وبی باک
انکچون ایلیوب اقدام جرات دیلر اول سروی ایده سایه دوش خاک **نثر** هاجر عقابله اخطا
ایدب ایتدیکه حاشا خلیل اللهدن کذب صادر اوله اکر فرمان یزدان بوجمله
جریان بولدیسه جان هاجر واسمعیل فدای فرمان حضرت جلیل اولسون **بیت فارسی**
مایم ویک جان درجهان آن هم فدای دوست به وزهر جهت اندر جهان مارا
رضای دوست به **نثر** ابلیس مرید هاجردن نومید اولوب خایب وخاسر منفعل ومنکسر
عودت ایدب خلیل پیغمبره ایرشوب دیدیکه هزار جان مقدس ابدی مقبول اسمعیله
قربان اولورکن مناسب دروادکلدر تیر خاکی کرد رخشک وخونینی لب بیابان قوه
دفنایه پرتاب ایده سن دنیجه ارواح پاک اول شمع دودمان بونک شوقیله
پروانه وار سوزان اولورکن لایق وسزا دکلدرکه باشن کسوب دیدهٔ تابناک
اولو الابصاری بی خود وبی تاب ایده سن زندهٔ مرده اتمک اساندر مردهٔ
زنده ایله قادر ایسک عالم مثالده واقع اولان شک وظن ایله کندوکی دام بلایه
کرفتار اتمه که صکره پشیمان اولیه‌سن ومرات خیالده کورنن صورت ریب وکمان
ایله جانکی کرداب رنج وعنایه اتمه که آخر حیران وسرکردان اولیه‌سن **بیت**
شوکم برایش ایده بی فکر واذعان اولور البته صوکنده پشیمان **نثر** حضرت ابراهیم
آنی بلدیکم شیطان رجیم در تیر استعادهٔ کمان لاحوله قویوب اول جانبه پرتاب ایتدی

عزازیل پرحیلهٔ فاجر حضرت خلیل اتروغی تیر ایله متأثر ومتزجر اولمایوب ابتدی
ای ابراهیم واقع اولان واقعه شیطانیدر متصور میدرکه حضرت خدا ابلا ذبح
قتل نفسه رضا ویره بیوردیکه سن شیطان سن ومردود بارگاه یزدان سن سرار
نامتناهی الهیده نادان سن سنک دست اغوا واضلالک جامهٔ عصمت انبیا اذیالنه
ایرشمکدن کوتاه وانلر قتنده اتدوکک حیله سازی وشعبده بازلغک جمله تباه در بنم
کوردکم خواب رحمانیدر اوامر سبحانی مشتمل حکمت نهانیدر بنم کارکردارم فرمان رب
العبادهٔ کمال انقیاددر ابلیس تیدی متمدی الک کبی عاقل وکامل فرزند دلبندک شعلهٔ
شمع حیاتن تندباد اقدام ایله منطفی ایدرسن وبونک کبی هوشمند وفاضل جوان
سعادتمندک طومار عمر وثباتن ابهام اهتمام برله منطوی ایدرسن **بیت**
باغبانا گر زسر وخویشتن خواهی برید اذ لازبی رونق جوبیار اندیشه کن **نظم** یاد ایله
اول ایام مصیبت انجامی که ماتم ایلسک گرکدر واک شول هنگام محنت ارتسامی که غم
یسک گرکدر وزبان ندامت ایله بو معنوی دیسک گرکدر **بیت** طولیدی کنتدی عمرنه
خونجه جوان ایدی ارام جان راحت روح روان ایدی **نثر** حضرت ابراهیم کلمات
پرتدلیس ابلیسدن فوق الحد بحضور زد منفعل واتش خشمی مشتعل اولوب دیدی ای مردود
مطرود اولدم که اتش نمرود اشتعالده ایدی منجنیقدن بنی اکا پرتاب اتدکلری
حالده جبرئیل امین که بدرقهٔ مقربان درگاه رب العالمین در امتحان ایچون عنان
توکلی جادهٔ توجه حضرت حقدن منحرف وزمام تبتلی عزم جناب جواد مطلقدن
سمت اخره منعطف قلمق استدی انک گفتاری بکا قطعا اثر المدی وسودای اخر
هویدای دلده پر المدی سن که مردود درگاه حضرت ومطرود بارگاه عزت اولمش
سن اتش فراق فرزند ارجمند ونار اشتیاق پسر شکرخند دیو پیدا اتدوکک مشعل
دروغ حیل فروغ اتش سرکش نمرودن برشراره دکلدر الکلبنی یولدن چیقرمز سن
اگر کوکب علاد ناهید طلعت وخورشید رو وعطارد فطنت وهلال بر وفرزند
دلبندم اولسه جملهسن هلاک ایله دیو امر الهی صادر بولسه بحق جلال ذو الجلال جمله

سنک ماه عمرین سیاه ودکام زندکانیلرین جام مدام مرگ ایله تلخ ایدردم **بیت**
درضمیر ما نمی گنجد بغیر دوست کس هردو عالم را بدشمن ده که ما را دوست بس **نثر** ابلیس
خبیس وسوسهٔ خلیل جلیلدن محروم اولوب حضرت اسمعیل یانه واروب اظهار محبت
ایدوب کالسم فی الدسم حرف علتی کلمهٔ نصیحتده مدغم قلوب درلو درلو تلطف ومهربانی
وتعطف واعانت رسانی عرض ایتدی دایتدی ای درج سعادتک گوهر پاکی وبرج
سیادتک اختر تابناکی هیچ بلورسن که باباک سنی قنده ایلدر ایتدیکه بردوستک
ضیافتخانه سنه ابلیس ایتدی زهی تأسف ودریغ ودخی مدت تلهف بلیغ ایلدکدنصکره
ایتدی ای جوان نازنین حاشا که سنی ایلدب مهمان ایلیه مقرردر که وارد قله دست
وپایکی محکم بغلایوب قربان ایلیه زیرا واقعه ده اوغلکی قربان ایله دیو فرمان
اولندوغن تفهیم اتشدر انکچون بوامری حیله دن تعلیم اتشدر اماکر شویله
اباقت ایدوب بندبلادن خلاص اولمق یانکده جایز اوله سنی برخلوت خانه ده
پنهان ایده یم که باباک عالمی سرابسر جست وجو قلسه بولمقده عاجز اوله حضرت
اسمعیل تیدیکه ای بیرنلی تدبیر بو نیجه رای سخیف وفکر ضعیف درکه ایدرسن بکا پدر
مهربانمدن شفیق مسن هیچ اولورمی که بو افسانه ایله بابامی ترک ایدیم وقدم جرات
ایله سرحد ادبدن طشره کیدم هرکیمک که قدم محبتی طریق اخلاصده راسخ وبرقرار
در بونک کبی کلمات فاسده ایله متزلزل اولمز وعلم صدق ومودتی مرکز اختصاصده
مرکوز ومستواردر بونجلین ترهات بی فایده ایله یرندن متحول اولمز **بیت**
شول اردن ادم وفای که راسخ جبل کبی ایرمیه دکه صرصر ایله انقلاب اکا **نثر**
اگر بنی قربان ایچون فرمان حضرت قدیم وقدیر وامر ملک العلی الکبیر صادر اولدیسه
هزار جان اسمعیل فدای فرمان جلیل ونثار تیغ جلیل اولسون **بیت** یوزم
دوندرمیم بیک کز اورسه تیغ بران بکا عید اول زمان اولور که قربان ایلیم جانی
حکم جلیل راحت روحمدر وامر خلیل سرمایهٔ فتوحمدر **قطعه** دلدار بمن گفت که
خونت ریزم گفتم شرف منست ازان نگریزم یک جان چه بود هزار جان بایستی

تا کی کشد وبار دکرمی خیزم • ابلیس حیله اثار کفتار خدع شعارین تکرار ایلکه قصد ایتدی
بیت محل نزا ایله کفتاری تکرار • دیشلردرکه المکثار یهذار نثر دیوب نخوای کلامندن
پدر عزیزندن جنزدار اتدی • حضرت ابراهیم • بیوردیکه • مردود درکاه آکه ابلیس روسیاه
در • ابلیس ایدوکن استماع اتدی • صاندم مجتنب اولوب سوزندن امتناع اتدی •
واول خاکسار روسیاه سایه کردار • یانجه سوزلکدن منع اتدی • ممنوع اولماغین
سنک زاندی • وایتدی ای لعین بی دین • دی مردود شیطنت آیین • امر مجلده دن
باش چکدوکک ایچون طوق • ان علیک لعنتی • کردنکده قالدی • شمدی بکا دخی بو امره
بوین دیرمه دیو وسوسه دیررسن • مرادک بودرکه کردن جانمه طوق شوق • اندکان
صادق الوعد • دن محروم اوله دیدکده • پدر وپسر شانام محله ایردیلر ابراهیم اسمعیله
اوکنه دعوت اتدی • ورسن دکاردی استیننون جقروب اوکنه قویوب ایتدی
ای اغل تحمل قرب الحق • ی تحمل بلای نامتناهی بیردکلر • وتنول شهد ولابی تجرع زهر
عنا متصور • دکلدر • اکرچه بوسپهر لی مهرک • دونده دونه دست بر دل کوربسجر ایدب
طوررم • دبو دهر بر قهرک کونه کونه محنت ودردن چکوب جانه جر ایدب طوررم •
لکن همر مه بربلای عظیم • باشمدن کذر اتدی بیت بوزدی کندو الوحیابجه پاره لیم •
یا جکرکوشمی تیغله نجه پاره لیم نثر واقعده فرمان اولدیکه تیغ بران ایله سنی قربان ایلیم
داتش هجران ایله دل نالانی • بریان ایلیم بیت حسرت یار فرقت دلدار • حالت نزع
رو حدن دشوار • ر اسمعیل کمال الطاعت بر له • یا ابت افعل ما تؤمر دیدی یعنی ترجمه
ایله فرمان هر نه ایسه اشته کردن اشته تیغ • تاکم سربازان میدان محبت یانده حسن
عقیدتم • وخلوص نیتم • مقرر ومحقق • وکردن فاخته • روح فرخ • طوق طواعیت برله طوق
اوله • فرزنده بدل بولنور • خداونده بولنمز بیت مرا سرنیست که خواهم فدای پای تو
کردن • قبول کن که جز این پایه دستگاه ندارم نثر حضرت ابراهیم دیدیکه ای جان یرغلان
لذیذ • وی عمر کرانمایه دن عزیز اد غول • اکرو هیچک واریسه بیور که محل حصول دسرحد
قبوله یتورین • ایتدیکه اولا دست وپایی محکم بند ایله • ایتدیکه یا اسمعیل قربحضرت

عزته کیدرسن جزع وفزع می ایدرسن • ویبو دیکه کاردتیز کردن ضعیفم خون ریز ایله که
دمده شاید صورت تردد وانقلاب ظهور ایدب • نامم جریدهٔ صابر ینده مقید دکلکوبه
اولمق • ودست ودامنکزه قانم بولشوب • بویله ادبلک سببی ایله • زمرهٔ ابرارده ن
محسوب اولمق بکا میسر اولمسه سزه وصیتم اولدرکه قربان ایدجک زمانده یوزمی
خاک اوستنه قویه سن • زیرا هر بنده که کندوی لمقدار حور وادنی ایلر • حضرت عزت
رتبت ومنزلتن • اولقدر اعلا ایلر • امدی رویم غبار الود • وجبینم خاک ایله فرسوده
ایده سن • تاکم باعث مغفرت • وثواب اوله • ویا باتک اوغله محبت جبلیسی مقرر در
قورقرم دم ذبحده یوزم کورب شفقت پدری حرکته کلوب • قتلومی تاخیر ایده سن
واول تاخیر عین تقصیر واقع اولوب موجب عتاب اوله بر وصیتم دخی اولدرکه بن سز
اره وارد قلده • والدم بو حاله واقف اولوب • سوز آتش فراق • وحرارت شعلهٔ
اشتیاق • جانانه کار ایدب صدای آهی قبهٔ افلاکه • ودای نالهٔ جان کاهی سمک
سماکه ایرکرسه کرکدر • زنهار وزنهار کلمات • درشت وسخن سخت بر له کلم ایله سز
شاید مرات دل شکسته سنه زنکار انکسار • ایرکوره سز بلکه نصیحت حکمت آیت
بر له خاطر پژمرده سنه اله اولوب • جبر وتسکین وتسلی وتمکین • دیره سز وبندن
سلام ایدب انالق حقن حلال ایتدرب جبر وقراری پیشه • واحتمال پروردکاری
اندیشه ایلیون دیه سن حضرت ذبیح بو وصیتلرنی قبول ایدب • دست وپایین
محکم بند ایلدکده • ملائکه ملاء اعلانک • خروشندن قبهٔ اسمانه ولوله • وساکنان
عالم بالانک جوشندن زمین وزمانه غلغله • دوشدی بیت کنبد چرخ سبز نیقولنو
کوم کوم اوتدی فغان وناله ایله نثر فرشته لر بو حاله نظر ایدب • ایتدیلرکه الهی ابراهیم
پیغمبر نه بندهٔ معتبر درکه • سنک ایچون اتشه کرمکده بی باک • واغلی هلاک ایلمکده چابک
وچالاک مثنوی جانک شمعنک شوقینه هربار • ینر اوده کیرر پروانه کردار • ظهور ایتدی
اکاجون عید فرمان • مطیع اولوب ایدر اوغلینی قربان نثر حق سبحانه وتعالی بیوردیکه
ای بنم ملکلرم بن اکا ساغر محبت ایچوردم • وخلعت خلت کیدردم • پس بنده

گلستان محبت خارستان محنتدن خالی اولمز مثنوی عشقه هر کیم که رهبر اولور سردیر
بولمز سرور اولور بڭا تیغ ادرسه اردو نوب کتمز باشن و جان نقدنی دریغ اتمز
خبرده وارد اولمشدر که خلیل جلیل کارد بران جان ستانی بغیش کره اولکدن
پاک چالدی قطعا کسدرمدی آخر الامر قهر و خشمندن خاکه چالدی قدرت حضرت
حق و فرمان فعال مطلق برله اول کارد لسان فصیح البیان ایله ایتدی که ای
لطف سبحانی بکا خشم ایلمه که الخلیل یأمرنی بالقطع والجلیل ینهانی رباعی نه ممکندر
که بر موی بیک تیغ اگر اولیه جاری ام باری ظهور ایدرسه بر جزوی اشارت
که بر موی یوز بیک ذو الفقاری نثر بو خصوص عبرت مخصوصده ملائکه متردد اولوب
دیدیلر عجبا ابراهیمی مجیددر که رضای خدا ایچون اوغلن فدا ایلر ویا اسمعیلی جوان
مرد درکه جوان ایکن نقد جانن نثار ایلر طرفین اولوب راوی دیدیکه جوانمردلک
ابراهیمه لایقدر بسر حلال بر دسی عید فرمان یزدانه قربان ایلرم صعب راوغلین
فدا ایلمکلکشی بعضیلر ایدیکه جوان مرددیک اول جوان هر تدبیره صادقدر که نی
تردد و توقف سرمایه سرین تحفه بارگاه سبحان ایلرم نقد جانه خیلا منکلدر سخا
بو اثناده اول اکرم الاکرمین وارحم الراحمین بیوردیکه بن ایکیسندن دخی اجود
واکرم ابراهیمی اوغلدن اولمش عدا ایدرم اسمعیله طلب ایتمدین فدیه ارسال
ایلرم ای جبرئیل فدا ایلیب خلیله قد صدقت الرؤیا دیسن جبرئیل فی الحال جنتدن
بر کبش کتوروب ای خلیل بزرگوار وی صاحب قدم وفادار سکا حضرت
پروردگار سلام ایدب بو امر دشواره وبو کار ناچاره کمال مسارعت برله
مباشرت ایلدک دعوای خلتی ومدعای محبتی دلیل قاطع وبرهان ساطع
برله ثابت ایتدی دیو بیوردی امدی اول سرو بوستان عزتی واول جامه
حرم حرمتی قیدو بندین ودام بر گزندن آزاد ایله حضرت خلیل اسمعیلک دست
وپای بسته سن حل ایدوب فی الحال کوسفند فدیه الوب ضبط وربط ایتدی وفرزند
سعادتمندنه خطاب ایدب ایتدی ای فرزند دلبند جبرئیل اول رحیم رحماندن

واول کریم مستعاندن سکا سلام کتوردی بیورمش که چون اسمعیل بزم شمشیر
بلا مزه کردن رضای تسلیم ایدب دار الامان مطاوعته کیردی ومقراض عنایه
تیغ کردار بیون ویردی دل پاکنده اولان مراداتن زبان بیانه وخاطر تابنا
کنده اولن حاجاتن لسان عیانه کتورسن جام آمالی رحیق مسک ختام افعال
طولو ودست ابتهالن جواهر زواهر اکرامله مملو ایده یین حضرت اسمعیل کوش
اتدکده وجه حاجاتی درکاه واجب المرامه طوتوب وجب اجابتی بارگاه حی
لاینامه قویوب ایتدیکه خدایا امت محمدیه وملت مصطفویه دن اولوب دم
آخرده نادان زبانلردن زلال شهادت شهد مذاق وسلسال توحید ملک خلاق
جاری اولنلرک جرائم عظیمه لرین وجنح وخیمه لرن بکا بغشله جواب مستطاب وارد
اولوب ای مقبول بارگاه جلیل وی نور دیده خلیل امت محمدک مذنب وخاطی
وگنهکار وعاصیلری حقنده سنک مأمولات وملتمساتک محل قبوله موصول
وتضرعات ومترجیاتنک بارگاه رحمت پناهده مقبول اولوب اعمال سیه لرینه
مزید مرحمت برقم رحیمن وحال تبه لرینه وفور رحمتمدن برذره قرین قلندی
قطعه چون شدی از صدق دل قربان ما سر نه پیچیدی توار فرمان ما شد
دعاهای تو در دم مستجاب ای بجا نزا جان وهم جانان ما امام علی موسی رضا
علیه التحیه والثنادن منقولدرکه حق سبحانه وتعالی اسمعیل بغرا ایچون فدا کوندردی
حضرت خلیل آنی ذبح ایدرکن بو معنی خاطر عاطرنه خطور وبو معنی ضمیر منیرندن مرور
ایتدیکه اگر کندو الیله فرزندمک باشن کسوب قربان ایدیدم دست علو همتله
اعلای درجاته ایرشوردم وپای صدق وعزیمله قرب سرادقات عزته یتیشوردم
بو اثناده وحی ایردیکه جمله مخلوقاتدن کمی زیاده سورسن خلیل ایتدی محمد مصطفی یی
که حبیب خدای خافقین ومسندنشین منزل قاب قوسین در انک اولادنی زیاده
سورسن یاکندو اوغلنگی ایتدیکه انک اولاد امجادن ارتوق سورن وجلادن
انلره ارتوق محبت ایدرین حق تعالی بیوردیکه ارادات ازلیه ومشیت لم یزلیه

شويله اقتضا اتديكه • انك اوغلنلرندن برنه دشت كربلادن غريب وتنهادر كرسنه
وتشنه شربت شهادت اچوره لر • وسراى عنا وفناى نشادن فضاى دار البقايه
اچوره لر • بو خبر مصيبت اثر حضرت ابراهيمه كار اتدى • بى اختيار چشمسار چشمندن
قطرات حسرات اقتدى • حقدن دم خطاب ايرديكه • اى ابراهيم سنك حسين اچون غمناك
واشكبار اولدوغوكك اجرى اول مثوباته برابر • وشول حسناته حمره دركه سن كندو
الكله اوغلوكى قربان ايده سن • اعلمى اى ياران عزيز • وى خلان صاحب تميز قسطاس
فكرى ومقياس رؤيتى اله الوب • عين عبرتله نظر ايدب كوركه مصايب امام حسين
اچون اشك ريزاولمنك مثوباتى نه مرتبه ده عظيم وغمناك اولمغك فضيلتى نه درجه ده
جسيم در **انه اهل بيت من** منقولدركه امام حسين اچون هر كه قطرات اشك نثار
ايدر اول قطره لرى • ملايك جمع ايدب صدف شرفده لولوى تابدار ايدر • وروز
حشرده انحابنك قلادهٔ اعمالنى اكلا فرين • وبازار عوض خيرده قدر وقيمتى •
معين وعين ايلر **قطعه** شهزاده اچون اغلايا چشم اشكبار • هر قطره سى اولور چون
انك در شاهوار • دوزر رآنى رشتهٔ اعماله سربسر • كون كبى هر برسى اولور شويله
تابدار • هر دانسينك اوستينه محشرده فضل حق • بيجه بيجه جواهر رحمت ايدر نثار • بلغه
رياضتك غضنفرى **شيخ سعد بن عبد الله** تستري قدس سره دن منقولدر ايدركه •
روز عاشوراده خاطر پرفتوره بوخاطره خطور ايلديكه • كاشكى اوموكه ايامنده
دشول عربده هنكامنده • صف هيجاده بيله اولوب • نقد حياتى طبق مرادم اوزره
طبق شهادته قويدم • خاكپاى امام معالى اعتباره اينار ايديدم • لكن اول
دولته وصلت ميسر • واول غيرته دسترس بولق مقدر • دكلش • ديوب بر مدت
اول افكار پر آفتك شلايد نرنفكره • واعلاى غذارك مكايدندن تذكر ايدب
سينهٔ غمناك ايله محزون وزار • وديدهٔ نمناك برله اشكبار اولدم • اول كيجه حضرت
رسالتى عالم مثالده كوردم • بيوردكه • يا سهل جلال ذوالجلال حقيچون بنم فرزندم
حقندن چشم اشك باركدن جريان ايدن عبرات • وروان اولان قطرات •

ضايع دكلدر • وبكون واقع اولان كريه مقابلسنده • يارين اولقدر ثواب
بحساب • ويرلكه كاتبان صحايف فلك تحريرنده قاصر • ومحاسبان صفايح
افلاك حسابنده مقصر اوله **قطعه** اغلرايسككل حسينك ماتمنه اغلكم • انكچون اغلقلر
حاصل اولور آب رو • نه قدر چرك كناهك واراى دل بكون • سعى واقدام
ايدب ايله انك ايله شست وشو **صحائف آثارده مذكور** لطايف اخبارده مزبور
دركه • حضرت حسين روى خون آلوده • وموى ژوليده ايله • عرصهٔ عرصاتده كلوب
ايله كه يارب • شفعنى فيمن بكى على مصيبتى • خدايا بنم غريب ومحرومم • دنى كشته ومظلوم
تشنه وكرسنه شهيد • اولدوغمه كريان اولنلرك • نامهٔ خطياتنه رقم رحمت • وجرايد
سيآتنه قلم مغفرت چك • اول جنابك ايلدوكى شفاعت محل قبولده واقع اوله • هر برينه
برات نجات ويرله **قطعه** ماتم ايدب اغلايلدر شوكم • بو مصيبت يادنه قال
اغلمز • اغلينلر عاقبت خندان اولور • بوندهماتم دركه ياران اغلمز •
ودخى زمرهٔ انبيا وفرقهٔ اصفيادن ابتلاى يعقوب وبلاى يوسف عليه السلام بيانندهدر
السنهٔ ناسده مذكور • واحوال سعادت مآللرينك اكثرى سورهٔ يوسفده مزبوردر
امام ركن الدين محمد • امام زاده ديمكله مشهوردر • سورهٔ يوسفك ترجمه سنده كتورمشدركه • بوسوره تسلى خاطر زكيهٔ حضرت رسالت اچون نازل اولمشدر •
واقعهٔ جانسوز حسن وحسينى استماع اتدكلرى هنكامده صدور بولمشدر • خصوصى
مزبور صحايف آثار • وصفايح اخبارده دخى كلكه بيان ايله مرقوم دركه بركون
سردفتر جريدهٔ كائنات • وشاه بيت قصيدهٔ موجودات • عليه افضل الصلوة
واكمل التحيات • حضرتلرى حسن وحسينى كندو مبارك قوجاغنه الوب بر صدف
اكى در خوشاب • وبر شاخده ايكى غنچهٔ سيراب كبى كورنشلرى • كويا اثر قيامت
ظاهر اولميدن تر • وجمع الشمس والقمر • باهر اولدى كاه برينك سمت نار غلارندن
كل چين اولوردى • وكاه اول برينك دخى لب عناب فامندن شفقه شفقت
ايله شفتالو آلوردى **بيت** عالم ايچره اولكشى در كانكار • سوكلو ديدارنى ايده كنار •

پس جهاندم جبرئیل خجسته مقدم نزول ایدوب ایدی که ای شفیع امت و ای شفیق
ملت حسن و حسینی سور مسن بیوردیکه اولادنا اکبادنا بجه محبت اتمیم که ایکیسی
دخی فرزندان جگربندم و جگرگوشهٔ دلبندم در جبرئیل ایتدی تنقیق سن زیاده سورسن
بیوردیکه ایکیسی دخی بر باغک سرو دلاراسی و بر چراغک پرتو نور افزاسی و بر معدنک
جوهری و بر برجک اختری در جبرئیل ایتدی ای خاتم رسالت حضرت عزت بیورر که
اول ایکی فرزندک بری زهر له هلاک و بری ضرب تیغ اعدا ایله هلاک اولسه کرک چونکه
اول حضرت قصهٔ زهر حسنی و غصهٔ تیر حسینی کوش اتدی سرچشمهٔ زلال حالی غبار ملال
ایله مغبر اولوب ایتدی من یفعل بهما جبرئیل ایتدی امت بی حمت دن بر طایفهٔ
ناخایفه در اول حضرت بیوردیکه یؤمنون برسالتی و یرجون شفاعتی و یقتلون
اولادی جبرئیل دیدیکه خون الک سفکنه اقدام ایلین سیه کلیملر و پردهٔ حرم حرمت
بتوتک هتکنه اقتحام ایلین لیئملر عصات امتکدن بر طایفهٔ طاغیه و فرقهٔ باغیه
اولسه کرکدر بیوردیکه ایا نه کناه ایچون حسنک خلعت حیاتن مقراض زهر ناک
نوات ایله بریده و حسینک جیب ثبات انامل تیر و سنان ایله دریده قلورلر ایتدیکه
کناه و جنایت و جناح و خطیت لازم دکل اول حضرت جنت نفر تک حیاندم
رنک کل رخساری و لون عذار پر انواری تغیر بولدی اصداف عیونندن لالی
عبرات نظام اولدی اول طایر هما یون پر یعنی جبرئیل وحی آور اول بشیر نذیرک خاطر
خطیری و سراج منیرک ضمیر آفتاب تنویری تسلی اولمغ ایچون ایت تسلی غایت نحن
نقص علیک احسن القصص قرائتنه آغاز ایتدی و ایتدی عصات امتدن دنیات
ملتدن بو کار شدید و بو فعل غیر سدید صدور بولمق بدیع و بعید اولسه که حضرت
یوسف حقنده اخوتی اصناف جفادن و انواع اذادن دقیقهٔ رقیقه فوت
اتمدیلر پس قصهٔ یوسف آسایش دل پاک حضرت مصطفی و آرایش خاطر بلاکشان
کربلا ایچون وارد اولمشدر قطعه اصل این قصه چو درد و محن است موجب سوز
بکا و حزن است احسنش کفت خداوند که او در تسلی حسین و حسن است سر اعجا

بو قصهٔ پر غصه نک اساسی ایکی نوع اوزره مبنی در بری یعقوب علیه السلام فرقت یوسفدن
چکدوکی شقتی مشو و بری حضرت یوسف زندان اخوانده مشاهده قلدوغی بلیتی
مبنی در هر برندن علی سبیل الاختصار بر قچ کلمه کلک بیان ایله ورق عیانه تحریر
اولندی مورخین فضیلت آیین بویوزدن تعیین و تبیین ایدرلر که حضرت
یعقوبک بروج افلاکا علادی اون ایکی ولادی دارایش هر برینه مایل و دلداده
ایدی لکن حضرت یوسفه تعلق جمله دن زیاده ایدی نظر تربیتی و اثر تمیت
و تقویتی انکا صرف ایدردی زیرا استقامت ذهن و ذکا ایله اقرانندن ممتاز
و لطافت طبع و دها برله اشالندن سرافراز ایدی حلیهٔ جمال با کمال ایله فرید جهان
و پیرایهٔ حسن و خصال برله وحید زمان ایدی لوامع انوار قابلیت اسارزیر جبهه سنده
تابان اولمغین غرهٔ مه کبی کوندن کونه رجحان بولوردی و سواطع انوار دولت
مطالع چهره سنده رخشان ایدی اشعهٔ مهر کبی هر آنده نمایان اولوردی دیدهٔ
انسان وجود هر جودک خیال عالم خوابدن غیریده کورمک محال و چشم جهان تمثال
لمثالی نظیرن مرآب آبدن اوزکده معاینه تعلق فاسد خیال ایدی الظاهر عنوان
الباطن مقتضاسنجه ملاحت صورتی لطافت سیرتنه شهادت ایدردی جواهر
کفتار نکهت شعاری خود غیرت لولوی آبدار و رشک در شاهوار ایدی مثنوی
صوکبی ذهنی پاک و طبعی روشن سوزندن رنکسالور ازهار کلشن ذکاوتش ظاهر
اولمشدی ذکاسی لطیف و خوبدی طبع و دهاسی کمال حسن ایله مشهور عالم نیجه مدح
ایلسون آنی برآدم القصه بو معنی دن برادرلرینک مرآت ضمیر لرنده زنکار رشک
و غیرت ظاهر و لوح سینه لرنده ارقام حقد و حسد باهر اولدی بیت بو دردو دوران
ایچنده رسم معهود کمال اهل اولور مبغوض و محسود شعر اما هر برینک موجود نقد حقدی
خزینهٔ سینه لرنده مکتوم و ختام اخفا ایله مختوم ایدی شول دم که حضرت یوسف علیه السلام
عالم خوابده کوردیکه شمس و قمر و اون براختر بیره اینوب کندویه سجده ایدر حضرت
یوسف علی الفور حضور پدره واروب واقع اولانی وقوعی علی ما هو الواقع تفصیل

وتقریر ایتدی • انلر دخی بنجه خبر بشارتی شو اشارت ایدوب مشرق آمال وامانیدن
طلوع صبح کامرانی • وانامل اقبال وشادمانی • برله فتح ابواب نهانی حصوله دلالت
ایلر دیو تعبیر ایتدی • برادرلری که بو حالدن خبردار اولدیلر • کار حسد آتشخوانلرینه
ونار مکر جانلرینه کار ایدوب جهاندن بیزار اولدیلر • آخر کار رحیل وقرار ایلدیلر که
یوسفی خال زنخدانی کبی چاه بلایه صالوب • جمال باکمالن • دیدهٔ یعقوبدن دور
وسودای وصالن • هویدای دلندن مهجور ایده لر • پس پدرلرندن درخواست ایدوب
یوسفی بزمله همراه ایله • گشت صحرا وکسب هوا ایلسون دیو ابرام ایلدیلر بیت گل کبی
کوکلی آچلسون بر نفس • گشت گلشن سیر صحرا ایلسون نثر بالآخر حضرت یعقوبی شول
مقامه الدیلر که اجازت ویردی • ونهال گل کبی قد رعناسی جامهٔ زیبا ایله تزیین
اولسون دیو بیوردی • زبان قضا بو معنی ادا ایلدیکه • ارایش وزینت لایق زمان
وصلت در • حالا اوان فرقت در • نه وقت زینت در قطعه آخر اولدی روز وصلت
ظاهر اولدی شام هجر • اولمسون یا رب کسنه مبتلای دام هجر • درلو درلو جوق المر
چکدوم بو محنت خانه ده • حق بودر کم هیچ برینه بکزمز الام هجر نثر حضرت پیر یوسفی برادر
لرینه سپارش قلدیکه • حوالی شهردن چقوب • جانب صحرایه کیدرلر ایدی شجرة الوداعه
ایردکده • آرام وتوقف ایدرلردی • شجرة الوداع بر درخت ایدیکه • هر کم عزم حضوردن
دل سوزی ترجیح ایدوب شهردن کیدردی • یار صدیقی • وغمخوار شفیقی • اول محله دک طریق
مشایعتی • رعایت ایدوب عین محنتدن • اشک حسرتی دوکوب • وداع ایدردی کویا
اول درخت شوره بجنک بن بیخ اب حسرت ایله پرورش اولمش ایدی • وبرک وشاخی
هوای محنت برله نشو ونما بولمش ایدی • شجرهٔ مزبوره که مقام مفارقت ومحل
مشایعت • وحزن ایدی • اول سببدن شجرة الوداع ایله مبعوث ایدی بیت نهال کاشت
دهقان محبت در زمین دل • بنش درد وبرش انده ونخش حزن وشاخش غم •
پس فرزندان حضرت محل معهود • وموضع موعوده واروب • سایهٔ درخت ده اولاه
قرار ایلدیلر • حضرت یعقوب دخی جامه وعمامه سن کیوب • عصای اژدر اساسی

النه

النه الوب • صوب درخته عزیمت ایلدی • رسم مشایعهٔ فرزندانی رعایت ایلدی
چونکه اوغللری پدر عزیزلرین کوردیلر • فی الحال استقبال ایدوب • پای بلند پایه سنه
یوزلر سوردیلر • حضرت پیر هیچ برینه ملتفت اولمیوب • یوسفی کناره چکوب سمن
زار عذارین گل رخسارنه اوروب طوردی • بعد زمان سایر برادرلرینه توجه ایدوب
بنی معذور طوتک که بوی یوسفدن • پدر وجانمک قوقوسن استشمام ایدرم مطلقا
بیر جانمدن سیر اولمزم دیو بیوردی بیت هیچ حالتدر بو یا رب یوسف گلچهره می
بیک نظر کورسم حضورم کورمدم هیچ بر نظر نثر ویوسفه خطاب ایدوب ایتدیکه ای نور
دیدهٔ پدر • وی مرهم ریش جگر • اگر ضعف قوت وقوت مانع اولمسه بیله کیدردم
وزمان ذهاب وایابده سنی بردوش ایدردم • اگر بو شب عودت ورجعت میسر بولمیه
اولمزسه • آتش حسرت بنی یاقوب خاکستر ایدر • وکانون سینه دن چقن دود سیاهی
درون آسمانه حصیر ایدر • حین مکالمه ده یوسف شال نهال گل اکلیوب دست اجازتی
تقبیل ایتدی • وسمت سیرانه روانه اولمق امرنه تعجیل ایتدی بیت اجازت دستن اوپدکده
او مهوش • بنفشه وار کلدی سرو سرکش نثر حضرت پیر ایتدی که • ای سرو گل اندام بر لحظه
آرام وقرار ایله که بیت کورین جمعیت خاطر له رخسارک بکون • کم بلور تو لور یارن
حال پریشانم نیجم • بو ایام حسرت انجامه اعتماد • خلاف مقتضای عقل در • وبو حکام محنت
فرجامه اعتقاد • دلیل کمال جهل در بیت کوررکن دورده ونک انقلابن • بکجه دفع ایده بیل
دل اضطرابن نثر یوسف دم بو کلامک مالی • وقائلک حالی • تأمل ایتدکچه بحر تحیره توغل ایتدی
بیت نه صورت کم نهان اوله نظردن • انی روشن ایدر مرآت فکرت نثر کویا ظهور
ایدجک صورت مفارقتی اکیسی دخی عین عقل ایله معاینه • وبینش بصیرت برله مشاهده
قلمش ایدی بیت دل او لور بینهٔ دل مرتبه واقف • زبان ولب بورازه محرم اولمز •
پس بیوردیکه ای یوسف • سکا دورت وصیتم واردر • هر برین اوزکه اذن اذعان
وطوق کردن جان ایله بیت سوزین کوش ایت بو پیر هوشیارک • تجارت صاحبی
اموزکارک نثر لا تنس الله فی کل حال • ای پسر معتبر حق سبحانه وتعالی یی جنابکدن دور

ایلمه که سوزلرده انک ذکرندن لطیف قرین اولمز و زبانکدن مهجور قلمه که حفرلرده انک
شکرندن شریف همنشین اولمز   اذا وقعت فی بلیة فاستعن بالله اکر بر بلایه
مبتلا اولوب عاجز و فرومانده قالرسن انعام عام سبحانیدن و کمال فضل یزدانیدن
مدد جوی اولاسن زیرا هر قنقی بنده که رشتهٔ تدارکی الندن یتوردی متمسک حبل المتین
کرم رب العالمین اولمغله الکتوردی   حسبی الله ونعم الوکیل کلمهسن زبان شیرین
بیانکده هر بار تکرار ایلکدن خالی اولمیهسن بیت بو شیرین سوزلری ایدب مکرر
مذاق جانی قیل بر قند و شکر نظم آخر وصیتم بودر که لا انساک فانی لا انساک ای
اوغلم سن بنی فراموش ایلمه که تحقیقا بن سنی فراموش ایلمزم بیت با مهر تو در خاک فرو
خواهم رفت   وز شوق تو سر ز خاک بر خواهم کرد   کتور مثلر در که یوسفک دنیا
نام بر همشیرهسی وار ایدی حضرت یوسف هوادار ایدی پدر و برادرلری اله عزم صحرا
ایتدیلر دنیا خفته ایدی رؤیاسنده کوردی که اون قورد یوسفی قاپوب کنار بلاره
کتدیلر هول واقعهدن بیدار اولوب فی الحال یوسفی سؤال ایتدی ایتدیلر که اجازت
پدر برله قرنداشلری ایله همراه اولوب صحرایه کتدی مرآیای قضادن صورت بلا پیدا
اولیجغنه جازم اولدی همان ازار عصمت بورونوب کمال استعجال ایله جانب صحرایه
عازم اولدی صنوبر یوسف بابا سیله کلدهایکن وارب ظل شجرهٔ وداعه مستظل
و جمله برادرلری بر یرده ایکن واصل اولدی بی توقف سایه مثال پای یوسفه دوشوب
دیدی که ای برادر بنی بر خدمتکار کتر علا ایله سنکله بیله کیدهیم ارام وقرار ده خوابکاه
جاروب غمر کاکلم سپوروب دامن پاککه غبار قوندرمیوب خدمتلر ایدهیم بیت
آفتاب عالم اراسن ایا ماه منیر استمز دل ذره چه توز قوندرمغی داماکه نظم ای اختر
فلک خوبی وی کوهر صدف یعقوبی اکر البته الوب کتمزم دیرسک الدن نه کلور سکا
وصیتم اولدر که زنهار روز نهار تحرز وانتباه اوزره اولوب غفلته رخصت ویرمیهسز که
کرک سپهر روباه پیشه نک مکر وآلی چوقدر و دم فرصتده سنک دماندن قطعا اقتحامی
یوقدر که اه براف نه ایلشیر زیانه خواب خرکوش ویرور که اه جزوی بهانه برله

ببر بیابانه زنجیر تعزیری قلاده قلور الحذر ثم الحذر یوقسه بابا کی درد فراقله دل
فکار وهمشیرهکی آتش اشتیاق برله خاکسار ایدرسن یوسف بو سوزلرک سوزی
تأثیر ایدوب بی اختیار اغلدی حضرت یعقوب ایله دنیا دخی زار بی قرار اولوب
نار حسرت ایله جان وجکر طغلدی بو اثناده ابواب طباق افلاک زرین نطاق آچلوب
محرمان سراپردهٔ جبروت و محرمان حرم ملک و ملکوت حاضر اولوب کریان و متحیر
و نالان و متغیر اولدیلر زبان حکم ازلی بو صورتک معنیسن بیلدی ولسان امر ایله
بو حالک مآلن مبینی اولدیکه ای یعقوب سن که بر کیجه نک مفارقتی دردندن بو مقدار
نالش ایلرسن یا قرق ییل حسرت اولوب کورمیجک نجه آسایش ایلرسن یوسف دخی
پدرنه وداع ایتدی برادرلریله عزم صحرا ایدوب کتدی بیت می کند از مه وداع
دوستان خویش را تازه داغی می نهد بر سینه های ریش را نثر حضرت یعقوب روبیل
نام اوغلنه خطاب ایتدیکه سز کنجه شهره کتمیوب بونده توقف ایدرم دیسن جملهک
مهتریسن یوسفی سکا سپارش ایلرم تعهد حالندن و تفقد احوالندن اغماض سایر
برادرلرینه محتاج ایدوب خدمتندن اعراض ایلمیهسن اول دخی طیب خاطر ایله قبول
ایتدی و نشاط وافر برله وداع ایدوب کتدی حضرت یعقوب نرکس نکارانه دارکبی
عصاسن النه الوب مانند برک خزان افتان و خیزان عقبلرنجه روان اولدی هر
قدمده اشک حسرت دوکر و هر دمده آه ندامت چکر ایدی بیت می رود آن ماه و من
از پی دلی می دوانم در پیش کلکون اشک نثر بو حاله شول محله ایتدی که هر بری پیری دار
کوزندن نهان اولوب کتدی اول حضرتک طاقتی طاق اولوب جام جهان نمای دل
بی نظیری غبار فراقله مغبر و مرآت مجلای ضمیری زنکار افتراق برله مکدر اولدی
ناچار محل مذبوردن عودت ایتدی اکر چه جانب مکانه عزم ایدوب کیدردی
لکن متصل دور دونک و چرخ بوقلمونک انقلابن فکر ایدردی چون زیر درخت
وداعه کلدی کوردیکه سایهسی سیه پوش اولوب عرض ماتم افتراق ایلر و هر شعبهسندن
استماع آوازهٔ الفراق الفراق ایلر هر شاخ خنده سی نون مجرا اندن علامت و هر دلی

الف افزا قدن کمانت • دهر ورقنده خط هجران مرقوم • دهر بر کنده نقش حرمان
مرسوم اولش القصه برادرلری یوسفی پدرلرینک نظر کیمیا آثارنده رعایت ایدوب
بر برندن قابلشرلر ایدی • وطرهٔ مطلا کبی دوشنده کوتوررلردی • اماکه بابالرندن
دور اولدیلر • هر برینک اوضاع واطواری اسلوب سابقلری مخالف اولدی • حضرت
یوسف بو معنیٔ فهم ایدوب • بالطبع خایف اولدی • نیجه بر بار بلا که متحمل اولمازدی دوب
دست غضب ایله دوشن مرحمتدن الدیلر • سایه وار ریان خاک وخاشاکه صالدیلر
بیت شراب کینا یدب هر بری کرم • ارادن کتدی مهر وشرم وآزرم نثر یوسف کریه
کنان ایتدی که • ای برادران عزیز • بنده نه فعل شنیع حادث اولدی • تاکم بو وجهله
انفعالکزه باعث اولدی • ایتدیلر که • ای صاحب رؤیای کاذبه • شمس وقمر کا سجده ایدر
دیر ایدک • انلردن معاونت طلب ایله • باشکه سنی بو مطرح هولناکدن کنار رخاهه
وبو ورطهٔ هلاکدن • دیار رضا ایرکوره لر • حضرت یوسف تلطف ومدارای فتح
ایدوب • هزار اعتذار ایله • اکر بن کنهکار ایسم ده معذور بیورک • جمله کوزک براد ر
کهتری یم • اصغونا سدن جرم وخطا • واکرم خواهدن عفو وعطا اولی کلمشدر • ومذهب
مروتده • انتقام ارذل رذایلدندر • وآیین فتوتده عفو وغفران افضل فضایلدندر
در • دیوب • هر برینه ملایمت ایلدی • اما کثر ارسینه لرنده اکلن تخم کینهٔ دیرینه
احصلا نایل اولمدی • ومزرعهٔ مهر ومحبت • باران ملاطفت ایله حاصل اولمدی • پس
اول حضرت تحمل متاعب وشداید • محصل مطالب ومقاصد در دیو • نیجه قدم یریوریدی
دیورلدی • وشراک نعلینی قرلدی بیت یره بصدی ایغینی جونکه اول سرو روان
زخم خار وخاره دن یره مده اولدی لاله کون نثر بو اثناده مرتقش کے ابن شمعون
تشبث اتسه نیجه کبر ونخوت ایله کل رخسارنه اول در جهله طبانجه اورردیکه بنفشه کردار
کبود اولوردی • وهر کمیک براهن حمایتنه داخل اولسه • دست رشک وغیرت برله
کریبانندن طوتوب • خار وخاشاکه اوزره شویله آترایدیکه • جسم لطیفی کل کبی خون
آلود اولوردی قطعه بزاری هر کاه ای کشیدی • به بیزاری کریبانش دریدی

بکره

بکره هر کره را دریا فتادی • بخنده بر سر او پا نهادی نثر بو منوال اوزره صحراده سم
کردان ایکن • آفتاب عالمتاب که ارتفاع بولدی • هوا ماننده سینهٔ یعقوب سوز
ناک اولدی • یوسفه صوسزلق غلبه اتدی • روبیله متوجه اولوب اتدی • سن جملهدن
بزرکترسن • ونیجه خاله زاده دبرادرسن • پدرم نبی سکا احمرلوی جمله مهماتم جنابکه
سپارش ایلدی • حال زارمه شفقت • ودل بی قرارمه مرحمت ایدوب • برایجم صو قطات
ایله تشنه وبی طاقت اولدم • روبیل صورت انفعال کوستروب • ابروارین درهم ایلدی
وکلمات عتاب انکیزین • زهر آمیز ایدوب درهم ایلدی • آخر شمعونه کلوب ایتدی که
الکده اولان مشربه بکا احسان ایله که تشنه لکدن سینه جکرم خون • وآتش عطش برله
حالم دکرکون اولمشدر بیت لبینه تشنه ایکن آب کوثر • صوسزلق نارنه یاندی
سراسر نثر بو اومشربه ایدیکه یوسفک لب شیرینندن هنوز بوی شیر کلور حرارت
عطشه قدرتی • ونکات هوا به طاقتی اولدیغی تصور اولنوب آب شیرین وشیر ایله
طولمشدی • وقت حاجتده اول عالی مشربه ویره سن دیو یعقوب دم قبلندن شمعونه
سپارش اولمشدی • اول وقت که یوسف طلب ایلدی سربند وغطاسن آچدی
ایچنده اولان شربت شیرینی باتمام خاکه صجدی • واقعهٔ یوسف دم امام حسینه دخی
واقع اولمشدر • انلره ستمکارلق ایدن جدلینک احتیلدر • بونلره غدارلق ایلین
کندینک اخویدر • امت دون همت کنار آب فراتده جمله کلابی سیراب ایتدیلر
چشمهٔ امانت شیر بچه لرینک جکرن آتش عطش ایله کباب ایلدیلر قطعه سوز دل لب جارکشی
از تشنکان بپرس • زان زنکها که فرش بیابان کربلاست • در خون ناب غرقه
لب تشنهٔ حسین • لعلیست ابدار که درکان کربلاست • اوجان سپرده تشنه دعا را
رزوی شوق • جان تشنهٔ محبت سلطان کربلاست نثر یوسف اتدی ای شمعون
نیجون بو مظلومی محروم ایدوب صوی خاکه صجدک • ایتدیکه بن سنک چهرهٔ سیمینکی
خنجر برانمه قراب اتسم کرک • وبنیان جهار ارکان وجودک یعقوب خراب اتسم کرکدر
سن آب نابه نیجه تشنه ایسک • بر دخی سنک خونکه شویله تشنه یوز • حضرت یوسف که چهر

قتلی کوشش اتدی• خوف جان ایله جونی ممتلی اولوب آب دنیابی فراموش اتدی•
قلت ماو شدت کرما• وضرب طبانجه وزخم خاردن• زیاده زبون وزار اولوب
وسروسیم اندامی خرام وقیامه قادر اولمیوب• مانند برک بید لرزان• وبی قرار اولدی•
آخر کار سایه کرداز خاکه دوشوب• نالان واشکبار اولدی بیت بوحالی کوردی
اول سردسمن بر• اقتدی نرکسندن لاله تر نثر چون یوسف برادرلرینک قصدی مقرر
اولدی• یوسف روی نیازی درکاه کارسازه طوتوب دیدیکه• الهی بابامک جدی
آتش نمروددن خلاص ایدوب نجات ویردک• وبابامه• بارکنا علیه وعلی اسحق
مژده سن ایرکوردک• حالیا دخی انعام عام کمدن• استدعا واحسان تامکدن استرجا
اولنورکه• بنم بیر بابامک شیبتنه حرمت• وبن درمانده نک غربتنه رحمت ایدوب
بکا بو شدتدن فرج• وبو کربتدن مخرج میسر ایلیه سن• چون قتلدن نجاتی ایچون
اتدکی تضرع ومناجاتی یهودا استماع اتدی• رقت قلب حاصل ایدوب یوسفه ایتدی•
ای برادر زنکار خوف وخشیتی• ممات جیمزکدن دور• وخاشاک وهم ودهشتی کلشن
خاطرکدن مهجور ایله• مادام که بن حیاتده این سکا ضرر کلمز• قرنداشلری چون بو کلمانی
اشتدیلر سودای قتلدن فراغت اتدیلر• واجمعوا ان یجعلوه فی غیابت الجب
موجبنجه رایلری بونکا وزرنه• مقرر اولدیکه قوجا چاهه صالهلر لیناسینه ویربه این
بوکلالالر• پس حضرت یوسفی سر چاهه چکدیلر• اول حضرت که تدبیر بیهوده ن خبردار اولدی
کاه پدر بزرکوارین• وکاه جد نامدارین• شفیع ایدینوب• هر برندن رجای
شفقت• واستدعای عاطفت اتدی• اصلا وقطعا مرحمت ایلمدیلر• وهر چندکه
سحاب دیده سندن باران حسرت یغدردی• زمین مروتلرنده کیاه محبت
بتوب نشو ونما بولمدی• وهر نه قدر که کلشن دلندن نسیم فرقت اتردی•
روضۀ اخوتلرنده غنچۀ مودت چهره کشا اولمدی• بونلرک بنای عداوتلری
مشید ومادۀ خصومتلری ممتد اولوب• جادۀ انصافدن چقوب راه اعتسافه
کیده جکلرین• وکندوی ساکن قوجا چاهه ایده جکلرین• معلوم ایدینوب رشتۀ امید
جانی

حیاتی منقطع• وحجاب رجای ثباتی مرتفع ایدوب• ایدیکه بکا مهلت• ویرک
اکی رکعت نماز قلوب دعا ایده یم• ودرون خلوت دلده اولان حاجاتی زبان
مناجات ایله ادا ایده یم• سن نماز قلمغی نه بیلورسن• دیو طعن وتهکم ایلدیلر وبو
استخفافله تبسم ایلدیلر• ایدیکه پیغمبرزاده دکلیم• بابالرم نجه مدت عبادت ایلدمی
یهودا شفقت ایدوب انلردن التماس ایلدکیچون نمازه اجازت ویردیلر• حضرت
یوسف که نماز ونیازی آخر اتدی• روی تابناکی خاک پاکه اوردی• وایتدی
الهی بن بنی سکا تسلیم ایدوب• زمام مهام قبضۀ تقدیرکه• ولجام مرام حوزۀ تدبیرکه
تفویض ایلدم بیت بنم دشمن اولورسه اکر باشدن باشه عالم• بکا یار اولیجق
یاور معبودن درجه غم نثر چون مناجاتی تمام ایلدی• برادرلری پیراهنک چیقر
دیو ابرام ایلدی• حضرت یوسف• حاشا که کشف عورت ایدم• بهرحال صاغ اولنه
پوشش تن• وفات ایدنه تجهیز وکفن لازمدر• دیو عناد اتدی• وبوامر جزوینه
وقوع بولان اهتمام لردن استبعاد اتدی• انلرک غرضلری بوکه پیراهنی قانه
بولشدروب• بابالری حضورنده یوسفی قورد یدی دیوب• پیراهن خون آلوده
سن• شاهد حال ایده لر• وبو رنک نیرنک ایله اول پیر ناتوانه آل ایده لر• آخر
قوت وزور ایله• پیراهنی چکوب آلدیلر کندوی فاه وناخاه چاهه صالدیلر
مثنوی کشیدند از بدن پیراهن او• چو کل از غنچه عریان شد تن او• میان نش را
که بودی موی مانند• به پشمین ریسمان دادند پیوند• فرو آو یخشند انکه بچاهش
بچاه اندا ختشد از نیمه راهش نثر والحاصل هزار محنت• ومشقت ایله چاهدن
چقوب اسیر اولدی• آخر مصره ایرب عزت بولدی• اکرچه بودار الاخزان جهان•
ابتلای یوسف چوقدر• لکن بلای هجران ودرد زنداندن اعظمی یوقدر•
بیت فصاحت باغنک دستان سرای• بو بوزدن نقل ایدر اول ماجرایی•
چون حضرت یوسفک• جریدۀ عنوانی رقم مملوکیت ایله مرتقم• وسرلوحۀ نام
ونشانی• نقش رقیت برله مرتسم اولوب• عزیز مصر صاتون آلدقده زلیخا جمال

جهان ارسن وحسن جان فزای دلکش سن • بدیع الزمان • ونادرهٔ دوران کوب
بزم بخشنده ساغر محبت نوش ایتدی • وذوق وشوق ایله کندوی سرجمله فراموش ایتدی
مقدما نشوهٔ جام احلام ایله مست • ونشئهٔ مدام واقعه برله مست اولمش ایدی
حالا مرایای آمالده صورت اتصال یوز کوستر مکین عشقی زیاده اولوب عنان
صبر وقراری کف اقتدارندن بیرون اولدی • دکوندن کونه اشک خونباری
درنک رخساره کبی حالی دکرکون اولدی مثنوی تاکه مژکانی اوجندن جکری خون
اولدی • کوزینک یاشی کبی حالی دیکرکون اولدی • دل مجمر کبی عشق اودی طوتیدی
بخور آسا سراسر یاندی توتدی نثر برکون یوسف زلیخا تنها بولوب جمال پاکی لذن
نقابی رفع • وچهرهٔ مقصودندن بردهٔ حجابی دفع ایتدی قطعه عرض دیدار ایلا
اوم دی • صوکبی اقده دلی ایده رام • زلف وقد ودهان زیبا سن • اول همایون
همایه ایلیه رام نثر هر چند سعی ایتدی • اول حضرت مثال نهال طوبی سرفرو ایدب
زلیخانک کفتار پر هوسنه مایل • واول با بدن بر حرف سانه کلدوکنه قایل اولمدی
زبان روزکار بو بیتی تکرار ایلردی بیت ایرمک همای وصلته بو دایله محال •
عنقای حیله دام اولمیا رعنکبوت نثر وهر دم که درون خانهٔ اغیاردن خالی
بولیدی • آیت عشق ومحبتی تفسیر وحدیث اوزره رد کلام ایدب شرط دیانتی
ملاحظه • وفرط امانتی محافظه ایلردی • احتیاط اوزره اولوب اصلا هرکز اختلاط
الحق مر • مقتضاسنجه بحث درست درشت ایله کام امیدن تلخ • دعزه نویدن سلخ
ایلردی • زلیخا هم ازرم وخجلت ایله دمبسته • وحیرت وحسرت برله دل شکسته
قالوردی بیت اکا کم عشق بازی اولسه پیشه • یوزی صوین یره دوکر همیشه
والحاصل زلیخانک دبدبهٔ عشق ومحبتی • وطنطنهٔ شوق وحالتی عالمه طولدی • وهر
کسک حسن ظنی منعکس • وبنیاد اعتقادی مندرس اولدی بیت آغز آجوب هر
طرفده مرد وزن • ایلدیلر نیجه طنز ونیجه طعن • زبان زمان بو معنی یی بیان ایلردی
بیت عاشق دلخسته طعن ایلین بکا نه در • دردی اولماین نه بلسون دردمندک حالنی

زلیخانک سوز وکدازی • اتش عشق مجازیدن اولمغین مذمت • وملامته متحمل اولیو
اول حضرته تهمت ایتدی • واهالی مصره حکایت ایتدی • بو نوم یوسفه اصلا محبتم وقطعا
رغبتم یوقدر لکن بیت بکا جوقدن عاشق وطالبدر اول • وصلمه بک جانله راغبدر
اول نثر زلیخا بو دروغ بی فروغه اعتماد اتمکلرین فهم ایدب کندو کندویه ایتدی که
اکر یوسف بندکران ایله مقیم زندان اتمزیسم بندن بو حکایت تهمت دفع وشکایت
ملامت رفع اولمز • ابا بلمدیلر که ملامت نمک خوان عاشقاندر بیت این کوی ملامت
است میدان بلا • کر مرد ملامتی بدین کوی بیا نثر هر کمک که سبزه زار دلنده انهار
عشق حقیقیه جاریدر • مانند دریا مکدر روزکاردن عاریدر القصه فرمانه امر
ایلدیکه • اول خورشید تابانی شیر ژیان کبی زنجیره جکوب بر مرکبه سوار ایتدیلر کوجه
بکوجه کزدردکندن صکره کوشهٔ زندانده قرار ایتدیره لر • فی الحال زنجیر ومرکبی کتور
دیلر • دست وکردن بسته • زار ودل شکسته • مرکبه بندرب امرین یرینه کتوردیلر •
وهر طرفدن منادیلر صدای اعلا ایله ندا ایدب • درلر ایدیکه حرم محترم عزیزه قصد
خیانت ایلیه جزاسی بودر • وشول کم احسان مقابلهسنده اسائت ایده سزاسی بودر •
زلیخا صهبا ایله خمرنک اولان آب آمیخته مثال • نظاره آرهسنده خلقله یکسان • کوز قاره
سنده نور روشن پنهان اولوب سیران ایکچون تبدیل جامه وکسوت • وتغییر اوضاع
وصورت ایتدی • تاکم کذرکاه یوسفده قرار ایلیه • ونه مقوله کلام صادر اولور دیو غوغ
دکلیه • حضرت یوسف صدد ربولی وقایع غریبه نک مالی • وظهور ایدن حوادث
عجیبه نک حالی تامل ایدب سوزش دل برله نالش ایدب • احد دانا • وصمد توانا قبلنه
عرض نیاز • وکشف راز ایتدی • واتیدی مثنوی خدایا مرحمت قل بن کدایه • اسیر
درد مند ومبتلایه • غریب وناتوان ودلی قرارم • شکسته خاطر وزار ونزارم •
اورلدی داغم اوزره یینه برداغ • عجبدر کر اولم بو زخمیله صاغ • بدردن ابر داخواندن
جدایم • بلای روزکاره مبتلایم • اسیر ودستکیر اولان طپکدر غریبه فتح باب
ایدن قبوکدر • رها قل بنده کی بندبلادن • خلاص ایت لطف ایدوب دام عنادن

بلورسن سربسر عالم خدایا • که سن سن جمله اسراره دانا • اونتمه بنده کی فضلك كرمدن •
خلاص ایت قید طعن و بند غمدن نثر ذالحال جبرئیل نازل اولوب ایتدیکه ای یوسف
غلّ زنجیردن بجضور اوله بیت ایله زنجیر اكچون هر كز كله • زیور ثبیر زیباندر سلسله •
و زندان تنك دلكیردن برفتور اولمه قطعه تنكنای كوشهٔ زندان غم • لاجرم ویرر
بكا قدر و شرف • قیمتی اولمزدی لولونك اكر • پرورش قلماسه زندان صدف نثر ذالحقیقه
كل تنكنای غنچه ده • اولمغله كسب نكهت جان پرور ایدر • و مشك اذفر نافهٔ ختنك تنكده •
طورمغله تحصیل شمامهٔ عطر كستر ایلر القصه جبرئیل ایتدیكه ای یوسف زلیخا رهكذركده
طورمشدر • ناكوره كم نه یوزدن جزع و فزع ایدرسن • دیكیك قپوسی كندوكه ملجأ و متضرع •
ایدرسن • امدی فراغ بال • و رفاع حال • ایله كیده سن • عرض ملال • و اظهار كلالدن •
حذر ایده سن • ولیكن دیاره • وهشتی یسه یعقوب • مانند كل خوش بو تازه رد •
اولسن • و چوكان كبی سر فرو تلیوب كمان آسا كشاده ابرو اولسن • و خاطر كدن
خطور و خمیر كدن مرور اتمسون كه • كلشند زندانه ایلدرلر • اول زندانی شویله كلستان
ایلدیلر بیت انی كورر سه روضهٔ رضوان غلام اوله • دار السلامدن اكه بیك بیك
سلام اوله نثر حضرت یوسف سرای عزیزدن جانب بازاره كذرانده كلرلنوده هزاران
مرد و زن • نظارهٔ جمال یوسفا ایچون حاضر • و بو كار غریبه • و بو امر عجیبه ناظر اولشلر
ایدی • مردان و زنان • موی كنان • و سینه زنان • حمیم جاندن شفقت • و درون
جاندن مرحمت ایدب • دریغ بو غریب كنعانی • مظلوم و محروم در • و حیف بو اسیر
زندانی مغموم و مهموم در • اول كردن سیمینه كه بازوی حوران زیبا ردی حمایل اولمغه
حسرت چكه طوق آهنینی اولمغه لیاقتی یوق • و شول ساعد نازنینه كه كردن داوان
مشكین موی آرزو وسیله مقید قید حیرت اوله • بند زنجیر كران چكمكه طاقتی یوق دیرلر
ایدی بیت دست زنجیری ید بیضا ایله ثعباندر • معجز موسیٔ اظهار ایلدی یوسف
دخی نثر هر كم جمال یوسفی كوردی • ذالحال عاشق زاری • و دلدادهٔ بی قراری اولدی
نظم انی جان اولدی سرام بندهٔ فرمان عشق • حكم ایدر میر و كدایه سطوت سلطان عشق •

بحر

بحر عالم موج آدم كلّه زانده حباب • سر بسر دهرك فناسن عرض ایدر طوفان عشق •
بو مجملك مفصلی • بو یوزدن بیان ایدر كه چون یوسف زلیخانك مقابلسنه كتوردیلر
زبان منادیه بو جاری اولدیكه • هذا غلام من كنعان • والعزیز علیه غضبان • جبرئیل
ایتدیكه جواب ویرب دیكه • هذا خیر من غضب الرحمن • و دخول النیران • و سرابیل
القطران • سنك بو كلامكی كمال قدرت • ذو الجلال برله صماخ زلیخایه شویله القا
ایده یم كه • اماكی یعرد ان اصلا بر فرد اصغا ایلمیه • پس یوسف بو كلام دلپذیری كه
تقریر ایتدی • زلیخا استماع ایدوب نایرهٔ غضبی بر درجه ملتهب اولدیكه زلیخا بی
اختیار دونوب اوته كتدی • چون یوسفی زندانه ایلدوب محبوس ایتدیلر • و امید
نجاتدن مأیوس ایلدیلر مثنوی مكان اولدی اكا یدی بیل زندان • ایدردی
متصل حزن ایله افغان • شو دكلو ایتدی آه و ناله و زار • كم اندن اهل زندان اولدی
بیزار نثر آخر الامر اهل حبس جمع اولوب ایتدیلر كه • ای بلبل خوش نفس • اكر كوندز
نالان اولورسك كیجه آسایش • و اكر كیجه كریان اولورسك كوندز آرامش • ایله
تاكم بزه دخی موجب راحت و باعث استراحت اوله • زلیخا كه بو حاله واقف اولدی
زندانده بر عالی محل بولدی • طریق عامه روزنه آچلدردی • تاكم یوسف اول مقامده
آرام ایدب • آینده و رونده یه نظر ایده • شاید انلره مشغول اولمغله كریه و ناله
دن كذر ایده • اتفاقا اول روزنه كنعانك شاه راهی صوبنه واقع اولمشدی
هر كیجه اول غنچه دریچه یه یوز اوروب اغلردی • و هر نسیم كه طرف كنعانه • روانه اولیدی •
درد دلدن اكا خبر اهمرلردی بیت كل ای نسیم تطرقل بو حال زارمزه • اولا كه بیلورز
سن حالمزنگار مزه نثر و هر ندم كه جانب كنعاندن هبوب ایدردی حال یعقوبدن
سؤال ایلردی بیت كلشن كوینیدن ایرن بیل دمی عیسی میدر • نكهتندن تازه تازه
جان بولور عظم رمیم نثر بر كیجه ناكاه بر شتر سوار اعرابی بادیه یولن طوتب كتمك
اوزره ایكن شتر باركش • مانند آتش سركش • ربقهٔ اطاعتدن • و زمام مطاوعتدن
باش چكوب • جانب زندانه • روانه اولدی • اعرابی ضرب تازیانه برله ضبط ایده

مدی • فی الحال روزنهٔ یوسف تیدی • نطق صحیح و زبان فصیح ایله سلام ویردی
واتیدی • ای سمن چمن خوبلی • وی گلبن گلشن یعقوبلی • مملکت کنعاندن مصره
گلدم • حالا کیرد اول دیاره کیتمک ادزره یم • اول شیخ محنت زدیه و اول پیر حسرت
رسیده یه یعنی پدر الم کشیده یه سلام و پیام ارسال ایدوب اعلام حال و افهام
دردمانع البال ایدرسن • چون یوسف اسم پدر نامداری • و ذکر دوار و دیاری
گوش اتدی بیت بازباد صبح بوی گلستان می آورد • عندلیبان قفس را در فغان می
آورد نثر • نفس الامرده آدمی زاد کنلزو وطن مألوف • ومحبسندن ایراق دوشمکی
معتاد و مألوف اولسندن گرفتار فراق • واقع اولمق • اشد شداید جهان • ومعادل
عذاب نیرانلدر • والساعة ادهی وامر • ساعت مر المذاق فراقدن کنایتدر •
ووعید • لهم عذاب شدید • مقاسات الآم اشتیاقدن عبارتدر مصراع
فرقت کبی جهانده عذاب الیم یوق • هنوز اول شتر گفتارین تمام اتمدین اعرابی
نارنیانه برادر مقه عزم اتدی • اثر درزمین اعرابینک ساقنی لفظنه دک یوتدی
قطعا حرکته مجال ویرمیوب محکم طوتدی • یوسف ندا ایدوب اتدیکه ای برادر
برزمان ارام ایلکه • یار ودیاردن استفسار ایده یم • امیددرکه فواتح حرمت
مهب بهب شادمانیدن متنسم اولوب مشام جانی معطر • ولوامع بهجت مطلع دل
ویرانهٔ منور ایلیه اعرابی اتدیکه نیم بابلرم بیر یوتمشدر قنده کیدرم کام
آدمغه قدرتم یوقدر کام دنا کام ارام ایدرم • حضرت یوسف اتدیکه • من
این بحی • یعنی قنده کلورسن • اتدیکه ولایت کنعاندن • بیوردیکه بوجیل جبل
هیکل • تنق جراگاهه ادتاردک • ونیجه منهل مصفاده صواردک • اتدیکه
مرعای مرعی آل یعقوبده • اوتاردم • وچشمسار زلال آثار کنعانده صواردم •
یوسف بیوردیکه عجبا معلومک میدرکه زمین کنعانده بر درخت منیع الشان
پیدا اولمش ایدی • وبرنجرهٔ رفیع المکان نشو ونما بولمش ایدی • که بالای اعلایی
وقامت منتهاسی همت اولیاکبی بلند • ومراتب شهدا کبی عالی دارجند ایدی اول

درخت

درخت سپهر رفعتدن • اون ایکی شاخ طوبی خرام وجود بولمش ایدی • ولکن آسیب
روزکار • وطوارق لیل ونهاردن • گزند ایروب • برشاخی شکست اولمش ایدی •
اعرابی اتدیکه بیوردوغوکز صفت تمثیلیدر • یعنی احوال یعقوب بنی دره • اون ایکی
اوغلندن بری خیلی مدتدرکه ناپیدادر • وبیرآشفته تدبیرک نالهٔ شبگیرندن •
گنبد عالم پرصدادر • وهمزناسده دارالاحزان نام برخانهٔ محنت اباد بنیاد
ایدوب • لیل ونهارانده قرار ایدر • وذاهب وآیب واجانب اقاربدن فرزند
گم گشته سی اخبارین استفسار ایدر • الی هذا الآن • وجود بر جودندن • برخبر وبود
ونابودندن براثر ظاهر اولمدی قطعه زیارکم شده خودنشان نمی یابم • بشاز کف
دلم ودلستان نمی یابم • مراجهان بچه کار اید ای مسلمانان • چو انچه میطلبم در جهان
نمی یابم نثر بو خبر دل حضرتنه تأثیر اتدی • دردی اوستنه درد قاتلدی • وداغی
اوستنه داغ اورلدی واتیدی بیت داغ دیاره اوزره داغ دیاره اورسم
بریدر • قاتلدی جسملدر رکانده داغ دیاره یوق نثر اتدیکه بادیه جانبنه کیدرم •
اول جانبه مناسب متاعم واردر انشاالله فروخت اتدکده دیار کنعانه رجعت
ایدرم • بیوردیکه • بو معامله مقابلسنده نه مقدار رفاهیه ملاحظه ایدرسن • ونه
قدر عایده رجا ایدرسن • اتدیکه یوز درم • بیوردیکه بن سکا یکرمی بیک دینار
کبیر • وبریاقوت رخشان • وبرگوهر نورافشان ویره یم • تا کیم بو مجلدان
دونوب کنعانه ایرشوب • تا ایردکده دارالاحزانه ایت که ای مرشد راه
خدا • وای پیغمبر حضرت خدا • بن سکا الحاح رسالته گلدم • شول زندان عزیمدن
دادل جهان بی نصیبدر که جناب کرامت نصابکه عرض ثنا ونیاز • واعلام سوز
جان گداز ایدر • وسپارش ایدوب • ایدر شول زمانده که درد غایت • وسوز
فرقتی نهایت بوله • دست تضرعی درگاه واجب الامال • وبارگاه ذوالجلاله قالدره
دوتوب • بنی دعای خیر ایله یاد ایلیه که • هرگاه انلرک ذکر جمیل المآثری انیس جاندر •
وذکر جلیل المفاخری جلیس جناندر • خدمت شریفلرنده محروم اولمغه گریه دنالهدن

بردم آسوده • وبساط انبساط لرندن • دور دوشلی فراش آسایشه تکیه قلوب
غنوده اولدم **بيت** ندم کم یاد اوله اول محبت خاص • کوزم یاشنی اولور هرکجا
رقاص **نثر** اعرابی نام نامی کوزندر دیو سؤال ایتدی • یوسف بیوردیکه بو معانک
حلنه اجازت • وبو طلسمک فتحنه رخصت یوقدر • اما بری کل مصحف جمالده اولان
ایات بیناتک صنایع بدایع بیاننه بحر بصارت ایله نظر ایدوب • قلم جزم ایله حزم
دمادم • ومداد بردوام • واعراب مژکانم • دلکاوسی مرکب ایله یازلمش ایکی لام
عنبرفشانم صحایف جانکه تحریر • وصفایح جنانکه تسطیر ایله که وار دقده عرض ایده
سز • اکر بوزمک صاغ یاننده اولان خال مشکین • دانهٔ خالندن نشانه صورتر
اول نقطهٔ نور نور رهگذر رشکنه اولوب • اوزرندن علی الاتصال اشک جریان
اینمکله • مردم دیده رمد دیده مثال عذب محو الهوی • انشاالله بو مظلوم مشوقک
پیام محبت انجامی معلوم • وبو مخدوم مهمومک پیغام حقیقت فرجامی مفهوم ایلدکن
کردن وکوش جنانی قلادهٔ سرور وسلوت ایله آراسته • وکوشوارهٔ حبور و
بهجت بر له پیراسته اولدقده • ادعیهٔ معتبر که سندن نیجه نیجه برکت ونعمت ودولت
ورفعت بوله سن **بيت** حق تعالی درکهندن کیم اولسه فتح باب • لاجرم هردم اوله
انک دعاسی مستجاب **نثر** اما محنتکدهٔ یعقوبه ایردکده • اول مقدار آرام ایلکه هنگام
شامدن نصف کچوب • هنگامه کبرهای وهوی • دنیا هنگامه سن داغدب وبساط
نشین نفس حیوانی • رخت حواسی بساط استیناسدن قالدروب • اول حضرت
دخی اوراد ما ثوره لری سوره لرین تمام ایلدوب فارغ اولدقده • بندن سلام
ایله سن • واسرار اخبار مسرت آثاری • سرببرا اعلام ایله سن • اعدا محل توقف
دکلدر • کل بو یاقوت کم یا نی الوب • روان اول • اعرابی ایتدی • ای جوان
روشن بیان • نیجه روان اولم که مانند بند کران • پایلی زمین دوتمشدر
حضرت بیوردیکه • شتر مسکینی اوزرینه کینی دوتمه تاکم سنی زمین دوتمیه **مثنوی**
صقین اولمه غضب بر له دل آزاد • که بولمایه بلالردن دل آزاد • نه اچون دوته

سين

سین سینکده کینه • کرسن جون دم آخرده سینه **نثر** اعرابی جون دوه نی اوزرندن
خالی اولدی • فی الحال پایلری عقال زمیندن خلاص بولدی • هزار سرور
ایله واروب روی وموینده اولان شان عظیم الشانی کوروب • اول جوهر
معدن رسالتدن • یاقوت کران مایه یی آلوب پنبهٔ حیازته صاروب
حفظ ایتدی • همان ساعت اذن واجازت برله دیار کنعانی دوتوب کتدی
اول قاصد بجسته دم • ومبارک قدم سحاب سریع الذهاب کبی شتر سوار اولوب
کونلرده برکون دیار کنعانه ایردی • وحین موعود • وزمان معهودده دار
الاحزانه کیردی • السلام علیک یا نبی الله دیدی • یعقوب علیه السلامک بو نداء
دلکش • وبو صدای فرح بخشندن • جانی راحت بی اندازه • وجنانی بهجت
تازه حاصل ایتدی • خانه دن طشره جقوب رد سلام ایدوب ایتدی **بيت**
مرحبا ای قاصد فرخنده پی فرخ لقا • حاصل اولدی مقدمکدن جانه ذوق وصفا
بالله نه دیاردن کلورسن • کیمک رسولیسن • نه خبر ویررسن • دیار عزیز الاعتباردن
مصردن کلورم دیوب • براهین سرکذشتک مطلع کریبانندن • مقطع دامانته
دک حکایت ایلدی • استماع ایتدکده بیوردیکه ای قاصد فریادرس • وای بشیر
مسیحا نفس • مماخ دلده جانه مژده ایرکوردک • کویا مردهٔ پژمرده یه حیات تازه
ویردک • وبوش دعانی مقابلسنده دیله بندن سکانه مژده کانی ویرین ویانه
وجهله رعایت ایله یین • ایتدیکه شول که مقصود ایدی • اول شان نایف الاحسان
انعام ایلدی • سندن رجا اولنان دعادر • پیر روشن ضمیر • مانند مهر منیر رخسار
پر انوارین کوکه طوتوب ایتدیکه • ای خالق عالم • وای رازق بنی آدم رباط جهاندن
کذر ایتدوکیدم • سکرات موتی بوکا آسان ایله • شتر طشره دن چاغروب بو اعرابی
زنده نه بن ایلمدم • اول کج نهاندن سینه جر کتورمکه دلالت ایتدم رسالتده
بنوم دخی شرکتم واردر • بن ده دعا رجا ایدرم دیدکده • اول حضرت کیروال
کوتوردی آلجه بو شتر بادیه برین جنت ناقه لرندن ایله دیو بیوردی • اعرابي

ایتدی • یا نبی الله اول غریب زندان • واسیر بند هجران اولان جوان ناتوانه دخی
دعا ایله ایتدیکه • اللهم اطلق عنه ووصله باقاربه • یعنی الهی انکا بندن خلاص
لق ویر • وانی حضرلرینه ایرکور • ای عزیز از درد غربت کشیده • اقارب وتعلقاتنه
ملاقات انک مایهٔ راحت • وانلردن جدالق سرمایهٔ حسرتدر • شهدای کربلانک
حال حیرت مآللرینه دیدهٔ شفقت ایله نظر ایلک که هر بری اولاد واخوانلردن دور
واقارب وخانمانلردن مهجور • مراد لغادین ترک ایدب میدان کارزاره کیروب
اعدای بدکردار النده هلاک اولدی • ورآه استقامتدن عدول اتمیوب تیرخاکی
کردار مقام منزلی خاک اولدی بیت یاران درفیق اتدی علم ملکنی منزل • اولیا
غم هجر کبی دنیده مشکل نثر امام عالی قدر اول اثناده اطراف واکنافه نظر ایدب
کوردیکه • نه یار ارجمند • ونه برادر دلبند • نه خویش مهربان • نه فرزند دلستان • وانی
جملسی کیدب مانند خورشید فلک آرا انک وتنها قالمش • کیجی عزیزلرک هر برن
یاد ایدب • فراق وحسرت • خوش حسرته آتش براقدی • بلا اختیار سینهٔ سوزناکندن
آه چکوب چشم نمناکندن اشک اقتدی قطعه هزار حیف که یاران انجمنی رفتند
دریغ زان که حریفان نازنین رفتند • بباغ عمر شکفتند چو روز چو کل • درین چمن
بلارونقهای آتشین رفتند • زهی سعادت صاحب دلان که باغم ودرد • بزیستند چو
رفتند برچنین رفتند خبرده وارد اولدی که چون امام تنها قالدی مناجات ایدب
ایتدیکه • اللهم حرت مهجورا وفریدا اقتل مظلوما وحیدا مثنوی خدایا شویله قالدم
زار وکریان • نه غم خوار ونه دلدار ونه یاران • جدا اولدم قوسندن دریغا •
قودم اهل وعیالم غریب تنها نثر بو مقال حیرت مآلی اهل بیت رسالت وحجلت
نشینان حجرات جلالت کوش ایدب اول کشور کرامتک انواع مفاخر ایله ممتاز
واول شهر ولایتک اصناف مآثر برله سرافرازی • مدار امور خلافت ومستشار
احوال مملکت اولوب انکا بر روزکار انک ذات سعادت غلاصله افتخار ودریا
جهان انکله استظهار ایدرکن • اعدای بدرای بلیتنده بو نوعله زار وزبون

دیبای

دیبای حشمتی رکاب مکنتدن بیرون اولدوغن مشاهده قلوب جامهٔ صبری
دست حسرت ایله چاک ایدب نوحه لر ایلدیلر مثال اطفال ارغوان قانلره بویتو
مانند بلبل صیحه لر ایلدیلر بیت شو لکه عاجز اولام نده دوکر در تریله یاشن •
اول که بیچاره اوله ناله نا چار ایلر نثر حضرت امام هر برینه تسلی لر ویردی • صبر ایلک
دیو بیوردی که • صبر کلید درخانهٔ نجات • ومفتاح کنوز بیناتدر بیت ای کوکل ابر
حوادثدن حرج • صبر قل کالصبر مفتاح الفرج فرعون لئیم دن قاچو
کندو قومندن جکدوکی عذاب الیم • همانا شاه شهدا امام قبلهٔ هدی حضرت
حسین • جفای حاکم شامدن محجوب • زیارت جد بزرکوارندن محروم • وبلای امت
دون همت ایله صحرای کربلاده سرکردان • ومغموم اولدوغی احواله شابه در اذ شهو
کتابده انکا مناسب بابده • لکل مقام مقال مقتضاسنجه تسطیر اولنسه کرکدر مصرع
هر معانک برمقالی هر کلامک دقتی وار ابتلای انبیای عظام علی نبینا وعلیهم السلام
دن بلیهٔ ایوب مشهور دادل حضرتک بلایه صبر وتحملی لسان ائمه ده مذکور در
کتب سماوینک برنده مسطوردر که • ای بنی آدم • وی اهل عالم آگاه اوله سزکه آسمان
خزینهٔ فرشتکان • وجنان مسکن حوران وغلماندر • بحار مقر لآلی آبدار • وکوهسار
معادن جواهر تابدار در • صدور احرار مخزن اسرار قدم • وقلوب ابرار مکمن درد وغم در
اصحاب بلا دایما منفعل • وارباب عنا شکسته دللر • بن شکسته دللری سورم • انا
عند المنکسرة قلوبهم لاجلی • ومحزون اولان بنده لری مقام محبت ایلدرم • ان الله یحب
کل قلب حزین مثنوی دیرلر هر کشیه تحفهٔ درد • سعادت اهلی درد استین مرد •
یتر سک درد اوویه اوله غمناک • که نقد قلبک ایلر خالص وپاک القصه حضرت ایوب
صبور • فرق بیل نعم دنیا ایله حضور اتمشدی • اون ایکی فرزند ارجمندی وار ایدی •
هر بری کثرت مکارم اخلاق ایله معروف • ووفور مراحم اشفاق برله موصوف ایدی •
وفرق باغ وبوستان ترتیب اتمشدی • که هر بری اثمار کوناکون • وازهار رنکارنک
ایله طولمشدی • وفرش زمرد فامنک • میان وکناری • طبلهٔ عطار کردار • شمایل

سنبل • ورواجِ بخورِ مریم ایله مالامال اولمشدی قطعه فضاسی دلکشا وخاکی عنبر •
هواسی جان فزا وصوی کوثر • کوردن درافلودعنی هرسوده صویی • بو درملک
جهانک آب رویی نثر ودورت یوز سارباه وچوبانی وارایدی • کی سوری
ایله غنم • وکمی قطار ایله شتره خدمتکار ایدی • برکون جبرئیل امین کلوب ایدیکه ای
رسول رب العالمین • بونجه مدتدرکه حضور وراحت ایله شاد ان • ووفور نعمت
برله کامران سن • حالیا امرادلدیکه نعمت نقمته • وراحت زحمته • قدرت غلته صحت
سقامته مبتدل اوله • ای جبرئیل چون ملکِ جلیل بویله بیوردی • دوستک مطلوبی نیم مرغوبم
دیوب • هزار رغبتله بلایه منتظر اولوب طوردی بیت کا غم کاهی سرور ایه شادکی
خوش کور کوکل • بر برندن آیرد اولمز کنج دمار وخار وکل نثر برکون صباح نازین •
واوراد ونیازین • تمام ایدب پشت جمارکن محرابه • ورویی منبر کن اجابه طوتوب
نصیحت ایدرکن • چوبانلردک مقدمی جلادن مقدم • فریاد کنان وسینه زنان درمجلده
ایردی • حضرت ایوبی کورب سلام ویردی • ایدیکه یانبی الله جانب کوهدن بر سیل
انبوه وارد اولوب • اغنامی سور سیله سوروب • خاشاک وخس کبی الوب کتدی • و
طعمه سباع وضباع ایتدی • انک عقبنجه شتربانلرک رئیسی کلوب ایدیکه • ناکاه جمال
جماله کمال شدت • ونهایت حدت ایله • مهب بلادن برسموم سموم حبوب ایدب
دوله طوقونوب • مانند آتش سوزان جملسن بریان ایلدی • سرمایهٔ کارم • دمایهٔ
افتخارم • الدن کتدی دیرایکن • باغبانلردک سرداری • بلبل نالان مثال آه ال استعجال
برله بولنوب فریاد ایدرک کلدی • وایتدی • بر صاعقهٔ آتش بار بیدا اولدیکه اشجار
واثمارک کلیسن یقدی • ومراسن دبیخ چقروب پیقدی • حضرت ایوب بو اخباره
حیرت آثاری • استماع ایدب اصلا تغییر وضع المیوب • متصل ذکر باری ایدردی •
دکندو کندویه دیرایدی بیت بیکان ایدارکه آید زدست دوست • بر عاشقان
غم زده باران رحمتست نثر ناکاه احبابدن برکلوب ماندرعد وسحاب نالان
وکریان • ومثال برق وسوزان • واشک ریزان • ایتدیکه • ادن بر فرزندلبندک

اولو

اولو برادرلرینک کاشانه سنه وارب بساط نشاط • وسماط انبساط اوزرنده •
تناول طعامه • یعنی خورد واشامه • مشغول ایکن سقف خانه یقلوب قضای اسمانی •
وبلای ناکهانی کبی • سطح زمینه اینلدی • جملسی التنده قالوب هلاک اولدیلر • هر برینک
مقامی مانند کنج زیرخاک اولدی مثنوی کشیم بربلا اولسه مقدر • آنی منع ایده مرکسه
برادر • اکر تخت وسریر کسا وله افلاک • چو خاکی سن اولورسن عاقبت خاک نثر اول
حضرت ناله وفریاد • ایدرکن تدارک اتدی • فی الحال سجده یه وارب ایتدی الهی
جونکه سن نجلاسن جملسی نجلادر بیت اهراه اولیحق لطفک ستاده وشراده • هر برسی
حاضر دریناده • وعقباده نثر مال ومنال حمدد زوالده • اولاد وعیال معرض انتقالده •
بیت دولت ومال ونبات واهل واولاد وعیال • فی الحقیقه ظلز ایل صف راحلدر
همین نثر چونکه آخر کار کوس رحیل اوردلسه کرک • خزینهٔ قلعه بدرنده امانت اولان
نقد حیات استرداد اولنسه کرکدر • اهل سعادت اولدرکه • سرمایهٔ کارین • دهرایهٔ روزکارین
بذل فرقهٔ فقرا • وسبیل راه خدا ایدب • ذریعهٔ ذخیره تجارت عقبا ایلیه • تاکم باعث
رتبت قربت الهیه • وسبب رفعت مرتبت نامتناهی • واقع اوله بیت ندکلوجمع مال اسه
اودکلو تفرقه ارتر • پریشان ندر شوکم دوشلی هوای دنیایه القصه حضرت ایوبک
مال ومنالی • وفرزند وعیالی • کتدکدن صکره مدت متمادی علی التوالی خسته وبیمار •
ودلشکسته وزار اولدی • خبر وارد درکه تن شریفنه • وبدن لطیفنه • دورت بیک
قورد اوشوب قوردکبی یرلردی • چون دزد دردبدنه کیردی • هرجانبندن نقب
اودب • خزینهٔ دل وزبانه ایردی • کرمان بی امان • قصد دل وزبان ایلدکده اول
حضرت زیاده متألم اولدی • رب انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین • خلایا دردد
بلا ایله • وکونه کونه جفاره صبرایتدم • حالیا جگر اهملری • کوکل خانه سیدر • یعنی محبت
ومعرفتک خزانه سیدر • وکل نیتلری زبان حکمت بیاندرکه • مفتاح خزینهٔ معارف
سبحانی • وکلید کنجینهٔ عوارف صمدانی در • وآلت ذکر ومناجات • ومحل عرض حاجات در
بیت دلمدن ظاهر اولور ذکر تمجید • سوزمدن باهر اولور سر توحید نثر جت وجوبک •

وكفت وكويك • بونلرايله حاصل اولور • وجان وجنانه تسلی كلی بونلردن واصل
اولور بيت دل لخزن مهرست وزبان جای ثنا • وين هردو ازان تست رحمی
فرما نثر بن درد منده دار الشفای فضل واحساندن • شربت شفا • وبهار خانهٔ
كرم وامتناندن • داروی معافات وابرآ • عطا اولنمغه عنايت ايله ديو تضرع
ايلدكده • حضرت عزت ايوبه • دل وزبانن بغشلدی • عقلای جهانك وفضلای
دورانك • اذهان ثاقبه • وافكار صايبه لرينه متواری بيورلديه كه • جسم ايوبله دور
بيك كرم • واردی • انك المنه جرايدردی • احوال امانه نظر ايلك كه بكرجی ايكی بيك
ضمای جنك جوی • واعلای ستيزه خوی • تيغ بران • وسنان جان ستان • وتير
سينه كداز • وحربهٔ كردن شكار ايله • وجود پرجودنه حواله اولنلر ايدی اصلا بروزدن
استعانت • وبرمردن استغاثت المنوب • ذره صبر وقراری دربر • وعفو وتحمل
واصطباری برسر ايدب • دركاه سبحانی وباركاه مستعان قبلنه • رب احكم بينی
وبين قومی فانهم كذبونی وخذلونی • ديو مناجات اتدی • يعنی انلكوذ مقال
جبل مثال ايله نبی دعوت ايلديلر • كفتار وكردارلرينه اعتماد ايدب كلدكده اهل ذلت
شمشير وتير • وهر كوشه دن تبر وخنجر چكوب بوكنه حقارت ايلديلر • نه جدم محمد مصطفی
حرمت • ونه بابام علی المرتضی یه رعايت ايلديلر • نه كوفيلرده وفا • ونه شاميلرده
حيا واردر • بو ايكی طايفه نك مصادقت ومخالصتلری مثال دوركل • وما نلولنشا
مل سريع الزوال در • بنم رضای خدادن غيری انديشم • وتحمل وصبردن اوزكه پيشم يوقدر
ع ويردم عنان امری دست مشيته • ديو بيوردیلر جمله انبيادن ابتلای زكريا
ويحيی عليهم السلام جريدهٔ ايامده مسطور والسنهٔ انامده مذكور دركتور مشلردر
كه زكريا دم حضرت حقه مناجات ايدب • ديديكه الهی وجودم ملكنه پيرلك مستولی اولدی
لشكر قوا كوندن كونه منهدم اولوب جيش ضعف قوت بولدی قوله تعالی رب
هب لی من لدنك وليا • چوق تضرع چوق مناجات ايلدی • ترددلدن عرض
حاجات ايلدی • ديدی لطفكدن براوغل قيل عطا • لايق حضرت ولی سيرت اد لا

حضرت مبشر المرادات • وواهب العطيات • يحيی نام برفرزند سعادت انجام مبشر
ايلدی • وسن طفولتنده • وآتيناه الحكم صبيا • موجبنجه علم وحكمتدن نصيبين اوفر
وافر ايلدی • موالید ثلث علادی عمره ايردكده • وجهات سته كبی هر جهتی اباد ومعمور
وباران احسان سبحانيدن مستفيض ومعمور اولدی وحكايت ايدرلركه صبيان جيران
وكودكان محله درخانهٔ دن زكريا يه كلوب • ای يحيی كل سنكله اويون اوينيالم ديو دعوت
ايدرلردی • درون خانه دن جواب ويردب • ماللعب خلقنا ديرلردی يعنی بازيچه
ايچون خلق اولنمدق • ولهو ولعب ايچون دنيايه كلمدك قطعه قويوب خلق ايدر حقه
عبادت • عواقب فكرين ايلر عاقل اولن • اولور هردمده كاری لهو وبازی • حضور
ايدر جهانده جاهل اولن نثر حضرت ذوالجلالدن خوف وخشيت • وفهمنك رقتی وقلبنك
رقتی • شول درجه ده ايدی كه • هر نه دمكه احوال قيامتدن • وعقاب پراهوال آخرتدن
پرسوز ياد ايدردی • دل وجاننه آتش حيرت دوشوب مانند آب كوزلردن كيدردی
بيت نصيب اولسنه دكلو قرب حضرت • اودكلو آرتوغ اولور خوف وخشيت •
مزخرفات دنيايه • ديدهٔ نفرت • ومتنزهات فاكدان بی دغايه چشم حقارت ايله ناظر
اولوب البسهٔ رنكارنك دوراندن • بر پلاس پشمينه اختيار ايدردی • واطعمهٔ كونا
كون جهاندن • نان پارهٔ جوينه افطار ايلردی بيت جهانده آدمه بر لقمه بس در
زياده استينلر بوالهوس در • اول سلالهٔ رسالت كه دورت ياشنه يتدی توريتی
تمامت حفظ اتدی • اون ياشنه ايردكده تحصيل علوم عقليه ونقليه وتكميل معارف
صوريه ومعنويه قلدی بيت علوم كاينا ته عارف اولدی • رموز كاف ونونه
واقف اولدی نثر بو قدر قدر ومنزلت ورتبت ومعرفت ايله • بردرجه كريان اولوردی كه
جريان اشك وسيلان سرشكدن صفحات وجناتنك كوشت وپوستی دوكلوب كيمتدی
پنهان رك واستخوان ظهور اتمشدی • مادر مهربانی وايما تمرد موج مهر آقن يورايدی
نحافت جسمندن لطافت روحی معلوم • وآه جكرسوزندن سوختهٔ تاب تجلی ايدوكی
مفهوم ايدی بيت شيفتهٔ حضرت مولا ايدی • سوختهٔ تاب تجلی ايدی نثر آزيرايدی

چوق عبادت ایدردی **بیت** چوق عبادت قل آزه اول قانع • یوق یره عمرک ایله ضایع **نثر** حضرت یحیینک مناقب پسندیده سنه حد و مکارم اخلاق حمیده سنه علا یوق ایدی • برکون حضرت زکریا تضرع ایدب ایتدیکه ای بارخدا جنابکدن بر فرزند دلبند و بر پسر شکر خند طلب ایتدم که • بشاشت رویندن خاطر ناشاد مه سرور و سلوت حاصل • و نظرت صورت دلجویندن دل نامرادمه روح و راحت واصل اوله • لکن بو جکرکوشم جانمه داغ غم • و ریش بی مرهم اولدی • آه یحر کاهی کوشلیکه طاقت کتوره مزین • و دمبدم ناله جان کاهی اشتمکه قدرت یتوره مزین • خطاب ایردیکه • سن بزدن بر فرزند دلپسرت طلب ایتدک • صفت اولیا • و سیرت اصفیا اولدرکه • بین الخوف والرجا دایما بکادن کوز یومیه • و جناب رحمت مآبدن صونلان عطایای بلای حسن رضا ایله قبول ایدب هیچ احددن مدد اومیه • شول کونکه بساط محنت سرای محنتده بسط اولنوب علم شوق عالم عشقه دکدیلر • حصول مرادات خرمننه کلیا آتش حرمان اوروب • زمین دل انبیا و اولیایه • نا امیدلک تخمی اکدیلر سن هنوز عالم فراغتده و ساحت راحتده سن • اندی متنبه و آگاه اوله سن • بر دم ظهور ایده که فرزند دلبندک کردن نازنینی الف تیغ الم ایله انقطاع بوله • و سنک جسم نحیفک بدایت فرقکدن نهایت قدمکه دک ارّه سیمین ستم برله • دو نیم اوله • میان محنتی کمر اخلاصله بند ایلمکه استعجال ایله • و نام درمانی فراموش ایدب • درد دوی قدم رضا برله استقبال ایله **بیت** چون سنی حق حضرتی دلخسته و زار استدی • اکه هرکز مرهم آدین درده درمان استمه **نثر** اره خصوصنده صدور ایدن امره نهایت اطاعتندن بو معنای تکلم و غایت عشقندن بو فحوای ترنم ایدردی **ابیات** باشمه ایرسه ندم اره هر دندانه • هیچ فرقا یلمیوب صانورم ایردی شانه • کار ایدب جانمه دیرتدلمه هیچ ملال • اولور اول افسرمه کنکره جاه و جلال **نثر** خوف یحیی م بر مرتبه ده ایدیکه • هر قنقی مجلسده حاضر اولسه حضرت زکریا عقوبات قیامتدن • و عقبات آخرتدن • بر کلمه تکلم اتمزدی • زیرا یحیینک آیات وعید ربانی دن • و حکایات بر تهدید صمدانی دن • بر حرف کوش اتمکه طاقتی یوغ ایدی •

برکون

٣٨

برکون زکریا پیغمبر معزم منبر ایدب • برکات انفاس ظاهره سی • و نفحات الفاظ عاطره سی برله • خلق بهرمند ایلمکچون کفت و کو ایدرکن • یحیی یی تفحص ایدب جواب اربوبی جست و جو ایلدی مسجد خلایق ایله طولمش ایدی • و حضرت یحیی یه • بر ستون حایل اولمش ایدی • کوره مدی • پس زکریا چهره جمال تهدیدات ذوالجلالدن پرده کشا لق و مجلس خوف و خشیتدن نقل آرالق • ایدرکن • بو محله ایردیکه • دوزخده بر کوه پر شکوه خلق اولنمشدر • نامنه غضبان دیرلر • هیچ کس اندن محجوب خلاص اولمز • و عقبات پر نکباتندن بر فرد نجات بولمز • مکر خوف سبحانی ایله کریان • و آتش خشیت برله سوزان اولنلر دیدکده حضرت یحیی سمع جان ایله اصغا ایدب نعره زنان و کریه کنان • الویل لمن دخل غضبان • دیوب شهردن چقوب سر و پا برهنه جانب بیابانه کتدی پدر معتبری منبردن نزول ایدب حال دلبندن • والده سن خبیر اتدی • ایکیسی دخی در و پیچ • روان اولدیلر • باد و زان کبی کوه و دشتی کشت ایدب هر جانبه پویان دشتابان اولدیلر **بیت** ای کلشن حدیقه جانکه کیاشدی • پنهان ز چشم بلبل شیداکی شدی **نثر** بولمیوب عاجز و فرومانده قالدیلر • آخر ادیجی کون برشبانه راست کلوب • اندن خبر الدیلر • ایتدی یحیی یی کورمدم • لکن اوج کوندرکه شب و روز اشبو کوهدن صدای ناله کلور • جمله اغنام خورد و اشامندن فارغ اولوب اول نالیه قولاق دوتوب کوز ژندن یاشلر دوکرلر • و ملاملری صداسن ملأ اعلایه ایرکورلر **بیت** کوهکش هر کم اشتسه نالسن نالان اولور • شول قدر تأثیری وار حیوان دخی کریان اولور **نثر** حضرت یحیی بو ناله دخان اول کنج نهاندن نشانه در دیوب قاتونی ایله اول طرفه روانه اولدیلر • اوزرنه وارد قلده سجده ده بولدیلر بدر و مادر شفقت تمام ایله پرسش خاطر ایدب • اعزاز و اکرام اتدیلر • و مسکن مألوفه کیده لم دیو اقدام و ابرام اتدیلر • عدم رضاسن فهم ایدب اقدام و ابرامی سرحد مبالغه یه یتور دیلر • انواع تملق و الحاح برله مقر سعادته • و مستقر کرامته کتور دیلر • اوچ کون علی التوالی • نه آب و نه نان طتمش ایدی • و نه ارام و خواب الجون یتمش ایدی • بر مقدار

طعام ننوب • بالین استراحته میل اتدی • عالم مناماده • بر منادی ندا اتدی وایندی
یا یحیی هکر حرف خوف غضبان لوح ضمیرکدن زایل اولدی • طبعک اول اجلدن خواب
وخوره مایل اولدی • اول ندای غفلت زدانک استماعی • دل روشن خورشید التماعی
کبی • دیدهٔ عبرت دیده سن • خوابدن بیدار اتدی همان ساعت یتر خاکی کرداز
برندن اتلوب صحرایه کتدی • حضرت یحیی دن مدت حیاتنده کناه صادر اولدی
وکناه انک خاطره سی خاطر عاطرنه یول بولدی بیت داعی حالنده یوق لوث
تعلقدن اثر • قونمش مرآته کرد حوادثدن کدر کنورشلردرکه دم قد
لحقیقه ینورشلردر • روز قیامتده • بر منادی ایکی دفعه ندا ایلیه کلی اهل محشر
الی اهتی ایلیه • ندای اولده • ای محشر اهلی کوزلرکوز آچوب کورک بنم بوقلدن
هرکز کناه صادر اولماشدر • وکناه انک داعیه سی اصلا خاطرنه یول بولماشدر
دیدکده جمله نظر ایدب یحیی پیغمبری کوره لر • ارباب معاصی سر جمله بشلری آتنوب
صاللر مجلت زده وشرمسار اولوب قاله لر • ندای ثانیده غضوا ابصارکم
یعنی ای اهل محشر • اکر عورت اکراد جمله کوزلرکوز ارلیکوز • یوحک که دختر رسول
خدا • حضرت فاطمة الزهرا مرور ایدر • علمای فضیلت پناه • وفضلای معارف
دستکاه • بیوررلرکه • طایفهٔ نسا نامحرم دکلدر کوزلری • یوموغه سبب نه در
حکمت اولدرکه حضرت فاطمه عرصهٔ عرصاته • بر صفت ایله کلکه هیچ کسنه انی اول
حال ایلمشاهده قلمغه قدرت • واول صورت برمعاینه انکه طاقت اولمیه
زهر خون الودهٔ بیراهن حسن وحسینی کتف یمین ویساره صالوب • وامام علینک
قانه غرق اولمش عمامه سن الده الوب جانب عرشه توجه ایدب • بروجهله خروش
ایلیه که کروبیان مجالس انس غلغله لر • وکوشه نشینان محافل قدس الکله لر • وانبیا
واولیا کوزلرینی اشغه دوشه لر • فاطمه دارب عرش عظیمی طوتوب الحی بکا ظلم
ایدنلردن • دادم الیویر • دیو تظلم • وفریاد مه فریاد رس اول دیو تکلم ایلیه • جبرئیل
ناالحال حضرت رسالة وارب • فاطمه الزهرا نه حالت ایله زیر عرشه کلدکی تقریر
ایدب

ایدب ایده که قریب درکه دریای قهاریتی جوشه • وقلزم جلالتی خروشه کتوره
اکر علی سبیل التعجیل ایرشمزسک • باعث خطر عظیم • وموروث عذاب الیم اولق مقرردر
اول حضرت بالای منبرمنبردن اینوب • زیر عرشه وارب ای نور دیده • وای دختر
پسندیده • بوکون خاص وعام • بلکه جملهٔ انام • ذیل شفاعتمه تشبث واعتصام وظل
حمایتمه التجا وافتخام کوسترمشلردر • بوکون ترحم وعنایت زمانیدر • تظلم وشکایت
اوانی دکلدر • دیو بیوردقلرنده • دیه که • ای پدر بزرکوار بنی معذور دوت
که هر بار بو پیراهن زهر الوده وخون اغشته یه نظر اتسم • دل پرخونم چاک چاک ایلر
وعمامهٔ امام بقیم قلب ناشادم ملول وغمناک ایلر • اول حضرت ایده که • ای فاطمه
بو پیراهن خون الودهٔ بن قالدرب خدایا حسینک ناحق دوکلن قانی حقی بنم اوغلم
دوست ومحب • وعدواندن متنفر ومجتنب اولنلرک کناهلرین بغشله دیه • پس
بو پیراهن زهر الودهٔ دوتوب • رجای رحمت واستدعای مغفرت ایله امیددرکه
اول ارحم الراحمین کناهلرن بغشلیه • وخطالرن عفو ایلیه قطعه ازکرم عذر کناه
عاصیان خواهد بخشید • هیچ امت را ازپیغمبران عذرخواهی کس ندید • بجهان آرند
سوی درکهش روی امید • زانکه درعالم ازین بهتر نیابی کس ندید مرکز یعنی نامی رسول
رب العالمین صادق • وحلیملک اسمی اولنبی صادق الوعد الامینه موافق درکه
اولاد واصحابن • واحفاد واحبابن • قتل ایدنلره • کمال استیلا وقدرت ایله قادر
ایکن • اساءتلرن احسانه مبدل ایدب آتش انتقامه زلال عفوی بدل قله بیت
هزاران آفرین اول خلق وخویه • امان ویره امان بلمز عدویه العجب حضرت
یحیی نک شهید اولمسنه سبب قوی • وباعث صوری ومعنوی بو اولمشدرکه • ساکن
اولدقلری شهر شهربانیک • واولیای جدارینک برخاتونی وار ایدی • شوهر آخردن
برجمیله دختر وجوده کتورمش ایدی • بربرد طوبی قامت • وبر خورشید قمر طلعت
ایدیکه • جمال حالی کلکونهٔ لطافت ایله محلی وارآسته • وکلزار جمالی سنبل دلارا ایله
مزین وپیراسته ایدی نظم کونش دردیرسم اکا یراشور • بقنجه یوزینه کوزلرقاشور • دهانی

نقطه در اول داخی موهوم • میانک اسمی وار در جسمی معلوم • صالنه نازایله اول
سرو دلجو حرام اولور خرام کبک و تیهو • طفلش کوشنه منکوش زرین • کل ایله
نرکسی آتش باغی تزیین • داعیهٔ نهادی وخاطرهٔ فؤادی • اول ایدیکه اول دیار
سفینه سلک ازدواجه نظام • وعقد نکاحده انتظام ویره • خاتونی سن کهولتدن
متجاوز اولمغین رضا ویرمش ایدی • خصوص مزبوری مکان الکانه ایر کورمش ایدی •
برکون میر مزبور حال نکاحی حضرت یحیی م دن سؤال ایدر • اول دختر نکاحه امر
دیدکده فراغت ایلر • اول فاجرهٔ حیل پیشه بو معنیدن خبردار اولوب یحیی یه بغض
وعداوت ایلر • میر خایب تدبیر ترتیب خمور و مسکراته راغب ولعب ولهو منکراته
طالب • اتباع نار و نغم ایدن میخوارلر ایله همراز • واستماع ساز ونغم ایدن خلیع
العذارلر ایله دمساز اولوب • مدام شرب شرابه رغبت ایدردی • مانند غنچه ولاله
صراحی و پیاله ایله صحبت ایدردی بیت شراب ارغوانی نوش ایدردی • نوای ارغنونی
کوش ایدردی نثر. برکون عادت نامرضیه وشیمهٔ لایقه رویه سنی اوزره اول زاحل
وغافل مست ولا یعقل سرایه کلدی خلوت خاصنه ایردی • زن مکارهٔ مکاره پیشه
یعنی اول ساحرهٔ مفاسد اندیشه • فرصت غنیمت در دیوب دیک خدعتی جوشه •
وقلزم حیلتی خروشه کتوروب • دختر زیباسن نهال کل کبی لباس رنکین ایله آراسته •
وچهرهٔ رعناسن حسن یوسف ایله پیراسته ایدوب • سرو فتنه ایلتدی • میر آشفته دل
مست ولا یعقل ایکن • بر دلدار عذرا عذار • دلبر نکار شیرین کفتار • تماشا ایلدکده
نظرن دیدهٔ دوران معاینه اتمش دکل • ومثلن کوش جهان ایشتمش دکل بیت
جمالی شمعنه پروانه اولدی • بهار حسننه دیوانه اولدی • همان اول بوالهوس مانند •
نرکس کوز قوروب جمالنه وصالده جلوه کر اولمغه قصد اتدی • اول ذو فنون مکر
وفسون واعجوبه لون چرخ بوقلمون • نقاب جمالی چهرهٔ کلکامدن رفع اتدی
وایتدی • ای شهریار جهان • وی تاجدار نافذ فرمان • شویله بیلکه یحیی نک باشن قطع
ایدوب بو محله کتورمیه لر • جریدهٔ جهاندن نام ونشانن کوتورمیه لر شاهد مقصوده

ظفر بولمق میسر • ومراد ماینه الضمیره قادر اولمق • متصور دکلدر • اول ظالم بی دین
واول کبر بدآیین قتل یحیی یه اشارت • وبو امر خطرناکه جرأت ایلدی ح حکم حاکم
نفس قاطع سیف صارم در رهان • علماء وقت آکاه اولوب • ایتدیلرکه اکر یحیی نک
دم لاله کونندن برقطره خون نصیب خاک اولورسه من بعد • روز رستخیزه دک کیاه بتمز
بعد الوقوع توبه وانابت • وتأسف وندامت فایده اتمز • میر مزبور امر ایلدیکه
باشن کسدوکوزده قانن بر طشت ایچنه اقیدوب مجلس آرسنه اندن صکره ایلاب
برجاه عمیقه صالسن • میر بد کردار کی نحسان مجلس خاصدن • وندمای قدمای
خواهندن • بر مقبول ومقربی وار ایدی • یانده هر سوزی امر قضا کبی رد اولمز
دکاه دیکاه قصد ملاقات اتسه • باب خلوت خانهٔ خاصی اکا سدّ اولمزدی اول مجلده
انده بولنوب ایتدی • اولا پدری قتل اولنسون که مستجاب الدعوه در فرزندی فراقیله
بردعا ایلمسون که نفس مبارکندن • مرآت مجلای عز واقبال • وتمیه • وبادآهندن
چهرهٔ قدر • واجلاله کرد • وزوال قونلمیه • اجازت ویردی انکیسین دخی هلاک ایلدیلر •
بیت کیمکه بو جاهیا ایده مجرم • هکری هم اولور نزلی ندم • حاکم مظالم پیشه هوای نفس
بد اندیشه اوبوب • بر مدت آکی رسول عالی شانی هلاک اتدی • جسم پاکلرین دفین
مطمورهٔ خاک اتدی قطعه ایدب تشبیه ام بادشاهی • اود وصود ر دیدیلر عالم
الجره • اکر صادر اولا برامر منکر • خراب ایلر جهانی بر دم الجره نثر ارسال اولنان سرهنک
بی فرهنک • اول ایکی غیر پیشه • بنوعی زنجیر تسخیره چکمکه قصد وآهنک ایلدکده پسر وپدر
برابر قیام ایدوب کلبهٔ طاعتده • وسجادهٔ معبود ییده • حضرت حقه عبادت ایدرلر ایدی
اول غنچهٔ نورسته • پدری یانندن چکوب الدیلر • مانند کل دسته دست وکردن
بسته قلدیلر • حضرت زکریا بو حالی معاینه اتدکده • فی الحال جای قراری محل فراره
تبدیل اتدی • بر پنجه بدخواه دخی انی دام بنده دوشرمک قصدنه پنجه روان اولوب
کتدی • دست مواصلت اعدا • دامن عزیمت • زکریا یه وصول بولمغه قریب اولدوغی
محلده • بر درخت بلنده • دبر شجرهٔ برومند وار ایدی • زکریا اکا الف نبان ایله اشارت

انلدی همان ساعت• بامر فالق الاصباح• کاف کونی مثال اکی شق اولدی• بیری
وار جوف درخته داخل اولوب• حاندیکه شر فجاردن امان بولدی• محل خولله
ابلیس حاضر اولوب• کوشه• ردای حضرتی طشره چکدی• درخت کی کان یک پاره
اولدقده• بر پیر فانی شکلنه متمثل اولوب• تحت شجرده طوردی• عقبنجه روان اولان
اعدای بدرای دن• بری ایرشوب• زکریادن خبر صوردی• ایتدیکه اشبو درخت
جوفنه کیردی• تحقیق حال• تصدیق مقال ایچون کوشه• ردانی النه ویردی• اندیکه
ای پیر بو بابده• نه تدبیر ایدرسن• که ذکریایی بو درختدن بیرون قلوب
هلاک ایده وز• ابلیس مقهور شرور مو فوز ایله ایتدی ممکندر که همان دوردوغی
محلده جیب وجودن چاک ایده وز• ارة دوسری پیدا آنکی تعلیم• وبالای درخته
قویوب کش کش ایله ایکی شق ایلمکی تفهیم اتدی• جزؤی ملتده• تألیف وادینی
ساعتده• تصنیف ایدب• ارباب شقای شق بنجه مباشرت قلدوغی دماده
سرادقات غیبدن ندای لاریب ایرب• ای زکریا زنهار وزنهار ناله وفریاد
ایتمه• یوقسه نامکی جریدهٔ صابرینلن• تراش ایدرم• وزمرهٔ مجاهدین دفرق
موحدین میاننده علم صابرلکی فاش ایدرم• علاوی جانک اولنلر نهایت
سنی سرای وجوددن دور ایده لر• بن حجرهٔ شهوددن مهجور ایدرم• اکر بواذیته
شاکر وبوبلیته صابر اولورسک کلستان خافقین ده بهار ذکر جمیلک ازهار
آفرین ایله آراسته• وحدیقهٔ نام ونشانک ریاحین تحسین برله پیراسته اوله القصه
ارهٔ بیر دندانه تارک مبارک ذکریایه ایردکده صابروشاکر اولوب ایتدی
الحمد لله که جسدم عشق خدای ایله جبهٔ وجودم چاک ایدر لر والمنة الله تهمت محبت
الله برله قانی جرعه وار نصیب خاک ایدر لر بیت بجرم عشق تو مارا اکر کشند
چه باک• هزار شکر که باری شهید عشق شدم نثر شول مکه اول رسالت سپهرک
ماهن ایکی شق ایتدیلر• اکر مراد همیرک وخاطر کبیرک ندر دیو سؤال ایلسه لر مستانه
نالر ز دعاشقانه نعره لر اوروب دیه که کاشکی بو ارهٔ مثال نشیدلارهٔ باثملا

آکسک اولیوب• قیام قیامته دک هر آنده جسمی ایچاب محبت حبیبی کبی چاک چاک
ایلیدی• کرو حق تعالی ارباب وفا عهدی درست ایلیبدی• پس لاجرم هر کس که
بلادن لذت الور محنت ومشقته طالب اولور قطعه در بلا لذتیست پنهانی
ناچشیده کسی کجا داند• وانکه او لذت بلا دریافت• در درا بهتر از دوا داند القصه
بو جانبده حضرت یحیی یی که دست بسته• اول ملک بدنژاد• واول حاکم بی داد حضرتنه
الندیلر• بیوردیکه ذالی الحال عوض حلاله بتوره لر• وباشنی طشته قویوب حضورنه
کتوره لر سیاست کافی ایلتوب• سر سعادت اثرندن عمامه سن آلدیلر پرطشت
ایچنده ذبح ایدوب• دم لاله کونن برچاهه صالدیلر• اول چاه ایچنده خون کلکونی
متصل جوش ایدردی• حق سبحانه وتعالی اول قوم کمراه• واول طایفهٔ بدخواه اوزرینه
بخت النصر بابلی• وسطیطوس رومی نام بکلری مسلط ایلدی• ریک بیابانندن فزون
جنود فراوان چکوب زیور جمعیتلرین• زیرو زبر ایدوب قاعدهٔ سلطنتلرین سراسر
مختبط ایلدی• بنی اسرائیلدن یتمش بیک مرد بدکارک• ماردما ایله خان وماناترین
کویندردیلر• وناوودان ناوکدن آب بوار اقیدب اشدان حیاتلرین سوندردیلر•
اندن صکره اول معصوم بی کناهک• واول مظلوم شهادت پناهک قانی
ساکن اولدی• فخر المحققین امام زین العابدین روایت ایدرکه امام حسین جانب
کوفیه عزیمت ایدب کیدرکن• هر منزلده واقعهٔ هایلهٔ زکریایی ذکر دیو مقامده
حادثهٔ هایلهٔ حضرت یحیی یی ذکر ایدردی• وایدردیکه دنیایی دنینک دنائتنه
دلیل شافی• وعالم سفلینک خساستنه برهان کافیدر که یحیی بن زکریا کبی پیغمبر معتبرک
سر شریفن کسوب• پامال ایلیه لر• وبطریق الهدیه برزن مکاره یه ارسال ایلیلر•
وسعید بن جبیر عباسدن حکایت وابن عباس حضرت رسالتدن روایت
ایدب ایدرکه خون یحیی بن ذکریا ایچون یتمش بیک آدم قتل اولدی بنم جکر کوشم
قانیچون یوز قرق بیک ادم هلاک اولسه کرکدر• نه الحقیقه مقال حقیقت مآل لری
وجود بولدی• مختار بن عبیدهٔ سقفی ومسیب بن قعقاع خزاعی وابراهیم بن اشتر

بخیفه وصاحب الدعوه ابومسلم مروزی که هر بری پهلوان نامدار وسپهسالار شهر
ودیار ایدی مروانیلردن نیجه بیک آدم هلاک ایدب رایت اقبالارین منکس
وقواعد اجلالارین منهدم ایلدی بونلردن صکره تیمور کورکان ظهور ایلدی
انتقاما لحال شامدن نیجه کسنه لری قتل ایلیوب شاخ برومند عزتلرین خاک
ذلته برابر وکاخ بلند عظمتلرین یقوب زیر وزبر ایلدی قصه مذبور احل تواریخ
بیننده مشهور ومفصلا تیمور نامه ده مسطوردر **قطعه** حقین ای شاه مظلوم الکسون
آه یترسوزندن انک چرخ ماه ایدرسه بر شررد ودود لندن نه شه قالور نه خرکاه
نه درکاه **شواهدده** مذکوردر که حضرت حسینک قانی هنوز بابا در مهد نیک
خروجنه موقوفدر انلرک عنان همتی درکاب عزیمتی بقیه ظلمه نک دتمه فسقه نک
استیصالی صوبنه معطوفدر ای عزیزلر مصایب حضرت امام ایچون ارباب ایمان
اولان اخوانک دل نی غلکزنده اولان دردک کریه دن غیری علاج ودواسی وسینه
بکینه زنده اولان جرح وجیعک ناله دن اوزکه مرهم وشفاسی یوقدر **قطعه** کلوکوز
حسرتیله حشره دکین بو بلای اکالم اغلیه لوم یاد ایدب اول عطشک آتشنی لاله وش
بغودمزی طغلیه لم **عظم اجورنا بمصایب الحسین ورزقنا شفاعة جده محمد سید**
الکونین علیه وعترته صلوات الثقلین ومسند الاخیار اولان جفای قریش بدکردار
واذای سایر کفار فجاری وشهادت حمزه وجعفر طیاری بیان ایدر **حضرت**
مفخر آل آدم صلی الله علیه وسلم بیوررکه ان عظم الجزاء مع عظم البلاء هر کیمک که
جراحتی عظیمدر مرهم راحتی جسیمدر **مثنوی** ویر ردار الشفا سندن دواسن بلاسینه
کوره ایلر جراسن جراحتدن نه ایچون قاچه جانک چون آخر آخری راحتدر انک
نثر بحکم المعونة علی قدر المؤنة بر بنده یه عواطف نظرات ربانی وفتوحات
مواهب سبحانی متعلق اولوب شرف مجتبی ایله معزز ومعین ومطالع بجهم دن
پرتو التفاتی برله دل نی غلی روشن ایلسه علامت محبت وامارت مودت اولدرکه
اول بنده اصناف محن وبلیاته وانواع حزن واذیاته مبتلا اوله میدان محنتک

دیلر

دیلر سربازی کندو مناجاتنده بیوررکه الهی هرکم کاهل
دنیادن برین دوست ایدنیوب جرخاطر تعلق مراد ایدنسه حضور وراحته ایرکورب
نزل ونعم وبذل وعطا ایدرسن هرکیمه که دوست دیسک انواع درد وغم روزی قلوب
ذلت وفقره مبتلا ایدرسن هاتف غیبدن وسروش لاریبدن صدای خوش ادا
وارد اولدیکه دوستلروک بعضیسی درد وغم جکرسوز وعشاقک بهره سی ناوک دلدوز
هرکیمکه یار صادق ومخلص موافق بولم لشکر نوایبی وعسکر مصایبنی انکا کوندرب
وجه توجهین مخلوقاتدن جناب شریفه دوندرب نام صداقت عنوانی جریده
اولیایه ومجل اصفیایه ثبت ایدب دقایق رموزه وطرایق کنوزه عارف
وحقایق اسراره وغوامض علوم ابراره واقف ایلرم **بیت** درد وغم کوهر قرا غدر
ویر مزین انی بلکه اولنه **نثر** بو تقدیرجه محنت محض راحت وذلت عین عزتدر
بیت بلایه طالب اول عین دوادر کدورت دیدکوک محض صفادر **نثر** بودخی محقق
ومصدقدرکه جمله انبیادن هیچ برینی وزمره اصفیادن هیچ برصنفی اول مقدار
محنت وبلا واذیت وجفا چکمدیکه سلطان دار الملک اصطفا حضرت محمد مصطفی چکمشدر
هیچ برخرکه کیدیکه انده بخیه قهر وهیچ برلقمه یدیکه انده اثر زهر اولمیه قول نبی وحدیث
مصطفوی علی قایلها تحف التحایاکه ما اوذی نبی مثل ما اوذیت یعنی هیچ برپیغمبره
بکا اولنان اذاکبی ایذا اولنمدی **بیت** دور آدمدن بری بو عالمه نجلاین بربلاکش
کلمدی اول بلادکلدرکه زکریا ویحیی یه ایلدیلر بلا بودرکه بکا حواله قلدیلر شفاعت
معصیت امتی بکا تفویض ایدب اهالی زمین واسمان اوزرینه بنی تقدیم ایلدیلر
وزمام مراملرین ولجام مهاملرین دست استحاله تسلیم ایلدیلر کاه ندا وارد اولورکه
ومن اللیل فتهجد بکیجه لر قالقوب کنهکار امتک اجابین عوضه عزته عرضه
قلوب انلر ایچون بیدار وغمخوار اول وکاه خبر کلورکه عشرتخانه راحتده دوستی
غفلتده خفته اولان کاهلر ایچون عذر خواه واشکبار اول برجانبده دوستلرک
غم یرزه برطرفده دشمنلرک الی جکرزه کاه مسندنشین قاب قوسین ایدرلرکاه

استان ابو جهل لعینه ارسال ایلرلر • کاه بشیر دندیر • و سراج منیر دیو لقب قورلر •
کاهی جریدهٔ نامم شاعر و ساحر و مجنون اقورلر • کاه قلعهٔ خیبر ملازملرندن برینک
دست همتیله فتح اولنور • کاه ارباب عنادک سنک جفاسیله دندانم شکسته بولور •
بو جمله انکچوندر • تاکم اهالی عامهٔ عالمه روشن • و کافهٔ بنی آدمه مبین و معین اوله که
بو دیارده اولان بلا دریالری هوای عشقله هر دمده جوشنده در • و تلاطم امواجی
کمال مرتبه ده خروشنده در **قطعه** راه عشق اوکه اکسیر بلاست • درد بر درد عنا اندر
عناست • فانی مطلق شود از خویشتن • هر دلی که طالب این کیمیاست **نثر** هر کم بونلری تحمل
ایلدرسه • در شهوار تابدارنه طالب اولسون • والا بو ادن الحکوب غایب اولسون
مثنوی طالوب بو بحره جهد ایدن شب و روز • چقاردر پنجه لؤلوی شب افروز •
شوکم بر قطره اجر بو قدحدن • دری یه غنچه وش صغر فرحدن • هر کم بو یولده محنت و
مجاهده قلدی • چوق درلو انوار حق مشاهده قلدی **اولا تحفهٔ بلاکه** حضرت رسالته
صونلدی • پدرلرینک وفاتی اولدی • تاکم پدر شفقتدن دور • و مهر و محبتدن مهجور
اوله • پدری فوت اولدقده • اول در یتیم هنوز صدف رحم مادرده ایدی **خبرده
وارد اولمشدر که** اول وقتده ملائکهٔ هفت آسمان آنی یتیملک نامیله یاد ایلردی •
و مهربری جان و دلدن شفقت ایلردی **بیت** عزت اولنسه اول یتیمه نوله آرتوغ
اولورلهای در یتیم • حضرت رب الارباب • زمرهٔ ملایکه یه خطاب ایدب اکرچه بنوم
حبیبم یتیمدر • و یتیملک زحمتیله قلب محزونی دوینمدر • اما عالم انبساطه نشاط ان
الحکشدر • وافوض امری الی الله • تحتنی مزرعه جانلره اکشدر • بن آنک امور کلیه
و جزویه سنده • وکیل و ظهیری • و معین و نصیریم • انی دایما درود بی حد و صلوات
لا یعد ایله یاد ایلک دیو بیوردی • چون اول حضرت التی یاشنه ایردی نام همایونی
ربع مسکونه و اقالیم سبعه یه زیب و فر ویردی • والده لریله معا مدینهٔ منوره یه
کتدی • پدرلری عبد الله که انده مدفوندر • وارب زیارت اتدی • حین مراجعتده
والده سی خسته اولدی • اول حضرت قرب مادره دارب دار غربتده خسته و بیچاره

ودیار

ودیار فرقتده دل بسته و زار اولدوغن • ملاحظه ایدب اصداف دیده دن لالی
ابدار اقتدی • دست نیازی درکاه بی نیازه • دراز ایتدی و ایتدی **بیت** درد
فرقت بریکا و زجر غربت بریکا • مرحمت ایله خدایا خسته دلدر هم غریب **نثر** آمنه
خاتون اول زمانده زیاده زبون اولوب عالم غشیانده ایدی • چون عقلی جمع
ایدوب • روی شریفلرینه نکاه اتدی • مبارک دیده لرین اشکبار کوروب درون دلدن
آه ایتدی • و خاطر فاطرتن • افکار حزیندن متخلی و ضمیر کسیرین متسلی تسلیه چون بر پنج
بیت انشا ایلدی • جمله ابیاتدن بعضی بونلردر **شعر** تبارک فیک الله من غلام •
یا ابن الذی من حومة الحمام • نجی بعون الملک المنعام • ان صح ما ابصرت فی المنام • فانت
مبعوث فی الانام • من عند ذو الجلال والاکرام **نثر** یعنی ای فرزند سعادتمند حضرت
عزت سکا برکت ویرسون • شول نسنه کم سنک حقکده بطریق الواقعه عالم خوابده کوردم
داشتدم • وحین انتباهده • هاتف غیبدن کوش اتدم • جمله سی مجیدر که خالق کونین
سنی رسول ثقلین قلمشدر • تأییدات سبحانی ایله مؤید • و سعادت جاودانی برله
مخلدسن • نور نبوت اشعهٔ آفتاب کردار جبین مبینکده تابان • و اثر سیادت
تاب غرهٔ هلال مثال روز بروز روشن • و درخشان اولمقده در • اکر نقد عمرن ثبات
نهایت بولایدی • و روزنامهٔ حیاتک مدتی آخر اولدیسه غم دکلدر **بیت** هر که
بو باغ فناده بر نهال ایله روان • غم دکل انک بهار عمرنه ایرسه خزان **نثر** انتهای
دو عالم • و انقضای بنی آدمه دک • نامم زنده • و ذکر جمیلم باقی و پاینده اوله کرک •
زیرا سنک کبی فرزند ارجمندک • و مهر سعادتمندک والده سیم **بیت** اولورسه کند و
اوله نامی اولکم • سنک کبی خلفدر یادکاری **نثر** ای فرزند هوشمند البته هر ذی
روح مرده • و هر شکوفهٔ شکفته پژمرده اولسه کرک • بو کلزار جهانده نه اصل ورد
طری نقاب غنچه دن یوز کوستردی که دست قهر روزکار ایله خاکه برابر اولمادی •
و بو دور پرعبرده هیچ جویبار زمانه مشرب جاری اولدیکه کرد فتنهٔ کرد ایام ایله معبر
و مکدر اولمدی • هرکیمه که شربت باحلاوت حیات ویررلر آخرکار زهر پر مرارت •

نمات الحجر لر بيت كشت زار دهره كه مجدای تخم ثبات • كاخرالنک خرمنی یغمای
تار حادثات نثر حسب حاله مصدوقه مقاله مناسب غزلدر لمنلفه بيله ويرب
خاك ايدر مانند اوراق بهار • كلستان عمرك اخر برك وبارین روزكار • ايريشه
هر سيل بهار وزين اوله كل لر له باغ • سن نیاسن مجلس خاك اجره تنها خوار وزار • اي
دل ديوانه زنبور جهاندن اوممه نوش • نشتر زخمینی یاد ایت كم هزاران نیشی
وار • مالك ملك سليمان اولسكده اعتبار • بيله ديرر آخری خاك وجود روزكار •
لطف وقهر دهره جامی شاد وغمكين اولمكم • دعلهٔ جانان کبی جونکم دكلدر برقرار نثر
دار در شول دمكه امينه خاتون نقد حياتی قابض ارواحه ویردي • دار فنادن دیار
بقايه ايردي • جنیلردن آواز نوحه • وصدای مجهه استماع اولنوردی • رقت تام وشفقت
تمام برله بو بيت اوقنوردي شعر بكى الفتاة البرة الامينه • ام رسول الله ذی السكينه •
ترجمه سى بودر بيت آغلور زمر جمله موزاولدی چون اونیکو شعار • مادر پیغمبر دين
پرور صاحب وقار نثر چون اول نهال باغ بهشت هشت ساله اولدي • كافل مهمات
لازمه سى وضامن خدمات مهمه سى اولان • جدی عبد المطلب وفات اتدی حال حیاتنده
اول حضرتی عمی ابی طالبه سپارش اتدی • واتيدی • اوزرندن نظر شفقت • واثر عنایت
دريغ اولنمیه كه • بو ننك حفظ وحراستی وحصين وحمايتی • اهم مهماتدن • بل جمله مفترضاتدن
در • يكرمی یاشنه ایردكدن صكره پس بيل علی الدوام • راعی اغنام اولدي • وسن
شريفی كه خمس وعشرینه وصول بولدي   موجبنجه خديجهٔ
كبرانك سلسلهٔ ازدواجن عقد كردن راحت • وحبالهٔ امتزاجن واسطهٔ حظوظ
واستراحت قلدی • وقتی كه اربعینه ایردي • وحی الهی نازل اولدیغی چون زرق اوج
یاشنه كيردی قريب وبعيده • واحرار وعبيده • تبيين شرع مبين • وتبليغ احكام
اسلام ودين • بابنده بذل مقدور • وصرف ميسور قلدی • اول سال علی الاتصال مكهٔ
مشرفده ارباب كفر وعنادن • شول قدر محنت ومشقت چكشدركه خامهٔ زبان
ايله تقريری متعسردر • واصحاب بغی وفسادن • اول مقدار قباحت وسفاهت •

معاينه قلنشدركه زبان خامه برله تحريری متعذردر • ابيت الكرامسی كه منزل وحی
منزل • وقبله كاه ارباب دين • ودول ايدی يمين ويسار نده • اکی همسایه کران مایه
وزيان كار وفرومایه سى وار ايدی • هر بری زمرهٔ منافقینه سردار • وفرقهٔ شیاطینه
سردار ايدی • برینك نام شقاوت فرجامی ابو لهب • وبری عتبهٔ ابن ابی معيط
دیمكله ملقب ايدی مثنوی مشعل احمد وبرك نور فر • بو لهبدن ظاهر اولوردی شرر •
یا فدر غنچه جوراوديں اول بی وفا • شهرهٔ دهر اولدی فخر انبيا • بوی عود وعنبر
اولمزدی عيان • اتشیله اتصبدی اقتران زلال الصفاده مزبوردركه اول ایکی جارجای
حوذ كالحه سیه بخت وسیه نامه • روز وشب ارواث والواث جمع ايدرلر • ودايما
رهگذر حضرته چیقاردي • تاكه دامن پاكی آلوده • وذيل تابناكی سوده اوله خبرده
كلمشدركه ام جميل ابی لهبك منكوحهٔ معقوده سیدر • دسته دسته خاشاك نیشدار وپشته
خس وخار جمع ايدردی • ومانند خار پشت طعمه اودرب رهگذر حضرته دوكردي •
واعيهٔ عنبری اول ایدیكه دامن شريفنه ایلوب قلب • وپای لطيفنی آزرده قله •
اول جناب شریف نصاب هر ندم كه اداى صلوة ایچون سجده یه كيردي • جمع اولان
خس وخاري كیدرب طريق عامی پاك ايدردی • وخطا وكنا هلرندن چوب وایجا
رفق وملایمت اظهار ايدرلردي • انلر روز بروز رعونت وخشونت انكار •
ايلرلردي بيت مير بخشيد بر ره اوخار باهمه • چون كل شكفته بود رخ دلستان او •
طارق بن عبد الله حكايت ايدر بدايت اسلامده بركون حجازده میان اسواقده
برمرد سرخ پوش • زبان فصیح • وبيان مليح برله خطاب ايدرب • ای قوم عنید مادامكه
كلمهٔ توحيد • تعويذ بازوی بیان تحقیق • وحرز عقد كردن جنان تصديق قلمیه •
دیو • بر ربوكوز مكرندن امان بولمزسز • ووادي بی هادي غباوته ودشوب
غول ضلالت شرندن خلاص اولمزسز • دیر ايدی • وبر شخص كوردمكه سایه كردار پنچه
سوبسو وكوبكو كيدر ايدی • كفتار ضلالت اثارين • تكذيب ايدیب مكار وسحاردر
دیر ايدی • وتلاحم تسلط برله سنك انداز اولوب • زیاده كين ايلشدی حتی ساق

غريقن حزب وزحمدن خونين دركين ايلمشدي • بونلر كجلردر ديو سوال ايلدم ايتديكه
مثال كل ال قزل جامه كين مكر الاصنام • حضرت محمد عليه الصلوة والسلام دركه • خاص وعامي
دين اسلامه دعوت ايدر • وخلقي كيدب خلافندن دوتوب تكذيب ايدن عموسي ابو
لهب دركه جان ودلدن اكا بغض وعداوت ايدر **مثنوي** آتشمز بار ايله دشمن مزاجي
ايدرمي آب وآتش امتزاجي • نه ممكندر كلور يار اوله دشمن • اولورمي نار كلخن نور كلشن
وحسادِ يد قريشك اكثري شاغل ايدي • اول حضرته ايذا اتمكده بانيده ابو لهب ايله
متفق ايدي • نجه زمانده اقطار ممالك واسعه دن • واعوار ممالك شاسعه دن طواف
كعبهٔ معظمه وزيارت حرم قبلهٔ محترمه ايچون وارد اولان اقوام اعراب واعجام
وطوايف مختلفة الانام • اخلاق ذميمه وخصال وخيمه نعتنفسنجه • اول حضرته كاهن وساحر
ومجنون وشاعر ديرلردي • وجناب مقدس مدلش تلبيس ايچون • درلو درلو افترا ايدر
لر ايدي • تا كم مجالست ومعارفتندن احتراز ايدب مجانبت ايده لر • ومتابعت
ومخالطتندن ابا ونفرت ايدب كيده لر • بو مقالات وحشت انكيز وبو كلمات
حيرت آميزدن خاطر دريا نوالنه غبار رمالال وضمير مرات مثالنه زنكار انفعال دوشمسون
ديو حضرت ذو الجلال • ايات اعجاز سمات تسلي غايات انزال ايلدي فحواي سعادت
اقترانده اصلا بر قومه برنبي مرسل ارسال ايلمدم • اول طايفه نك بعضلري ساحر ومجنون
ديو اهانت ايدب زار ومحزون اتميه لر • وهيچ بيغمبر تجبل كوندرملم كه طريق مصابرده
قدم اجتهاد ايله سالك اولوب آخر سر منزل مراده يتميه • فاصبر كما صبر اولو
العزم من الرسل • بس اول حضرت اسرار قومندن صادر اولان انواع بلايه
واصناف جفايه تحمل ايدب قطعا ترك دعوت • وهيچ برينه سرا وجهرا بغض
وعداوت ايلمدي • واقع اولان سهو وخطالرين ذيل عفو ايله مستور • وذيل
لطف ايله معذور طوتوب بسط بساط انبساط • ونشر نشاط اختلاط ايدردي •
بيت از ثبات خودم اين نكته خوش آمد كه بجور • بر سر كوى تو از پاى طلب
ننشستم **نثر** انلر عادت ذميمه لرندن عدول • وقاعدهٔ نامستقيمه لرندن نكول

اليوب جنت سيرتلرين اظهار • وخباثت سريرتلرين اشكار قلورلردي
قطعه دشمنه هر نه دكلو لطف اتسك • فتي كوكلنده كي حسد كتمز • سنك وآهيمن
اچنده كي ناري • آب ايله كسه منطفي اتمز **تم** الحق اصحاب طينت دنيه دن افعال سنيه
صدور ايلمك ممتنعدر • وارباب طبيعت رديه دن اقوال طيبهٔ زكيه ظهور ايلمك
غير واقعدر • كل اناء يترشح بما فيه • روضة الاحباب نام كتابده مسطوردر كه
عروة بن الزبير رضي الله عنه اصحاب سيد مختاردن • استفسار ايتديكه مفخر عالم
وبركزيدهٔ بني آدم • جفاي قريشدن چكدوكي درد وغم • ومشقت واملالدن كه سن
معاينه قلدك • آيا انلرك اشق واشدي • وانكر وانكدا ايدي • ايتديكه بر كون اشراف
قريش حجرده جمع اولوب • بزه محمددن ايرن نوك سنان جفا وضرب حسام
بلا استخوان مزه كار اتمشدر بلكه جانمزه يتمشدر • ديانهٔ منزلتمز ومرتبهٔ رفعتمز خاكه
برابر ايتمشدر • بابنده عقلامز سفها • وفضلامز جهلا در • متصل قربا واولادمزي
واباواجدادمزي • فروزينهٔ آتش جحيم • ورهينهٔ عذاب اليم • اولديلر ديو دشنام
ايدر • وبزي آشنا وبيكانه يانده بدنام ايلر • كاه وعد ووعيد ايله تخويف
ايدر • وكاه تهديد وتشديد برله تخفيف ايلر • هر بري بو اسلوب ايله درد درونن
عيان • واندوه سينه سن شرح وبيان ايدركن • اول قطب دايرهٔ نبوت واصطفا
ودرة التاج تاجداران انبيا • واصفيا حرم محترمه وصول بولدي • وطواف
كعبهٔ عليايه مشغول اولدي • اثناء طوافده يانلرندن كذر ايدركن اول حضرت
حقنده بالمواجهه نيجه ناموجه سوزلر سويلديلر • وكندو سيرت وسريرتلرينه لايق
كلمات ايلديلر • اثار ملال حضرت خير البشرك بشرهٔ شريفنده ظاهر • وجبهه منيفنده
باهر اولدي • اول قوم بي شرم • واول طايفهٔ بي آزرم • وارد قجه دهان وقاحتي
باز • وزبان مذمتي دراز ايدب كفتار قبايح اثاري تكرار • وكلمات فضايح
اشعاري اكثار ايلديلر • اول حضرت اوچنجي طوافده طوروب بي اختيار خطاب
ايدب اي قوم قريش حضرت صبور بي ملال عز شانه • وشكور لايزال عم احسانه

وحدانیتی هیچون که افراد کاینات • واحاد ممکنات انک قبضهٔ قدرتنده وحوزهٔ
حکومتنده در • شویله که زبان تحقیق • وجنان تصدیق ایله حقک وحدانیتنه • ونبی
رسالتنه معترف اولیه سز • حکمت قاهرهٔ الهیه • وقدرة باهرهٔ نامتناهیه برله قهرمان
قهرمدن امان بولیه سز دیدکده • شاخ بزلرینه • برک چنار کردار علیشهٔ خوف
وخشیت مستولی اولدی • وکاخ تنلرینه زلزال • وبیم ودهشت یول بولدی • آخرکار
هر بری عاجز وناچار • قالوب • تملق وملاطفت • ورفق وملایمت برله خطاب
ایدوب یا محمد اقران وامثالک بیننده • فضل وافضال ایله معروف • وحلم وکمال
برله موصوفسن • هر شینک زشت وحسنی عفوینک • وهر کارک دشوار •
واهونی معلومکدر • صوب صوابکه • وراه شرف نصابکه • روانه اول دیو سویلدیلر
وبی حد تضرع ایلدیلر • آخر اول حضرت • دونوب کتدی • اتمام طواف سعی اتدی •
برکون ینه محل مذبورده جمعیت ایدوب • ایتدیلر که • اول کون محمدی کوزرکی
جرأت تام • ووقت تمام ایله جالمزه نه جفالر ایلدی • وپردهٔ نام وناموسموزی
دریده قلوب • زاید وناقص انواع کلام سویلدی • کفتار دل دل آزارنه جلاجز
سمع وکوشی اولدق • رد جوابه قادر اولمیوب خموش اولدق • کویا رشتهٔ زبانمزده
عقدهٔ عجز کلدی • ودرج دهانمزده مهر خرس چیلا دار ایلدی • هر برمز دهشته ولالی
دبهوت وبی مجال ایدی • بعد الیوم طالع دولت یارمز • وبخت وسعادت
مددکارمز اولورسه حقندن کلهوز • ودرد سینه سوز ولینهٔ دیرینه مزاله دز •
دیوب سرنامهٔ دستان تلبیسی خامهٔ زبان ایله • دآسما، رحیله وتدلیسی زبان
بیان ایله تقریر ایدرکن • سید مختار • وآفتاب کردار • ابراقدن بدید اولدی •
حرم محترم انوار جبیننده رونق تازه بولدی • مطافه کلوب طوافه مشغول
اولدقده • اول مردمان دل آزار • وساوس ابلیسه • وهواجس نفس پر تدلیسه
اویوب سنان لسانلرینه آب • وخنجر زبانلرینه تاب ویروب احیا وامواتمز
حقنده کفتار دهشت انکیزدن مرادک • ولات ومناتمز بابنده کلمات

طعن

طعن ایتمزدن داعیهٔ نهادک • ندر دیو اول حضرتک اوستنه هجوم اتدیلر •
وهزار غلظت ورعونت برله ناسزا سوزلر سویلدیلر • آخر ایچلرندن بر
مدبر بدکار • وبر بدبخت سیه روزکار • اول حضرتک ردای مبارکن طوق کردن
ایدوب • زور پنجه ایله اول مقدار چکدیکه • راه دم ونفسی بغلندی • وحس وحرکت
منقطع اولدی • اتفاقا حضرت ابوبکر اول محلده حاضر • وبو حاله حیرت مآل ناظر •
ایدی • همان دم اوسرور اوزره یغان تیر باران بلایه کندوسن سپر وجناب
خیر البشردن • دفع ظلم ایچون ترک جان وسر قیلوب اتدی • ای قوم کمراه بهایم
اشباه • اتقتلون رجلا ان یقول ربی الله • برکسنهٔ هلاک ایدرسزکه معجزاتی
آفتاب عالمتاب کبی روشن وظاهر • وذات سعادت آیاتی بی سایه نور باهر مثنوی
انک کیم ایره قدر و پایسینه • کنش ایرشدکلدر سایه سینه • اوز ایدر نور چشم
اهل بینش • بو ایدر شمع جمع آفرینش • تپوسی کعبه روش دایم مکرم • طپوسی مقصد
مقصود عالم نثر دست وقاحتی استین فراغته چکوک • یوقسه بوکارک آخری فساده
بلکه تخریب بلاده باعث اولور • قهر حقدن • وغضب فاعل مطلقدن • خوف ایتمز
مسزکه • چرخ کینه داردن • اوسنکزه سنک دمار • وسپهر ستیزه کاردن باشکزه آتش
برغه دیلکده • حضرت محمددن فراغت ایدوب • ابوبکرک محاسن شریفین دوتوب
زخم پنجه دن • وضرب طپانچه دن غنچه کردار باشنی یارلدی • ولاله وار خونینی رخساره
اولدی اول حضرت بو اسلوب اوزره جفالره
وبو نوع بلالره صبر اتدی • اما یقینا معلوم ایدیکه • زمان قهر وبلاده صبر وتحمل
باعث سعادت کلی • واوان رنج وعناده محنت واذیته مصابرت مورث
دولت ابدی در بیت اولمز شکفته خار تعبسز طرب • مفتاح رنجله آچلور قفل
باب کنج نثر وادی حضیض عضیض ده ثابت قدم اولمق منتج زواید فواید
ثوابدر • وبوادی قهر وعناده صبر جمیله مقدم اولمق مستوجب حسن مآبدر مصرع
نقدر اولسه رنج ودرد وعنا • ایدر الکا طبیب صبر دوا • بکیم که صبر رهنمون اولدی

كعبهٔ وصل باره يول بولدي • پس اعيان قريش مجمع اولوب قواعد
آفاقلرين بو اسلوب اوزره وضع وتمهيد • وعهد وميثاقلرين بو طرز اوزره
عقد وتشييد قلديلر كه حضرت محمده هر قنده ملاقات اولورلرسه • بر آن امان ويرميوب
كل حياتن پژمرده • وچراغ نجاتن مرده قلهلر • بو خبر غم آور سمع فاطمهٔ زهرايه وصول
بولدی صحن ساحت سينه سي غبار ملال ايله طولدي • همان دم بی توقف قيام ايتدی
مانند سحاب ديدهٔ نمناك ايله حضور حضرته كتدی بيت چهرهم نوله كل رنك اولدی ای
باغ رسالت • خون جكرم اولدی روان ديده لرمدن • چون فاطمه خاتونی
كريان كوردی • باعث بكا نه ايدوكن صوردي • طايفهٔ قريشك نيت فاسدلرين
وامنيت فوادلرين تقرير ايلدی • اول حضرت بيوردیكه انلرك تدبير وتداركی غير
سديد در • وجزم عزملری • روش حزمدن غايت بعيددر • جمال حالكدن نقاب دهم
اكالی كوتور • تجديد وضو ايچون بر مقدار آب كتور • الوضوء سلاح المؤمن انلر ايله
مقاتله ومقابله اولنقدن دخی عاجز وقاصر اولسه لر كركدر • من بعد ايزدمه اوغرميوب
صحاری حقد وحسده دایر وساير اولسه لر كركدر • ديو تسلی كلی ويردي • وتجديد وضو
ايدوب مسجد حرامه كيردی • اول كروه انبوه هيبت وشكوه حضرتدن متأثر اولوب
عقاب حيرت وخلاب محنته طالديلر • وغواص كردار وحالتلرينه مهر سكوت اوروب
باشلرين آغوش صالديلر • اول جوهر كان شرف دست حق پوينه بر كف سنك ريزه
الوب يوزلرينه صاچوب • شاهت الوجوه • ديو بيوردی • بو جملهنك غزوهٔ
حياتلري • دست قضای مبرم ايله كشته اولوب غزوهٔ بدرده هلاك اولديلر • وابو جهل
وعتبه وشيبه • واليكجيه وعماره نام بد افعاللر • بد دعا ايتدكه مهبط بلا ومسقط
عنايه كرفتار اولوب خاك اولديلر القصه محاربان كربلا دخی بو وجهله اولشدر
امام همام ايله جنك وجدال • واصحاب واحبابی ايله حرب وقتال ايدن ايكی ايكی
بيك بدخصالدن • بر فرد قالمدیكه • اول سنه ده مبتلای درد وبلا • وكرفتار رنج وعنا
اولميه • آخر ساله دك جملهسی هلاك اولدي • يعنی متعاقب وفيس مطورهٔ فلك

اولدي

اولدي • هيچ اولميه لر • وجزای اعمالن بوليه لر • حضرت امام حسين نور ديدهٔ مصطفی
وفرزند پسنديدهٔ مرتضی • وجكر كوشهٔ بتول عذرا • وبرادر حسن مجتبی در كنز
الغرايب نام كتابده فوايد اكتسابده • ابو جعفر همدانی • ابو عبيد اللهدن روايت
ايدر كه شهر يزدده حاكم الشرع ايدی • ايدر كه بر آشنام وار ايدی • بر ملاندن صكره
كوردم كه ديدهٔ عبرت ديده سی • نور بصردن معطل اولمش • چشمسار چشمنه سيل سيل
يول بولمش • عين ماجرانك غوررسنه • ولجهٔ سركذشتك قعرنه • ايرمك ايچون ايلدم كه
ای فقير روشن ضمير • مردم ديده كندن بی نور اولدی • وچشم جهان بينكه روز
روشن ايچون شب ديجور اولدي • درون دلدن آه ايتدی • وهزار ناله وسوزش
برله ايتدی • بن واقعه ديده نك سركذشتی • شب يلدا وزلف دلبراندن اوزون
والحاصل حد وعد واحصادن افزوندر • صحرای كربلاده ابن زيادك • يعنی اول سر
دفتر باب عنادك لشكر جسارت اثری • علادنده بيله بولندم • اول واقعهٔ محنت
فرجام • نهايت وانجام بولدقدن صكره • وطن مألوفه • ومسكن معروفه واصل اولدم
شول دم كه شاه زرين كلاه نيمروزك چتر زرافروزی دوردلی • وريته سلطان زنكبارك
لاجوردي چادری قورلدی • بن تيره بخت وسيه روزكار دخی سر فراغتی بالين
استراحته • وپهلوی فتوری بستر رفاهيته قويوب • عالم مثالی كوچه بكوچه تفرج وسيران
ودهر خيالی كوشه بكوشه تماشا ودوران ايدر كن • بركسنه كلوب سنی رسول الله استر
ديدكده انكله ايچه كتدم • فی الحال خدمت حضرته يتدم • كوردمكه اول قبلهٔ ارباب
يقين • محرابه كوب صدر نشين اولمش • يمين ويساره اصحاب بزركوار • وساير ابرار واخيار
ايله طولمش • وامام حسين اولاد واحفادك شهيد اولنلرين • زبان بيان ايله بر بر
تقرير • وهر برين خصوصی واسم مخصوصی ايله • صحيفهٔ خاطر رسالت پناهه تحرير ايلردي
بامر سيد مختار • قاتلان امام نامداری احضار ايله ديلر • زبان تهديد ايله • اضربوه
بالسيف واحرقوه بالنار • ديو امر اولندی • فی الحال هر طرفدن تيغ آتشبار اوردیلر
واوده ياقوب كوللرين كوكه صاوردیلر • بو حال قيامت آثاری كه مشاهده ايلدم الف

خوف ایله برمدن قیام ایدب حضور حضرته ایردم • وآداب تمام ایله سلام ویردم
سلامم ردّ المحبوب هیبت تام ومهابت تمام ایله • بن سیه رویه نظر اندی وایتدی •
نیچون اولاده رعایت • ورسالته حرمت المحبوب • عترته امانت ایدب ترک ادب اتدک
ومرتبه وعقلارک بلمیوب • حدود نصفدن طشره کتدک مثنوی ایردی عقلارلی
بیلن شرفه • رحم الله امرأ عرفه • کم که عقلارین الکلمز بلمز • رحم ایدب کسلر باشن سلمز •
نثر ایندم که یا رسول الله • بحق رسول آله • لشکر امامه نه نیزهٔ سرتیز • ونه تیغ خونریز •
چکدم • ونه برمرد ایله مجادله دستیز قلدم • الحق همان صف اعداده حاضر محاربه فریفته
ناظر ایدم • ایتدیکه قولک چرخ دکفتارک هیچ در • لکن لشکر بیداد که اکثار سواد نه باعث
اولدک • بانه کل دیوام آنکیمی • هزار خوفله حضورنه وارب طوردم کاسهٔ دیده
عاشق کردار خون ایله مملو بر طشت کوردم • ایتدیکه بو نیم • جکر کوشمک قانیدر • بس اول
قاندن الوب کوزلرمه چکدی • همان دم اول خوفدن بیدار اولدم کندومی بی نظر
ومکفوف البصر بولدم • قاضی ایتدی • ای ناکس بوالهوس بو عقوبت دنیادر عذاب
عقاب عقبا هنوز باقیدر قطعه بروز واقعه ای ظالم خدا نترسی • بیا ببین که چها
کردهٔ بجای حسین • روا بود که بخاک وبخون کنی غرقه • رخ منور کیسوی شکسای حسین
خدا است حاکم بفرداست دعوی کر • چه کونه می دهی انصاف ماجرای حسین کبرو کمیت
خامهٔ بیان میدان ابتلای سید الانام علیه الصلوة الملک العلام منعطف
وعنان بیان صوب مراده منصرف قلندی محمد بن الحق علیه رحمة الخلا قدن مرویدر
محبوب خدا • مطلوب هر دوسرا • حضرت محمد مصطفی • ابوطالبک حمای حمایتنده وکنف
رعایتنده اولدقلری کفار قریشک ایاد جور وتعدیلری کریبان حالنه ایرمکدن
مصون ایدی • واصحاب کبارک دخی بعضی کندو قبیله واقربلرینه التجا وبعض عشیره
واصدقاسنه انتساب وانتما آنکله ممتحن ومتاذی اولمقدن مامون ایدی اما
قوم وقبیله وخویش وعشیره معاونتدن بی بهره اولان عاجز وفقیرک درمانده
وناکزیرک کیمنه دریاکبی زیره کیدرب اقتابه قرشو طوتوب وکیمنه آتش عطش وشکنجه

جوع ایله عذاب ایدرلردی • ودین محمدیدن ملت اباکوزه رجعت • وآیین احمدیدن
عبادت لات وعزا نکوره عودت • اتدک دیو عتاب ایدرلردی
امیه بن خلف • اول مرد ناخلف • بلال حبشی بی بطحای مکه یه ایلدب صیم کاننده اولان زد
کبی عریان ایدب • اسی قوم اچنه یاتوررایدی • وسینهٔ پرسکینه سی اوزره تاب
افتاب ایله قزمش آغر طاش قویوب کرداب عذابه یاتورردی • دین احمدیدن رجوع
ایت دیو انواع تعذیب • وترهیب ایله تقرب اصنامه ترغیب ایدردی • بلال خجسته فال
احد احد دیر ایدی مقتضای قضای قدره • وارادهٔ خالق البشره • راضی اولوب
کفهٔ میزان کبی بغرنه طاش بصوب داردا اولان بلیته صابر • وصدور بولن اذیته
بیون صونق • اوزره مثابر اولوب • بلا قوللره مولاسندن عطادر • وعطادن
بحق عین خطادر • دیر ایدی • ذالحقیقه بجاجهٔ ابدان • صیقل آیینهٔ جاندر • خرابی
آب وکل • معمورهٔ خانهٔ جاندر قطعه هر رنج که از حضرت جانان آید • زنک غم از
آینهٔ دل برآید • کر راه ملامتش ببند دلیکن • صدرزکرامتش برو بکشاید نثر
کفرهٔ فجرهٔ قریشک قوت وقدرتلری • روزبروز زیاده اولدی • اتش ظلم وفساد
لری اشتعال بولدی • اوّلا حزین عم پدر ومادر عمار یاسری • برباد اتدیلر بعده
سایر موحدلرک قتلنه ال اوزتدیلر بیت عدو اهر طرفدن فتنه انکیز • تموز کینهٔ د
بی باک خونریز • حال بو منوال اوزره اولیجق • اذا ضاقت بکم الارض فسیحوا
مقتضاسنجه اصحاب کباردن • جمع کثیر اجازت سید مختار ایله جانب حبشه یه کتمکی
اختیار اتدی • وبعضی اطراف ممالکده • واکناف مسالکده قرار اتدی بیت
چونکه هر نه یرده قوم اشرار • قرار ایدرلر قوا برار واحرار • ولایت حبشه نک حاکمی
حقنده سابقهٔ عنایت ازلی • ومعاضدت تأییدات لم یزلی ظهور ایدب شرف
اسلامله مشرف اولمش ایدی • ودرونی نور ایقانله طولمش ایدی • بر شهریار
دارا آیین جمشید نظیر • بر تاجدار آسمان سریر وخورشید ضمیر ایدی • که محروس
ولایتی زیور اذهار عدل وداد ایله • مانند کلستان جنان سرتا پای زینت

داریش ده • واهالی مملکتی نعم رشد وسداد برله مثال حور وغلمان حضور
واسایشده ایدی **بیت** نور عدلدن جهان پر نور ایدی • ملک عالم سربسر
معمور ایدی **نثر** عدالتی واسطه سیل اصحاب کزین • حوزهٔ حکومتنده قرار ایلدیلر •
ورعایتی رابطه سیل احباب ثوابت تمکین • خطهٔ حمایتنده اصطبار کوستردیلر •
چون بار رهوادار خیر الاحرار • واعوان وانصار فخر الابرار • پراکنده اولدی کفار
بدکردار تحصیل مکنت ایدب فتنه وآشوب انتشار بولدی • برکون سید عالم وشفیع
بنی آدم • ملول ومحزون • مقبرهٔ حجون جانبنه متوجه اولوب کیدرکن • صنادید قریشدن
ابو جهل وعدی بن حمرا • دبونلرک امثالی کسنلر اول حضرت کوردکلرنده • دهان آچوب
زهر امیز سوزلر سویلدیلر • وقهرانکیز سرزنشلر ایلدیلر • واذا خاطبهم الجاهلون قالوا
سلاما • فحواسنجه اول نهال باغ رسالت • طوبی صفت • سرفرو ایدب بی مقاله
ومحاوره • وبی مجادله ومناظره چکوب کتدی • کورستان حجونه وارب برکوشه ده قرار
اتدی • ابو جهل بدکار • سیه رو وسیه کردار • اول سرو بی سایه • واول سرور عالی
پایه نک • عقبندن کلوب تیدی • اول مقدار قباحت اتدی که • اعادهٔ ذکری
خلاف شرط ادب • وتکدیر خواطر صافیه یه سببدر • بو اثناده اول حضرتک عموسی
حمزه شکاره کتمش ایدی • صیدایچون دشت وصحرای کشت اتمش ایدی • اننه شکار
کرمیوب شیر کرسنه وار • پرخشم وغضب عودت ایتدی • وقتی که دروازهٔ شهره
یتدی واقع اولان اخبار دن خبردار اولدی • همان ساعت دونوب سید ابراری
طلبکار اولدی • حبت وجوا ایدرکن • حرم مسجد الحرامده بولدی • ایدیکه ای برادر
زاده عجبا نه حادث اولدیکه • اعلانک بو وجهله حجومنه باعث اولدی • کلدمکه
دشمنلرکله قصد انتقام ایدم **مثنوی** چون اوله شیر نردن بیشه خالی • پلنک اولور
اول اقلیمک شغالی • نه بردن بازدن اولماسه قورقو • اوزین عنقا صنور کنجشک
ویتیهو **نثر** اول حضرت که بو کفتاری کوش اتدی • دیدهٔ سعادت دیده سندن
سلکلالی • دکوهر متلالی قتدی • وایتدی بن غریب بیرالامی • دبن بی نصیب مستهالکا

کندو عالمنده • واوزدغنده قوک **مثنوی** اکر دل دردنی بیشلرسه شرحه • اولور
سینک بوغمدن شرحه شرحه • اکر کشف ایلرایسه طاغ وطاشه • طفیلنه طاغ ایشدن
طاش طاشه • نه برده کم کله بو حال قاله • ایشیدن حیرتندن طاکه قاله • اوز مدن
غیری بوقدر بکا بریار • کیرب دین بولنه اوله مددکار • نیچه لردرکه اولدی حقه
واقف • ولیکن دشمنه معلوم وخایف **نثر** او پهلوان میدان جلادت •
وشیر غژان بیشهٔ سیادت • بیان عهد ومیثاق نطاق ایمانه شد ود •
دپیوند موافقت ومصادقتی کردن جاننه معقود قلوب • ایدیکه جفای اعلا
بی دفادن • دل مجروحکه ایرن درده مراهم مکافات ایله دوا ونقد جانی بوکه
نثار ایلک • اوزرمده اولان حقوق مذحتکی ادا ایتسم کرکدر **بیت** ذره دشی
شوتکلاکوکلم بی قرار اتسم کرک • کون کبی مهرک جهانه اشکار اتیسم کرک **نثر**
اول حضرت ایتدی • اکر مانند برق شمشیر آتش تأثیر چکوب عموما کفار خاکسارک
خانهٔ جسم وجانلرینه ناربراذ اوره سن • وصاعقه کرداز خرمن وجودیلی
سودرین یاقوب کلتزین کوکه صاوره سن • مادام که خدای بی همتانک
وحدانیتنه • وبنم رسالتمه اقرار باللسان • وتصدیق بالجنان قلمیسن درکاه
حقدن سکا حصول عوائد میسر دکلدر • وبارکاه وهاب مطلقدن وصول فوائد
متصور دکلدر • هرکه حلیهٔ دین اسلامله بزندی • ایکی عالمده یوزی صویی
قرندی • معلوم مکدرکه بنم نصیحتم تهمت غرضدن مبرا • وموعظتم سمت ریادن
مبرادر • اکر درون جاندن • وصمیم جناندن • بنجله یاردیادن • وحجم حجم اولق
مقرر ایسه • بو ته دهاندن سبیک توحیدی قالکمورت • دفرق مباهاتی
شرف کنکرهٔ ایوان کیوانه یتور • شویله که آینهٔ دلک زنک شرکندن مجلا
اولیوب صورت وحدتندن دوزاوله • هرآینه انعکاس انوار تجلی دار تسم
انار تسلیدن بعید ومهجور اوله • لایقدر سنک کبی عقل اول • وذات مکمل •
احوال عالمه وقوف تام • وعلوم ثباته شعور تمام حاصل اتمش ایکن کمراه صحرای

ضلالت • وشیدای بیدای جهالت اولوب یوریه • حمزه‌نک عالی مقدارک سابقهٔ
عنایت ازلی قرین حالی • وهدایت بلاغایت لم یزلی رهین امانی اولمغین • تمسکات
وجودی • اشعهٔ انوار الهی برله طولدی • وجمال حالی زیور ایمان ایله متحلی اولدی
بومقال حلاوت مآل که کوش هوشنه دخول ایتدی • کویا دل مرده سنه وجان
پژمرده سنه دم عیسی حلول ایتدی • ایتدی که ای جان عم اکر بو کلمهٔ بلندی خامهٔ
زبان ایله صفحهٔ بیانه کتورسم • وبو نکتهٔ ارجمندی حروف جرده قویوب مکان عیانه
یتورسم • راضی اولورمسن • اول حضرت ایتدی عرض رسالتدن کام تمامدم دالهٔ
مقالتدن • مرام فوادم • اعلان کلمهٔ شهادت • واعلام وحدانیت حضرت غفار
پس حمزه همان دم بی تردد شهادت کتوردی • بلبل جانی خارستان ضلالتدن
کلستان سعادته یتوردی • ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء مثنوی درونده
هدایت شمعی یاندی • او یوردی اوخودن شمعی او یاندی • فلك دوش هر که
اوله پاک کوهر • کونش کبی اولور قلبی منور نثر فی الحال حرمدن چقوب ابوجهلدن
انتقام المتجو سر عتله کتدی • وقتی که لعین بدآیینک باب ضلالت مابنه
یتدی • کوردیکه اشراف عرب ایله مجالست ایدب لاف دروغ • وکزاف بی فروغ
برله مصاحبت ایلرلر توقف دستنده اولان کمان ایله اول بدکمانه اول قدر
ضرب اوردیکه • دهانی مانند سوفار تیر ایله طولدی • وهر نخوت اثری مثال
ششپر اولدی مثنوی طوقنماسن دیر ایسک سهم خونبار • صقین قورمه کمان کبی
زنهار • نه ایلرسک ایرر اکا مکافات • اولور ایلوکه ایلک ظلم افات حضرت حمزه
بیوردیکه حضرت محمد سرمایهٔ افتخارمز • وپیرایهٔ اعتبار مزدر • سنک نه حدک وارکه
دشنام ویا اطالهٔ دست انتقام ایده سن مثنوی اودر مقبول عالم فخر آدم •
جهان الجنده یوقدر اندن اکرم • او در شاه سریر کامرانی • بولت باغی ادجنده
سایه بانی • اولو بدر پادشاه ملکت قدس • آنک جولانکهی درخطهٔ انس نثر
برکسی ایتدیکه ای حمزه هنوز بر غضبسن • بران جبر و اراحتی ایله نا کم هکره پشیمان

و بر لحظه تحمل و اسایش قیل که آخر نادم و سرگردان اولمیه‌سن بیت تهور برله
هر کم ایده بر کار • اولور آخر پشیمان و دل افکار نثر حمزه ایتدی حضرت عزتک
وحدانیتنه و محمد عالی منزلتک رسالتنه ایمان کتوردم حاشا که اهل ایمان • واصحاب ایقان
پشیمان و پریشان اوله بیت کشادخویش چو در راه عشق می یابم • بهیچ حال ازین
حال رخ نمی تابم نثر حمزه‌دن که بو کلمات هدایت انجامی استماع ایلدیلر مأیوس
اولوب محاوره و مناظره‌دن امتناع ایلدیلر • اول اثناده ظهیر دین و مظهر اسلام
وزیر ثانی سید الانام حضرت فاروق عالی جناب • امیر المؤمنین عمر بن الخطاب
علیه الرحمه الملك الوهاب دخی بو شرف ایله مشرف اولدی • وکوندن کونه دین متینه
قوت • واسلام مبینه عزت بولدی • اول حضرت ساعت بساعت معراج عظمت
وجلالته ارتقا • ومدارج قدرت ورفعته اعتلا بولمغین • ارباب بغی وطغیانک
واصحاب فسق وخذلانک • آتش بغض وعداوتی کانون سینه لرنده مشتعل اولدی • ودود
حقد وحسد روزن دماغلرندن کاخ دماغلرینه یول بولدی • کمرکین وعنادی منطقهٔ
جور وفسادی میان جانلرینه استوار • ومحکم عهد ومیثاق • وقول وقرار ایلدیلر که
بنیاد خاندان رسالتی منهدم • ورسوم دودمان نبوتی منعدم قیله‌لر • هر یار وفادار
که بو خبر مغفرت اثری اشتدی • ابوطالب حضرتنه کلوب انها ایتدی پس ابوطالب بر
دل دفع کزند اعدا ایچون مستعجل اولوب اولاد هاشمی جمع ایلیوب • موحد وغیر موحد
متفق ومتحد اولوب • شب وروز جنب فراغتی بستر استراحته قویوب اویومدیلر •
اول حضرتک لوازم محافظتی خصوصنده • جد بلیغ • ومراسم حراستی بابنده سعی بی دریغ
ظهوره کتوروب هیچ دقیقه مهمل ومعطل قومدیلر • الا ابولهب بر حسد موافقت
ومرافقتدن مجانبت • ومتابعت ایدنلره جان ودلدن مخالفت ایتدی وحفظ
وحراسته اولنلرا اعدای دین ایله مقاتله قلمغه قادر اولمغین جمله‌سی الات واسباب
واولاد واحباب الوب ابوطالب حولی سنک حوالیسنده قرار ایلدیلر • وایام ولیالی
علی التوالی محافظت حضرتنه مشغول اولوب • اول طایفه ایله اختلاط ومعامله‌دن وارتباط

ومكالمه دن ابا وفرار ایلدیلر • ابوطالبک حولیسندن خارجده بولنورلرینه لحکم جفا
وایذا قلدیلر • واهالی سوقه برفنوده برجمله تنبیه وتأکید ایتدیلرکه انلر ایله بیع وشرادن
ابا قلدیلر طرفیندن ابواب ملاطفت مسدوده • واثار مباسطت معدوم ومفقود
اولوب اوچ سال علی الاتصال بو منوال اوزره ابوطالبک حوالی حمایتنده ساکن وسایه
عاطفتنده متوطن ومتمکن اولدیلر • بالآخره فضل ربانی وکرم بی کران صمدانی قرین اولوب
اول تنکنای بلادن مخرج • واول شدت عنادن فرج بولدیلر • سکزای یکرمی کوندن
صکره ابوطالب وفات ایلدی • اول حضرت انک انتقالندن زیاده محزون اولدی •
اصداف دیدهٔ سعادت دیده سی دُرِّ شهوار ایله طولدی • تاریخ مرقومدن برآی اوچ
کون که مرور ایتدی عمر خدیجهٔ کبری نهایت بولدی خبرد وارد اولمشدر که خدیجه خاتون
حالت رحلتده زیاده زبون اولوب شدهٔ مرضدن حضرت رسالته شکایت ایتدی
اول حضرت کمال مرحمتلرندن • ودفور شفقتلرندن کریان اولوب ایتدی • سکّان خلد
برین جمال فرخ فالکه مشتاق ومنتظرلر • وقاطنان اعلای علیین قدوم میمنت رسوکه
مترقب ومستبشرلردر • خدیجهٔ کبری رضی الله عنها ایتدیکه • ای مفخر انبیا حیات وممات
یانمده علی السواددر لکن محبت جان بخشکدن مفارقت غایتله دشوار • وطلعت
سعادت نقشکدن مباعدت کمال درجه ده مشکل کاردر بیت موتدن خوف
اتمزم قورقوم بودر الحق همان • بن اولمسن اولسن اغیاره یار مهربان شواهد
النبوه ده مذکوردر خدیجهٔ کبری رضی الله عنها کوردیکه • لکل اجل کتاب مقتضاسنجه مدت
عمر نهایته • واجل مسمی غایته یتدی • اول حضرت یاننه دعوت ایتدی • ای خلاصهٔ
اعصار • وی نقاوهٔ ادوار • بردم یانمده قرار ایله که • دم آخرین خلشوینه وجان
نازنین حلقومه کلشدر • اخر نفسده دیدار شریفک کورین • وذوق مشاهدهٔ لطفک
توشهٔ آخرت ایده یم بیت کلوب ای مهر جهان صیقل الطافکله • زنکی اندوه
کیدر اینهٔ جاندن نثر سید عالم صلی الله علیه وسلم وارب یاننده قرار ایتدکده
یا رسول الله الحمد لله که نقد عمرم خدمت موجب العزتکزده صرف اولوب تمام اولدی

اکر تقصیر خدمت • واکر توفیر زحمت • هر نه ایسه اختتام بولدی • مرجودر که حقوق
عقبای حلال ایلک بابنده عنایت ایده سز • وروز جزاده نامهٔ اعمالمه غفران
چکلک حضورنده شفاعت ایلیه سز • وبر داعیهٔ ضمیرم • وآرزوی خاطر کسیرم
دخی وار در طلبنده شرم مانعدر • اما فاطمهٔ ارسال ایده یم جنابکه اعلام ایلسون
دیوب قطع کلام ایتدی • سید الانام علیه الصلوة والسلام ملول حالنکیار قالقوب
مسجد الحرام جانبنه خرام ایتدی • خدیجهٔ کبری فاطمة الزهرایه ایتدی • ای دختر فرخنده
اختر • پدر سعادت منظر محضرنه وارب ایت که حین نزول وحی ده فرق فرقد سایکز
وسر سعادت افزا رینه • اورتدوکی ردای شریف بکا کفن اتسون باشلکه انک
حرمت ومیمنتنه حضرت عزت رحمت ومغفرت الهیه • فاطمه حضور حضرته وارب
تقریر ایلدکده اول حضرت نا الحال ردای شریفی ارسال ایلدی • همانده جبرئیل نازل
اولوب دیدیکه خدا سکا سلام ایتدی وایتدی • ویردوکی ردایی السون خدیجهٔ
کبری مال فراوانن • وامتعهٔ بی پایانن • بنم رضا ومحبتمه فقرا ومحتاجینه وضعفا
ومساکینه بذل وانفاق ایلدی • انک حقنده عنایت علیم مبذول • وحمایت سنیم
مشمول قلوب • خزینهٔ غیبدن کفن ارسال ایلدم • جبرئیل که بو حجری عرصهٔ عرصهٔ ایمنلادی
کفنی جیبوب دست شریفلرینه ویردی • رسول رب العالمین • وفات خدیجه دن
زیاده غمکین اولدی • وچشم جهان بینی اشک حسرت ایله طولدی قطعه جان در
عنا ماند که ارام دل نماند • دل زالم بسوخت که مطلوب جان برفت • اکنون چه حاصل
از قفس تنک روزکار • کان طوطی شکر شکن از بوستان برفت نثر ابوطالبک
ارتحالندن • وخدیجه خاتونک انتقالندن صکره • قوم قریش فرمان نفس بد فرمایه
مطیع اولوب اللرندن کلن جور وجفایی دریغ اتمیوب کمال درجه ده عداوت
ایلدیلر ایذا وآزار شول مرتبه یه ایردیکه • اول حضرت ملازمت شریفنده اولان
طایفه ایله جانب طایفه وارب انده اقامت ایلدیلر • قصد اضداد • وکید حسّاد
وحقد اعدای بدانجام • وکینهٔ لئام بدفرجامدن • انده دخی حضور ایده مدیلر کیرو

بلدۀ مکه یه کلدیلر بیت کلدی اوز شهرینه اول نور هدایت • جان روح
رواندر تنه اولندی اعادت • سرسفها مکه نک کما کان جفا و آزارینه تحمل ایدوب
اون یل دخی قرار ایلدکدن صکره فرمان الهی وارد اولوب مدینۀ منوره یه
هجرت ایلدیلر انده دخی عبدۀ اصنام قصد اهل اسلام ایدوب نیران حرب و قتال
اشتعالنه اشتغال کوستروب بغض و عداوت ایلدیلر اول جهادکه کفار تیره نهاد
و اعدای بد نژاد ایله وقوع بولدی غزای بدر ایدی که پنجۀ خورشید ضمیر • و آفتاب
تصویرک بدر عمری انده سلیح اولدي • اول غزای ثواب اکتسابده • رسول رب الاربابک
اعمامی اولادندن عبیده بن حارث سعادت شهادته ایردي • علم عزیمتی آخرته ایر
ایرکوردی • بر پیر معمر ایدیکه امثالی بیننده فصاحت و حصافت ایله مذکور
و شیخ المهاجرین دیمکله مشهور ایدی • حضرت سید الانام • دست همت عنایت ایله
انک صورت شهادتن • مفسران اخبار حکایات • بو یوزدن تحریر و محدثان اثار
روایات بو اسلوب اوزره تقریر ایدرلرکه • جون ایکی لشکر جاه بدر قربنده جمع
اولدي صف رجال ادوات جدال • والات قتال برله زینت بولدي • لشکر کفار بد
خوی طقوز یوز اللی نفر مرد جنک جوی اولوب • هر بری محاربه یه صالح اولان سلاح
ایله مزین • و مضمار شجاعتده دلاورلک ایله متعین ایدی • یوز اسب تیز کرد • یدی یوز
شتر ناموس نورد کری وار ایدی • عساکر اسلام ظفر ارتسام اوج یوز اللی نفر مرد
شدید الاهتمام اولوب • و ایکی رأس سمند پا نند اولوب • والتی عدد زره کره بند
اولوب • و یتمش مهار شتر صبار رفتار • و سکز قبضه تیغ جان نکارلری وار ایدی
فتح و ظفر انعام ملک الوهابدن • نه دفور لشکر • و نه کثرت اسبابدر • والله یؤید
بنصره من یشاء • جون صفین فریقین جناحین اولوب طوردیلر الات جدال
و عدد قتال ال اوردیلر • طایفۀ کفره دن عتبه بن ربیعه • و برادی شیبه • و ولید بن
عتبه نام اوج نفر لعین میدان کارزاره چقوب مبارز طلب ایدوب طوردیلر
و کندولرن مدح ایدوب لاف و کزاف اوردیلر • زمرۀ مسلمین • و فرقۀ موحدینی دن

انده

انده مقابل اولمغه قابل انصاریلردن اوج پهلوان شیر خصایل قارشو واردقلرنده
قریش مبارزلری ایتدیلرکه بزم سزکله کرودار و مدعای خواهمز • و جنک و پیکار اصلا مرامز
دکلدر اهم مطالب و اعظم مقاصد و مآرب اولاد اعمامزه غالب اولوب انتقام المقدر
و دست تغلب و پنجۀ تقلب ایله شاخسار وجودلری خاک مذلته صالمقدر الجلردن
بری صوت اعلا ایله ندا ایدوب ایتدی یا محمد صنعت بیکاره مایه دلیرلرک جنکنه • و فن محاربه
دست بردن طاماعنکه قادر پهلوان بیمانند ارسال ایله دیدوکی حضرت رسالت
عبیده • و حمزه • و علیه اشارت ایلکین اول اوج شجاع فرزانه دلیرانه میدانه کیردي
و بی محابا دار ب مقام اختصامه ایردي عبیده نک انحا عمری شام کهولته • و روز جوانی
سی شب شیبته ایرشش بر کهن سال ایدی عتبه یه مقابل اولدیکه اولدخی سن کهولتده
ایدی • و حمزه شیبه یه مقابل اولدیکه هم سن ایدیلر • و علی مرتضی ولید عنید ایله جنکه آغاز
اندی که اولدخی اوان شبابنده ایدی • علی و حمزه عزیلرین هلاک ایدوب کوردیلرکه
عتبۀ عنیده عبیدۀ محکم مجروح اتمش بی اختیار عتبه یه حمله ایدوب تیغ ابدار او شوردیلر
فی الحال مطرح خون و خاکه • و مسرح فوت و هلاکه دوشوردیلر • و عبیدۀ پر جراحتی میان
خون و خاکدن کوتردیلر • حضور سعادت موفور رسالت پناهه کتوردیلر • غزای
بهجت نمادن عسکر سعادت رهبر و علمه • وان جندنا لهم الغالبون • مقتضاسنجه
مظفر و منصور و مبتهج و مسرور عودت ایلدکلرنده عبیده نک روحی روحانلرم منزلده
بدن شریفنه وداع اتدی یعنی بو تنک نای پر عنای بی وفادن • روضۀ واسع الفضای
عقبایه کتدی راویان اخبار و ناقلان آثار بو وجهله تقریر ایدرلرکه خاندان
نبوتدن • و دودمان رسالتدن شهید اولنلرک ایکنجی حمزۀ عالی رتبه درکه غزوۀ
احدده سردفتر شهدا • و سرحلقۀ سعدا اولدي • احوال غزای احد علی الاجمال بو منوال
اوزره اولمش ایدی که کفار بی دین • و فجار ضلالت آیین جنک بدرده جنک مبارزان
نهنک آهنکه دوشوب هلاک اولان صنادید قریشک انتقامی • و قصد اختصامی ایچون
اوج بیک نفر لشکر کثرت اثر ایله مدینۀ منوره یه کلوب جبل احدده خیام قیامی قوردیلر

مطلب
غزای بدر

مفخر عالم صلى الله عليه وسلم یدی بوز آدم جمع ایدب مجادله ومقاتله ایچون قارشو وارب
الآى بغلیوب طوردیلر جبل احد مقابلهسنده اولان کوه آهنینک بر عظیم شکافی وار
ایدی اول محل خطرناکی اعلای دین بدآیین کیمین گاه ایدنیوب لشکر موحدین ایچنده
کلکاحتمالی اولمغین سید المرسلین عبد الله بن جبیره اللی نفر تیر انداز دعبده ساز
امثالندن ممتاز دلیر جنک آغاز قوشوب بیوردیکه اعلای بدر ایدن مقدم وارب
اول ممر پر خطری مقر ایدنیوب موارد خلایق دمعاقد طرایق بروجهله ضبط وحراست
وحفظ وحمایت ایده سزکه ممر جانبندن قوش دخی چوره میه سز ومعبر تلالدن دخی قوش کچوره میه سز
اکر غالب واکر مغلوب سن الحلده قرار ایدب طرف آخره کتمیه سز وحفظ وحراست بابنده
مجد وساعی اولوب دقیقه فوت اتمیه سز چون ایکی لشکر برابر اولوب صفلر بغلیوب الآیلر
دوزلدی میدان میدانه کم کره دیکمکا آفتاب سکری زواله ایره دیو هر کس نکران طایفه
مشرکیندن علمدارلرک رئیسی طلحه ابن ابی طلحه میدانه کیردی ساقی کوثر علی صفدر مقابل
اولوب جام حسامدن بر جرعه ایچوردی فی الحال نشأسندن بی هوش اولدی روز
رستخیزه دک مست وخاموش اولدی انکآردجه بادی میدانه کیردی ضرب حمزه ایله اول
دخی جان ویردی حضرت حمزه غضبناک اولوب عساکر منکسیده اولان علم دارلری
هلاک اتدی ووجود ناپاکلرین شقه علم کبی چاک چاک اتدیلر اعلام هزیمت اعلام منکوس
ومغلوب ورایات موحدین برج نصرتده منصوب اولمغین جمله موحدین بر یردن
حمله ایدب خصم بدر ایک الآین طاغتدیلر اول بد سیرت طاغیلرک سینه پر کینه لرین نار
کیر ودار ایله پر داغ اتدیلر لکن مال حاله نظر اتمیوب اموال ومواشی واسباب ومواشی
جمعنا اشتغال کوستردیلر وشکاف حینن محافظه سنده اولنلر دخی قرار کفاری واخذ
وغنیمت عساکر ابراری کورب بی اختیار شکاف کوهدن سیل انبوه کرداب جانب
کارزاره اقدیلر سردارلری اولان عبد الله بن جبیری بر قچ کسنه ایله انده برقدیلر
هر چند که فرمان حکمت عنوان رسوله مخالفت ایتمک وامر خواسته سر قدمطاوعتدن
طشره کتمک دیو الحاح وابرام واقدام واهتمام ایلدی مفید اولمدی ابن جبیر بالفرو

برق

رزم صفت

[illegible]

بر فتح ادم ایله انده قالدي وانواع حزن وملال ایله قلزم حیرته طالدي کوزهٔ بد خصال
کوردیلرکه قم شکاف خالیدر همان اول جانبه جان اتدیلر وارب انلری شهید اتدکدن
صکره عقبلرنجه وارب روان صفوف ابراره یتوب سیوف آبدار ایله جمعیتلرین
بریشان اتدیلر بیت بودرد ودور زمانه عادت کیش صونر خلقه کهی نوش وکهی نیش
واقع اولان هزیمت لاریب امر سید المرسلینه مخالفتک وخامتی وطایفهٔ مسلمینه اولان
شکست فرمان رسول رب العالمینه عدم التفاتک شامتی در بوانناده لشکر اسلام
اقسام ثلثه اوزرینه اولوب قسم اول چهرهٔ صوابی آیینهٔ کرنده مشاهده
قلمغین سرعت تمام ایله شهره کتدیلر قسم ثانی علی عالی جناب وسعد وقاص وبعض
اصحاب ذوی الاخلاص ملازمت حضرت رسالتی اختیار اتدیلر قسم ثالث میدان میدانده
متفکر وپریشان ومتحیر وسرکردان اولوب قالدیلر وورق دل وجانی کرداب
محنتده غرقاب تجربته صالدیلر آخر کارکیمی سعادت شهادت ایله بهرهمند اولدي
وکیمی سعی واقدام ایله حضور سید الانامه وصول بولدي
نام کتابده مسطوردر که اصحاب عالیشانک واحباب سامی مکانک بربرینه عدم
مرافقتندن وقلت موافقتندن حضرت رسالت زیاده محزون وبی حضور وملول
وپر فتور اولوب ایتدی یا علی نه باعث اولدیکه سایر رفقای صاحب وفا ایله بلکه
وروش ورفتارده انلره موافقت ایتمدک ایتدیکه یا رسول الله ان لی بک اسوة تحقیقا
بن سکا اقتدا ایلدم مقتدی مقتدادن جدا اولمز دایام راحتده وهنکام شدتده
برقدم انفصال وانفصام بولمز رباعی حاشه لله بن کدا بردم اولم سندن جدا
زرهٔ ناچیز اولورمی مهر روشندن جدا راحت اولمز دل جال باکلک کوزمه بلبل
آشفته دل اولورمی کلشندن جدا نظم قلزم حربکاه دشمن بدخواهدن برفوج دریا موج
ظهور ایدب اول دُر عمان رسالت واول کوهر کان نبوت اوزره هجوم اتدکده
اشارت رسول خدا برله علی المرتضی قارشو وارب هر برینک وجه توجهین جانب
رسولدن صوب آخره دوندردی واکثرینک تیغ ابدار ایله خاکسارلرینه آتش دمار ادر

خون جانلرین باد فنایه و خاکستر اجسامن هباکبی هوایه ویردی **القصه** کفار ضلالت
آیین دن بر بولک دخی توجه تام ایله کلورکن حالا صاحب فرهنک و روشن رای مقابل
اولوب ماننده پلنک آهن خای و مثال نهنک مردم ربای حمله ایدب کینه الا وزادوب
فانه زبنداده الدی قهر و غضب ایله روی زمینه چالدی و کینه شیر شمشیر حواله قلدی
وجود بی سود ین کورک اجله نواله قلدی **مثنوی** علاویه شیر یزدان اتسه حمله نه ممکندر
حسیندی لمزی ثلا کیرب میدانه جک تیغ بران ظهور ایلردی اولدم برق رخشان
بو حالت ایله مرکز معرکه ده قطب آسا قایم ایدو شجاعت برله دایره معرکه ده دایم
اولوب طورر کن جبرئیل امین کلوب ای معدن رسالت علی عالی همت شجاعت و مبارزت
نهایتنه و شهامت و جراستی غایتنه یتوردی دیدکده اول حضرت انه منی
وانا منه بیوردی جبرئیل انا منکما دیو جواب ویردی اول اثناده هاتف غیبدن
سروش لاریب بیدا اولوب صوت اعلا ایله لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار
مقراعن آدا ایلدی ساحت دار و کیرده حاضر اولان برنا و پیر صغیر و کبیر جمله اصغا
ایلدی نام کتابده و فضیلت کسترده بو مختصر رشته بیان
ایله منظوم و کلک عیان برله مرقوم در هر کس بو محوای محقق و بو معنای مصدق
بلوب اعتماد کلی و اعتقاد جلی قلهلر زیرا سلطان اولیا علی مرتضی تحصیل
دولت عظمی و تکمیل سعادت کبری ایدب بو مرتبه اسنی یه عروج و بو درجه اعلایه
ولوج اندوکی افضل انبیا و اکمل اتقیا محمد مصطفی علیه التحف التحایا واسطه سیله در
قطعه لمنشئه هر کو بشر مرتبه لافتی رسید از دولت متابعت مصطفی رسید
با مهر او ز تفرقه دلها خلاص یافت زر کشت کار قلب چو با کیمیا رسید ای بر
دلی که سر بسر اعدا بذوالفقار هم چون کلیم بود که با اژدها رسید
منتهیان آثار نوایب بو وجهله تقریر و تحریر ایدرلر که کفره قریشدن ابن
شهاب بدخواه و ابن قمیئه روسیاه و ابن حمید و عتبه ابن ابی وقاص نام
دورت نفر بدبخت و کمراه غزای سعادت افزای احدده قول و قرار ایلدیلر که اول

صاحب

٥٢

صاحب بخت و جاهک مقام و منزلن تخت جاه ایدهلر و اصحاب و احبابک حال عزت
مآللرین تباه ایدهلر شول دم که اشرار بدآیین غالب و ابرار سعادت قرین مغلوب
اولدی سلطان انبیا بر بچه مرد رزم ازمایله بر محلده دورب هزیمت بولانلرک
امام التیامنه و حروف تهجی مثال متفرق اولنلرک اجتماع و انتظامنه منتظر اولدی
بو اثناده اول بدکارلر میدان انتقامی جاد نهادی لری و ساحت اختصاصی مرام فوادلری
وفقنجه بولمغین دست جسارتی آستین جراتدن بیرون قلوب اول معدن جواهر
رسالته طاشلر آتدیلر و اللرندن کلن جفایی اتدیلر و ابن قمیئه بدکوهر سنک
پرخطر ایله اول حضرتک اینه نورانی پیشانیسی که قندیل جامع صدق و صفا و طاق
ابروی دلجوسی محراب قبله ارباب مهر و وفادر بر وجهله مجروح ایلدی که رخسار
کلکوننده قطرات خون طوراتدی و جریان ایدب محاسن شریفنه تیدی و اول قطرات
دم بیتابی رداسیله متصل سلردی و وجه عرصه سقوطندن احتراز ایدردی و بیورر
لایدی اکر بو خون رواندن روی زمینه بر قطره ایریدی البته آسماندن سکان
ربع مسکونه عذاب الیم نزول ایدیدی **بیت** زخم خونین ظاهرا کر جسم جانانده در
نه الحقیقه داغ محنتدر که او ز جانمزده در **نثر** و عتبه بن ابی وقاص اول ماه مطلع
افلاکک دهان حکمت فشاننه سنک بغی و عدوان اوروب صاغ عنده اولان
رباعیه سفلاسین که عزت و شرف صدفنک لؤلؤی لالاسی و جوهر اعلاسیدر
مکسور قلدی و اول حقه حقایق مشحوننده مکنون اولان لالی منظومه دن برین
منثور قلدی **مثنوی** بو د لعلش سهیل رخشنده سنک را از لعل بخشنده
چون سهیلش رفیق سنک آمد سنک از دم عقیق رنک آمد **نثر** بو محلده اول
حضرته چوق جراحت ایردی اول اذل و ارذل فتنه و حقیر عظیم السیئه عبدالله
بن قمیئه لعنة الله سبعین مرة بل مائة اول شمع جمع انبیا اوزرینه مانند شعله نار
شمشیر ابدار چکوب صاغ یکاغنی چالدی امر الهی برله قلج کسمیوب ثمان اول
لعینک یوزی قاره سی کندویه قالدی اما تاثیر زخم شمشیر ایله حلقات مغفرلری

ماه رخسار فایض الانوارینه ایکی حلقه باتدی وحمله ثانیه‌دن حذر ایدوب حرکت
ایتدوکی کبی یانی اوزره بر چقوره دوشوب یاتدی اول جاهل ابتر بلمدیکه شق القمر
مهان معجز خیر البشردر کندوکبی اهل فساد دوشردن وجوده کلمک ممکن ومیسر دکلدر دبو
چوقور اول حفره‌لردن ایدی که ابو عامر راهب دیدکلری خاین خایب ناکهانی
مسلمانلر دوشمک ایچون قازمش ایدی هماندم علی مرتضی یتشدی ومبارک الن یاپشدی
وطلحه قوجاقلیوب قالدردی تاکه قدم خجسته مقدمی اوزرنه طوردی ابن قمیئه
تصور ایتدیکه اول حضرت فنا فنادن دیار بقایه رحلت ایتدی وماوای مجازیدن
دار النعیم جاودانی یه کتدی قوم وقبیله‌سنه دیدیکه ای طایفه عالی نژاد خرم
ودلشاد اولک که بعد الیوم طالع مستمند باده تنکبتدن هشیار وبخت کران جانکز
سنه غفلتدن بیدار اولمغه یوز طوتدی زیرا محمدک ماه عمری تمام اولدی و
مصحف زندکانیسی ختم اولوب نهایت بولدی ابلیس پر تلبیس کوشش ایدوب
آواز بلند پرواز ایله چاغروب دیدیکه الا ان محمدا قد قتل بو خبر مکدر الضمایر
بین الناس شایع ومنتشر اولوب لشکر اسلام منهزم ومنکسر اولیجق اول ماه تابان
سپهر عز وجاه الی عباد الله دیو چاغروب دعوت ایلدی اصحاب سعادت
نصابدن بر طایفه اواز جان نوازین ایشیدوب یانینه عودت ایلدی بر کره
زبان خضوع وانکسار ایله اعتذاره باشلیوب یا رسول الله فدیناک بآبائنا
وامهاتنا سنک قتلک خبرین استماع ایتمکله بساط قلوبمز غلبه دهشت ایله انقطاع
بولمغین طاقت صبر وقرار قالمیوب بی اختیار فرار ایتدک دیدیلر اول مهر
آسمان لی مع الله واول ماه فلک تمکین وجاه اصحاب ذوی الآداب واحباب
اولی الالباب ایله شکاف کوه جانبنه توجه ایلدی بو غزای سعادت افزاده
حمزه شهید اولدی ناقلان آثار ومحدثان روزکار بو واقعه‌نک کیفیتنی
خامه فصاحت قریندن بو یوزدن تعیین وتبیین ایدرلرکه بلده کعبه معظمه‌ده
جبیر بن مطعم ابنا زماننده کثرت مال ومواشی ایله مفتخر واشکال واقرانندن

غزارت اسباب ومواشی برله مستظهر بر مرد متکبر ایدی وحشی نام بر بنده زرخریده‌سی
وار ایدی مرد کارزار ودلیر تیرکذار ایدی چون لشکر قریش مدینه‌یه عزیمت
ایتدی جبیر وحشی‌یی یانینه دعوت ایتدی وایتدی ای وحشی شجاعت مانوس جنک
بدرده الویه نصرتم معکوس ومنکوس اولوب اشراف عربدن نیجه صاحب صدر وعالی
قدری اوج حیاتدن حضیض مماته دوشردیلر علی الخصوص عمم طعیمه طعمه شیر شمشیر ایدی
اوستنه بنوز تیر ادشوردیلر ایمدی حمزه‌یی هلاک ایدرسن سنی مالدن آزاد واعطای
مال فراوان ایله شاد ایدرم وحشی انسی صورت وسبعی خصلت دخی طوعا بو مهمک
اتمامنه سعی واقدام وبو کارک اختتامنه جد واهتمام اتمکه تعهد ایتدی وهندکه ابو
سفیانک خاتونی ایدی قبایل عرب بیننده حسن وجمال ایله مشهور وغنج ودلال ایله
مذکور ایدی جنک بدرده پدری عتبه‌نک طایر روحی شهباز تیر بلند پرواز شکار
ومخلب عقاب اجل کرفتار اولمشدی خاتون مزبوره دخی وحشی شیرخصلته طلب ایتدی
بسط کلام وعرض مرام ایدوب ایتدی محمد وعلی وحمزه‌دن هر قنقیسین قتل ایده‌جک
اولورسک سکا مال بسیار وامتعه بی شمار ویره‌یم وهر نه مرامک وار ایسه سعی واقدام
ایدوب اتمامنه ایرکوره‌یم وحشی ایتدیکه بو بنده بی مقدارک وبو چاکر قلیل الاعتبارک
دست جرأتی محمد عالی همت عالی قیمت سامی رتبتک پیرامن دامن عظمتنه ایرمک
مشکل ارباب رزمدن غایت بعیددر وقتل وهلاکنه دست رس علی توقعی خود غیر
سدیددر زیرا اصحاب عالی همتی خند کسالت خطره محافظتلرینه مستولی اولمشدر
واجب معالی منزلتک غافر غفلت کاشانه حمارستلرینه یول بولمامشدر بیت
حارس حصن وقار در هر بری فارس صف صفادر هر بری نثر وحمزه نامدار ازمریخ اشتهاری
خالت نیام منازله بولسم صولت وهیبتندن بیدار قلعه طاقت یتورمک وقعود
وقیامده ملاقات اولسم مهابت وسطوتندن یانندن کذار ایتمکه قدرت یتورمک
میسر دکلدر اما علی فرخنده خصایل اکرچه فن پیکارده کامل وعلم کیر ودارده فاضل
الطرب خلقت مغلسندن غافل نوجوان ساده دلدر امیددر که اول تیز زبانی

دام تدبیر ایله الهٔ کتورم • داول حزبر غزانی شباک تذویر برله مسرج هلاکه یتورم •
بس وحشی شادی آزادی • وخیال محال ومثال ایله اول سرداره قصد ایدب • روز
رزمده کمین کاه ترصدده طوردی • میدان مصافه نظر ایدب هر برین کوزدن کچوردی
کوردیکه سرداران مهاجر وانصار • وجانبازان اخیار وابرار خاتم انبیایی مانند
حلقهٔ خاتم احاطه قلمشلر • اندن نومید اولوب فراغت ایتدی • حضرت علی مرتضی حضـ
عزیمت ایتدی • کوردیکه مبارز میدان لافتی • ومبرز ایوان هل اتی اعلای میشوم •
شیطان رسوم اوزرینه هجوم ایدب • کاه تیغ آتش بار ایله صاعقه کردار زعر بلوسان •
وکاه شهاب برتاب دار تیر جان شکار برله رجوم انداز اولوب سایر مبارزان
صف شکن پشت شمشیر شجاعتی ایله استظهار • وغیر دلاوران شیر افکن نیردی بازوی
شهامتی برله افتخار ایدرلر • برق پرشتاب کبی شمشیر دار القراره ید علیا • وشهاب
پرتاب مثال تیر گذار القراره سهم اعلاسی اولمغین • اندن دخی مایوس ومحروم
رجوع ایتدی • خایب ومغموم طرف آخره کتدی • کوردیکه حمزهٔ روشن ضمیر • مانند خورشید
عالمکیر الله شمشیر آتش تأثیر الوب میدانه یرتمش • وتند باد شجاعت برله اعدای بد
نژادی • ابر تیره کبی داغیدوب اوکمه قتوب اساس خانهٔ حیاتلرین سیل فنایه ویرمش •
بیت پهلوانلق آدین شول رسمه تحصیل ایتدی کم • عالم ایچره تیغ اولدی ضرب تیغ
ایله ضرب مثل نثر شهامت وصرامتده نادرهٔ روزکار • وشجاعت ومبارزتده
اعجوبهٔ شهر ودیار اولمش قطعه سالها لعب نماید فلک چوکانی • تا چنین شاه سوار
سوی میدان آرد • از ره چستی وچالاکی اکر قصد کند • بدمی کوی فلک درخم چوکان
آرد نثر اتفاقا میدان هیجاده • سباع بن عبد العزی نام سبع خصلت حمزهٔ بر صولته
مقابل اولوب • حمله قلدقده بر زخم اوردیکه جسم خبیثی نیر شمشیر اجله نواله اولدی
وجان ناپاکی قعر جحیمه اتصال بولدی • حمزهٔ ترجمان عنوان • ساحت هیجاده تک
وتنها قیام ایدب مبارز طلب ایتدی • جانب اعدادن هیچ کس مجلای میدانده
جلوه نما اولمادی • چون اول حضرت کندویه مقابل دلاور برکسنه بولمادی • نایرهٔ

غضب وانفعالی کانون حالندن اشتعال بولوب بی اختیار آت صالوب صف
اعدایه ایردی • کویا کرک کرسنه رمهٔ اغنامه کیردی • کیمنک تیغ تابناکی ایله جیب
وجودین چاک • وکیمنک منزل ومقامین خاک هلاک ایتدی مثنوی کم اوله انک ایله ایده
جنکی • بحر برضرب ایله شیر وپلنکی • کونش کبی جکر سوز تیغ براّن • شفق وش طاس
چرخ طولدره قان نثر دشمنک حقندن کلوب عودت ایتدکده وحشی دور بین کین
افتاده کمین اولوب • حربهٔ کین ایله وقت حربه حاضر ودم رخصته ناظر ایدی ناکاه
بقضای آله • ایاغی بر فرده یه طوقنوب دوشدی • وحشی فرصت غنیمت دیوب حربهٔ
جان شکارین اوزاتدی • برطرفندن اوزتدی که سینه سندن طرف آخره کذر ایتدی •
حضرت حمزه بو بزم رزمده جام سعادت انجام شهادت نوش ایتدی • روضهٔ دار
السلامده • فرحین بما اتاهم ربهم • نشوه سیله سرور موفوره • وحبور نامحصوره
یتدی قطعه ایچن جام شهادت باده سینی • حیات تازه بولدی عیش باقی • بو رزمی
ترک ایدب بر بزمه ایردی • شراب انده طهور حور ساقی نثر وحشی اولمقدار صبر وقرار •
ایتدی که اوزرینه جمع اولان آدم پریشان اولوب کتدی • پس نافهٔ مشکین مثال
شکم مبارکن دریده ایدوب جکر خونبارین چقاروب سالف الذکر هند نام خاتونه
ایلتدی وایتدی • ای بانوی زمان جان ناتوانکه افراح کلدی • وجنان پر افغانکه انزاح
جلی واصل اولسون که پدرک قتل ایدن حمزهٔ پلنک صولت ونهنک هیبتی کمند
حیلت • وشباک خدعت برله مغاک هلاکه یتوردم • وحالا جکر خونین الوب حضور موفور
السروره کتوردم • هماندم ساعت هند الوب دهانینه الدی • برمدت خاییده قلدقدنا
صکره چقروب خاکه برقدی • اول زن بدانجام وضلالت فرجام مراد نهاده ایردی
وقمری مانند طربناک • وجامه مثال فرحناک اولوب کردن وپایینده اولان طوق وخلخالی
مژدکانی ویردی وایتدی • ای وحشی حالیا اقتدارم بو قدر • اما شهر ودیاره وصول
حصول بیتر • ومسکن ومأوامه نزول ودخول مقدر اولورسه بیک دینار کامل العیار
ویره یم که هر بری رشک خورشید تابان اوله • دیو وعده ایلدی • پس وحشی خاتون

مزبوره يي شهيد پاك حضرت حمزه يه ايلتدى • خاتون بى شفقت الينه كارد آلوب
اعضاى شريفندن بعض قطعه قطعه ايتدى • بر شتبه دوزوب خازينه ايلتدى بيت
در خاك وخون فتاده رواكى بود تنى • كود رنوا بدتخمى دين كار زار كرد • جانها
فداى عم محمد كه در احد • جان را براى دين اليه نثار كرد
كتور شيلر در كه اول سرو باغ رسالت • ونهال گلبن نبوت • عواطف حذثان ايله دوشدى ديو مسامع شهره
غلغله • وگنبد دهره ولوله دوشدوكى دم • خواتين قريشدن • وزنان بنى هاشمدن بر چاق
قالمديكه عيون ديده سندن جيحون آقتميه • وغم ماتم ايله نوحه وجهه اتميه بيت ناله
دلها بثريا رسيد • وز مژها سيل بدريا رسيد نثر اول وقت مخدرات حجرات
عصمت كوه احده كيتمك ملاحظه سنده متردد ايكن • احبابدن برى كلوب ديديكه اول
كريم ورحيم سزاره ثواب عظيم واجر جسيم ديرسونكه • رسول ملك بى نياز سعادت
شهادت ايله دخى سرافراز اولوب جهان فانيدن سراى بقايه رحلت ايتدى در جنت
اقامتى جنت المأوايه ايلتدى • حضرت فاطمه بو واقعه ادلكيرى • وبو حادثه آتش
تأثيرى كه اشتدى • بى اختيار ديده گريانندن دمع مدرار متقاطر • وسينه
سوزانندن شراره نار متطاير اولوب بر مدت حس وحركتدن قالوب
عقل رايل اولدي • وزبان شيرين بيانى كه • عندليب بوستان نطق ايدى • حليه
بلاغتدن عاطل اولدي • وقتى كه بيهوشاق دارسندن افاقت بولدي •
جانب جبل احده روانه اولدي • صفيه • وام ايمن ونيجه بونكبى خواتين عصمت
آيين • قول واتفاق • وعهد وميثاق ايلديلركه • معا متوجه اوله لر • تاكه وارب
اول معدن رسالتى • وكان سيادتى كوه پرشكوه ده بوله لر • تاكه بنى زبيان قبيله
سندن بر خاتون كلوب اى فاطمه زهرا • اى دختر سيد الانبيا • تنده كيدرسن
بو محلده بر عقلا راآرام ايله • بوكيتمه يى جزم ايله عزم ايدوب صوم سرام كيده يوم
عال پدرينه مخبر اولدى ايسه • نالى كلوب تقرير ايده يم • ديدكده • فاطمه سعادت
فاطمه ايديكه انشاالله پدرم صاغ وسلامت بولوب حضور هدايت

موفورينه

موفورينه ايره سن تبليغ سلامدن صكره درد دل مستهامدن فبر ويره سن ايمد
دركه عنايت ملك اكبر رهبر اولوب • بو گرداب اضطرابدن خلاص ولا وزه بو
گرداب انقلابدن مناص بوله وز • ديو ارسال ايلديلر • كندولر بر ديوار سايه سنده
قرار ايدوب قطرات اشك نثار ايلديلر • وبو مفهومى تكرار ايدردي بيت
قرارم يوق بنم جانانم اوندن • اكرچه بونده يم بن جانم انده نثر خاتون مرضى الفعال
مثال بيك شمال • يوله دوشوب تا بشتابله كيدردى • هر كيمه ملاقى اولسه استفسار
اخبار سيد الابرار ايدردى • اتفاقا خاتون مرقومه نك برادر وپسر وشوهري
سيد المختار ايله ميدان جهاده وساحت اجتهاده بيله كيتمش ايدى • وآيت
وانفخات • جاهدوا باموالكم وانفسكم ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون • مضمون كوش اتمش
ايدى • اول زن مرد خصلت ميان لشكرگاهه ايروب كورديكه برادري شهيد اولمش
كندوكندويه نصيحت ايدوب ايتدى • اولابكى جهان كنشى ديده مه نور وير
مينجه بوكه مقيد اولمق مناسب دكل ديوب كتدى • يولده شوهرن كوردى تيغ اعدا ايله
كشته اولمش اكا دخى ديده التفات ايله نكاه ايتميوب كيدركن كورديكه اوغلى خاك
وخونه آغشته اولمش انا سن كوردكده ديديكه اى مادر مشفقه آرزوى ديدار قيامته
قالمسون كل بردم يانمه اوتور • ملالت پرده سن چشم جانمدن كوتور • ديدار مبرت
آثاركن مشاهده ايده يم كفتار شكربارك ايشده يم مصحف زندكانى ختم اولمغه
بر ورق وجسم مجرد حيات بى بنادن بر رمق قالمش بيت دم جان داد انست
وشربت ديدار ريخواهم • اكرچه برتو دشوارست بارى برمن اسان كن نثر خاتون
ايتدى اى مادر رغم ديده نك چشم جهان بيننددن عزيز فرزندار جمندى • دي حالده
ماتم رسيده نك جان شيرينندن لذيذ پسر دلبندى • فراقك غمندن كوزلرم كريان
اشتياقك آتشندن جكرم بريان در • اما دختر رسول خدا • فاطمه زهرا يكا منتظر در بران
قرار ره طاقتم • وبر ساعت اصطباره قدرتم يوقدر القصه اوغلى دخى قويوب
كتدى • آن واحدده كوه احده يتدى • كورديكه اول مخزن عباد داول زين مجمع عباد

رایت نصرت آیات سایه سنده اوتورمش اصحاب ذوی الاداب قارشوسنده
صف طوتوب طورمش وارب غبار کرد ار قدم بر کرمه دوشوب یا رسول الله
برادر و پسر و شوهرم نقد حیاتلرین یولکه روان ایتدیلر و امید شفاعتک برله دار
عقبایه کتدیلر دیوب فاطمه زهرا قبلندن عرض نیاز و سلام و اظهار تشوق و غرام
ایدوب ضمیر منیرینک عقده سن حل ایلدکده فاطمه یی بونده کتور دیو مدینه منوره یه
ارسال ایلدیلر و صبای جهان پیمای کبی سرعتله وارب کتورمک بابنده استعجال ایلدیلر
خاتون مزبوره فی الحال مژده سلامت پیغمبر ایله فخر فاطمه زهرایه ایردی و جناب
سعادت نصابلرینه عودت اولندقده خبر ویردی فاطمه متعالی مقام مخدومه حور مقصورات
فی الخیام سلوت تام و فرحت مالا کلام ایله قیام ایدوب صوب مرادنه روانه اولدیلر
وارب اول مهر رسالتی کسوف زوالدن مبرا و اول ماه برج نبوتی خسوف ملالدن
معرا کوردیلر فاطمه زهرا اصدای شکر و سپاس فلک اعلایه وارادی حمد بی قیاس
کوش زهره و زهرایه ایرکوردی اول حضرته خطاب ایدوب ای فخر عالم و ای خلاصه بنی
آدم بو خاتون نه دعده ایدوب بنی مقصد و مقصودمه ایرکوررسک سکا مژدکانی ویرم
دیش ایدم دیدکده اول حضرت بیوردیکه ای خاتون فاطمه دن نه رجا ایدرسک
دیو خدمت مقابله سنده نه دیلرسک ایت دیکه مراد دلخواه بودرکه عرصه عرضه قیامتده
واول روز بر مخافتده عصاة مسلمین اعمال شنیعه سندن شرمنده و جبان موحدین
افعال شنیعه سندن سرافکنده اولوب هرکس یوم یفر المرء من اخیه وامه وابیه وصاحبته
وبنیه معنیسن بالمعاینه مشاهده قلدقلرنده بنی یاد و شفاعت شفاعتلری
ایله خرم و دلشاد ایلیه لر فاطمه بتول حسن رضا ایله قبول ایدوب ای خاتون فرخ پی
و هما یون مقدم سن سز داخل جنان اولیم دیو بیوردیلر خاتون مزبوره بو مقال
فرخنده مآلدن بر وجهله تسلی بولدی که سوندو کندن کریان اولدی قطعه
اقرباسی مهر اکاجه پابند اولدی صحت ایسه الحق اولور صد هزاران آفرین جاهلسن
ترک ایلدی حب حبیب اعلا الجون اکی عالمده الحق اول زن المشد رهین ثم اول خورشید

اسمان رسالت و اول ماه تابان سپهر نبوت اصحاب ثریا منزلت و احباب عطارد
و فطنت سمتنه نکاه ایتدی و ایتدی عموم حمزه کورنمز بجبا نه حادثه اولدی که کیجی قعاده
مکین اولمسنه باعث اولدی علی عالی مقام اقدام اقدام ایله جست و جو ایلدرکن کوردیکه
پهلو مکرده کل سوره حیاتی خرص حمات ایله صولمش و نقش وجودی لوح تعادن
محو اولمش اصحاب دم کانون سینه سی دود مصیبت ایله طولدی چشم جهان بیننه
نهار روشن شب تار اولدی فی الحال سیدانامه کلوب اول واقعه پر الآمی وحادثه
محنت فرجامی اعلام ایتدی حضرت دخی سرعت تام ایله قیام ایدوب حمزه نامدارک
باشی وجنه وارب قرار ایتدی اول حضرتک اصداف دیده سی لآلی صاف ایله طولدی
و جزع بهانه سی کهرریز اولوب شیخ اولمایه که هم عم بزرکوار غمکساری و هم رضاعلان
برادر هواداری ایدی اول اثناده حمزه نک همشیره سی صافیه خاتون که حضرت
رسالتک خاله سیدر ایراقدن پیدا اولوب و فخر سید اصفیا مشاهده قلوب اوغلی
زبیره دیدیکه والده که سویله که جانب شهیده کلسون یعنی نکا نه رجعت اتسون زبیر
وارب خبر ویردکده ای پسر فرخنده منظر حمزه نک روح مروحی فضای فنادن سرای
بقایه ارتحال و محل بلادن منزل بالایه انتقال ایلدوکی مقرر در باری اوکسنه وارب
دعادرین نثار و ثنا کوهرین ایثار ایدیم دیدکده اول حضرت انده وب
اجازت ویردی کلوب برادرین بو حالده کوروب آزرده محنت رشته جانی و شعله
محبت شمع جنانی یعقوب بی اختیار دیده سندن اشک حسرت اقتدی بو حالت پر ملالت
هر برینه رقت قلب ویردی شراره آتش مصیبت بیت الاحزان کیوانه ایردی قطعه
هنکام چنین مصیبت ای دل کو ناله و آه و بیقراری ای دیده تو اشکهای خونین
ازبهر کدام روز داری ثم حضرت رسالت فاطمه و صفیه یه خطاب ایدوب اتدیکه مژده
بشارت اولسون که جبرئیل کلدی ایدرکه حمزه سکان سبع ارایکه یعنی قوم ملائک اسد الله
و اسد رسول الله نامیله مسمی قلدیلر کلک بیان ایله محرر خامه
عیان برله مسطر قلنشدر که اهل بیت رسالتدن سعادت شهادت ایله مستسعد اولنلرک

ایکنجیسی حمزهٔ نامدار • واوتوزی امام حسین عالی مقدار • اول حضرت فخر وبرخشلر ایدیکه
اهل بیتیدن یتمش کسنه امام حسین ایله معا شهید اوله • وهیچ کسه اولیه که انلرک
غازیی قله • سید عالم صلی الله علیه وسلم حمزه نک جنازه سی اوزره یتمش کره غاز قلدی •
بریسی اول سید الشهدا ایچون • باقیسی انواع کرب وکربلا یه مبتلا اولان شهدای
کربلا ایچون • یعنی حق تعالی اول غازک ثوابن بعد الوقوع شهیدان کربلا یه
ایرشدره • ثواب شهدا خود حد شماردن بیرون • وحیز حسابدن افزوندر • لکن
نور الایمانک قولی ایکی روشن • ونفعا کما ینبغی مبین ومبرهن دکلدر • زیرا اول اثر
حضرت حمزه اوزرینه غازی اول کره ده بروجه تخصیص نیت • وکرات باقیه ده بر
سبیل معیت وتبعیت قلنمشدر • یعنی شهدای احددن هر احدکه غازین قلمق ایچون
حضرتنه کتوررلر ایدی • اونلر اینه معا غاز قلرلر قلدقدنصکره حضرت حمزه ابقا اولنور
اول شهیدی کوتوررلر ایدی • بو تقدیرجه سید حمزه حضرتلرینه مخصوص اولان
الحق بر غاز اولور • اما مزیت معیتله غیرلردن ممتاز اولور • ودخی کم علماده
اولان کسنه لر دنیایه کلوب کتمش منزلسنه تنزیل اولنمق • وانلر ایچون قبل الوجود
جنازه غازی قلنمق • ذکتب اثارده موجود • ونه قواعد شرعدن معهوددر راوی
راوی ایدر حضرت پیغمبر حمزه قانلو قفتانی ایله دفن ایلک دیو بیورمغین • اول کل
کلزار شجاعتی • واول سرو جویبار شهادتی نهال ارغوان مثال قانلو جامه سی ولاله
نعمان کردار خونین عمامه سیله دفن اتدیلر بعده اول محلدن قالقوب جانب شهره
کتدیلر • اول حضرت بیوردیکه حمزه بو دیارده غریبدر • ومتاع دنیادن بی نصیبدر
انک ایچون آغلیوب اغلر • ونایرهٔ مصایبیله جان وجکر طغلر کسنه سی یوقدر • بو خبری
طایفهٔ انصار کوش اتدکده خاتونلرین اولا حمزه نک خانه سنه کوندردیلر خواتین
شفقت آیین حمزهٔ سعادت قرینک • خانهٔ محنت نشانی محل عموم • ولکانهٔ
پر افزای منشا هموم ایدوب • ناله وزاری قلدیلر • اول کیجه نصف اللیله دک شمع
کریان کبی یانوب یاقلدیلر • اول قرهٔ عین نبوت • واول نور دیدهٔ رسالت •

خوابه

خوابه وارمش ایدی • بیدار اولوب • موجب نوحه • وباعث هیچ ندر دیو سؤال
ایلدکده حمزهٔ شهادت منزلتک مصیبت ومحنتی نوحه لری • وشجاعت ومبارزتی
مدآحلریدر • دیو خبر ویردیلر • اول حضرت خدای معبوددن انلردن خشنود اولسون
دیو بیوردیلر • ای عزیز قره اشارفصهٔ کربلایی ملاحظه ایلک که امام همامک اولاد
واصحابی اول بادیهٔ خونخوارده غریبلر ایدی • واول عالی مقامک احفاد واحبابی
یار وغمکساردن بی نصیبلر ایدی قطعه هر شب بر وذرسینهٔ ارام غریب • وز
بادهٔ غم تلخ شود کام غریب • کوینده که از مرک بتر نیست غمی • شک نیست که ازان بتر
بود شام غریب نثر اول واددیده کسنه یوغ ایدیکه • انلر ایچون مانند ابر
کریه قلیدی • ویاخود مثال برق یانوب یاقلیدی • لاجرم آسمان انلر ایچون کریه
قلدی دیرلر تاریخ طبریده کتورمشلرکه محمد بن سیرین علیه الرحمة الملك المعين بیوردی
که • امام حسین قتل اولمزدن اول حمرهٔ شفق یوغ ایدی • بعد از قتل امام ظهور
بولدی بو بابده دنلمشدر بیت ای سرخی شفق که برین چرخ بیوفاست •
هر شام عکس خون شهیدان کربلاست نثر وشواهد بو مضمونه شاهدر که دلیلدر
عبد الملك مروان عمرو زهریدن استفسار اتدیکه • امام حسین شهید اولدوغی
کونده بیت المقدسده اولان اججارک احوالی نیجه اولمشدی • وبدایع وقایعدن
نه ظهوره کلمشدی • زهری ایتدیکه • بو بابده واقع اولان اثار حکمت شعار
تنویر شعاع شارقدن اشهر • وتباشیر صبح صادقدن اظهردر القصه مسجد اقصی
حوالیسنده اولان هر صخره حجر • وسنک خارا التنده مثال لاله سیراب • ومانند لعل
مذاب خون تازه بولونوردی • ودای العیبی بو حالی مشاهده اولنوردی • افاضل
علمانک • واماثل فضلانک برندن منقولدرکه • اول دمده آسمان کبود باامر خالق
الودود خونبار اولدی • وجن وهاتف مرثیه خوان اولوب کریان وزار اولدی
واول لطافتده فلک مجرددن • وخاشاک ومدردن • هر نقشی که رفع اتدیلر التنده
خون بولنوب • وچرخ بوقلمون نیجه کون رنک خون بغلدی • کویا بو مصیبت جکر دوز •

وبو تعزیت عالم سوز ایچون عیون ملائک وسکان سبع ارایکقان اعلاینی زیان بن شبیث دن **حکایت** اولنورکه سلطان علی بن موسی رضا علیه التحیة والثنا الکادیکش که یا ابن شبیث شول زمانکه کربلا اعدای بد انجام حسام انتقامی غلاف خلافدن واشقیای نافرجام تیغ اختصامی نیام اعتسافدن بیرون قلدی محیط افلاکدن مرکز خاکه دورت بیک ملایکه نزول ایدیکه معاون اعوان امام ودمقابل دشمن بدکام اولوب ساحت کارزارده هر بر نیک کارن زار وجان وجهاندن بیزار ایدهلر حضرت امام دستور ویرمدی اول تاریخدن الی غایت الادوار ونهایت الاعصار تربت جنت رتبتنده وملافی ریاض فسحتنده قرار اتسه ارکیدر اول واقعهٔ شنیع واول حادثهٔ کبرا ایچون موی ژولیده ودروی گرد آلوده بله دیده غم دیده لری اشکبار اتسه لر کرکدر **غزل** اندرین ماتم ملایک دم بدم بگریسته جن وانس وسفلی وعلوی بهم بگریسته کرسی ازجا رفته وسدره درافتاده زپا عرش نالان گشته ولوح وقلم بگریسته مهر عالم تاب از سوز جگر نالیده زار چرخ گردون هر زمان با درد وغم بگریسته زین عزا بهر رضای خواجه درگه مقام نالکرده زمزم وبیت الحرم بگریسته حور عین بهر رضای فاطمه درباغ خلد برشهید کربلا با صد الم بگریسته **ناقلان آثار فصاحت** بو اسلوب اوزره تحریر وراویان حکایات هر چه بو یلده تقریر ایدرلرکه خاندان رسول مجتبی ودودمان انبیادن سعادت شهادت ایله مستسعد وقلادهٔ مغفرت ایله متقلد اولنلرک ثالثی جعفر بن طالب در بدایت بعثت حضرت رسالتده بعض صحابه ایله جانب حبشه یه روان اولمشدی ولایت مرقومک حاکمی اولان نجاشی بی تحاشی الک النده مسلمان اولمشدی اول دیاردن عزیمت ایدب تلعهٔ خیبر فتح اولندوغی کون خدمت حضرته وصول بولدی رؤیت جمال جمیلندن اول جنابه بشاشت کلی حاصل اولدی بیوردیکه بواوج

موجبت موفور السرور وعطیت مستوجب الحبورک هر بریکه مایهٔ افراح وپیرایهٔ انشراحدر بلمزم تنفسده زیاده مسرورم که بری قدوم جعفر بری تسخیر قلعهٔ خیبر وبری تولد بشیر وشبیردر اول معدن کمالات وفضایلک واول منبع حسن خصایلک انار عنایت الهی جبین حالنده واضح وانوار سعادت نامتناهی جبهٔ احوالنده لایح اولوب اخلاق پسندیده وسجایای حمیده ایله معروف وشکل حسن وفعل مستحسن برله موصوف ایدی اول حضرت الک حقنده اشبهت خلقی وخلقی دیو بیوردی **بیت** خوشش بهره اولوب شاهتدن بکزردی رسوله هر جهتدن اگر علو مناقبی بو تعریفلدن معلوم وسمو مراتبی بو توصیفلدن مفهومدر هجرت نبوینک سکزنجی یللندن شر خیل عثمانی که عصیانی ظاهر اولوب واول زمرهٔ بدکردارک طغیانی ظاهر اولمغین سر خیل انبیا جنود ظفر ورود ارسال ایلدکده جعفر دخی بیله روانه اولمشدی عساکر نصرت مآثر ایله ولایت شامده سلقانام موضعده موته دیمکله مشهور اولان محله وصول بولمشلر ایدی لشکر کفتار عسکر ابرار ایله ملاقات اولدقده زمرهٔ احرار اوچ بیک انفار وشرزمهٔ اشرار یوز بیک مقدار ایدی سوار وپیاده بلکه دخی زیاده ایدی لکن مبارزان معرکهٔ جهاد ودلاوران پاک نهاد وپاکیزه اعتقاد کثرت عدد وجانن ووفرت خصم لئام اندن بی باک اولوب پای ثباتی رکاب وقاره بصوب عنان اختیاری دست مشیت پروردکاره ویرب مغفر شجاعتی برسر وجوشن مبارزتی دربر قلدیلر **بیت** دردست ما چونیست عنان ارادتی بگذاشتیم تا کرم او چه میکند **نثر** شمشیر کبی قاتنده جوهری اولان پولاد نهاد دلاورلر یر یر بجلدیلر رزم ابهار کبی کلزار کارزارده آچلدیلر برجنک سهمناک وبرقتال عظیم الانتهاک اولدیکه مثلن نه دیدهٔ تیز معاینه المش ونه کوش سپهر اشتمش ایدی صفیر مرغان تیر پران ونعرهٔ دلاوران ومبارزاندن دریاده نهنگک زهره سی چاک ومحراده پلنگک مقامی مغاک هلاک اولمشدی اتفاقا اثنای جنک وجدال ومحل حرب وقتالده علمدار عسکر اسلام زید بن حارثه تیر انداز قضادن زخم ایدب راحلهٔ شهادت ایله سر منزل آخرته کتدی علم

عزیمتی خطۀ عقباده نصب ایتدی • جعفر فرخنده مخفرک طینت شریفنده شجاعت • ومهابت سرشته • وصحیفۀ حالنده صلابت وجراءت نبشته اولمغین • اول شهسوار ساحت جلادت علم عالم گیری النه الدی • میدان هیجاده ذات صالدی • هر پهلوان کم صوب اعدادن برق خاطف وار جقردی • صاعقه کردار تیغ آتش بار ایله مقابل اولوب خرمن جاننه اود دوشردی قطعه
شوکم قرشو وارب ایده ستیزه • ایلردی تیغ قهری ریزه ریزه •
فلاصی ولمزدی دستندن مکرم • عنان همتی دونه گریزه • نظم
ناگاه مصاف ده پنجۀ تسلط ایله اول ایم بسار دیم شمک دست یمینی منقطع دوشوردیلر • رایت نصرت آیتی دست یساره الدی • نهنگ مردم ربا کبی لجۀ کارزاره طالدی • ارباب ضلال واصحاب شمالدن • بربد خصال واسطه سیله دست یسارنه دخی دست برد روزکار جانی دن حرز ایروب علمی بازوی شجاعت ایله زیر بغل ایدوب محکم دوتدی • برکبر بدآیین علی الغفله کلوب حرب شمشیر ایله شهید اتدی وصحاح اخبارده مرویدر که • سید انبیا احوال اهل موتایه مطلع اولمغیجون • حضرت حق زمینی مرفوع اتدی • اول حضرت معرکۀ محاربه کوروب زید بن حارثه نک • وجعفرک صورت شهادتلرن اصحابه خبر ویردی • بیوردیکه جعفرک حضرت عزت مقامی جنت ایدوب قطع اولان ایکی الینک بدلی یاقوت احمردن ایکی بال وپر ویردی • انکله اوچمقده طیران ایلر • هر نه جایکاهی مراد ایدرسه سیران ایلر منقولدر که حضرت رسول بیوردیکه جعفری جنتده کوردم • مرغان اولی اجنحه ایله دمساز • وجوق ملایکه ایله هم پرواز ایدی • علی مرتضی نک بو بیتیندن دخی مفهوم مدر شعر
وجعفر الذی یضحی ویمسی • یطیر مع الملائکة ابن امی نظم
قصص متعدده ده مرقوم • وصحایف صحت اثرده مرسوم در که جعفرک جسم اللی یرده زخم لی رحم ایرمیجه اتندن جدا اولدی • واعدای بدرای قتل وهلاکنه دست رس بولدی • مشار الیهک مهابت وسطوتندن قلوب کفاره برد جمله رعب ودهشت وخوف وخشیت مستولی دلمش ایدی که • میتنک دایره سنه اوغرمزلردی • اول سببدن مرجبارک قطع اولنمق میسر اولدی • لکن کفار رعاکسارون برفرقه بلکه دار جملۀ حمله

ایدوب نوک نیزه برله بدن پاکیزه سن یردن کوتوردیلر • بو محلده خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی مدینۀ منوره ده منبر فلک پایه یه عروج ایتمش ایکن • رفع حجاب ودفع نقاب اولوب معرکۀ من هاره ایلیوب جعفری مانند خورشید رخشان نیزه لر اوزرنده کوردکده • وجه پر انوارین اسمانه • وقلب خورشید التماعن • درگاه خالق کون ومکانه دوتوب ای دافع بلیات • وی ذو العرش رفیع الدرجات • بنم عم زاده می اعدا جیاننده رسوا اتمه دیو تضرع ایلکین • حضرت ذو الجلال ایکی پر وبال ویردی • نوک ارماح کفاردن اوجوب روضۀ رضوانی مکان • وفردوس جنانی اشیان قلدی • اول جلدن اهالی دار دیار الکا طیار دیرلردی • اصحاب رسول جعفرک اولادنه ملاقات اولدقجه السلام علیک یا ابن ذو الجناحین دیو تعظیم ایدرلردی خاتم انبیا حال جعفره واقف اولدقدن صکره • خانه سنه واروب اسما بنت عمیسی که مرحومک زوجه سیدر طلب ایدوب جعفرک اولادین احضار ایتدروب قلب انوری وتکین الکشتری کبی بغرنه بصوب • روی نکوبلرین شفقت وشفقت • وکیسوی عنبر بویلرین مشام مرحمت برله اوپوب قوقولرکن بلا اختیار دیدۀ سعادت دیده سی اشکبار اولدی • اسما خاتون بو حالی مشاهده ایدوب بو حزن وملال ایله واقع اولان تملق • جعفرک وفاتی امری مؤید • دخی دالانفعال برله صدور بولن تعلق • الک معانی حکمنی موکد دردیو • ملاحظه ایدوب ایتدیکه • ای شفیع امت وشفیق ملت • بو نه حالتدر که معاینه اولنور • یوقسه جعفرک طایر روحی قفس تندن مطار اتدی • وارواح شهدا ایله کلشن جنانه می کتدی • اول حضرت ایتدیکم حکم لم یزلی وامر ازلی برله ملکت شهادته سردار اولدی • مطلع سعادته ایروب کنج بی رنج کامرانی بولدی • اسما بو خبر مصیبت اثری که اصغا ایتدی • حما اندم روی حالنه کف ماتم اوروب مانند بحر پر جوش • ومثال بر سیه پوش اولوب • ناله عالمگیری فلکه ایتره وآه اتش تاثیری کرۀ زمهریره ایرکوریکین • نسوان جیران جمع اولوب آه مصیبت ساز وناله جانگداز ایله گریه یه اغاز اتدیلر • حضرت رسالت انلره تسلی ویروب وقوع واقعه ایامنده صبر وقرار سرمایۀ بازار سعادت • وحدوث حادثه هنگامنده تحمل واصطبار پیرایۀ

چهرهٔ دین و دولت دردیو جوق نفحت ایندی • وقالقوب خانهٔ مجز آشیانه سنه کتدی
اول هلال سپهر نبوت • ونهال کلشن رسالت •
اوغلی ابراهیمک دار دنیادن دیار بقایه • وسرای جهاندن نعیم عقبایه نقل وارتحالی
وفوت وانتقالی در مدینه واجب الاحترامده عام هجرت نبویه
نک ثامننده ماریه نام جاریهٔ قبطیه‌دن متولد اولمش ایدی • اول مولود مسعودک
خطهٔ وجوده قدومی نویدن اشارت • واول پسر خجسته پیکرک عالم شهوده ورودی
خبرین بشارت ایجون • رافع جریدهٔ سلوت یعنی ابو رافع پرحمت الاف سرور واصناف
حبور ایله حضور حضرته ایردی • وایدیکه ای حضرت وهاب شکور • یهب لمن یشاء اناثا
ویهب لمن یشاء الذکور • خزانه سندن بر در کرانمایه • یعنی فرزند خورشید پایه انعام
ایلدی بیت بر بویله قمر طالع فرخنده لقایی • نه پرفلک کوردی ونه مادر ایام •
اول حضرت بو عطیهٔ بهیه‌نک حصولندن • وهاب قدیم الاحسان عظیم الامتنانه شکر
بی پایان • و بو بخشایش سنیه‌نک وصولندن • خالق انس وجانه حمد فراوان ایدب اول
مبشر فرخنده فاله • واول مخبر خجسته مقاله بو شادمانی مقابله‌سنده بر قول ترکانی ویردی
بایهٔ قدرین فرق فرقدانه ایرکوردی • واول فرزند ارجمنده • بردایهٔ سعادتمانه
تعیین ایدب ذات شریفن ابراهیم نامی ایله مسمی قلدی • تهنیهٔ مولود ایجون جبریل امین
ورود وارد اولوب السلام علیک یا ابا ابراهیم دیوب مراسم تهنیتی • ولوازم ولادتی
بالتمام مؤدی قلدی • بو کنیت ایله کنی • و بو اسم ایله مسمی اولدقلرینه نشاط موفور وانبساط
محصور ایتدیلر • برنجی ییل صاغ اولدی • هنوز نهال قدی رفتاره • وطوطی زبانی کفتاره
کلمامشدی • وعقد ثریا ذره‌ده پنهان اولمامشدی • یعنی صدف دهانی در ناب ایله
دولمامشدی • دایهٔ اجل مهد حیاتدن لحد حمایته صالدی • بو غمدن دیدهٔ حقایق بین
سید المرسلین • در افشان • وخاطر شریفی محزون وپریشان اولدی بیت اوسلسلکی
نولدانه دانه • نظردن کتدی اول در یکانه عبد الرحمن بن عوف که عشرهٔ مبشره دندر
اول حضرتدن سؤال ایدب دیدیکه میت اوزره کریان اولمقدن بزی منع ایدرسن

حضرتکز نیچون کریه ایدرسز • بو طلسمک فتحنه همت • وبو معمانک کشفنه عنایت ایلک اندیکه
ای ابن عوف بنم نهی ایتدکم مردان وزنان سینه زنان وجامه دران • وموی کنان
وموی کنان صیحه قلمقدر • بو قسم چشم شفقتدن سرشک نثار • ودیدهٔ مرحمتدن اشکبار
اولمغلک کنه کار اولمز اندن صکره بیوردیکه • ای ابراهیم زمان آجال کبیر وصغیر • وهدت
اعمار امیر وفقیر مرقوم دبیر وتقدیر اولدوغی مبین • ومدت قریبه‌ده وار سکا لحق اولمق
معیندر • بو قسه بوندن افزون غمناک • وحتا لم وجکر خون اولوردم ودخی • العین تدمع
والقلب یحزن ولا نقول الا ما یرضی ربنا وانا بفراقک یا ابراهیم لمحزون • و بو سوز دیلر
نا الحقیقه کشتی جکر کوشه سی فراقندن نیجه تمکین اولیه • وسرو سینه سی حسرتندن نیجه ملول فرق
اولیه که آدمک فرزند دلبندی • دل وجانک برکاله سیدر • واولاد ارجمندی باغ جنانک
غنچه وللاله سیدر بیت اول قرجان ودل برکاله سیدر • بو کلزارک کلی ولالاله سیدر •
شواهد النبوة مسطور وکتب سایره‌ده مزبوردرکه برکون رسول عالم • وشفیع
بنی آدم • حسین وابراهیمی زانوی یمین ویسارنه الوب هر برینک روی دلاراو رخسار
بهجت افزالرینه نظر شفقت • وعین مرحمت ایله سیر وتماشا ایدرکن جبرئیل نزول ایتدی
وایتدی امر خالق منان • وحکم رازق انس وجان بودرکه • بو ایکی نعمان جود • ودر
اسمان وجود • درج خانکده جمع • وکاشانه کردبی اشیانکده شمع اولمیه ایکسندن برینک
کل حیاتی تندباد سطوت ربانی ایله پژمرده • وشمع ثباتی صرصر غیرت صمدانی بر امرده
اولمسی مقرردر • امدی بو بابده تامل تمام بیوره سز • هر قنغیسنک انتقالنه راضی اولور
سکز جزو بره سز • اول حضرت تامل ایتدی • وایتدی شویله که حسین وفات ایده غم افزا
بنم جانمه کارز • والم اشتیاقی علی مرتضی زار زار ایدر • ووالده سی فاطمه محزون وبرادری
حسنی جکر خون ایدر • اما اگر ابراهیم ارتحال ایدرسه غموم فرقتی تنها بنم ضمیریمه تاثیر
ایدر • وهموم مصیبتی الحق بنم خاطریمه یتر ایدر • امدی انلر ملول اولمقدن بن ملول اولمق
یکدر • دیو ابراهیمی تعیین ایتدی • اوچ کوندن صکره ابراهیم وفات ایدب روضهٔ
رضوانه کتدی • اندن صکره امام حسین هر چند حضور حضرته وارسه اوپوب مرحبا

شول پسر فرخنده لقایه که بولنه جان شیریندن لذیذ • وعمر گزیندن عزیز • فرزند سعادت
مندم ابراهیم فدا ایلدم دیرلردی • وهر زمانده نهایت مرتبه ده تعظیم وتکریم ایدر
لردی • اول حضرت یاننده بوقدر قدر ومنزلتی اولان اهل سعادته بو وجهله امانت
وبو دکلو عزت ورتبتی اولان صاحب دولته بو یوزدن اساءت ایلمک دایرهٔ رشد وسداددن
دور • وسرحد صلاح ورشاددن بعید ومهجوردر • کتاب فضیلت
ارتسامدهٔ قلم بیان ایله مرقوم • ورقم عیان ایله مرسوم درکه برکون امام حسین • رسول
ثقلین • یاننده ایکن • سعادت خانه لرنده روانه اولمق داعیه سی ضمیر جهان سیرینه بول
بولدی • لکن کثرت باران مانع اولمغین محزون وملول اولدی • حضرت خیر البشرک سبب
ملالی معلومی وباعث انفعال مفهومی اولوب • فی الحال دعا ایدوب • باران بی کرانه پایان
وانجام بولدردی • واول سرو خوش خرامی سرور • وشادکام خانهٔ ملالک آشیانه سنه کوندردی
قطرات باران رحمت رحمی اموات نبات جان بخش وفیض رسان ایکن ادعیهٔ
مستجابه برلا ثانی دفع ایتدی • واول واسطه ایله ضمیر مرآت نظیرنده اولان کرد کدری رفع
ایتدی • امت معالی شکاهه موافق • وجویندهٔ شفاعت رسالت پناهه لایق ومبارک
اول کریم ابن الکرامک • واول رفیع الشان عالی مقامک • ادستنه تیر بارانی ایدوب
سنز ومقامن تیر فاکی کردار فاک ایده لر • وسیف حیفله کریبان حیاتن شقه علم مثال
چاک چاک ایلیه لر بیت کل برک سینه سن نه روا درکه فاک تیر • مانند غنچه ایده چاکای دریغ
خواطر زاکیهٔ عقلای عالمه روشن • وضمایر صافیهٔ فضلای بنی آدمه مبین درکه ادیمانک
لباس حیاتی مستعار • واساس عمری ناپایداردر • ساحت ربع مسکون منهل فراغ
ومحدود حدود وفلک نیلکون منزل وداع در بیت غزه اولمه کی حقیقی عشرت سرای
عالمه • هر کلس کمکده در بو برمسافرخانه در نظم نخادع عزوردر مراتع سرور دکل قنطرهٔ
عبوردر • منظرهٔ حبوردکل • بساط وبسیط جهان دامکان فنادر • نه آرامکاه بقا بیت
مزرع دنیاده هم بر دانه نک بیکه امی داد • فورتولور دام بلادن کیم که کچدی دانه دن

ومخاوف فراردر • موافق قرار دکل • اول سببدن خلق جهان نالان وکریاندر •
قطعه کذرکاه جهان طولو خطردر • انکچون اولورلر کریان ونالان • اکر جای مرور
اولسه ابدی همواره • ندن آب روان ایدردی افغان نثر والواقع کلزار جهانک کل بی خاره
وخمخانهٔ دورانک ملی قرین خمار دربیت قانی بر کل کانک اولمایه خاری • شراب نابک
اولمزمی خماری نثر عشرت بی حسرت وجود بولمز • وفرح بی ترح میسر اولمز • قریبتی کربت
ایله همدم • ومسرتی مضرت برله توام نوش لطفی نیش قهر • اثر تریاکی حزر زهردر مثنوی
جهان دولتلرینک قهری واردر • صوکنده کاسه کاسه زهری واردر • شب تاریکی
واردر هم نهارک • خزان اولور صوکنده نو بهارک • اولور هم غنچه نک خار جفاسی چراغ
لاله نک باد فناسی • نه یرده کنج اولا ثعبانی واردر • متاع وصلتک هجرانی واردر نثر
سبزه زار جهانده فنق سرو سرکش سرافراز اولدی که سرو شاخی سطوت تند باد فنا
ایله انقطاع بولدی • وبو حدایق دوراننده نچه نهال نوخاسته پاشر چکوب احیانه
بولدیکه صولت صرصر حدثان برله بن وبیخی برکنده اولدی بیت نه بر سرو چمن
کوردم نه شمشاد • که آسیب تبردن اولا آزاد نثر ساحت جهان مطرح نوایب
ومعرضهٔ دوران مسرح مصایبدر • هر مخلوقک فناسی قبیل واجباتدن • وهر موجودک
بقاسی اقسام ممتنعاتدندر • هر که بیدای قدمدن • فضای وجوده • وصحرای عدمدن •
فنای شهوده نزول ایده کام وناکام رباط فوت دفنادن مرور اتمک لازمدر •
وهر که رحت امان وامانی بس کشور زندکانی یه کتوره • متاع جانن وکالا روانن
بالضروره خواجهٔ اجله بیع ایتمک متحتمدر مثنوی کس امان نیست درین خاکدان •
مغز وفا نیست درین استخوان • انچه برین مایدهٔ خرمیست • کاسهٔ آلوده دیک
تهیست • هر که ازو خرده دانش بدوخت • دانکه از وکفت زبانش بسوخت •
هر که منادیان کارکاه قضا کل مخلوق سیموت • نداسن کوش عالیانه وهر جمع
اعیان بارکاه قدر کل مرزوق سیفوت • صداسن صماخ آدمیانه ایصال وانها
ایدرلر • یعنی هر آفریده مدت قریبده فوت اوله کرکدر • وهر روزی خورنده زمان

نتیجه

یتیر نده فنا بولسه کرک **بیت** ترکسک آچ خواب غفلتدن کوزک که عمرک جوق کچدی کوزیو موت
آچیجه دور کل کبی برباد اولور **نظم** زنهار درنهار ایام زنده کانی یه مسرور اولمه
کوهر کسک ارتحالی انتقال ظل زایل کبی معاین وهنکام کامرانی یه مغرور اولمه که هر
کمالک زوالی کون کبی روشندر **بیت** نصف النهار اولوب کنشل ایرسه کماله
اولدم توجه ایلیه صوب زواله **نظم** بو خراب اباد جهانده برشه نشین فلک تمکین
بنیاد اولمادیکه کتبه بابنده وابنوا للخراب مضمونی مرسوم اولمیه وبو عالم کون
وفساده هیچ بر مولود تنکنای رحمدن واماندن قابله وجوده نزول ایتمدیکه لیدوا
للموت مکنونی ناصیه حالنده مرقوم اولمیه هیچ برکلبل مهلت میسر میدرکه لقد تقطع
بینکم آیتی تفسیر وهیچ برالجمن وجمعیت متصور میدرکه هذا فراق بینی وبینک
مضمونی تقریر اولنمیه خط فحوای کل شیء هالک جبهه حال غنی وفقیرده مرقومدر ونقش
ومعانی کل من علیها فان صحیفه حال صغیر وکبیرده مرسومدر **بیت** تعدی برکل کانک
باننده خاری اولمیه ایرمدی بر لاله کم بغرنده داغی اولمیه **نظم** خاقان وامیر سلطان
ووزیر قوی وضعیف وضیع وشریف مست وهشیار خفته وبیدار عالم وجاهل
ناقص وکامل فاسق وزاهد کاهل وجاهد کلیا قبضه بلادده وجنکال عناده برابر
بیت اکر میر واکر شاه جهاندر اجل سرپنجه سندن ناتواندر **قطعه** آن کیست که
دل نهاد فارغ بنشست پنداشت که مهلتی وتاخیر هست کو خیمه مزن که میخ باید کند
کو بار منه که رخت می باید بست **نظم** اکر دنیاده حیات ابدی میسر وثبات سرمدی
متصور اولیدی انبیا ورسل مقرر اولوردیکه هر بری هادی مسالک سبل هدایت
ورهنمای طرق حق وحقیقتدر اکر سلطان صاحب قران اجل وفرمان فرمای بارکاه
ازل بر فرده مهلت ویرمده رخصت ویرمک جایز اولیدی سید انبیا وسند اصفیا
حضرت محمد مصطفی رخصت وامان بولیدیکه منشور کرامت بی غایت طغرای غرای
ایله معنون ونشان عالیشان مناقب بی نهایتی انک
میت فانهم میتون برله موشح ومزیندر **بیت** مؤبد قالمدی چون کم محمد

کم اوله قالدی دنیاده مخلد خدای جان آفرین وطرازنده کارکاه زمان وزمین بو حت
معالی همتک تسلیتی ودنیا کذارنده توهم بقانک دفعی ایچون رقم فوقانی صحیفه شریفه
حیات مفخر کاینات ایچون وماجعلنا لبشر من قبلک الخلد خطابن کوش ایلردی دائم
ماضیه وانبیا واذکیای سالفه وسابقه یه افان مت فهم الخالدون مضمونی
قل یتوفاکم ملک الموت مکنونن اشتدردی اندی ارباب مصایب واصحاب نوایب
واقعه هایله انتقال سید المرسلین وحادثه نازله ارتحال خاتم النبیین تامل تام
وملاحظه تمام ایله نظر اتمک مهم ولازم بل اهم واجبدر تاکم جناب شفقت دیده لرینه
صبر وتحمل قرین وجان محنت کشیده لرینه اطمینان وتسلی همنشین اوله **قطعه** اندیشه
زمرک مصطفا باید کرد شادی وطرب جمله رها باید کرد چون سید هر دو کون جاوید
نماند ماراطمع خام چرا باید کرد **القصه** هجرت نبویه نک عام سعادت انجام
عاشرنده مفخر انبیا حجة الوداع اداایلدیکی روز عرفه ساحت عرفاتده بو آیت رحلت
غایت نازل اولدیکه الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی آیت مرقومه نک مضمون
سعادت مقرون ننده مفخر آدم بو عالم پرالمدن روضه دار السلام وصاله انتقال و
بوستان قرب حضرت ذو الجلال اتصالنه ایچین استشمام اتدی وخطبه سعادت
آیت قرائتنه اغاز ایدب ایتدی ای اصحاب خرد آیین وای احباب عزلت کزین منالک
تجی نبدن تعلیم الوب صحیفه ضمیر کرده خامه محافظت برله تحریر ایلک شاید بو سال فرخ
فالدن صکره انکال اجتماع خانه مقارنتده کورنمک میسر اولمیه وتمثال هواصلت مرآت
جمعیت ده چهره نما اولمق مقدر اولمیه داکر قیامتده استفسار اولنسه که محمد مصطفی صلی
الله علیه وسلم سزکل نیجه زندکانی ایتدی ونه یوزدن معامله ایلدی جوابکز ندر سیتمع اولان
اصحاب دوی الاداب درج دهانک مهرین وکنجینه بیانک قفلن کتورب شویلکه شرایط
تبلیغ رسالت واداء امانت واولکه لوازم ارشاد ونصیحت در بالتمام علی وفق
المرام ادا ایتدی دیو شهادت ایدرز دیدیلر حضرت خیر البشر بنان شهادتین صوب
آسمانه دوتدی اللهم اشهد اللهم اشهد دیو بیوردیلر مراسم حج وزیارت

انجام ونهایت بولدقدن صکره مدینهٔ منوره کیدرکن نواحی جحفه ده منزل غدیر خمّ
مقدم خجسته شیم لرینه مشرف ونختنم وزول سعادت موصول لرینه متیمّن وتخییم واقع
اولدقده احبابه خطاب ایدب النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم دیو بیوردیلر اینلرکیم
کندو نفسمزدن اولامز زیرا رسول خدا دیدر قهٔ منهاج هدا سن وبیوردیکه من کنت
مولاه فعلی مولاه یعنی بن هر کیمک مولاسی ایسم علی دخی انک مولاسیدر وعلی عالی قدر
حقنده اللهم وال من والاه وعاد من عاداه واخذل من خذله وانصر من نصره
والحق معه حیث کان دیو بیش نوعه دعا ایتدیلر قطعه سعادتا هلیدر اولکم ایدینه
باشنه تاج تمامیله باب جوانمرد وال من والاه عداوت ایله اکا عدو اولانلا اورر
جو تیغ بنی نقم عاد من عاداه مر بو خبر معتبردن معلوم ولبو کلام صحت اثردن مفهوم
درکه شهسوار مملکت هل اتی وسپهسالار ولایت لافتی یعنی علی مرتضی نه حیم جانلری
ودرون جاندن میل ومحبت ودرضی مودت حرمتن ومودة اهم مهماتدن بل جلهٔ
واجباتدندر قطعه هر کراهست با علی کینه درسعن حاجت درازی نیست نیست
دردستش آستینی بدر وامن عاشی درنهانی نیست نز منزل مزبورده اخبار انتقالدن
احبابی خبردار ایتدی وزبان سریع البیان ایله ایتدی بنی عالم بقایه دعوت ایتدیلر
بن دخی اجابت کنان ولیک زمان مدت قریبه ده روان اولسم کرک یعنی بو کلبهٔ
بلیتدن مأمن راحته وبو خارستان اذیتدن کلشن عزته وصول بولسم کرک زیرا
خداوند تاج وتخت تخت زمینه دصول وهر صاحب عز وجاه چاه قبره دخول ایتمک
مقرردر هر ذهابک برایابی لازم وهر مجادرنک برمسافرتی محتم دربیت کومی نهد
قدم اندر سرای کون وفساد که بازروی براه عدم نمی آرد نز امدی احباب سعادت
قرین وای احبای هدایت کزین سزه ایکی امر عظیم وخطب جسیم وصیت ایدرم که
بری کلام قدیم واجب التعظیم وبری اهل بیت لاذب الکریم در زنهار زنهار
بو ایکی امرک رعایتی وحفظ وحمایتی بابنده اغماض وتغافل واهمال وتکاسل
ایتمیه سزکه سزک کنار حوض کوثرده بکا اتصالکزه انلر باعث اولوب باغ نهادکز

نصف

سیراب وکلشن فوادکز شاداب اولسه کرک حقیقت کوثرینک جرعه نوش لرندن ود
حداقت خزینه سنک بیربیان پوشلرندن بری ایدرکه اول حضرت بو امتک حوض
کوثردن سیراب وسعادت شفاعتلریله کامیاب اولجقلرین دعلهٔ قلمش ایکن امتدن
بعضی اولاد رسولی ضربت خنجر تیزیله خاک وجکرکوشهٔ بتولی تشنه وکرسنه شربت زهر ایله
هلاک ایلدی نه قاعدهٔ مروته موافق ونه آیین شریعته مطابقدر قطعه ای بجای تو من
وفاکرده تو بمکافات آن جفاکرده بوده بیگانهٔ ترا با حق به نصیحت من آشناکرده
من ترا چون بحشر تشنه روی دعلهٔ شربت صفاکرده در مکافات تو حسین مرا
بغم آب مبتلاکرده آن حسینی که جبرئیل امین هرکجا دیده مرحباکرده فاطمه از برای
تربیتش صد بحکاه ثناکرده منقولدرکه بر کون فهرست
جریدهٔ آدم درحلقهٔ سلسلهٔ عالم اول مرد جوینیا دسعادتی یعنی حسین عالی رتبتی
جام وجام صحت اوپدی وقوجادی آفتاب مانند یوزین آسمانه دوتوب اللهم اجری
اللهم انی احبه فاحبه دیو بیوردی یعنی ای رازق کارساز وی خالق بی انباز
بو بر خجسته منظرک نامنی جریدهٔ دوستانه ثبت ایدب الف انبیا کبی سرفراز ایله
وسنی دوست ایدنلرکی آفتاب مانند ممتاز ایله نا الحال پردهٔ غیبدن برآواز محنت
ساز دیکمین لم یبدن برصدای جان کداز ایردیکه ای مرغوب نکان فلکنای مطلوب
انس وملک سنک جکر کوشنک تنور کربلاده نا دغدر ایله بریان اولسه کرک دنور دیدک
مهر صفت مقطوع الرأس سلطان وسرکردان اولسه کرک اما ماتند غنچه تشنه لب ومثال
کل خونین رخسار اولنلر ولاله کبی بغری تیلو ونرالصفت کوزی تیلو کلنلر نیدم دار کا
مغفرت دستکاهم ومحرم جرم رحمت پناهم درز کاشانهٔ مغفرتمک مقربلری وخیمهٔ رحمتمک
عالی مشربلریدر هر ندم کم بیس ایدرلر احبای صادق الوفانک سیف جفا ایله مقطوع
اولان باشلرینه آند ایجرز لاجرم حسینی وبرادری حسنی وپدری علی قتل اولنورلر
سعادت شهادت برله دکا ایچرمکلورلر قطعه آن یکی را ضربت تیغ بلا برفرقسر دان
دیکری را شربت زهر عناد درکار دل دیکری با حلق تشنه خورده تیغ آبدار خاک دشت کربلا

ارخون پاک کشته کل ايام مناده حجة الوداع ده سورهٔ کريمهٔ
اذا جاء نصر الله که نازل اولدي اول حضرت جبرئيله بيورديکه علم غيبي مرکز دار الخوا
نصب ايدب زمرهٔ مصطفين اجاره التحاق واتصال کسب ايتمکه علم کلي حاصل اولدي
جبرئيل ديديکه اي مقتداي صدر نشينان محفل قاب اوابلي والاخرة خير لک من الاولی
دقيقه بو خبري اشتدي امور آخرت مهماتنه کمال جد ايله اشتغال ايلدي وبو کلمات
سعادت سماتي هر بار تکرار ايدر ردي سبحانک اللهم وبحمدک اللهم اغفرلي انک
انت التواب الرحيم غفار الذنوب هر نه دم که عالم عقبايه رحلت خاطره سي خاطر
عاطرنه خطور ايديدي متالم وبيقرار اولوردي وديدهٔ سعادت ديده سي اشکبار
اولوردي ايديلرکه اي رسول منان وي برگزيدهٔ رحمان احوال بوتدن واهوال
خوفدن سزه نه غلاميسز خصوصا حضرت خلاق نفع وضرکم ليغفر لک الله ما تقدم من
ذنبک وما تاخر ماضي ومستقبل نوبکردن کذر ايتمشدر بيورديکه نغول ورد معلوک که
وعدهٔ عمري نهايت بولب مماتنه عارف وبلي شايبه وفاتنه واقف اولدينجون خاطر
فاتري ملول ومحزون وديدهٔ غم ديده سي پرخون اولمه علي الخصوص مرقد طار لغونده لحد
تارلغونده يادايلر بو اختياري ايراده مدن مراد امته تنبيه وتأکيد ومباني تعينلري
تمهيددر بو قصه سيدکائنات بو خطرات دن ايمن وسند مخلوقاتدن مطمئن درسته
عالم سورهٔ فتحک فحواي مکنونندن وآيت اليوم اکملت لکم دينکم مضمونندن روضهٔ
دار السلامه خرام ايدجکي معلومي اولوب دم رحلتدن برآي مقدم اعزهٔ اصحابدن
واجلهٔ احبابدن هر قنقي سنه که نظر ايديدي مفارقت ومباعدتن ياد ايدب کمال
مرحمت وشفقتدن کريان اولوردي قطرات عبرات چشمهٔ چشمندن روان
اولوردي قطعه وداع يار دديارم کوکلم ايده خيال ضار زلم ايدر انکم اوزعله
مالامال مبان آتشه کيروب قرار دوتغ اولور ولکن آتش هجران الجنده جبر محال
ايديلرکه اي مهتر عالم واي بهتر بني آدم مقام قدسه وصولي زماني معين ومنزل
انسه نزولکه اوانی مبين ميدر بيورديکه ايام رحلت وهنگام مسافرت قريب

قريب اولمشدر ايديلرکه سزي کيم غسل ايدر وينه اصل جامه ايله کفنلر ونمازکزي کيم قلور
بيورديکه اهل بيتدن هر قنقسي يکا اقرب ايسه انلر يويوب وجامه لردن برين تکفين
ايدب تابوته قويه لر وبو مسکنده احضار مدفن ايدب مزارم کنارنده قويه لر اولا
نمازم قلمغه نيت ايدن جبرئيل امين بعده ميکائيل واسرافيل وملک الموت وسکان
اعلاي عليين اولسه کرک انلردن صکره سزلر کلوب کروه کروه نمازم قلسز وسوال
ايديلرکه بدن شريفکز مرقد منيفه کيم انزال ايدر ايديکه اهل بيت طاهرين ايله ملائکهٔ
مقربين اجزاي اصليه يه ايصال ايدر پس اول حضرت آيا نقد انفاس معدوده ده نه ديلده
آزاوله ديو منتظر صدا ايکن اولا اول حضرته صداع عارض اولوب باد مخالف عارضه دن
کلزار عارضي تغيير بولدي سرهمايونن محکم بند ايتدي وفور حرارتدن سمنزار رخسار
کل کل اولدي اتفاقا اولکون زوجات سيد کائنات ميانه نده متداول اولان عادت
فرضيه وقاعدهٔ مرضيه ونقيخ قرعهٔ قربت ونوبت مقارنت ميمونهٔ فرخ فال قالنه
دوشمش ايدي زوجات مطهرات عارضهٔ رسولي بلديلر جملسي خانهٔ ميمونه يه کلديلر
چون اول حضرتک علامات ضعف وسستي دمبدم صورت جمالنده اشکار وامارات
ناتواني ساعت بساعت بشرهٔ حالنده بديدار اولمغه بوزدوتدي فاطمهٔ عفت آيين
امهات مؤمنينه يه خطاب ايدب سيد المرسلين بو حال ايله فردا فردا خانکزه وارمق
متعذر دکاه ويکاه بي تاب وتوان کاشانه کوزه تشريف بيورمق متعسر درجمله
کوز بو منزلده ساکن ومکان واحده متمکن اولق اولي وانسب وصوب صوابه
اقربدر ديدکده خواتين عفت کزين منزل ميمونه ده حجوب حجرهٔ عايشه ده ثريا
صفت جمع اولديلر شبستان خدمت حضرتنه شمع اولديلر اول طبيب خسته دلان
واول شفا ساز مجرمان مکان ميمونه دن آهسته آهسته منزل عايشه يه وارد قلد
برتب شديد الحرقان وبر الم عظيم الهجران مستولي اولديکه کل رخساري برگ خزانه وچهرهٔ
کلناريسي زعفرانه دوندي اسکنه الله نعم الخلود روايت
ايدر برکون لوازم عيادت عبادت نقشي رعايت ايتدم يعني پرسش حال سعادت

نقل وعطيه ... اوده ... کلابک ... ترجيه
لاي ... نامده صادر اولدقده ... ٤٤

مال فخر عالم کتدم • حضرتنک حکم اصمه سی زمانی • و تب بر تابک کمال بحرانی اوانی •
ایدی • ال اوزاتدم جسم شریف مسّ اتدم • دایتدم بو تبک تابی حرّ اعتدالدن بیرون
و بو حمای محرقه نک سوزشنی فیلس حکمتدن افزوندر • بیوردیکه قوللک صرکیدر وکفتارک
مجیدر • زیراکه بکا عارض اولان حمّا سایر ناسه استیلا بولندن متضاعفدر • اما
اجر وثوابی متزاددر • شدّت امراض والآمدن متاثردر • وکثرت اوجاع واسقامدن
متغیر اولمق سبب حصول مثوباتدر • وموجب رفع درجاتدر • وباد عواصفدن برک
خزان • واوراق درختاندن نه وجهله برنران اولور خطایای بیمار دخی اول رسمه
منتثر اولوب سقوط بولور **راوی روایت** ایدر شول حکه مخزن ابرار خسته وبیمار
ایدی • اماکن رحمت طواطیلرنه • واردم کوردمکه برکلیم پشمینه بدن پاکنه لفاف • وتن
تابناکنه لحاف ایتمش • اسب تاب تب • وحرارت قبای پرتعب کوفت وپوستندن پیچوب
مغز استخوانلرینه یتمش • بل واسط جسم شریفلرینه ال دکوردک میسر اولمیوب تعجبا دیدمکه
سبحان الله بو نه حرارت جانکاهدرکه • دل وجانه تاثیر • وجسم سعادتنشانده
بیرا ایتمش • بیوردیکه • انبیای صاحب حزم • وپیغمبران اولی العزم چکدوکی کربت
ومشقت • ومحنت واذیت • هر جفا کشیده نک چکدوکی درد وبلادن ازیددر • وکوردوکی
الم وعنادن اشددر • اکرچه درد وبلالری متزاددر لکن المعونة علی قدر المؤنة
حکمنجه اجرلری متضاعفدر **قطعه** خار غم جانانه کلستاندن یک • خاک قدمی کحل صفا
هامدن یک • هر درد که عشقنده میسر اولدی • اول درد بکا مرهم ودرماندن یک •
حضرت خدا جلّ وعلا اکابر انبیادن بعضیسنی عذاب مجاعت • وبلای قلته کرفتار
ایتدی • وقوت وحکنتلری ساحت حاللرندن • صد مرحله قرار اتدی کثرت ضعف
وهزالدن قامتلری ناله • وقلّت برک ونوالدن جسملری هلاله دوندی • هلال مثال برقرص
الکنورجه بیچه کون کچردی • واکثر ایام صومیلرین آب ایله اچردی • سترجیدنلری برعبای
مرقع • وپوششتنلری برقبای مقطوعه منحصر ایدی • بو وجهله فکر ایلسلرن معاوداید
نفسدن مبرا اولوب محنت وبلادن ودرد وعنادن تحصیل فرح ایدب انالرتر ح

ایدرادی

ایدرادی • نه کم اهل دنیا لاتحصی برله کسب فرح ایدرلر • مقرّبان درکاهه وصادقان
راهه دست دوستدن ایرن زخم زخم صورت مرهم ودوادر • وطریق محبتده مستولی
اولان الم عین عطادر **قطعه** دیرمرهم دردلی دوایه انک • راحت جان مبتلادر
اول • زهر قهرین ایچرسه نولکوکل • درد نه شربت ودوادر اول **روایت ایدرلر**
کرام البرادیکله مکتادر • ایدرکه مرض انتقالده وارب حضرت رسالتی کوردم خاطر
شریفلرین وضمیر منیفلرین صوردم • بیوردیکه ای ام البرایا بنم مرضم ایچون خلق
ظن ایدرلر • باعث حصولی نه ندر دیرلر • ایدم یا رسول الله عوام الناس کظن اغلبی
مرض ذات الجنب دردیرلر • ایدیکه الطاف علیۀ الهیدن دور واعطاف سنیه
نامتناهیدن مهجوردر که محرم خلوت خانۀ لی مع الله • ومحرم کعبۀ درکاه اله • اولان
بندهلرین بو مقوله امراضه محتق • وبونوع اوجاعه لایق کوره زیرا اول مرض سمکیس
همزات الشیاطین دن وجود بولور • انبیای سعادت قرین • واصفیای هدایت رهین
مکر شیطنت ابلیسدن مامونلر • ومعرت کید عزازیلدن مصونلردر • اشبو مرضه سبب
کلی وعلّت جلی بودرکه شول دم که تسخیر قلعۀ خیبر قصدنه جهاد ه کتدم انده بعض
یهودیدن بری هدیه کتوردوک بریان زهر آلوددن اوغلک برابرله تناول ایتدوم
انک اثری درونمده موجود اولوب • اول زماندن بروهزاجمک حالی تجدد اولمدن
خالی دکل ایدی • حالا اوان وداع دنیای بی ثبات • وزمان انقطاع رک حیاتدر •
اول جلدن بو وجهله زحمت ویردی • کویا حکمت علیۀ صمدانی • وقدرت جلیۀ ربانی
بونی اقتضا ایدیکه دم آخرده اول حضرت خوان نعمت شهادتدن دخی بهرۀ مستولی
بوله • ومقامات سنیۀ شهدا ذات سعادت آیات ایله مشرف اوله **القصه**
حضرت رسالت اون درت کون خسته لق بالیننه باش قویوب شکسته لک بسترنده
یاتدی • بو واقعۀ جان سوزدن کشتی اصطبار اهل بیت دریای حزنه باتدی •
ام المؤمنین عائشۀ عصمت قرینهدن منقولدر • ایدرکه هیچ کمسه
کورمدمکه حضرت رسوله فاطمه دن مشابه رک اوله • روش ورفتارده وسکینت ووقارده

وقعود وقیامده وسکون وحرکتده • وبهر نه دم که فاطمهٔ زهرا رسول مجتبایه کلسه
استقبال ایدوب اوپوب مقر شریفلرنده قرار ایتدروب حرمت ایدردی • اول حضرت
موسی الیهک سعادت خانه سن مشرف اتسه اولدخی اسلوب مزبوری مرعی طوتوب
کمال درجه ده عزت ایلردی • خسته لکی دمنده فاطمهٔ زهرانی دعوت ایتدی • اجابت
ایلدکده ترتیب ضوابط تفقد • وتهذیب روابط تعهد • تمهید قواعد معاطفه وتشیید
مبانی ملاطفه رعایت اولندقدن صکره • بتول زهرا رسول خدادن بعض اسرار اصغا ایلکه
فی الحال ابر بهاری کبی کریان اولدی • تکرار نظر لطیف النجوی بعض کلمات اشتدی غنچه صفت
متبسم اولوب کل کبی خندان اولدی • عایشه رضی الله عنها ایدر • فاطمهٔ زهرادن سؤال
ایدوب ایتدم که ای دختر خیر البشر • وی والدهٔ شبیر وشبر • هیچ بر ترح کورمدم که بویله
عجالت الوقت قرین فرح اوله • وهیچ بر حزن معاینه قلمدم که فی الحال سرور وشادمانی
برله اقتران بوله لطفا ایدوب بو خزینه نک جواهر مکنوننی آویزهٔ اذان اذعان
وبو دفینه نک فراید فوایدینی قلادهٔ کردن جان ایله دیدکده • خامهٔ فصاحت ایله
صفحهٔ بیانه تحریر • ولسان تعبیر دلپذیر ایله تقریر ایتدی • وایتدی حضرت پیغمبر دیکه جبرئیل
امین • درس قرآن مبین ایچون • سنین سابقه واعوام سالفه ده بر دفعه نازل اولوردی
بو سنهٔ سنیه ده معارضهٔ قرآن عظیم • ومقابلهٔ کتاب کریم ایچون ایکی کره تشریف بیوردی
احتمالدر که مدت عمر انتها • وعدهٔ اجل انقضا بولمش • وماه حیاتم برج انتقاله تحویل
ایتمک قریب اولمش اوله • بنم کل کبی پنج روزه صحبتم غنیمت • ومحبتم نعمت بلوب امی بلسم
الدن قومیه سن • برکون اوله که مهر منیر وماه مستنیر کبی چراغلر یاقوب ارایوب
بولمیه سن • بو خبر پر فتوردن • هموم موفوره وغموم نامحصوره حددن زیاده • نقش بوقلمون
کبی حالم دکرکون اولدی • نجوم آسا کوزلرم یاشیله طولدی • بنی بو حالده کوروب ایتدیکه
ای نور حدقهٔ جان • وی حور حدیقهٔ جنان • ملول وپریشان حال • ومحزون ومضطرب
البال اوله که • سکا ایکی مژدهٔ تازه • ومسرت بشارت اندازه ویره یم که هر بری
باعث تفریح خاطر • ومورث سرور سرایردر • اول روضهٔ رضوانده سیدهٔ زنان جنان

اولسن

اولسن • ثانیا اهل بیتک جمله سندن اقدم بکا سن وصول بولسن • دیو بشارت
بهجت غایتدن کسب سرور ایدوب • وبو بشارت مسرت نهایتدن تحصیل حبور
ایلیوب فرحان اولدم • القصه اول حضرتک مرض مشتد وزحمتی ممتد اولدی هر نفده
اولان ابارردن تعیین ایلدی • یدی بیر معیندن یدی مشک صو کتوروب اول
وجود پر نوری یودقلرنده نوعا صحت بولوب مسجده عزیمت ایتدی • ادا صلوتدن
صکره منبر شریفه چقوب • خطبهٔ معالی رتبت قرائته اغاز ایتدی • وایتدی انصار معالی
اعتبار اختیار احبابلردن • ووفادار اصحابلرندر شهر ودیارلرینه حصول وصول
میسر ودار قرارلرینه دخول ونزول مقدر اولدقده • قدیم الایامدن اماکن ابا
واجداد • ومساکن اهالی واولادلری اولان منازل مألوفه لرنی اکثارین طیب نفس انشراح
صدرله بزه مسکن وماوی • ومامن وملجا قلوب • یرله مقاسمهٔ دار ودیار • ومساهمهٔ املاک
وعقار ایتمکه بابنده احراز فضیلت ایثار ایله کالشمس فی رابعة النهار اشتهار بولدیلر
ابدی سزدخی حقلرینه تعظیم التکریم ایدوب من کل الوجوه عزت ایده سز وطالحلرینه
دخی جفا وایذا اتمیه سز • حمای حمایتکزده رعایت ایده سز • مکرکه شرع قویم وجادهٔ
مستقیمدن طشره کیده لر • وطریق حقدن عدول ایدوب امور مکروهه یه مباشرت
ایده لر • ومهاجر وانصاری بربرینه سپارش ایلدی • سر جلیس خالق کون ومکانه
اجملدی حضرت ابن عباس علیه رحمة ملک الناس روایت ایدر • برکون مفخر جن وانس
ایام مرضده حجرهٔ طاهره دن خروج ایتدی • منبر عرشی پایه یه عروج ایتدی • وایتدی
ای بلال ندا ایله خاص وعام • واصحاب ذوی الاخلاص حاضر اولسونلر • وسرعت تمامیله
بو مجلسه وصول بولسونلرکه اخر جمعیتم • وصوک نصیحتمدر • بلال فرخنده خصال فرمان
لی مثال رسول ذوالجلاله امتثال ایدوب صلای عام • وندای تام ایتدی جلیل وحقیر غنی
وفقیر مسجد خیر الانامده جمع اولندیلر • اخبار معجز اثاری استماعنه صدف وار جمله سمع
اولدیلر • حضرت رسالت فصاحت تام • وجزالت تمام برله • بر خطبهٔ بلاغت رهینه
اوقدیکه مواعظ حکمت بیانی حاوی اسرار دینی ودنیوی • ونصایح نکته اعلانی

جامع اطوار صوری ومعنوی ایدی تمام اتدی واتدی ای اجابِ فضیلت
پناه وی اصحاب هدایت دستگاه هیچ بر رسول پیغمبر دینی وحی آور وجود بولمایکه بو جهان
بی وفاده مخلد اوله وبو دنیای بی بقاده مؤبد قله هیچ بر شهریار عالی مقداره دیوان
خانهٔ ازلیده تاج زندگانی وخلعت کامرانی ویرلمدیکه طرازفنا ایله مطرز اولیه
وهیچ بر نبی معجزاثاره زیور حیات وتوارث ثبات صونلمدیکه رشتهٔ فوات
ایله مطرز اولمیه **مثنوی** درین ره خاه سلطان خواه درویش باخر عرضهٔ مرگ آیدیش
پیش درین بوستان کر جای فرخی نیست گیاه بی بقا تر زادمی نیست **شعر** بندجی بر
طریقهٔ اهل ایمان ورسل گذشتگان اول سبیله سالک وبو خصوصده انلره مشارک
اولمق مقرردر بو بجه مدت لوازم تبلیغ رسالتده وتبیین شرایط شریعتده مواردهٔ
مراسم سعی واجتهادی تقدیم ایدب بذل مقدور ایتدم ومقصد مقصود گزدن مطلب
مطلوبگزدن خبر ویرب جادهٔ سداده ارشاد ایتمکده حرف میسور اتدم گاه دفع مضرت
دشمن دین قصدنه عساکر نصرت معینه سردار اولدم گاه زخم اعدای بدآیین بوله
دلخسته ودندان شکسته مانند لاله وژاله اشکبار دخونین رخسار اولدوم گاه کثرت
مجاعتدن خاتم صفت بوزیمه طاش بغلدم دکاه کمان تاب قوسین منزل اداده
اصدم وپنجه جهال بدسکالدن گفتار ناروا اشتدم ومنافقین بدخصالدن مقال
ناسزا گوش ایتدم حضار مجلس اصغای کلام لالی انتظامنه گل ونرکس گبی گوز قولاق
دوتمشلکین باران نیسان احسان دُرر فشانی شکرینه صدف مانند بریردن
آغز آچدیلر وطبق دهانیله مدحت ومنقبت درلرین صاچدیلر ای فریادرس اصحاب
ضلالت وای هدایت بخش ارباب غوایت بحمد الله العلی الشان والمنة للرب
المنان ایام سطوت قاهرهٔ نبویه وهنگام دولت باهرهٔ مصطفویه دن بنیان
فانهٔ ضلالت طاق کسری صفت انهدار وانعدام وقواعد احکام شریعت مانند
ایوان کیوان ارتفاع واستحکام بولشدر دفع مضرت اعدای دین متیننده اقدام
تامک آیات محکمات قران گبی استوار ورفع اعلام اسلام مبیننده اهتمام تامک

معجزهٔ شق القمر گبی روشن واشکاردر بو سر گشتهٔ حالی بیه ضلالتده قوميوب
دلیل سبیل هدا وبدرقهٔ جادهٔ خدا اولدک وطریق حقده کوه پرشکوه کردار
بنور کرطاش یصوب نجات دقرار بولدک **حدیث** سن خاتم انبیاسن اول سنک
سینکده سنک چو سنک خاتم وبو ردیکه هرکیمکه اقوالمدن سر موگبی شوشن الباب
وافعالمدن ذره مقدار مکدر الحال وحرکاتمدن الم دیده وسکناتمدن ستم
کشیده اوله لطفا ایدب بکلسون جزا دمکافات طلب قلسون وهر کیمدن که مال
الدیم اولم خاطرمدن کیدب کیمه نسیا نده قالمشل وله اعلام ایلسون بمقصود
ادا ایده یم وبقدر المقدور خاطرین تسیر ایدب ارضا ایده یم خاطر گوزه
بوخلیان اتسون که اگر حقمز طلب ایدرسک رسول خدا علاوت ایدر خلقت انبیا
علاوتدن مبرا وجبلت پاکیزهٔ اصفیا غرض نفسدن معرادر حوالهٔ حقوق
وسیلهٔ علاوت دگل بلکه ذریعهٔ مخالصت ومصادقتدر تاکم حقوق ناسدن
بری الذمه اولسم جناب رب الارباب پاک ومهذب وصول بولم اول حضرت
تکرار بتکرار بنده حقی اولان طلب اتسون دیو بیوردی وخصوص مزبورده
الحاح وابرامی سرحد مبالغه یه یتوردی برشخص قیام ایدب اوچ درم طلب
ایتدی اول حضرت ایتدی بن کسنه تکذیب ایلمزم ولیکن دنی دیرمزم لکن
نه محلده ویردک ایتدیکه برکون فقراء ومحتاجین وضعفا وسائلیندن بر فقیر
دلگیر دریوزه نوال عطاک ایتدکده یانکزده آقچه بولنمدی اشارت بشارت
نمالکز ایله دیردم مبلغ رد اولنمدی اول حضرت فضل بن عباس سویلدی هماندم درهم
معینه سنی ادا ایلدی خوارزمی تالیف ایتدوکی سیر سید الانامده
وقاضی سدید الدین تصنیف قلدوغی روضة الاسلامده قلم قطعی رقم برله مرقوم
خامهٔ بجسته یتم ایلمرسوم درکه اول مجلسده عکاشه اسدی اسدی الیه الله معروف
المعروف بالسهدی برندن قیام ایتدی واتدی یا رسول الله غزای نصرت
فزای تبوکده تازیانک چقردکده یه اورمق استرکن بن الم رسیده یه اوردک

تازیانك اوجندن بحضوره وشكست جرندن پر فتور اولدم. جزا ومكافاتن
وقصاص ومجازاتن طلب ایدرین بیوردیكه. جزاك الله خیراً یا عكاشه. بحمد الله
بو مطالبه دار المكافاته یه صالمدوك. وبو خصومتی دیوان عرصاته قومدك
دار عقباده انبیا واصفیا وشهدا واولیا حاضر وفرشتگان درگاه ومقربان
بارگاهه ناظر ایكن. قصاص اولنمقدن دنیاده اولق احسن در یعنی كردارمه
كوره جزاسن بولق اهوندر بیت انصاف ده امروز كه فرصت داری
بلهی به از انكه بستانندت نظم بس امر ایلدی تازیانه كتوردیلر عكاشه نك
النه ویرب. ای عكاشه بن سكا نه وجهله اوردم ایسه نده بكا اول منوال اوزره
اوره دیو بیوردیلر. حضار مجلس فریاد ایتدی. اصحاب كبار واحباب معالی اعتبار
بو حالت حیرت ماله كه نظر اتدیلر. یرلرندن قیام ایدب عكاشه نك حضورنه
واروب تضرع ونیاز برله ایتدیلر. ای عكاشه. بر تازیانه مقابلی بزه یوز تازیانه
اور. اول حضرتك حال زارنه وجسم نزارنه نظر ایله. قصاص ایتمك دایره سندن
كذر ایله دیو تضرع ایلدیلر. اول حضرت ایتدی ای یاران خرد آیین وای دوستان
خرده آیین تازیانه ی بن اوردم. سزه عقوبت ایتمك ایله بندن زایل اولمز
ولوازم مجازاتی ذمتمدن سقوط بولمز. حسن وحسین دخی بو حادثه مصیبت افروز
وبو واقعه جكر سوزدن خبر الدیلر. هر بری سحاب نوبهار كبی اشكبار ورعد مثال
نالان وزار مجلسه كلدیلر وحمایه شفقت شعار بونلری كوروب تكرار بر وجهله
زاری اتدیلركه. ابر تیره نهادی اغلاتدیلر. دكوه سنگین دلی اكلتدیلر. اول
ایكی فرزند ارجمند ایلرو كلوب ایتدیلركه. ای مقبول عام وخاص وای برگزیده
زمره خواص بر نخشی سردن قصاص طلب ایدرسن. واخذ جزا ومكافات دیلرسن
بزه تازیانه نك عوضی هر بریمزه یوز تازیانه اورسون. اول حضرت نحوی
سابق الذكری اعلام ومعنای سالف الوصفی افهام ایلدی. وبیوردیكه
ای عكاشه ذوی الاخلاص تازیانه ی الوب بكا قصاص ایله عكاشه

ایتدیكه

ایتدیكه شول دمكه ضرب تازیانه یه دوش اولدم عریان ایدم. دیلرم كه سنگ دخی
وجودكز عریان اوله. تاكم مركز عدالت یرن بوله. همان اول حضرت لباس سعادت
التباس خلعه وجامه وپیراهن قلعه مباشرت ایتدی. چون عكاشه مثال بی مثال
وجودندن نشان نبوتی ومهر رسالتی كوردی امانده جان كبی یرندن قوپدی
واروب اول خاتم مشكینی اوپدی. ویوزین سوردی. ای رسول محبوب الخصایل وای
نبی مطبوع الشمایل مراد دل ومقصود جان بالحاصل بو ایدیكه اول شامه عنبرین
شمامه كوردم. واعضای شریفه كوزی هزار تبجیل ایله تقبیل ایدب یوزم سوررم
بن خاكسار. من مس جلدی لم تمسه النار حدیثندن خبردار ایدم. دیوب عذر
ایلدی. بو مناقب علیه وسنیه ایله عالمده مشهور وذكر جمیل برله السنه ده انامده
مذكور اولدی. سید عالم منبر شریفدن اشاغه اندی. او موعظه كه بیوردی
بو ایدی. بوندن صكره اول كوندن كونه ضعف زیاده. ودرد والمی زیاده
اولوب بو نعمتك مضمونن سكان مجامع قدسدن وقاطنان صوامع انسدن
كوش ایدردی بیت خانمانك ترك ایدب غربتده سیران ایله كلبه كم غربت
الجره كمه بلمز قدركی نظم بر كون جبرئیل امین منزل رسوله نزول ایتدی تبلیغ سلام
ایدوب ایتدی. حضرت علیم بی همتا وحكیم دانا ایدركه اكر دلسه زحمت مرضدن
خلاص وعلت عرضدن تخلص میسر ایدب بیمارخانه عنایتمدن شراب الجناز
شفا الجوره یم. واكر استرسه شربت بر مرارت اجل نوش ایتدروب عادت الحیوة
ابدیه یه ایركوریم. اول حضرت ایتدی. ای برادر نه مرضدن عرض شكایت ایدریم
ونه المدن خوف ایدب زندكانی دیلریم. بن جمله اموری اول اللهه اكرمك تدبیر
واختیارنه تفویض. وزمام مقدورمی اول پادشاه اعظمك دست ارادت
بزركوارنه تقبیض ایدبدرم قطعه اكرم خلاص خواهی وكرم هلاك جویی
سر بنده كی بخدمت بنهم كه پادشاهی. یكسی نمی توانم حكایت تو كویم. همه جانب
توخواهند وتوان كنی كه خواهی نثر بو خسته لكده بلال درحجره مطهره یه كلوب اذان

صلاتی القا ایدردی ° اول حضرت مسجده واروب نماز ونیاز جماعت ایله ادا ایدردی
آخر مرضده اوچ کون کثرت ضعفدن طشره چقمغه قدرتی وقعود وقیامه درکوع وسلام
طاقتی اولمدی ° یاتسو نمازی ایدیکه بلال درحجرهٔ مطهره یه کلوب صلا ایلدی وبلند
صوت اعلا ایله ندا ایلدی ° اول حضرت دریای استغراقه طالمش ایدی طشره چقوب
مسجده وارمقدن قالمش ایدی ° اوچنجی دفعه که الصلاة یارسول الله دیدی ° اول عالی
جناب جوابه قادر اولمیوب ° بلالک معلومی اولوب وفور ملال وکمال انفعال ایله
عودت ایدوب اول مقتدای امت وپیشوای ملت کثرت زحمتدن ترک جماعت
قلدی ° نولیدی انا مدن طوغمیدم ° چون طوغدم ° باری بو حالی کورمیدم ° دیوب
درون دلدن اکلدی ° ویاشی یرینه قان اغلدی ° ام عایشه برله فدام حرم رسالت
پناهدن بری بلاله کلوب ایتدیکه حکم جهان مطاع نبوی ° وفرمان واجب الاستماع
مصطفوی بودرکه ابوبکر نایب مناب اولوب امامت اتسون ° بوخدمت موجب
العزتی اقامت اتسون ° بلال بوبکره کلوب صورت حالی اعلام ایلدی ° صدیق
صداقت نشان امر واجب القبولک ادا سنه قیام ایلدی ° محرابه متوجه اولدقده
محل مزبوری ° اول قبلهٔ اهل یقینیدن خالی کوروب قندیل آسا کوزاری یاشیله طولدی
وسایر جماعتک جانلری فتیل سنه آتش دوشوب ° مانند شمع هزار حرقت ودم
برله کریان اولدی ° اول مهر سپهر رسالت ° کوکب صفت کوزین اچوب بیوردیکه
ای فاطمه بونه جمعهٔ جکرسوز ° ونه زمزمهٔ محبت افروزدرکه سمعه ایردی دیدیکه
اصحاب شفقت نصاب درکه فراقکه طاقت کتوره میوب واله وزار واشکبار رونی
قرار اولدیلر قطعه زان روزکه قد تو بجاب ندیدم ° بر چهره بجز اشک چو خوناب
ندیدم ° بی روی تو یک لحظه قراری نگرفتیم ° بی روی تو در دیدهٔ خود خواب ندیدم °
اول حضرت علی مرتضی وفضل بن عباسی طلب ایدوب انلره اتکا ایلیوب مسجده کلوب
امام اولدی ° هر کسک مرآت ضمیری ژنکار ملالدن پاک اولوب جلا وصفا بولدی
ایدرکه حبیبی مرضده بالینی شرف قرین سید المرسلینه °

یقینی اولدم کوردم که لب جان بخشی حرکت ایدر راذن اذعان ایله کوش
ایتدم صوت حزین ایله قاضی الحاجاته مناجات ایدوب ° خدایا امتمه عذاب جهندن
نجات ویر رحمت ایله ° وحساب قیامتی ° ومقاسات روز ندامتی آسان ایدوب
مغفرت ایله دیرایکن ° علی مرتضی کلوب ایتدیکه یا حبیب الله عالم منامده کوردمکه
بر زره کیمش ایدم ° تنمدن خلع اولوب ناپدید اولدی ° اول حضرت ایتدیکه تحدیه
دک پناه وظهیرک ° ومانند زره تیرکد ندا اعدای رد ایتمکده معین ونصیرک بن ایدم °
وقت اولدیکه بن رحلت ایدم سن تنها قالهسن شهبا زخاطرک زاغ مصیبته صلای
بندن صکره سکا وقایع غریبه واموری عجیبه یوز کوستروب مراتب درد ومحن کونادن
کونه ارتقاده ° وملارج نامرادی ساعت بساعت زیاده اوله ° امدی بدرقهٔ صبر
وتحمل پیش نهاد ایدوب غنچه صفت تنک اولمیه سن ° وقضا وقدر ملک قدیره رضا ویروب
ازار خار غمدن کل کبی منفعل اولمیه سن   دهر الجنده یودرهر که شمشیر اسا اوله
تیز طبع وپاک کوهر صاف دل روشن ضمیر ° وخبیر واکاه اوله سن که جملهدن اقدم حوض
کوثر کنارنده بکا سن وصول بوله سن ° ناکاه فاطمه خاتون زار ومحزون کلوب
ایتدیکه واقعهده کوردم ° قرآن عظیمک وفرقان واجب التکریمک ورقین المدهطوتو
قراءت ایدرکن برک کل کبی بر باد اولدی ° اول حضرت ایتدی ای جان پدردی
دختر حضر پرور اول ورق که الکدن اوچوردک بنم که نظرکدن غایب اولسم کرک °
بعده روضات انسه دعوات وقلرنه دصول بولسم کرک غنچه حسن وحسین کلوب
ایتدیلرکه یا نبی الله ایکمز بر واقعه کوردک بلکم کاست ° بر برینه مطابق درست
واقع اولدی کوردکه ° روی هوادن افتاب مانند برتخت روان وعیان اولدی
بز اول تختک تحتنده مکشوف الرأس شتابان ودوان اولدق ° بیوردیکه اول
معاینه قلدوغکز تخت بنم تختهٔ تابوتم درکه اصحاب واحبابلر یردن کوتره سکز
کرک ° بعده سز یا برهنه سر برهنه ناله کنان ° واشک ریزان ° روان اولسکز کرک امت
سلمه ایدر بو وقایع هر بر ایک تعبیرندن ° ورسول خجسته طالعک سوز وکداز ایله تقریرایلدی

قاسدن افروندر • کویا بو بیتک مفهومین منزویان زوایای صوامع خط ملکدن
وبو نهلک مضمونن معتکفات مقصورهای جوامع ملک ملکدن کوش ایدردی **قطعه**
تو با ذروهٔ نازی مقیم بردهٔ رازی • قرارکاه چه سازی درین نشیمن فانی • تو مرغ
عالم قدسی حریف مجلس انسی • دریغ باشد اکر تو درین مقام بمانی **شواهد النبوه‌ده**
منقولدر که حضرت رسول وفات ایلدوکی کون خدای بی همتا جل وعلا ملک الموته امر
ایتدیکه حبیبم محمدک خانه‌سنه وارب نیدن سلام ایرکوره‌سن • اما اولیه که بلا دستور
ایچرو کیره‌سن • اکر اذن واجازت ویررسه قبض روح ایده‌سن • والا دونوب تعالی کیده‌سن •
بر موجب امر باری ملک الموت اعوان وانصارندن نمل صحرا کبی لجه‌ء ورمل دریا کبی
لایعد ملائکه ایله نازل اولدی کلیا اسبان ابلغه سوار اولمش کمینک شعاری زربفت
مرصع وکیمینک دثاری دیبای مصنع • کیمنک تاج بهجت نتاجی تاج فردوس کبی لعل احمردن
وکیمنک اکلیل وهاجی افتاب مثال یاقوت اصفردن ایدی • کلوب عتبهٔ فلک فرسای
وسدهٔ سپهر اسای ارنده قرار ایلدیلر • عزرائیل اعرابی صورتنه متمثل اولوب بیرون
خانه‌ده طوردی • ودست ادب برله قپو اوردی • ایتدیکه بزه اجازت ویرک
بعد مسافه‌دن کلدک حجرهٔ مطهره‌یه کیره‌لوم • وحضور فایض النور مفخر کاینانه ایره‌لوم
فاطمه خاتون بیوردیکه رسول اللهک مجلسه بطاقتی ومکالمه‌یه قدرتی یوقدر حالا
اول حضرت ایله ملاقات ومقالات میسر دکل • اول حضرت کندو حالنه مشغولدر •
ودود مانمزده نایرهٔ فرقت مشتعلدر • برکره دخی اذن واجازت طلب ایتدی هیچ
مضمون جواب اول اشتدی • دفعهٔ ثالثه‌ده برآواز هولناک ایله استیذان ایتدی که
اول صونک سطوتندن • واول صلانک هیبتندن خاندان بنوتده اولان پرده کیان
عصمتک • ومنزویان حریم حرمتک اندامی لرزان • ویورکلری پر خفقان اولدی •
اول کل کلزار نبوت نرکس بیمار کبی کوزین آچوب • وقوع بولان حالدن سؤال ایتدی •
فاطمهٔ سعادت خاتمه ایتدی که طلعت مهیب وصورت عجیب برله بر مرد غریب قپوده
منتظردر • هر چند که دخول متعرض اولدم عذرخواه اولدم • قبول اتمز هیچ بر وجهله

اهل بیتک جام وحضور وجمعیتلری تلخ • وغره سرور وعشرتلری منسلخ اولوب • داغ
هجران ایله جکرلری خون • ورنک رخسارلری کبی حاللری دکرکون اولدی **قطعه**
جانها بر آتش است که آن جان همی رود • سیلاب خون زدیدهٔ کریان همی رود • یعقوب
وار یوسف خود دور میکند • خاتم زدست سلیمان همی رود • آدم وداع سایهٔ طوبی همی
کند • خضر از کنار چشمهٔ حیوان همی رود • درداکه کوهر لیست کرانمایه مجتبش • دشوار دست
داده آسان همی رود **روایت** اولنور که دار عقبایه انتقالدن اوچ کون اقدم جبرئیل
فرخ قدم نزول ایتدی • وایتدی ای رسول انام • کردکار علام • وطراز ندهٔ کارکاه ارواح
واجسام تعظیم تام • وتکریم تمام برله سلام ایدر • داننده‌ء راز نهان • وشنونده‌ء اخبار
پیدا ونهان ایکن • خاطر شریفک صورر • ونه حاله ایدکک استفسار ایلر • اول حضرت
ایتدیکه • ای امین خدای پاک کندومی غایت اندوکین ودردناک کورورم • جبرئیل ایکنجی کون
ینه کلوب مراسم تعظیمات ومراعاتی ادا ایتدی • اول حضرتدن کیرو همان اولکی جوابی
اشتدی • اوچنجی کون عزرائیل که قابض ارواحدر اسمعیل نام بر ملک ایله معا نزول ایتدیکه
یوز بیک ملک حاکم حکومتنک مسخری • واول ملکلرک هر برینک یوز بیک ملک فرمان
بری ایدی • جبرئیل ایتدی یا رسول الله ملک الموت قپوده منتظردر حسن اجازت ارزانی
بیورک ایچرو کیرسون • معلومکزدرکه قبض روح ایتمکده براحدن اجازت استدکلری
ومطلقا بر بابده بر آن منتظر اولمش قالمش دکلدر • پس اذن رسول ایله ایچرو کیردی •
لب ادب برله سلام ویردی • ومقام عبودیتده قیام ایتدی • وایتدی خدای بیحتا
بنی خدمت موجب العزتکزه کوندردی • وسپارش تمام ایله بیوردی که جیبمک مراداتی
علیه‌سی تحصالنه • ومرامات سنیه‌سی استکمالنه کوشش بلیغ ظهوره کتورد • واینهٔ لحاد
سرحد اتمامه یتور • امدی اکرام عالی صدور بولورسه قبض روح ایدب عالم بالایه
عروج ایده‌یین • وکر دکل ایسه مکان معینمه خروج ایده‌یین • اول حضرت جانب جبرئیله نکاه
ایتدی جبرئیل ایتدیکه حق تعالی سکا مشتاقدر • وحضرت بیوردیکه ای ملک الموت بر مقتضای
امر واجب القبول خدمت مامورکه مشغول اول بنم دخی شتابانم حلدن بردن دده

نوحهٔ مطلب هادم اللذات

ممنوع اولوب کتمز • ای فاطمه اول هادم اللذات • وقاطع المرادات پسری مادردن وماذر
پسردن جدا ایدر • وتفنگی دودمانه که قدم بصر دود مصیبت وآتش حسرت پیدا ایدر نیجه
سامی جام ممات ایله سرسام • ونیجه بهرامک جیب زندگانی سن شام ایتمشدر بیت
نیجه نک خاطری حسرت ایله پر غم ایدر • نالیه اهنفس دکوز یاشنه اعلام ایدرم • بی نردبان
وکند بروج مشیدهٔ آسمان بنیانیه عروج ایلر • دبی آلت ومفتاح حصون ممهدهٔ
کیوان نشانه دخول وخروج ایلر لاله کبی تاج لعلین • وتاج فردوس کبی افسر زرین کیمن • شهر
باران قارون مکنتک وتاجداران فریدون شوکتنک خلعت حیاتلرین قبای کل
صد برک مثال چاک • وشقایق بیابانی کبی دللرینه داغ حسرت اوریب شفوق خون افاک
ایلر • دایما عادتی تخریب ایوان جمعیت • وهر دم آیینی هدم بنیان رفاهیتدر •
اولاد واحفادی یتیم ایلرجی • ومنشار مصیبت ایله جکر اردونیم ایلرجی کیتنی ابو یحیی در •
عزرائیل دیکله مسمی در بیت اولمیه بردیده بو درد یله کریان اولمیه • قالمیه برسینه که انده
داغ هجران اولمیه نثر پدر رنکجان شیرینی وروان نازنینی قبضنه کلمشدر • بزدن آذن
ایدر • اول سببدن اجازت طلب ایدر • یوقسه نقد روح قبضنه براحددن اجازت
دیلمک عادت مألوفه سنک خلافیدر • وقاعدهٔ معروفه سنه منافیدر • طورقپویی آچ
دیوب بوردقلرنده حجرهٔ منوره یه داخل اولدی • اول حضرتک رضای شریفیله جان
منوری تن شریفندن عزیمته • وروان مطهری بدن لطیفندن مفارقته شروع
ایتدی • بعد ازمان اول عین اعیان • وانسان عین انس وجان • کوز آچوب کوردیکه
فاطمه ابر بهاران وسحاب نیسان کبی اشکفشان اولمش • وغنچهٔ قلبیه ژالهٔ مصیبت
یول بولمش • ای دختر مشتری اختر • کریه وانینک دن حملهٔ عرش برین زار وکریان
وسکنهٔ اعلای علیین نالان وغریوان • دردیوب دست مرحمت ایله چشم اشکبارین
واستین شفقت برله دیدهٔ سرشک نثارین سلدی • ووجه توجهی جناب حقه
طوتوب ای کردکار رحیم • وطراز ندهٔ کارکاه کن فیکون • بنم رحلتمده بو کاهجر
بارکران • ومفارقتمده اجری بایان حیسر ایله • دیو دعا ایتدی • دایتدی ای فاطمه

روحم قبضی اولدقده ایت اطاعت غایت • انا لله وانا الیه راجعون • دیکلم
جاری اولسون بیت عالمک خلقی اجل دستنده اولمشلر زبون • چاره سی اولدر
دیه انا الیه راجعون مر بیوردیکه هر کس شصت قضادن قدنک مصیبت ایرشوب
اول بنده صبر جمیل وحسن عزا ایله تلقی ایدب رضا کوسترز لاجرم سر منزل عقباده ونشانکاه
جزاده • انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب • موجبنجه ابر احساندن باران بی پایان
رحمت رحمان اوزرینه ریزان اولور • فاطمه ایتدی ای خلیل رب جلیل سنک کبی
پدره نه اصل نسنه عوض وعدیل اولور • من بعد دنیادها فیها عین التفاتله منظور اولمسه
کرکدر • دوست حجرکله ویران اولان سراچهٔ دل بقیهٔ العمر معمور اولمسه کرکدر قطعه
دنیاده نظر قلبیه محرم اولنجه • قان اغلیه یین حزن ایله یاشم دکنجه • یانوب یاقولوب
اتش حسرتله سراسر • ماتم ایده یم محنت دردیله اولنجه نثر تکرار سیدا ابراز دیدهٔ بیدارین
بوملدقده فاطمه دیدی حضرت بیوردیکه بکوندن صکری دعله بابا که
کرب واندوه طاری اولمز یعنی باعث اندوه علایق جسمانی در • وتعلق وتفرقه لازم
طبیعت انسانی در • حالا که عالم وصاله انتقال ایدرم • یعنی ریاض رحمت ملک متعاله
کیدرم • زمان سلوت وشادمانی • واوان بهجت وکامرانی در بیت هر کست کم
دوست را رساند بردوست • آن کیست کا دم کشادمانی بنود خواهد دکتورمشلردرکه
اول حینده امهات مؤمنین • یعنی زوجات سید المرسلین • برخانه بجتمعلر • اول
حضرتک نصایح حکمت آیتین سرجمله کورش وهوش ایله استعملر ایدی • فاطمه خاتون
بیوردیکه • اولادک طلب ایت کلسونلر دم آخرده پدر بزرکوارلرین کورسونلر آدم کوندرر
علی التعجیل طلب اولندقده هر بری مانند نسیم شمال • ومثال طایر فرخنده فال بال استعجال
آچوب برمرتبه ده شتاب ایله روان اولدیلرکه • باشلرندن کل کبی عمامه لری
دوشدی • برسبیل تعجیل طلب اولندقلرندن آتش اضطراب ایله دل وجانلری طولوشدی • هر
مرد وزن که انلره نکاه ایتدی • بو استعجال انتقال حضرت رسالته دال دردیوب دردن
دلدن ودرد حسرتیله آه ایتدی • چون اول حضرتی کوردیلر • سلام ویروب مقابلنده

زانوی ادب اوزره اوتوردیلر• پدر بزرکوارلرین• وجد کلعذارلرین پژمرده
حال متغیر الاحوال کوریجک هر بری محزون وغمکین اولدی کلاب اشک ایله نرکس ابلری
نمکین اولدی **بیت** جسم وجاندن ایرلوب اسان اولوراینمک وداع• لیک مشکلدر
بغایت سندن ای جان انقطاع **نثر** امام حسین روینی اول حضرتک روینه سوروب
امام حسن سرن سینهٔ باسکینه سنه ادروب بردجمله اعلشوب اکلنشدیلر که مجرده منتظر
اولان خواص حجاب کوشن یدب ناله وفریاد اتدیلر بی اختیار حضرت رسالت دخی اغلدیلر
قطعه دوستان روز وداع است فغان در کیرید• دل بیک بارکی از جان وجهان
برکیرید• شمع خورشید باه سحری بنشانید• وز تف سوز جکر بار دیکر برکیرید **شواهد
النبوة** ده مذکوردر که محل مزبورده• اول حضرت حسن وحسینه نکاه ایدردی• وآهسته
آهسته دیردی• دریغ اول کل کلشن ولایته که تیمک حوسیله صولسه کرک• دافسوس
اول کیسوی عنبر بویه که عزیلک کردی ایله الوده اولسه کرک• بلزم بندن صکره بونلره
نکله• امت جفاکار بونلره نه لر قله• فاطمهٔ زهری رضی الله تعالی عنها ایتدیکه ای
مونس جان عزیزان• وای نوازندهٔ یتیمان• ای ملجا بیکسان دی دستکیر
بیچاره کان اکر حسن وحسینک برآرزوسی اوله کیمدن رجا ایده یم• واکر بنم بر مشکلم
اوله کیمه الخا ایده یم سنک فراقکه نیجه صبر ایلیه یم• دل ناشادمی نیله اکلیه یم
قطعه در غم اباد جهان بی یار بودن مشکلست• غم ز قد بکذشت بی غمخوار
بودن مشکلست• رفت دلدار ودل خون کشته را با خود ببرد• ای عزیزان با دلی
دلدار بودن مشکلست **القصه** چون ملک الموت اعرابی شکلنده باب سعادت
مآب رسوله ایردی• اذن واجازت ایله ایچرو کیردی• انواع تعظیم ایله سلام ویردی
ایتدیکه ام باری بوعنوال اوزره جاریدر که فرمان شریف وارد اولورسه
روح مردکز قبض ایدوب دالارجعت ایدوب سبیل عالمه کیدم• وامر تاخیر عالیشانکه
منوط دزد رشتهٔ تدبیر داعیهٔ سعادت نشانکه مربوطدر• اول حضرت ایتدی
برادرم جبرئیل ایله ملاقات اتمینچه بوامره رخصت• وقبض روحه اجازت ویرمزم•

ملک الموت ایتدی امر وفرمان سنکدر زهی آفریدهٔ کارکون ومکان وپروردکار
انس وجان• مالک دوزخه ورضوان جنانه بیوردیکه حبیبمک روح مطهری عالم بالایه کلسه
کرک• وروان منوری دیار انسه پرتو صلسه کرک• آتش سوزان وحجرات نیران منطفی
اوله• وکلستان جنان انواع ارایش ایله زیب وزینت بوله• وحور العینه وسکان
اعلای علیینه پیام ایردیکه• سرتا پا مانند مهر فلک آرا مجلی ومحلا اولوب علوشانکه
تعظیم• وشکوهکانکه تکریم ایدوب طرف طرف• صف صف اولوب طوره لر ودیکی جانب
یعنی جبرئیل وحی رسانه• فرمان اولدیکه بهشت پاکیزه سرشته داره• سندس و
استبرقدن برمندیل الوب حضرتکه کتوره• همان دم جبرئیل کریان کریان سید انس وجان
حضورنه کلدی• اول حضرت بیوردیکه ای یار غمخوار دی دلدار بهوادار
بنجون تنک کبی شدت زماننده• ورحلت اواننده• بنی تنها قویوب کیدرسن جبرئیل
ایتدی سنک اهم مهماتنک واتم مراداتنک هواسنده یلردم• انواع اخبار مسرت
اثار ایله کلدم که• هر بری راحت روحک• وسرمایهٔ فتوحکدر• اولاسن ذات محمود
المقام• است ایلدا اقل جنان اولمینجه سایر امم انبیا یه جنت حرامدر حضرت بیوردیکه
بکا بوندن اعلا بشارت افزا• ومژدهٔ فرح بخشا کرکدر• جبرئیل ایتدی ثانیا روز
قیامتده وحسابکاه آخرتده جملهدن مقدم سر مبارککه تاج سعادت اورلسه کرک•
ودستکه منشور شفاعت ویرلسه کرک **قطعه** محلهٔ قدس بیاد تو بیاراسته اند• خوش
خرامان کذری کن بسر پردهٔ ناز• قدمی پیش نه وقصر فلک را بفروز• برقع از رخ
فکن وجله ملک را بنواز **نثر** حضرت بیوردیکه ای سفیر وحی• دی مبلغ امر ونهی اکرچه
بوخبرلرک جملهسی مرغوبدر• اما بکا اول بشارتی اشارت ایله آینهٔ خاطردن کرد
ملالی وهوای فضای دلدن غمام غمی محو ایله• جبرئیل ایتدی ای مقتدای رسل وانبیا•
ویا مشوای سبل هدا **مثنوی** بنده درد اعلنه درمان ایلرسن• بنه مخلص الجون احسان
دیلرسن• خداوند رسکا مادک• کرم قیل دوشن ایت مانع الفوادک **حضرت**
بیوردیکه• بنده اولان اندوه ومحنت• همواره عواقب امور امتدر عقباده

مآل حاللری نه اولور جبرئیل تیلدی • حضرت عزت بو کوندن سنکا امت عالی همتنک •
زیر سایهٔ حمایت بلاغایتینه • وتحت ظل عنایت بی نهایتینه • داخل ایلدی • اول
حضرت اتدی • حالا جان وجنانم تسلی کلی بولدی • ودل ودیدم نور افراح ایله طولدی •
پس اول ملک الموت مأمور اولدوغنک امرکا ادا سنه قیام کوستر • ملک الموت رفق
وملایمت ایله قبض روحنه مشغول ولدی • روح اطهر عالی شانی هوای فضای قدسک
طایری اولوب عالم وصال اتصال بولدی **قطعه** رفت آن طایر قدسی سوی کلشن •
چون رسید اندر مشامش بوی عرش • شاهیا زاین قفص رهم شکست • رفت
خوش بر ساعد سلطان نشست **نثر** مرد وزنان ناله وشیون قلوب رزکان باشلرینه
خاک قویدیلر • ومانند آب روان سینه لرینه طاشلر اوردیلر • ونوحه وفغان وآه آتش
فشانی ماتم خانهٔ جهاندن بیت الاحزان کیوانه ایر کوردیلر **مثنوی** خلایق چکدیلر
هر کوشه دن کاه • که اولدی کهکشانه کاهدن راه • بو ماتمده کیوب سنبل قراجول •
بکادن چشم نرکس اولدی حلول • بو غمدن لاله نک یغری دلندی • کونک بو غصه دن
بکزی آلندی • حسن خاشاکی نرکس قلدی بالین • مطلا کاسه سی اولدی سفالین •
خصوصا اهل بیت پاک طینت • بو ماتمده چکوپدر درد ومحنت • یانوب یاقلدیلر
چون شمع سوزان • سیه پوش اولدیلر مانند اخوان • جفا جامن الوب دوران
الدن • بلالر چکدیلر هجران الدن • فلک یبی کی اقتدی قان یاش • کمی خاتم
وش اوردی باشنه طاش • دوشوب هر بری نار حزنه چون شمع • سراپا اولمشیدی
غرقهٔ دمع • بو قصه شرحنه پایان بولنمز • بو غصه دردنه درمان بولنمز • بیان اولمق
نه ممکن بو مصیبت • نیجه حشر اوله بولمایه نهایت **والحاصل** مصیبت فجیعهٔ سید المرسلین
واذیت قطیعهٔ خاتم النبیین • وقوع بولدقده حضرت فاطمه • وازواج رسول سعادت
خاتمه • وبعض اصحاب کرام • واحباب ذوی الاحترام • اول قدر مرثیه لر تحریر ایلدیلر •
تسطیر اولنسه فصل وباب • بلکه اوراق وکتابه صغر ایدی • اما فاطمهٔ زهرا بقیهٔ العمر
نالهٔ جکر سوز وکریهٔ ماتم افروزدن • بر دم خالی اولمدی • ودار الحزن ضمیرنه مهر سرور

ذره جه

ذره جه یول بولدی **قطعه** کار افتادی تو مرا با کریستن • عیب است عیب در غم
تو ناکریستن • شب تا بروز کار من وروز تا بشب • نالید نیست در غم تو پاکرستن •
نه بر زمان آه ایندن فراغتی • ونه بر آن درد درون تقریر وتصویره طاقتی •
وار ایدی • بو ایکی بیتک مفهومی حسب حالی • ومصدق احوالی پر ملالی ایدی **قطعه**
شعلهٔ آتش هجر ایله جانم طوتوشر • قنده کم ایر ایسه دود فغانم طوتشر • نیجه تحریر ایدهیم
کم قلم بولدی شکست • نجه تقریر ایدهیم جونکه زبانم طوتوشر **نثر** الکا براهین بدن ذوی
الملقا خواجه بدن بری • بیورر که هر کیمک که دل محنت کشیده سی بو ماتم ایچون نالان •
ودیدهٔ مصیبت دیده سی بو غم ایچون کریان اوله • حاشا که نار جحیم الیم ایله سوزان
اوله • بو خصوص هجران اول زمانه مخصوص دکلدر • امت محمددن قیام قیامته دک
هر که انتقال حضرت یاد ایدب اغلیه • وآتش تأسف وحسرت ایله جان وجکر داغلیه •
لاجرم بو حکمه داخل دلی تردد اول فرقیه داخل اوله • زیرا اول حضرتک فوتی امته اعظم
مصایب شدیدهٔ جهان • واصعب نوایب اکیدهٔ دوراندر • بو بابده اغلمق امر
لازم وحکم متحتمدر **بیت** بر سد تقلدی دنیه ده تا دور روزکار • طاسی زمانه نک
قله کوشنده بو طنینی **نثر** جهان یالکز انسان دکل • بلکه جن وملک • وزمین وفلک وثابت
وسیار • وجبال واحجار • ووحوش وهوام • وسباع وسوام • ومرغان هوا • وماهیان
دریا • بو ماتمده محزون ومتألم • وبو تعزیتده مشارک ومساهمدر **قطعه**
ای ز هجرانت زمین وآسمان بکریسته • سینهٔ دل خون شده روح روان بکریسته •
خون کری ای دیده بهر سید کز ماتمش • جبرئیل اندر فلک با قدسیان بکریسته • کن فکان
جون قالبند وتو جو جانی لاجرم • در عزای تو تمام کن فکان بکریسته • نه همین ما
با خاکیان بهر تو ماتم داشتیم • بلکه رضوان نیز در باغ جنان بکریسته • آدم ونوح
خلیل وموسی وعیسی بهم • در عزای سید آخر زمان بکریسته • اهل بیت اندم که کریان
کشته از بهر رسول • سنگ خارا بر دل بر درد شان بکریسته **نثر** عظم الله اجورنا بمصاب
نبینا لحضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم • ورزقنا شفاعته الکبری • وادخلنا تحت

شعلهٔ آتش هجران ز جانش میرزد • این چه دودست کز دودی جگر میرزد
در فراق تو دل پر درد داغ میریزد • زین چه سوزست کز دو جان جوان میریزد

... بعضی بیتی ... ایام ... دیکیار ... رسو
... بعضی بیت ... ازنظاره ...
... بنظیه کران

لوائه العظمی **در د بنجی باب فاطمهٔ زهرا رضی الله عنهانک ایام**
ولادتندن هنگام وفاتنه دک بعض احوال سعادت مآلی بیانتده در رابطهٔ
عقد کاینات • واسطهٔ عقد مخلوقات • حضرت محمد علیه الصلوة من الملک الصمدک
مسندنشین حجرهٔ عصمت • ومحفل آرای حجلهٔ عفت • بلکه ملک قناعت وزینت ده
چاربالش سعادت • خدیجهٔ کبری نور الله مرقدها اکی پسر فرخنده منظر و دورت
دختر سعد اختر وجوده کتوردی • دبایهٔ منزلتنی ومرتبهٔ قربتنی اوج برج عزته یتوردی
اول اولاد عالی تبار • واول پسران معالی اعتباردن بری قاسم ایدی که نام همایونی
واسم سعادت مقرونی اول حضرته کنیت واقع اولوب • ابو القاسم محمد دیرلر
ایدی • ایکنجی عبد الله مسمّی ایدی که طیب وطاهر دیمکله ملقّب در • زمان اسلام واوان
بعثت سید الانامده متولد اولدی • هنوز ماه عالمتاب اولمدن هلال ایکن افول
بولدی • ودختران سعادت نشانک نام همایونلری زینب ورقیه وفاطمه وام کلثوم
درکه بهری درج بتولک در یکتاسی • وبرج رسالتک اختر تابناکیدر • السید
اسانید صحیحه واقوال جمهور برله بو جمله نک اصغری فاطمهٔ زهرادر • سعی ایلهمادن ماعدا
اول حضرتک حال حیاتنده وفات ایتدیلر • بو حکمک براخیاندن غرفات جنانه کتدیلر
مواليد نام کتاب حقیقت نصابده خطیب منبر امامت
واعظ کرسی کرامت • جناب ذو المفاخر امام محمد باقردن • نقل ایدرکه فاطمه خاتون
بعثت رسولک سنهٔ خامسنده نگارخانهٔ رحم اندن جلوه گاه عیانه ایردی •
ومنظرهٔ شهوددن یوز کوستردی
دیمکله معروف
کتاب حکمت آیینده کتورمشدرکه چون خدیجهٔ کلهٔ فاطمهٔ سعادت خاتمه یه
حامله اولدی • حضرت بیوردیکه ای خدیجه حالا برادرم جبرئیل کلوب • حضرت عزتک
سلامین ایرکوردی • واشبو متولد اولجق انثی در نام سعادت انجامی فاطمهٔ زهرادر
دیو خبر دیردی • نسل اولاد ارجمندی رشتهٔ دوام وبقا ایله الی غایة الاعلا
بستهٔ وسلسلهٔ احفاد سعادت مندی الی نهایة الاعصار غیر گسسته وذریات

نجسته صفاتی اوناس زوجیه دن پاک ومعرا • واخلاق ذمیمه وخصال وخیمه دن مبرا
اولمغن اشارت ایتدی **بیت** چو بدر انجمن اوله هلالی • نجه انجم فروز اوله جمالی •
اول کوکب برج عزت واجلالن لامع • واول هلال سپهر مجد واقبالن طالع اولمسی قریب
اولدقده • خدیجهٔ کبری رضی الله عنها اقرباسنه قاصدار سال ایتدی • واتیدی حین
ولادت اقربانک جمعیتی زمانی • وخویش وتبار واحبابنک التیامی اوانی در • وحشت
هنگامنده موانست شیمهٔ اقربا • وشدة ایامنده مجالست عادت کریمهٔ اصدقا در
علو همت بی همتا کوزدن ماءمول وسمو عنایت بی انتها کوزدن مسئولدر شولکه
مقتضای کمال رافت • ومستدعای شمول شفقت قرابتدر لطف ایدب ظهوره
کتوره • وقدم رنجه قلوب بو خاکساری خاکدن کتوره لر قاصدوارب دعوت
ایتدکده اول قوم بی شفقت • انواع رعونت وغلظت برله جمله اغز بر ایتدیلر گفتار
علاوت اشعار ایرنج زهر آمیز ایدب ایتدیلر • خدیجه بزوم کفتار نصیحت آثار مزه سمع
التفات ایله کوش ایتمدی • وغربت موعظتمز کام قبول برله نوش ایتمدی عادت
قدیمهٔ اباسی وطریقهٔ مستقیمهٔ اقرباسنی ترک ایتدی • خلاف مرادمز ونقیض داعیهٔ
نهادمز اولان یوله کتدی • لباس اعتباردن عاری اولوب پلاس افتقار دربر
قلدی افسر عزتی ترک ایدب معجر مذلت برسر قلدی • آخر کار بر یتیمک سلسلهٔ ازدواجنه
مقید ورشتهٔ عقد امتزاجی برله معقد اولوب مابینمزده اولان کمال مخالفت محض
مخاصمت • وانواع مصادقت عین منازعت مبدل اولدی • من بعد صورت تلاق آیینهٔ
وفاقده کورنمک مستحیل • وشکل اجتماع خانهٔ معارنتده چهره نما اولمق متصور دکلدر
بزی عالمزده قوسون • وکندو عالمنده اولسون دیو واران قاصده عزت ایتمیوب
کیرو دوندردیلر • بو اسلوب اوزره علاوت انگیز خبر ارکوندردیلر • حضرت خدیجه بو
سوزلردن کمال درجه ده غمگین ومحزون • ونهایت مرتبه ده ملول وپر فتور اولدی •
ناگاه بامر اله دورت خاتون سعادت مقرون ظاهر اولوب حضور پر نور السرور لرینه
وصول بولدی • هر بری گندم گون ودراز بالا صورت وسیرتده زنان بنی هاشمه بکزر

اما نظری متعلق اولدقده جوف قلبی خوف ایله طولدی حملدن بری تقدیم ایدوب
غم بیمه و اندوهناک اولمه که بزی سکا حضرت کوندردی امر ولادت شکایت بوجه حوالت
ایلک دیو بیوردی بن بیچاره ساره یم بو مریم در والدهٔ عیسی صادق و بو در
بو موسی نک همشیره سی کلثوم بنت عمران بو فرعونک زوجه سی آسیه قوة العالمین
در برنی یاد ایلمه سنکله قرنداشلرز جنتده دخی قرین و همنشین اولجق یولداشلروز
دیوب اول خواتین عفت آیین لبن دلسبار نده وبش دلپسنده اوتوردیلر
بایهٔ خدمتنده ملازم و مرتبهٔ عبودیتده قایم اولوب طوردیلر مدت حمل اتمام
ایروب ولادتنک زمانی یتدی اول سلالهٔ پاک مانند مهر تابناک مطلع سراپردهٔ عصمتدن
طلوع ایدوب برج مهد کرامته عروج ایدوب بیت براسمان رسالت هلالی از نو
یافت به بوستان نبوت کلی از نو شکفت مر اهالدم اول وجود پر جود داول مولود
محمود الورود درخ پر نور قوی اللمعانی ساطع و درخشان اولدیکه انکله مکه نک
خانه وکاشانه لری صدور اولیا و قبور انبیا کبی پر نور و ضیا اولدی و غلغل عزی
غربده و شرقده اول نور تابانندن روشن اولدق ولعهٔ درخشانندن روشن
بولمدق مقدار سواد دیده تیره و تار بر یر قالمدی بیت بونجه اختر فرخنده فر
اولور یارب که نور طلعتی ایله بروج فضا منیر م مرویدر که حق تعالی اول معدن
بنوتک مأمن شریف جنت اساریه داول کان رسالتک مسکن منیف بهجت
اقرارینه جنت اعلادن حوری کوندردیکه هر بری نک روی روشنی شمس و قمردن
انور و بوی تن و بهار احسنی مسک و عنبردن معطر ایدی واللرنده اولان طشت الفتابه
مصرع صفاده طعن ایدردی افتابه و زلال جنت ایله مملو یعنی اب کوثر ایله طلو
ایدی خواتین اربعه نک بری خدیجهٔ کبرانک اوکنده او نورشن ایدی فاطمهٔ الوب
اول ابلطفه بر له یودی و بر سفید و پاک پارهٔ کرباس عطرناک ایچنده صردی و بر
پارهٔ اخرکه روایح طیبه ایله معطر ایدی مقنعه سر تلنلدقدن صکره حضرت خدیجه نک
الرصونوب خذیها یا خدیجة طاهرة مبارکة فیها و فی ذریتها دیدی دقو جاغنه

قودی

قودی یعنی آل ای خدیجه بو ولیدهٔ سعیده وطفلهٔ حمیده نی که برکت ویرلمشدر
کندونک ذات بهیه سنه و ذریت زکیه سنه وتملان خاتونلر مراسم تهنیتی ولوازم حکمتی
مؤدی قلوب کتدیلر مصرع عالم بالایه عروج اتدیلر حیان اول آننده سیدالنس والجان
وسند عالمیان روی خندان وبشاشت فراوان ایله اچروکیروب اوتوردیلر
چهرهٔ کلامک نقابن کتوردیلر ای خدیجه اکبری بو وجوده کلن دختر سیدة النسادر
نام فاطمه و کینتی ام محمد ولقب راضیه و مرضیه و میمونه و زکیه و بتول زهرادر بونک
فضایل بسیار و مناقب بی شماردر روضة الاحبابده خامهٔ صحت ایله محرر دکلک
صراحت بر له مسطردر عایشه دن سوال ایتدیلرکه مفخر انبیا طایفهٔ نسادن کیمی زیاده
سوردی ایتدیکه فاطمهٔ زهرایی ایتدیلرکه رجالدن ایتدیکه زوجی علی المرتضی یی بر کون
حضرت رسالت اصحاب کیوان منزلتدن استفسار ایلدیلر عورته لایق و عصمته
موافق نه در جواب صواب مالک تحقیقده متحیر و تدقیقنده متفکر اولوب سکوت ایتدیلر
علی خانه سنه واروب صورت مسئله یی فاطمه یه تقریر اتدی اول خاتون سعادت مقرون
جواب ویروب ایتدی نسایه اولی و ادنق و اروی و الیق اولدرکه مردان بیکانه یه
کورنمیه لر و انلر دخی انلری کورمیه لر علی فی الحال مجلسه کلوب صورت مسئله تصویر
اتدی مسموع شریفلری اولدقده وجه اوزره تقریر قلدی حضرت بیوردیکه بونی سکا کم
اوکرتدی دیو کنج نهادی کم فتح ایتدی فاطمه تعلیم اتدی دیو جواب ویردی اول حضرت
یعنی فاطمه بندن بر پاره در دیو بیوردی و نسخهٔ ارشاددرکه
هرکیم که فاطمهٔ سعادت خاتمه یی اننده مردود در درکاه صمدانی دن مطرود در وهرکیم
که راضی و خشنود در بارکاه سبحانی ده ممدوح و محمود در عجبا فاطمهٔ زهرا اجر اولورمی که
فرزندان سعادت عنوانک قاتللرینه و بونک کبی کار زشتک عاملرینه غضب
ایتمیه یا اول طایفهٔ شقاوت مالک جزای اعمالی و سزای افعالی و بر ملکی حقدن
طلب ایتمیه حضرت فاطمه قاتل اولادندن رضا بولمق احتمال بعیددر زیرا کشی دشمن
جانندن و خصم لی ماندن خشنود اولمق فکر غیر سدیددر یعلم الله اول ظالملردک

عذرلری مقابلەسندە عذرلری مقبول اولیوب عاقبتلری شامتنە وخامتلری
وخامتنه ایرمک قسم اولنوب لهم فی الدنیا خزی ولهم فی الاخرة عذاب عظیم مثنوی
شومکم قتل ایده اولاد رسولی • اوزینه خصم ایده روح بتولی • نجکم حضرت حق اوله
قاضی • نه وجهیله ایده خصمینی راضی • ذکر عذر ایلیه یوم الجزاده • اولور عذری گناهندن
زیاده • نثر برکون رسول رب العالمین غزات موحدین ایله غزای سعادت افزایه عزیمت
ایتدیلر • علی مرتضی بیله الوب بیله گتدیلر • اول حینده حسن و حسینده استطاعت حمل سلاح
واستعداد محاربه وکفاح اولمامغین خانهٔ عزت مدارلرنده قرار اتشلر ایدی • برکون
حسین خانەدن چقوب آب روان گبی مایل اولدوغی سمتی طوتوب گتدی • آخر اطراف
شهردە اولان نخلستانه یتدی • اول طفل بر جهودی صالح بن رقعه نام یهودی الوب
فارسندە پنهان ایتدی • وقتی کە حسین مثال جوهر جان عیاندن باهرەدن نهان اولدی
والدهٔ غمدیدە سنک جزع گبی اینی درناب ایله طولدی • بنجه دور و دراز فکر ایتدی آخر
دونوب حسنه ای جان مادر • دیمایهٔ شادی دل غم پرور طلب برادر ایچون دست
همتیله ساق عزمی تشمیر ایله • اول گوهر مفقودی الە گتورمکە تدبیر ایلەکە سیلاب
دمان غمدن بنیان طاقتم خراب • والتهاب نیران حسدن • دل مجروحم کباب اولمشدر
گلدن دم حسن فرخندە جمال • مثال نسیم شمال • اییق گوتوروب اطراف شهری گرد باد آسا
دونە دونە جست وجو ایتدی • دوان ستایان روان اولوب نخلستانه یتدی
یا حسین بن علی یا قرة العین بنی قانده سن • ونه کانده سن • دیو صدای اعلا ایله
ندا ایتدی قطعا بر گوشەدن پیدا • ومطلقا بر طرفدن خبر هویدا اولمدی بیت
دلا تمام بردی رەملی غایبی • نجات جویم ای جان زکه بر سمت کجای فرنا گاه اول
جایگاهدن بر آهوی بلنک اشتباه ظاهر اولدی • حسن صاحب نظرک تیر نظری متعلق
اولدی یا ظبی هل رایت حسینا خطابی زبان فصاحت بیاننده جریان بولدی •
اول غزال سنه آهو عنایت حضرت الله وبرکت میمنت رسالت پناه برله گفتاره گلوب
ایتدیکه • ای نور دیدهٔ فخر البشر • دی سرو سینه اجیدر زخم سنز الحام غایه پوشیده

قلیه

قالیه • وخاطر عاطر شکل کندن نور دیدە اولمیه که صالح بن رقعه نام یهودی حسینی
الوب فارسندە پنهان • وکاشانەسندە نهان ایتدی • اول گنج نهانی صالحکی بر سینەدن
داول در گرانمایه انک درج کاشانەسندن طلبکار اول • بس امام حسن بلا تاخیر صالحک
دار قرارنه واروب من طلب شیئا وجد وجد • ومن قرع بابا ولج ولج • مبتغاسیچە اقدام
واهتمام • وجد ما لا کلام برله صالحی طشره چقروب عتاب جانسوز ایله خطاب
ایدوب ای طالح صالح نام • ایا یا انکرده نه حادث اولدی که بو مقوله فعل ندامت
انجام صدورنه باعث اولدی • امدی بی اهمال واهمال برادرم حسینی گا تسلیم
ایله یوقسه مادرمه اعلام • وپدر وجدمه عرض وافهام ایلرم • درگاه میسر المآرب
وبارگاه واهب المواهب قبلەنه سوز وگداز ایله عرض نیاز ایدرلر آسمان قضادن
باران بلا • وکمان بی کمان قدردن ناوک عنا نیعلربت روی زمینده موجود
اولان جهود عنودی کلیا نابود ایلرلر صالح حسنک اقلامی ایله کفت وکوینەدن
متحیر واهتمام برله حجت جوینەدن متفکر اولوب ایتدیکه ای پسر پر هنر مادر وپدر
وجدک کملردر ایتدیکه مادرم • زهرهٔ زهرا • بضعهٔ رسول خدا • درهٔ صدف عصمت
غرهٔ چهرهٔ علم وحکمت نقطهٔ دایرهٔ مناقب ومفاخر لمعهٔ ناصیهٔ محامد ومآثر •
ومادر سادات • منبع سعادات • بتول عذرا • فاطمهٔ زهرادر • پدرم شیر بیشهٔ
یزدان • سرحلقهٔ زمرهٔ دلاوران شهسوار سیر سرایله حرب • دیرتی کردار
شمشیر آتش تاثیر ایله حرب قلیچی • دقبلتین دە رسول خافقین ایله غازا اولدی
وشب غاردە • بدر آسمان اصطفا ایچون کندو جانن فدا ایلدی • کرار غیر فرار
اسد الله غالب محور فلک مواهب علی ابن ابی طالبدر • جدم عندلیب گلستان
وحدانیت • وطوطی شکرستان فردانیت • رسول ثقلین • امام عالمین • سید
کونین نظام دارین • مقتدای حرمین • پیشوای اهل مشرقین ومغربین در •
حسنک طلاقت زبانی • وفصاحت بیانی • دل وجان صالحی ربوده وایلنهٔ قلبندن
زنکار کفر وانکاری زدوده قلدی همان دم نقد اختیاری • وعنان جبر وقراری

کف اقتدارندن جقوب کتدی آب روان مثال و برک خزان کردار اول بهرد
بوستان کرامتک پاینه دوشدی و ایتدی **قطعه** بوکوندن بوینی بغلو
بندکی اولدم • اسیر ایتدی بنی بو خلق و خویک • کیدردی ظلمت کوزی طوغلان
سپهر دلده مهر ماه رویک **مصراع** ای سر دفتر فنون مکرمت • وی فهرست صنوف
محمدت • مکارم اخلاق کریمه و مراهم اشفاق جسیمه کوزدن متمنی و مامول و مسترحی
و مسئولدر • برادر سعادت مقدم تسلیمندن اقدم کلمهٔ طیبهٔ شهادت تلقین
ایدرسن • تاکه قلادهٔ احکام اسلامی کردن جانمه طوق قلم • و مذاق ایمانمه شهد
تشهددن ذوق المم • حسن طوبی خرام عرض اسلام ایلدی • صابح کمال اخلاص ایله
مسلمان اولدی • هماندم سینه سی رحیق توفیق ایله طولدی • نهال دینه کیرب
حرمت کامله و عزت شامله برله حسینی طشره چقردی • وزربن قدح مثال بر طبق
سیم و زر احضار ایلدی • اول ایکی سرو سیم اندامک فرق فرقدان فرسالرینه
ازهار بهار کبی نثار ایلدی • اول ایکی طفل ذوی المفاخر عمل صالحی پسند ایدب
راضی و شاکر وداع اتدیلر سرعت تام و استعجال تمام برله مستقر سعادتلرینه کتدیلر
وقتی که والده لری حضورینه ایردیلر واقع اولان ما جرای علی ما جری تقریر و صابحک
نه صورت ایله مسلمان اولدوغنی تصویر ایلدیلر فاطمه خاتونک غم مسرته والمی
فرحته مبدل اولدی **بیت** بو زاری کورمک ایله دیده سی پر نور اولدی
کوش ایدب سوزرینی سینه سی مسرور اولدی **نثر** بعد الایام صابح فرخنده انجام
قوم و قبیله سندن یتمش نفر نام کسنه مسلمان ایتدی • و اعلام اسلامی انکار
و کلبانک شهادتی تکرار ایدرک • حضرت فاطمه نک عتبهٔ ثریا منزلتلرینه ییتدی
خاک آستانه سن لب ادب ایله تقبیل ایدب • مجلس شفیدن زمین عبودیته سوردی
و بنده وار ال بغلیوب مقام رقیبنده طوردی • و هزار توبه و انکسار و انابت
و استغفار ایله ایتدی • ای سر برارای بارکاه عصمت • وی زینت افزای تختگاه
عفت • بن بندهٔ بی دولت • و جاکر کم استطاعت کمال جهل ایله بر عظیم کناه

ایتدم • یعنی فرزندن شکر خندک او مه آلوب کتدم • کرچه مهر تابان عظیم اللمعانک
خانهٔ ویرانهٔ فقرایه طوغمیله علو شاننه ذره جه زیان ایرمز **بیت** سنکی لعل اتکله
مهر جهان ایرمیه نور نه بر ذره زیان • و باران عمیم الفیضانک مزرعهٔ ضعفایه
یغمسیله فیض بی کراننه بر قطره نقصان ایرمز **بیت** عجب اولمز ایده ابر بهار فقرا
مزرعنه قطره نثار • اما بی اجازت بو نوعله جرات و جسارت صادر اتدوکمه
بی حد نادم و پشیمان اولدم • والحاصل کافر ایدم مسلمان اولدم • متمنادرکه بو فقیر
ناکزیر و بو حقیر پر تشویردن • صادر اولان زلکار جرمیمی آینهٔ خاطردن صیقل
عفو و اغماض ایله محو • و تمام کناهی هوای خاطردن • باد صفح و اعراض برله محو قلمغه
احسان اولنه **بیت** شول کنهدن که کوکل تر ساندر • لطفکه عفوی انک آسانذر •
فاطمهٔ زهرا بیوردیکه بن حقمی اسقاط اتدم • اما انلر فرزند مرتضی ذرلاز مدرکه
انلردن رضی جوی اوله سن تاکم سقامت حالکه • و علت افعالکه بجار خاطرعنا یتلرندن
دوا آبوله سن صابح بیچاره شول زمانه دک صبر اتدیکه • اول اختر برج امامت • و اول خورشید
انور اوج کرامت • منزل عالی سنه عودت ایتدی • شرف نزول • و عز حلول برله مقر
سعادتنه ییتدی • صابح حضور کرامت موفورلرینه مشرف اولوب • حدیث سرکذشتی
روایت • و قصهٔ پر غصه درونی حکایت ایتدی • و حبل المتین اعذار و استغفاره
تشبث ایدب تضرع تام برله ایتدی العفو مع القدرة افضل فضایلدندر و ستر هفوات
اکمل خصایلدندر • مرجودرکه بو خاطی و جانی نک جرایم جرایمنه • فاصفح الصفح الجمیل
مقتضاسنجه رقم عفو • والعفو عند کرام الناس مقبول • مبتغاسنجه قلم صفو چکه رحمت
ایده سز • مروت سنک شانکده بر آیت • و فتوت احادیث احسانکدن بر روایت
در **بیت** انکم حضرتک اوله شفیع • نکلدن یوجه در قدر رفیع • اول منبع مروت
اتیدیکه صابح بن حقمدن فراغت ایتدم • و حبر خنجر و جر ایکلدن کچدم • اما انلر حلال
اسماع رسالت و نهال کلستان جلادت در • حضرت رسالت پناه حضورنده عذر
خواه اولاسن یدر عذرک قبول ایلیه • کناهک بخشلیه • غایتنه وارب زبان روشن

بیان ایله درد درونی عیان • وحال حرقت مآلی اعلان ایتدی • وعذار اعتذاری
فاک مذلته سوردی • ورخسار انکساری زمین ندامته اوردی • امید عفو شاملی
ورجای علم کاملی برله ایتدی مثنوی کنهکارک جو کس دستکیری • قبول ایت
لطف ایدب عذر حقیری • خطار دینه عذر اولمه مرحم • قالوردی چاره سوز
حوا وآدم نثر اول حضرت بیوردی که ای صاحب • بنم یانمده رجا وملتمسک حاصل
اولوب • خدنک مقصودک نشانهٔ اجابته واصل اولدی • لکن بونلر مقربان درکاه
پادشاه بی زوال • وبرکزیده کان قادر بر کمال در • اکر خدای معبود سندن
راضی وخشنود اوله • جملهٔ خسران دنیانک سود اوله • صاحب تیره روزکار
مانند سحاب نوبهار اشکبار • ومثال رعد نعره‌دار • نالان وزار اولوب کرد باد
اسا باشنه خاک مجوب • دامن صحرای دوتوب • دشت وهامونی کشت ایتدی
او عزیزی کون باد وزان کبی • افتان وخیزان • داير وساير اولوب اشک
ندامتی زیر زمینه • وآه انابتی چرخ برینه ییتدی مثنوی کنش کبی کیدردی شویله
بی زاد • ایدردی باد کبی آه وفریاد • نثر دل نالانی رعد آسا پر افغان • وچشمی
ابر نیسان وش درافشان • آخر ناصیهٔ تضرعی درکاه شنوندهٔ مناجات
وجبههٔ توقعی بارکاه عالم السر والخفیات قبلنه دوتوب ایتدی غزل آه کم
بن اولو کناه اتدم • سربسر حالمی تباه اتدم • نامه وش سهو یله یازوب یا کلوب
نامهٔ بختمی سیاه اتدم • دکله حالم که آه لا اشکم • دعوی صدقمه کواه اتدم
لطفک استناد ایدب یا رب • ینه درکاهکه پناه ایتدم • اومرم کر ایده سن
کناهمی عفو • لطفکه چونکه عذرخواه ایتدم • اون سکز بیک کون نامهٔ تضرع و
ابتهالی • انی اجیب دعوة الداع اذا دعانی • بشارتی ایله معنون ومشرز
وجامهٔ انابت وامتثالی • والله یجتبی الیه من یشاء ویهدی الیه من ینیب
اشارتی برله معلم ومطرز اولدی • هی ندم بیک معبود جبرئیل خجسته درود
حضرت رسالته کلوب ایتدیکه • ای رسول شفاعت عنوان • فرمان مبدع

کون

کون ومکان • وامر مخترع زمین وزمان • بو منوال اوزره نفاذ وجریان بولشدر که
اول پر شکسته بالی • واول درد مند برکشته احوالی • خدمت شریفکه دعوت ایده سن • و
خاطر فاطر ملالوب کرکی کبی رعایت ایده سن • بارکاه غافر الذنوب ودرکاه
ستار العیوبده • توبه وانابتی مقبول • وتضرع واستکانتی محل رحمته موصول در
ای یاران خرده شناس • وای خلان معارف اقتباس • بو معنی عبرت آثاره نظر
ایلک که • بر کافر بو قدر خطا ایتدی • که حسینی اونه الوب کتدی • بو جسارته دخی نادم
وپشیمان اولدی • نهر آرا انابت وندامت ایله مسلمان اولدی • حضرت خدا تعالی حکمهٔ
جون وجرا دیوان خانهٔ لاظلم الیوم ده فرمان فرما اولدقده اول طایفهٔ ستمکار
وغدارک • واول زمرهٔ ستیزه کار وبدکردارک سجل اعمالی • ودفتر افعالی عرض
والقا اولندیغی عذاب رب الارباب • وعقاب مسبب الاسبابه • نیجه مظهر اوله لر که
فرزند ارجمند سلطان انبیایه • ودلبسر دلپسند فاطمهٔ زهرایه زهر ویرب جبار جکرن
یتمش ایکی پاره ایدب • وجود شریفن کنج کبی دفین مطمورهٔ تراب ایتدیلر • وجکر کوشهٔ
علی المرتضی یتمش ایکی اولاد واجدادی • واحفاد عالی نژادی برله تنور کرمای کربلاده
آتش عطش ایله کباب ایلدیلر قطعه ای کمربسته بخون ریزی اولاد رسول •
هیچت آخر ز خداوند جهان شرم نبود • هیچ اندیشه نکردی که رسول ثقلین • از پی
حرمت ایشان چه وصیت فرمود • آه از آن دم که کند فاطمه از جور تو داد • مصطفی
بر تو غضبناک وعلی خشم آلود • حضرت ذوالجلال • وملک لایزال • کلام قدیمنده وکلام
واجب التکریمنده بیورر که • فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شرا
یره مثنوی بو بله در دور الی زمان ز پیش • کشتی نا تسه بولور انی حیش • فیروشر
هر کم اوله کاری • ابر شور ذره ذره اثاری • حضرت فاطمهٔ نک مناقب عالیه ومراتب
سامیه لرندن بری بودر که حذیفة بن الیمان علیه الرحمة والرضوان • ایدر رسول
خدا • بعد العشا حجرهٔ مطهره سنه روان اولدی • بن دخی بیله کتدم • داعیهٔ خادم
اول ایدیکه • اول وجود پرجودی تنها بولم • پدر ومادرم فتنده دعای خیر قلدیم الم

ناگاه کذرکاهدن بر شخص پیدا اولوب اول حضرته ملاقی اولدقده قرار آلمدی وجد
الکاله غایب اولوب کتدی اول سروبی سایه کیم روش ورفتاره کلوب بو خاکسار
دخی سایه وار ربای سعادت پایلرینه دوشوب کیدرکن خلف شریفلرینه ناظر اولوب
طوردی یا حذیفه سن میسن بلکه کتمکدن مراد که ندر دیو صوردی ایدم که جریدهٔ
احوالمز خاتم شفاعتکله مختوم ونامهٔ اعمالمز رقم عنایتکله مرقوم بیورلق رجا ایدرز
اول اجلدن کام شریفکه دوشوب کیدرین دیو دعا ایلدی دونوب
زبان روشن بیان ایلا ایتدی یا حذیفه الآن هویدا اولان شخص بر ملکدرکه هرکز
ملک زمینه نازل اولمامش وقطعا روی ارضه وصول بولمامش حالا کلوب خدای
حی لا ینامدن سلام کتوردی وبو بشارت مسرت غایتی سرحد بیانه یتور دیکه فاطمه
سیدهٔ زنان بهشت پربهجت در حسن وحسین سید شباب اهل جنتدر **حضرت**
انس بن مالک رض روایت ایلدوکی احادیثدن درکه حضرت فخر عالم صلی الله علیه
وسلم بیورمشدر حسبک من نساء العالمین مریم بنت عمران وخدیجه بنت خویلد وفاطمه
بنت محمد وآسیه امراة فرعون یعنی فاطمه خاتون ایتدیکه زنان عالمیاندن سکا
بو عزت سرمایهٔ مفاخرت یترکه مناقب عالیه ایله ممتاز ومفاخر سامیه برله سرافراز
اولان خواتین عفت آیینه دن اولاسک که انلر مریم بنت عمران وخدیجه بنت خویلد
وفاطمه بنت محمد وآسیه زوجهٔ فرعوندر حسن عسکریدن منقولدر
سرحلقهٔ موصولدرکه چون آدم وحوا خلق اولوب نظر عشق وعشرته بنیاد اوردیلر
بزمکاه دار السلامده بادهٔ شوق ومحبت ایله ساغر ذوق وصفا سوردیلر آدم حوایه
باصرهٔ محبت ایله نظر ایدوب ایتدیکه ای انیس غمزدا وی جلیس خلوت فزا دست نقاش
قدرت لوح وجوده سنک کبی بر خوب صورت رسم ایتمش دکلدر وبو کلشن بهجت افزاده
فدکلکونک کبی بر لالهٔ زیبا وقد موزونک کبی بر سرو دلارا ایتمش دکلدر **بیت**
قدوقدولبک جمله برنده ایکی موزون ایکی شیرین ایکی خوب **القصه** امر باری
جبرئیل بو منوال اوزره جاری اولدیکه بونلری فردوس اعلایه ایلتدی چون آدم وحوا

فردوس اعلایه ایردیلر بر دختر سعد اختر کوردیلرکه انوار رخساریندن عیون ازهار
جنت منور وبوی دلجوی زلف عنبر بارندن دماغ حور وولدان معطر نه دامن پاکی
تقبیلنه حوران جنانک الی ایرشمش ونه دیدهٔ انسان چشم شهلاسنک قیاسن کورمش
حشمت تام وعزت تمام برله بساط انبساط اوزره اوتورمش وحوران فردوس
اعلا مقام خدمتنده صف صف اولوب طورمش وباشنه بر تاج سعادت نتاج اورمش
اکوشنه نوردن اکی کوشوارهٔ وباغ طقنمش **بیت** نورخ نمودی وعالم تمام نور
کرفت زنکر خویشتن آدم سبی نفور کرفت **نظم** آدم که بو نور موفوری کوردی کندو
رای پر قصورندن نفور ایلدی ودونوب جبرئیل امینه ایتدی ای برادر بو دختر نه دختر
درکه فروغ شمع جمالی درون بهشت بهجت مآلی نورانی قلمش جبرئیل ایتدی بو فرخنده
اختر فاطمهٔ زهرادر وختر حضرت محمد مصطفی در سنک نسلکدن پدر عالیشانی سر
حلقهٔ سلسلهٔ رسالت وخاتم مصحف نبوت اولجقدر **بیت** تحکوی جهانده انی جان
اولسه کرک بعمر آخر الزمان اولسه کرک **نظم** ایتدیکه بو افسر قیمتدار وبو کوشوارهٔ تابدار
نه در دیدیکه باشنده کی تاج رواج لفزا زوجی علی المرتضی در ومساح شریفنده
که منکوش بی همتا پسرلری حسن وحسین فرخنده لقادر سن وجوده کلمزدن اول درت
بیک ییل مقدم غوامض علم ربانیده مکنون ومحجب مغیبات حملانیده مصون ایدی
قطعه آندم که خانه بر سر کوی تو ساختیم آدم هنوز محرم خلد برین نبود اندم که
ما بار امانت در آمدیم جبرئیل با فزانهٔ رحمت امین نبود **عایشه خاتوندن منقول**
در فدک حکایت نشانهٔ بهجه موصولدر برکون سید انبیا وسند اصفیا برکسای
پشمینه یی در بر قلوب وحسن وحسینی وعلی وفاطمهٔ دخی زیر کلیمه داخل ایتدیلر ودهان
معجز نشان احوب زبان روشن بیان برله ایتدیلر انما یرید الله لیذهب عنکم
الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا اهل بیت رجسدن مطهر ایدکلرینه بو آیت کافی در
وپاک وپاکیزه اولدقلرینه بو معنی وافیدر وبو درد کشا تده بیوردیکه انا حرب
لمن حاربکم وسلم لمن سالمکم بو معنی یکه تصحیح اولدرکه بن حرب ایدرم اولکسه ایلکه

سزکله حرب ایده وصلح ایلرم شول کمسنه ایله که سزکله صلح ایلیه فاطمهٔ معظمه سکزییل
مکهٔ مکرمه ده پدر عظیم الاثرلری خدمتنده اولوب اول حضرتدن آلاف کرامت
علیه واصناف مقامات بهیه نقل ایدرلر فاطمه خاتونک سوز سرور افزایه وزفاف
بهجت غایه قدر وشرف ویردوکی وحجلهٔ عروسی قدم پر کرمیله مشرف وعلی تلادیمی
فخر کرامت اثردر وکتب معتبره نک اکثرنده مسطور ومحرردر برکون مظهر الطاف
کردکار یعنی رسول معجز آثار حرم کعبهٔ رحمت ملاذده دیده دور برکوشه ده قرار
اتمش ایدی اتفاق طایفهٔ قریشدن برالای زنان زهره جبین دبرجوق خواتین
عفت آیین حرم محترمه داخل اولدیلر کی ثریا کبی عقد کردن بند ایله اماسنه دکی حور صفت
نطاق زرین برله پیراسته کی ماه مانند عنبرینهٔ زرینه طقنمش کی لالا مثال جامهٔ حریر طول
کینمش تزیین تام وپیرایهٔ تمام ایله کل سوری کبی خندان وغنچه مانند تبسم کنان
حضور حضرته کلوب ایتدیلر یا محمد اکرچه دین وملت وآیین وشریعت واسطه سیله
نعمت محبتکدن مهجور ولی النصیب اوز اما جاذبهٔ جنسیت وداعیهٔ قرابت رابطه سیله
غایتده قریب اوزز امان مراد نهاد اولدرکه سررشتهٔ عقد تعلق الی یوم التناد
انقطاع بولمیه وداعیهٔ فواد بودرکه خط وداد صحیفهٔ اتحادن آب کدورتله ابد
الاباد محو اولمیه ضمیر منیر وخاطر خطیر کوزه که مشکات انوار جبروت ومرآت اسرار ملک
وملکوتدر مظهر ومستتر دکلدرکه خالقامی سالف متواتر اولکلن شیمهٔ قدیمهٔ
مستمره مز وطریقهٔ انیقهٔ مستقرمز اوزره لوازم عرس حاضر ومهیا واسباب زفاف
کلیا موفردر میامن عواطف عمیمه کوزدن مأمول ومحاسن عوارف جسیمه کوزدن
مسئولدرکه کریمه کوز فاطمه خاتونه رخصت ویره سز یعنی شرف اجازت ارزانی بیوره
سزکه مجلس سور مقدم موعود السروریله کلشن ومحفل پرحبور نور حضوریله تزیین ورونق
اوله اول حضرت بوحالک مآلن تأمل اتدی بعد زمان سر سعادت افزین قالدروب
ایتدی سزدرکه بن دخی وارب فاطمه ارسال ایده یم بیلشادان وفرحان قیام
ایدب کتدیلر فخر الابرار دخی چشمهٔ جان کبی روان اولوب دار القرارین مشرف

ایندیلر وفاطمه اکا طلاقت زبان ملایمت ایله دعوت ایدب حسن ملاطفت برله ایتدیلرکه
ای جان پدر صغیر وکبیر وجلیل وحقیر کل کلر آسمان کبی مهر آن کلر یوز کوسترمک
خاصهٔ لازمه وجفای اعدای وفای احبا ایله مقابل وزهر نفاقه تریاق وفاقه معادل
طوتمق عادت دایمهٔ دایمه دندر بیت جنک باید دید وانکار دید صلح زهر باید
خورد وانکاه بدقند بر حالیا زنان ذوی الحسب وخواتین حشمت آیین هاشمی نسب
کلوب التماس ایلدیلر تاکم سن انلرک خانه لرینه واروب حجلهٔ زفافلرنده حاضر وجلوهٔ
عروسلرینه ناظر اولاسن بن دخی قبول ایتدم ایتدیکه امر خدانک ورسولنکدر
بن بندهٔ فرمانم ومحکوم حکم عالیشانم بیت مرا توجان عزیزی شاه محترمی
بهرچه حکم کنی بر وجود من حکمی اما بن نیجه قفتان دربر وناصل بچه برنر قلم که انلرک کی
مانند شمع شبستان وماه تابان قاش برق شامیدن قبالرله محلا ومثال الماس
دیدهٔ عقد جواهر ابدار برله مجلا دکمکل مطبق کبی قت قت جامه لرله آراسته وپیرهاء شغال
صفت قبای سنکا ایله پیراسته وهر برینک عنبرینهٔ زرینه لرندن اولان یاقوت
رمانی ولعل بدخشانی آیینهٔ آفتاب کبی ملون ورخشنده در وشب چراغ ماهتاب
کبی منور ودرخشاندر بن بو جامهٔ پشمینه وازار کهنه ایله وارسم دیدهٔ استخفاف
ایله نظر ایدرلر فلاحن استهزا برله سنک طعنه اترلر دعوتدن مرادلری موافقه
ومصادقه دکل بلکه منافقه ومخانقه در زیرا زن عتبهٔ بر جهل سعایت وغمز ایله
معروف ودختر سیبه وخواهر ابوجهل مذمت وهجز ایله موصوفلردر وسایه کردام
یانلرنجه زنان زیان صورت وآدمی شکل ودیو سیرت کسنلر واردر خصوصا
حمالة الحطب که هیمه کش آتش کین حقد وحسددر اول سببدن فی جیدها
حبل من مسد در وزن ابوسفیان که کثرت مال ونعمت ایله مفتخردر کینهٔ
دیرینه برله اندن اشلدر سابقا بونلر واله مک خدمتکاری وحرم محتشمک
پرستاری ایدیلر حالا هر بری مهر جهان کبی اکلیل مصنع وآسمان صفت جامهٔ
مرصع کیرلر وماه آسا بالش زرنکارده اتکا ایدرز بو حقیره یه پوشش تن اولان

جامه‌نک آستین وکریبانی ژنده فلک کبی مرقع وستر بدن اولان ازارنک هر بری
پرده‌ٔ عنکبوت مثال دلک دلک مقطع در بنی کام دلهاداری ومرام فؤادلری
دخی کوردکده بو دختر گجون لباس محقر وپلاس پشمینه دربر قلمش والده‌سی
پدرنه عقداولندقلرده عقد کردننده اولان جواهر قیمتدار ومروارید شاهوار
خراج مملکت دکردی وتاج بهجت نتاج مرصعنه خورشید جهان باشن اکردی
درزانلر طریق پندارندن وجاده‌ٔ استکبارندن برقدم ایلرو کتمزلر صورت
پرستلردر وجه من الوجوه معنی یه نظر ایتمزلر **بیت** حال دلدن نجه آکاه اولسون
اول صورت پرست هرکه صورت اهلیدر معنیدن آکاه اولمدی **نثر** بر نهال که
کلی را حمدیده نشو ونما بولوب قد چکمش اوله شکوفه‌ٔ بهار ولاله کهسار کبی
خویشتن آرالق ملاحظه‌سی خاطر کبیرنه مستولی اولمز وبر هلال که اوج سپهر تحدیده
بدر اولوب کمال بوله ماه آسمان وکوکب درخشان مانند خود خالق دایره‌سی
عیوق ضمیرنه یول بولمش وبو زیور دنیایه فریفته بلکه کلیا متاع بی ثبات
دنیایه شیفته اولمز **بیت** علائقدن درونن ایتمین صاف نه لایقدر حقا ایلدن
اوره لاف **نثر** تولیدی مادر نجسته محضرم حیاتنده اولیدی بونلر بو داعیه‌ٔ
فاسده‌ٔ ظهوره وبو خیالات کاسده‌ٔ صدوره کتورمزلردی دیوب کلزار
رخسارنه نرکس بیدارندن شبنم بی شمار آقندی اول خلوتدن کریان اولوب
ایتدی ای جان پدر وی نور بصر ساحت خاطرک مغبر وچشمه‌ٔ ضمیرک مکدر
اولمسون که لباس فاخرک ودر وجواهرک براتجار وشکوفه‌ٔ بهار قدر وقیمتی
واعتبار ورغبتی یوقدر بو خارستان دنیای ادنی که انلره کلستان فردوس
اعلا کورونور اول اجلدن سبزه زار خلوتده وکلزار غفلتده مانند
بوستان افروز رنکین حله‌لرله عز ونازده ونرکس مثال زرین تنک جامه‌لرله
طاوس باغ صفت جلوه واهتزازده دررلر بوکون جواهر ابوجهل کردننده
اولان طوق زرین برینه یا رب اغلال آتشین اوله کرک بوننه لاله کردار بر

تف

تف وتاب اولوب جای قراری کوره‌ٔ نار اوله کرک ودختر عتبه که تمکای
عزت دنیای ناپایدارده طیانور دارکان عیش وعشرت وبنیان ذوق
وصحبت بردوام اوله صنور آخر عتبه‌ٔ عتابه کتوررلر جزای کردارین کوستررلر
دیرایکن بیک رب جلیل یعنی حضرت جبرئیل کلوب سلام کتوردی ومراسم تحیت وتسلیمی
مقام تعالاسنه یتوردی وایتدیکه حضرت عزت بیوردی فاطمه‌یی اول سور مسرت
موفورنه ارسال ایتسونلر که قدوم فیض رسومندن وانفاس میمنت موسومندن
حالات عجیبه وامور غریبه حادث اوله کرک وحاضر اولان زنانک اکثری کمند کرامتنه
صید اولوب قید کفردن خلاص بوله کرک رسول ذو الجلال فرمان مالک الملک
بی زوال نه منوال اوزره جریان بولدوغنی عیان ایتدوکده فاطمه خاتون
ایتدیکه ای مفخر بشر وشمع جمع محشر چونکه امر ملک الغفور بو نوعله صدوره بولدی
بعد الحین تأخیر وتسویف محالدر دیوب مانند مهر جهان فرد ویکانه روانه
اولدی **بیت** کسته یا قمر کوزلرینا شور شعله‌ٔ نوره اکر تنها روان اوله نه غم
خورشید رخشانه **کتورمشلردرکه** کر دختران قریشک دیده‌لری جام کرداز
روزنه‌ٔ اصطبارده وکوشلری حلقه‌ٔ دار در انتظارده ایدیکه دختر خیر البشر
مقنع مقطع ایله مقنع وبرقع مرقع برله مبرقع مجمع زفافه کلسه کرک وبزی حلیه حله
برله محلی وجواهر مزیا قوت زرد افتاب مثال مجلا کوروب الماس غیرت درکبی
بغرن دلسه کرک دیوب جاسوس نظرلری شاه راه جهت وجودده دوان وکلکون
زبانلری میدان کعنت وکوده مطلق العنان ایکن سیده‌ٔ خواتین فاطمه سعادت
قرین کلدکی دیو جوق زناندن ولوله وغلغله پیدا اولدی فاطمه‌ٔ زهرا
مثال مهر فلک آرا اول کاشانه‌یه وصول بولدی شعاع جمالندن درون خانه
نور موفور ایله طولدی هر کوشه جنبه خورشید کبی روشن ودرخشان اولدی
بیت عکسنه ونیدن مقامی رشک کلشن ایلدی جنت المأوی اولور قنده
که اوله ماوای دوست **نثر** شولدم که جمع زنانه ایردی برطریقه‌ٔ اهل سلام

سلام ویردي بیت كردي سلام و ذوق سلامت بدل رسید • وین خانه از
سلام تو دار السلام شد • فی الحال قدر و اجلال • وعز و اقبال ایله صدره بچوب عقوردي
زنان خلعت نشان بر مدت متغیر و متحیر • متفكر سر فرو ایدب طوردي • فاطمهٔ فرخنده
محضر • بر جامهٔ مصنع در بر قلمش كه نه نقش بند الكا • و اول رسمه بر قماش پر نقش نكار
كورمش • و نه نساج خیال اول طرح و طرز او زره برد بیاج • بر خیال تصنیف نه ال
اورمش • طوق كریبانن قمری سنك ماه آسمان حلقه بكوش • و اسرالاسنك كعبهٔ
عباسی لباس سیه پوش • آستینی و كریبانی • و پیش و دامانی • كرد اكرد مروارید شاهوار
ایله محلی و مزین • و هر فرید بیاض الوجهی سواد دیده وش منور و روشن ایدی •
و بر تاج بهجت نتاج بر سر قلمش كه اطراف فلك زرین قفص جواهر رخشنده سی كبی
كوهر تابنده معاینه اتمش • و نه كوش هلال زرد فلك كوثی كبی بر جوهر درخشان
اشمش • درة التاجی رشكندن لولوی عمان عرق عرق • و یاقوت رخشانی
غیرتندن كوهر كان قان ذره مستغرق • هر سنك نورانی رنكی زیور زنانده
اولان لعل و یاقوتك درونده آتش غیرت بر قمش • و شعاع تاج زرینی سینهٔ
خورشید تابانه داغ حسرت یقمش • و سا علاینه بر سوار قیمتدار طاقمش كه نه بكر
فكر دست روزكار ده مثلین كورمش • و نه مخدرهٔ خیال نظیرین اله كتورمش •
نه زر خالص بو كاندن • و نه زركری بو جهاندن ایدی • و حوران بهشتك كنیزان
پاكیزه سرشتك كی بطریق الاحترام دست ادب ایله دامن شرفن كوتوروكی
مجمره كردان اولوب مشام عالمی معطر قلوردی • بو عظمت و دبدبهٔ و بو دارات
و كوكبه • معاینه قلد قلرندن زبان زنان • بو مضمونی بیان اندیلر قطعه
تو از مهر دركه باز آیی بدین خوبی و رعنایی • دری باشد كه از رحمت بروی
خلق بكشایی • بزیور ها بیارایند وقتی خوب رویان را • تو سیمین تن چنان
خوبی كه زیور را بیارایی • ملامت كوی بی حاصل ترنج از دست نشناسد •
دران ساعت كه چون یوسف جمال از پرده بنمایی • خدای بی همتا فاطمهٔ زهرانك

مجوهر وصف

تاج وصف

جامه

جامهٔ مرقعین • و مقنعهٔ مقطعین جامهٔ مقتنع • و حلهٔ مرصع كوستردی بیت
هر نازنینی كه بر ره حور جلوه می فروخت • چون تو در امدی پی كار دیكر كرفت •
انلردن كه امداد توفیق و عنایت منقطع • و اسباب هدایت و سعادت مرتفع ایدی
اول مجلسدن مجانبت ایدب • وقوع بولان خوارق عاداتی • و صدور ایدن
كشف و كراماتی سحر و كهانته حمل اتدیلر • انلر كه دیدهٔ بختی شمع آفتاب كردار ایله
و ساعد سعادتی مساعد و مددكار ایدی • مكارم علیهٔ سبحانی معین و ظهیری و مراحم
علیهٔ صمدانی نصیر و دستكیری اولوب • ایتدیلر كه فاطمه نك جمال حالی حلیهٔ كرامت
ایله آراسته • و چهرهٔ احمالی زیور سعادت ایله پیراسته در • ولایل تأیید ربانی اخلاق
حمیده سندن ظاهر • و مخایل هدایت سبحانی اشفاق بر كزیده سندن باهر در قطعه
منور در شود كلور روی پاكی • كونش انك یانده ذره كلمز • سماط و رفعت و قدر نده
انك • فلكلر سبزه زاری تره كلمز • كیدوكی خلعت كرانمایه • و تاج خورشید پایه
خواین شهریاران ملك جهان • و دفاین منبع الكان دریا و كانده اولمادوغی
متیقن در • اول متاع خورشید شعاع كون كبی عالم بالادن كلدوكی روشندر • اكر
پدری محمد نبی بام البرهان • و رسول معجز نشان اولمسه • دشمن دین و اعدای مكركین
ایله • مقاتله اندوكی حینده • تكان چرخ برین • اعوان كرینی • و خیل مسومین تام
و معین اولمزدی • و حیث سطوت نبوتی • و صدای پر مهابت رسالتی • پرتو آفتاب
مثال كون و مكانه طولمزدی مثنوی یار او لحق كشیه عون آلله • پیر و كوك اجیله
اولور اكا سپاه • فاكر او لورتسه اولدم زر اولور • زهره نظر ایلسه شكر اولور •
عتبهٔ مغفرت دستكاهی • و آستانهٔ شفاعت پناهی • مقاصد اعاظم مشارق و مغارب
و كعبهٔ حاجات اباعد و اقارب در بیت بزمنه اشفته و ر اشباح انس شمعنه
پروانه در ارواح قدس القصه صاحب عرس ایله بعض خاتون سعادتمند
حضور فاطمهٔ زهرایه و ررب عذر خواه لقلر اتدیلر • بنای اخلاص شید و مقدمات
اختصاص ممهد قلوب ایتدیلر ابیات • بر قدر رفعتك یانده ذره آفتاب •

تزویج حضرت فاطمهٔ زهرا رضی الله عنها

زنان سعادت عنوانک بو گفتار حکمت اثاره جان و جنانلرنده جای گیر اولوب
ذو الحالکلهٔ طیبهٔ شهادت کتوروب مسلمان اولدیلر مقدم همایوننده سهیل بخت
و اقباللری تیمن یمن هدایتدن درخشان اولوب دولت دارینه وصول
بولدیلر **بیت** ارام دل و زندکی جان زدم اوست هرجا که نهد پای صفا در قدم
اوست **شاهکان کارخانهٔ تحریر و نقاشان نکارستان تقریر عرایس روایة**
بو اسلوب اوزره زیب و زینت و صور حکایاته بو یوزدن رنک و صورت
ویررلر که فاطمهٔ زهرا و علی مرتضی میاننده عقد نکاح شرعی و مناکحت صحیح و مرعی
هجرت نبویه نک ایکنجی ییلنده منعقد اولدی روایت اهل بیت موجبنجه اون یاشنده
ایدی تزویج فاطمه خصوصنده روایت چوقدر اما کتب معتبره ده بوندن اچه دانهری
یوقدر اکابر زنان مهاجرین و ذوی المفاخر انصار رعایت قرین تزویج فاطمه
عفت آیینه راغب اولدیلر حیم جاندن هزار ابرام و الحاح ایله طالب اولدیلر
اول حضرت بو بابده متوقف وحی ایدی هیچ برینه قطعی جواب ویرمزدی **کتاب**
مناقب ابو المؤید خوارزمی ده مذکوردر ایدرکه بکا خبر ویردی مظهر لطف
همدانی ابو العلای همدانی حسین بن علادن که برکون حضرت رسالت ام سلمه نک
کاشانهٔ سعادت آشیانه سن شرف مقدم همایون ایله غیرت قصور سبع شداد و تشریف
عزت مقرونیله رشک باغ ارم ذات العماد قلمش ایکن برملک نازل اولدیکه یکیرمی
باشی هر باشنده بیک زبانی وار ایدی و هر زبانی برلغت ایله رب العزتی تسبیح
و تمجید و تقدیس و تحمید ایدردی و هر لسانی بر بریندن افصح و کف دستی
طبقات خالدن و نه قباب افلاکدن اوسع و افسح ایدی رسول رب جلیل آنی
جبرئیل تصور ایدوب بیوردیکه ای برادر بو صورته متمثل اولدوغک کورمدم ایدی
ایدیکه بن جبرئیل دکلم بکا صلصائیل دیرلر قاطنان خطهٔ افلاک دفترنده نامی ع
شهباز فضای قدس اوقورلر حضرت ملک متعال بنی امور تزویج استحصاله ارسال
ایلدی اول حضرت کمکه دیرمک کرک دیو سؤال ایلدی ایدیکه نور حدقهٔ نبوتی

پرتو شمع جمالک شعله سیدر ماهتاب روضه اولدی دار الاخوان مقدم رضوان
ایله روشن اولدی دیده بوی یوسف کنعان ایله الحمد لله و الشکر که عون و عنایت
الهی بزه یار و بخت کران خواب بیدار ایش که دولت مقارنت یوزکوستروب
جمال فرخ فالکز کوردک و سعادت ناکهانی ال ویروب دامن کردار خاکپای توتیای
اعتبار کوزه یوزلر سوردک اما دایرهٔ مقدارمزدن خارج حرکت ایلدک قدم
شریفکزه زحمت ویردوک دوکنه دعوت ایلدک مرجودر که کستاخلغمز عفو اولوب
اینهٔ خاطر عاطر غبار تغیردن پاک اوله و مرآت ضمیر منیر عارفه کدورتدن صفا
بوله باری بیورک مزاج شریف استمزاج ایلدوکی طعمه چرب و شیرین و اشربهٔ خوش
مزه و رنکیندن نظر شریفه کتوره لم و لوازم ضیافتی و مراسم خدمتی بقدر المقدور
سرحد کماله یتوره لم **بیت** خاطرک هرنه دیلرسه واردر قوش سودندن غیرسی طیار در
فاطمه ایتدی اکل و شربه میل و نهمت مرتبهٔ حیوانیتدر نه کمال انسانیت **مثنوی**
نچه بر جهل ایله یچه سز کرکه ایم کبی ییب ایچه سز حیف اولمزمی شاهباز همت که کا
طعمه اوله بو جیفهٔ زشت **ر** هر کم نعم کوناکون تناولندن مجتنب و دوردر
دیدهٔ قلبی **تجوع ترانی** شاهدیله پر نوردر دلکه آینهٔ درحدای نما اولمیه
زنک طوتمغ آنی روا کر اوله صد هزار مهر منیر او یمز اکه هیچ برسی نظیر آفتاب
عالمتاب هرکون بر قرصه قانع اولیجه سپهر کونده کمال بولدی و ماه نو بردم خور سند
اولیجه منازل عالیه یه اتصال بولدی اکل بجف و سمین و تناول چرب و شیریندن
ال چکک و نان پارهٔ جوینه ایله قوت لایموت معاش اتمک بو دایه نک
و پدرم رسول عالی پایه نک دایم الدهر عادتی و دکم صنعتی در **بیت** طوله چون
باز آسا قید حرص دو شتم کم شاه مرغان اولدی عنقا چون قناعت ایلدی
اکر بو ناتوانک و والدم سید اولاد عدنانک و حضرت خدای مستعانک رضاسی
مطلوبکز و مقتضای مرغوبکز ایسه هاویهٔ کوندن زاویهٔ ایقانه و صحرای ضلالتدن
فضای ایمانه خرام ایدک و بیعت رضوان حق لاینامه داخل اولمغه اهتمام ایدک

مهمن

نور حدیقهٔ کرامت یعنی فاطمهٔ زهرای علی عالی منقبت عثمان دم اول ملک مختفرنده
میکائیل و اسرافیل شهادتلریله و درت یوز مثقال نقره مهر معجل ایله اول ایکی درکرانمایه
و اول ایکی کوهر عالی پایه یه سلک ازدواجده انتظام ویردیلر اجتماع سعدین
و اقتران نیرین که وقوع بولدی جملهٔ دل خیرخواهان انوار سرور ایله طولدی اخبارده
وارد و لنارده متواردر که اول بانوی حجلهٔ اعزازک متاع و جهازی زنان دزبان
بشه دنیا جهازینه شبیه اولمیوب اقنی وعلاناه وعلاحسنا فهولافیه آیتنک
فحواسی مطمح نظر دوربینی و مسرح فکر صواب کزینی اولمغین سعادتخانهٔ حضرت
مصطفادن کاشانهٔ مرضیای مرتضایه ایلتدوکی ثیاب بدن ایکی بردیمنی و بر جفت
سوار سیمین و بر قطیفهٔ لطیفهٔ پشمین یعنی بر چولوکساکه وقت خوابده باشلرین
بوریسه لر اقدام شریفه لری آچلوردی و ایقلرین اورتسه لر مفارق منیفه لری پیدا
اولوردی و بر قربه ایله ایکی دکرمن و ایکی دستی و بر پرویزن و بوغنون کتان
بزندن اکی جوامه خواب که بری لیف خرما ایله محشو و بری تراشهٔ تختیان ایله مملو
ایدی و بر سختیاندن بالین که لیف برله طولو ایدی امام سیف الدین طوسی
جامع لطایف السبطین نام کتابده کتورمشلر که زمرهٔ مشرکین و طایفهٔ منافقین
دن برمرد بدآیین علی حلاوت قرینه طعن یوزندن وطنز بوننددن ایدیکه
ای حاتم ملک سخاوت و ای خاتم مصحف شجاعت ای حاکم حفظهٔ کرامت و ای
والی کشور ولایت بحمدالله فراست و فطنت علو حمت ایله موصوف و قوت ذکا
و کیاست و سمو رتبت برله معروفسن بمبارزت و شجاعتده مانند رستم بی
بدل و وجود و سخاوتده مثال حاتم ضرب المثلسن نه ایجاب ایتدیکه فاطمه نک
تزوجنه مبادرت ایتدک اکرچه حسب و نسب حیثیتیله مهر جهانتاب کبی عالی پایه
در لکن زر و زیوردن و حلی و کوهردن بی نصیب و فرومایه در زنان عالمیان
میاننده عفت و دیانت ایله ممتاز در اما متاع دنیادن بی بهره عروس
کم جهاز در اکر بنم دختر سعداخترم قبول ایدیب میانمزده مبانی مصاهرت

مقعد و قواعد قرابت مشید اولمق میسر اولیدی بر جهاز ملوکانه و امتعهٔ شاهانه
ترتیب ایدیدم که هر کس ماه نو کبی انکشت تفکری درر دهان ایدیب حیرتده قیلیدی
مهر سپهر کبی پنجه بالش زرکش و رنک بوقلمون مثال بی عدد بستر منقش کهکشان
صفت عالی حصارلر و فلک اطلس کبی یک رنک اسمانی بساطلر فلک قمر مانند بلنکینه
نهالیلر و سبزه زاله بر ازهار کبی بی حد منقش قالیلر و غنچهٔ کل حمرا کبی واللای آل
ایله مملو بیشمار مفرشلر و مهر عاشقان صفت بی قیاس سرنک منقشلر لاله لر کبی تتق
رنکین و زرین قدح کبی زرخالص ایله مالامال بنجه سنی سیمین ارسال ایدیب اول شکوفه
ازهار و بهار کردار بی شمار درهم و دینار نثار ایدیدم حضرت امام بیوردیکه
حکمت پروردکار و ارادت آفریده کار بونی اقتضا ایتدی تقدیر خدا دلپذیرم
و تدبیر حکیم دانا موافق ماینهٔ الضمیرم در تفاخر اعمال ایله در مال و منال ایله دکل
و مباهات ما کردار ایله در درم و دینار ایله دکل قطعه عشوهٔ شاهد دنیایه نیم دیدهٔ
همتمک یوق نظری باشدن ایاغه جواهر اوله کر جبه یه المزم اول بدکهری دیکر
ثمرهٔ الفقر فخری دیردی سلطان رسل دایما اندن تسلیلر بولور ارباب فقر
میوهٔ مقصود دیرسون دیر سک باغ مراد و مبدم انده روان اولمق کرکدر آب
فقر نعمت دنیا بر جیفه در که طالبی کلاب در و مال عمال حساب و عقاب در بیت
دولتی دنیای دونک مار ارقم کبی در نرم و رنکین در طشی و زهر قاتل در ایچی قطعه
بحر در دنیا ایچی دولو نهنک عاقل اولدر که بو بحره طالیه ساحل بحری طوتوب
ایده قرار در شهوار یقین الینه آلیه نثر اول اثناده هاتف غیبدن که سروش بی عیب در
وصدق مقالی که بی شک و ریب در آواز دلنواز ایردیکه یا علی بیت کون کبی
قالدر باشنک صوب سمایه قیل نظر تا که موضع ولده جهاز دختر خیر البشر علی العلی القدر
و جلی القدر صوب سمایه نظر ایدیب کوردیکه روی زمیندن عرشه برینه وارنجه پرتو
افتاب صفت نوردن حجابلر قورلمش و زبرجدشده میدان اماللهٔ افتخ ویابان
و هم و خیالدن اوسع بر صحرا کوردیکه جنت نافذ ایله طولمش کمینک کتورد وکی

ماننده غزال چین مسک ازفر و کیتک باری مثال ماه و مهر کلیچهٔ سیم و زر و مهر مشتر
سحاب رفتاره برکنیزک زهره جبین سواز اولمش که گیسوی عنبر بوینک سنبل باغ
جنان سیه پوشی و ابروی دلجوینک هلال آسمان حلقه بکوشی و مهر مشترک بهارین
برغلام سروقد و لاله خط طوتمش که نه دیدهٔ انسان خال عنبر بالرینک قرانس کورمش
و نه شاخ طوبی قد سهمارینه ال ایر کورمش هر طرفدن نوا آیدرلر که بدا جهاز فاطمه
بنت محمد علیه الصلوة والسلام علی مرتضی بو حال سعادت مال مشاهده سندن مسرور
البال اولوب اول منافقلری یوز چوردی و تابش شتاب ایله حجرهٔ فاطمه ایردی
بو خصوص حیرت منصوصدن فاطمه خاتون خبردار اولمشدی و کاشانهٔ ضمیری
پرتو افتاب حضور ایله طولمشدی ایتدیکه ای طوطی شکرستان بیان و ای بلبل گلستان
عرفان حالا معاینه قلدوغک حضوصی سنی بیان ایدرسن یوقسه بن می عیان ایلیه
علی ایتدی که سن بیان ایله فاطمه خاتون بیوردیکه اگرچه او بدکو یکیتیش برزنشی
ایله پر فتور اولدک لکن بنم جهازم عین عیان ایلمش بوده ایدب مسرور اولدوک
قطعه ما اگر چشم از نعیم این جهان بر دوختیم و دولت باقیهٔ ملک ان جهانی آن ماست
بی سر و سامان جبین ما اگه در ملک دو کون هر سر و سامان که بینی از سر و سامان
ماست نثر فی الحقیقه بر جهاز بی شما ز ایدیکه انگشت نمای سبحه گردان مجامع کرس
و جلوه آرای عرایس صوامع انس ایدی سعت عظمت محمد مصطفی بر صحرای بی پایاندر
که سیاح وهم دور اندیش هرامن غایتنه ایرمک میسر دکلدر و رفعت فاطمه زهرا
بر دریای بی کراندر که ملاح عقل روشن رای ساحل نهایتنه یتیشمک متصور
دکلدر شواهد النبوه ده مسطوردر که برکون حضرت رسول بیوردیکه سلیمان
پیغمبر صلوات الله علیه و علی نبینا صدر دیوان محشرده دختر سعد اخترینه بی حد نثار
جهاز ویردی و داماد نه بری یوز هزار جواهر قیمتدار ایله مرصع بر تاج زرین
و مصنع کیوردی علی مرتضی بو خبری کوش ایدب فاطمه زهرایه بیان ایتدی فاطمه نک
خاطرنه بو معنی خطور ایتدیکه امام علی نک ضمیر مرآت نظیرنده بو خیال صورت

پذیره و هویدای دل بی علتدن بو سودای جای گیر اولسه گرک درکه عجبا بو بابده
حکمت حضرت حق و ارادت فعال مطلق ندرکه سلیمان نبی نک دختر ینه بو قدر جهاز
و پیرایه اوله رسول هاشمی نک کریمه لری قلیل البضاعه و کم سرمایه اوله انک اماد ی
اول نوع له تاج بوله و بونک دامادی بو وجه له محتاج اوله صدور الاحرار قبور الاسرار
حکمنجه بو سر سربسته سنی اظهار ایتمیوب دفات اتدکده حضرت علی واقعه سنده کوردیکه
فاطمه خاتون کلشن جنتده کلکلی بر تخت زمرد فام اوزرنده اوتورمش اول
شمع جمع انجمن سعادتک اطرافنه حورا و غلمان پروانه مثال جمع اولوب هر بری زمین
خدمته یوز اورمش و حلیهٔ حسن و بها ایله آراسته و پیرایهٔ شایسته برله پیراسته بو دختر
فرخنده بخت تخت اوکنده طوروب زرین قدح مثال دستنده بر طبق در تر نثار
انک ایچون فاطمهٔ زهرا انک اشارت عالیه لرینه نظر ایدر حضرت مرتضی سؤال ایدب ایتدیکه
ای فاطمه بو دختر نه برجک مهر منیری و نه درجک در بی نظیر یدر ایتدیکه دختر سلیمان
پیغمبردر اولدم که انک جهازی خبرن پدر عالیشانمک زبان معجز نشا نلرندن ایدا
اتدک ایدی و داماد نه دیرلن افسر مرصعی حکایت ایتدک ایدی نقاش متخیله انلرک
صورت حاللرن لوح تفکره چکمش و دهقان متفکره تخم اندیشه این زمین خیاله
اکمش ایدی بحمد الله بو کون حضرت عزت عزت اسمائه و توالت نعمائه بکا احترام
ای خدمتمه تعیین و میانمزده وقوع بولان اسراری تبیین ایلدی مثنوی
اندی داغ نیارم اکلدی جان الجنده گزلو ورام اکلدی عقده لرکم وار ایدی
حل ایلدی سر بسر دار نخانم سویلدی نثر اول تاج که سلیمان پیغمبر داماد نه ویرمش
ایدی عوض حمل لوای الحمد سکا مقرر اولدی لوای الحمد بر علم درکه شهر یار خطهٔ
خافقین و سلطان دار الملک قاب قوسین حضرتنه مخصوصدر طولی اوچ بیک
ییللق مسافه در قبضه سی در ازهر و سنانی یاقوت احمر و زجه سی زمرد اخضردر
اوچ کوشه سی واردر اکیسی مغرب و مشرقده و بری مکهٔ مشرفه ده در اولکنده بسمله
و ثانی سنده حمد له مرقومدر و ثالثنده کلمهٔ شهادت ایله مرسومدر بو لوای سعادت

وصف لواء الحمد

فرانهی فضای محشرده • وعرصه‌گاه خیر دشرده حاضر ایدوب منادیلر ندا ایده لرکه قنده
دربتی امی • ورسول هاشمی محمد امین ختم المرسلین وخاتم النبیین • پس حضرت رسالت
ایلرو کلوب • رایت عزت غایتی دست شریفنه آلوب آدم ومن دونه تحت لوائی
یوم القیمه حکمیجه زمرهٔ انبیا • وفرقهٔ اصفیا • وصدیقان وشهدا وصلحا واتقیا • و
عامهٔ اهل ایمان • وکافهٔ مؤمنان • سایهٔ عالی پایه‌سنده مجتمع اوله‌لر • نوردن
برتاج وهاج • وجبرا خضردن برجامهٔ موجب الابتهاج کتوروب سلطان انس
جانه کیوره‌لر • وبراق حاضر ایده‌لر • تا شهسوار میدان اسری بعبده سوار
اوله • وانبیانک هر برینه علی قدر مراتبهم • براق کتوروب حله وتاج کیدروب
سوار اولدقلرنده حضرت خداوندلوا وبراق • شفیع یوم التلاق • علیه علی مرتضیه
ویره • اول دخی سلطان انبیانک اوکجه یوریه مرویدر که اول علم برتاج شکلنده
اوله • علینک تارک مبارکنه سایه‌صله • وهر طرفدن منادیلر بوادا ایله ندا ایده بطنان
عرش عظیمی برصلا ایده‌لر که بو تاجی احسن وزیبا تاج واماد سلیمان که فاطمه خاتون
حضورنه بطریق التعجب تقریر ایتمش ایدک • وکلک اهتمام ایله لوح ضمیرکه تحریر ایتمش ایدک
کتورشلردر که • برکون اعظم انبیا • واکرم اصفیا • قدم کرم بخشی وقدوم
سعادت نقشی برله • خانهٔ فاطمهٔ زهرایی مشرف ایتدی • ومعاش وانتعاش امرنده حالکز
نه دردیو سوال ایلدی • حضرت فاطمه ایتدی چونکه تفحص ایتدوکوز نسنه‌کو واقع حالدر حکایت
ایده‌یین • بودکلی که مضطرب البال اولوب شکایت ایدرین • حالا بو خانه‌ده متمکن
اولانلر • رجال • واطفال وعیال علی الاتصال • اوچ روز وشبانه‌در که طعام
تناول ایتمدیلر • زبانهٔ آتش جوع مشام قوایه سرایت ایتدی • ودشنهٔ کرسنکی مغز
استخوانلرینه یتدی • اول حضرت همان دم دست نیازی • اول کارساز بی انباز قبلنه
مرفوع ایدوب اللهم انزل علی محمد واهل بیته کما انزلت علی مریم بنت عمران
دیو دعا ایلدکلرندن صکره بیوردیکه • ای فاطمه طور طعام حفظ ابدی هلالنک محلی کوز
هرنه بولورسک کوتور حضوریمزه کتور • فاطمهٔ زهرا اشارت سرور سرداران انبیا ایله

محل مرقومه • روانه اولدی • مانند طاوس فلک مجوهر ومرصع بولدی • ایچنده ماه کبی
ثرید ونان • وبر مقدار کوشت بریان • وار ایدیکه بخار بخورندن دماغ آفاق
معطر • ورایحهٔ جان پرورندن مشام مشک وعنبر معطر • فاطمه کاسه‌یی دست ادب
ایله الوب پدری اوکنه قودی • اول حضرت نظر ایدوب بسمله ایله ابتدا ایدک دیو بیوردی
رسول خافقین • وعلی وفاطمه وسبطین • اول طعامدن تناول ایلدیلر • ویدی کون یدی
کیجه اهل بیت یدیلر • مانند کاسهٔ مهر منیر قطعا نقصان پذیر اولمدی • برکون امام
حسن الله کوشت پاره آلوب درخانه‌دن طشره کتدی • برزن یهودیه مرور ایلدرکن
بوی مشکین طعامی استشمام ایدوب ایتدی • بو ات نره‌دن کلدی • بیوردیکه عالم بالادن
یهودیه نواله درخواست قلدی بیت بکا ای قلدر وخدی لاله • عنایت قل
نواکدن نواله • نزد ذات شریفنده مذکور اولان مکارم اخلاق علیه‌سنی وعنصر لطیفندن
معزور اولان مراسم اشفاق سنیه‌سنی • وفتجه ان اوزتدی که ویره • نا الحال اعقاب
عترت ابرشوب آنی قپدی • چونکه کوشت مقام ضیافته یتدی کاسه دخی جرم قمر
کبی عالم بالایه کتدی • سید ابرار بیوردیکه • بو خصوص لها واظهار زد بو معنی افشا
وانکار اولمسه مدت العمر بو طعام نهایت • وانقصام بولمزدی بعض تفاسیرده
کلمشدر برکون حضرت رسالت فاطمه خاتونک خانه‌سنه واردی • سنده حشمته چوب
اوتوردی • پدرک اوچ کوندر طعام طتمامشدر • اکله قابل بر نه وار سه کتور دیو
بیوردی • ایتدیکه یا رسول الله • بزم حالمز دخی همین بو حالک عینی واقع اولمشدر
اول حضرت قالقوب سعادت خانه‌سنه کتدی • فاطمه خاتون کمال حیرت وبهجتندن
بارکاه عزته یوز اوروب حریم جاندن دعا ایتدی • همان دم که مراسم ثنا ونیاز
اتمامه یتدی • برکسنه یا اهل بیت دیو ندا ایتدی • دست ادب ایله حلقهٔ دری
دپرتدی • خادمهٔ فاطمه طشره چقدی • برشخص کوردیکه مدت العمر کورمش دکل •
وهرکز بو قپویه کلمش دکل • اکی نان ایله مشکدن اذفر اطیب بر مقدارات ویردی
بو هدیهٔ فاطمیه ایلت دیو سفارش قلدی • خادمه لحم ونانی الوب حضور فاطمیه

کتوردکده ادم کوندرب پدرین دعوت ایتدی • وهزار شوق ورغبت ایلا اتدی

بیت فدوتحکه قلورسن بیتی معمور • شها احسان ولطفکدن دکل دور •

سیّد ابرار نکرار بر توجیهن پر انوار ندن • دیدهٔ اهل بیتی روشن و خانهٔ زهراسنی

عکس کل رخساری برله رشک کلشن ایلدی قطعه بلوردی صبح سعادت چو پا

کلدی • نه غم جهانده که چون غمکسار کلدی ینه • آچلسه غنچهٔ قلبی عجبمی زهرا انک •

تبسم ایدرک اول کلوار کلدی ینه نثر چون حضرت خانهٔ بتوله کلدی طعام ماحضری

اورته یه کتوردیلر • رنک دبو یندن • وچاشنی دلجو یندن • فاطمه علم حاصل اولدیکه

بو طعام مطبخ غیبدن وارد اولمشدر • وعنایت بی غایت الهی وبرکت میمنت

حضرت رسالت پناهی برله وقوع بولمشدر • شکر فراوان وحمد بی پایان ایتدی

پس خواجهٔ دین ودنیا • بو عبارت زیبا برله ایتدیکه • انّی لکِ هذا • عندلیب

زبان شیرن بیان فاطمه بو جواب ملهم برمترنم اولدیکه • قال هو من عند الله

ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب • سیّد انام بو کلام بلاغت انجامدن

ابتسام تام • وبشاشت تمام اوزره اولوب بیوردیکه حمد وسپاس و

درود بی قیاس • اول آله الناس حضرتنه که فضیلت یونندن سنی سیّدهٔ زنان

بنی اسرائیل یعنی مریم بجنسه شمایل شابه ایلدی • هرکاه که حضرت آنه مایده

ارسال ایدردی • زکریا پیغمبر اندن سؤال ایدردی • انّی لکِ هذا • اولدخی

سنجلیین • هو من عند الله • دیر ایدی • پس فخر عالم صلی الله علیه وسلم امر ایلدی

علی وحسن وحسین حاضر اولوب • اول مایدهٔ پر فایده دن تناول ایلدیلر

وزوجات طاهرات سیّد کاینات • وجیران وتعلقاته بخش اولندقدن ماعدا

اغلب فاحش عام اول طعامدن یدیلر • اولکی حالندن برذره نقصان بولمدی

قطعه ازمقدم مبارک سلطان کاینات • اضعاف اجنبی برکتها عجب

نیست • در منزل مبارک زهرا ومرتضا • این صورت ار وقوع پذیر دعجب

نیست نثر فضایل بتول عذرا تعریف قلم سحر کدازایله معلوم • وتوصیف

خانهٔ

خانهٔ سحر نکاه برله مفهوم اولمق محالدر • پس اول حضرتک قصهٔ پر غصه

وفاتندن دخی برذره عیان وبرشمه بیان اولنسون راویان صادق الرّوایه

ومخبران ظاهر الدرایه کتورمشلردرکه • سبب ایجاد عالم و باعث تکوین بنی آدم

حضرتنک الم مفارقتی وغم مباعدتی • فاطمهٔ عذرایه تأثیر اتدوکی بر فرده

تأثیر المدی • دل مستهامی والدها جد بزرکوار مادرینک دررتبت عظماسی سهامی

ایله پاره لنمش • و درد محبت بی دواسی حسامی ایله پاره لنمش ایدی شول

رسمه که • زمان انتقال فخر کاینا تدن • کندونک حین وفاتنه دک • نه بران جرحی

مندمل • ونه یحتی ساعت المی زایل اولدی بیت اولوردی ناله سندن نرم

بولا د • حلا سندن ایدردی کوه فریاد نثر اول حضرت وفات ایتدکده مردوزن

ناله وشیون قلوب • آه پر احتراق اوج آسمانه عروج • واشک مهراقه مرکز کرهٔ عالمه

ولوج بولدردیلر • بنای شادی اصحاب سیل حوادث عموم ایله زیروزبر • ومشرب

مصفای اهل بیت خس وخاشاک هموم برله مغبر ومکدر اولدی قطعه ان سرو

خوش خرام چو اندر چمن نماند • بر طرف باغ زیب کل ویاسمن نماند • یعقوب

وار دیدهٔ نرکس سفید شد • ازدرد انکه یوسف کل پیرهن نماند نثر بو محلده علی رضی

فاطمهٔ زهرایه خطاب ایتدیکه • ای عزلت کزین کوشهٔ هموم • وی خلوت نشین

زاویهٔ غموم • بو حال محبت مآل علامت قیامتدر • وبو جهان فانینک

عدم ثباتنه اشارتدر • بو ماتم والمده بر فرد صبر وقراره طاقت کتورمک

میسر دکلدر • وبراحد سکون واصطباره قدرت بیتورمک متصوّر دکلدر لکن

مقتضای رضام بودرکه • اوازهٔ اه وازک صبح برکه اشتدرمیه سن • واهل بیتی

نصیحت ایدب مطعن اعلا اولمق ایش ایتدرمیه سن • وفاطمه خاتون بو قطعه نک

معنای فرقت آمیزین • ومحوای محبت انکیزین تکلم ایلدی قطعه کرم قبیل

عذرمی مقبول طوتسکم • بنوم صبر وقرارم کندی الدن • کوزمز اوللی اول شهوارم

عنان اختیارم کندی الدن • جهانی لاله زار ایته سرشکم • بو یدر کلعذارم کندی الدن

نعت

خزان برکینه دونه نوله چهرم • بنم باغ وبهارم کتدی الدن نثر امام علی آیدیکه
انشا، اللهٔ شب تار زایر دکده هزار رحمت مدار سید الابرار ه دار نه قدر
کریه ونالش ونالهٔ وسوزش قلورسک قل • فاطمه دخی بو قوله رضی کوستروب
ویردی • چونکه هنکام ظلام یعنی هنکامهٔ شام ایردی • هر کس روضهٔ سید
الانامدن چیقوب ارامکاهنه کیردی مثنوی کونش دوشوردی چون
زرین لباس • فلک کیدی اودم ماتم پلاسن • هچ جوزدی بولت رعد
ایلدی آه • خراشش اندی رخ زیباسنی ماه • نثر علی مرتضی وقت زیارتدن
اعلام ایده ین دیو حرم محترمنه کلدی • فاطمه نک آواز جان کدازین استماع
المیوب • ایتدیکه بحمد الله بر مقدار آسوده وخاموش اولمش • دقتی که سر
وقتنه داخل اولدی کوردیکه اول عاقل وکامله لایعقل ومدهوش اولمش
بیت هنم خاموش اولدوغندن کم اوله آسوده حال • ناتوان اندر ناله و
فریاده یو قدر قدرتی نثر امیر المؤمنین بو حالی کوروب فاطمه نک طایر روحانی
بال عقا فضای هوای خیالدن آشیانهٔ مقعر دماغنه کلیجه قرار ایلدی
چون کندویه کلدی چشم اشکبارین آچوب شبدن نه مرور اتدی دیو استفسار
ایلدی • ثلثی کچدی • دیو جواب ویردی • فاطمه بوردیکه پس روضهٔ مقدسه
حضرته توجه ایدجک وقت ایردی • دیلدیکه قیام ایده ضعف کثرتندن
وقوت قلمندن • برک کل کبی خاکه دوشوب زبون اولدی ح چشم خونباری
کبی حالی دیکر کون اولدی قطعه زین مصیبت بی غم دل در جهان یک
جان کجاست • در همه روی زمین یک دیده بی طوفان کجاست • عالمی چون
سکندر در سیاهی مانده اند • ای خضر بنمای ره کان چشمهٔ حیوان کجاست •
آخر کار حیدر کرار عصا کبی الن اتوب مسجد سید ابرار ه کتوردکده دیدهٔ سعادت
دیدهسی مشهد منور سید المرسلین • ومرقد مطهر خاتم النبیین کوروب ایتدی
مالک والتراب یعنی ای کوهر پاک • وی اختر تابناک سنکنه بر کدر

بومنزل

بومنزل خاک بیت ابر فلک ایله خسوف اولماه دریغ • مهر تابانه زوال ایرشه ناکاه
دریغ نثر اول ترتب جنت رتبتک خاک مزار کبی اوستنه دوشوب • بر حالت ایله
زار زار اغلدی که محرمان سراپردهٔ جبروتک • ومحرمان حرم ملکوتک دل وجانلرین
طغلدی مثنوی نوبهار من کجا شد آن کل سیراب کو • می توان دیدن بخوابش
ای دریغا خواب کو • کر بکریم در بخندم هیچ انکاری مکن • کریه را صد وجه دارم خنده را
اسباب کو • حیدر کرار صدف نصیحتدن درر نثار اولوب ایتدی • ای دختر
خیر الابرار • دامن صبر جمیله تشبث اتمکده اخبار الهیه واحادیث نبویه مقتضاسنجه
فواید عظما • ومنافع لا تحصی مقرردر • جزع وفزع ایله مثوبات ثواب • وفضایل مصایب
ضایع تلف مناسب دکلدر • رضا وتسلیم بدرقهٔ راه سداد • وصبر وتوکل کحل
الجواهر امید در بیت تسلیم ورضا دا استکانت • دیباچهٔ نامهٔ سعادت •
فاطمه ایتدیکه ای یار ادیب • وی دلدار لبیب • بنوم بو مصیبت والمده نالان
ومحنت وماتمده کریان اولدوغم تعییب ایلمکه • مفارقت همدم غمخوار • ومباعدت
یار غمکسار وفادار غایت مشکلدر • علی الخصوص بو نک کبی بی شبل وعدیل پدر شفیق
وهادی منهاج توفیق اوله • فاطمه خاتونک وشاخ قابلیتی • جوهر ذهنی سلیم
وکوهر طبع مستقیم ایله محلی اولوب صدف ضمیری مصدر لؤلؤی خیال • ودرج خاطری
مقر کوهر مقال اولمغین • پدر فرخنده پیکرین انتقالنه مناسب نمال قریحهدن
ساحل نظمه بتوردوکی مرثیهٔ مصیبت آثاردن • واشعار فرقت اشعاردن بری بودر
صبت علی مصایب لو انها • صبت علی الایام صارت لیالیا نثر بو خبر صحیحه موجلدر
که بعد وفات رسول • فاطمهٔ بتول • روز وشب نالهٔ جان سوزدن • وکریهٔ مصیبت
افروزدن • بر آن خالی اولمیوب • شدائد ایام فراق قدین لام • وذوایب الام
اشتیاق جسمی خلال دوندرمش ایدی • بو مصیبتک صعوبتی شرح ندهٔ بنان بیان
مفنی قاصر • وبو رزیتک اذیتی وصفنده اقلام اقلام بلغا متعثر ومتکثردر •
القصه فاطمه خاتونک علی التوالی ناله وزارندن • وکریهٔ بی قرارندن اهالی شهر

بحضور اولوب ایتدیلر که ای زبدهٔ خاندان رسالت بو ماتم و مصیبتدن قاده‌ات
و درد و محنته پایان و نهایت اولمزمی گریهٔ دیدهٔ غم دیده‌کدن و نالهٔ دل الم کشیده‌کدن
عواطف عموم کلمزا احوالمز پژمرده و تندباد سموم شمع راحتمزده قلمشدر اگر گوندز
افغان ایدرسک باری گیجه راحت اولی بروجه فراغ بال ایله خوابه وارب اسوده حال
اولم واگر گیجه نالان اولورسک گوندز فراغت ایت بر وجه فراغ حال ایله کار و بار مزه
اشتغال گوستره‌لم   مشغول درکه بو ماتم خانهٔ جهان بی بنیاد ده
و بو دار الاحزان خراب اباد ده بش نفر کمسنه وفور حزن و بکا ایله مشهور و کثرت
درد و عنا ایله مذکور اولمشدر اوچی انبیای کرام ذوی الاحترامدن ایکیسی اهل بیت
خیر الانام عالی مقام علیه الصلوة والسلامدن **اولا حضرت آدم ع م** فردوس اعلادن
دور و وصلت پر سلوت حوادن مهجور اولدقده شول مرتبه‌ده گریان اولمشدر که
روی بهار گنده چشمسار چشمندن ایکی چشمه روان اولوب کثرت الام غمومدن گل رخساری
نیلوفر بحر اخضر گبی صرصر شدی **ایکنجی حضرت یعقوب ع م** درد افتراق یوسف گل پیرهن
و اشتیاق حدیق نسرین بدن برله ژاله گبی اشکبار اولدقدن نرگس بیمار ندن
اولان برگ بنفشه لری کل ما دام گبی آغرمشدی **ع** گوز قراسن اشکیله یوشن تا آغرکه
اوچنجی حضرت یوسف ع م آفتاب لقادرکه غم هجران پدری حصاینی نفکر و الم بندز ندان
زلیخای تذکرا ایدب بر وجه اغلر وا اگلردی که اهل زندان بحضور اولوب حال پر
ملالارین زلیخا یه اعلام ایلدیلر انلر دخی ام ایدب محبسلردن بعید محبک بر کوزشنده
اول حضرته مستقل غرفه و مقام ایلدیلر   که دافع کربلادن
هکره فرق بیل روزگار گچوردی فوارهٔ دیده سندن اشک سیال ساعات دور
زمان گبی هر آن روان ایدی دگلگون سرشک میدان رخسار نده مطلق العنان ایدی
هیچ بر زمان اکل اتمدی که آب دیده سیله تخمیر اولمیه و هیچ بر دم مرور اتمدیکه آلام جهان
ایله محزون و دلگیر اولمیه **ایکنجیسی فاطمهٔ سعادت خاتمه درکه** اهالی مدینه
کلوب ای همای اوج عزت وی ورقای حرم عفت شهباز آه بلند پرواز گچه میله

مرغ راحت و حضور مز اوچوردک و ره زن نالک خوفیله قافلهٔ استراحت و جهورمز
کوچوردک دیدکلری اجلدن اغلب احیان واکثر ازمان مزار شهدایه گیدردی و اکا
اشتغال نده ناله و گریه ایدردی و ایدردی **قطعه** گرچه از سوزش من جشم من بگریستی
مرغ و ماهی تن بتن بر حال من بگریستی صد هزاران دیده بایستی دل زار مرا
تا بهر یک خویشتن بر خویشتن بگریستی دیده های بخت من بیدار بایستی کنون
بر سلیمان هم پری هم اهرمن بگریستی   کتور شلردرکه اول مسند نشین تخت
لولاک معتکف خلوت خانهٔ خاک اولدقدن صکره فاطمه خاتون التی آی صاغ
اولدی پدر سعادتمندی فراقندن غیری زحمتی و درد اشتیاقندن اوزکه
علتی یوغ ایدی بر گون علی مرتضی حجرهٔ فاطمه‌یی زهرایه گیروب کوردیکه بر مقدار
اون تخمیر اتمش و صو اسمتش که اتمک بشوره و پیراهن و جامه‌لرین پاک ایلیه و کل کل
امیز اعلمتش که حرهٔ مشک بیز سبطینی بطرا تلوب عطرناک ایلیه حضرت علی بو حالدن
متعجب اولوب ایتدیکه ای مخدومهٔ روی زمین وی معصومهٔ عفت آیین وی
آسیهٔ مهر تقوی و دین ای زهرای مرضیه وی حورای انسیه ای عروس کم جهاز
وی بانوی حجلهٔ اعزاز ای سیارهٔ راه قبول وی ستارهٔ جلوه گاه رسول ای
مادر دو مظلوم وی دختر بیک معصوم ای بضعهٔ احمد مرسل وی بضاعت محمد مبجل
ابیات ای چراغ دودمان احمدی ای فاطمه عفتک پایک اولی پایه‌سی چرخ برین
ای نهال روضهٔ عصمت که اولمز قدر له سایهٔ جایک پناه قاصرات الطرف عین
درگهک فراشیدر چونکم نسیم باغ خلد بر یدر حوراتسه جاروب اندر زلف
عنبرین بحر عصمت شعار کرشته سی ای ذات پاک حوریان گلستان جنة حبة
حبل المتین خواجهٔ لولاکه سنسن دختر عالی نسب مادر سبطین و نور چشم خیر
المرسلین روشن ایتدک عالمی اول ایکی شمع جمع ایله آفرین سن نور پاکه صد هزاران
آفرین **م** نزکلمدت مدید درکه بر حجره‌ده مصاحبت و عهد بعید درکه بر جلدده
معاشرت ایدرز هرگز معاینه قلمدم که امور دنیه‌دن بر گونده اکی مصلحته مباشرت

درمدح حضرت علی

مباشرت ایدەسن حکمت ندرکه بوکون اوج امره مشارعت ایدب بنز فاطمه خاتون
که بوکفتاری کوش ایتدی بی اختیار روضات نورانی سنه قطرات عبرات نثار ایدب
ایتدی ای تاجدار سورهٔ هل اتی وی شهسوار عرصهٔ لافتی ای خطیب منبر سلونی
وی وارث مرتبهٔ هارونی ای سرحلقهٔ اهل صفا وی رازدار حضرت مصطفی ای شیر
بیشهٔ شریعت وی سرور اصحاب طریقت ای همیران باغ ابی طالب وی پهلوان میدان
اسد الله غالب جدا فراق بنی دیدبک دولت روز وصلت آخر وحنت شب فراقت
ظاهر اولدی قطعه ای حیف که هنگام وداع اولدی هویدا وصلت کونی کچدی
شب حسرته ایردم شادی وصال ایتدی وداع ایردی شب هجر اغلا کوزم اغلا که شب
فرقته ایردم سرا ای سرحلقهٔ انجمن صفا حضرت خیر الوری عالم رؤیاده بکا چهره نما
اولدی کوردم که برمحل رفیع وبرمقام منیع ده اطراف وجوانبه نظر ایدرکویا برتحفک
دروده انتظار چکر فریاد ایدب ایلدم که یا ابتاه یا رسول الله قنده سن که ضرب نیشتر
فراقک رک جانمه کار ودرخم خنجر اشتیاقک بنی دلفکار ایلدی بیوردیکه بن بونده
مرصد انتظارده یم ایلدم که توقف کوزتمه دن ایدیلرکه سکا زمان فراق حد دن
افزون واوان اشتیاق دایره دن بیرون اولدی دمی درکه کریبان وجودی دست
حسنله چاک ایدەسن وخاطر دریا مقاطرک علایق جسمانی وعوایق دنیای فانیدن
پاک ایدەسن وخیام ارامی بومضیق سفلیدن رفع ایدب فضای عالم علویده قورەسن
بوخاکدان بی بقانک وبودار الاحزان پر عنانک بالکلیه ترکن اورەسن قدومکه
منتظر ومترقب ودرودکه مترصد ومترقبم سن کلوب وصول بولمینجه بومحلدن کیتمزم
جایکاهه مرور ایتمزم ایلدم که ای پدر آرزوی لقای شریفک بنم دخی جانمه تاثیر
ایتمشدر بکا رجا اولکه دولت مشاهدهٔ دیدار پر انوارک ایله بهرەمند وسعادت
مواصلت فرخندە اثارک برله سربلند اولم بیوردیکه امدی کمال سرعت اوزره اوق
یارن کیجه کله سن بزمله بیله آختمیه سن خوابدن بیدار اولدم عالم عقبانک
اشتیاقی بکا غالب وول وجانم وصوله طالب وراغب اولدی انکچون نان احضار

ایلدم

ایدرم یاران سزبنم مهمات دفنمه مشغول اولدقده اولادعالی نژادم آج اولمیه لر
وشعار ووثار لرین وطرهٔ تابدارلرین غسل ایدرم که بندن صکره برمدت
شست وشویه محتاج اولمیه لر چون حضرت امام بوکلام فرقت انکیزی کوش دبو
جام قهر آمیزی نوش ایتدی جویبار دیده سندن آب حسرت آقتدی وهزار
نالش وسوزش برله آه ایتدی قطعه دلدارمن کنارهٔ می طلبد درکوی فراق
خانهٔ می طلبد تیری زکمان هجر می اندازد درسینهٔ ما نشانهٔ می طلبد فی بدرک مخزن
کاینانک داغ فرقتی وجراحت رحلتی هنوز التیام بولمدین سنک دخی ایام معاشک
وهنکام انقضای مرافنکه ظهور ایتدی بیت هردم زمانه داغ نو برجکر نهد
یک داغ نیک ناشده داغ دیکر نهد فی فاطمه خاتون ایتدی بیت عمرومز فرضا که
عمر نوح اوله عاقبت لازمدر ای جان ایرلق نظم پدرم مصیبتنه پنجه صبر وآرام ایتک
ایسه بنم تعزیتمه دخی اول رسمه تحمل ایله وموسم مصیبتده لباس عزا وصبر جمیل کیوب
تحمل ایله حالا برنفس یا لمدن کتمه که نفسم شماره ونفسم محل اختصاره کلمشدر
دستکه مصاحبت وعلاوه دیدارکبی دارالقرارده قالمشدر بو اثناده حسن وحسینک
رخسار آفتاب انوارنه نظر ایتدی بالاضطرار نرکس بهارندن ژاله بی شمار
اقتدی وایتدی نولیدی بعد الانتقال سزک احوال فرخنده فالکوزنه منوال اوزره
اولجغی معلومم وعواقب کارکز وسرانجام کردارکوز مفهومم اولیدی اول مخدوملر
بوکفتار فرقت اثاری که کوش ایتدیلر طولاب کبی نالان وزار وسحاب کبی اشکبار
وبی قرار اولدیلر فاطمهٔ زهرا علی مرتضایه ایتدیکه حسن وحسینی زیارت تربت حضرته
کوندر چیدر صف در خاطر عاطرلری آسایش وضمیر فاترلری آرامش بولمیجون
استمالت ویروب ای شهبازان فضای فضیلت وی تذروان صحرای قابلیت
مزار جد بزرکوارکزه وارب دعا ایلک والده کوز خسته وبیحضور وکمال مرتبه ده
بی فتوردر مامولدرکه برآن راحت وبرزمان استراحت بوله چون اول ایکی
سروخرامان یرلرندن قیام ایدب جانب روضه یه روان اولدی فاطمه تکرار ایتدیکه

يا امام لطف ايدب بردم آرام ايلكه عمر كذرام نهايت وپايان بولدي بيت بهار
عمت را نفس بازپس است اين باس نفسش ز آرام نقل است اين ر علا ايتدي اي عادبر بطين
بو مقالي اشتمكه بنده قدرت وبو حالي كورمكه طاقت يوقدر مفارقت جانان جوتلو
يكسان بلكه موت اندن آسان در بيت كرچه كم بردر اولوم آماكه بر كونده
بيك كز اولورم هجرانله نثر فاطمه ايتدي ديار عدمه سفر ايتمك بالضروره لازم ودرد
دلي سكا شرح ايلمك بهر حال مهم اولمشدر بر آن صبر وقرار ايدب كفتارم كوش ايله دنربت
تلخ فراقه ناكاملق كاسي بر له نوش ايله قطعه بنشين مكر از دلم غمي برداري يا از سر آتشم
دمي برداري جانم ز فراقت بعدم خواهد شد بان تابود از عشق قدمي برداري
پس اول عالي جناب قعود ايدب سر سعادت اثرن زرينه آلدي ودست ملاطفت
بر له مرده صالدي بو اثناده ناكاه ام المتغيته رقت قلب حاصل اولوب آغلدي
كلزار رخسار فاطمه يه قطرات باران غمدن بر تج قطره طملدي فاطمه زهرا نركس بيمارين
آچدي اول حضرتي كورب ايتدي بيت غم دكل كتردي غم وكلدي جان لبه تك
سنكله دوستلق اولسون يرنده برقرار نثر اي امام وقت وصيت درنه حكم
بكا تعزيت ايتدي اي مسند نشين چار بالش عفت توصيه سفارش وساير
خدمت هر نه ايسه تعيين ايله ومكنون ضميرك كاهي تبيين ايله اسيفدركه بقدر
المقدور ادسنه قصور مز صدور واتمامنده اهمال وفتور مز ظهور بولميه ايلدي
كدورت وحيتم واردر اول بوكيندن علم شعور ايلمها در اولان تقصيراتي
وزلات اقدام افهام بر له واقع اولان هفواتي معذور وتوب حلال ايدهسز
علا ايتدي بوجه مدت معاشرت اندم اخلاق كريمه كوزدن برقولها دراولديكه
مورث ملال وبر فعل متبادر اولديكه باعث كلال اوله ايكنجي فرزند دلبندلرم
عزيز ومحترم ومعزز ومكرم طوتوب دست مرحمتكوز سرباسعادتلرندن
دور ودايما نظر شفقت اثركوز اوزرلرندن مهجور ايتميوب هر بريك يا تكرده
مآرب مقاصدي مقبول وسهام مهامليري هدف اجابته موصول بيوريله وصي

روز روشنده بروجه اتباع سنن وتهنيه حنوط وكفن اولنوب شب تار ايرادكوه
جسم فاك پاكده مدفون اوله حال حيوتلده فدوقامتم سهام انتظاريكانيه نشانه
اولمادغي كبي مماتمده دخي نقش نعشم مشاهده اغياردن مصون اوله دردنجي زيارت
تربتمدن دايم الاوقات منقطع اولميهسز وذهاب وايابدن مجتنب ومندفع اولميهسز
بيت كلك قبرمه رحمت كبي اي نور خدا اكرسن خيردعادن كه دعاكويك ايدوم
مابينمزده اولان الفت وانسيت لفظ وعبارت وتشبيه واستعارت ايله تقريره
قابل دكل ومؤانست ومجالست بيان بنان بر له تحريره متحمل دكلدر بنان تحريرده
طاقت كتورمز زبان تقريريه قدرت يتورمز علا مرتضي بو وصاياي مصيبت
افزاي كه استماع ايتدي بي اختيار سوز حسرت ايله كريان اولوب ايتدي اي فاطمه
بن سنك سر جمله ما مولاتك صار رغبت ايله قبول ايتدم سن دخي بنم وصايامي رضا
ايله اصغا ايله ايتديكه وصيتك ندر امام علي بيوردي كه بحكم كل جواد كبوة ولكل
حسام نبوة خدمتكزده واقع اولان تقصيراتي عفو ايتمكه احسان ايدهسز
وحضور سيد الانام بر له مشرف اولدقده بو بنده لرندن مراسم تحيت وسلام
اداسندن صكره ملاقات ذات رحمت آيا تلرينه اولان سورت حرارت تراعمي
وسوزش داغ غمي مفصل بيان ايدهسن وبندن شكوي ايتميوب الطاف عميمه
واعطاف جسيمه ونقيحه عرض شكران ايدهسن فاطمه ايتدي زمان مواصلتدن الي
هذا الآن شكايتي موجب بر حال واقع اولمدي نيجه حسن مقال ولطف فعال مشاهده ايلدب
الالاف مردمي مروت واصناف جوانمردي وفتوت كوردم بيت اي زسرتا پا چو
چشم خويش عين مردمي چون تواند بود چندين لطف در يك آدمي نثر انلر بو كفت وكو
ايكن ناكاه همهمه واويلا وزمزمه واأسفا زنين غبرادن قبه فلك
خضرايه ايردي حسن وحسين انواع اندوه وحزن بر له درخانه يه كلوب پدرلرينه
خطاب ايدب اي معدن سكينت وحلم وي باب مدينه علم باب حجره مفتوح قلمغه
همت ايله تاكه دم آخرده مادر زركك ديدار سعادت اثاريله دل وجانمز مشرف اولهوز

و دررکلمات حکمت آیاتیله اذن ادعا لمز سقوط دمنیف ایده و ز دیجک امام معالی
نصاب فتح باب آتدی دایتدی ای پسران معالی نشان دی زنده دارندکان نام
مردکان ماد رتجسته پیکر کوز بودمده تنکنای پرعنای ناسوتدن روضه فضای
لاهوته عزیمت ایده جکم ندن بلدکوز ایتدیلرکه ای پدر عزیز شولدم که روضه
مطهره‌یه ایردک لب ادبله سلام ویردک برآواز دلنواز صادر اولوب ای
یوز دیده لرم دی فرزند کزیده لرم سرعا مکن معینکزه رجعت ایدک دالکوزک
آغزمنده پندسودمندیله سربلند دشرف نصایحی برله شرف وبهره مند اولک
دیو بیورمغین سرعت ایله عودت ایتدک پس مادرلرینک حضورنه وارب کوردیلر
که مدهوش اولوب یتمش سرجلاجه استغراق یتمش دامن کردارایاغنه دوشوب
کف پاینه یوز اوردیلر افتراق وحسرت نامه‌لرین اجوب انبساط دانشراح طومار
لرین دوردیلر دهزار نیاز دتفرع برله ایتدیلر ای مادر معظمه دی والده مخجمه
مبارکلا اجوب بزه برسوز سویله کفتار شکربار کله بو یتیملری نوازش ایله بیت
برنظر قلکه فراقکله جکر خون اولدی مرحمت ایت بزه کم حال دیکر کون اولدی
بوکلام فرقت انجام مسامع علیه زهرایه ایردکده دیده فرقین باز ودست
مبارکن درازایدب اول جوی بارکرامتک شمشادلرین داول کلعذار بتونک سرد
آزادلرین برک برک بغرنه بصوب خاطر کسیرلرین نوازش قلدی دخترلرین احمر لیوب
دجملس حضرت مرتضایه سفارش ایلدی اشارت زهرا ایله سبطین دمرتضی مره
اخری منار کردلی مدار رسیده مختاره کتدیلر شولدم که سمت معهوده توجه ایتدیلر
فاطمه ام سلمه یانه دعوت ایتدی دایتدی غسل ایجون صو احضار ایله حاضر اولدقده
اول نهال طوبی خرام مانند شاخ سدره قیام ایتدی لوازم اغتسالی فی الحال اتمام
ایتدی کل کبی معطر دمعطر جامه‌لر کیوب جادخواب میان خانه‌ده بسط ایتدرب
جنب یمنی ارضه قیدی دست مبارکن صاغ یوزینک التنه قویوب قبله‌یه توجه
ایتدی پس اسما بنت عمیسین طلب ایدب ایتدیکه برکون رسول رب غفور رحمت

وبرفتور ایدی جبرئیل کلوب فردوس اعلادن برمقدار کافور کتوردی تاکم خاتم
الانبیانک مصحف زندکانیسی ختم اولدقده خرج ایده‌لر اول حضرت دخی کافور بر نوری
اوچ قسم اوزره تقسیم اتدی برنجیسنی کندولر آلوب ثلثانی بوفقیره ایله علی‌یه
تعیین ایدب بکا تسلیم ایتدی کافور مذکور محل فلانده مخفی ومستوردر نصفین
بنم تجهیزمه قویه‌سن ونصف آخرین علی ایجون حقه محافظته قویه‌سن اسما فلانت
مامورسن اوااندکدن صکره بیوردیکه اسما سن طشره چیقوب بنی تنها کندو
حالمه قویه‌سن درکاه قاضی الحاجاته عرض راز دبارکاه سمیع المناجاته تفرع دنیاز
ایتسم کرک اسما ایدر فرمان شریفینه امتثال ایدب طشره چیقوب برساعت طوردم
کریان اولدوغین کوش ایدب حضور سعادت موفورنه کیرب کوردم زبان خضوع
ودهان خشوع برله دست دعای درکاه باری سمتنه مرفوع ایدب ایدرکه ای رازق
الانام دی خالق ارواح واجسام انعام عامکدن متفرع واحسان عامکدن متوقع لرکه
پدرم حضرت رسالت منزلتک حرمتی دودیلارمه ولان شوق ومحبتی وعلینک بطنینک
مصیبتمده اولان کریه وناله‌لری دودختران محنت دیده‌مک ناله وسوزشلرینی
حرمتنه بابامک مذنب وخاطی دآثم وعاصی امتنه رحمت ایدب جرم جرملرین
سلسال احسان وزلال غفران ایله پاک دنامه مسوده سیئاتنه قلم رحمت رقم
چکوب لوحه مهروماه کبی تابناک ایله دیدکده بی اختیار مانند ابر اشکبار ومثال
رعد زاندوبی قرار اولدم دیده سن آچوب ایتدیکه بنی تنها قودیو سفارش قلمشدم
مخالفت ایتدک اصغای کلامدن دایره‌دن طشره کتدک ایدی طشره چیق منتظر
اولوب برساعتدن صکره چلای اعلا ایله ندا ایله شویله که اجابت ایدم دیمها
والابیلس که صافدار آخرت دجای ورمقام صدق وراحت اولدم برساعتدن
صکره یا سیدة النسا یا قرة العین اشرف الوری دیو ندا ایتدم جواب ویرمدی
درون خانه‌یه جان آتدم کوردم که مجره فنادن حجله بقایه دکلبه عنادن روضه
عقبایه کتمش بوحال مصیبت مآل یوز کوستردکده ساحت ضمیره لشکر حیرت بردجهله

مناجات

ابتلا بولدیکه عنان صبر دست اختیاردن بیردن اولدی ناچار چهرهٔ منورین
اوتوب زیر پاینه یوز سورب وهزار حرقت وفرقت ایله دیدهٔ غم دیده دن
اشک حسرت آقتدم بوانشاده حسن وحسین اجره کیردب والدهٔ مشفقه لرینک
حالن صوردیلر دیدار قمرانواردن رفع نقاب ایدب صورت حالی اشکار ایتدم
جونکه وفات اتدوکن بلدیلر کریان ونالان جانب مسجده عزیمت قلدیلر حضرت مرتضا
اشراف صحابهٔ عالی مقدار واکابر مهاجرین وانصار ایله محاورهٔ بحث وجدل المناظرهٔ
عقد وحل قلورکن صدای مصیبت اقرای سبطینی کوش اتدی بی اختیار دوشوب
عقلا باشندن کتدی صدای نالهٔ سبطین کوش ایدیجه امام وفات فاطمه
خاتونه واقف اولدی تمام اصحاب کرین واحباب صداقت آیینک کل خسار مرتضا
دیدهٔ کریان کردار صوسپدی دکی دورب حسن وحسیندن مورث غموم جان کداز
وباعث هموم محنت سازی نه ایدوکن سوال اتدی ایدیلر که جان عزیز زهرا مهمان
خانهٔ جسم ثی لقادن دعوت سرای والله یدعوا الی دار السلام واصل اولدی وروح
بتول عذرا جاذبهٔ ارجعی الی ربک برله شاه راه کل نفس ذائقة الموت دن
منازل ساکنان صوامع قدس بربینه نازل اولدی کر سرا پردهٔ قدر تو بر افلاک
بود عاقبت زیر سرت خشت وزبر خاک بود بکذر از کلشن کیتی که کل ولالهٔ او
دل صد پارهٔ خلق وجکر چاک بود بوجود علم حیف دنیای دنی حیف باشد که کسی
خرم وغمناک بود اصحاب بزرکوار که مصیبتدن خبردار اولدیلر هزار درد وفرقت
بر اشکبار اولدیلر جون شرر آتش مصیبت فاطمة الزهرا اطراف شهره منتشر اولدی
جراحت داغ فرقت حضرت رسالت تازه لنوب هر کس متألم ومتأثر اولدی
در ماتم او دهر بسی شیون کرد لاله همه خون دیدهٔ در دامن کرد کل جیب قبای ارغوانی
بدرید قمری نمد سیاه در کردن کرد اول زمان که بلغای فصاحت مآلی وفصحای
فضیلت نصالی درد وبلای مفرومی که وعدم ثبات روزکاری مؤبد اصناف
قصاید ومراثی وانواع مقطعات ورباعی تحریر اتدیلر علی الخصوص حضرت مرتضا

فن

فن نظمده معانی غریبه وبدایع عجیبه ال ویرمش ایدی وصنایع شعریه ده صیت
بلاغت وفصاحتی شعرایه ایرشمش ایدی بو ایکی بیتی فاطمهٔ زهرانک زمان وفاتنده
کان قریحه‌دن سلک بیانه وصدف فکریدن عقد عیانه نظم ایتدوکی مرثیه‌دندر
عربیه لکل اجتماع من خلیلین فرقة وکل الذی دون الفراق قلیل وان افتقادی
فاطما بعد احمد دلیل علی ان لا یدوم خلیل نظم یعنی ایکی دوست میاننده اولان
اجتماعک افتراقی مقرردر وبلکه فراقدن غیری جفا جزوی در اکا مصابرت میسردر
تحقیقا رسولدن صکره فاطمه‌دن جدا اولدوغم دلیل ظاهردر که هیچ بر دوست عالمده دایم
دکلدر وهیچ بر قاعدهٔ محبت دور قیامته دک قایم دکلدر قطعه بود رآیین رسمی
روزکارک آیودور بر بر ندن ایکی یاری اجلیب جدا ایلر جون آخر اراده برزمانی
اولسه باری نثر بصایر ارباب تحقیق معاین وضمایر ارباب تدقیق روشندر که هر
نوالده نالهٔ مضمر وهر نعمتده نقم مدغم ایدوکی مقرردر هر دولتک غایتی لت وهر فرنک
نهایتی بت در قطعه چنین است دستور چرخ کهن که جون سر برآری برادر
زمین در این لاجوردی سرای دودر زجنبال طرب رسد نوحه کر نظم بود نیای ناپایدار
عکس بوار در نه اماکن مسار بو سبزه زار جهان مراتع نقور در نه مراتع سرور در
منتزعات بقاعی مراحلکذر در ومستحسنات رباعی منازل سفر در هیچ بر عشرت سرا
بنیا اولمادیکه روزنه ودریچه‌سندن دود مصایب ظاهر وهیچ بر کاشانهٔ بهجت
فزا اباد اولمادیکه دود کاخندن شرارهٔ نوایب منتشر اولمیه هر کلکامران کیننده
خار الم لازم وهر شراب شادمانی عقبنجه خمار غم متحتم در بیت جام وصل دلبرانک
آخری درد فراق نیشکم بزم نشاطک لازمی درد خمار نظم فرح ترح ایله اباد وصفتی
کدر ترکله همراز در قطعه این کهنه رباط را که عالم نامست آرامکه ابلق صبح وشام است
بزمیست که وامانده صد جمشید است کوریست که تکیه کاه صد بهرامست روایت
اصح روایت موجبنجه وفات فاطمه خاتون هجرت نبویه علیه الصلوة السنیه تاریخندن سنه
احدی عشر رمضانینک اوچنده شب سه شنبه ده واقع اولوب روضهٔ محمد مصطفاده مضجع مفخر

تاریخ وفات حضرت فاطمه زهرا رضی الله عنها

ابنیاده مدفوندر اکرم الله مآبها وعطر نسیم الرحمة ترابها امیر المؤمنین سلطان المحققین
ختن الرسول وزوج البتول جناب ذوالمواهب علی بن ابی طالب حضرتلرینک ایام ولا
دتندن هنگام شهادتنه دک وقوع بولان اخبارین بیان واثارین عیان ایدر شواهد
النبوه کلک تحقیق ایله مرقوم وقلم تدقیق برله مرسوم درکه علی مرتضی رابع عشره مبشره در
اول ایمه اثنی عشره درجیت ثم دکل دوردنجی اولسه چاریاره اول جناب اولدی
اون ایکی امامه پیشوا ومقتدا انس علمای امم وفضلای بنی آدم منقح اللفظ والمعنی بیور
مشلردر که حضرت علی کثرت علم وعمل وپرهیزکاری ووفور دانش وفضل وبزرکواری
برکذیده سادات اشرافدن وعامه علمای حمیدة الاوصافدن ممتاز دراشا شهامت
وشجاعت وافاضه جود وسخاوت ایله اعاظم دین ودولت وافاخم ملک وملتدن
سرافرازدر عالم معالم انوار التنزیل واقف مواقف اسرار التأویل رافع ایات
الفضل والافضال ناصب رایات العلم والکمال در عجایب کراماتی مخبر معجزات رسول
وغرایب خوارق عاداتی محیر اطباع وعقولدر ضمیر مطهری مظهر اسرار علوم دینیه وخاطر
منوری مهبط انوار معارف یقینیه اولدوغندن غیری برطبع خرده شناس وبر
ذهن آفتاب اقتباسی درکه جواهر منظومات مرصع خوب ودلپذیر وابیات پر
نکات مصنوع عدیم النظیر در غوالی معانی طربخانه عبادتی مرفض روان افاضل و
شبایب نهال خامه‌سی مروی ریاض فاضل در نتایج طبع نقادی موجب تفریح
ضمایر ارباب کمالات وخصایص ذهن وقادی تشحیذ خواطر اصحاب وجد وحالات
در عبارات فصاحت آیاتی ان من البیان لسحرا مضمونن محقق واستعارات
بلاغت غایتی وان من الشعر لحکمة مکنونن مصدق در هر نکته که نتایج رقم بدایع
بیانندن صدور ایدردی کارنامه صور لطایف وهر رقعه که نسایج قلم درفشان
ظهور بولوردی فهرست رسایل معارف ایدی اول جنابک اشعار مدون حکمت نصاب
علمای افادت مآب دوران عارف وفضلای فصاحت آیات زمان واقف در
مثنوی تلم طوتسه بنان هربیانی عیان ایلر رموز کن نکانی نه قطره کم تلدن

ایده ظاهر اولور نیسان کبی درر جواهر حریرندن فلکلر رقصه کیردی مسیرندن ملکلر
ذوقه ایردی تجنکم نقش ایده مانا الضمیری چجکا فوره مسکیله عبیری حروف حما سن
زلف تباندر سراسر هر بری ماوای جاندر کوررسه خرده سن رشک ایده کوهر شتسه
نکته سن عمان اولور تر نثر شرح حسن خصایلی ووصف انواع فضایلی مقدور نقش بند زبان
ومیسور نکته پرداز بیان دکلدر امام احمد حنبل علیه الرحمة من الله عز وجل ایدر سلطان
ممالک الفضایل برهان مسالک الافاضل یعنی علی فرخنده خصایل حقنده اول مقدار
فضایل کوردم که صحابه معالی عتبارک هیچ بری حقنده کورمدم اول ذات ملکی الخصال
وملکی الجمال فخر الملاین والامصار مکه معظمه رحمت قرارده اصحاب الفیلک اوتوز یدی
ییلنده ماه رجبک اون یدلیسنده جمعه کونی سراپرده مشیمه‌دن بارکاه وجوده وخلوت
خانه مکوندن جلوه‌کاه ظهوره کلدی شیخ مفید علیه الرحمة من الملک المجید ایدر
ولایتلنده بر زاهد ذوفنون وبر عابد ذرحصون برکامل عالی مقدار وبر فاضل
کرامت اشتهار وار ایدی مایده فایده عالملردن سیراولوب طیب خاطر ایله
الچکمش وحب جب فالق الحب والنوای مزرعه دل نی غلهده اکمش قدم تجریدی
عالم تفریده بصمش وتیغ کرامتی کنکره عرش جلالته آصمش رشته علایق خلایق
قطع ایدوب لیل ونهار برکوه فلک رتبت وبرجبل آسمان رفعتده قرار اتمش ایدی
وحبل المتین تقرب حضرت عزته متمسک اولوب خلق عالملردن فرار ایتمش ایدی
مردم چشم جهان بینی کبی غارنشین وکنج مغاره‌ده خلوت کزین ایدی مناقب
پسندیده‌سی بی حد ومفاخر سنجیده‌سی لایعد ایدی قطعه اودینی کزلمش
کنج نهان وار بولوب برکوهده کنج قناعت اتاکین کوه وشی حرش ایاغ
جهاندن حال چکوب قلمش فراغت مرزم بن وهیب دیکله متهم کرامایه سندن
یوزطقسان ییل مرور اتمش برشیخ معمر وپارسا ایدی عادت مألوفه‌سی وطریقه
معروفه‌سی وقتنجه برکون حضرت احدیته مناجات وبارکاه صمدیته عرض
حاجات ایدرکن ای رجاء السائلین وی واصل المشتاقین کندوحرم محترمک

زایرلردن • وخانهٔ مکرمکه بجا درلردن • بر نیه قرین وهمنشینی اولمق سوداي
سویدای دل • وداعیهٔ جان بی حاصلدر • وبو تضرع ونالش ایتدی • خدانک جانبی
نشانهٔ اجابه یتیدی • اتفاق ابی طالب بطریق التجاره یمن متیمن جانبنه عازم
اولدي • اول مرشد کاملک زیارتنه وارب جناب حقیقت نصابنه وصول
بولدي • شیخ تقوی شعار • وکرامت دثار • انلری کورب انواع تعظیم • واحسان
تفخیم ایله استقبال ایلدی • کمال احترام ایله یاننه الوب • نه جانبدن کلدوکن وابای
کرامن • وقبیلهٔ ذوی الاحترامن سؤال ایلدی • جواب ویروب بیرودک کو بکی مکهٔ
کرو بطحادن • وقبیلهٔ عبد مناف دن • واولاد هاشم ابو الاشراف دن
ویجک • مهمان زاهد ناتوان • جاننده جان یرندن قوپدی • جام وجامه صفت
قوجدی داوبدی • وحبور نامحصور برض ایتدی • وایتدی دست اجل کریبانن
حیاتم چاک • وعسکر محنته کاخ وجودم خاک ایتمدن • ریاض مطلوب سلسال اشفاق
ایله سیراب • وحیاض مقصود زلال النجاح برله مالامال اولدي • خانهٔ مکه یی وحرم محترمی
بی درلرندن • برنیک انوار رخسار منتیله مصباح ضمیرم نور ارتیاح ایله طولدي •
الحمد لله الذي من سأله اجاب ومن استوهب من حضرته ما خاب • ویوشکر بی نهایه
وحمد بلا غایه تقدیم اتدی • بعده نام نامیسن صوردی • ایتدیکه اسم ابی طالب
ونام پدرم عبد المطلب در • هر روشن ضمیر ایدرز برکتابده کوردم عبد المطلبک
ایکی نبیرهٔ وجود بوله • بری رسول کاینات • وبری ولی صاحب کرامات اوله •
نام پدرینی عبد الله • واسم والد ولی ابی طالب اوله • عجب اول نبی وجوده کلدیمی •
ابی طالب ایتدی بلی کلمشدر • نام شریفی محمددر • صیت امانتی وصدای استقامتی
اقطار عالمه طولمشدر • خصال حمیده • واخلاق پسندیده برله بین الانام شهرتله
نام بولمشدر • جمیع مکارم اخلاق • وشرایف شیم • ومنبع انهار انوار • وعلمک
عالم نکس تعلم • در که سحاب وجود کرمندن هر قطره بر بحر مواج • وآفتاب علم
وحکمتندن هر ذره بر سراج وهاج اولمشدر • حالا یکرمی طقوز یاشنه یتمشدر

سر سعادت اثرینه ترکسدنیادن تاج ایتمشدر • ای ابی طالب سکا بر مژدهٔ تازه
وبر بشارت مسرت اندازه ویره یم • که اکمل مآرب واجل مطالبدر • بو عالم
فرخنده انجامه دنه صلبکدن بر فرزند نیام وجوده کلوب • بر وجهله نام ونشان
بوله که که درکه مرجع کافهٔ ارباب طریقت • وملجا اصحاب حقیقت اوله که کدر • وطن
مالوفکه رجعت • ومسکن معروفکه عودت ایتدکده • برادرزادهکه بو پیر کثیر التقصیردن
سلام ایدب • خدای بی همتانک وحدانیتنه • واول جنابک نبوت ورسالتنه • زبان
تحقیق وجنان تصدیق ایله • اقرارم حضور هدایت موفورنه ایرشدرهسن • وتقبیل
نعال عطایا • والثم رکاب همایون اطلاکه تاج تارک اصحاب هدایت • وپیرایه روز
کار ارباب سعادتدر • عرصهٔ عرضه یتشدرهسن • وبر فرخنده ورودک تنکنای عدم
آباددن • فضای وجود خرم بنیاده کلدکدهٔ • الخایام ایدب دیهسن که اول پیر
فانی • وشیخ منحنی • بو وجهله تعیین حال • وتبیین مقال ایلدیکه • وقتی که اول حضرتک
مدت نبوتی آخر اولور • سنک ولایتک ظاهر اولور • اول خاتم نبوت اولور •
سن فاتح کشور ولایت اولورسن • ابوطالب ایدر بو مقال خجسته مآل تحقیق ایلدکی
نه معقدمه ایله تصدیق اولنور • مکر بر دلیل روشن ظهوره کتورهسن • تاکم دل ایکرداني
وادي ریبدن • سرحد صحت یتورهسن • بر آفتاب ضمیر ایتدی امنیت پیچادک زبانه
ونیت فوادک بیانه کتور • دعا ایده لوم ما مولدرکه انلرک حرمت وعزتنه مقبول
اوله • وسهم حاجتم نشانهٔ اجابه وصول بوله • حبیب حق کارسازون الاجوب
ایلرم نیاز • بر عاجزم بیم الحق المدارج دعاکلورز • ابی طالب دیدهٔ دقت ایله اطراف
وجوانبه • وزیر وبالایه نظر ایتدی • درخارده بی برک وبار بر پوسیده بر درخت
انارکوروب ایتدی • دیلرم که بو شجر بی ثمره طراوت ونضارت ایره • فی الحال بر تج
انار تازه ویره • زاهد کرامت بنیات • درکاه واهب المرامات • وبارکاه
میسر المرادات • قبلهٔ عرض حاجات ایتدی • وایتدی الهی اول نبی معجز شعار واول
ولی کرامت دثارک اسرار نهفته سن آشکار • وبدایت نبوت وولایتن اظهار ایتدم

نبات

اکر کلام سمت شبهت دن مبرا • و مقالم وصمت ریب دکمانن معرا الیسه • بو
درخت خشکدن انار تازه دیر • درخت مزبور کمال قدرت ذو الجلال برله سرسبز
اولوب برک و شکوفه ویردی • همان ساعت ایکی انار تازه اولوب کماله ایردی •
عابد کرامت شعار • اول ایکی دانه اناری ابی طالب حضورنه کتوردی • پرده شک
وریبی چهره تحقیقدن کتوردی • زمان مزبوری کسدی • اول دانه لردن یدی
رنکی نطفه سرایت اتدی • حیدر کرار رخسارنی کلناری ایدوکی اندن ایدی القصه
ابی طالب حضور کرامت موفوری بیردن سرور نامحصور ایله قالقوب کتدی • کونلرده
برکون کعبه معلا یا ایرب • نطفه رحم فاطمه بنت اسده نقل اتدی • مدت حمل تمام اولدقده
فاطمه روایت ایدر که کعبه محمیة الاکنافی طواف ایدرکن • دور رابعده اثر مخاض ظهور
اتدی • احمد مختار بنی کورب ایتدی • ای مادر نیز نک زمانه دن نه حادث اولدی
رنک و رویک بو وجهله تغییر اولمغه باعث اولدی • صورت حالی تصویر • وحادثه
اولان وجع والمی تقریر اتدم • ایتدیکه سعی ایدب طوافک اتمام ایرکوز • اکر زحمتک
مشتد اولورسه خانه کعبه معظمیه کیر یزید بن تغلب
روایت ایدر که عباس بن عبد المطلب • و بنی عبد العزیدن بر جماعت مجازی
بیت عتیقده مصاحبت ایدرکن • فاطمه بنت اسد مسجد حرامه داخل اولوب مکان
فایض الالطافه وصول بولدی • شول حالده که علی یه حامله ایدی • مدت حملدن طقوز
ای مرور اتمش ایدی • طوافه مشغول اولدی • علامات وجع وضع حمل حرکاتنده اشکار
واماراتی خلق سکناتنده بدیدار اولوب کاشانه سینه وارمغه مجالی وطاقتی و
مطلقا روش ورفتاره قدرتی اولمیوب • جانب حقه تضرع اتدی • وایتدی ای بو بیتک
محترمک • و بو مقام مکرمک صاحبی • بو بنیه سنیه نک بانیسی اولان خلیل الرحمن جلیل
الشانه حرمتیچون • بو ولادتی بکا آسان ایله راوی ایدر کوردم که ناکاه دیوار
کعبه شق اولنوب • فاطمه درون بیت شریفه روان اولدی • انظار حضاردن پری
وار نهان اولدی • بز دخی قصد ایلدک دخول ایده مدک • هر چند سعی اتدک کیره مدک

دردنجی صباح باظهر والفلاح مطلع بیتدن طلوع اتدی • علی افتاب جمالی فاش سنه
ایلدی امام ابو داود علیه الرحمة من الملک المعبود ایدر درون کعبه ده متولد اولمق علی
عالی نژادن غیریه میسر • بلکه افراد انس وجاندن بر فرده مقدر اولمامشدر رباعی کوهر
چو پاک بود صدف نیز پاک بود • آمد میانه حرم پاک در وجود • کعبش فیض کعبه صفا
داشت لاجرم • بردوش سید دوجهان جلوه نمود • شول دمکه مادر مرتضی مقر معینته
وصول بولدی • ابی طالب چهره پرجره مولودی کورمکه طالب اولدی نیجه طالب اولمیه که
مشاهده بیکر سعادت مقرونی جالب قلوب • ومطالعه منظر همایونی سالب کروب ایدی
اول غنچه باغ اعزاز نهال کل کبی دستین دراز اتدی • پدرینک عکس بنفشه فامن بولوب
خار ناخن ایله یوزن طرملدی • ومادر مراد ایتدیکه اول شیر بیشه کرامته شیر ویره قبول
ایتمیوب • انکله دخی وجه مشروح اوزره معامله ایلدی • ابی طالب اتدی بو مولود بهجت
ورود ه نه اد قودکز • دیو مسافر عالم غیبک آدین نه قودکز • اکرچه صورتی ماه تابانه
مشاکلدر • لکن روز بازوسی بچه شیر ژیانه مماثلدر • فاطمه ایتدی پدرم کبی اسد نامیله
مسما قلدم • ابی طالب اتدی بن انک نام نامیسن زید قودم • پس فاطمه علینک دست
وپایین مثال کل دسته قید کهواره ایله بسته قلدی • اول طفل شجاعت طفیل نیروی
بازوی ایله چکوب کسسته قلدی • مادری بر مهمه مشغول ایدی کلوب کوردیکه دست
وپایی کشاده اولمش • اول نهال سرو ازاده قید وبنددن خلاص بولمش وقتی که اول
اختر تابنده برج ولایت • افق ولادتندن ظهور اتدی • بو خبر خجسته اثر سمع شریف
افتاب سپهر رسالته یتدی عجبا اسم نامیسن نه قودیلر دیو صوردی • ایتدیلر که
پدری زید ومادری اسد قودی • انک اسمی علی عالی همتدر دیو بیوردی والده سی
استماع ایدب ایتدیکه بکی فضاء هاتف غیبدن که سروش لاریب در نامینی علی قومق
کرک دیدکلرین ایشتدم • لکن بر فرده اظهار ایتمیوب جان کبی نهان اتدم بیت
کام دهن وزیب زبان در نامی • ارام دل وراحت جاندر نامی کتورمشدر اول
جناب خانه ابو طالبه وارب دیلدیکه علینک یوزین کوره • مادری اتدی ای مایه اکسیر سعادت

بو پسر فرخنده طلعت شیرخصلت درت یاشدا ایدی بو محل افعاله جرأت وموجب شرم ابلق
اوضاعه جسارت ایلدی اول حضرت دست شفقت ایله یوزندن نقابن کوتوردی
دیدهٔ محبت ایله رخسار دلاراسن کوردی عالم خوابه وارمش اویوردی مثنوی
طلعتی مظهر آثار جمال طینتی مهبط انوار کمال قبلهٔ اهل بصیرت رویی سرمهٔ دیدهٔ
سودا مویی چونکه مشام عطر رایحهٔ کیسوی مشکبوی حضرت ایله طولدی مانند بخت
بلند سعادتمند خوابدن بیدار اولدی بیت بوی جان می آید از باد صبا این
بوجه بوست مشک را این هم نباشد نکهت کیسوی اوست نرکس شهلاسی کل رخسار
سید الاصفیایه نظر اتدی نا لحال کل کبی قابی آچلوب غنچه صفت تبسم اتدی بیت
اولور شمع دلی نور ایله انور شام جانی بو بیله معطر مهد اسماعیل دهندن چقوب
الله الذی زبان معجز بیانن دهاننه ویردی شربت رشحات لعابن امدردی شول
دهندن که سرچشمه اسرار وما ینطق عن الهوی در بو خصوصده نکته بیان ایدب
ایدرلر که بنجون اول بدری الله نزول دما درندن شیر شیرینی قبول ایلدی زیرا دیلرکه
جملهدن مقدم مفخر عالم الله دارب مبدأ حالنده آب حیاتی سرچشمه نبوتدن نوش ایدب
قوتی دست شریفندن وعلومی لعاب منیفندن حاصل ایده بیت صوفی بجگر خستگان
عشق رسان رکیمیای سعادت کر در دهان داری بشایر المصطفی ده کتورمشلردر که
اول کلبن کلستان کرامت اول سرو بوستان رسالتک خدمت عالی منزلتنده اولمش
ایدی وعباه تربیت معالی رتبتلریله نشو ونما بولمش ایدی تحصیل مراتب علیه
واستکمال مناقب سنیه ایدب شمع نبوت طاهر الاعراقدن اقتباس ایدب پرتو مکارم
اخلاق اتمش ایدی چون بش یاشنه قریب اولدی بر سال مشقت مال دورد
انیرکه عساکر قحط وغلا جلیل وحقیرکه غنی وفقیرکه کشور حاللرینه استیلا
بولوب بدحال ویامال اتمش ایدی واجلهٔ ذوی الاعتبارک واعزهٔ دار ودیارک
کلستان معیشتلرین بی برک ونوا ایدب پیش خار قلت رکه حیاتلرینه تمثیل ایدی
هرکسک عشرتی عسرته مبدل وافتاب زندکانیسی برج قلته تحول اولمش ایدی ابی طالب

اقربا سیاننده کثرت فرزند وعیال وقلت مال ومنال ایله اتصاف بولمش ایدی
برکون حضرت رسالت عمسی عباسه ایتدی کرسن مال ومنال ایله کمال مرتبهده غنی سن
ابی طالب بوجه عیال ایله نهایت درجهده منقصت وذلتده اولمغین نقیض بین ارباب
قرابت وخلاف مذهب اصحاب مروتدر بونک کبی شدت ومحنتده سالک مسالک رافت
وذاهب مذاهب شفقت اولوب ضعفا جانبنه عین مرحمت ونقرا احوالنه نظر عاطفت
برله ناظر اولمق کرک کل سکلا ابو طالب اوینه وارهلوم فرزندلرندن برر
کیشی الالم امیددرکه مؤنتمز سبکبار اوله ومونتی بر مقدار خفت بوله عباس بعد
اقتباس مفخر جن وانس ایله ابی طالبک اونه واروب صورت حالی اعلام وفرزند
شکرخندلرندن برر المغه کلدوکلرین افهام ایلدیلر ابی طالب دیدیکه جملهٔ اولادمدن
عقیلی بکا دیرک سایر کبی یانم بکلسون وغم ومحنت دمنده کوکلم اکلسون ماعدا آتی
خدمت موجب الطف نکره ویباس حسن رتبتکز برله مشرف اولسون حضرت رسالت
علی عالی مقامی وعباس سعادت منزلت جعفر فرخنده الجانی قبول ایلدی علی اینی یاشندن
بری پایهٔ ملازمتنده وسایهٔ حمایتنده اولوب سنین ارای دمار سلناک الا
رحمة للعالمین وصدرنشین صفهٔ کنت نبیا وآدم بین الماء والطین حضرتنک
منشور سلطنت بعثت نام نامیسنه محرر وحکومت وحی اسم سامیسنه مقرر اولدقده
علی مرتضی قلادهٔ ایمان ایله مقلد وسعادت اسلام ایله مستعد اولوب اول آفتاب
اوج هدایتک اشعهٔ انوار افادهسندن مستفید وبهره مند اولوب حلقهٔ اصحاب
حقیقتک فضلهٔ فضلیه نهایتندن نواله بند اولوب حفظ مسایل علوم دینیه وضبط
قوانین فنون یقینیهده مانند قلم هدایت رقم بین الاقران مشار الیه بالبنان
اولدی شول زمانه دک که پایهٔ منزلتی ذروهٔ مصاهرته ترفع بولدی ومستقل تربیت
مسکن وتعیین حکمن قلدیلر اول جنابک کنیتی ابو الحسن وابو تراب ایدی اما ابو تراب
کنیتی ایله مکنی اولدوغنه کمال مرتبهده حظ ایدردی وکنیت مسفوره ایله خطاب
اتسه ارعرض بشاشت ایدب صفا سورردی شواهد النبوه مذکوردر که

برکون اول آفتاب رسالت فاطمهٔ زهرانک سعادتخانه سن منور ایتدی عمو
زاده کنده دردیو سؤال ایتدی برامر یسیر ایچون دلکیر اولوب خاطر دریا نظیرن
مکدر ایتدی اول مسجددن بونده قیلوله ایتسون مسجده کتدی مفخر الانام مسجد صوبنه
خرام ایلدی علی فرخنده فرجام یاننه وارب آرام ایلدی کوردیکه خوابه وارمش
دوشندن رداسی دوشمش وکتف لطیفی خاکآلود اولمش اول حضرت دست
مرحمت ایله جسم پاکندن اولان خاکی رفع ایتدی قم یا ابا تراب قم یا ابا تراب
دیو خطاب ایتدی بیت تبسم ایدرک یار فرحناک قیام ایتدی یرندن جست و
چالاک عمار بن یاسر علیه الرحمة ملک المقتدر روایت ایدر غزوهٔ عشیره ده علی
مرتضی ایله تلت خوابدن بیتاب اولوب بر درخت خرما تحتنه جان ایتدک
برلحظه آسوده و برلمحه غنوده اولمق فکریله اشکال پیچان کبی رمل و زره ده شوب
یاتدق اول عندلیب کلزار دربک فکر واول سرو جویبار قم فاندر مهر
تابدار کردار اوستمزه کلوب خوابدن بیدار ایدب قم یا ابا تراب قم یا ابا
تراب دیدکدن صکره بیوردیکه ای علی [illegible] یتیم بدترین بنی آدم کیم ایدر
سنی خبردار ایلهیم می ایتدیکه بیورک ایتدیلر بونلر ایکی کسنه در بری کشندهٔ
ناقهٔ صالح نبی در وبری خطاب کننده محاسن علی ولی در بو اسرار الهیدن که
خبر ویردی مبارک الیدن علینک سرو روینه سوردی حضرت علینک برکنیتی
دخی ابوالریحانین در صحت موصول جابر بن عبدالله رضوان الله دن منقولدر
سید اولاد آدم ریحان ریاض جنان اولمزدن اوچ کون مقدم علی یه دیدیکه
یا اباالریحانتین سکا وصیت ایدرم بنم بو ایکی ریحانمی خوشجه توب رعایت
ایده سن یعنی حسن وحسینی حمایت قیلاسن وتحقیق قریب اولشدر که سنک
ایکی رکنک شکست بوله وجای آخره منتقل وله چون حضرت رسول وفات ایتدی
امیرالمؤمنین بیوردیکه هذا رکنی الاول وفات فاطمه دن صکره ایتدیکه
هذا رکنی الثانی اخبارده وارد واثارده متواردر که علی مرتضی ایدر اکرچه بن

بومرآت

بومرآت کاینات بی ثبات تازه کونه کونه تمثال ملال معاینه قلدم وبو فانوس خیال
بی مالده دونه دونه صورت انفعال مشاهده ایتدم جمله سندن اعظم اوچدر اول کسی
انتقال سید المرسلین درکه انوار جبینی هادی سبیل یقینم وسدهٔ سدره آیینی حصن
حصینم ایدی غم مفارقتی جانمی محزون ودالم رحلتی دیده می پرخون ایتدی قطعه
نی کبی هوا سنده کوکل ولسه نوله زار انک کبی بولنمیه بر یار هوادار دردا که نظردن
کیدب اول در رسالت ایتدی صدف دیده لرمدن درکهر بار ایکنجیسی ارتحال فاطمهٔ
زهرا رضی الله عنها درکه یار غمخوارم ومونس غمکسارم ایدی قطعه دردا که زمانه
بنی بی یار ایتدی بندغم هجرانه کرفتار ایتدی نی کبی کوزم یاشینی کلکون قلدی
نی کبی دلی اکلده وپر زار ایتدی انک زخم پیکان مفارقتی جراحت حضرت رسالتی
تازه لدی والتهاب نار مباعدتی داغ غم اوزره داغ قودی قطعه زنهار زدست
فلک بی بنیاد هر کز کره کار کسی را نکشاد هر جا که دلی دید که داغی دارد داغ
دکرش برسر آن داغ نهاد اوچنجیسی فرزند دلبندم حسینک خبر شهادتی درکه اول احمق
القائلین رسول رب العالمین خبر ویرمشدی
علی مرتضی دیار عراقه سفر ایتدی سوق راه ایله کربلادن کذر ایتدی اول تنکنای
مصیبت افزای معاینه قلدقده شفقتدن شفق کبی قلبی پرتاب اولوب انجم
مثال کوزی یاشیله طولدی ووقوع بولجق نار محبتک شدت التهابندن نرکس
سراپی پرکلاب اولدی بیت عود جانم یاقدی نار اضطراب نرکس سیرابم ایتدی
پرکلاب نثر رفقای هدایت قرین واصدقای شفقت رهین فر یا آیین بریره کلدیلر
بو صحرانک یکلاشماذ دردیو سؤال ایلدیلر ایدیکه بو محلده نیجه سرورلرک جیب حیاتی
دامن لوا کبی شق ونیجه سرلاله صفت خون دماکه مستغرق اوله کرک مرقد شهدا آ
ومشهد اتقیا اولوب بو منزل مشقت حاصلدن مسافر دار الاخرت ومجاور
کعبهٔ مغفرت اولوب رحمت رحمانه داخل وروضهٔ رضوانه واصل اولسه لر کرک
بو معانی فتح ایدب مطلب مقصوددن خبر ویرمدیلر سایلینه خار مغیلان کبی

دامن كيراولوب شهادت امام حسين وقوع بولمنجه مرمنزل تحقيقه ايرمديلر التهاب آتش
امام حسين قلوب كانۀ اهل اسلامي شمع كردار يعقوب پرتاب ايلدى دهلور رعاتى اتماكى
نايرۀ خوناب برله كباب ايلدى **قطعه** شد بساط خرمي طي در جهان زين واقعه زيرو
بالا شد زمين وآسمان زين واقعه نيست شبه بر كنار آسمان رنگ شفق خون همي آيد چنين
آسمان زين واقعه **نثر** علي عالي مقدارك امير النحل وبيضة البلد ويعسوب الدين وكرار غير
فرار واسد الله الغالب دخي بونلك كبي القاب مشهوره سي مكارم اخلاق سنيه سي كبي حد
ومراحم اشفاق رضيه سي كبي لا يعد در

القاب علي

حضرت رسول حسن وحسينك اللرين النه الوب بيورديكه كم كه بكا محبت وبونلره وپدر
رينه مودت ايده فردوس اعلاده بنمله بيله اوله وحصول سعادات ابديه يه دست رس
بوله بر كون سيد الانام عليه الصلوة والسلام بر مقاطعه امام اتمشدي علي فرخنده
انجام كلدكده ساعد شفقت ايله در آغوش اتدي وديدۀ سعادت ديده سن اوپدي
ودست مرحمت ايله ارقه سين سيلدي حضار مجلسدن عباس ايتديكه يا رسول الله بو
جواني سورسن بيورديكه بلي سورم الله حق كه كمسنه بوكه بندن زياده محبت وموالات
ويا قدر وذات وقيمت معالي صفاتندن مقالات ايليه خلاق لم يزل عز وجل هر نبينك
ذريتي كندو صلبندن مقرر ونيم ذريتم صلب عليدن متناسل اولمغي مقرر قلدي
سلمان اسكنه الله في نعيم الرضوان دن سؤال
ايلديلر كه كمي جوق سورسن اتديكه بر كون اول كوهر كان رسالتدن بر خبر كوش اتدم
اول در كرانمايه يه كوش جانمه منكوش اتدم بيورديكه هر كم كه علي يه محبت بكا دخي
محب بي اشتباه در هر كم علي يه دشمندر بكا دخي دشمن بدخواه در خلاصه هر كيمكه
علي يه دوست درسنده انك نامي دوستلك نامه سنده مرقوم قل هر كيمكه علي يه دشمندر
سندخي دشمن اولوب جبين حالن داغ حرمان ايله مرسوم قل بو ابيات رفعت
جينانك مضمون سعادت مشحوني حديقه نام كتابده مزبور در **ابيات** سو علي حق تتى
جاندن كم جلوس قدر وعز ورفعت وجاه انكچون ددي رسول خدا كاي خدا وندا

وال من

وال من والاه كيمكه بغض ايليه اولور مبغوض كيمكه دشمن اوله اولور بري چاه شمع
كبي دليل روشن در چونكه بيوردي عاد من عاداه
وكلك بيان برله نكاشته در عباد عبادان دن ورجال وتاددن بري
عالم مشاهده كورمشن روضه عرصه قيامت قايم اولمش حسابكاه حشر اولين وآخرين
ايلطولمش صراط تيس داردم مانند ريح عاصف ومثال برق خاطف بي تردد
مرور اتدم طرفة العين ده حوض كوثر كنارينه يتدم كوردمكه اول مهر سپهر شفاعت
واول چشمۀ ينبوع رسالت برجاي برينده اوتورمش حسن وحسين كل كبي يانن
طورمش دست سحاب ادرارلرنده دبين دبارلرنده كوزلر قعدا دنجومدن افزون
مهر بري ماه صفا ايله مشحون بن دخي حرارت فراوان ووقت بي پايان برله لب
چفسيده وجكر تفسيده زلال مرحمتلرندن بر قطره تمناسينه وآفتاب عنايتلرندن
بر ذره رجاسنه حضور فرحت بخشلرينه جان اتدم وزبان نياز ايله بر انجم صو طلب
ايتدم كوشۀ چشم مرحمت ايله حال پر اختلالمه نظر ايدوب خاطر مشوشم خوش ودجكر
محرور پر التهابملدن بر جرعه ايله تسكين آتش عطش ايتمديلر اونجين بنزندن بر لمعه
اوملدوغمچه ابر حشمه كيردملر وبر انجم صو اچون انجلر توپرافنه يوز اوردوغمچه بندن
يوز چورديلر پس حرمان ايله حيران وبو سر كذشت ايله سركردان اولوب اتيدم
قطعه روي چون ماه تابان منست ماه رويا روي خوب ازمن متاب
كر خطاي كرده ام خونم بريز بي خطا كشتن چه مي بيني صواب **نثر** يا رسول الله بيور بكا
صو ويرسونلر ديو اقدام وزبان توقع ايله ابرام اتدم بيورديكه سكا صو ويرمزلر
زيرا همسايك اولادن فلان علي عالي منقبتي مذمت ايدرسن اني هر كز منع ايلمدك
وبو كفتار خسارت اثاردن فراغت ايلديو بر كلمه سويلمدك ايتدم كه اي شفيع امت
اول صاحب قوت ومكنت در بو بنده ك قوي ضعيف وبي طاقتدر بم دركه بني تيغ
عذر ايله هلاك وجرعه ور خونم نصيب خاك ايليه في الحال اول عالي رسوم جوده
واحسانه كتيم بر تيغ بي غلاف ويردي يوري وار سر غرا ثرين قطع ايله ديو بيوردي

بندخی مرد اجب القبول رسول برله دارب هلاکی اتدم • دتاب شتاب ایله جانب
شرفلرینه جان اتدم • جون حضور حضرته ایردم • فرمان شریفلری سرحد اتمامه یتدوکی
خبر ویردم • حضرت رسالت بوکا سوویرک دیو بیورمغین • امام حسن صو ویردی
ایچلدم • روحم راحت وجسمم استراحت ایردی • وقتی که خوابدن بیدار اولدم صباح
اولمش • تباشیر نور رواج ایله عالم طولمش • فلک سحرباز • دسپهر حقه باز • دامان افقدن
یعنی کریبان مشرقدن • مهر تابانلری • سر بریده بر خون مثال سکان چرخ برین •
دقاطنان روی زمین • نظرلرنده غلطان ایلدوکی دم شویله استماع اولندیکه • فلان
کسنه نک خوابگاهنده سزای دولتی کسلمش • دامر شحنه شهر ایله همسایه لری دار شا هوار
صفت بنده یه چکلمش • همان فالقوب بی اختیار ذاکه دارب سبحان الله بو واقعه که حادث
اولمشدر • وقوعنه بن واقعه دیده نک واقعه سی باعث اولمشدر • اهل محله بی گناه در
دیوب بو قصه یه بر حقه حاکمه حکایت ایلدم • دفرق بدا یتندن ساق نهایتنه دک
مفصل ومشروح روایت ایلدم • حاکم معدلت کردار • بر مرد نیکو شعار ایمش • ایتدی که
جزاک الله خیرا • دار کندو دمکده • داوز عالمکده • اول واقعه ده ایلمش سن نک
واهل محله نک گناهی یوق گناه انکدر که ابن عم مصطفایه کین ایلیه • دبو مقوله ناسزا
سوزلر سویلیه بیت ناسزا سوزلری دیب ایشیدن • اول جزای بورکه اوله سزاه

ایدر بنی مخزومدن ابراهیم بن هشام نام بد انجام مدینه منوره نک میر مظالم ایکن
یعنی حکم بیلادی ایدی • هر جمعه کونی منبره چقردی • علی مرتضای قدح وذمت ایدردی
برکون قرب منبرده اوتورمش ایدم • عجبا زبان فحش فشا تندن نه صادر اوله دیو
کوش او رمشدم • اول میر مظالم عنوان • اخلاق ذمیمه سنی وعادت لئیمه سنی دفنجه اول
ذات معالی نشان حقنده • دهان فحشی باز • ولسان ملامتی دراز ایدب قدح وذم
آغاز ایتدی • خوابه دارب کوردمکه روضه پر انوار سید مختار آچلدی • ری عالمکون کبی
انوار رحمت تجلی • بر مرد سفید پوش ظهور ایتدی • دایتدی • بو بدخصالک مقال بیهوده سی

وگفتار

صفت صبح

وگفتار ناستوده سنی نکال ملال دیرمی • ایتدم که موروث علوم اقران • دمورد هموم
الم یا تدر • بلکه موج چرخ جنان • دمصدع سرجان در • اعدی نظر ایدب کورکه سطوت
قاهره محمدانی • وقدرت باهره یزدانی • نه دجهله ظهور ایلرز دیوکره بیدار اولدم اول
مرد فرومایه منبر عرش پایه دن قضای آسمانیدن سریع الزوال • وبلای ناکهانیدن
دفع الوصول همان ساعت دیه سی اوزره دوشوب فوت اولدی • روح بی فتوحی
دار مکافاته وصول بولدی قطعه جام بغض مرتضادن هرکه جرعه نوش ایدر • البحور
زهر هلاکی ساقی دوران اکا • بو نده بویله ادبجی پایان نولور حالی که جون • خشم ایده
الله خصم اوله رسول ومرتضی نثر فخر الانبیا حضرت مرتضایه جمیع جاندن محبت ایدردی
وجمیع خصوصده کمال درجه ده رعایت ایلردی
جابر بن عبد الله دن مرویدر • رسول ذو المعارف محاضره لطایف وقوعه بولدقده
علی بن ابی طالبی طلب ایدب بین الطوایف علادن بیرون کلمات ایلدی و دور
دراز راز سویلدی • حضار مجلس بیلدیلر که کندو عمیسی وعلی ایله راز نهفته میانه کتوردیلر
وگفتار اسراری سرحد کناره یتوردیلر حضرت رسالت پناه • والله ما انجیته
ولکن الله انجاه • دیو بیوردی • دبو حدیث شریف دخی صحیح نسائیده موجود وجامع
ترمذیده ثابت الورود در • حضرت رسالت بیوردیکه بکا امر اولنمشدر که فحوای فاوحی
الی ما اوحی ایلیم • یعنی اسرار الهیدن راز سویلیم • پس محرمیت رازجملیت • علامت قربت
حضرت عزت در قطعه بوله اولورسه چونکه اودر • کاتب نقش نامه تنزیل صیقلی
نقد ترحق اولوب • خازن کنج خانه تأویل • اولدی داماد وهم وصی بنی • فکلی انسه
کالینی تکمیل نثر اول حضرتک بدایع اثاری • وغرایب اطواری • قیاس فهمدن افزون
وادراک وهمدن بیرون در شمه حقیقت عالی حقیقت مآلی ضمایر صافیه ارباب
عرفانه واضح وباهر • وخواطر زاکیه اصحاب وجدانه لایح وظاهر در فضایل ذات ساطعه
اللوامع • ومفاخر صفات لامعة السواطع • وافکار واذهان انس وجانه کضوء
النهار • ونور الانهار ظاهر لا یقبل الاستتار در بیت درشرح حسن اد چه تعرف کند کسی

مرات افتاب چه محتاج صيقلاست نظم نثر انتشار مفاخرن وستوده آيين ارباب
ابداع امداد سواد مداد ايله تحرير و وصف انتشار مآثرن وعلو مناقبين ايجاد
اختراع خامه هندو نژاد بر له تسطير تيسير دكلدر قطعه مادام اولدى قدرتك تيد دكج
يازم اوصافني اول عالى جنابك خرد ديدى شوكم باب اوله علمه سك وصف ايلمك
انى نه بابك جهان دردرجه يازسك وصف باكن بر لمز ذره سى اول افتابك نه دكلو
اوله درس رد شناسى تجلى كنجه سنده ماهتابك نظم اما ما لا يدرك كله لا يترك كله نحواجه
اول حبيب دنيبك كلستان اوصاف ولايت شعاري كل زارندن برقچ كل و بوستان
اخلاق كرامت دثاري سنبلزارندن برنچه سنبل الوب بو بزم معارف نثاري ارسته
و بو مجلس لطايف اثاري پيراسته قلدق اول صاحب رتبتك شرف نسبتى علي مني وانا
منه حديثندن مفهوم و قدر حسبي انت مني بمنزلة هارون من موسي خبرندن
معلومدر و نور علم و كمالنه وكثرت فضل وافضالنه انا مدينة العلم وعلي بابها
نكته سى كافيدر كتورمشلردركه علي عالى درجاتدن غيري
مسموع و نادر الوقوع كلمات حقيقت بينات صادر اولمشدركه كندودن اقدم
اول عقول كفار عظيم الاثاره براحد قادر اولمدي وافراد كاينا تدن برصاحب
اقتدار ظهور بولمدي بر روز پير وفده منبر فلك پايه يه صعود ايدب سلوني عما
دون العرش يعني عرش عظيم احاطه ايلدوكى عوالم ملك وملكوتك عجايبندن اخبار
وغوامض اسرار حيرت دنكك غرايبندن استفسار ايلك زيرا بو سينه تواجم مخزن اسرار
الهي و سراج دل وهاج مطلع انوار ادني الاشياء كما هي اولمشدر بو بيوردى
في الحقيقه شول عيون و ما ينطق عن الهوى انهارنه منبع وفنون فاوحى الى عبده ما
اوحى مستودع اولان اكمل رسلين وامين رب العالمينك لعاب معجز بياني تجرع
وآب دهان حكمت فشاني تركع ايلين پرورده خاندان رسالت و برآورده
دودمان جلالتدن بو قدر علم وحكم ظهوره كلمك مستبعد ومستعظم دكلدر و بيوردي كه
اكر توريت وانجيل وزبوردن شرح وتفسيره وكشف وتقريره فرمان اولنسه برو جهله

توضيح مشكلات و بر درجه ده تبيين معضلات قليدم كه كتب مزبوره نك اصول
وفروعنده محقق وضبط مسايله حافظ سنده مدقق اولان احبار مهارت آيين
و قسيسان معارف كزين تيه حيرتده دم بسته و صحراى فكرتده پا شكسته قليدى
بن بو علوم نامتناهيه اول منبع صنوف جود وكرم ومستظهر فنون علمك عالم تكن تعلم
ادبندن حاصل ايتدم واول حضرت بكا علمدن بيك باب اوكرتدي و حضرت مفتح
الابواب هر بابدن بيك باب دخي كشف ايتدى قطعه يا قطره دريا ذره درنكده
علوم غير اى بحر علم وكان هنر مفخر جهان علامهٔ جهان اليه وابسته حال اوله شولدم
بديع علم وكمالك اوله بيان نثر وعبادتي شول درجه ده ايديكه بر شب خلوت خانه سندن
فرايض وسنن وواجبات تكبيرتندن ما عدا تباشير صباح ظاهر اولنجه بيك تكبير افتتاح
كوشش ايتديلر كثرت عبادتنه و وفور طاعتنه تراهم ركعا سجدا مضموني كافيدر حيث
نه لازمدر انكاى دل عبادتن بيان ايتمك شوكم كون كبى روشندركه حاجت عيان
ايتمك نظم وحلمي اول مرتبه ده ايديكه بر كون بر بنده سى وراى ديوارده طور ركن اول
حضرت تيمش كره صداى اعلا ايله ندا ايتدى بندهٔ مذبور كوش ايدب رد جوابدن
ابا ايتدى بالاخره نظر ايدب كوردكه بر محل قريبده آرام ايتمش بيورديكه بنوم
اوازم ايشتمدوكمى ايديكه ايشتدم لكن نيران خشم وغضبك ملتهب و طوفان كينه
وغيظك مضطرب اولمجون اغماض ايتدم اول حضرت ايتدى سن بنى خشم وغضب
كتورمك ميسر دكلدر زيرا آتش كينه كانون سينه ده خامده و نهر غضب شهرتنده جامده در
اما بن ابليس پر تلبيسى غضبناك ايدين كه سكا بوني تعليم ايلدى امدى ابتغاء لوجه
خالق الكونين ومرضاة لرسول الثقلين سنى ازاد ايدب ورقبه كى ربقهٔ رقيتدن
اطلاق و فريق ارقادن افراز وتفريق ايدب زمرهٔ احراره الحاق ايلدم
ماء امكه نيل حيات مغبر نده جريان بوله وظلوتكاه وجود مصباح روح ايله مستنير
اوله بار معونتك و ثقل مؤنتك اوزره اولسون ديو بيوردى مثنوى اولدى حلم
اى يكانهٔ افاق اصل جمله مكارم اخلاق حلم وعلم اوله كرطراز وجود دايما طالعك اوله مسعود

حق بودرکه اول رفیع القدر دوسیع الصدر حضرتنک جمر وتحلی مقدار کلک بیان د
میسو نکته پرداز بنان اولمیوب ظروف حروف عیانه دحوصلهٔ وسیع دانکا صغر
وتواضع ومسکنتی اول حدده ایدیکه اوان اماتنده درمان خلافتنده افریقیه
مغربدن سغدسمرقند اقصای تورانه دعدن ابین وصنعای یمندن منتهای
آذربیجانه دک جملهٔ امصار ومحالک داقطار ومسالک حوزهٔ حکومتنده وقبضهٔ
خلافتنده ایدی برکون بلدهٔ کوفه دن میان بازاردن پیاده کچوب کندی
هرکس کندو کارنه ومعامله وبازارنه مشغول ایدی برمحله یتیدیکه کثرت ازدحام
انام وتراکم افواج عوامدن ذهاب وایاب متعسر ومرور وعبور متعذر اولمغین
اوشهسوار میدان فتوت طریق لطف ومروت وزبان رفق وملایمت برله
کندو بکوزه یول ویرک دیو بیوردی هرکس بطریق الرعایه اوکندن ایرلوب
طرفین اولوب طوردی بعض حوایج خانه صاتون الوب کندو کتورمک
ملاحظه سنده ایکن شُتره سنیه امامت پناهی وعتبهٔ علیهٔ خلافت دستکاهی خلایقدن
بری ایلرو کلوب ایدکه ای خلیفهٔ رسول بونی سز کتورمک غیری مقبولدر زیرا هر
کارک برآدمی وهر آدمک برکاری اولور لکل عمل رجال معنوی نه محلده صحت بولور
بومقوله اسبابک حملی بوکیسنه نک کاری دیو بنده دیرینه نک افتخار یدر اول حضرت
بیوردیکه ابو العیال احق ان یحمل حاجته یعنی عیال منده صاحب فرزند اولنه لا
یقدرکه اولادنک یوکن چکه خادم ایدی ذات ملکی الصفات دفلکی التمکن امیر
المؤمنین وامام الموحدین ذرعلو شانکه وسمو مکانکه لایق وخواطر سدنهٔ سدره
نشانکه موافق دکلدر اول حضرت ایتدی لا ینقص الرجل من کماله بحمله لعیاله وبالجمله
اول جنابک تواضعی محتاج توصیف ومسکنی قابل توصیف دکلدر وجود وسخاسی بسیط
جهانده مذکور وبر وعطاسی صحایف زمانده مسطوردر فرضا برکسنه یکا مروت
ایت دیجک محلده علیک ایله مروت علیدن قالمشدر دیر
اسباب نزولده کتورمشلردرکه برکون اول مرکز دایرهٔ مروت وقطب فلک فتوت

فتوت یومیه سندن زاید دورت درم حاصل ایتدی رضای خدا ایچون برن انکا
وبرن مخفی وبرن نهارده وبرن شب تارده مساکینه واصل ایتدی وحضرت عزت
الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرا وعلانیة خطابیله علی مرتضایی سر
فراز ایلدی وبو عمل پسندیده تقدیم ایدب مجلای تخت تخت سعادت افزاسنده جلوه
سا رایلدی سید ابرار صلی الله علیه وسلم وعلی اله الاطهار بیوردیکه بو نوعله تصدقدن
مرادک نه ایدی ایتدیکم طریق بودرده مخفی کوردم رجا ایتدم که بو جملهدن بری حسن
قبول ایله مشرف اوله ایدی اول حضرت الا ان ذلک لک دیو بیوردی یعنی مأمولک سکا
مبذول وسؤالک حصوله موصولدر مطلب مطلوبکه دست رس بولدک ومقصد مقصودکه
واصل اولدک وروز روزه ده زاد وزوادهسن لوجه الله صدقه واهل بیتی انکا موافقة
فوت یومی ایتام ومساکینه نفقه ایلمکلری ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیما
واسیرا ایتنک مضمون همایونده مفهوم ودر وسماط پر انبساط جهاندن الچکوب
دست قناعته آیق بکشدی وتیغ زهادتی شرف ایوان ریاضته اصمشدی
علیه الرحمة الباری ایدر معبد جهانده ومرصد کون ومکانده علی
عالیشاندن اورع وازهد وودنیای دنیهیه پشت وپا اورمقده اوحد ومتاع
قلیلندن انککبی کثیر الاعراض هیچ احد کورمدم دولت بی رغبت دنیایه طالب
ونعمت پرنقمت جهانه راغب اولمیوب زخارف دنیادن مجتنب ودورمرصد
ریاضتنده دیدهٔ قلبی تجوع ترانی وعده سیله پرنور ایدی اخبارده کلمشدرکه
مدت مدید وعهد بعید ایام ولیالی اوچ کون علی التوالی نان شعیردن بر اوبجه
یمز ایدی وحسبی من الطعام ما یقیم ظهری دیو بیوردب آزیا ایتدی وهیچ بر طعامی
یمز ایدی زخارف باطله طرایف بلاطایله یه کوکل ویرمیوب دایم الاوقات بلبل
جانی شاخسار شکرده مترنم وغنچهٔ جانی کلزار حمدده متبسم ایدی زمان خلافتنده
برکون بیت المال مسلمینه کیردی ماننده مهر تابدار بی قیاس دراهم ودینار کامل العیار
کوردی مشوشی درخشان هر بری ماننده خورشید حقا بزمنده کو یا جام جمشید

وجیه درخ رو وسکه صورت • بولور هر کیشینک پاینده عزت نظم بر زمان تامل و بر آن
تفکر ایدب یا صفرا یا بیضا غری غیری دیو بیوردی یعنی ای زر زرد رخسار وی نقره
سفید عذار • بندن غیری مغرور ایله بنی الدیمز سن • و عشوهٔ دلفریبک و شیوهٔ عجیب
و غریبک بر لکم الیمز سن قطعه چه کونه عشوهٔ دنیا مرا فریب دهد • جومن بدیدهٔ همت
درو نمی نکرم • چو کرد خرمن خوشه چین بود بر دین • سزد که مزرع دنیا به نیم جو نخرم نظم اول
ذات عالی پایه • و معالی مایه نک • انواع کراماتی • و اصناف خوارق عاداتی حد حصردن
بیرون • و تعداد و شماردن افزوندر • شواهد مرقوم خامهٔ عیان • و مرسوم کلک بیاندر •
اول جمله دن بری مبارک ایاقلرین زمین دن رکابه بصیغ افتتاح تلاوت قرآن عظیمه
مشغول اولوردی • قدم ثانی رکاب آخره وضع ایدنجه اختتام بولوردی بیت
آتین پاصوب رکابه اول شه اولنجه سوار • ابتدا آسندن اوقوردی مصحف تا انتها • بود خی
کتاب مزبورده مسطوردر اسما بنت عمیس فاطمهٔ زهرا نور الله مضجعها دن روایت
ایدر ایدی بر شب زفافی که علی صاحب مصاف • برله مقارنت و اجتماع وقوع بولدی •
کوردم که زمین • بالکین ایله مکالمه • ایدر • کمال مرتبه ده بکا خوف و خشیت مستولی اولدی •
وقتی که عروس مهر حجرهٔ حجله دن طلعت نما • و شق افق سپهردن چهره کشا اولدی قصهٔ
سرگذشتی • مسامع علیهٔ سید الانبیایه • ایرکوردم سجدهٔ شکر ایله دیو بیوردی • و
کندولر دخی فی الحال خاک پایه یوز اوردی • و دور و دراز زاری و نالش ایتدی • بعد
زمان باشن کوتوروب ایتدی • ای فاطمه بشارت اولسون که حضرت عزت سکا نسل
پاکیزه میسر ایلدی • و شوهرکی سایر خلایق اوزرینه فضیلتی مقرر قلدی • و زمینه امر
اولدیکه شوهردن شرقه دک اخبار نفخه سن اکا سویلیه • و راز نهانن کشف ایلیه •
و کتاب مزبورده مسطوردر که امام علی عسکر ایله جنک صفینه عزیمت ایدر کن •
بر محله وصول بولدیلر که قلت آبدن بی تاب اولوب بحضور اولدیلر • هر جند که اطراف
واکنافه تفحص و تجسس و استخبار و تجسس قلدیلر عین ابدن اثر معاینه قلمق محال اولدی •
هر بری محروم و مایوس اولوب زیاده بی مجال اولدی • اول حشمهٔ کرامت قلت

ابدن

آبدن • و کثرت تب و تابدن تیر دار اوللقلرهٔ عنان عزیمتی خلاف سمته منعطف
قلوب • و بر مقدار کتدیلر • بر بنای عظیم الشان • و رفیع المکانه یتدیلر • کوردیلر بر دیر
معظم • و بر کلیسای محکم در که • حمامهٔ خیالی بال سعی و اقدام ایله • برج و بارو سنه قونمق
محال • و معمار فکرت تیشهٔ اندیشه ایله • اساس استواری عوزرینه ایرمک فاسد خیالدر •
مثنوی فلک بر انکه قلعه کاهی • نشیندن بیره دوشه شب کلاهی • نیجه سی حصار پولاد
ایدی درهم کوزللر کوکلی کبی محکم • بروجینه ملازم انجم سیار • ثوابت بابنه اولشدی
مسمار نظم اجار دیردن عین ایب ایکی فرسنگ یرده ایدوکی معلوم ایدوب •
ایندیلر که ای امیر ذو المفاخر • اجازت و بر منهل آبه وارهلم • آتش عطش زبانه کش
اولمدین سرچشمهٔ مقصوده ایرهلم • بیوردیکه وجدان آب ایجون وادی طلبده تعب
چکوب سراب مثال پویان • و کرد باد آسا دوان اولمق لازم دکل • فی الحال دلدل براق
سیرک عنانن جزوب جانب قبلیه روان اولدی • تعیین مکان ایدوب قازک دیو فرمانی
عالی صدور بولدی • بر مدت تیشهٔ همت ایله قازوب تحت زمینه کیردیلر • بر عظیم الجثه
صخرهٔ نهایه ایردیلر • امام بیوردیکه عین آب بو سنک تختنده در • و بو سنک کرانک قلع
و رفعنه • و آتش عطشک انطفا و دفعنه همت ایدک • جون اصحاب فرخ فرجام کلام میمنت
انجامی استماع اولدیلر • اول سنک عظیم القدارک اوزرینه مجتمع اولدیلر • هر کس وار
قوتی بازویه کتوروب • مانند کمان • و مثال کز کران چکدیلر چوردیلر • هر کز ظفر
بولمیوب تاب و توانلرن قالوب یورلدیلر • کثرت تعبدن سر حمله ژاله کبی عرق عرق •
و لاله صفت قان دره مستغرق اولدیلر • امام کرامت بنیان • الوئیدن جمیع لاحالا
عدم قادرتلرین مشاهده و ضعف قوتلرن معاینه قلدقده • فی الحال آتدن پیاده
اولوب بلا تسویف و تاخیر آستین شریفن تشمیر ایدوب اول سنکی کوه قرار دست
اوروب مساعدهٔ قوت ولایت • و معاضدهٔ همت حضرت رسالت • برله طوب کبی کوتوروب
آتدی • و بر بنجه قدم یر کیرو برقدی بیت ولایت قوتیله اول جهانکیر • کوتوردی آتدی
بر بنجه قدم بیر نظم بر عین ظاهر اولدیکه عذار عذرادن اجلی شیر شیرندن احلی • فراجی

کافورشکردن احسن وقطرات نجوم وقمردن روشن قطره حیات تازه بولدی
نوش ایدنلر صناس آب حیوان چشمه سیدر کتوردی ساقی کوثر ظهوره بوجنت
صوارینک اشمه سیدر نهر اول طایفه محترق الاکباد ومحرور الفوادک حلقنه جانی
وجان جهانی سرسبز وسیراب ومخضر وشاداب اولوب وجعلنا من الماء کل شیء حی
فحواسنجه حیات تازه ومسرت بی اندازه بولوب خدای مستعان حمد فراوان وشکر
بی پایان قلدیلر واول سنک گرانی کاکان یرینه قویوب مستور ونشان ایلدیلر
راهب خصوص پر سواهدن خبرادلجق متحیر ومتعجب اولدی انواع سعی وطلب
برله حضور کرامت موفورامامه وصول بولدی اول شهسوار میدان کرامتک
نعل صفت سم سمندنه یوز اوردی ومقام عبود یتده ال قاوشدر ب طوردی
وکمال فصاحت ایله سؤال ایتدی واینلدی ای سردار ربیعیم ودل سپهسالار خفر قلم
پیغمبر مفضل دیانی مرسل سن بیور دیکه نه پیغمبریم ونه رسول حی آدرین لکن
انس وجانک رجبری اخر زمان پیغمبری حضرت محمد مصطفانک وصی فرمان بریم
بهمان دم دردن راهب صافی العقیده ماننده دیده نور یقین ایله طولدی زلال
اشهد ان لا اله الا الله وسلسال اشهد ان محمدا رسول الله نا ودان
زبانندن جاری اولدی حضرت امامه ایتدی راهب مدت مدیده وروزکار
بعید ایدیکه آینی قدیمک ورای سقیمک اوزره بو دیرده قایم ایدک حالا نه حادث
اولدیکه ملت اسلامه داخل ولمغه باعث اولدی ایتدیکه ای امیر روشن بیان
وای مقبول جهانیان بو کنشت زرینه خشت اشبو سنک گرانی قلع ایدن صاحب
سعادتلچون بنیاد اولنشدر واول وجود کرامت موردک قدومنه انتظار
ایچون آباد اولنشدر بو بنده کمینه دن اسبق نیجه قسیسی رهبان بو دیرده
ساکن اولمشلر ایدی بو سعادت سرمدیه یه دست بولمیچون ماه وسال ریاضت
ایدوب متمکن اولمشلر ایدی کلیا کتابلرمزده محرر واحبار صاحب اخبار میز
یاننده مقرر در که بو کان کرامت فشانده بر چشمه نوشین روان اولنشدر
اوستنه

اوستنه بر سنک گران قونلمشدر اول سنک کوه ثبانک رفعنه هیچ کس قادر اولمز
مکر که پیغمبر معتبر ویا وصی پیغمبر اوله چون بو حال حقیقت مآلی سزده معاینه قلدم
بی ریب وگمان ماننده الف برحق کوتورب ایمانه کلدم حیدر کرار بو اخبار بهجت
اشعاری کوش اتدی رقاع اشک صفحاتی وجناتی اوزره دایر وسایر اولوب
عمان وآسمان کبی جوش وخروش اتدی واتیدیکه حمد نامعدود وسپاس غیر
محدود اول کردکار حمایه وطرازنده کارکاه ارض وسمایه که مخترع اشیا
ومبدع زیر وبالا وموجد بدایع پنهان وپیدادر بو فقیر کثیر التقصیرک اسمی دیکی
علم ازلی جلالی وام الکتاب رباینده حامل الذکر اولیوب کتاب رحمت
آیاتنده اعمال جمیل ایله مسطور وصحف حکمت بیاننده افعال جزیل برله مذکور
ایتمش پس راهب خدمت امام ایله مغتنم اولدی شرف قبول ایله اختصاص
بولدی بیت کلاه کوشه شی ماه نوه ایرسه نوله حردم رکابن اوپمک ال ویردی
بکا چون شاه مردانک نظم فحواسی برله مفتخر ومستظهر ایدی امام صاحب فرهنگ
اهالی شام شامت انجام ایله قتال وجنک ومیدان فسیح جهانی سرشر اغرازنه تنک
اتدکلری دمده راهب صداقت آیین ماه جوسن سیمین وآفتاب مثال زره
زرین کیوب میدان کیرب تیغ آتش بار چکوب پنجه بدکردارک خرمن حیاتن
باد فنایه ویردی آخر شهید اولوب رزمگاه دنیادن بزمگاه عقبایه ایردی
بیت واصل درگاه خدا اولدی روحی قرآن پر صفا اولدی نظم حضرت امام
نمازین قلدی دست شریفیله کنج کبی دفن خاک قلدی اول حضرتک دریای کرامتی
بی کران وصحرای ولایتی بی پایاندر بیت اوصافنه انک بیانه کلمز وصیت
وصدای شجاعتی رزمگاه جهانی دوتمش واوزه قانون شهامتی بزمگاه
کون ومکانی پر اتمشدر علی الخصوص غزای سعادت افزای بدر واحد ده بیه
تحمل وتعمل عون الهیه یه توکل ولطف رسالت پناهه توسل ایدوب زمره کفار بد
نژاد خذلهم الله الی یوم التناد ک میدان وغاده توغ کبی باشن آچوق جهان

پهلوان دریلی سرکشلروک سرزنش کرزکران • و اطالهٔ سنان نیزه‌لهٔ بی نام ونشان
اتمش ایدی بیت آخر اوله کردش کردون دور روزکار • کلیه بونک کبی بر
شهسوارکا مکار • حرامت وشجاعتی وشهامت وصلابتی لا فتی الا علی
لا سیف الا ذو الفقار بیت باشدن ایاغه زبان اولسم اکر شمشیر وش
ذوالفقاری وصفنک بکده بری اولمز ادا وحرب خندقده عمرو بن علاکه
کفار فاکسارک سردار ناملداری • وصنعت مبارزتده پر اشتهاری ایدی شاه مردان
اول پهلوان نریمان عنوانی حملهٔ اولیده آنکه کبی الله الذی • طوپ کبی خاک هلاکه چالدی
بیت اوریدی جهد ایدب همت الینی • الوردی یجبه کاوزمینی نثر جنک خیبرده
مرحب نام یهودی بد آیینی برضرب ایله هلاک ایتدی • وکریبان وجودین دامن لوا
کبی چاک ایتدی قطعه کیرب میدانه آتش جنک آهنک • پریشان اولور ایدی هوش
هوشنک • ایرشسه پنجه سی اول پهلوانک کمرندن قره کوه کرانک نثر تیر دلدوزی
سهمندن حالهٔ سپهر سیمین ماهی رویینه چکردی • وشمشیر خونریزی • وحمندن شهابک
نیزه سی الندن دوشردی • وقلع باب قلعهٔ خیبر نتیجهٔ پنجهٔ مرتضی دلدوعی لوح
المحفوظ شمایل عالمیانده مزبور • وجرائد السنهٔ ادیانده مسطوردر بیت هر قنغی
رزمه واررسه جهان پهلوان ایدی • نصرت رکابدار وظفر همعنان ایدی • تفصیل
جلادتی وشرح شهامتی تحریر وتسطیر اولنسه • مطاوی اوراق افلاکه • وصحایف اطباق
خاک مغبر قطعه اوصافنی یزردم اکر صفحه حروفه • شرح ایلر ایدم انی وفا اتسه عبارت •
عقلای اولو الالبابه روشن • وفضلای فضیلت مآبه مبین درکه • بو کتاب عبرت
نصابک تألیفندن مراد کلی • وبو جریدهٔ فصل الخطابی تصنیفدن مقصود جلی ذکر
احوال پر اهوال شهدای کربلا • وشرح وقایع پر بدایع اهل بیت سید الانبیا در
اول اجلدن کزار غیر قرارک • اوصاف عریض الاطرافی اختصار واقتصار اولندی
بر مقدار روحی قصهٔ پر حصهٔ شهادت سعادت مآلندن خامهٔ سحر سازه • وکلک
مشکین طراز ایله • وصف وقایع مصیبت سازه آغاز اولنسون صورت نکایاتی

نقش

نقش نبذه بیان بوبورده تحریر وتمثال روایاتی چهره کشایان عیان
بودیجه تصویر ایدرلرکه چون امیر المؤمنین علی سریر خلافتده مکین • ومقام امامتده
سجاده نشین اولوب مقتدای زمرهٔ موحدین • وپیشوای فرقهٔ مسلمین اولدی • هر
مظلوم نامراد • وهر مغموم پریشان فؤاد • انوار عدالت ونصفتدن مستفیض ومستفید
اولوب نسایم مرحمت شمایلی مشام عالمیانه طولدی • صلاح رعیت مقصود ومرادی
واصلاح ولایت داعیهٔ نهادی ایدی • واقعهٔ جمل وصفین • وقضیهٔ حکمین که تفصیلی
متون تواریخنده مرقومدر • بلده کوفه‌نک زهاد وعبادندن • ومردمان عالی نژادندن
دورت بیک کمسنه لشکر ظفر نشان شاه مرداندن مجانبت ایدب لا حکم الا لله دیوب
کنده‌یلر • اطراف ممالک واکناف مسالکدن انلره سکز بیک آدم دخی ضم اولوب عالی
جمعیت ایتدیلر مثنوی هرکشی کم اکمیه امیرینه باش • خاتم لعلین ایسه نگینه خاش
شول سیه دل کم ایده کوکلی ملول • زلف یار ایسه پریشان اولسون اول نثر وابی
کوانام کسهٔ سردار وسپهسالار ایلدیلر ثریا آیین مجتمع اولان عساکر هزیمت
قرین نهروان قربنده حرور نام قریه ده آرام وقرار ایلدیلر • بو طایفهٔ ناخایفه
خوارج دیرلر افعال واقوال اهل سنت وجماعت میانلرنده غیر محدوددر وار السلام
اسلامدن خارج • وفرق ضاله‌دن معدوددر • اعدای دین ودولت واشقیای
ملک وملت اولوب جادهٔ طاعتدن انحراف • وطریق رشاددن انعطاف کوستردکلری
حالده تکرار نصح رشاده رجعت • ومرصاد سداده عودت ایدب اعراض مسلمین
صیانت • واموال مؤمنینی حمایت ایتمک ایچون • امام آفتاب اقتباس عباس فضیلت
استیعابی ارسال ایتدی • وقتی که انجمن ارباب علاوه یتدی • خطاب ایدب ای قوم
مسحور • وی طایفهٔ مکور • وخیال خامدن فراغت • وتکرار انجامدن رجعت ایدب استغفار
وانابت ایدک که اشک ندامت آب روی ارباب معاصی • وسرشک انابت ماحی آثام
وانی وقاصی در • واقع اولان شهود خطایه اعتراف ایدک التایب من الذنب کمن
لا ذنب له جویبارندن اعتراف ایدک دیدکده کفتار نصح وپند • وجه من الوجوه

سبب تألیف این کتاب

مفید و سود منداولمیوب علی مرتضی حکمنه قایل وخلاف رضامز اولان امره مایل
اولدی بیزدخی فرماننه مطاوعتدن وامرینه متابعتدن فراغت اتدک من بعد
مابینده اولان پردهٔ علاوت مرتفع وزبان خصومت منقطع اولمق ممتنع در دیو
جواب ویردیلر پس ابن عباس عودت ایدب اجمال حالی امیر المؤمنینه تقریر و صورت
واقعه یی تصویر ایتدی امام کرامت ایات بالذات وارب عمان نصیحتدن درر باز
دکان موعظتدن جواهر نثار اوله‌رق کوش هوشلرینه کیرمدی وداهیهٔ خیلی لرینه
شربت نصیحت فایده ویرمدی اول قوم اشرار اوک نام دار لرندن وفن جمشاهنه
براشتهارلرندن عمرو بن بربوع وسایر تابع ومتبوع با علی کناه عظیم وجناح
جسیم حاصل اتدک توبه ایدب احضار لشکر وترتیب ادوات سفر ایله تا که وارب
اهالی شامک صبح زندکانیلرین شام وهلال عمرلرین تمام ایده‌لم دیجک والدوسبطین
بیوردیکه هرگز بن حکمی ایلدم بلکه بو بابده برکلمه سویلدم سز مبالغه ایلدوکوز
شمدیه دک حرب وقتاله مؤدی وقیل وقاله متصدی اولان خصوصدن اعراض ایدردک
حالا قصد معارضه ودعوی مناقضه ایلرسز کشتی گفتار رو گردارنده جبح ثانی کبی صادق دم
وقطب اسمان کبی ثابت قدم کرکدر اول طایفه شقاوت ایینی دخی بر مرد مفرت کزین
ایلروکلوب ایتدیکه بز سزکله مقابل اولوب نایرهٔ بیکار رشتعالنده وعلاد کیرودار
اشتغالده اولمق کوررونوز حضرت بیوردیکه مادام سزک آیینه حالکزده تمثال جنک
وجدال معاینه وصورت حرب وقتال مشاهده اولنمیه بو جانبدن آهنک کیرودار
قصد جنک دیکار ایتمیز دکلدر اول طایفه گمراه واول شرزمهٔ بدخواه اطراف
ولایت واکناف مملکته نامه‌لر تسوید ایدب قریب وبعیددن واحرار وعبیددن
امید معاونت ودرجای مظاهرت ایدب نهران اسمیله اشتهار بولن مکانده جمعیت
ایچون تسمیم اتدیلر وممالک ومسالکدن وارد اولان طوایف مختلف الطباع مثنی
وثلث ورباع محل معهوده جان اتدیلر بو جانبده حیدر کرار حضور مغفرت مشحون
خبردار اوله‌رق دیدهٔ التفات ایله نظر ایتمیوب جنود ظفر ورود دیک سوار وپیاده

سن دنبده وازاده سن یوقلیوب زاد وزواده سن حاضر ومهیا وباجمله بار و
بنگاهی رخیمه وحرکاهی وعلاد حربی واسلحهٔ جنک وحربی معبا ومؤنه قلدیکه اهالی
شام خون اشام ایله کارزار قلوب مبانی قتالی ال اوره وتیغ صاعقه با وابل
سزای سامانلرینه دوزرستخیز قوپره حال بو منوال اوزره ایکن بلاد ونواحی
وقرا وضواحیدن ناله کنان فریادجی وارد اولوب ایتدکه ای سالک مسالک دین ودین
مالک ممالک یقین طایفهٔ خوارج سپاه نامیه کبی بریردن خروج وغول بیابان
کبی کوهسار ضلالته عروج اتدیلر لاله صفت طاغیلق اثارین اشکار وگلکین باغیلق
اطوارین اظهار ایلدیلر قتل مسلمینه دست جسارتی آستین اساءتدن دراز اتدیلر
ومال ومنال واسباب وحواشی نهب وغارتنه اغاز ایلدیلر پنجهٔ مساکین بی درمانک
وضعفای ناتوانک مساکن واماکننه کیردیلر خان ومانلرین باد خسارت ایله سیل
فنایه ویردیلر وشاه مردان جانب شامه روان اولدوغی دمده مانند آتش سرکش
کورد وکوفری یقیلم وباد عواصف دشن ابرده کوفری یا قلوم دیو تدبیر اتدیلر
والحاصل توع کبی باش قالدرب عرض مسلمینی پایمال اتکه اشجار چنار کبی ال بیراتدیلر
لشکر نصرت معینک دیدهٔ زره کبی پنجه کیرودار کورمشن اموردیده نامدارلرندن
وعسکر ظفر قرینک شمشیر مثال ونعات ایله نار کارزاره کیرمش جقمش کار آزموده
اختیارلرندن بچه دلیرلی معنا حضور حضرت مرتضایه کلوب ایتدیلر که جهات
ست هفت اقلیمده سبعهٔ سیاره کبی تکلک رواندر خفایای اسرار جهان خورشید فیض
بدیر کونه روشن وخبایای اطوار کون ومکان خاطر الهام مظاهر کوزه مبتنی در
بو بندکان قلیل البضاعه دار الحرب فکرنده نه حیثیت ایله ذر تدبیر قاله کتوره که
ملک کیر سنکز ده کامل العیار اولوب میزان فراستکزده سنجیده ولسان تحسین وزبان
افرین ایله پسندیده اوله اما مشرق بالدن وافق خیالدن افتاب حزم بو فوردن
طلوع ایلدیکه اولا سرو سرکش کبی باش قالدورن باغیلرک وشمع مجلس کبی هر جانبه
دل اوزه‌دن طاغیلرک تندباد حمله آتش اهنکله خرمن ثباتلرین بر باده ایده‌لم

والف تير ايله قامت معادتمثلرين دال ايده لم • وكار زار جهانده بر آدا ايده لم
علاوى جنك جوى حضرت جويك حقندن كلم • بعده شاه شومدن مراد دوستان ونقمجه
انتقام آلالم • اول كوهر درج امامت • واول اختر برج كرامت رايكوز معقول وتوكز
مقبولي بيوب • عساكير مريخ صولت • ومشترى قدرت برله اسعد اوقاتده والجداك اشتد
فالقوب سيل روان كبي روان اولديلر • آفتاب كبي سير منازل وقطع مراحل ايدرك قرار
كاه دشمن بدخواهه وصول بولديلر • شب منازعت روز مصالحه مبدل اولمغ اميدنه
ابن عباسي نيچه كره ارسال ايلديلر • وقتى كه وارب كلام امامى اعلام ايتدى خلافى مفاسد
اصغا ايدوب اصلا قبول ايلمديلر • ودار الامان الصلح خير سمتنه كيتمديلر حضرت عبد الله
عودت ايدوب حقيقت حالي • دصادر اولان قيل وقالي • سو بسو تقرير ايتدى اول شهسوار
مملكت ولايت • واول علمدار خطه كرامت • بر سمند نوندي • باريك ساق آهو سياقه
سوار اولديكه حين ثبات وتمكينده كوه وقار • وزمان دوده واوان رودده
باد رفتار ايدى مثنوي فلك وش اولتسه عزم اول كهكشان دم • اولور ميدان سراسر
ماه انجم • برندن هجر سيدى نيته كم برق • براولوردى عادو وعزب ايله غرق قرمجى
دكر شهامت برله عزم ايتدى • اول لحال اوردوى دشمن بدخويه يتيدى خرالت تام
وبلاغت تمام ايله ايتدى اى قوم كمراه • وى طايفه انتباه • هر كه شرايع احمدي دن
نكول وسنن سنية محمديه دن عدول ايده • عاقبتي ذميم • وخاتمتى وخيم • وعقاب وغلالي
اليم دركنده والكز ايله • دين ودياننكز معمور مسن • وايمان واسلامكز مقصور مسن
يقدوكوز دوام صفت آيلده قالوب • باطن داركبى باشندن جقديكز بوداعيه
فاسده دن • وبو خيالات كاسده دن كذر ايدوب • وشو هوا وهوسك شيفته
ومقتضيات نفسك فريفته سى اولمقدن حذر ايدوب • مفرعنا ومفرعنا داولوب
حدود الله دن تجاوز ايتمك • وخلاف جاده سداد اولان يوله كتمك كه بوكار شقاوت
شعارك عاري الى غايت الاد وار صحايف روزكارده مرقوم • وبو فعل اساءت اثارك
نتيجه سي الى نهايت الاعصار ذيل ونهارده مرسوم اولسه كرك • اهل هر كه طوق مجاهده

بيون • ديردك حلقه اطاعته كيردى • بنو فتر كردن وقبل هلاكدن خلاص اولوب
دار الامان رفاهيته ايردي • بوكونه كلمات حكمت سماته كاه نيران ترسيدن آتش بار
وكاه عمان ترحيبدن درر نثار اولدي بيت حقايق درجنى حكمتله آچدى • دقايق
سوزلرين دركبي صاچدى • بو نصايح صواب غايتي • ومواعظ حكمت آيتي كوش اندكار نده
طايفه مذكوره يه سردار اولان بن كوا ذروه مخالفتدن حضيض مسكنة نزول
ايدوب سكز بيك آدم ايله هزار انابت واستغفار وانواع توبه واعتذار برله مذهب
خوارجدن رجوع ايدوب اوردوى همايون امام رهنمونه واصل اولدي طايفه
باغيه دن مجانبت ايدوب كلزار سعادته داخل اولدي • زمره خارجيان عبد الله بن
وهب ومرقوس بن زهير كه ذو الثديه ديمكله ملقب در كندولره سردار وسپهسالار نصب
ايدوب جانب نهروانه روان اولدي • وامير المؤمنين عساكر نصرت آيين ايله عقبلرنجه
عزيمت ايدوب محل معهوده وصول بولديلر • خورشيد سپهر رسالت • وماه اسمان نبوت
بو طايفه بد خلقت ايله على عالي همت ايله جنك ايده جكين خبر وير مشدى • وزمره مفسدين
حضرت كزينه مارقين ديو بيور مشدى • شواهد بو خواهد شاهد دركه حضرت خير الانام
عليه افضل التحيه واقدس السلام على فرخنده انجامه خبر وير مشدى كه جماعت مارقين ايله
يعنى دين اسلامدن خروج ايدن طايفه ايله حضرت امين ايله محاربه ايتسك كرك ميانلرنده
بر شخص بد نژاد دبراقطع مادر زاد ظهور ايده كه دست برنده كوشت پاره اوله
وسر دوشنده پستان زنان صفت لحم زايد اولوب اوستنده بر قچ قيل بتوب بين
الجمهور ذو الثديه ديمكله مشهور اوله وشهرت بوله اول جمله يه سردار وسپهسالار
اوله • وعبد الله بن وهب دهبى باب اماتنده انكله شريك وانباز ومشير وسردار اوله
ابو الشيخ اصفهاني كندو دلايلنده واسانيد صحيحه ايله بو سعيد خدريدن روايت ايلر كه
بر كون مجلس سيد المرسلين ده ايدم اول رسول كريم برنسنه تقسيم ايلدى بني تميم دن ذو
الخويصره ديمكله معروف بر لئيم • اول انجمن ميمنتده حاضر • وتقسيم كريمه ناظر ايدى عدل
ايله يا رسول الله ديو ندا ايلدك • رسول شفاعت پناه ديلك اكر بن عدالت ايتميم كيم عدل

عالیان و اکمل آدمیان کدردیو بیورد قده اول قلّاع قلاع کفر و فسوق یعنی عمر
فاروق برندن طوردي وشمشیر سیاسته ال اوردي ایدیکه یارسول الله شرف اجازت
ارزانی بیور شمع مجلس کبی بوینن اوره یم انامل دمار ایله طومار حیاتن دوره یم
بیوردیکه یا عمر انی قو کندو حالنه کفسون صوب مراد نه مراجعت اتسون مذکور بد طینتیه
یار هوادار و بر زمره یه معین و مددکار اوله که هر بری سزی کندولردن احقر و اخر
عد ایده لر و شرایط صوم و صلاتده ولوازم حج و زکوتده واداب تلاوت آیات
محکماتده دقیقه فوت اتمیه لر لکن دایرهٔ اسلامدن خارج و مطرود اولالر کمان سخندن
خدنک پرتاب اولور کبی سرحد هدایتدن مردود اوله لر تیر و سردارلري بر بد خطر ذکریه
المخبر دیرلر خبر بر شخص اوله که کتف کتفنده مثال پستان زنان لحم زاید اولوب
بهترین فرقهٔ آدمیان ایله مقابل و زبدهٔ عالمیان ایله قتال ایده ابو سعید خدری ایدر
سید الانام علیه الصلوة والسلام بو کلام معجز انجامی سمع تحقیق ایله استماع اتدم و مرتضای
عالی پایه اراقت دماء اعدای شمشیر مثال بیل تغلد دخی مده حاضر ایدم اول جنک
پرآشوبه چشم نره و دیدهٔ تیر کبی ناظر ایدم علی عالی مقدار قبلندن فرقهٔ مارقیه پرداز
اولان بدکردار اظهار اولنسون دیو امر اولندی بحر بصیرت و دیدهٔ دقت ایله مقام
قتلامده انا سید مختار صلی الله علیه وعلی آله الاخیار نشان ویردوکی شکل و شمایل
و اوصاف و مخایل ذره بولندي قطعه زبانی مرقعه ترجماندر اکا امرار غیبی
هب عیاندر نشان ویردوکی سر اولوردی ظاهر زبان مصطفی معجز نشاندر
مفسران سیر حکایات بو یوزدن تحریر و محدثان آثار روایات بو نوعله تقریر ایدر
لرکه شاه مردان عساکر ظفر نشان ایله جانب نهروانه روان اولوب کیدرکن سوق
راه ایله بر دیر فلک قیاس و بر کنشت محکم اساس یاننه واردیلر که سرای سپهر کبی ستونی
و ایوان کیوان کبی قونشی تقسیم و ترسیم اولوب معبد خانه لري غنچه صفت تت تت
کل کبی مطبق بنیاد اولنمش و طاق و کمرلري غبغب سیمبران کبی دایما کشاده بالای
بام کلیسادن بر ترسا صدای اعلا ایله ندا ایدوب ایدرکه ای لشکر کوه شکوه سردار کون

و مقتدا و سپهسالار کورر کم ایسه یاننه کلسون نحوست اوقات و میمنت اناتدن متنبه
اولسون امام الهمام خبیر بو خبردن خبیر اولوب لجام بکرانی سمت ترسایه معطوف قلوب
وارد قلده عنان کشیده اولوب طوردي خبر جبره کوش اوردي ترسای دور بین
و حزم آیین بحر بصیرت ایله عین الیقین کوردیکه بو کلس بر پهلوان میدان دین و بر سالک
مسالک یقیندر که ناصیهٔ حالندن آفتاب شجاعت تابان و سیمای جمالندن انوار
کرامت درخشان خطاب ایدوب ایتدی بیت ای بیشه حرمله غضنفر وی آتش
رزمله سمندر شعر نه جانبه کیدرسن و نه محلی خون کلکون اعادی ایله لاله زار ایدرسن بیوردیکه
دشمن بدکار ایله جنک و پیکاره وقوم سیه روزکار ایله کیر و داره کیدرم ایتدیکه ای خدیو
دادکستر وی خداوند معدلت زیور ضمیر منیر مشکل کشایه وخاطر عاطر روشن آرایه که
جام جهان نمای اسرار الهی و مرآت پر صفای ارنا الاشیا کما هي در مستور اولمیه که
بو بندهٔ کمینه دقیقه شناسان ارباب تنجیم و نکته آموزان اصحاب تقویم محفرنده فلکت
ایدوب ملکهٔ کلی و استعداد جبلی حاصل ایتدم بحمد الله زیج فلک جدول بجدول علوم و مهره
ماهک ماهیتی و نجوم سیاره نک صعود و سعاداتی و هبوط و نحوستی ساعت بساعت
مفهوم مدر حالا طالع ارباب عدوان کمال درجه ده قوتده و ستارهٔ مولعنان نهایت
مرتبه ده نحوستده در برج ایام بو محل ارژم آساده آسایش و آرام ایلک کو ستارهٔ
ضابط منزل سعاده وارب رفعت و قوت بوله و مرآت طالع امیر المؤمنین ده شکل ظفر
و نصرت چهره نما اوله علی مرتضی اتدی چونکه علم نکلده و صناعت تنجیمده بی بدیل و
استخراج موالد و تقویمده عدیم العدیل سن فلان ستاره نک سیر و تاثیرندن خبر دیر
ترسا ایتدیکه ای امیر لي صحا برب الشعرا بو عالم کاینات و بو رصدکاه شش جهاته
قدم بصیلي ستارهٔ مذکوری معاینه اتمدم و نام و نشانن اشتمدم بر سوال دخی ایلدی
انک دخی تحقیقنده عاجز و متحیر و تدقیقنده فرومانده و قاصر اولیجق اول حضرت ایتدیکه
علوم فلکیاتده ماهیتنک معلوم اولدی حالات عرضیه دن سوال ایده یم بیان ایله
بالفعل تحت اقدامکده بر مقدار آلتون مدفوندر اجناس وشمارین بر بر عیان ایله

ترسای مجزیشه ترسان وحراسان کمال قصورنه اعتراف وجوبجا تسلیمدن دست
عاجز ایله اعتراف ایدوب کمالات امیره انصاف آندی بیوردیکه بو نعله برظرفه
ىوالجنده بو مقدار دینار کامل العیار درز وبوریمه مسکوک ومنقوش درز راهب
حقیقت مدفونک عورتنه ایرکیجون تحت اقدامنی قازمغه اقدام ایلدی وظرف
مرقومی جمیله بولوب ضمننده اولان زرخالص شماره کتورمکه اهتمام ایتدی حکما تعیین
بیوردقلری راست ودیکم وکاست کلچک راهب دیرینه الحال کلوب صمیم جاندن مسلمان
اولدی امام فلک خیام سطوت کامله وشوکت سالمه برله کوجوب نهروان سمتنه روان
اولدی بیت کوک دمور کیدی فلک کبی جچه بیک پهلوان نهروانه صاز من کم آقدی
برنهر روان سرشوایله ده کتورمشلردر که جندب بن عبدالله علیه رضوان الله ایلدی
ایدر که محاربه جمل وصفینده علی کراهت وسنکاه ایله بیله کتمشدم حق جانب مرتضاده
اولدوغنه کلشن ضمیرم خار شبهت دن پاک امشدم نهروانه واردقده نوعا خاطرمه
ریب وکمان غلجان ایتدیکه بونلر وک هر بربیک کردن حاللری زیور تقوی ایله آراسته
ونطاق امالری جواهر زهد وورع برله پیراسته مؤمن موحد وزاهد ومتعبد در بونلر
ایله مقابله ومقاتله وبال عظیم ومحاربه ومجادله خطب جسیم دردیوب علی الصباح که چتر
زرانددود آفتاب الطناب برتابندن نعیم درخانه نورافشان وسپر زرینه مهر
بالای تیغ کوهدن عیان اولدقده فکرتنی یایان وحیرت فراوان ایله بر علت
طوردم آخر لشکرکاهدن جنوب برکنارده نیزهم دیکوب جوشنم وسپرم برکه دب
سایه سنده اوتوردم بیت سپر ایله نیزه شکلی اول کناره علم خیمه کبی ویردی زینت
ناکاه امام فلک جلال مانند مهر تابدار اژدرم کلوب برساعت آرام وقرار
ایتدی حکما ندم برسوار صبا عنان کلوب ایتدیکه ای امیرالمؤمنین خوارج تیکین
نهرواندن نهر روانی کیجوب کتدیلر سحاب مظلم کبی تاب شتاب ایله سمت آخره
مراجعت ایتدیلر امام بیوردیکه حاشا ثم حاشا که برقدم تحرک ایتمش وباطرف
آخره کیتمش اوله لر سوار مزبور یمین بالملا ایتدی اول حضرتک سوکند عظیم ایدوب

مطلب صفت روز

ایلدی

ایتدی بو محلده انلرک نایره حیاتلری آب تیغ تابدار ایله وآب زندکانیلری
آتش شمشیر صاعقه بار ایله منتفی اولمه کرکدر تقدیر ازلی تغییر وتبدیل وامر لم یزلی
تقلیب وتحویل اولنمز چون امام قیامه کلوب خرام ایتدی بن دخی سایه کردار
درپنجه بیله کتدم دکندوکندومه ایتدم ای رئیسان کمان ایله پابسته وسنک
شبهه ودنک ایله سرشکسته بحمدلله که عجیب تجربه ایدجک محله کیردی وپای یقین
کل ریب دن خلاص اولمق داعیه سی ال ویردی اکر طایفه خوارجک نهرواندن مرور
صحیح ایسه مرتضا ایله اول محاربه ایدن بن اولوب سپر کبی جنک وپیکاره قرغو طورم
واکر خلاف واقع ایسه کماکان علم ثابت قدم اولوب جمله دن مقدم تیغ جدالی ال ادم
زیرا حق نه جانبده ایدوکی کون کبی روشن وباهر وصادق وکاذب کم ایدوکی
صبح صفت آچلور ظاهر اولور آوازه دروغ مانند صدای شاهد معیندن خبر
ونهال خلاف مثال درخت بید ثمر ویرمز والحاصل یقین وارد قلده عین الیقین
معاینه قلدم که رایت عزیمت آیت اعلا برقرار سابق سایه کستر اولوب اول محلدن
هیچ کس کیتمامش واول نهری کذردن فرد آفریده کذر ایتمامش اول حضرت دست
مبارکیله آرقم یاپوب ایتدیکه حقیقت حال مفهومک وامتیاز ممکن ومحال معلوم
اولدیمی امدی اقدام اقلامه کلوب ترتیب قواعد کارزاره وتمهید قوانین
جنک وپیکاره اشتغال ایله راویان حکایات جنک وپیکار ومحدثان روایات
کیرودار بو وجهله تقریر ایدرلر که چون هزبران بیشه شجاعت مغفر مبارزلری
برسر قلوب تیر وکمان وتیغ وسنان ایله اعلای بدکمانی دیده مثال اوردیه
الدیلر ونهنکان عمان جلادت جوشن شهامتی دربر قلوب دریای کارزاره
طالدیلر لشکر خوارجه اولقدر تیر وسنان وتیغ افشان اوردیلرکه غروه جمعیتلری
منفصم وپریشان وایوان ثبات ومقاومتلری منهدم قلوب خاک ایله یکسان
ایلدیلر قطعه جیش جوشن پوش ایدرسه وقتی درجوش وخروش کوه شمشیر آسا
غرق آهن ایلدیلر ادق کبی میلانه اوکند وآذینی بیربیدر غول جلادر که

طاقینود بالخیمه بال ویر • سنان شعله‌فشان میان میدانده اولان ارباب
طغیانه زبانهٔ آتش بار دوزخدن • وتاب عذاب برزخدن زبان حال ایله خبر
ویردی • مسامع مجامع زوایای افلاک • وصوامع جوامع خطهٔ خاک حسبت وصلای
آفرین • وکلبانک تبارک وتحسین ایله مالامال اولدی • جیش بدکیشک طایر روح
بی‌فتوحلری قفص بدنده محبوس ایکن رخنهٔ شمشیر آبدار • وثقبهٔ پیکان تابداردن
چقوب • اوج مکافاته • وبرج مجازاته • وصول بولدی • تیر تقدیر ربانی ردونه بدبیر
انسانی نافع • وشمشیر قضای آسمانی دفعنه سپر حزم دافع اولمدوغی • بالمعاینه شاهد
قلوب رای منحوسلری • رایت منکوسلری کبی معکوس اولدی • حور بی‌امید حیاتدن
وسودای ثباتدن محروم ومأیوس اولدی • نسیم عنایت ربانی مهب والله یؤید
بنصره من یشاء دن مستهب اولوب اعلام ظفر اعلام امام فرخنده انجام سمتنه
متبسم اولدی • وشمیم هدایت صمدانی قد جاءکم الفتح کلستانندن متارج اولوب
نصرت ومسرت غنچه‌لری متبسم اولدی بیت صبح ظفر از مطلع امید برآمد • انجاب
غرض راشب سود ابر آمد • بالآخره اول دورت بیک فجار بدکرداردن اوج بیک
طقوز یوز طقسان بری طعمهٔ کرکس وعقاب • ولقمهٔ ضباع وذیاب اولوب ابدان
کشته‌لردن روان اولان خونکه خاکا غشته • ومیان میدان بری بری اوزرینه
نعلمش لشلردن پشته پشته اولمشدی بیت پهلوانلر دشمنک الآینی طاغ ایلر
کشته‌لردن کارزارک صحنینی طاغ ایدیلر • وبقیة السیف اولان طقوز نفر بد اختر
اول ورطهٔ هولناکدن بیم هلاک ایله ترک قرار واختیار فرار ایدوب خلاص اولدیلر
من نجا برأسه فقد ربح مضمونیله عمل ایدوب مناص بولدیلر • وعسکر نصرت معین امیر
المؤمنیندن طقوز نفر مرد سعادتمقرون شربت شهادت نوش ایدوب بل
احیاء عند ربهم یرزقون ضیافتخانه‌سنده آسوده اولدیلر • ماعداسی
مهجت صحتده شادکام • وساحت سلامتده میسور المرام دامن مأمول فتحه دست رس
بولدیلر • امیر صف آرای هیجا ذو الثدیه‌لی احضار ایدک که • رسول کاینات

مطلب رزم

وبنی معجز آیات • علیه افضل الصلوات • اندن خبر ویردی دیو بیوردی • باد جنوب کبی
یمین وشمالی جست وجو واطراف واکنافی تک وپو قلدیلر • بولمیدیلر • وحیات وممات‌دن
هرگز خبر آلمیدیلر • بعضیلر دیدیلر که شاید فرار آتشی ادله • بیم جان ایله قاچوب کتمش
اوله • امیر المؤمنین یمین ایدوب ایتدی که بن یلان سویلمزم • وسویلدکدخی هدت العمر
وقوع بولمامشدر • وبکا خبر ویرن رسولک زبان معجز بیانی کلام غیر صحیحه قابل اولمامشدر
البته بو ساحت فتنه کرده یا زخم تیغ زرافشان ایله پیچان • ویا طعن سنان جان
ستان برله حالکه یکسان اولمشدر • تکرار اقدام ایدوب جست وجو قلدیلر • قرق بر
نفر مردهٔ پژمرده تک تحتنده بولدیلر • همان اول مقتله وصورتلره که علی ولی بیوردیغی
ایدی • وبنی هاشمی خبر ویرمش ایدی العقمه بو فتح جسیم • وبو تسخیر عظیمک کلیا
اقطار وجوانبه • وجمیع قرایب واجانبه • وعشایر وعربانه • ومداین وبلدانه اخبار
مهم ومناسب • واشعاری لازم وواجب اولمغین حضرت امام اهالی کوفه اعلان ایچون
کمی ارسال ایدرلر دیو بیوردقلرنده افراد آفریده‌نک بدنهادی یعنی ابن ملجم نامرادی
ایلرو کلوب حزار سکنت ایله زمین خلامته سبزه وار یوز اوردی • تیر خاکی کردار
منزل عبودیتده دیکلدی طوردی • وزبان نیاز ایله سخن برداز اولوب ایتدی که همیشه
رایات نصرت آیات • والویهٔ ظفر طراز نافذ العزمات معمورهٔ ربع مسکونده سایه
فکن • واعدا الکندن اولمقدن خالی • وهمای ظل همایونی مفارق عامهٔ عالمیانه ظلیل
اولمقدن زایل وعاری اولسون • تمنادر که بو پژمردهٔ فرخ بخش اشعارنه بو کمینهٔ
عبودیت خصال بجالاولمغه همت • وبو بشارت سرور نقش انتشارنه بو چاکر صداقت
مآل رسالتیوره اولمغه عنایت اولنه دیو درخواست ایتدی • امام مشتری طلعت اجازت
ورخصت ویردی • آماده اعیهٔ فوادک ومراد نهادک حصولنه عزیمت ایدرسن دیو بیوردی
تواریخده مشروحدر که ابن ملجم بیره نهاد مصری نژاد اولوب عثمان
بن عفان علیه الرحمة والغفران حضرتلرین شهید ایتمک قصدنه کمر علاوتی در میان
ایدن کمسنه‌لره همراه اولوب مدینهٔ رسالت پناهه ایرشمش ایدی • بعده جانب کوفه‌یه رجعت

ایدن لشکر نصرت معین امیر المومنین ایله دادکیر و داره بیله کیرشش ایدی روایت آخر
امام نامور سیل جبال وصاعقه قتال ایله خوارج بداخترک تار حیاتلرین خامه وآب
روانلرین جامد قلق ایچون آهنک جنک ایلدکده معاونت کیر و دار ایچون هر دیاردن
دار و اولان آدمی بزرلردی واسمی ورسمی ایله دفتر ایدرلردی ولایت لیلادن وارد
اولان اون نفر آدمک عاشری ایدی لکن ارباب فتنه وفسادک معاشری ایدی علامت
شرت جبهه‌سنده ظاهر وامارات شقاوت چهره‌سنده باهر دوران کبی حیله باز و محتال
برخاج مفاسد آمال ایدی **بیت** ازین ناشسته رویی تیره رایی ندیدند طلعتی
ناخوش لقایی **نثر** انلرک هر بری شرف خدمت امام ثریا منزلت ایله مشرف اولشدی انواع
هدایا وتحف کتوروب عز قبول و وصول بولشدی ابن ملجم حضرت شیم بر تیغ آبدار و شمشیر
جوهردار چکدی مقبول اولدی عاقبت ابن ملجم خلوتخانه امامه کیروب دیدیکه ای امیر
آسمان سریر جبر خاطر کستر ایدوب سایر رفقانک هدایاسن طیب خاطر ایله قبول ایلدک
بو فقیر ناکزیرک تحفه محقره‌سنه قلم چ چکلک خاطر فاترم محزون و ملول ایلدک ستمو
رتبکزه لایق وعلو همتکزه موافق دکلدر علی الخصوص بو شمشیر دلاوران عرب بیانلره
بسندیده و دلپذیردر ومانند تیغ آفتاب عدیم النظیردر اول حضرت بیوردیکه بو شمشیر
آب شکل وآتش آثاری وبو تیغ برق نشان وصاعقه باری نیچه قبول ایدهیم که سن
بندن مراد دلخواهک بونکله حاصل اتسک کرک وسرحد مقصوده بنمدن کم کشته بادیه
ضلالت اولوب یتسک کرک ابن ملجم بدسیرت عرض صداقت واظهار عبودیت ایتدی
وایتدی ای امام ستاره مقام بو فکر نافرجام وبو خیال بدانجام حاشا که خاطر فاترم
خطور وهراس ضمیر کسیرمدن مرور ایتمش اوله یاران وفادارم و غلامان غمخوارم
ترک ایدوب کفتار دررا اعتبارک اذن اذعان ایله کوش وحلقه سیم بحبک کوشی
جانه نکوش ایلک نوو سیله نافه کردار پوست پوشش اولوب ترک دیار ایتدم سده سنیه
کرامت پناه وعتبه علیه خلافت دستکاهه اولمغی اختیار ایتدم پابوس سعادت مألوکزه
ال ویردکده شکر یزدان ایتدم کمال سرورمدن مه آسا کلاهم آسمانه ایتدم بو بنده

صانع العقیده نک آینه عبودیتی صیقل صدق ایله منجلی وکردن صداقتی زیور اخلاص ایله
محلی در **قطعه** حاشا که دلم از تو جدا باید شد یا با کس دیگر آشنا باید شد از عهد
تو بگسلد کرا دارد دوست وزکوی تو بگذرد کجا باید شد **نثر** اول جناب عالی بیوردیکه
بو بر امر ایچدرکه کام دنا کام صادر ودبر قضیه خفیه درکه بی ضبط وحفظ ظهور بولسه
کرک بو عالم بربدایعده اکثر معضلات دقایق پوشیده دستور ظهور ایلرکه افهام
عقلا شعور بولمز واذهان اذکیا واقف اولمز بهر حال بزم صفای وفا قدح
ورزم جفای نفاقه کلوب امر مزبوره مباشرت وخصوص مذکوره مسارعت ایتمک
کرک **بیت** این مهر و لطف وعهد و وفا عادت تو نیست هر چند شرط عهد کنی باز بشکنی
ابن ملجم ایتدی اکر بو قضیه نامرضیه بو دعاکوی مخلصدن ظاهر وبو فعل شقاوت
مآل بو رضا جوی متخصصدن صادر اولجق یقینا معلومکز ایسه بیورکه دست و پایم
قطع ایدوب تنمدن جدا ویاخود ضرب تیغ جان ستان ایله هلاک ایدوب رجال اللهدکه
فدا قلسونلر که تا قیام قیامت نشانه تیر لعنت واماج خدنک نفرین اهتا و ملعون
غلامی بولم اول حضرت ایتدی حالا سندن برکار ناسزا هویدا اولمدیکه قتل و سیاست
ایجاب ایده اما اصدق القائلین وخاتم النبیین بکا خبر ویرمشدر وامر مزبور کمال
تحقیقه ایرشدر صورت آخر متصور وتبدیل وتغییر متیسر دکلدر **القصه** بو فتح
عظیمک اعلامی ایچون فتحنامه یازیلوب ابن ملجم دیرلرکه سز ایدوب بلده کوفیه
ایردی بو نظمک مضمونن مسامع خاص وعامه ایرکوردی **رباعی** خورشید ظفر از افق
فتح برآمد وز پرتو وی ظلمت عالم بسر آمد در آینه تیغ شهنشاه ولایت رخسار
دلارای ظفر جلوه کر آمد **نثر** حاکم شهر امر ایدوب ابن ملجم مقامنده شیم عادت قدیمه وقاعده
مستدیمه مقتضاسنجه دکاکین تجاری طاوس جنت کبی آراسته وارسته بازاران
ازهار بهار صفت پیراسته اندر کن ناکاه کوردیکه برخانه عشرت آباده
وبرکاشانه خرم بنیادده ارباب ذوق واصحاب شوق بساط نشاط وبزم انبساط
طرح صالق وجام سرور دهر بدن وملام لهو لعبدن کام الق هوسیله ثریا آیین

بریره جمع اولمشلر اول عیاشان روزکار که حرکه بهار برجی نو خیز ذبکلشن طرب
انکیزده ماننده غنچه ولاله صراحی بیاله ایله راح ریحانی وشراب ارغوانی نوش ایتمک
مدام کارلری دهر جمیع درواح مشاهده عارض صباح وملاح برله صلای جنک
وارغنون کوش ایتمک دایما شعارلری ایدی بو دفعه دخی خانهٔ مزبورده جمعیت
دلدمی برله صحبت تکمیل اولدی بیت هب بکمل اولیجق اسباب عیش حاضر اولمجلسه
ارباب عیش سر زهره جبین مه لقارایای کوبان وآستین فشان نجوم آسا چرخ
کیرمش ومطربان ملک سیما ومغنیان طرب افزا قولنجه نغمهٔ عود ونغمهٔ سرود کوش
زهره یه ایرمش وعکس می رنکین دن جام بلوریه مطلع خورشید رخشان وابکینه
صراحی کان عقیق ومعدن لعل بدخشان اولمش بو جنک وچغانه وبو آهنک وترانه
کراشتدی ارباب محبت واصحاب جمعیت صدای اعلا ایله ندا ایتدی اول مجلس فلک
تزئیندن ماننده سپهر بوقلمون ومثال ازهار بهار حکمت فنون البسهٔ رنکارنک
ایله آراسته ومهر عاشقان صفت سرنک ایله پیراسته برنجه خاتون چرخ مانند کریبان
دران ومهرا ساخنده کتان عیان اولدی بخار می ناب دوفان آتش شراب
کیسوی مشک بویلری کبی باشلرینه چقوب ماننده چشم معشوق ودل عاشق مست
وخراب وصباحه قالمش شمع صفت بی تاب اولمشلر ابن ملجم خطاب ایتدی
وایتدی نیچون ارتکاب منهیاتدن واکتساب محرماتدن اجتناب ایتمزسز دغوا
رب الارباب دن خوف ایدب اهالی محلاتدن حجاب ایلمزسز حیناکه اجل پنجه
زهره جبین ومهلقانک روح افزای قامتن چکایدب عود وجودین ییره
چالشدر وساقی مرک پنجه عیاشن روزکارک ساغر حیاتن کل افسون ممات ایله
پر ایدب آخر جرعه وار قاکه حالشدر شول ادمی ملامک وحریف می اشامک که طینتی
خمر ایله مخمر وخانهٔ قلبی جام باده ایله منور اوله اساس دولتی وعلهٔ سکران کبی
بی بنیاد وقاعدهٔ سعادتی خانهٔ حباب کبی برباد اولق مقرردر بیت
بو باغ دهرده آدم نه دکلو ایده حضور عنا می یمن عنادمردری محفی شرو زر مغی

بر دفعه وهنداید رکه اول خواتین عشرت آئین میاننده جمله دن ممتاز صاحبهٔ
عزونازبر نکار رعنا وعشوه ساز معاینه قلدیکه جمال جمیله شمع آفتابدن ازهر
وحسن بی بدیلی شعاع مهتابدن انور ایدی کلک تنداشک واینه یوز کورمش
نکارهٔ روزکار ومثال کل درکس یوزی کوزی آچلمش بحارهٔ دارودیار ایدی
ابن ملجم بد خصال بو حسن وجمالی مشاهده وبو بال وبالی معاینه قلدقده کمند زلفک
کرفتاری وتیغ غمزه سنک دلفکاری اولدی سرلی ساماتی عنبرینه ماننده سودای
خام ایله طولدی بیت لشکر کشید عشق ودلش ترک جان کرفت حجر کزیر پای سر الدر
جهان کرفت نثر تماشای دیدار ایله آب روان کبی کندودن کتدی خلخال مثال پایینه
دو شوب زار زاری برله ایتدی ای روح مجسم وی مایهٔ شادی دل پر غم بر جک
ماه زهره جبینی ونه درجک در ثمینی سن قبیله وعشیرتک بیان واسم شهرتک
عیان ایله انواع ناز وکرشمه واصناف احتراز وعشوه ایله ایتدیکه احزاب اعدادن
قبیلهٔ تیم الربابدن اسمم قطام دیرلر طایفهٔ خوارجکه کثری اول قبیله دن اولوب
جنک نهروانده تند باد حملهٔ مبارزان ایله هلاک اولشلر ایدی قطام بد فرجامک
پدر وقرنداشی دخی جمله اول ایکی خونی وندی حرب شمشیر ابدار آتش بار ایله فاک
اولشلر ایدی ابن ملجم دیدکده رشتهٔ ازدواج ایله مقید وعقدهٔ نکاح ایله معقد
میسن ایتدیکه کردن حالم قید تزویجدن آزاده ولوح خاطرم نقش سودای
شوهردن صاف وساده در پس ازدواج قطامیه طالب وعقد مناکحته راغب
اولوب ایتدیکه بو عاشق دلداده وبو صادق افتاده خدمت شریفکره لایق
ومجالست لطیفکره موافق کوریلورسه جان مرغی آشیانه تندن پرواز دورتی
روان نشیمن بدندن پرانه آغاز ایلینجه فاخته وحمامه مثال طوق عبودیتک قلادهٔ
کردن جان وتاج بحنتک افسر حد حد خان قلوب حسن معادقت وکمال نجاحت
برله فلاحت ایدیین بیت فلک پایک باشمه تاج سعادت بلین هر نه امر ایلرسک
چاکرمنت بلین نثر تقریر وتصویر اولنان مقدمهٔ مسموع ومقبول ومسلم ومعقول

ایسه موافقت جانبین ورضای طرفین برله وساده وصالده جلوه نما اولمغه
تدبیر ایله خارستان بیگانه‌لکدن گلستان یگانه‌لکه خرام اتمکه ساق همتی تشمیر ایله
بو مقال افسون مآل جگر قطامیه تأثیر ایدوب ایدیکه ای یاد دلشاد دوی دلدار
پریشان فؤاد یا نجه سایه کردار در قرار رمه بلیکل **فانکحوهن باذن اهلهن**
مقتضاسنجه اهل قرابیم وتوابع دلواهم دن اذن واجازت آلنسون بعده بنیا عقد
نکاحه مباشرت ومبادرت اولنسون ابن ملجم خاکسار بیله دار دقله قطام الجرو
کبر دب غنچه صفت قت قت رنکین جامه له محلی لالی آبدار وجواهر تابدار طاقنوب روی
گوهر باری آفتاب کبی مجلا اولدی **بیت** تول پیرایه دلدار بودی از کسان اولدی دم
کواین پیرایه بستی قصد جان ناتوان کردی **نثر** پس اول زهره جبین ومشتری طالع
افق روحمدن لامع اولوب خویش وخویشاوندم واقارب ارجمندم عقد
مواصلته رخصت ویرمدیلر وبو امرک حصولنه مطلقا رضا کوسترمدیلر مگرکه تعیین
ایتدکلری مهر مهر افزای بالتمام ویره‌سن وسپارش قلدقلری خصوصک اقامته
رضا کوستره‌سن دیدیکده ای مه اسمان صباحت وای در دریای ملاحت مهر معجل
ومؤجلی تعیین ومقصود دلخواهک تبیین ایله تحصیلنه سعی موفور واستکمالنه
جهد بی قصور ایده‌یم مال ومنال دکل باش وجانم وجمله خان ومانم یولکه فدا
اولسون **بیت** آلتنزدیمه بو یولده نکا سیم وزر فدا حتی نجه سیم وزر بولکه جان
سر فدا **نثر** ایتدیکه بنوم مهرم اوچ نسنه در برنجی ایکی کنیزک جمیله برنجی سازنده
ونوازنده دیکری کوینده وخواننده اولوب قامتلری استقامتده الف کبی
وهم نغمه رسازلری جان بخش واستماع آوازلری روح افزا اوله ثانیا
اوچ بیک درم ثالثا قتل علی عالی شیم ابن ملجم بو کفتاری کوش ایتدکده
نقطه مثال دهن بسته اولوب قاف کبی سر فرو ایتدی جزم تام وعزم تمام ایله
ایتدی ای مایه اکسیر حیات ونکار شیرین حرکات جاریه مغنیه ودراهم
معینه بازارنمازده ممکن الحصولدر لکن قتل علیه درت خلافی قیاس العقولدر

زیرا تفنگی ذو الحسب عمده ولاوران عرب وزبده مبارزان هاشمی نسبدر که خنجر
خلقی جوهر تیغ شجاعت ایله محلی وآینه فطرتی صیقل شهامت ایله مجلی بر پلنک شیر
خصلتدر که زخم خدنک خونباری دهشتندن دب اکبر واصغر برج اسدده نهان
اولمشدر وبر ببر پلنک هیبتدر که چنکال ذوالفقار مردم شکاری دهشتندن شیر
کردون کبی یورکی پر خفقان اولمشدر صحرای وغاده تیغ تبرزی میغ خونبار دن ودریای
هیجاده سنان خونریزی نهنک مردم خواردر **قطعه** علا قندن چو سه ذو الفقاره
هان ایکی باشلو بر ثعبان اولوردی چکوب چوکان کبی آسه الینه پنجه بیک
کله لر غلطان اولوردی دمندن اژدهاوش ربع مسکون بیقیلوب سربسر ویران
اولوردی زمین وآسمان خوفندن انک خزان برکی کبی لرزان اولوردی **نثر** قطامی
ایتدی جاریه مغنیه ودراهم معینه دن فراغت ایتدم اگر مقصود اعظم رجا قتل علی
مرتضادر زیرا ذر قتل برادر التهاب آتش فراق خویش وند وپدر خون حیدر
دن اولدر که نسنه ایله انطفا بولمز وضرب حسام نفسه فامدن کل کبی جسمی پاره پاره اولوب
دیده زخمی جار زار نه کریان اولمنجه یوزم کولمز اگر نجله بربالینه سر قویوب بجله
مقارنتده جمع اولمق داعیه فؤادک وشبستان وصالمه شمع اولمق مرادک ایسه علی
مرتضای قتل واِلا **ع** پندار که هرکزم ندیدی اول نامرد مغبونک درون خباثت
مشحونی تخم ام الخبائث کبی جوشه وقلزم قباحتی خروشه کلوب بحق خدای بی همتا
کفتار علی مرتضا وصمت کماندن مبرادر بکا دیدوکی امرک اماراتی ظاهر
وعلاماتی باهر اولدی حاشا که اول حضرت کسنیه بهتان ایلیه ویا خلاف واقع
سوز سویلیه دیوب اول نکاره روزکاره خطاب ایتدی وایتدی اگرچه بو
خصوصک مآلی موجب یأس وحرمان وبو قضیه‌نک تداری خارج دایره امکاندر
لکن ناچار قتل علی امرنده کمر خصومتی شمشیر واری میان همته برکندم وهوای محبتکله
حباب آب ولاله سیراب کبی باش وبرکی تقرر ایتدم قطامه ایتدیکه چنک نجروانده
بو کیمسنه تابع فرزند دلبندی وبرادر ارجمندی اولمشدر آتش حسرت درد نه کار ایدب

جان وجهاندن بیزار اولمش • رجال مرد افکن • وابطال صف شکندن مراد الملق
قصدنه بعض کمسنه تعیین ایده‌بن که زمان مقابله‌ده مساعده • واوان مقاتله‌ده
معاضده قیله‌لر • پس مبانی عهد ومیثاق استوار وقلوب محکم قول وقرار ایلدیلر • ابن
ملجم بدکار جویبار رصدا قتنندن ال یودی • وتیغ آبدارین قطام بدکرداره یا تنده
امانت قودي • تا که قول مزبوردن رجعت • وخصوص مخصوصلرن فراغت اتمیه • کمان
ساعت • مثال باد شمال علی سبیل الاستعجال استقباله کتدی • یعنی جانب جناب امیر
المؤمنینه عزیمت اتدی • اول امام شهره قریب محله کلوب • اهالی کوفه دخی استقباله
کتمشلر ایدی • اکابر واماثل • واشراف واعیان قبایل ومشایخ کرام • وصلحای عظام
وارباب حرف • واصحاب شرف • ودبالجملة غنی وفقیر • جویبار کرد ارصوب دریایه روان
اولدیلر نشاط فراوان • وانبساط بی پایان ایله حضور شاه مردانه • وصول بولدیلر •
کمی دامن کبی خاک پاینه یوز اوردي • وکمی استار کعبه کبی دامن والاسن یوزنه وکوزنه
سوردي • کمی خاتم کبی دست بوسن سعادت مانوسن ایله مشرف اولدیلر • وکمی تقبیل
انامل مکرمت شمایله دست رس بولدیلر • هر بری صمیم جاندن عرض محبت وو داد • واظهار
اطاعت وانقیاد • ایدیلر • وجزم کبی دهان آجوب بحمد الله صورت تلاق ورتقال که
نقش کتابه لوح خیال • وعنوان رسالة امانی وآمال ایدی • بر دفق مستمنا چهره نما اولدي
ودیوب صفالر سوردیلر • واجلاد سهلا صلاسن • وخیر مقدم نداسن سطح تراب مطبقدن
سقف سحاب معلقه ایرکوردیلر • امام مشتری طلعت • وخورشید دیدار که دعساکر انجم
شمار • وثوابت قرار کوکبه تام • ودبدبه تمام برله اقبال شال اوکنه دوشوب
اعزاز واکرام • واحتشام واحترام ایله شهره کتوردیلر • افسر مباهات وافتخاری فرق
فرقدانه ییتوردیلر **شعر** الحمد لله که مقصود زدر باز آمد • مردم چشم جهانی زسفر
باز آمد • حمد لله که ازو وصل مسیحا نفسی • بتن خسته دلان جان دکر باز آید • مشاهده
لقای شریف امام صاحب تمکین • ومطالعه محیای کریم امیر المؤمنین دن اهالی کوفه کمال
بهجت وشادمانی • وغایت مسرت وکامرانی برله • بر مرتبه ده طربناک • وبر درجه ده

فرحناک اولدیلر که • قوت بیان تحریرنده قاصر • وحدت بیان تقریرنده عاجز
ومتحیر در **بیت** شهره کرچک دیدیلر اول شاه ولایت • صان روح روانلدر
تنه اولندی اعادت **نثر** او شهسوار میدان خلافت کوفیه ایردکده آتندن نزول
اتدی • فی الحال مسجد شریفه دخول اتدی • تحیت مسجد اداسندن صکره کوردیکه جماهیر
اعیان ولایت • ومشاهیر ارکان مملکت جمع اولمش • وسادات وموالی ومشایخ
واعالی برله درون مسجد طولمش • امیر المؤمنین منبره چقوب یمین ویساره نظر اتدی •
اول ایکی کوشواره عرش کرامت یعنی حسن وحسینه خطاب اتدی • وایتدی ای فرزندان
مقبل • وی نوباوکان باغ دل • بو ماه فیض ساله که رمضاندر • بوندن ایچ کون
مرور اتدی • اون اوچ کون دیدکده دست شریفیله محاسن لطیفن طوتوب بو نهار چنده
بدبخت ترین امتدن مراد قبیله سندن • بر نامراد ظهور بولسه کرکدر • الکنن سهمناکی
وضرب هولناکی • واسطه سیله دم تیال برله محاسنم خضاب اولسه کرک • چون ابن ملجم بو کلمات
حقیقت اثاری کوش اتدی • کندویه هیبت عظیم مستولی اولوب حضور حضرته وارب
ایتدی • حاشا ثم حاشا بن سزه قصد ایدم • ویا بو اصل امر عظیمه سعی وجهد ایدم • چون
بویله بیوررسز حضرتکدن درخواست ایلدرم امر ایده سز دست وپایم قطع ایده لر •
ویا حود بنی قتل ایلیه لر • امیر المؤمنین بیوردي فعله کلمین کناهک جزاسی اولمزدنا کشتیه
قصاص بیورلمز • لکن رسول خدا بکا خبر ویرمشدر **وما ینطق عن الهوی ان هو الا**
وحی یوحی بو مقال صداقت مالی الحقیقة ایرکورمشدر • سنی قتل ایدجک قبیله مراد دن
اوله کندو مرادی ایچون سکا بر ضرب اوره • اما مراد نه واصل اولمیه دیو بیورمشدر •
ابن ملجم همان اول که حال اوزره طوروب استبعاد قیلوردی • حضرت بیوردیکه بن
سکا بر پیردن خبر دیره یم که الحق انی سن بلورسن ودایک الله تعالی راست سویله •
ایام طفولیتده سنی تربیت ایدن زن یهودیه دکلمیدی ایدیکه • بلی وبرکون اول یهودیه
سندن رنجیده اولوب سن ناقه صالح سکرلیسندن دخی بدتر بدبختسن دیدیلمی • بویله
اولدي دیوب سر تسلیم زانوی حیرتده قودی • ارباب مجلس مثال کل دن کس بو حال کرامت

ما لدی چشم وگوش اولمش ایکن بنفشه گبی باصیلرین آشفته صالدیلر و دهان زخم گبی دم
بسته اولوب قالدیلر حیدر کرار اولمقدار اشکبار اولدیکه مجلس سمن سیماسی
ژاله اشک ایله یاش اولدی ناله آنین اصدقا و فریاد وفغان احبادن مسجد طولدی
او لحظه بیوردیکه ای یاران صادق دم وی خلان عوالی همم بن اولومدن
آغلمزین و دیده لرم شیشه ساعت مثال قان ایله پر اولجق قیرمزیین مدت مدیددرکه
اولمجان ویرب منتظر شهادتیم والی گوزمکدن برآن گوزم آیرمزین قطعه اغلرلر
مرد اولنلر مرگ ایچون زهری مونک شهد شیرین دربکا رنجده حاصل ایلر حضرت
مرشد کامل دیلیم لایق کا نز گریان ومغموم اولدوغم مادر وپدردن محروم بوایکی
فرزند مظلوم ایچون در بندن صکره غریب ویتیم وگرفتار کمند محنت والیم اولسه لر
گرک پس بیوردیکه ای حضار مجلس غایب اولنلری خبیر و آگاه ایده سزکه اولاد
سعادتمندمک وفرزند ارجمندم اخبار شهادتن گوش اتدکلرنده غموم مصیبتلرن
فکر وهموم اذیتلرین تذکر ایدوب سعدکبی نالان وابر مثال گریان اولالرکه ضایع
اولمق محالدر نظم هر که امروز از برای آن شهیدان غم خورد باشد از اندازه بیرون
شادی فردای او ای عزیزان یکره از حال حسن یاد آورید گشته تلخ از زهر
دشمن لعل شکرخای او پس بر اندیشید ز قتل حسین بن علی از غم اولاد پاک عترت
والای او تشنه لب خسته جگر مجروح تن پرغصه دل درمیان خاک وخون پنهان رخ
زیبای او نثر امدی ای اعزه احباب وی اجله اصحاب بوایام غم انجامده وبو حکام
محنت فرجامده اول مظلوملرک مصایب ونوایبن یاد ایدوب اشکبار اولمغه جهد
ایدک که آتش غضب ربانی دیده بندگان ایله تسکین بولور وحدیقه اعمال مخلصان
قطرات سرشک ایله سرسبز وشاداب اولور بیت گوزک یاشینی باران ایت ایمدی انک
سبزه زاری خرم اولمز الققصه امیرالمؤمنین منبردن اینوب کندی سعادت
خانه سنه وارب نزول اتدی اول ماه سپهر خلافت گاه امام حسن مجتبا خانه سنده
وگاه امام حسین فرخ لقا کاشانه سنده اخشم یوب افطار طعام تناول الزم اردی

نصیحت

میلاری اولدقده اوچ لقمه دن زیاده یمزلردی تقلیل اکلدن سؤال اولندقده مطالبه
نقد روح قصدنه حکم فرمان فرمای یفعل الله ما یشاء وارد اولجق زمان قریب اوشدر
آلوده بو نعمتدن احتراز ایدرم اول اجلدن آنده بیرم زیرا اهل سفر سبکبار دها حاضر دم
رحلته ناظر ومنتظر گرک دیو بیوردیلر بو جانبده ابن ملجم حمان اول شب خانه قطاع
واردب اول کار دوخامت خاتمه تدبیر ایلدی قطام کندو قبیله سندن وردان اوغلنی
شاجع وشیث بن بجره دیکله معرود بدکارلری اول ظالم خونخواره مدد کار اولمغیچون گتوروب
یمین ویرب بر برینه معین وظهیر ایلدی و ابن ملجم امر ایدوب شمشیرینه زهراب ویردیلر
کندو انتقامه اهتمام تام برله پیچ وتاب ویردیلر لکن من حفر بئرا فقد وقع فیه
نکته سندن غفلت اتدیلر مرتضای مجتبی رای قتل اتمکه نیت ایلدیلر والحاصل ماه رمضانک
اون طقوزنجی گیجه سنه دک کمان کینی قوردیلر کمین اختفاده کمین اولوب دوردیلر شمشیر
حیله اله الدیلر امام کرامت آیات اول شب حسرت غایتده ثلث آخره دک سجاده
عبادتدن وسجده طاعتدن باش قالدرملدی مقدار طرفة العین دیده عبرت
دیده سنده پرده خواب حجاب اولمدی و هر آن جانب آسمانه نگران اولوب اجل تمامیه
مترصد مناصب وورود علاوه جانبنه منتظر ومترقب ایدی صبح صادق ظاهر اولدی
تباشیر سپیده دم برله عالم طولدی پس قت اولدیکه مسجده گیده تجدید وضو
ایلدی وکمرین حیاتنه بغلدی بیوردیکه اشدد حیازیمک للموت فان الموت
لاقیکا ولا تجزع من الموت اذا حل بوادیکا یعنی حیاتنک حکم بند ایله مرگ ایچون که
مرگ سکا ملاقی اولسه گرک در و مرگدن جزع قلمه که لابد سنک وادیکه وصول بولسه
گرک در بو عالم فانیده هیچ بر مخلوقک صحیفه حالنه رقم بجلی شدر وهیچ بر ملک
کشت زار حیاتنه تخم ثبات اکلمشدر قطعه ممکن در جهانده کیشی پایدار اوله
دار الفنا محل ثبات وقرار اوله سیل فنا ایرب بقرآخر خراب ایدر حتی که اساس خانه
عمر استوار اوله نثر شول دم که اول حضرت صوب مسجده عزیمت ایدب بیان حولی جنت
حوالیه ایردیلر خانه سعادت آشیانه زنده اولان مرغان وماکیان دامان شاه

مروانه یا پشوب طشره حقیقة قومیوب عزیمه وفغان آشیانه لنسر اسماعه ایرو
کوردیلر • دختران امیر المؤمنین منع ودفع ایتمک مراد ایدیلک ایدیکه اچتمک
بنم ایچون زبان حاله نوحه ولسان مقال ایله صیحه ایدر ایدی **بیت** علم رفعتنده سلیمان
زمانم پرسیم نوله • منطق الطیری بلوردی جمله اول غیر خدا • اول کان مونتک علوم دینی
ودنیوی یعنی معارف صوری ومعنوی لوح المحفوظ ضمیر منیرنده مرقوم اولوب
عین عنایت ربانی برله ملحوظ ایدی بو جملادن ماعلا **وعلمناه منطق الطیر** احسانلرنده
محفوظ ایدی • آنفاق اول شب • بدر سپهر خلافت حسن قمر طلعت منزلنده اخشملمش ایدی
بو کلام فرقت انجامی کوش ایتدی • وایتدی • ای خاتم مصحف کمال نیچون کندوکز بو
وجهله فال ایدرسز • وبو شکسته بالی پامال عسکر ملال ایدرسز • امام بیوردیکه بو فال
دکلدر • حمیرم شهادت ایدرکه بو شهرده دست شهادته دسترس بولم • دملکت
سرمدیه ایچوم سردار اولم • فرزندان سعادت مندک • ودختران ارجمندک سایر
اتباع واشباعک هر برینه علی سبیل الوداع انواع تحنن والتیاع برله وقوع هجرانی
مؤید • وحدوث حرمانی مؤکد کلمات آندیلر • کویا درودیواردن صدای الفراق
الفراق • وانجار واحجاردن آواز الوداع الوداع استماع اولنوردی **مثنوی**
رخت بربستیم ودل بر داشتیم • محبت دیرینه را بکذاشتیم • وقت شد کز غصه وغم وارهم
برغم وشادی عالم پانهم • تا بکی بار دل ویران کشم • تا بکی خونابه زین دوران چشم
صد جنت بهر ما آراسته • ما درین زندان بمحنت کاسته **نثر** پس اول حضرت جانب مسجده
روان اولوب وارد قلده اذان اوقودی محراب طاعته کچوب نمازه طوردی ابن ملجم که
رفیق بلطریقیله خانه قطامده اولورلردی • اول ملعونه ایله یار دهلدم اد للدن هوای
مهر ایله حباب دار خرابه • وسودای زلفیله کمند کردار پیچ وتاب ده دوشمشلردی قطام بد
فرجام صلای اذان امامی کوش آندکده • ابن ملجم شقاوت سعاری بیدار • تیغ
خونخوارین • ولوازم سایرهسین احضار ایتدی • وابتدی علی تنها مسجده کلدی طورکانی
معهودی ادا ایله • بودرفراقه شربت وصاله دوا ایله • ابن ملجم تیغ خون آلوده سن

الوب جانب سجده روان • ومعتکفان مصلا میاننده نهان اولدی حضرت مرتضا
جواب مسجدی کشت ایدوب اوآی نمازایچون خواب غفلتده اولنلری بیدار ایتدی
وابن ملجم بدکرداری دخی دخول وقت صلاتدن خبردار ایتدی
امام مفضل اذان اوقردن اول اوچ نفر خارجی
شقاوت اثر سجده کلدیلر • رای وتدبیری بونک اوزرینه مقرر قلدیلرکه • شبث وابن
وردان در مسجدک هر بری بریانده طوره لر دخول امام وقوع بولدقده بنیان مبالی
قتاله الادره لر **القصه** امام المتقین اذانی تمام ایدوب درون مسجده روان او
اولدقده جانبیندن اول رلان حرب خطا ایدوب شمشیر تدبیرلری کار کیر اولمدی دست
تناری مقصد مقصود وصول بولدی • اول امام قبله کرامت محرابه کچوب نمازه طوردی
ابن ملجم شقاوت آیین سجده اولدده سر سعادت اثرینه بر تیغ سهمکین اوردیکه
روز حرب خندقده عمر بن عبدود اوردوغی زخم اوزرینه راست کلدی للاصفت
سر سعادت اثری یارلدی • کلکون خون میدان رخسارنده روان اولدی • ابن
ملجم بدکار نیم جان ایله کریزان اولدی • بو آتش بلیتک شرر شرر اثری میان شهرده
منتشر • وبو واقعه فاجعه نک خبر غم انجامی بین الخاص والعام مشهور اولدی بو مصیبت
فرقت غایت اقوعندن • وبو فرقت مصیبت نهایت شیوعندن • حسن وحسین الام
تاسف وتحیر • واصناف ناتم وتحسر برله غنچه جامه صبر وقراری چاک • ومثال کل عمامه
سکون واصطباری برخاک ایدوب سحاب ورعد کردار زار واشکبار کلوب اول امام قبله
ولایتی محراب اوکنده یتور کوردیلر • دامن کبی پر کرملرینه دوشوب کف پای طفلریه
بوزلر سوردیلر استماع ایدن سادات واعالی وعلما واهالی جمع اولدی دعاکویان
مخلص ورضا جویان متخصص برله مسجد طولدی **قطعه** افغان که راحت دل وارام جان
برفت • شاه زمان وقدوه خلق جهان برفت • شد جان محیط مرکز عالم زهر طرف
کان مرکز محیط کرم ازمیان برفت **نثر** اول حضرت فرق فرقد سانک دم سیالنی ردی
شریفه ومحاسن منیفه سوروب رسول خدایه وفاطمه زهرایه بو صورت ایله ملاقات

ایدرم وعموم حمزهٔ نامدار وبرادرم جعفر طیار حضورنه بو وجهله کیدرم دیجک
بو کلمات جکرسوزدن وبو مقالات حیرت افزوزدن فرزندان ودوستان عموم
موفور وهموم نامحصور برله دریای حیرته طالدیلر الماس مژکان ایله لعل مروارید
دلدیلر قطعه دلگر بو آتشیله سراسر کباب اولور جانلر اسیر سلسلهٔ اضطراب اولور
تشنکان بادیهٔ افتراقکه دریای صبر وجر تسلی سراب اولور نثر یاران مصیبت زده
وخلان صافی العقیده دن بعض ایلرو کلوب ای امام مظلوم بو قضای هجوم علاوفته
ظاهرنه مقول نامرد میشوم وناکس ضلالت مفهوم باعث اولمشدر دیجک بو فعل
شقاوت شعارک فاعلی حالا پردهٔ خفادن آشکار اولوردیو بیوردیلر فی الحقیقه
کوردیلرکه اول قصد ایدن شیشٔ واله وحیران وسراسیمه وسرکردان شرمنده ومتکلاه (?)
ایچرو کیردی حضور فایض النور مرتضایه ایردی ایتدیلرکه بو زخم قاتل وبو ضرب
جان کسل سنک دست اسا آنکه ایلرمی قوت دن فعله کلدی انکاره ذاهب اولمش
ایکن بی اختیار اقرار ایلدی همان دم خنجر انتقام ایله سینه سن چاک وجای قرارین مغاک
هلاک ایلدیلر قطعه بو دهره دیلور دار مکافات سزاسینه کوره اولور جزاسی
کشینک ینی خیر اولمیجه کلور باشینه فعل ناسزاسی نثر وابن ملجم بو الفضول الهذه کی
سیف مسلول برله مانند برق تابشتاب ایله کیدرکن همان قبیله سندن برپهلوان
نریجان (?) توان اردندن ایردی کریبان کبی بوغزین آلوب دست وکردن بسته
مسجده کیردی بیت عزم بی جا بادرکه دوتمشدر کریبانن یا خود موت مفاجا تلرکه
ایردی المغ جانن نثر حضرت امام رفق وملایمت وحسن عبارت ایله خطاب ایتدی
وایتدی یعنی ای مراد قبیله سندن اولان ایام خلافتمده وهنکام
امامتمده بندن برفعل منکر صادر اولدیمی که مشرب حسرتنک معبر ومرآت ضمیرک مکدر
اولمشاوله قطعه بونچه لطف وکرمدر بونچه احسان وجود افرین صد آفرین آنک خلق
شاننه خلق عالم بوینی نعلوقولی اوله یریدر لطفلر چون یاغا دیدی علاودی (?)
جاننه نثر ابن ملجم ایتدیکه ای امام سندن اصناف لطف ونعم وانواع احسان وکرم

معاینه

معاینه قلدم اما بیت نه انسانیت اولایسه قوسی ورا پردهٔ نسیانده قالدی
صحایف نعمتی جنابت طینتی دفعتیجه رقم کفران ایله مرقوم اتدی وامداد مرحمتی نسیا منسیا
حکمنجه کلیا اونتدی حق بودرکه هرکس احسانه لایق ولطفه مستحق دکلدر دهن افعیه
جبات طرزیسلر زهر قاتل اولور تیغی نه قدر صوارسه لر قان ایچمکه تشنه دل اولور
حضرت بیوردیکه پس نیچون اولاد واحفادم یتیملک دردنه مبتلا اتدک وجان
ناتوانکی بو مهلکه اوغرادوب سالک مسلک مراد اولمقدن سرکوب سرحد ضلالته کتدک
ایتدیکه اتق شر من احسنت الیه معناسی مصداق احوالم دکفران النعمه حرفی
جریدهٔ حالم اولدی پس اول حضرت ایتدیکه دست وپایینی مغلول ومجلسمک وثاقنده
محبوس اولسون مادامکه قید حیاتده یم اکل وشربین قطع اتمک سعادت شهادت
میسر اولنجق النفس بالنفس امریجه ضرب واحد ایله قتل ولوب امراجری بولسون
بیت زنفس ناپاک ودطبع منحوس بزندان شقاوت مانند محبوس نثر اول وجود
فایض الجودی بر کلیم اوزرینه یاتوروب جانبین دن حسن وحسین طوتوب سجده دن (?)
طشره چیقردقلری زمانده صبح صداقت عنوان کریبان دران عیان اولمشدی
جانب شرقه توجه اتدی وایتدی ای صبح صداقت شعار اول مکور اللیل والنهار
حقیچون که امر واجب الاتباعیله کلورسن وحکم لازب الاستماعی برله انقلاب ورسن
لحکمه قیامتده لوازم شهادتی ومراسم بنیتی برنه کتوررسن که صادق دم وخجسته
قدمسن اول جواندن بو دمه دک هیچ بر زمان اولمشمیدر که فرشک لنده یتورر
وجامه خواب غفلتده اویورلر ایسن اندن صکره سجده وارب ای کردکار زلی حمتا وی
طرازندهٔ کارکاه ارض وسما شاهد اول وکفی بالله شهیدا کرحیلکاه عقبی ده
پیغمبران عفت آیین وملائکهٔ مقربین حاضر وشهدا وصدیقین احوال پر اهوال
قیامته ناظر اولدقده شهادت ایدهسن شول زماندن که حبیبک حضورنده ایمان
کتوردم دفرمان لازم الاستماعن طیب خاطر ایله سرحد قبوله یتوردم احکام آیات
بینا ته واحادیث مفخر کاینا ته هرکز مخالفت اتدم دیجک بو مقال فرقت مالی کوش (?)

اندیلر خروش و فغانی ساکنان هفت آسمانه ایرکوردیلر بس اول حضرتی دعا
کبی ال اوزره طوتوب خانهٔ سعادت آشیانه سنه کتوردیلر بیت دریغ جون
تواماى دریغ جون توایری • برای ملک مشیری برای ملک نظامی ** دختران فاطمهٔ
زهرا و فرزندان علی مرتضانک • واصحاب شفقت شعارنک • واحباب صداقت دثارک
آتش غم وملال • ذنایرهٔ حزن وکلال برله کانون درونلری طولدی • دود
فغانلری کورهٔ خاکدن بوتهٔ افلاکه پیوسته اولدی قطعه شاید ار شور در جهان
فکنیم • غلغله در جهان فکنیم • رستخیزی زجا برانگیزیم • کر به بر پیر و جوان لکنیم
اشراف عرب • واعیان ذوی الحسب جمع اولوب جمشید خورشید سلطان هفت اقلیم
افلاک واللدن بونک کبی امام عالی مقام • دست خلافته ایق بیعت مشدر • و تیغ
صرامتی وکمان علالتی کنکرهٔ عرش شجاعته اقتحام مشدر • قواعد خلافت • داى اهات
فاسیله ممهد • ورکان امامت فکر منکل کشا سیله مشید ایدی • دیوب کاه فوارهٔ
دیده دن قطرات عبرات اقندیلر • دکاه کورهٔ سینه دن دود آتشباری صوب
سمایه پیوسته اتدیلر • امیرالمؤمنین پسران عالی کوهر • و دختران عصمت چادرک
بربرین بانته الوب نکین الکشترین کبی بغزنه باصوب جد بزرکوار کوز خاتمهٔ انبیا
ووالدهٔ عالی مقدار کوز فاطمهٔ زهرایه کیدرم • شولدم که مرغ وجان دطایر روان
حضیض جدوندن اوج عالم قدسه طیران ایده • بلی جزع وفزع مقتضیات قضا
وقدره • رضا ویرمز دیو تسکیلر دیردیلر • وحضرت خیرالانام • عالم صادنده غایب
اولوب آسمتین شریفلریله چهرهٔ مه اولان غبار سلوب یا علی عهدکده اولانی
یرینه کتور دیو بیوردیلر • بوحالت دلالت ایدرکه جسم کثیف چهرهٔ روح لطیفدن
رفع اولوب جلوه کنان منظر قدسیانه روان اولم بیت حجاب چهرهٔ جان
می شود غبار تنم خوشادمی که ازان چهره پرده برفکنم نثر مرتضی حضرتلرینه اولان
زخم هایل وضرب جان کسل ماه رمضانک اون طقوزنده واقع اولوب شهر مذکورک
یکرمی برنده وصیت نامه یزوب اهل وعیالی و فرزند و اطفالی برله ودع اولوب
بحجره

بنی حجرهٔ خاصه ایله دک • وقپوسنی اوسته بند ایدک • دیو تعیین اتدیلر بعد زمان در یا
حجره دن آوازهٔ کلمهٔ توحید اشتدیلر • شهزادکان معالی عباد بی اختیار قپوی
آچوب ایچرو کیروب کوردیلرکه • اول سلطان دار الملک خلافت • علم عزیمتی بو جهان
فانیدن رفع ایدوب عالم جاودانی ده نصب اتمش • بی حد وحشم سایهٔ ساطانی تفرج کاه
ریاض قدس تماشاسنه کتمش قطعه شهر بیست پر ز حیرت غم شهریار کو کار زیست پس
خراب خداوند کار کو هفت اختر و چهار رکن در مصیبت اند • واحسرتا خلاصهٔ
هفت وچهار کو • او روزکار دولت و روز امید بود • آن روز خوش کجا شد
ان روزکار کو شواهد النبوه مسطور ددر امام حسین روایت ایدر شولدمکه
علی عالی درجات وفات اتدی • پردهٔ غیبدن بر آواز کلوب ایتدی که جمله کوز
طشره کیدک • بو خلوت خانهٔ انسک جلیس بزه سپارش ایدک • طشره چقدوق درون
خانه دن بر صدا دخی استماع اولندی که • حضرت محمد بو دنیای بی بقادن انتقال اتدی
ووقتی فرمان بری دخی توشهٔ شهادت برله ارتحال اتدی • بعد الیوم نکهبان قلعهٔ
دین • وکافل مصالح مسلمین کم اوله کرک • بری دخی بنیلیکه هرکم که انلروک بی روی
اوله • وار وصاف جمیله لری انصاف بوله • پیشوای امت اولمغه لایق • و مقتدای ملت
دیمکه مستحق اولور • جون کفت وکو منقطع اولدی • وامر مخاطبه دمی و به نهایت
بولدی • درون خانه یه داخل اولدق کوردک که مهمات غسل متوفی اولمش • ولوازمات
تجهیز و تکفین نهایت بولمش روایت آخر امام حسین بیوردیکه هر نه دم جان لطیف
قالب کثیفدن جدا • وسفینهٔ حیات غریق بحر فنا اوله • کوشهٔ خانه دن کفن وحنوط
باهر اوله کرک • کفنلیوب تابوته قویوب میان خانه ده قویه سز • واولاد نوعالی
نژادم کتوررب علی الانفراد • بدر مهر بانلریله • وداع اتدرب غازم قله سز • ومقدم
تابوت زمیندن جانب سمایه رفع اوله کرک • اول حینده سز دخی ردنلرن قالدره
بر نه محله وارب قرار ایدرسه انده قیوب قازه سز • ساج اغاجلرن بر تابوت
اشکار اوله کرک • بنی اکا قویوب دفین مطهرهٔ خاک قلیز حضوص مزبور

١٦

شواهدده بو وجهله مسطوردر که اول مجنون ازهرین یعنی حسن و حسینه وصیت
ایتدیلر که بعد الانتقال بدن خون آلودمی بر سریر اوزرینه قویوب اطراف شهرده
عزیمت ناحیه‌سنه ایلتسز انده جرم قمر کبی نورانی بر سنگ سفید بدیدار اولسه کرک
بنی انده دفن ایده سز وصایای مرتضی مقتضاسنجه اول حضرتی شب دیجورده موضع
مذکورده دفن ایلدیلر مضجع منورین و مهجع معطرین زمین ایله هموار قلدیلر متون
تواریخده مسطوردر حالا بخلافه مشهوردر خلفای عباسیه‌دن هارون الرشیدک
زمان خلافتنه کلنجه اول حضرت معالی رتبتک مطرح خاکی معنبرین و مدفن تابناکی
مبین اولماشدی اتفاق بر روز سعیدده هارون الرشید ندمای خاصی و احبای
ذوی الاخلاصی ایله مجلس بزمدن هوای صید و شکار ایله دشت و هامونه عزم ایتدی
چون لاکون دراج و تیهودم سیال روباه و آهو بله سنگفارانی لعل بدخشان ایلدرک
ناحیهٔ عزیمه تیدی اطرافه نظر ایدب کوردیکه بر تل فلک رفعت و برپشتهٔ آسمان
هیات اعوان صحرا به ملجا دکر زکاه و بو جانوران ضعفایه مرجع و پناه اولمشدر اندم
قبل صید مقید اولوب شهباز بلند پروازک و شاهین شکار بازک و چرخ چرخ
رفتارک و سکان شیر شکارک و باجمله جوارح طیور شکار و جان آزادک قیود
و حبالن آلدیلر اول حیوان مسکینک اوزرلرینه صالدیلر نه تازیلر اول بازیلرده
تک و تازه پای قدرت بولدیلر و نه طیور شکاری اول فضاده اصطیاده اقتحام
قصدنه پر و بال آچغه قادر اولدیلر اگرچه اول پشتهٔ عالی همته برمدت کندیلر
بالاخره سکان دم غان هارب و گریزان مستقر خلافت پناهه عودت ایتدیلر
خلیفهٔ حمیده مآثر بو حال حیرت مآلی عادت مألوفهٔ مرغان و سکانه مغایر و نقیض
کوروب اول ولایتک پیره زال دهر کبی عمر دیده و آفتاب عالم آرا کبی جهان کردیده
پیرلریندن احضار ایتدی بو نه جای دلکشا و بهشت آسادر دیو استفسار ایتدی
بر روشن ضمیر و چرب زبان مانند شمع لسان روشن بیان برلا ایتدی ای امیر
المؤمنین وی خلیفهٔ روی زمین آبا و اجداد سالفین و اخبار و آثار مورخین

مقتضاسنجه

مقتضاسنجه عنوان فصل الخطاب خلافت و فهرست کتاب کرامت نقطهٔ دایرهٔ
معارف و مناقب علی بن ابی طالب حضرتلرنک مشهد تن تابناکی و مرقد بدن پاکی
بو مکان درر خلیفهٔ فرخنده فال قول پر حمیده خصالی گوش ایتدی بادهٔ محبت
مرتضوی خم درونده جوش ایتدی طایر روحی آشیانهٔ بدندن طیران ایلیجکدک
اول محل جنت مجلک کبک و تیهوسن و دراج و آهوسن بستهٔ فتراک ایلمکدن فراغت
ایتدی و هر سال علی الاتصال کلوب اول مقام واجب الاحترامی زیارت ایتدی اول
زماندن برو مشهد حضرت مرتضی اشتهار بولدی مطاف علما و سادات و کعبهٔ
آمال ارباب حاجات اولدی الغصه وقتی که حسن و حسین ابو تراب حضرتلرینه دفین
مطمورهٔ خاک قلدیلر دو دست حیرت ایله گریبان صبری چاک ایلدیلر سحاب
کبی شکفته ن و باد شتاب کبی افغان و خیزان عودت ایدب کلورکن قرب
شهره یتدیلر ناگاه بر ویرانهٔ محنت آباددن فریاد جانکاه و صدای ناله
و آه گوش ایتدیلر سرعت تام ایله محل مرقومه ایرب کوردیلرکه بر بیمار شکسته
بال و بر ضعیف بی مجالدرکه چهرهٔ عافیتنه غبار تغیر قونمش و امراض عارضه
مطلب
دن برگ خزانه و آلام ممرضه دن رخسار گلناری زعفرانه دونمش کثرت تب
بر تابدن بر مرتبه ده ضعیف اولمش که اخوان پهلوسی ماه نو کبی چنبره دن
کورنوردی و قلت خورد و خوابدن بر درجه ده نحیف اولمش که ذی روح ایدوکی
نالهسندن بلنوردی بیت الف قدی الکلشح اله دونمش نحافتدن وجودی
ناله دونمش تن لاله کبی داغ بیلد نمش و آب کبی طراق دوشمش غمدن عیزی گکسار
و معدن اورکه همدم و یاری یوغ ایدی حال زارنه و چشم اشکبارنه ترحم
ایدب ای ذلیل بیغولهٔ محنت وی علیل بستر مشقت کم سن نه یاردن کلدوک
و بو کنج عزلته ندن دوشدک و تاب تب هجرانه ندن یاندوک توتشدوک دیدک
بونلردن بکا توجه ایتدی دهزار نالش ایله ایتدی بن دردمند زار جاندن و جهاندن
بیزار یار و دیاردن دور و شهر و شهریاردن مهجور بو فقیر ناکزیر دربدر

دکیرم کہ تقلب سپهر دوندن ایله بو حاله ایردم ورنک نیرنک چرخ بوقلمون برله
بو صورته کیردم بیت عزب اولالی نجه صورته قویر چقر زمان منقلب کائنات
بوقلمون شعر ایتدیلر که سن بیمار دلفکاره کم تیمار ایدر ایتدی بر بیل درکه بو ویرانه
ده ساکن و بو غمخانه ده متمکنم بر مرد صاحب فلاح هر صباح مانند مهر جهان آرا
اوزومه کلوردی پدر مشفق و مادر موافق کبی تفقد خاطر و تعهد ضمیر فاتر قلوب
شفقت و مرحمت ایله تیمار ایدوب غمخوار اولوردی بلمزم موانع روزکاردن نه
واقع اولدیکه اوج کوندر مقدم هما بو نیل شرف اولمغه مانع اولدی بن مستمند
دلفکار سرکردان وزار کرداب حیرتده حیران قالدم کشتی خاطرم عمان افزانه صالدم
بیور دیلرکه نجه نامله موسوم در و نه مقوله اسم و کنیت ایله معلوم در ایتدیکه بلمزم
دیدیلرکه هیچ سوال ایلمز میدک ایتدیکه هر اندم استفسا راقسم اسم و شهرتم نیدر سن
و نام و نشانم نه صوررسن بن سکا اندوکوم خدمتدن مراد شهرت دریا دکلدر
بلکه رضاء خدا و حسن جزای خالق ارض و سماء در دیر ایدی بیور دیلرکه چهره حالی
و حال جالی و رنک رخساری و حرکات و رفتاری نه یوزدن ایدی ایتدیکه
دیده لوم چشم نرکس کبی بی نور دیجر و کور مادرزاد اولدیغمدن ادراک الوان الغیوب
روز روشن و شب تار بالمره برابر در بیور دیلرکه باری کفتار و کردارندن
و علامات و آثارندن خبردار ایله ایتدیکه تحمید رب العباد و تمجید ملک جواد ایله
هر ان رطب اللسان ایدی و درود بی عدد ایله ارواح ذوی البهیه همزبان ایدی هر نه
دم که آه ایدیدی زمین و اسمانه لرزه دوشردی و شول زمان که وعد و وعید الهی
سخن ساز اولیدی عنان طاقت دست تداركدن کوردی و حضور سعادت موفوری
ایله کلبه تاریکی پر نور اتدکجه بن ناتوانک غمنی یورلردی مسکین جالسی مسکینا و غریب
جالسی غریبا ادا سیله خاطر سازلق و غریب نوازلق ایدرلردی امامان سعادت
عنوان بر برینه نکاه ایتدیلر و حسرت ایله جانکاه الم ایتدیلر کریه و آه ایدوب
ایتدیلر بو نعمت نجسته مآل پدر مز علی مرتضی نک کلستان اوصاف جمیله سندن

برزهره

بر زهره و عمان اخلاق جزیله سندن بر قطره در اول پیرا تیدی که عجبا نه باعث
اولدیکه اوج کوندر ناپیدا بیور دیلرکه بر بد بخت نک زخم تیغی واسطه سیله طایر
روح مروحی حضیض اشباحدن اوج زروه ارواحه پرواز اتدی و رخت قابلیتی
نزهت خانه دنیادن منغوت سرای عقبایه اپلتدی حالا مشهد جنت آسا
و مرقد معطر الارجا رندن کلورز بر ناتوان استماع اتدکده بو نه لطف بلیغ
و احسان بی دریغ درکه علی ولی و وصی نبی بن ضعیفک عیادت عبادت نقشی
ایله خاطر کسیرین رعایت ایلیه و هر جهد و شتم تیا الدوام کلوب خدمت ایلیه دیوب
ابر صفت سرشک فشان و رعد مثال ناله کنان اشک دیده کبی خاکه غلطان اولدی
اول مخدوم ملر بر ناکزیرک و خزیر ردش ضمیرک غم و محنتی والم و مشقتی کوروب
تسلی یوزندن بیور دیلرکه بو مصیبت مولمة الفواد و رزیت مذوبة الاکباد و
قو عندن آتش حزن و غم و نایره اندوه و الم کانون سینه اشراف بنی آدمه
بالتمام اهالی عالمه سرایت ایتمشدر بیت که میتهد اندر سرای کون و مکان که بازه
روی براه عدم نمی آرد بو کلزار کاه حرص قیدر بونده شمع مراد افروخته قلمق
میسر دکلدر و بو کرداب سیل بنیاددر بونده خانه بقا بنیاد اتمک متصور دکلدر
بو واقعه پیرا خوان اول قبیله دن دکلدر که بکا وعویل ایله مدت طویل تمام اوله
و بو فرقت بی درمان اول جبله دن دکلدر که ناله و آه و کریه جانکاه ایله الی غایت
الازمان و نهایت و پایان بو له دل بی ارام حیراندر بو ماتک المی نیجه زبان
ایله بیان ایده و جان مستهام سرکرداندر که بو مصیبتک محنتی نه اصل عبارت
بر له عیان ایلیه لاجرم بو دردده صبردن اوزکه درمان و تسلیم دن غیری امکان
یوقدر بیت کل کلزار صبر رنکیندر میوه شاخ صبر شیریندر دیوب خامه کبی کوکل
اله الدیلر و خاطر پژمرده سن یازدیلر بر روشن ضمیر هزار روزه زاری ایله
برندن قیام اتدی و انواع نالش و سوزش ایله ایتدی ای مخدوم زادکان عالی
مقدار بحرمت تربت سید المختار نیچون اقتاب حل تا نه یعنی منبع علم انضایه

ایلدک نه الحال ان آکوب عزیمت اتدیلر باد وزان کبی آز زمانده تربت جنت رتبته التدیلر پیر نحیف مرقد شریف اوزرینه خاک مزارکبی دوشوب وجه توجهین درکاه قاضی الحاجاته دوتوب وجبین تضرع بارکاه سمیع المناجاته قویوب ای آفریدکار کون ومکان وی پروردکار انس وجان بو خاک پاکده مدفون ویومرقد تابناکده مکون اولان سعید مهمومک وشهید مظلومک میدان بلاده دم مسفوکی وخون ناحق ریخته سی عزتنه وخجا نه حقیقتده جام محبت حرمتنه چشم اشکبارمه ترحم وحال زارمه تعطف وتکرم ایدوب بنی مقام شرف نصابده خاک ایله ع قدر له منزلی ذروه افلاک ایله که افتراقنه اصطبار دایره امکندن بیرون واشتیاقنه تحمل قدرتی قدرت بشریه دن افزوندر دیمک تیر ماحول پیر مصادف هدف تقدیر واقع اولوب تمام دم کمال سهولت ایله بی باک مسرور وطربناک جان ویردی امامان شفقت عنوان تهمت مینی موفی تلکوب کندو اللریله حضرت مرتضانک ایاغی دبنده دفن ایتدیلر حزن تاره وغم بی اندازه ایله مقر سعادتلرینه کتدیلر بیت ذره ایرشدی مهر تابانه قطره اولشدی بحر عمانه نظم ناظمان جواهر روایت وجوهریان بازار حکایت ایدرلرکه در کرانمایه عمر امیر المؤمنین سلک حیاتده التمش ایکی یاشنه یتمشدی وبعضیلر بوندن دخی تجاوز ایتمش دیردیلر اما اشهر روایت اولدرکه تحریر اولندی خطیب منبر روایات وواعظ کرسی حکایات بو نوعله تقریر وعیان وبو اسلوب اوزره تفسیر وبیان ایدرکه وفات حضرتدن صکره امام حسن مسجد کوفه ده منبر فلک رتبته عروج اتدی طلاقت لسان وفصاحت بیان ایله بر خطبه بلیغه اوقویوب ایتدی ای امت هدایت قرین وی ملت اطاعت آیین هرکم بنی بلدیسه بلسون وجبیرد اکاه اولسونکه جدعالی شانم اول رسول عالی درجات ورسول نبی امی با مر المعجزاتدرکه الزام ارباب کهانت وتشریح صدور اصحاب ضلالت ایچون محل امیتنده بر الف دن اکی نون ظاهر ایتمشدر وانامل مکرمت شمایلندن ینابیع زلال اقتشدر وجذبی مسمومی زبانه واصوبی دشتر نطق وبیانه کتورمشدر زینت تاج مباهای کوهم

لولاک

لولاک وطراز خلعت تشریفاتی سوره انا اعطیناک سواد سایه چتر رفعتی سرمه چشم خورشید وغبار موکب همایونی اکسیر سعادت جاویددر مثنوی اودر خورشید کردون رسالت اودر ناهید افلاک نبوت براق برق پا در زیر رانی بلوت باشی اوجنده سایبانی جمالی مشرق شمس سعادت مقالی مطلع شه بیت دولت غ سیاه وسفیدی واحرار وعبیدی جاده هدایته دعوت ایلدی وپدرم مهربانم جمله نامه وکافه انامه رهبر اولوب کال اخلاص ایله امامت وخلافت ایلدی بن دخی بقدر المقدور صرف میسور قلوب بر طریقه رسول خدا وعلی مرتضی ارباب دینه واصحاب یقینه وبالجمله قریب وبعیده واحرار وعبیده سردار وپیشوا ورهنما ومقتدا اولورم ابن عباس فضیلت لباس حقایق شناس برندن قیام ایدوب ای جماعت عالی همت بو مخدوم خجسته خصلت خلاصه خاندان امامت ونقاوه دودمان کرامتدر وبی روشن سنیه حضرت مقدس نبوی ومحیی شجره مرتضویدر فرمان واجب الاذعانه اطاعت وامر قدر عنوانه انقیاد ومتابعت سرمایه فتوحات دوجهانی وپیرایه راحت وکامرانیدر بلا واسطه نیل مطالب ورابطه مقاصد ومآربدر دیدیکده جمله سمعا وطاعة دیوب اول مرشد طریق هدایتدن ال الوب بیعت ایلدیلر ودرتجه متابعت بیون ویرب حسن فضایله اطاعت ایلدیلر پس زمانه ادم کوندروب قاتل مرتضای کتوروب بوینن اوردیلر واحراق ایدوب کولین کوکه صاوردیلر مثنوی روزکار آسا اولورسک روزکار اخری ویررسزاکی روزکار ایتدوکی یانده قالمزادمک بویله در آیین رسم عالمک

التنجی باب امام حسن عالیشان البسه الله لباس الغفران حضرتلرینک زمان ولادتندن اوان شهادتنه دک بعض فضایل علیه سی بیانندهدر

شواهد النبوه ده امام حسن حضرپرور ثانی ائمه اثنی عشردر کنیت شریفی ابو محمد ولقب منیفی سید وتقی در تار بود وجودی ادناس ردیه دن منقی در مولد شریفلری مدینه رسولدر سنه ثمان رمضانک نصفنده

غرف دار السرور ادواحدن • شرف دار السرور اشباه نزول ایلدی قطعه
مهی کشت از فلک طالع که پیش طالع سعدش • کمر چون ناتوانان بست خورشید جهان
آرا • فلک تا مهد اطفال ملک را ببیند هد جنبش • نخوابانید ازین ماهی درین گهوارهٔ
مینا غمر نام نامیسی جنت حریرلرندن • برقطعه حریره قیلادنمش • جبرئیل امین رسول
رب العالمین • حضرتلرینه هدیه کتوردی صحیفهٔ لعقیه ده • اسما بنت عمیس دن
منقولدر • ایدر که فاطمهٔ زهرانک قابلهٔ سیدم شول دم که اول غنچهٔ چمن ولایت گلشن
عنایت واهب العطایا ده نسیم فبشرناه بغلام حلیم برله شکفته اولوب شمایم
بشارتی مشام سید الانامه ایردی • فی الحال قدوم شریفلرینه مشرف ایدب ای اسما
فرزند ارجمندم کتور کوره یم دیو بیوردی • شقهٔ زرد اندود افتاب کبی برکرباس
زرد خامه حرقه‌سن یانه قودم ایتدی که من بعد بنم اولادمی صاروبه مقدن
حذر ایده سز همان ساعت بیاض بیره صفت • برکرباس سفید کتوردم اول حدقهٔ
چشم نبوت لحاف ایدب دست معجز نشان خاتم انبیا یه ویردم • اول حضرت الوب
اذن یمینینه اذان اوقویوب یمین یسارینه قامت کتوردی • نام شریف عنوانی
نه قودوکوز دیو حضرت مرتضادن صوردی • سز دورر کن بز نه آد قویوب تسمیه
جرأت ایده وز دیجک فخر الانبیا • صلوات الله علیه مادامت الارض والسماء • ایتدی
بن دخی خالق الاسمادن مقدم تعیین اسمه جسارت ایده مزین • فی الحال
جبرئیل وحی رسان مانند رحمت رحمان نزول ایتدی • وایتدی ای رسول خیر البشر
حضرتک سکا سلام ایدر • وایدر که علی مرتضی سکا موسی قاتنده هارون منزله
سنده در اما سندن صکره پیغمبر اولمز • زیرا دولت ابدیهٔ محمدیه نک افتاب
کمالنه زوال حول بولمز • پس دل پیر هارونک اوغلی اسمیله مسمی دلسوزیک ای برادر
انک اوغلی آدی نه ایدی ایتدی که شبر • بیوردیکه بزدوم لسانمز عربی • انلرک
زبانی عبری • شبرک معناسی حسن دیمکدر • نام شریفی حسن قویوب یدنجی کونده
مولود مسعود ایچون اکی کبش املح که بیاضی سوادندن ارجح در مذبوح قیلوب

عقیقه

عقیقه سنتی اجرا اتدکدن صکره سر سعادت اثرلرنده اولان موی مادرزادی
تراش اتدیلر • وموی مشک بویی تراشیدهٔ سیم خالصدن ایدب حجمنک اولان
سیمی مستحقنه صدقه ایلدیلر • امام حسن قمر طلعت بحسب صورت وسیرت شبیه حضرت
رسالت ایدی بیت خوش بهره اولوب شاه جهاندن • بکزردی رسوله هر جهتدن •
بعض روایت واردر اولشدر که حسن تقی وجیه وحسین نقی نجیبه جد جلیل المقدارلری
احمد مختاره شبیه ایدیلر • حضرت حسن فرق فرقدساییدن ناف نافه کشاسنه دک •
وحضرت حسین سره سمن سیماسندن پای عرش سیماسنه دک • بو دجهله اول حسن ارباب
حسن وجمال • واکمل اصحاب لطف واعتدالک مماثلهٔ جدلرینده مقاسم ومشاکلتی
کالبد لطیفنده مساهم واقع اولمشلردی • امام حسنک حسن وصورتنه وبدیع الجماله
وهیئت وقامت لطیف الاعتداله نظر ایدنلر ماهذا بشرا دیرلردی واخلاق حسنه
سن مشاهده ایدنلر ان هذا الا ملک کریم دیکی دلده تکرار ایدرلردی بیت
آب وکلدن بویله صورت کسلر کورمش دکل • جان ودلدن طینتی کویا مخمر قلدیلر •
امام حسندن منقولدر • حضرت رسالتک مرض موتی زمانلرنده موتی زمانند فاطمهٔ زهرا
بنم وبرادرم حسینک الن الوب حضور حضرته ایلتدی • وایتدی لهذان ابناک
فورثهما شیئا اول حضرت بیوردیکه حسن بنم هیبت وسیادتمده بهره وردر • وحسین جود
وشجاعتمه مظهردر • امام حسنک انوار مکارم اخلاق مصطفویه مجاری احوالنده معاین
وآثار راشدهٔ جود وشجاعت مرتضویه مجالی افعالنده کون کبی روشن ایدی صحیفهٔ
رضویه ده مسطور وصحیحین ده دخی مذکوردر روایت ابن عازب مقتضاسنجه سر
حلقهٔ سلسلهٔ نبوت یعنی حضرت رسالت حسن معالی رتبتی بر دوشن ایدب ایتدی •
اللهم انی احبه فاحبه یعنی ای خداوند بن بو جنابی سورم سن دخی حفظ ایلده
مقرب ومحبوب اولان اجابه کرامکدن محبوب قل ابو هریره دن منقولدر که ایدر ایکی
بن اول صاحب فخر جلی حسن بن علی حضرتنی کوردکجه انک لقای دلکشای بهر نوری
سروری ایله اشک فرح چشملرمدن روان • وصفحهٔ رخسارم اوزره دوان اولوردی

شول سبیدن كه بركون قافله سالار كاروان اخیار ۰ وصاحب عبا ز نقود اسرار ایله
قینقاع بازارنه كیتمشدك ۰ دونوب كلدوكمزده سجده كیردك حضرت بیوردیكه بكم بونده
بیدر چانوك كلسون ۰ نیچه ساعتدن صكره حسن چیقه كلدی ۰ اول حضرت هزار عزت ایله
قوجاغنه آلدی ۰ امام حسن ایكی قولارین شال لعال كل مبارك بوینه صالوب حقه
یاقوتنی رسول درج جوهر جبروت اوزره وضع اتدی ۰ یعنی شهبا زاوج نبوت اول
بچه حمامهٔ حرم فتوتك آغزین آغزینه دیرب ایتدی اللهم انی احبه فاحبه مفخر الاخیار
والابرار شیخ فریدالدین محمد عطار كل وهر مرتام كتاب معارف نصابنده كتورمشدر
مثنوی امامی كو امامت را حسن بود ۰ حسن آمد كه جمله حسن ظن بود ۰ هم حسن وهم خلق وهم
حلم ۰ هم لطف وهم جود وهم علم ۰ شب از موی سیاهش تیره مانده ۰ ز روی شاه روشن
خیره مانده ۰ لبش قایم مقام حوض كوثر ۰ كه بودی چشمه نوش پیمبر ۰ چنان نوشی بزهر آلوده
كردند ۰ دلش خون وجگر پالوده كردند ۰ ز زهرش چون جگر شد پاره پاره ۰ ز غصه
كشت خونین سنگ خاره ۰ نثر سنن ترمذیده محرر در ابن عباس رضی الله عنهما روایت
ایلر بر كون حضرت خیرالانام ۰ حسن فرخنده انجامی كتف یمین میتمننه بندرمش ایدی
بر شخص نعم المركب ركبت یا غلام دیو خطاب اول حضرت بشاشت تام ایله نعم الراكب هو
دیو جواب ویردی شواهد النبوه ده مسطوردر بركون حضرت رسول امام حسینی دوشی
شرفلرنده كوتوروب منبر عرش رتبته عروج ایتدیلر ۰ گاه حسن حسنه بقردی ۰ وگاه خلقه
نظر ایدردی ۰ وایدرلردی بنم بو فرزندلرم ارجمندم ۰ برسید دركه یقین ده خدای تعالی
طایفه مؤمنان دن ایكی كروه پر شكوهی بونكه واسطه سیله اصلاح اتسه گرك در ۰ مناقب
پسندیده لری حقنده احادیث صحیحه بی حد ۰ واخباری صریحه لا یعد در ۰ علوشا نلرینه
هما ریحانتی من الدنیا حدیثی كافی در ۰ وشمو لكا نلرینه الحسن والحسین سیدا شباب
اهل الجنه خبری وافیدر ابوالفضل بن حسن طبری اعلام الوری نام كتابنده
ابن عباسدن نقل ایدر بركون مجلس شرف قرین سید المرسلین ده حاضر ایدم فاطمه
عفت آیین ۰ دیدهٔ نمكینی ایله كلدكده رسول رب العالمین موجب گریه وملال و

حزنا

حزن وانفعال ۰ ندر دیو سؤال اتدی ۰ ایتدیكه حسن وحسین حجره دن چیقوب كتدیلر ۰
بلمزم نه مكانی مشرف ایتدیلر ۰ كمسنه بو قدر كه ار دیكه كوندرب ۰ جست وجو اتدرم ۰ اول
حضرت خطاب ایدوب ای دختر فرخنده مآثر ۰ خاطر دریا مقاطرك كرد ملال وضمیر خورشید
تنویرك غبار انفعال طاری اولمسون ۰ اول ایكی طفل نازنینی ومهپارهٔ زهره جبینی ۰
شبستان عدمدن شهنشین ایمان وجوده كتورن ۰ خدای اكرم انلره سندن احق
وارحم در دیوب ۰ دست نیازی درگاه بی نیازه طوتوب ۰ خدایا اگر محی صحراده در
سواد اعظم معافاته ۰ واگر قعر دریاده در ساحل سلامت انجامه ایرشدر ۰ دیو نالش ده
ایكن جبرئیل نازل اولدی ۰ وخطاب ایدوب ای نبی رسالت پناه ۰ وی رسول شفاعت
دستگاه ۰ دیدهٔ خاطرك غبار ملالدن خیره ۰ وسپهر ضمیرك غمامهٔ غمدن تیره اولمسونكه
انلر دنیاده وعقباده مكرم ومبجل ۰ وذات قدسی الصفات سمی السماتلری ابنای روزگار
اوزرلرینه مفضلدر ۰ وانلرك پدر معتبر عظیم المرتبه لری كنلدار دن افضل در حالا
حظیرهٔ بنی نجارده دورر لر فرمان یزدان ایله ۰ ایكی ملك حارس نگهبان اولمشدر ۰
اول هما سایه وهمای پایه لرك حراستی امرنده مقدار طرفة العین تغافل اتكی روا كورمزلر ۰
واوزرلرندن قوش اوچورمزلر دیجك حضرت فخر الانام قیام ایدوب محل معهوده خرام
اتدیلر ۰ بن خاكسار دخی اول نورانی سایه نك ۰ واول سرو عالی پایه نك فی زوال
مثال اوكنه دوشوب بیلكتدم ۰ بعد یقین ایله نظر اتدم ۰ كوردم كه اول ایكی فاخته
كلشن نبوت خوابه وارب بر مكان خرم آبادده یتمشلر ۰ بازولرین بربرینه طوق
كردن ایتمشلر ۰ ملك حارس پر باقونیك بر نی بدن لطیفلرینه التنه فرش اتمش
وبرین اوزرلرینه طوتوب ۰ ملك موكل دخی حسن عالی رتبتی كوتروب مستقر رسالته
روانه اولیجق معاینه قلنلر اكیس دخی حضرت خیرالبشره كتوردی تصور اتدیلر ابوایوب
انصاری علیه رحمة الله الباری ۰ ایلروكلوب ایتدیكه ۰ ای مفخر ابرار اكیسندن برین
بكا ویر تا كه سبكبار اولسز ۰ اول حضرت ویرسوب بونلر حقنده صدور بولان انعامات
جزیلهٔ ربانیه نك شاكری ۰ واكرامات جمیله سبحانیه نك ذاكری اولوب مظهر الطاف الهی

ومنظر اعطاف ناحتناهی اولد قلرندن برذره عیان و برشمه بیان اولنسون دیو
خطار مجلسه خطاب ایدب ای اصحاب اولی الالباب وی احباب سعادت نصاب
جد وجده و پدر ووالده وخال وخاله وعم وعمه جهاتندن اشرف ناسن واکرم اناسن
کلوردن سزه خبر دار ایدیمی دیجک احسان ایدب مشرف ایلک دیدکلرنده ذوی الاحساب
والانساب حسن وحسین معالی نصاب درکه جدلری رسول خدا وجده لري خدیجهٔ کبری
ووالده لری فاطمهٔ زهری وپدرلری علی مرتضی وخاللری قاسم بن محمد وخاله لري
زینب بنت رسول مجتبی وعملري جعفر برادر اسد الله الغالب وعمه لري امهانی بنت
ابی طالب در مثنوی بریسی نور دیدهٔ نبوی بریسی شمع جمع مرتضوی بریسی مهر اسمان
جمال بریسی ماه برج حسن وکمال اولمش رخلریله تابنده تللریلر مهر وماهی شرمنده
رتبت قدرنه بیتر بوکواه جد اوله انلره رسول الله امام حسنک وصف مکارم اخلاق
ومراحم اشفاق مثال عین افتاب اقطار وامصارده ظاهر واشکار اولمشدر ووفور
کراماتی وخوارق عاداتی مانند فیض سحاب بسیط غبراده اشتهار بولمشدر اول
جملهدن بری برکون اولاد زبیر ایله عمره اولوب سفره کتدیلر ناکاه سوق راه ایله
بهشت اسا بر خرماستانه یتدیلر بو سهی نهال وصل جانان جان فزا ونسیمی کلعذارلر
طره سی عطر سایدی بیت خاکی مسک وعبیر کبی لطیف آبی عبیر عزیز کبی روان
حضرت امامک بساط سعادت انبساطن وفرش امامت مناطن بر درخت تحتنه
ایلدیلر انک مجاورینده اولاد زبیره بیر اندیلر کجوب مقاملو مقامنده آرام ایلدیلر
اثنای کلامده ای امام طوبی خرام کاشکی بو نخلهٔ خشکه طراوت ونظارت ایریدی
بامر قادر کمال تازه خرما ویریدی دیجک اول بندهٔ خالص فتح ابادی فلاحی
ایدب صوب سمایه نظر اتدی واتیدی ای دانای ضمایر دی علام سرایر بر قادر سن
کوزنین خشکدن کل وغنا وخاردن خرما بتورر سن ونجم اخضردن نار ومجره
حماددن انهار وزنبور پر نیشدن شهد شفا بخش خوشکوار ظهوره کتورر سن ودهر
شب بحر اخضر آسمانده صد هزاران هزار نیلوفر تابدار هویدا ایدرسن وحلایق

پر ازنار انجمنده عقد ثریادن شکل خرما پیدا ایدرسن مثنوی احسانک ادنیجه خاک
تیره برلحظده بنجه کل بتیره اجسام رفاته جان دیررسن اموات نباتی درکوررسن
حکمتلرکک نهایتی یوق قدرتلریکک بدایتی یوق نثر ماموا درکه نهال توقعک
نتیجه سی وشجرهٔ تضرعک ثمره سنی ظهور ایدب بو درخت پوسیدهٔ منور ومزهر وسر
سبز ومثمر اوله فالحال بقدرت ملک المتعال برله اول نخلهٔ خشک نخل بزم آرا کبی طونانوب
تازه یمش قلروبردی وثمر طراوت اثری ظاهر اولوب کاله ایردی محلی مرقومده حاضر
اولان شتربانلردن بر بدنهاد وکافر اعتقاد بو کرامتی سحر وکهانته حمل ایدوب
عنادا ایتدی امام مسیحا دم وخضر قدم مکر وفسون وسحر وافسون دکل فرزند رسول
ظاهر اولمش دعاسی مقبولدر دیو جواب ویردی القصه اول رطب رطبی بربره دیوبلر
تقسیم ایدب کاربان خلقنک هر برینه حصه ویردیلر اول خجسته خصالک وفور فضل
وکمالی متون دفاترده مسطور ومآثر مجد وجلال بطون صحایفده مرقوم ومزبوردر
بیت زهی حسن وزهی فضل وزهی علم زهی لطف وزهی خلق وزهی حلم / مناقب مفاخر
امام ستوده مآثر تقریر ایله نهایت وتحریر ایله غایت بولمز مثنوی شو سوزکم جلد
سوزلردن حسندر سزای وصف اخلاق حسندر سوزک اخلاقه اولورسه برابر کاهی
وصفنه ابر برادر اولنجه دم اولور اولسی بخندن خلاص اولمایسن نعت حسندن
نظری یوق دلیم اولوردی ای دل چیننی بولمسیم اکا معادل ناظم مناظم اخبار وناقل
تراجم اثار فراید خلافتی رشتهٔ بیانه ومروارید امامتی سلک عیانه چکوب
جوهریان جهانه بو یوزدن عرض ایتدیلرکه حضرت علی وفات اتدوکی کیجه تک اتردیکی
علی الصباح که مختر ایات نور ومظهر تجلیات دیجور یعنی آفتاب جهان تاب کرسي
چهار پایهٔ افلاکه صعود اتدی واعظ کرسی کرامت امام خطهٔ خلافت امام حسن
خورشید منزلت دخی منبر فلک رتبته عروج ایدب کمال فصاحت وحسن بلاغت ایله
ایتدی ای جماهیر ملت نبویه وش عبرات مصطفویه ضمایر الهام مظاهره کوزده
مخفی ومکنون ومستور ومصون قالمیه که بو لیلهٔ شریفه ده مابینکزدن بر مرد عالیجناب

معالی انصاب مانند آفتاب نورانی حجاب زوال بولوب فنای دار فنادن
صفحهٔ سرای بقایه انتقال ایلدیکه شبستان ایوان توحید اکی مشکات ضمیر منیرندن
روشن وریکستان بیابان تجرید قطرات ابر خاطر خطیرندن کلشن اولوب کنجور
کنجینهٔ لطایف وناطور حدیقهٔ معارف مخصوص منقبت ویؤتون الزکوة وهم
راکعون ومنصوص موهبت ولاخوف علیهم ولاهم یحزنون ایدی باب افادت
مآبی قبلهٔ اصحاب علم وعمل وکعبهٔ صفا دیدار ارباب نحل زبدهٔ دودمان ولایت وکرامت
وقدوهٔ خاندان معرفت وهدایت ایدی مبادی خلقت آدمدن شمدیه دکین
متقدمان جهاندن مثلی کورلمش ونه متأخران زمانه کورمک میسّردر بو فلک
دوّار مهر ومه مشعل چراغلر یقوب زمین وزمانی بلکه جمیع کون ومکانی جست وجو
اتسه اول حضرته شبیه ومماثل ومانند ومعادل بولنمق غیر متصور در بو تنکنای
غرور وشرور دنیادن سرای سرور پر نور عقبایه بر لیلهٔ مبارکه ده ارتحال ایلدیلر که
حضرت موسی بن عمران علیه الصلوات الرحمن اول کیجه ده بو خاکدان اکداردن دار
القراره کتمشدی وهم عیسی بن مریم صلی الله علیه وسلم بو شب مکرمده چارم طارم افلاک
عروج اتمشدی زمان سعادت نشانده اعلام اسلام مرتفع واعداد ضلالت
مندفع علایم ظلم وبدع منطمس ومعالم مکر وخدع مندرس ایدی بنم دخی قاعدهٔ
سابقه مخالف افعال نامرضیه صدورنه وشرع قویمه مغایر اوضاع ردیه ظهورنه وبالجمله
حدود الله دن تجاوز وتعدی ومقتضای رضای حق جل شانه دن اول امره تصدی
اولنمغه رضام یوقدر سبزدن که اندی جم غفیر وجمع کثیر قلادهٔ متابعت امام واجب
الاحترام ایله متقلد وجبهٔ پر بهرهسی غرهٔ صباح مطالب ورقبهٔ مطاوعتی شاخ
مقاصد ومآرب بلوب سعادت متابعت ایله مستسعد اولدیلر واطراف ونواحی
وقرا وصواحی دن فرق فرقه قریب آدم کلوب عتبهٔ سعادت بخشه وسدهٔ ثریا
نقشه عرض اختصاص ایدوب مطیع ومنقاد اولدیلر ودست عبودیت ایله خوصلا آنده
متعرق اولوب شرف بیعت ایله امتیاز بولدیلر وقتی که علی مرتضانک شهادتی

واهالی ولایتک امام حسنه متابعت ومطاوعتی وبالجمله اقلیم امامته والی وخطهٔ
خلافته مستولی اولدوغی اخبار منقضهٔ سامعهٔ حاکم شامده جلوه کر اولدقده قتل
مرتضایه دلشاد وامامت حسن مجتبادن پریشان نهاد اولدی وسفینهٔ سینهٔ
آب خشم وکینه ایله طولدی ارکان دولتی واعیان سلطنتی جمع ایدوب ایدیکه
حالیا علی بک بنا حیاتی صدمهٔ جامدن انهدام بولمش اوغلی حسن پیشوای زمرهٔ
مؤمنین ومقتدای فرقهٔ مسلمین اولمش شویله که بر مدت حاکم خطهٔ خلافت
وسجاده نشین محکمهٔ امامت اوله طلاقت لسان وعذوبت بیان ایله اکابر واعیانی
واشراف اهالی بلدانی کندویه اویدروب تابع مطلق ایدر بلکه رقبهٔ کردن کشان
جهانی طوق عبودیت ایله مطوق ایدر اهل هلال دولتی روز بروز اوج کماله ارتقا
واختر اقبالی ساعت بساعت آفتاب مثال استیلا بولدین آیین قلقای اولیای الرحمن
وقوانین خواتین ذوی الحرمن رعایت ایدوب بر تدبیر اصابت پذیره وبر تدارک
بی نظیره شروع ایده لم که مدت قریبه ده نظام اموری مختل وصلاح حالی مختل
اولسون واقطاع ملکدن حکمی انقطاع بولسون شویله که بو حادثهٔ غیرت انکیز
دفعندن سبک خیز اولیوب سمند نهادن واهاله کندو المزله تخریب ایوان ایالتمزه
ساعی وهدم بنیان جاه وجلالتمزه داعی اولمش اولورز دیوب میدان وزره
ذو الجلال حفظ تبادر ولایت وضبط معابر مملکت ایچون ادملر تعیین ایلدی
واطراف وجوانبه علی الاستعجال اولاقلر پراکنده ایدوب عظیم جمعیت اتدی آخر التمش
بیک نفر عسکر ایله ضبط ممالک ایچون عراق عرب جانبنه عزیمت اتدی امام حسن قضیهٔ
نامرضیه دن اکاه اولیجق تیقظ تام وانتباه تمام ایله تهیهٔ اسباب سفر وتعبیهٔ مهمات
عسکر ایدوب قرق بیک آدم ایله مدینهٔ کوفه دن چقوب دیر عبد الرحمن نام محل منه
کلدکده قراول خدمتی ایچون اون ایکی بیک عسکره قیس بن سعدی سردار ایلدی
انلری سمت معهوده روان ایدوب کندو جمهور عساکر ایله استراحت مطایا
قصدنه کوچوب خطهٔ مداینده قرار ایلدیلر واتدیکه بنم بر فرد ایله منازعه

دبی دله و ملافعه و مقاتله داعیهٔ نهادم در . و تفرقهٔ اهل اسلام و تشویش
ذمام نقیض مقتضای فواد مدر . کاشکی هر آن جمیع اهل ایمان امن و امانده اوله
و احوال ممالک اسلام نظم و انتظام بوله . منظور خاطرم فساد ذات البین و اصلاح
احوال مسلمین بنم قاتمده کفرض عین در . عاقل و لدر که خیرخواه و عاقبت بین
اوله جاهل و لدر که جنگجوی و فتنه آیین اوله اول حضرتک منزل مذبور ده توقف
و آرامندن و کلام اصلاح انجامندن خیال بدخیال جکدن فراغت ایلدی تصور
ایدب تسویلات شیطانی نصب العین ضمیر مفاسد اندیشلری اولوب دیدهٔ
حالترنده صورت بغلیس پردهٔ عداوت کحل الجلای نصیحت ایله رفع اولدی و آینهٔ
ضمیر زنده جای کیر اولان زنگ کدورت صیقل پند و موعظت برله محو اولوب صفا
بولدی حالاندم نیران مکر و فتنیه تاب . و تنور شر شروره التهام دیر دیلر اول
تاجدار اقلیم ولایتی ترک ایدب لذ عصیاندن تارک نامبارک لرینه تاج ادبار
نعم افلاکنک سعوه کبی حلقه بکوشی و خمخانهٔ محبتک جرعه نوشی ایکن باش سردارلری
نوح کبی باش قالدردیلر . و رایت صفت آیغه قالقوب شمشیر بدگوهر کبی یوز
دوندیلر خطهٔ محوطهٔ امام کردلی مقام کرد فتنه کرد ایله طولدی برده مه شمل عسکر
دجمع لشکر حروف رزم کبی منفرد و پریشان اولدی . ارباب عناددن بعضی اول
ماه فلک نشینی هاله کردار احاطه ایدب مقر خلافت پناهه کیرمکه اقدام و جسارت
اتدیلر . اثاث خانهٔ خلافتدن . و امتعهٔ منزل امامتدن حرنه بولدیلرسه الوب
انواع خسارت اتدیلر بیت قصد اتدیلر ولی نعمتنه . کر سپهر ایسه سرنکون اولسون
حتی تختنده مفروش اولان بساطن . و بر دوش اولان رداسن چکدیلر کشتهٔ
اقبالارین لجهٔ ادباره صالدیلر . انعام و احسانه اسانی مکافات دیر و اجب
الامتنانه کفران نعمتی مجازات قلدیلر بیت خبیث اولان ولی نعمتینه
ایدر البته کفران و اساءت نظم حال بو منوال و زره اولنجق امام خجسته خصال براق برش
براق رفتاره . و بر رخش برق اثاره سوار اولوب مدینهٔ مداینه روان اولدی

افتاب مثال تماشاسنه بلا کیدرکن جراح بن قبیصه اسدی نام اخصامدن عیان
اولدی بالکلیه ران مبارکه بر خنجر بران اوردی که زخمی جانانه و المی استخوانه ایردی
بیت دشمن بدکاردن اولمه امین . انتقام کبی ایچون ایلر کمین نظم اتفاقا عبدالله
بن وهب فضل طائی بر رفیق صدیقی برله محل مرقومده حاضر اولوب . اول خونخوار
مردم ازارکه خنجر برق لمعان الدیلر و جودی سودن منبع کبی پاره پاره قلوب
شفق صفت عرق خون قلدیلر بیت خار خنجر که دستندن کل کبی پاره پاره
ایلدیلر نظم امام نکارم آیین و عزایم تمکین . زار و غمکین . و مجروح و حزین قصره
ایلتدیلر ایردی قصر مرقومه قدوم بهجت رسومندن سپهر اخضر کبی رونق بی اندازه
ویردی . معالجه امرنده معاجله لازم اولمغین جراحان مهارت عنوان ملاوات
زخم جراحه مشغول اولدیلر . از مدتده علت صحته مبدل اولوب زخم فضیعک و جرح
و جیعک التیامندن صدور احبا قاسرور موفور ایله طولدی اول حضرتک پدر عالی
شانی . و اول ذات سعادت عنوانی حقنده کافه کوفیانک وقوع بولان غدر و
خیانتلری . و وفور جور و عدم دیانتلری . تباشیر صبح صادق کبی بدیدار و انوار
مهر اسمانی کبی اشکار اولنجق فکر تام و ملاحظهٔ اختصام ایدب معاویه ایله ما
بینلری صلح اولندی بعض شرایط لازمه ایله که فحوای ملخصی مفاد منقحی دین حق
موقر و دوحت شرع موفر . اعلام اسلام مرتفع و اثار بدع مندفع اولق ایدی
و بالجمله اسایش عباد و ارامش بلاد ایدی . کوفیان مفاسد ضمیر دخایب تدبیر
ایلر و کلوب . اندیلر که ای تاجدار معمورهٔ خلافت . و ای شهریار مقصورهٔ کرامت
عدم مساعدهٔ سپهر بدمهر ایله خلافت موروثه دن تحاشی و تجانب مطلق لایق کلاز
و تغلب و تسلط دشمن بدخواه ایله امامت مخصوصه دن انزوا و فراغت آرای جهان
ارای صاحب جاهه موافق دکلدر . و قایع دنیای غداردن هیچ بر عقدهٔ مشکله
وقوع بولمزکه بالاخره انامل تقدیر تیسیر ایله منحل اولمیه و حوادث سپهر محنت عداردن
هیچ بر قضیهٔ معضله حادث اولمزکه عاقبت الامر عنایت قاضی الحاجات برله فیصل

بولمیه و بو گردون منقلب الاحوال ده المثل بر فانوس خیال در بر دمده نیجه اشکال
عجیبه و بر نفسده صد هزار احوال عجیبه ظهوره ایدر زهر عسکرک پیر دیناری و هر
خانک تازه بهاری هر کف فنک بر لطافتی و هر نخوستک بر سعادتی و هر دردک بلانک
بر درمانی و هر جور و جفانک بر پایانی واردر ان الله یحب معالی الامور مقتضاسنجه
تیغ عزیمتی میان همتی استوار ایله و ساق جد و جهدی تشمیر ایدوب اقدام اقدام
او زره قرار ایله که بی معارض و منازع مطلق البنان خلافتی زیر ران حکومتلرنه مسخر
دکلدر و بی مخاصم و ممانع چار بالش حکومت و سجاده امامت جلوس متصور دکلدر بلکه
مسند مشید خلافت وجود عالی منقبتکز ایله زینت و رتبت بولمیه و تخت خلافت
تحت حکومتکزه داخل اولمیه هر گوشه ده متغلب رایت استبداد نصب ایتمکه یول بولور
و هر طرفده بر متعدی دعوی استقبال ایتمک لازم کلور بیان ملک و ملتدن دراهم
امن و استقامت اثار رونقی منعدم و بنای استراحت و رفاهیت قواعد عهود
بهو دهشت منهدم اولوب احوال رعایا و سپاه خال معشوق و حال عاشق کبی
سیاه اولمق مقرردر اول حضرت جواب ویروب سعی و طلب بو مرتبه جهانده نی
حاصل در و اقدام و اهتمام حصول مراد اتده سودای باطل در شول عروس مقصود که
حجله ازالده جلوه نما اولمیه و ساده شهود ملکه مستر دکلدر و او مرتبه عزت که
روزنامه قدمه خامه تقدیر ایله تحریر اولمیه صحایف وجوده نقش اولمق متصور
دکلدر زیرا اقتضای سابق ازل قابل تبدیل و تقدیر خالق لم یزل ممکن التحویل دکلدر
بیت گوششی بلکه ایر فرد و لته رهنمون اولمکر بخت بلند شرح بعد نوددد
و مصادقت ابنای روزگار بد انجام اعتقاد و معاضدت و مرافقت رجال
دوست نام و دشمن کام اعتماد جایز دکلدر دیوب اقراب دین و اصحاب یقین
اولان احباب مصادقینه وداع ایتدی ملازمان رکاب همایونی جمله مدینه مشرفه
کتدی علی التوالی سایره ایام و لیالی بر لحظه طومار سفر ایدوب مقصوده یتدی علی
بن یقطین همدانی اول ذات سعادت عنوانه ملاقات ایتدی و ایتدی یا امام

حاکم شام ایله صلح ایتمک بو وجه من الوجوه جایز دکلدی بیورد یکز مز اسرار الهیه یه
جاهل و اخبار رسالت پناهی دن غافل سن بندم سفینه سینه موز متاع مغیبات
ربانی بر له مشحون و دفینه درون مز جواهر اسرار صمدانی مکنون در نشان عرفانمز
بهای اکار ایله کسه ایرمز و مقامات عالیشانمزدن بر مز جبر و بیرمز سینه ابرار گنجینه
اسرار و مظهر تجلیات انوار در بیت قلبی هرزه جز که محرم اسرار اولمز چشمی
هر بی بصرک لایق دیدار اولمز حاکم شام ایله صلح دن مراد صلاح بلاد و صیانت
وداد و حمایت اصحاب اتحاد در هر کارک فاتحه سندن خاتمه سنه نظر ایتمک کرک و هر
امرک قراین عقلیه و دلایل نقلیه بر له عوز ینه ایتمک کرک کو گیلر دعوی مصادقتلرنده
صادق اولمدقلری برهان عیان ایله مثبت و مبرهن و طریق مرافقتلرنده غیر
موافق ایدکلری عین ایقان بر له شاهد و معاین در انلر دن امید وفا نابینای
مادر زاد دن د ز نیت الوان و اضوا رجا ایتمک کبیدر نقد اخلاصلری محک امتحانده
کم عیار و رنگت عهد و خلف و عدا ایله معروف قوم بد کردار در بیت ضرب المثل
اولمیدر عالمده خاص و عامه من جرب المجرب حلت به الندامه اکثر تجربه معالجنک
ثمره سی و ثمره موافقتک نتیجه سی ال ورمسه کلیا توابع و لواحق تیره تدبیره خلف
و دوستان موافق سیف حیف ایله تلف اولوردی بو قوم فلاکت عنوان پدر
عالیشانک بشکر فرمان بری ایکن انواع کید و اذا و اصناف جور و جفا ایله هلاک
ایلدیلر السعید من وعظ بغیره نحوست بیش نهاد ایدنک اول دالب و صوب صوابه
اقرب در عاقل اولدر که ایده عبرت ایله خلقدن نظر غیری حضنده تله تجربه منفع و خرد
فایده اکلادونی سری ایده جای قرار حزر اکلادونی بیرون ایده فی الحال کذر
و بنم حقده دی سیلاب فتنه بی جوش و باد فسادی خروش کتروب باد دنیا کمه
و خیمه و خرگاهمه اتش غارت ادرب مقام و منزلم خاک و تیغ ستم ایله جسم ناتوانم
چاک ایلدیلر اما فی الحقیقه اگر نباتات خلوات و نجوم سموات و قطرات باران
و ذرات مهر تابان و اوراق اشجار و ازهار بهار عدد نجه عساکر ظفر مأثر مدد ظهیرم

ومعین ودستگیرم اولسه خواب رسول ملک وهاب حکمنجه مفید اولیوب عاقبت جتو
ایالت خاندان بنی امیه ده قورلیق وهمای همایون بال خلافت انلرک دود مانه
سایه گستر اولق امر مقرر وحکم مقدر در شواهد النبوه ده امام حسین نقل ایدر بنی
امیه بگلرین حضرت رسالت کوستردیلر شول حالده که انلر بربرینک عقبنجه کنلدو منبریه
چقدیلر بوکار عترت اثار اول حضرته زیاده دشوار کورنمکین حق تعالی انا اعطیناک
الکوثر سوره سین ارسال ایلدی بعده انا انزلناه في ليلة القدر سورسن انزال قلدی
اول حضرت ایتدی شب قدر بیک آیدن احسندر وبیک آیدن مراد مدت ملک بنی
امیه در راوی ایدر مدت امارت بنی امیه بی حساب ایتدم راست بیک آی
اولدی حضرت امام حسن فکر اماتندن وسودای خلافتدن کچوب مدینهٔ
منوره ده پای فراغتی دامن عزلته چکوب گوشهٔ خلوت وتوشهٔ قناعت اختیار اتدی
وبوایکی بیتک فحوای قناعت احتواسن ورد زبان وفکر ضبان ایدندی
جهاندن لذت الماغه ایدن جهد مکس وار اولیسر پابستهٔ شهد سوتن تلخ اولسه
عیشک بحر کردار که هر گوهر اولر قلبک صدف وار وهر روز مجلس فیروز زنده اتحاد
زهد وتقوی وارباب علم وفتوی التقاط فراید لطایف صوری ومعنوی واکتساب
جواهر معارف دینی ومصالح دنیویدن خالی دکلر ایدی در برکات مرقد مطهر
مفخر عالم وفیوضات شهد معطر سید بنی آدم برله مماندن ابر بهارگبی مستفید ومارانلر
ازهارگبی مستزید اولمشدی وفرمان ان مع العسر یسرا مقتضاسنجه لطف خفی ربانی مجمع
بلاده مندرج ووعدهٔ وفی صمدانی طی محنتده مندمج اولدوغی بلوردی اول اجلدن
تعاقب امداد اقبالدن مسرور شادان ونه تناوب انکادار بادن مقهور
وپریشان اولوردی رضينا بقضاء الله دامننه ال اوردي وجام مقاصد ومآرب
وزمام عواید ومطالبی دست مشیت حضرت عزته ویروب مقام رضاده طوردی
اول حضرت خرم ایام دخیر العباد ده فراغ بال ورفاه حال ایله روزگار کچوررکن
اهالی شام نفرت انجام بریره کلوب صهبای خدعتی جوشه زنای خصومتی خروشه

کتوروب ایتدیلر که معاقد خلافت انهدام مبانی زندگانی امام حسنه منوط در
وتوطیهٔ امامت انقطاع رشتهٔ حیات سالف الذکره مربوط در زیرا بر نیامده اکی
حسام وبرکنامده اکی ضرغام برتنده اکی جان وبرکشورده اکی سلطان وبر بدنده
اکی سر وبرسرده اکی افسر اولمز غبار دفاع وگرد نزاع ارتفاع بولوب روی عالی معنبر
ومکدر اتمدن نفی وجودی استحصاله مبادرت ایتمک اهم مهمات جمهور واتم متممات
امور در دیدکلرنده حاکم شام معقول کوروب في الحال اطراف ممالکه حمامهٔ نامه اوچوروب
واکناف مسالکه رسل ورسایل کوندروب امام حسنک آستانه منسوب وخاندانندن محسوب
اولنلردن هرکه ملاقی اولورسکز اعلا وادنی پیر وبرنا دیمیوب باقی طریق کان
پیاله کبی اکتوروب جرعهٔ وار خونلرین نصیب خاک وجیب حیاتلرین دست هلاک
ایله چاک ایده سز وسوحش هلاکه دوشور مکه رخصت بولمدوغکزی خال معشوق مثال
چاه بلاده محبوس ایدر قیل سز وقید بنده دوشورمکه مقید اولەسز وصورت حال
نه منوال او زره انجام بولدوغن اعلام ایده سز دیو سپارش ایلدکلری اجلدن بو رنک
لی بجیر تلری منتسبان امامدن اوتوز سکز نفر مظلومک جمیع زندگانیلرین شام
وصباح حیاتلرین سنگ ممات ایله تمام اتدیلر تیغ بیداردن امان بولنلر فرار
ایدوب استان سعادت آشیان امام کرام ملاذ مظلومین ومعاذ ملهوفین درواریه
التجا اتدیلر وواقع اولان واقعهٔ عجیبه ماهو الواقع عرض وانها اتدیلر وقتی که بو
کلام ملالت انجام مسموع امام همام اولدي شامیان خذلت نشانک نقض عهدلری
وخلاف وعده لری تکرار نقل صحیح ایله ثبوت بولدي پس اول هادی راه تحقیق اقربای
شفیق دن عبدالله بن عباسی رفیق طریق ایدینوب وسایر خدام واجب الاحترام
ایله قیام ایلدی مدینهٔ جنت زینتدن کوچوب ماننده ماه شب گرد عزم شام ایلدی
هر قنغی ماوای دل آرایه نازل وقصبات وقرایه واصل اولدیلر قریب وبعید احاد
وعبید تحصیل نشاط ایدوب نقش سم سمنددن دال دولت ومیمن عزت وسعادت
بلدیلر وفرمان واجب الاذعانن اذن قبول ایله کوش ایدوب انواع خدمتلر

اندیلر و میربانلق مراسمن و مهماندارلق لوازمن ادا ایدوب رعایتلر ایتدیلر بو
منوال اوزره پنجه دربند بر خطهٔ معبر بر عبر کچوب کونلرده بر کون شهر موصله وصول
بولدیلر اهالی شهر اقبال مثال قرشو کلوب تقبیل رکاب کامیاب ایله سرور و خندان
اولدیلر حاکم موصل عم مختیار ایدیکه سعد موصلی ایله معروف جهت ثانی صفت صلاحیت
ایله موصوف ایدی مقدم امام خلافت دستگاه اولدقده انواع ترحیب عزت و اصناف
بذل و ضیافت ایله استقبال ایتدی و خانهٔ سعادت آشیانه سی نزول امام ایله مشرف
اولمسن درخواست ایلدی دعوته اجابت سنت سنیهٔ نبویه دن اولمغین اول مهر سپهر
عز و اقبال و اول کوکب برج فضل افضال خانهٔ سعده نزول ایلدی وقتی که مدت اقامت
نهایت بولدی دامن رحلتی درمیان ایدوب سمند عزیمته سوار اولدی اول مهر سپهر
وقار ماه کردار رایکی کون بر منزلده قرار طوتوب هنکام شامده سوار باد شهر شام
وصول بولدی فی الحال بلا امهال و احمال حاکم شام ایله ملاقات اولدی مدینهٔ بصره ده
واقع اولان فتنه و فسادی و ظلم و بیدادی تقریر و سایر صورت بولان حکایت
پر شکایتی توجیه و وجهه ایله تصویر ایتدیلر مراد مخادری و امنیت فوادی و فتحه
جواب شافی ویرلوب کمال درجه ده حرمت و رعایت ایلدیلر **العود احمد** مقتضاسنجه
مقتضی المرام و مکمل المهام مدینهٔ سید الانام صوبنه عودت ایلدیلر مرهٔ اخری شهر
موصله بدر فرخنده آثار ایله بهجت فزا اولدقده اتفاقا شهر مزبورده هوادارلق
طریقنده قطب اسمانی کبی ثابت قدم مجنوب وجیه ثانی صفت صداقتده دم اورر
دوست تام و دشمن کام موافق صورت و منافق سیرت بد سیرت و بدکار خصلت
براشنالری وار ایدی استقبال ایدوب قدوم فیض رسوملرکاشانه سی شرف
پذیر اولمغ ایچون رغبت کلی کوستردی اول شاهین جبل جبروت و اول همای
حرم ملکوت خانهٔ آشنای بیگانه خصلتی آشیانه قلمزدن اقدم حاکم شام صاحب
خانه بر مقدار رونبار ایله بر شیشه زهر مار ارسال ایتدی و بو اسلوب اوزره پیلاوش
ایدوب ایدیکه ارسال اولنان سم جانستانی باغذای غذایه قاتوب یدیره سین

و باغشای عشایه تعبیه قلوب تناول ایتدره سن فی الحال بیربان زبان مال
حطام دنیایه مایل اولدی سهام عزیزنه زهر قاتل یدرمکه قابل اولدی حکام حرمت
ناظر و ایام رخصته حاضر اولوب ماکول و مشروبه قاتوب یدردی و بالجمله اوج
دفعه زهر ویردی عنایت خلاق نفع و حرز معطورهٔ هلاکه دوشمکه کارکر دوشمدی اما
کمال درجه ده ناتوان و بی فتور و نهایت مرتبه ده متالم و بی حضور اولدی علت
علاوه صحت بیربان فلاحت نشان ندن ایدوکن فهم ایتمدی و بو فحوای زبان الهام
بیانه کتوروب ایتدی **شعر** زهر ایچوررغمی یدوکک یاربی وفا ٭ زهر جفادن اوزکه
دخی لسنه قالمدی ٭ هر کیمه کم بلی دیه دل بیک بلا کلور ٭ حیفا بلادن اوزکه دخی لسنه قالمدی
حرمت کناره طوتدی وفا کتدی آره دن ٭ جور و جفادن اوزکه دخی لسنه قالمدی ٭
جور حبیب و طعن رقیب الدی آرایه ٭ لطف خدادن اوزکه دخی لسنه قالمدی **نثر**
والحاصل هرکاه که وجه مزاج شریف قبلهٔ استقامتدن منحرف و عنان عنصر لطیفی
وجه سلامتدن منعطف و منصرف کورر ایدی **واذا مرضت فهو یشفین** دار الشفا
مراجعت ایدوب شربت شفا و داروی صحت و صفا ارزانی بیورلمغله اوجاع و اسقام
و اورام و آلامی زایل اولوردی ایدر میزبان مکتوب یازوب فحوای
فصاحت احتواسنده امامه اوچ دفعه زهر ویردم و طعامه اداده قاتوب یدردم
اصلا حال حالی تغییر بولمدی و نقش وجودی لوح بقادن محو اولمق امکان پذیر
اولمدی دیو حاکم شامه عرض حال ایلدی و سایر واقع اولان وقایعی تسوید ایدوب
بر معتمد علیه ایله ارسال ایلدی مضمون مراسله معرفت مکنوننده خبردار اولدقده
بر مقدار سم افعی ارسال ایتدی و جواب نامه تحریر ایدوب هزار تاکید برله ایتدی
حالا ارسال اولنان زهر قاتل بر سم هلاهلدرکه اگر بر قطره سی بحر عمانه دوشه
عنصرها ناره منقلب اولوب کم نون نجم کانون اولیدی اتفاقا موصل مکتوب
و بر رنجه سی جبل لبنانه ابر نیسان آسا مضطرب اولوب صخرهٔ صمادن اولیدی
اتفاقا موصل مکتوب عزم موصل ایدوب کلورکن بر درخت سایه دار تحتنده قرار

ایتدی اول حمام زاده‌ٔ پرعیب عیبه‌ٔ ناره یه ال اوزادب بر زننا دل ایدیجک
درون خباثت مشحوننه وجع عظیم طاری اولوب یاتدی تقدیر ربانی برله بر کرک
گرسنه‌ٔ بیابانی جانب کوه‌دن آشکار اولدی ناگاه اول بریدفاسد نویدک
یانته وصول بولدی همان دم حرب چنگال اشتا ایله درونن کاف کونه کبی چاک ایتدی
دسر غرا ترین شقایق بیابان کبی مستغرق خاک وخون ایتدی اول دمده احبا ده
امامدن بری بو حاله واقف اولدی اشتر لبته مهاری ماننده ابر بهاری
کن ده قلوب بلسنجه اولان برک وباری جست وجو ایدکده ار ابهنده نامه‌ٔ پر
غوایلی وشیشه‌ٔ زهر بلا اهیا بولدی باد شمال مثال آنی کوتورب تاب شتابله
شهره ایردی نامه وشیشه‌ٔ خفیه‌یی حضرت امامه ویردی اول کتاب ناصوابک
مضمون جفا زیر بلا بیزنه مطلع اولدقده انجون مطلع عذرا امیزندن مقطع فتنه
انگیزنه دک اوقودی افشای مضمون مکنونن شرح مردتلره واجب کورمیوب
نامه وشیشه‌ٔ سجاده سی تحتنه قودی میزبان خدعت عنوانه حصول شرم وخجالتدن
احتراز ایتدی اما عدن بیرون تحضور اولدی هر چند موجب ملالدن سؤال
ایتدیلر کتم راز ایتدی **پس سعد موصلی** مکتوب مکتومه واقف اولوب حتی حیله ایله
سجاده تحتندن الوب اوقدی قضیه‌ٔ نامرضیه‌دن خبردار اولوب کماکان یرنه
قودی مشرب مسرت مکدر وآئینه‌ٔ ضمیر مغبر دیده حقت منقلب الاحوال وغدیر قلیل
الماده قالمش مثال ماهی مضطرب البال اولوب بی اختیار ایتدی یا ابن رسول
الله اول بدبخت روسیاه احضار اولنسون بو کار اساءت خاتمتدن خبر الکلم
وحقیقت حالدن آکاه اوله لوم امام همام هتک عرض میزبانه رخصت
ویرمدی خصوص مزبورک افشاسنه رضا کوسترمدی بالآخره بی اذن واجازت
اول نامه کبی ایکی یوزلو وخاتم کبی سنک دل مرد بدکوهری احضار ایتدیلر کیفیت
حصول شیشه ووصول مراسله‌دن استفسار ایتدیلر معاذالله بو قصه‌دن خبیر
واکاه دکلم دیوب حصار انکاره تحصن ایتدی غلامان سعد حج اولوب اول

لحن

لحن بد اختره ضرب شدید اوردیلر ذروه‌ٔ حیاتدن حضیض مماته دوشوردیلر
آخر کار اول یگانه‌ٔ آفاق اصحاب نفاق ایله مصاحبت ومعاشرت جلب مضرت
مباشرت وردیوب اول خطه‌ٔ خطادن کوچوب مدینه‌ٔ رسوله واصل اولدی
انوار کردار روضه‌ٔ مطهره‌یه نازل اولدی حین مزبورده والی مدینه‌ٔ سلطان
الانبیا مروان خدعت نشان ایدی حضرت امامه تعظیم وحرمت واستانه‌ٔ
سعادتنه ملازمت وخدمت ایدردی مقدم مکرمندن ظاهرا مسرور وشادمان
ومحبور وفرحان اولوب عرض عبودیت ایلردی اما ضمنا کرداب عداوتی
جوشه وآسیاب خصومتی حرکته کتوروب قتل تدبیرنده دقیقه فوت اتمیوب
مهما امکن سعی ودقت ایلردی قضای الهی برله مدینه‌ٔ رسالت پناهیده زنان
زیبان شکل عربده‌دن افسونیه نام برد لاله‌ٔ بدانجام وار ایدی بیع وشرا واخذ
وعطا سبیله جلیل وحقیر وغنی وفقیر ایله کسب مناسبت ایدوب خانه‌ٔ ارباب
دولته دخول اتمش چرب زبان وروشن بیان اتک نیرنک ایله نگارستان مکر
وتلبیس صورت ویرمش دماغچه‌ٔ علم علم افسونی اوج آسمان کهانته ایرکورمش
وآب وآتش امتزاج وآیام عجوزه وهنگام برد العجوزه ازدواج ویرمکه
قادر مکاره‌ٔ دوران وسحاره‌ٔ جهان ایدی **بیت** سحر وافسونده شویله
ماهر ایدی ثانی سامری ساحر ایدی برکون مروان حیل عنوان مزبوره‌یی
یانته دعوت ایتدی هزار ملاطفت وملاطفت ایله ایتدی ای افسونیجه اما
حسنک اسماعیلکه مسما خاتونیله آشنایی سن ایتدیکه عهد جدید وآمد مدید در که
میانلرده مکر مناسبت کمال مرتبه‌ده شدد وعقود موفت واتحاد نهایت
درجه‌ده معقود در مروان تحصیل مراد اتدی واتدی مرادلخادم وداعیه‌ٔ
فوادم سندن بودر که بعد الیوم باده‌ٔ صهبا ولب دلبرآسا بخلهٔ بکر نکاح اولسن
وتحفل هوادارنده هردم یکا همزبان وهم آهنک اولسن تا که فراغ بالله نفقته
المصدوری درمیان ایدم وسر پرستی حضور کده بیان ایدم شویله که جواهر

اسرارم حقه ٔ ضمیرکده مکتوم دلالی دازم • صندوقچه ٔ سینکده محفوظ اولوب
مهر سکوت ایله مختوم اوله • سکا بیک دینار و یره یم والتی قطعه قفتانلق قماش
مصری الیویره یم • افسونه ٔ افسانه اعطای دیناری و وعده ٔ المقنه ٔ کوکوش
اتدی مروانک جیم جاندن امین رازداری وکاتم اسراری اولوب • اقام مرامی
امرنده مخانه ٔ صراقتده باده ٔ ایما • دپیمانه ٔ پیمان نوش ایتدی • مروان آندی
ای افسونه سی بلکه اسمای مکروفسونله تسخیر ایده سن • واثنای کلامده ایده سن کر
جمال با کمالک دضعنک روایح اخباری شام اهل شامه طولشدر و حاکم شام او علی
یزید عهد بعید درکه دست مودتک جیب صفت گریبان چاکی • و تیغ محبتک
هلالی درد یوب کلشن رخسارک کوره لی گل کبی قولقلری عاشق دلداک داشک
چشمی کبی افتاده اولشدر • و خیال بر وکله هلاله • و فکر دندانکله خیاله دونمشدر
جسمی دونمشدر ای کوزی آله • مویه دن مویه ناله دن ناله • ای بردرده
اوغرد یدر عشق • دشمون دشمنکده اولحاله • اکر یزید عزت مزیدک عقد ٔ نکاحنه
داخل اولوب عقد ازدواجی سلکنده انتظام بوله سن • اهالی شام و عراق امرکه مطیع
اولوب بانوی قصر خلافت • و ملکه ٔ ملک امارت اوله سن • شویله آینه ٔ ضمیر اسحاده
صورت میل و رغبت مشاهده قلمسن پنجه بونک کبی کفتار محبت اثار ایله سن دواقع
اولان کلمات و مقالاتدن بزی خبردار ایلیه سن • افسونه ٔ فسون پیشه امور موعوده نک
حصولنه تعهد ایدوب کتدی پس احوال خانه ٔ امامه وارب اسما ایله ملاقات ایتدی آغاز
اول کون اسما خانه ده تنها قالمشدی فی الحال الجوکردی هزار تعظیم و تکریم ایله اسلام
ویردی • مراسم زنان زنان کار • ولوازم عجایز بدکردار و نقیچ کلکون افسونه سوال
اولوب • جوکان جبلتی الله الوب میدان سخن دانیده برمدت جولان ایتدی کوی
مرادی هرسویه غلطان ایدوب • اخر کار کوی مقصوده ایلتدی زنان زنهون
ازافسانه برخویش • فروریزند نوش صانه آرایش • کهی مردم فریبی اودم کرم • کهی
سازند سنک خارمدانرم • حماندم دل اسما افسون افسونه ایله زنجیر تسخیره چکلدی

وزمین جانده تخم محبت یزید اکلدی ر مهر فرزند رسولی ترک ایدوب
عشقنه اولدی یزیدک مبتلا • بوکجه بیللوغ مَحَبّت حق نان • بر نفسده حب جبا
اولدی جبا • غایبا نه کورمدین هرکز یوزین • اولدی بربجا نه ایله آشنا • مثنوی ده
خورشید پس هلای روم • سک وفادارد ندارد زن وفا اکابر اولیانک بریندن
منقولدرکه مکر شیطان رجیم • قرآن عظیم ده صفت ضعف ایله مسطوردر ان کید
الشیطان کان ضعیفا ومکر زنان بی دین • فرقان کریمده سمت عظیمتله مزبوردر
ان کیدکن عظیم نجی افسون او قرافسانه ایلر • نیچه عاقللری دیوانه ایلر
ضعیف انکیبا اتده مکر شیطان • نیکم ایلرسه اُستاد انه ایلر • اسمای بدخصال سودای
ملک مال • ورجای جاه وجلال ایله • جام محبت یزیدی نوش ایتدی • وحق محبت دیرینه ٔ
امام حسنی فراموش ایتدی ازمکر زنان دون لبسیا دکسی بینی • کین جامه دران
کرده وان نعره زنان باشد • عقلا و نقلا مبرهن و متیقن درکه زن آدمه یادوفا
دار ودولدار غمخوار اولمز حقن زندن وفا او مه برادر • زنینک شوره سی ویرمز
کلی تر • لکن بالضروره تحمل قلدوغی زن قهرنه مرد • تماشای رخ فرزند ایچون در
بوفاری محنت و زهر مشقت • کل زیبای شکرخند ایچون در • افسونه سرورنا محصود
ایله مروانک حضورنه واردب • واقع اولان مقالاتی موبمو تقریر • و چهره ٔ عروس مرامه
کلگونه ٔ مکر و حیلدت • نه یوزدن صورت ویرددکن تصویر ایتدی • مروان سیاه کار
افسونه ایله تکرار قرار سال ایدوب مادامکه امام قبله ٔ طاعاتک جاج ازهر وجودی
قندیل حیات ایله منور • واول ثمره ٔ شجره ٔ نبوتک نهال زندکانی سی برک و بار ثبات
بله مثمر مطهر اوله نجله ٔ نکاح بزم زفاف ایله زیب و زینت بولمق میسر دکلدر و بازوی
آرزوی حایل کردن مراد اولمق متصور دکلدر دیدکده • اسما ایتدیکه بن بوامرده نواد
مباشرت • و بوکارنا صحیحا ره مبادرت ایده مزم • افسونه ایتدی بر مقدار زهر قاتل
وهم جان کسل ویر شویله که بر قطره سن نوشت بولوب نوش ایتدره سن • نا لطان بزنکا
دنیادن آرامکاه عقبایه ایرکوره سن القصه اسما اول زهردن بر مقداری حیله

قاتوب تناول اتدردی همانندم نوش حضوره ماحه نیش تشویش وشوب بجضود
اولدی درون باکینه وجع سهمناک عارض اولوب طبیب مهرابرش روی سمایه علاج
ایدنجیه دک متالم وپرفتور اولدی   ای دل قدح زهر دمادم می کش کرنیش
رسد بلادکرکم می کش جون نیست شکر جام هلاهل می نوش جون دست نمی دهد فرح
غم می کش علی الصباح نرکس پراکنده کردار عصایه دوشوب افتان وخیزان روضهٔ
سید الابراره واردیکه دار الشفای ضعیفان وملجای بلارسیده کاندر خاک پاکینه یوز
اوروب صمیم جاندن مناجات ودرون دلدن عرض حاجات ایلدی تیر رجاسی
هدف تقدیره واقع اولوب سقامت صحت وشفایه وکدورت کلیا صفایه مبدل اولدی
اول بکاء کردی اشیاندن قالقوب مستقر سعادتنه کتدی اول بکارهٔ بیکاره بتنک
خانه سنه وار مقدار ایبا اتدی افعال حضرت حالندن سادهٔ ضمیری جنانفار ایله طولدی
طعام جیب ومسافخانهٔ اسحاده بمز اولدی برکون اول حضرتک شربان شفقتی وعرق
مرحمتی حرکته کلوب خانهٔ اسحابه تشریف بیوردی بجوب مسند شریفنده اوتوردی اول
نهال حدیقهٔ فضایل تناول رطبه نوعا مایل اولمغین برطبق تازه خرما کتوردیکه بعضی
زهر ایله موسوم وبعضی غیر مسموم ایدی ای اسحا سندخی اوتور وطبقدن حالکدن
غطای حجابی کوتور اکل رطبده موافقت وخصوص تناولده مرافقت ایله دیدیکلرنده
زانوی ادب اوزره اوتوردی رطب غیر مسمومه دست اوردی اول حضرت اکیسندن
بلا اکل اتدی وباجمله رطب زهر آلوده دن یدی عدد یدی همانندم دل مبارکنه
تأثیر ایلکین قالقوب برادری اوینه کتدی اول شب دار الشفای جیح اجلنده فریاد
وفغان اتدی وقتی که صباح نجاح اثر چشم عالمه نور وفر ویردی تکرار امام مظلوم
روضهٔ مطهرهٔ سید مختاره ایردی واتیدی   بادشاها در رحمت دار الشفا
رحمت است دردمندانیم اینجا بهر درمان امدیم کرهٔ اخری برکت سید الانام ایله
شفای تام حاصل اتدی خانهٔ اسحابه دارب اتیدی دوج تناول دلنان رطب ده
حال عجب معاینه قلدم وترغیب شاهده ایلدم دیدیکه ای سید علم شریفه مخفی بیورلیه که

طبق

طبق رطبی پوشیده ومستور کتوردم وسربند وغطاسن حضور فایض النوره کوزدن
کوتوردم سزکله بیله ایدم وخرمای بیله بیلدم امر آخره وقوفم یوقدر امام روشن
بیانک ظلمت ظنی نور یقینه مبدل اولوب خرما زهر ایله مسقا ایدکن بیین وبونلرن
اسبق ایتدوکی مکر نهانی وعذر پنهانی کون کبی روشن اولدی لکن کمال کرملرندن
وحسن شیملرندن عنان انتقامی صوب کناهدن تحول وحکم سیاستی مبنی واقامته
مبدل قلدی پس امام همام برادرلرین جمع اتدی وایتدی ایکی ییلدر بوشهرده
برکون تن درست اولمدم والان کوناکوندن بردم امان بولمدم دیلرم که سازد
تنحوا فهو اسنجه تبدیل آب وهوا ایدب صحت بولم باشدکه برمدت کیلا علادن ومکر
اضدادن خلاص اولم فی الحال الت مسافرتی حاضر ومهیا اتدی احباب صداقت
لباسدن حضرت ابن عباس وبعض خادم حق شناس ایله چقوب کتدی وقتیکه
بلدهٔ موصله وصول بولدی مقدم شریفلرندن اولیای دولت مسرور واعدای
بدخصلت مقهور اولدی اتفاقا شهر شامده براعمای مادرزاد ونابینای صد
الاعتقاد وار ایدی صمیم دلدن ومنشأ آب وکلدن عدوی اهل بیت سید ثقلین
وبدخواه سبطین ایدی کورمکو دکندویه ایتدی حسن بنم دشمنم ودشمن زاده مدد
موصله وارب انک قتلنه مباشرت ایتمک جلادن الزم واهم در بوسودای خام سویلا
ضمیرنده جای کیر اولوب سواد شامده عصای اژدر پیکرینه زهر ویردی اول باردن
عصای کوتورب امر مکر وفسونده سحرهٔ فرعون آسا عصاسنه طیانوب شهر موصله ایردی
اقامت صلوة ده اول کور ناخلف خلف امامدن آیرلمزدی وهرکاه اظهار خلوص
عقیدت والقا خصوص طوب ایدب مواعظ ونصایحن کوش ایلیوب یاندن
آیرلمزدی برکون اول بعدن مکارم والطاف رسیده برد کالحجا اوکنده اکابر
واشراف ایله مصاحبته مشغول اولدی اعمی بی بصیرت مسجددن چقوب مستقر امام معالی
دستکاهه وصول بولدی منافقانه کوزسز الحتشی اتدی عصای اماه طولندی قضای
الهی سر عصا سر پشت پای امامه راست کلدی اول کورمکور حس بلاپای حس ایدوک

ادراک ایلمکی سنان معنای بر درجه ده بعیدی که زهری پای شریفنه تأثیر ایتدی
فی الحال دخان زخم دن چشم عاشق کبی خون روان اولوب اوجاع متواتره تبدیل
حماندم اعمای حضرت اثر نور دیده سی کبی غایب اولدی آخر بولنوب قتل اولنوب
ولا یحیق المکر السیئ الا باهله نحوانجه سزا دخراسن بولدی بدکیش ایکرلکا
سپار تا ازو داد خویش بستانند حضرت امام زهر قهر اعلادن پریشان حال
دمکر و غدار اشقیادن مضطرب البال اولوب ایتدی نه عجب تیره روزکارم دار
نه عجب بسته کار و بارم دار فتنه و ارسم بلا قرینم اولور محنت و درد همنشینم
اولور جکرم دایما کان عنا اولدی جانم نشانه تیر بلا هیچ برلحه تنا دل ایتمدم که
زهر عنا ایلا آمیخته اولمیه و هیچ طعمه یمدم که شوراب بلا ایله بخته اولمیه القصه امام عالی
مقدار اول دیارده قرار ایده میوب بالاضطرار طیبهٔ طیبه سید الابراره کتدی
وارد قلده حضور رجوع رایدی اسمایه اصلا التفات ایتمیوب خانیسن شرف ایتمکدن نه
فراغت ایتدی تکرار فسونهٔ فسون تا تر روان قبلندن اسمایه بر مقدار ریزه
الماس و بعض جواهر تسلیم ایتدی و ایتدی بونه سنک حرارت عشقکله اضطراب ایده دوی
آتش دیده کبی هیچ دنا بده در خبر کوندرب دیلش که نوای آرزو منذی بروجالک اشتغال
بولشدر که زلال وصالدن غیری ایله منطفی اولمز و سواد اشواق بر نوعله هیجان ایتمشدر که
شربت ملاقاتدن اوزکه ایله مستغنی و منتفی اولمز هر شب بو هینک مضمونی حسب
حالم و مصداق احوال پر ملالم در **بیت** شبها که درد فرقت آه ماه می کشم تا دود
کریه میکنم آه میکشم امیددر که قریبه ده امام عالی مقام وجه زندکانی سن شام ایلده
سن که نسیم راحت کلشن عشرتده منتنسم اولوب جهه مراد افق آرزودن یوز کوستره
و دولت ملاقات و سعادت مقالات ال ویره ادراک وصال تو که مطلوب
منست در وفق مراد دل محصل کردد ای اسما جهد ایله که بولماسک برقلاریله
ویا خود جلابه قاتوب نوش ایدردسن تا که حجرهٔ حجره حجرتدن حجلهٔ مواصلته
ایره سن اسما جون بو کلام مهر انکیزی و پیام محبت امیزی ایشتدی بالاضطرار

سرشتهٔ اختیاری الندن کیدب حضرت امامی معمورهٔ هلاکه ایرکورمکه اقدام ایتدی و ایتدی
صونامیکه بر جام زهرناک که نوش ایتدکده اوله زهره سی چاک یاته تا
روز محشر مست و مدهوش اوله بالینی سنک و بستری خاک امام هرچندکه بو کلمی امضا
و بودینی قضا ایتمکه سعی ایلدی اصلا فرصت بولمدی و تدبیر و تدارکی نتیجه پذیر اولمدی
اتفاقا ماه صونک بکرمی یدنجی کجه سی اسما بر مقدار ریزهٔ الماس الوب خوابکاه امامه
کتدی اول حضرت اولدوغی منظریه نظر ایتدی کوردیکه امام و جماعت خوابه وارمش
مصرع نکهبانلر هپ اولمشدر جهان اغیاردن خالی برساعت طوروب ملاحظهٔ حال
و تأمل مبدأ و مال ایتدی وقت فرصتدر وار ایسه اکر منتبه اولور ایسه آتش فرقت
ایله یاندم یاقلدم زمام اصطبار حوزهٔ اقتداردن بیرون اولوب مشاهده جمالنه
کلدم دیریم دیوب بادکبی سکه سکه یوریوب بالین سعادت قرینلرینه قریب محلده
طوردی و مشربهٔ امام عالی مشربه ایل اوردی کوردیکه مستور و جمهور اناملی تدبیر
ایله مهرین کوتوردی ریزهٔ الماسی ایچنه قویوب مهرین کماکان یرینه کتوردی فی
الحال جانب خانه روان و دیدهٔ دیده باندن نهان اولدی وقتی که اول نور باصرهٔ
سعادت خوابدن بیدار اولدی آتش عطش کانون درونندن اشتعال بولدی
دست مبارکنی اوزاتدی کوزهٔ الوب مهرین برنده کوریجک نوش ایتدی **بیت**
نجه برکاری تقدیر ایله سوق نه ممکندر انی تدبیر ایده عوق **اذا جاء القدر بطل الحذر**
آه بو نه آب آتش تاب ایردر که حلقه یاقدی و خرمن جانمه آتش برقدی دیو فریاد و فغان
ایلدی شفیق شقیق امام حسین صاحب تحقیق دعوت ایتدی کلوب برادرین تغییر
کوروب متحیر اولدی امام حسن ایتدی که ای برادر سن صاغ اول سیلاب ضعف بنی الوب
وسنکله مصاحبت و علاوهٔ دیدار رکبی قیامته قالدی ما با رفاق بر نهادیم شدیم
صد چشمه زخون دل کشادیم شدیم کام دل ما تو بودی اندر عالم ناکام بنا کام برادیم
شدیم حالا جدو پدر و مادرم خوابده کوردم بنی ریاض جناندن بر روضهٔ دلکشی
تماشا ایلدیلر قصور بر حوری اوطه فلده خبر مختصر **مالا عین رات ولا اذن**

سمعت ولا خطر علی قلب بشر در اول حضرت خطاب ایدوب ایتدی ای فرزند
شاد اول که کندکزندحسادن کشاده اولوب و قید کید اضداددن آزاد اولوب
یارین کچه بونده کلورسن دیوکلشن فرح فزاده مهمان اولورسن دیدکلری محلده
بیدار اولدم کندومی نهایت مرتبه ده عطشان بولدم وقتی که بو کوزدن بر قدح
نوش ایتدم وجع سوزناکندن جان وجهانی فراموش ایتدم امام حسین کوره یم نه
اصل صو درد بوکوزه بی الله الذی حضرت حسن الندن آلوب بیره جالدی کوزه
اوانوب صو دکلدکه زمین جوش کلوب مانند کفکیر دلک دلک اولدی دبالجمله اول
حضرت صبحه دک کاه فریاد وکاه ناله قلدی امعاء لطیفه پاره پاره واحشاء شریفی
پرکاله پرکاله اولوب حلق مبارکندن یتمش ایکی قطعه جکر پاره سی کلدی بعض
یوز یتمش پاره دردیرلر نبیرۀ کمال ابن حسام علیه رضوان الله الملک العلام بیورمشدر
شعر که ریخت سوزنش الماس دیده در قدحش که زهر گشت ازان آب خوشگوار حسن
برنگ کوفته الماس شد زمرد فام مفرح لب یاقوت ابدار حسن درانداون صدد
هفتاد پاره شد جگرش همه زراه گلو ریخت در کنار حسن جگر بسوخت شفق راچو لاله
ز آتش دل ز حسرت جگر خستۀ نگار حسن بنشن که مایۀ تریاک بود شد پر زهر فغان که
تلخ شد شهد و شکرفشان حسن بباغ عشرت بغمران خزان ستم بریخت لاله و نسرین
زنو بهار حسن بنفشه بین سر حسرت نهاده بر زانو ز بوی غالیه بوی بنفشه زار حسن
علی الصباح آفتاب عالمتاب که فلک اخضردن نمایان اولوب جمال عالمی پرنور ایلدی
اما برادرندن صوردی که رنک ورویم نه صورت بغلمشدر ایتدیکه سبزفام اولمشدر
بیوردیکه حدیث معراج ظهور ایتدی حضار مجلس یا ابن رسول الله حدیث معراج
دن بزی آکاه ایدک دیدکلرنده امام حسن ایتدی جدم بیوردیکه معراجه عروج
وعالم بالایه ولوج اتدکده مجموع ارباب ایمانک وکافۀ اصحاب ایقانک گلشن جنانده
منازل عالیه لرنه ومقامات سامیه لرنه واقف اولدم برپری یانده قصر رفیع
وکاخ منیع کوردم طولده وعرضده برابر وسعت ورفعتده برپرینه مشابه نه اکی

.بوندن

بوندن رجحانی ونه بونک اندن نقصانی وار بری زمرد اخضردن وبری یاقوت
احمردن هر برینک بریق لمعان جدرانی اشعۀ مهرتابان آسمان کبی خاطف ابصار
ونظار ایدی کیمکدر دیو سوال اولنلقده جبرئیل ایتدی بری امام حسنک
وبری امام حسینک در ایتدم که ایکیسی بر لونده اولمامغه حکمت ندر ایتدیکه قصر سبز
فام امام حسنکدر باعثی اولدر که انکا زهر اچروب دم آخرده چهرۀ پر بهجه سی سبز کون
اولسه کرک قصر احمر امام حسینکدر انی شهید ایدوب دم آخرده رخسار پر انواری لالۀ
حمرا کبی غرق خون اولسه کرک خواجه محمد پارسانک فصل الخطاب نامیله موسوم کتاب
فضایل اکتسابنده مرقوم در که امام حسن مظلومه التی کره زهر ویردیلر اگرچه هر برنده
محموم ومغموم اولوب انواع بلا چکدی اما دفعۀ سادسه ده ویردیلر ریزۀ الماس معرض
هلاکه ایلتدی واردر که امام رهنما اسمای لیدی وفای خلوتخانه
سنه دعوت ایتدی وهزار سرزنش وتوبیخ برله ایتدی ای بانوی ناسازکار وی
دلدار بدکردار سنک ندن زهر قهرک نوش ایدوب نقش نسبت سابقه سی ورسم
مصاحبت صادقه سی لوح دلدن تراش ایتدم وبرادر صادقمنده وعیال وفرزندمه
سربسته کی فاش ایتمدم سکا لایق در حالا دخی زهر ویروب جگرم خون ایدوب
قلبم چاک ایده سن ونیتوم کبی یار وفاداری بو حالت ایله هلاک ایده سن
بن ضعیف جورایله یار جفاکار اولدر حیف اولمزمی بنم کبی وفادار اولدر طوتم
کم دوست اولمایوب سکا دشمن اولدم کسه وار میدر که شو یله دشمن زارا اولدر
پس اول جانبدن طرف اخره توجه ایدوب بیوردیکه ای اسما معلومک اوله که نیت فاد که
اعضاسنه واذیت فواده استفصاله ایرزسن وعروس مقصودک منصه سی ظهورده
جلوه نما کوررسن اسمای بدخواه چهرۀ عروس کلامی زیور دروغ ایله آراسته قلوب
ایتدیکه العیاذ بالله تقریر اولنان فعل اساءت مالدن خبیر آکاه دکلم ان بعض
الظن اثم مقتضاسنجه بو بیچاره یه تهمت ایلمه که گناهکار اولیه سن ووجه نامی حلا اقیم
اشکار اولیجق شرمسار اولیه سن بیت کشیده اورمه باطل طعنه زنهار که شاخ

طعنه خجلت کتورر بار . اول حضرت اندی بو بابده عدم صدق دعوانک دلایل
قاطعه ایله معلوم . و بو خصوصده کیلد وخداعنک قرائن عقلیه بر له مفهوم در . سنک
مصلحتک محکمه قیامته . و دیوان خانه آخرته حواله اندم . دیو قطع کلام ایلدی
بیت رفتیم دغم تو در دتو درسینه نهفتیم . با هیچ کس حال دل خود نکفتیم القصه
ماه صفرک یکرمی طقوزنجی کیجه سی اول حضرتک گلزار رخساریکه مولدی و چهره حالی
متغیر اولدی نصف اللیدن صکره کوزین آچوب ای حسین برادران سعادتقدم
و فرزندان ارجمندم سکا اصمر لرم . و سنی خدای بی همتایه سپارش لرم دیوب
کلمه طیبه شهادت اوانسنه اشتغال ایدب و آیت صلات غایت و ما عند الله
خیر للابرار مخواس نصب العین خاطر عاطر قلوب دارالعندنا لزلفی وحسن مآب
سفاسن بش نهاد ایدینوب بیت جوار رحمت رحمانه کتدی . ریاض جنته سیرانه
کتدی بیت دیکر واحسرتا که سرو روان از چمن برفت . یعنی که نور دیده زهر احسن
برفت . از شوق کیسوپش جکر نافه کشت خون . و زهجر رویش اب رخ نسترن
برفت . اولاد و احفاد . و برادران امجاد . و با جمله یار و اغیار بلک در و دیوار
و انجار و احجار مانند سحاب نوبهار . اشکبار اولدیلر بیت بکذار تا بکریم چون
ابر نوبهاران . کز سنک کریه آید روز وداع یاران . الحق بو واقعه کبرانک عظمت
شدتندن و بو طوفان بلانک صرصر مصیبتندن . بادبان صبر اجیا پاره پاره
اولوب سفینه سکینه وقارلری وکشتی سکون اصطبارلری کرداب حیرته دوغی
حیرته دوشوب دل صد چاکدن ناله لر پیدا قلدیلر شمع شبستان کبی یانوب یاقلدیلر
غزل کر بقدر سوزش من چشم من بکریستی . مرغ و ماهی تی بتن در غم من بکریستی
زهره کوتا جام زهر دشمن آوردی بیاد . و ز هم حسرت چو زهرا بر حسن بکریستی
حال یاقوت لبش کز زهر شد زنکار فام . کر بدانستی عقیق اندر یمن بکریستی
لعل کران خرده الماس دیدی بر لبش . خون شدی و ز سوز آن فخر زمن بکریستی
زان جکر کو پاره پاره کشت اکر اکه شدی . مرغ زاری کرد و بر با زن بکریستی نثر بتجهیز کفن

واحفا

نصيحت

و احضار مدفن لوازمنه شروع اولنوب مهیا قلندقدن صکره نعش سعادت نقش
بر دوش ایدب کورستان بقیعه ایلتدیلر جده سی فاطمه بنت اسد قربنده دفن
اتدیلر مدت عمرلری . قرق ایکی یدی بیله یتشدی . اما بعض روایتده
بو عدد دن تجاوز ایتمشدی دیرلر . امدی ای یاران ذوی الاختیار و ای خلان
اولی الابصار . دولت دهر بو قلمونه مغرور و عزت دنیای دونه مسرور اولمق مطلقا
جایز اولور اولمادقلر زیرا تقالیب روزکار مانند فلک دوار بر حالده برقرار
و تصاریف لیل و نهار برکارده استوار دکلدر کاه کلزار امانی کلرین خرم و خندان
کوستروب بوی وفای بر صفا ایله مشام جانی معطر ایدر کاه انجار بر امانی امال
تحاللرین باد مخالف نکبت ایله خاک دباره صالوب منهدل دانی مکدر ایدر
بیت تا انلدن بو بیله در آیین دهر . که شکر صو زکشیه کاه زهر القصه مراسم
تعزیه نهایت و آیین تسلیه غایت بولدقدن صکره مروان حیل عنوان افسونه
بر افسوبی دعوت ابتدی وا تیدی معلومکدر که امام حسین کال حقیقت ایله مشهور
و نهایت کرامت بر له مذکور مرد غیوردر محتاطدر که اسمای پری وار خلوت
ایدب عزایم تخویف و تحذیر تکریر اسمای قهر و تدمیر ایله ضبط و تسخیر ایدوب
اندوکی آل دیر نکی و کچدوکی نقش و رنکی صورتنه کتوره و ریزه الماسکم دیردوکی
و کوزه آبه نه طریقله قاندوغن سر جمله تقریر ایتدوره بو اخبار حضرت شعارکه
بنی هاشم میاننده اشتهار بوله . بو فتنه عظیم الاثار آشکار اوله من بعد
زندکانی پیمانه سنده کورمک میسر و چهره حیاتی آینه سنده معاینه قلمق
متصور اولمیه و عواصف فتنه و آشوبدن دیده جانلرغبار ویده و غبار حقیقت
واف دون چهره احوالمز خرشیده اوله امدی اسمایه وارب صورت حالی
کشف ایله سن . بو دردک دواسی . و بو علتک مداواسی ولایت شامه کتمک دیسن
و افسونیه اسمای آورب مروان ایله واقع اولان قیل و قالی درمیان اتدی .
و بو بیتک مخلص اشعار ایدب اتدی بیت نقطه وش لعل تو ده قالمز شو که بر کار صفت

کوتردب ایغی نازکلک ایله جیزدی کنار زمز اسماقود ایتدوکی کاردخامت ابجامه نادم
وپشیمان ایدی دپنجه شکنجه امام حسین دن ترسان وهراسان ایدی مثنوی
شوکم بند ایده خلقه دوتمیه بند ابله دست وپایینه اور رشد تامل سز حقی ایشی
ایتمه زنهار کرنادم اوله سن آخر کار نثر همان ساعت خانه مروانه وارب پشیمان
اولدی اسباب عز تدارک اولنوب اکی خادم دادوج خادمه برله جانب شام روان
اولدی مروان معاویه یه عبودیت نامه یزوب حضرت امام حسنک روضه رضوانه
انتقالن اعلام دباعث ارتحالین علی التفصیل افهام اتدی دبو خاتونی دیده اعیان
جان کبی نهان ایده سز که مواد فساد هیجان بولمیه واموارج فتنه متلاطم اولمیه دیو سپارش
قلدی نامه جیل جامه واسمای سیه نامه وار مردن اقدم بو قاره خبر سواد شامه
واصل اولمش دبو مصیبت الم غایت مسامع اهالی شهره طولمش دحاکم شام امریله
جملا عاظم ولایت واغاخم مملکت ایام ولیالی اوج کون علی التوالی سویدای
دل کبی سیه پوش اولوب دکانلرن قپه مشلر دودرخانه لرن مردم دیده مثال سیاهه
بویامشلر جمیع شادمانیلرن شام ماتم وآفتاب کامرانیلرن غمام غم احاطه ایدوب
کنک بسته صفت دهانی بسته دکنک شیشه ضمیری ستنک شیون ایله شکسته اولمش
علی الخصوص متابعان آستان امامت ومنتسبان دودمان کرامت بساط انبساط
طی وسمند نشاطی پی قلدیلر شمع شبستان کبی کریه مصیبت افروز ایله یانوب
یقلدیلر بیت دیده کبی اولدیلر حب غرق دمع یاندیلر یاقلدیلر مانند شمع
دود آه ایله زمین واسمانی طولدر دیلر شهاب آسا کندولرن یردن یره اوردیلر
کوکده کی قوشلر کباب اولوب دوشدیلر ع براه شوعله چقدی دروندلدن آه
سوزناک وبالجمله مراسم تعزیت ولوازم مصیبت رعایت اولندقدن صکره معاویه
اسمای دعوت اتدی کیفیت حالدن سؤال ایلدی اسما اول واقعه باطنی وظلم طعام
زهر دابه ریزه الماس قندوغن بیان دعوا یل علار دکیندن وهوا یل کر تیننه
بی اندیشه بر بر بیان اتدی واتیدیکر قسم قدای رب العالمین وغضب صادق

الامینی قبول ایدب امیر المؤمنین حسنی جناب عز لغکزک مودتنه دیزیدک مجتبنه
اوللردم معاویه کوردیکه فصاحتده خامه وار رطب اللسان وبلاغتده نامه کردار
فصیح البیان وخامه ونامه صفت دورویی وذوزبان درایتدیکه بیت اولسیدی
لاله ونرکس مثالی تیره دل سوسن وکل کبی اولمزدک دورویی ودوزبان نرس که جکر
کوشه وصلی آتش زهر آب کباب ایلدک وحسن مصاحبت حسن عالی جنابدن
اجتناب اتدک پس نه دجهله لایق مصاحبت یزید اولسن که پسر معاویه در بیت
بردریا نکده تملایایی وفاسنک احسان ایله اسادت وعیب وحنود فی سندن
فعل خطادن اوزکه برکار زنا وکار ناسزادن اوزکه برکرد ازحادر اولمز بیت
سئول یارکه اولمایه وفا علمنه طالب علامه عصر الیه دکل بیزه مناسب اول زمان
بدخو هلال مثال سرفرد ایدب برمدت متحیر ومبهوت طوردی وست تأسف
ایله جبینی لعالنه داغ حرمان اوردی بیت هر که دین را بهر دنیای دنی ازدست
داد همچنکه محروم ماند از دولت دنیا ودین نثر کاه بو سپهر بوقلمون کندویه کچردکی
نعشنک رنکی نیرنکنه حیران وکاه حسنی یاد ایدوب اتدوکی خیال محالنه پشیمان اولکن
واتیدی بیت بکا بوفتنه لی دورستمکار اتیدی بکا بونقش نیه عالم غدار اتدی
اول حضرت ایتدیکه کم مکری درمیان ایتمک عاقبت فضاحت وخجالته منتج در
وحیله وخدعه یی پیشه ایدنمک آخر ندامت وملامته منتج در بیت شوکم ترک
ایلیه حقک رضاسن سزا سینه کوره بولور جزاسن نثر پس معاویه اشارت اتدی
اسما کان معینه کتدی دوردنجی کون فرمان حاکم بو یوزدن جریان بولدیکه
اول بدکاره یی روزکاری الوب جزیره فیلا ایلتهلر ان ایاقن باغلیوب دریایه
پرتاب ایدهلر پس حکم حاکه امتثال اتدیلر جزیره معهودیه برفرسخ قالدقدن
برتند تیز باد سبک خیز ظاهر اولوب اسمای بیری وار قیلدی الوب اول جزیره
مشقت پذیره آتدی حیات ومماتندن اثر دبود ونابودندن خبر بلنمدی
مثنوی شمع پروانه سن اکرچه یقو کندودخی همین اول اوده یزر بویله در طوره لی

مطلب در ختم مصیبت

زمان وزمین ... ایدرسک بولورسن آنی حین یدنجی باب

امام حسینک ولادتن ومناقب علیه‌سن ومراتب سنیه‌سن بیان وبرادر سعادت منظری انتقالندن صکره بعض احوال حیرت‌مآلی عیان ایدر

کتورمشلردرکه حضرت سالف الذکر ایله اثنی عشرک ثالثیدر کنیت شریفی ابو عبدالله ولقب منیفی زکی وشهید وسید وسبط رسول الله در طیبهٔ طیبهٔ نبویه‌ده هجرت خاتمهٔ مصطفویه شعبانک دردنجی کونی وصورکم فاحسن صورکم نگارخانه‌سندن چهره‌کشا فتبارک الله احسن الخالقین منظره‌سندن طلعت‌نما اولدی هیچ بر مولودی آلتی آیده طوغوب قهرمان اجلدن امان بولمق الحق امام حسین فرخ لقایه ویحیی بن زکریایه میسر اولمشدر وقتی که اول نهال حدیقهٔ ولایت ارادت حضرت ربوبیت ایله طرف جویبار الولد سر ابیه ده نشو ونما بولدی واول غنچهٔ گلشن هدایت مشیئت ربانی مقتضاسنجه گلزار عصمت جاودانیده نسیم هب لی من لدنک ولیّا برله شکفته اولدی مژدهٔ قدومندن روح پاک سید انبیایه روایح ارتیاح ایردی معاندم خرامه گلوب کاشانهٔ کوپلی آشیانهٔ فاطمهٔ زهرایه شرف ویردی بیت

طلوع کرد بتایید حق زبرج کمال • مه خجسته رخ واختر همایون فال

ازین نهال شرف تازه گشت گلشن دین • چنانکه تازه شود برگ گل زباد شمال

نثر اسما بنت عمیس مولود سعادت موروده برشقهٔ سفیده صاروب سرور کائنات یانندن قودی اول کان نیازی سمع یمیننده اذان وکوش یسارنده قامت اوقودی فی الحال جبرئیل نازل اولوب برادری حسن کبی بونی دخی هارونک ولد اخری نامیله نامدار قلک دیدکده اول حضرت ایتدی اسمی ندر لغت عبریده شبیردر اما لسان عربیده حسین در دیدکده حسین نامیله مسمی اولدی وبرادر سعادت منظریله واقع اولدوغی کبی لوازم مهمات مولود بالتمام مؤدی اولدی کتورمشلردرکه چون امام حسین متولد اولدی حق تعالی جبرئیله امر ایتدیکه حبیبم حضورنه واربدن سلام ایرکوز تهنیهٔ ولادتی ادا ایتدکدن صکره حسین

قتل

قتل اولنجاغن خبر ویروب مراسم تعزیتی عرضه ایرشدر جبرئیل نزول ایتدکده اول نخبهٔ نورستهٔ حضرت رسالتک یاننده ایدی کاه نهال گل کبی الکلوب ملاعبت ایدردی کاه کردن شریفن اوزا اوردی حضرت جبرئیل رسم تهنیتی تمام ایدوب شرط تعزیته آغاز ایتدی حضرت مقدس نبوی متحیر اولوب ایتدی سبب تهنیت معلوم اما باعث تعزیت غیر مفهومدر جبرئیل خلق لطیف ایله حسینه اشارت ایدوب بو موضع شریف که حالیا بوسه‌گاه ملت حنیفدر والدینی انتقالندن وبرادری ارتحالندن صکره امتک جفاکارلرندن بعضی سیف حیف ایله قطع ایتسه کرکدر دیوب واقعهٔ کربلانک بر شمه‌سن اظهار واول کرب وبلانک بر ذره‌سن اشعار ایتدی بو حال حیرت مآلکه معلوم رسول ذو الجلال اولدی قرة العینی فراقندن صدف دیده‌لری دُرّ ناب ایله طولدی بیت

زین مصیبت داغها بر سینهٔ سوزان ماست • زین عزا صد شعله‌ء غم در دل ویران ماست

نثر والدهٔ سبطین خصوص مزبوردن آگاه اولوب حزن والم وشیون وغم ایله مویه‌کنان ودریغ کویان حضور حضرته واروب وارد اولان امر شریفدن سؤال ایتدی انلر دخی مسموع شریفی اولدوغی منوال اوزره عرض حال ایتدکده فاطمه ایتدی ایام طفولیتده وهنگام صباوتده نه گناه صادر اولدیکه بو وجهله ظلم ایدرلر اول حضرت ایتدی بو حال سن طفولیتده وزمان صبا وحین حوادثده اولمز اقرب اقرباسن ماتم ایدرکن قاتلز ایلیش باری بن اول زمانده زنده اولیدم اول دمده قید حیاتده بولنیدم تاکه شرایط تعزیتن ومراسم مصیبتن ادا ایدیدم هاتف غیبدن ندا اولاریب وارد اولدیکه انک شیون وماتمی مصیبت زدکان آخر الزماندر ومحنت‌کشیدکان جهانیاندر کرکدر حرسنهٔ جدیده کر دخول وایام عاشوراکه حلول ایده دخان آه ماتم اندوزلردن وسینهٔ پرسوز مصیبت افروزلردن طبل وعلم پیدا اولوب تکیه‌کاه عالمده آیین تعزیتی تازه لنه وقانون مصیبتی آوازه لنه کرک بیت

بو قبهٔ سپهر آوازه لنسون • بو ماتم زخمی هر ییل تازه لنسون

شیخ مفید علیه الرحمة من الملک المجید ایدر حضرت جبرئیل تهنیت

[illegible] فاطمهٔ زهرا [illegible]
[illegible] تا آخر الزمان [illegible] ماتم عاشورا [illegible] بجا آوردی

ولادت حسین ایچون کلورکن کوردیکه فطرس نام برفرشته کریان وزار ونالان
دلی قاره اوج عزتدن زمین فلاکته دوشمش یاننه واروب بونه حالدر که بی پروبال
اولمشسن ومعمورهٔ رفعتدن مطمورهٔ ذلته دوشوب منکسر البال اولمشسن دیدکده
ایتدیکه ای روح الامین خدای رب العالمین بکا برخدمت امر ایتدی اهمال ایلدم
نه الحال شعلهٔ نار غیرت رخشان اولوب بال وپرم یقلدی درهٔ اوج
فلکدن بدن حضیض عالم بعیده برقدی بیت دی روزکسی بنود بزیبای من
امروزکسی نیست برسوای من نظم باری کمسن نه سمته کیدرسن ونه جانبه توجه ایدرسن
ایتدیکه اول زبدهٔ دودمان عبدمناف یعنی اول افتاب ماه انکساف حضورنه کیدرم
وخدمت تهنیت ولادت حسینی ادا ایدرم امدی بن افتاده یه دستگیر اولوب حضور
سعادت موفورنه بيله ایلت شاید اول شفیع امت حال زارمه مرحمت ایده وجرایم جرمیمه
نلم غفران چکلمک امرنده جناب رب الاربابدن شفاعت ایده دیو تضرع وزارلق
ایتدی جبرئیل انی همراه ایدینوب حضور حضرته ایلتدی تهنیت تحیتی که اعلام ایتدی
بعده انک حال حیرت مالن افهام ایتدی اول حضرت ترحم ایدوب ای فطرس کل حسینک
جسم شریفنه سورن دیو بیوردی کمال استعجال ایله کلوب بال شکسته سن وجناح سوخته
سن سوردی نه الحال کاکان بال اقبال حاصل ایتدی سرور نامحصور ایله صومعهٔ
عبادتنه کتدی فرشتهٔ مرقومک محاربهٔ کربلاده امام حسین مظلومک چکدوکی بلا معلومی
وتشنه ودلفکار شهید اولدوغی مفهومی اولوب ایتدی که الهی نوليدی بو بنده زمان
بره امر اولیدی حسینی مظفر ومنصور ودشمنلرین مخذول ومقهور ایلیدم خطاب
مستطاب ایردیکه اکر اول زمانده وارمدک ایسه حالا سکا تابع اولان ییتمش بیک ملک
ایله مزارنه واروب صبح وشام اغلیه سن وثواب آب دیده کی محبت حسین ایچون
کریان اولنلره بغشلیه سن بیت زین واقعهٔ دیده فلک کریان است زین غم
دل مهر بر فلک بریانست نظم پس فطرس قیام قیامته دک خدمت مأمورهسنه
مشغولدر وثواب امام مظلوم ایچون اشکبار اولنلره موصولدر بیت

وارمی

وارمی بردلکم بوغمدن زار وکریان اولمیه نیجه نادان اولکیم جرایده نالان
اولمیه شواهدده مذکوردر حضرت حسین جمال باکمال ایله شهرهٔ شهر بلکه فرید
دهر اولمشدی نورانی طلعت وروحانی هیئت ایدی لمعهٔ شمع رخسارندن
در توجهین تا بدار ندن شب تاریکده راه باریک کورینوردی حضرت خلاقی
لیشبهه جل عن التمثیل والتشبیه حسنک سینهٔ بی کینه سندن پای لطیفنه دک وامام
حسینک سرسعادت اثرین سینهٔ شریفنه دک صدر بدر علا ئشابه خلق ایتمشدی
وسنن ترمذیده یعلی بن مره روایتیله مذکوردرکه رسولدن ایشتدم بیوردیکه
حسین بندندر وبن حسیندنم وخدا اول کسه سورکه حسینی سوه واول حضرت
حسینک روی حالنه چشم محبت ایله نکران ایدی وانی سوب عرض محبت ایدنلره مهربان
ایدی اخبارده موجود واثارده ثابت الورود درکه برکون حضرت رسالت
اصحابدن بعضی ایله بر محله دن کذر ایدرکن اطفال محله لعب جیبا نه زبازی کوده کانه
اغاز ایتمشلردی اول حضرت اچلرندن برین دوتدی جبین شرف قرینین
اوپدی اصحابدن بعضی بو فرزند سعادت نوازشی ایله ارجمند اولمغه باعث
ندر دیو سوال ایتدیلر بیوردیکه برکون بو فرزند حسین ایله اویون اوینردی خاک
پاین الوب توتیا مثال چشمنه سوردی اول زماندن بروهر نه محلده که بولم نوازش
پدرانه ایله خاطرن اله الورم وانشاءالله روز قیامتده بوکا ووالدینه
شفاعت خواه اولورم مثنوی بسر مرتضی امام حسین کورمدی مثلین انک
کونین ایردی کون کبی رفعته نیجه لر خدمتنده انک اولوب چاکر نوله صاللولیسه
مهدی جبرئیل که کوتوردی انی رسول جلیل کتاب شیخ کمال الدین بن الحشاب
ده مسطور وشواهدده دخی مذکوردرکه برکون حسن وحسین سید الثقلین حضورنده
کورش طوتمق قصد نه نهال سرو مثال ایاغ اوزره طوردیلر وبربرینک کمربندینه
ال اوردیلر والدهٔ سبطین اندهٔ حاضر وقوت وقدرتلرینه ناظر ایدی حضرت
مقدس نبوی نیجه نوبت ای حسن اقدام اقدام اوزره قیام ایله فرصتی الدیرسه

ایا فخر المغرا اهتمام ایله دیو بیوردیلر فاطمه عصمت پناه ایتدی که یا رسول الله
حکمت ندر که بیوک مایل اولورسن وکوچک مغلوبیتنه قایل اولورسن بیوردیکه
ای نور دیده جبرئیل امین حسینک جانبنی طوتوب جرأت واقدام کوربجک حسین
ایدر کاه قوت حسنی طوت دیو تلقین ایدر عیون الرضاده کتورمشلردر که امام
حسین ایدر برکون جدم حضورنه واردم کوردم که ابی بن کعب یانلرنده اوتورمش
کفتار للآلی عبارنه کوش اورمشلر بنی کوروب مرحبا بک یا زین السموات والارض
دیدکده ابن کعب ایتدی ای سایش انس وجان سندن غیریه آرایش زمین وزمان
دیمک صادق میدر اول حضرت ایتدی ای کعب اول غلامک ستعان جقچون که کوی
جانم چوکانی قلرتنده وعنان روانم قبضه حکومتنده در حسینک قدری ساکنان
حظیره خاکدن قاطنان مجامع افلاک یاننده زیاده در وجمیع پوشان صوامع
علوی یاننده بناحت رتبت ایله مشهوردر وذات سعادت آیاتی یمین عرشده
مصباح الهدی وسفینة النجات القابیله مسطوردر وابن الخشاب ابو عوانه دن
نقل ایدوب ایدر حضرت رسالت بیوردیکه حسن وحسین عرشک ایکی کوشواره سیدر
وشولدم که خلاق عالم جنتی خلق ایلدی جنت ایتدی الم تجعلنی مسکن المساکین
یعنی بنی نیچون مسکن مسکینان ومنزل درویشان قلدک خطاب ایردیکه راضی
دکل میسن که سنک ارکانکی حسن وحسین ایله آراسته قیلم بهشت بو حالدن تفاخر
ایدوب ایتدیکه رضیت رضیت یعنی راضی اولدم کلامدی بو عزته نظر ایله که اگر
ارکان بهشت زر حسن وحسین ایله آراسته در واگر عرش مجیددر اول ایکی کوشواره
برله پیراسته در قطعه دو دُرّ درج کرامت دو بدر برج کمال دو مهر اوج هدایت
دو صدر مسند دین فلک متاع این وملک ثناکر آن جهان منور ازان وزمان
مزین از این کنز الغرایبده کتورمشلردر که اعراب بادیه نشیندن بری
بر دانه آهو بچه صید ایدوب بطریق الهدیه حضرت رسالت حضورنه کتوردی
عز قبوله وصول بولدقدن صکره امام حسنه ویردی حضرت حسین کوردکده دام مجتبی

حیدد اولدی برانک کبی آهو بچه کمند تسخیره چکمک کندویه قید اولدی بالآخره
اول حضرته وارب تضرع ایلدی کندویه دخی بر آهو بچه ویرمک توقع ایلدی اول
حضرت انک مثلی حصولنک حوالة الوقت دایره مکنتدن بیرون اولدوغن اشعار ایتدی
وهر چند تسلیه خاطر ایچون زبان ملایمت وملاطفت برله اعتذار ایتدی اصلا
متسلی اولمیوب کفتار شکربارین تکرار وزبان ابرام والحاحی درکار ایتدی آخر
کمال انکسار زندن دیده سعادت دیده سن اشکبار ایلمک صددنده ایکن کوردیلکه
بر آهو ماده بچه سیله دوان وپویان سجده کیردی فی الحال حضور مفخر کاینات
ایردی وزبان فصیح وبیان ملیح برله خطاب ایدوب ای سرآمد کوهر آدم وی زبده
ترکیب چهار رکن عالم کشت زار عمرم حاصلی اکی تخم دار ایدی برین صیاد صید ایلیب
جناب شریفکزه کتوردی بری یاننده قالوب شیر وبررکن کوشمه برصلا ایردی
کر بچه کی یانکا الوب علی التعجیل رسول جلیل حضورنه وارکه حسین نظر شریفنده
طوروب چشم احوانه سندن اشکبار اولمق استر چوق کروبیان وملائکه هفت
آسمان غرفه تسبیح وطاعت وصومعه تهلیل وطاعتدن باش چقروب منتظر
وناظرلردر اکر جزع بمانیسی دراف ن ونرکس بهاری ژاله فشان اوله مقربان
ملاء اعلا کریان اولورلر الحمد لله چهره همایوننه اشک روان اولمدین نغل
رفتاری آتش عجله یه قودم دوان ودستابان قطع مسافه بعیده قلوب کلدوم
فرخ فرخ لقای حسینه ویردیکده اول حضرت آهویه دعا ایتدی حسین بره
آلوب حجره طاهره مادره کتدی ای یاران خرده آیین ملائکه مقربین ورسول
رب العالمین استمزلر که کل رخسارنه شبنم اشک بلغاک وخاطر عاطری نوعا
غمناک اوله ایا اول خوب بارعالی وکار ضلالت مآلی نیه منجر اولور که قطرات
خونی فرق مبارکندن رخسار شریفنه روان وکیسوی مشک بوی شمامه مشام
سید الانام ایکن خاکیله یکسان قلدیلر قطعه رخی که بوسه که شاه انبیا باشد
بخاک وخون شده پنهان کی روا باشد کسی که چشمه کوثر عطای جد وی است

جوشت کرب وبلا تشنه لب چرا باشد • روا بود که جکر کوشهٔ رسول خدا • نقاده
عرقه بخون سر زتن جدا باشد نثر اول حضرتک شمایم اخلاق حمیده سنک نطاق
بیان برشمه سن احاطه قلمق میسر دکلدر • وآفتاب اوصاف پسندیده سنک خامهٔ بنان
بر ذره سن تقریر وتصویر قلمق متصور دکلدر قطعه خامهٔ فکر وبیان استوی
تقریر قلم • صورت مدحتن انکه رق تحریره • خرد اکا دیدی کم تجربه اندوم
نیجه کز • حرف وانقطه مجال اولدی که تقریره نثر وصدای کره نای شهامتی دیار
عراق وحجازده منتشر • وآوازهٔ کوس جرامتی اطراف صفاهان ودجلده منتشر •
ایدی • وعنوان سخاوتی • نامهٔ حاتم طائی حلی انلرک دفاتر روزکارده
مسطوردر • ودستان شجاعتی رسم سجاعت رستم داستانه رقم نسخ چکدوکی جریدهٔ
اخبارده محقق ومزبوردر • انشاء الله باب تاسعده قصهٔ پرغصهٔ محاربهٔ
کربلاده • وداستان محبت عنوانی کرب وبلاده شمایم کلزار شجاعتدن برشمه
عیان • وآفتاب مبارزتدن بر ذره بیان اولنسه کرکدر • جریدهٔ اخبارده
مذکوردر که اول جنابک آتش قهری اشتعال بولسه شرارهٔ تیغ برق آثاری ایله خرمن
دشمن خاکساری افروختی • وآب چشمهٔ شفقتی مترشح اولسه خط جرائملو دهٔ حال مجرمن
دست عوایله محو ایدردی حلم کاملی وخلق شاملی باینده • امام نجم الدین عمر
نسفی تفسیر تیسیرنده بر حکایت تحریر ایدر • مرقومه نک مضمونی اکا راجعدر که
برکون میوهٔ بوستان ولایت • ونوبادهٔ حدیقهٔ هدایت • سبط نبی • ونجل ولی
حسین بن علی • اشراف عربدن • واعیان عالی نسب وذی الحسب دن • برنجه
مهمان عزیز • وضیف صاحب تمیز برله • سفرهٔ ضیافت اوزره مجتمع • وحاضر واحضار
طعامه منتظر وناظر ایکن • خدام امامدن بری برکاسه طعام کرم کتوررکن • مهابت
مجلس عالی • ودهشت صحبت جامع المعالی • اوزره مستولی ومغیبن ایاغی حاشیهٔ
بساط طولشوب انا ، طعام فرق فرقدسای امام عالیمقامنه دوکلدی • ومجلس
شریفنه • وثیاب نظیفنه چکلدی • اول حضرت تعلیم وتأدیب یوزندن • نه خشم

وتعذیب یوزندن • بوزنه بقدی غلام مزبور خوف وهراسدن وبیم وباسدن
بیهوش اولوب زبان حیرت بیاننه والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس
جاری اولدی • امام همام ایتدی که لوحهٔ دلدن نقش مادهٔ غیظ مدیهٔ کظمله
تراشیده • وجریدهٔ زلات وهفواتکه قلم صفح وعفوی کشیده قلدم خادم قائم
تتمهٔ آیت رحمت غایتی قرآءة ایتدی ان الله یحب المحسنین بیوردیکه بونک
مقابلهسنده بعد الحین • رقبتک ربقهٔ رقیتدن آزاد اولسون • ومادام که قید
حیاتده ین مؤنت معاشک ولوازم انتعاشک • سررشتهٔ ذمت همتمه وابسته
اولسون مثنوی اکر در وسیرت نیکو بود • آدمی ازاد میان او بود • نیکی مردم
نه نیکو رو بیست • خوی نکو مایهٔ نیکو بیست نثر مجلسده حاضر وبو حال شفقت مآله
ناظر اولنلر • امام حسینک کمال حسن حلمنه انصاف • وخلق عظیمنه اعتراف ایلدیلر •
بیت سکون وحلمی عادت قل که اولشدر جهان ایچره • بری سرمایهٔ دولت
بری پیرایهٔ عزت نثر اول جنابک بدر مناقب علیه سنی هالهٔ بیان ایله احاطه اولنمق
محال وشهرستان اوصاف سنیه سنی سور عبارات واستعارات برله محصور اولوب
ضبط اولنمق خیال لی مآل اولدوغی اجلدن • بو وجهله اقتصار اختیار اولندی •
ومن بعد مواضع عدیده ده علی سبیل الاختصار قلم مکور الستن بو مقصور البیان
برله عیان اولنسه کرک کتودشلردر وقتی که امام حسنک افتاب امامتی
روان • وماهتاب حیاتنه خسوف انتقال یرب زمرهٔ شهدایه سرداز • وفرقهٔ
سعدایه سپهسالار اولدی • والی ولایت شام بو خبر حوش پر ریح آورک صحت
وقوعنه تیقن تام • حاصل ایتمکدن صکره • سویدای دلنده بو سودا جای کیر اولدیکه
کندو اوغلی ایام کامرانی سنده • ولی عهد قله تاکه اوارهٔ امارت یزید رده
بروز برمزید اوله • وبالجمله جاهیر کبراء شام وحلب حلقهٔ ارادتن منکوش کوش
جان • ومشاهیر اهالی عراق عرب غاشیهٔ اطاعتن بر دوش جنان قلوب
وبیعت ایتمکله یزید بین الناس رجحان واعتبار بوله • ومانند درة التاج

سرفراز اولنه مراد ایدندیلر که اشراف حجاز دخی بو معنیده موافقت ایده لر
یعنی بیعت ایلیه لر احالیکه مدینه‌ده توقف ایتدیلر خصوص مزبوره‌ده کار عجیب وامر
غریب ظهوره انتشار که شرح وتفصیلی کتب مبسوطه‌ده مفصلا مقید ومضبوطدر
والحاصل ضرورت اقتضا ایتمکین معاویه بالذات مدینه‌یه وارب اعیان شهره
خطاب ایدنلک سادات حجاز وای اشراف واجب الاعزاز ادام اولو الامره اتباع
وانقیاد مفتاح ابواب سعادات ومصباح ظلمات شداید وبلیاتدر وموجب
ارتفاع اعلام دولت ومستدعی استقامت بنیان رفعتدر دیدکده مدینه
اهلنک مهار اختیارلری سوی حاکم شامه چکلدی ومزرعهٔ ضمیرلرنده تخم مطاوعت
اکلدی فاما دورت نفر کسنه بو صورتدن ابا ایتدیلر بری حسین بن علی وعبد الرحمن
بن ابی بکر وعبد الله بن عمر وعبد الله بن زبیر بر برینه معاضدین ومساعد ومعا
ومعاضد اولوب بیزه مثال ادح استغناده قرار ایدوب استان متابعته باش
ایندرمدیلر وسرو مانند سرکشلک ایدوب موافقته بویون دونمدیلر هرچند جریدهٔ
بیعته بونلرک نام نامیلریله معنون قلمق بابنده سعی بسیار ظهوره کتوردی میسر
اولمدی انواع لطایف الحیل ایله کوششی نه تماز ایتدی اصلا ممکن ومتصور اولمدی
آخر الامر رفقای اربعه طیبه طینه‌دن قالقوب کعبهٔ معظمه سمتنه روانه اولدیلر
وحاکم شام دخی اتباع وخدمه ایله ناقهٔ عزیمته سوار اولوب عقب شریفلرنجه مکان
موعوده وصول بولدیلر انده دخی داعیه حاصل اولمدی ومهم ومرادی فیصل
بولمدی روزکار غدار بو حال ایله مدت مدید وسپهر غدار بو منوال اوزره
عبور ایلدی وقتی که حاکم شام بزم کامرانیده جام تلخ انجام کل نفس ذائقة الموت
دن بر جرعه نوش ایتدی وکل من علیها فان میلانده یکران دوشوب جان و
جهانی فراموش ایتدی ومتاع سلطنت دنیای دونی هیچ صایدی بو خاکدان
پر عنادن دار الملک عقبایه کتدی مثنوی الن چکدی خان ومان وهویدن
دیلن دوندی سراسر گفت وگودن بو دی دل یوده سینه ماجرادن کوزین یومدی

جباب

حباب آسا هوادن چون اولدی تختهٔ تابوت تختی فنایه واردی جمله رخت وبختی
اجل کرکی حواله اولسه ناکاه عزیز مصر ایسه جاهی ولو جاه چون آدم قالبه دنیاده
باقی نه غوغادر بو دولت طمطراقی نز اولجار دکی قصر صلاقت کیمی کعبهٔ
مکرمه سمتنه عزیمت ایتدیلر پس ارکان دولت واعیان مملکت مجتمع اولوب یزید
رعونت مزید مسند حکومته وسریر امارته کچوردیلر وآوازهٔ قانون ایالتی
مسامع کافهٔ اهالی عراق وشامه ایرکوردیلر اول اثناده یزیدک یاران قدیمی
وخلان حمیمی علاوه‌دن معدود بر نیچه حسود جمع اولوب نهج دهنده آغاز ایدوب
ای یکانهٔ روزکار ودی فرزانهٔ اعصار خلعت خلافتک دامان وکریبانی
طراز بقا ودوام ایله مطرز وجریدهٔ امارتک اجزا واوراقی شیرازهٔ ثبات
واحکام ایله مشترز اولوب بنای ملک وملت بر وفق مرام استحکام وعقد امور دین
ودولت انق سعادتدن طالع وآفتاب مکنت وقدرت ذروهٔ عظمتدن لامع
وقواعد جلالتک اساسی سپهر مقرنس کبی پایدار ومعاقد رفعتک حصن حصین فلک
اطلس کبی استوار اولسون دیرسک اول درت نفر زبدهٔ اشراف حجازک قدر رفیع
ایله اقرانندن ممتاز وشان منیع ایله هر یرده مانند سرو سرافرازدر وفور
شهامت وکیاست ایله معروفلر وفرط جلادت وقدرت ایله موصوفلردر
پدر عدالت کسترک چار بالش ثباتنده قاعد ومسند حیاتده مستند ایکن دخی
ربقهٔ مطاوعتدن سرچکوب ایالت وامارتکه جواز کوسترمدیلر وولی الامر اولدیغی
رضا ویرمدیلر حالا انلری طوعا وکرها اداء اطاعته وطریق مطاوعته کتورمک
اهم مهمات خلافتدن واتم متممات امامتدندر علی الخصوص امام حسینک نهال
وجودی درخت نخت اولمدین بیخ زندکانیسن کلشن ثباتدن نیروی بازوی
تدبیر ایله قلع اقدام وخلعت خلافتی قامت دولتدن جنک خدعه آهنک ایله
خلع اهتمام کرک که زمان تأخیر وهنکام تقصیر دکلدر آیین اصحاب حکومته
موافق وقوانین ارباب ریاسته لایق اولدرکه تخت حکومتنده وحمای حمایتنده

تشبیه

اولان بنده دآزاد بل قاطبهٔ عُبّاد عل الانفراد حاکمنه مطیع ومنقاد اولوب
برق مثال حربرده قلیجی صلوب تیر آسا هر نه جانبه کوندرسلر استقامت ایله
ادا خدمت ایلیه • نه انکه نیزه کبی سرکشلک ایدوب وسپر کردار یوز چوروب اظهار
مخالفت ایده • شویله که کاکان مقام عناددده قرار ایدوب امر متابعت ومبایعهٔ
مخالفت دیرینه لرن عیان ایده لر • ونفاق بغض وعداوتی ومکر وطغیانی در
میان ایده لر • شمشیر تدبیر ایله هلاک ایتمک کرک • دیدکلرنده • یزید عنید رای
رزین لرینه آفرین • وفکر متین لرینه تحسین ایدوب • فی الحال ولید بن عتبه که
والی الامر مدینه ایدی • مکتوب ارسال اتدی مضمون کتابی ومکنون خطابی بو
ایدیکه • خلیفهٔ روی زمین • دار الخلافهٔ جهان بی ثبات دن کوچوب کتدی •
وحال حیوتنده بنی یرینه خلیفه نصب اتدی • حالا خوف ایدرم که جرأت
اولاد ابو تراب • مستلزم سفک دماء شیخ وشاب اوله • اهل مدینهٔ سید الانامه
اولان اشراف وکرامی • ومشاهیر عظامی • وباجمله کافهٔ کبری حجازی • وعامهٔ
سرکشان کردن فرازی • دار بیعته داخل ایدوب جمله دن اقدم حسین بن علی وعبد الله
بن عمر وعبد الرحمن بن ابی بکر وعبد الله بن زبیرک • وجه توجهلرین قبلهٔ بیعتدن
دوندره سن اکر نوعا مخالفت ایدرلرسه موجب هلاک ایرکورب باشلرین دار الملک
شامه کوندره سن قطعه فرصت غنیمت است در جهد برکشای • چون وقت
فوت شود نتوانی درو رسید • فرصت چو در کذشت وحصل نشد مراد • تا چند
پشت دست بدندان توان کزید • نثر کشورستلر ورکه ولید مرد پرهیزکار و
صالح ودیندار کسنه ایدی • مضمون مکتوبه مطلع اولدقده • فرزند رسول خدا ونور
دیدهٔ مرتضی برله بنوم نه کارم وار دیوب بیعت یزید دعوتندن فراغت
ایلدی • لکن ملاحظهٔ حال ودی فطنهٔ مآل ایدوب المشاورة امن من الملامة وحصن
من الندامة مفاسن رعایت ایلدی • مروانی دعوت ایدوب مضمون مراسلهٔ
یزید تقریر • ولوح ضمیرنده منقش اولان صورت داعیهٔ خامهٔ بیان ایله تصویر اتدی

مروان

مروان ضلالت عنوان ایدی که فرمان اولی العهد ملکیه دوردی بیله دعوت
ایله • والی شامک فوتی شیوعندن اقدم بیعت یزیده دلالت ایله • اکر رضا ویرکز
فبها • والا خون اعلا کبی حکمکی جاری ایله وجسملرین نقاب تراب متواری ایله • بنده
فرمان بر خدمات مأموره ده مسارعته مایل • وتنفیذ فرمان ولی الامرده مستعجل •
کرکدرکه • بالآخره حضور مستوجب السرور امام حسینه طالب اولدیلر آدم کوندروب
مسجد سید الانامده ابن زبیر ایله مصاحبت ایدر بولدیلر • قاصد ولید امیری دار
الاماریه دعوت ایدوب • قدوم میمنت رسومکزه راغب وتشریف حضور شریفکزه
مترقب در دیدکده • دعوته اجابت لازمدر دیو قاصد ایله خبر کوندردیلر • ابن زبیر
ایدیکه جنابکزی دعوتدن مرادلری معلومکز • واستدعای حضوردن داعیهٔ نهادلری
مفهومکز میدر • بیوردیکه ظن غالبم اولدرکه والی شام جام هادم اللذات
نوش ایتمشدر • بو ملک فانیدن عالم جاودانی یه کتمشدر • زیرا بو کیجه عالم رؤیاده
منبری یقلمش • وخانه وسراینه آتش ییلمش کوردم • غالبا یزیده بیعت • وامرنه
متابعت • قصدنه دعوت ایدرلر • ابن زبیر ایتدی • اکر قضیهٔ تقریر دلپذیر کوزه
موافق • وواقعهٔ صحت انجامکزه مطابق واقع اوله • نه تدبیر ایدرسز • ونه طریقه
سلوک ایلرسز • بیوردیکه یزیدک قمار وزنار ایدوکی هر دیارده مشهور • وطالب
مناهی وراغب ملاهی • اولدوغی مجلی روزکارده مسطوردر • بن که آل طه ویس •
ونبیرهٔ خیر المرسلینم اولم حاشا که چنین شارمه مستغرق ملاهی • وتابع مطلق مناهی
اولنه • نامه سیاهی کندومه متبوع • ومقتدی ایدینم • وسالک مسالک هوا اولن
کمراهه پیشوا ایلیم • پس قالقوب مقر سعادتنه وارب عتبهٔ فرقد رتبتی • وسدهٔ
ثریا منزلتی • خدامندن صلاح ایله آراسته • اوتوز نفر کسنه یی شمشیر مثال ازباتا
بغرق پولاد وآهنه غرق اتدی • فالجمله دار الاماریه بلکه سز • دبیرون خانه ده
توقف قلسز • شولدم که عادته مغایر آوازهٔ آوازم بلند اوله قتل آغاز ایلکلرنی
مقرر بلسز • بی تحاشا ایچرو کیروب لکن برفرده تعرض ایدوب برحرف سویلیه سز •

پس اول حضرت عصای نصرت افزای رسولی الله الوب اصناف وقار ودرزانت
وانواع جلادت ورصانت ایله ولیدک دار قرارینی شرفیاب ایتدی وایتدی حالا
تقلبات روزکاردن وحادثات سپهر غداردن نه حادث اولدیکه بجالسة الوقت
عقد مجلس ولنغو باعث اولدی ولید ایتدی معاویه وفات ایتمش بوده مکاه
پرفسادن ارامکاه عقبایه کیتمش برینه ولی العهد اولان یزید ادانی واقاصی واحرار
وعبیدی خلافت وایالتنه معترف وجو جارمتابعتدن معترف اولمش
بلدرش امام حسین ایدیکه بو اندوکز رای صوب صوابدن بعیددر تخفی واحدک
خفیة بیعت ومتابعتی یه مفیددر یارن علی الصباح مثنوی سحر چونکه صبح آسا
دم اوره اولوکیبی تیغلر جمله طوره کونش برج شرفنده طالع اوله جهانه نور
رحمت لامع اوله دوتوب مهر افتابه طشت افلاک یوزین یو یه سراسر نور ایله خاک
انشاء الله بزدخی احباب اولی الالباب واصحاب شرف ضیا بله جمع اولهلوم رای
صایب عالم ارای یه مخبر وافکار ثاقبه مشکل کشاری نه کیا در رینه مقرر اولورسه
امتثال کوسترهلم ولید ایتدی کمال مرتبهده خوب وپسندیده ولغایت درجهده
مرغوب وسنجیده بیوردکز نفس الواقع خلوتده اولان مبایعت غیر مقبولدر وجم
غفیر وجماعت کثیر میانده مجاهرة عرض متابعت موجه ومعقولدر مابولدیکه
یارن کلبهٔ تاریکه رونق تازه ویره سز یعنی تشریف حضور ارزانی بیوره سز مروان
مفاسد خمیر ایدیکه ای امیر بیعت ایدنجه حسینی محبوس قل شویکه مخالفت ایده امید
حیاتدن مأیوس قل اکر سمند غفلته عنان ویره سز وشنک مساهلته میدان کوستره
سز من بعد اله کتوره مکه قادر اولمیوب متحیر وپشیمان وانکشت ندامتی دروحان
ایدوب متحیر وپریشان اولورسز امام همام خطاب ایدوب ای ابن الزرقا کیمک
زهرهسی واردرکه بومقوله فعل اسات مآله جسارت ایلیه ویا کیمک جانی واردرکه
بواصل حرکت ناشایسته یه اقدام وجرأت ایلیه هرکه بوداعیهٔ فاسده امرینه
نیت ایده دار جهانی سرلی سامانه دار وجرعه وار خونی کلکونی فلک سیاه

نثار ایدرم ای ولید معلومکدرکه جدعالیشانم بر رسول برجوددر برذات عزیز الوجودی
درکه لولاک ما خلقت الافلاک مصحف شاننده بر آیت وقاب قوسین او ادنی
کمال محرمیت وقربیتدن کنایتدر ذات عالی صفات سید کاینات سلسلهٔ
مخلوقات ورابطهٔ موجودات اولمسه نه قندیل سیمین ماه طاق محراب آسمانده فروزان
ونه مشعل زرین افتاب طارم چارمده تابان نه آبده رقت ونه هواده لطافت
نه آتشده حرارت ونه خاکده کثافت نه ممکنات اماکنده متوطن نه ملک
وملکوت ظواهر وبواطنده متعین اولوردی خاندانمز مصدر رحمت رحمان و
کاشانه مز آشیانهٔ کردبیاندر یزید موذرکه منکرات ومسکراته مشعوف ونغم
وشوره وفسق وفجور ایله معروفدر نفس اماره نک شیفته سی مشتهیات نفسک
فریفته سی اولان مقتدای امت شریف وپیشوای ملت حنیف اولمق نه فرمان
خدایه موافق ونه رضای سلطان انبیایه مطابقدر یارن محکمهٔ محاکه ده مجالس
مکالمه منعقد اولدقده مالابد اولان کلمات تقدیم اولنور دیدکده طشره ده منتظر
اولان خدام شدید الاقدام آوازبلند بردرزامامی کوش ایدوب ایچرو کیردیلر
اهتمام تام ایله مجلس شریفلرینه ایردیلر امام فرخ فال تدارک احوال ایدوب آتش
نزاع هیجان وغبار دفاع ثوران بولمقدن حذر ایتدی قالقوب خانهٔ سعادت
آشیانه سنه کتدی مروان ایدیکه ای ولید بند مفید ونصح سدید استماعندن غفلت
ایتدک اول شهباز بلند پروازی قچوردک من بعد اله کلمک محالدر ولید ایتدی
اکر ساکنان ممالک ترک ودیلم وقاطنان اقالیم عرب وعجم قپومده چاکر وفرمان بر
وفرمانمه مطیع ومسخر اولسه قتلنه قصد التزام زیرا روز قیامتده میزان اعمال کشندهٔ
حسین حسناتدن خالی اولسه کرک یوم یقوم الحساب ده نقیر قطمیر کردارینک
جزاسن بولسه کرک بیت اکمی دینورسه بیر بدایل لی بصیرة قصد ایده نور دیدهٔ
فخر رسالته نه مروان بو کلمات کوش ایدوب حقهٔ نطقه مهر سکوت اوروب ماتند
پسته بسته دهان اولوب طوردی ولید بن زبیره آدم کوندروب دعوت

ایدیجک اول کون وارمیوب تعلّل ایتدی سلطان زنکبار شیب عالم حکم ایتکده
صدیق صادقلری و رفیق موافقلریله شارع عامه مخالف طریق غیر مشهوردن بر
طریق ایله چقوب کعبهٔ معظمه یه کتدی پس ولید صورت حالی و واقع اولان
قیل وقالی تسوید ایدوب یزید جانبنه ارسال ایلدی فی الحال جواب ناصواب
وارد اولوب ایدیکه امر متابعتده متمرّد و خصوص مبایعتده متعنّد اولنلری
مرة اخری دعوت ایله و ابن زبیردن فراغت ایله هر قنده کیدرسه کتسون
و نه جانبه دیلرسه عزیمت اتسون آخر بنم زنجیر تسخیرمه کرفتار و کمند صیدمه شکار
اولسه کرک اما زبدهٔ مطالب و عمدهٔ مقاصد و مآرب حسینک حرف جانی
صحیفهٔ ثباتدن حک اولنمقدر شویله که باشن قطع ایدوب مکتوب صلاقت مضمونک
ارسال ایده سن عنایت بی غایتمه مظهر و همت بلا نهایتمه منظور و شوب مناصب
عالیه یه ارتقا و مراتب سامیه یه استعلا مقرردر وقتی که ولید نامهٔ مرقومی اوقودی
سر فکری زانوی تحیره قودی انواع خوف و هراس ایله و هزار استعاذه و لاحول الله ایدی
اکر یزید ربع مسکونی بکا تفویض اتسه حاشا که سنک دماء آل رسوله مباشرت ایلیم
و قتل فرزند زوج البتول نیت ایلیم قطعه روز جزا کشندهٔ فرزند مصطفی بی شبهه
لایق درکات جحیم در هر کم علاوت ایلیه آل محمده عقباده مستحق عذاب الیم در
ولید نامهٔ مضمون یزیدی تسوید ایدوب حدم فاصلدن و محرم ذوی الاخلاصندن
بریله ارسال ایتدی و هزار نیاز و دردمندی برله پیغام کوندرب ایتدی متوالی
و متعاقب بو اسلوب اوزره مکاتیب فظیعت اسالیب ایدر و جناب شریفکزک
قتلن سپارش ایلر بن بو قضیهٔ نامرضیه ده حیرانم و بو واقعه وادیسنده سر
کردانم بیت بکار خویش فرو مانده و درپیش غم ره برون شدن از کار خود نمی دانم
مامولدر که انتباه اوزره اولوب مرعات حزم و احتیاط ده بکا سل دی محافظت
غرایط تیقظده تغافل ایتمیه سز امام حسین بو حالدن آگاه اولوب شبنگاه روضهٔ
پاک رسالت پناهه وارب عرض حال و انهاء ما فی البال ایدوب یا رسول الله بن

اول حسینم که دختر زاده کم خانه دان نبوته منسوب اولان افتاده کم دقت رحلتده
امت معالی همته بزی رعایت ایلمک وصیت ایتدوکوز و شرف اولاد حقنده اذکرکم
الله فی اهل بیتی نکته سن عیان ایدوب نیجه حکمت آمیز نصیحت ایتدکوز حالا نیجه دون
همت و بد خلقت فرمان شریفکز کان لم یکن طی ایدوب سعادت متابعتدن
غفلت ایتدیلر توقیر و تکریم ملحوظ ایکن انواع ظلم و اهانت ایتدیلر حالیا جل
همتلری و کل نهمتلری جیب وجودم سیف حیف ایله چاک و سنان غدر و ظلم ایله
هلاک ایتمکدر دیوب مالک دینار آفتاب صومعهٔ افلاکدن نمایان اولنجه کردار
کاه آغلدی کاه سوز درونن شرح ایلدی و یارنده سی شفق شاملن غسق
با مدک مرقد مقدس سید المرسلین و مشهد اقدس خاتم النبیین ده قرار ایتدی بیت
اوردی چو تکم سمند خواب عنان سبزه زار خیاله بردی روان کوردی فخر
جهانی شاد اولدی قلبی نور سرورله طولدی اول حضرت امامی بغرینه صوب
عرض بشاشت ایتدی و پیشانی نورانی سن اوپوب ایتدی ای حسین جهرهٔ
حالک آیینهٔ تقدیره بو یوزدن کوزندیکه بلی و فنا یان امتدن بعضی کربلاده عن
قریب جان و جکرک آتش عطش ایله کوینده ره لر آخرسنی انواع ایذا ایله منزل شهادته
اندوره لر بو جمله ایله یارن عرصات محشرده و روز عطش اکبرده زلال شفاعتمدن
بهره مند و نوال شفقتمدن نواله بند اولمق رجا ایده لر انلر شفاعتمدن بعید لر
و انوار مرحمتمدن غیر مستفید لردر ای حسین پدر و مادرک و برادرک ملول
و محزون یانمه کلدیلر و دیدارکه عرض اشتیاق قلدیلر سندخی مهموم و اندوه
ناک یانمه کلملوسن و سکا جنتده درجات رفیعه دیرلشدر لکن انکه وصول
سررشتهٔ شهادتی اله کتورمکه مربوطدر و کشتهٔ تیغ بی داد و قتیل عناد اولمغه
منوط در امام حسین دیدیکه بنم دنیا یه مراجعت مرادم دکلدر حضور شریفکه بیله
آلوب کتمکه همت ایله و ایادی اعادیدن خلاص ایلمکه عنایت ایله بیورد یکه
دنیایه رجوع لازمدر تا که شهید اولاسن ثواب عظیمه دست رس بولاسن وقتی که

امام همام خوابدن بیدار اولدی • خیال جمال حضرت رسالت دبشارت شهادت
ومژدهٔ علو مرتبت برله مشکوة ضمیری نور سرورله طولدی • فالعقوب خانهٔ شرفله
تشریف بیوردی • اهل بیتی یاننه کتورب صورت واقعهٔ تقریر ایدب سوزکه
تمارکی کوردی • اولاد واقربانک دللری محزون • وقرایب واصدقانک دیده لری
پرخون اولدی • بارنده سی کیجه مادر مهربانی والدهٔ عظیم الشانی مزارنه واردی
لب ادب ایله سلام ویردی • بالای مزارندن بر آوازکلوب رد سلام اتدی وایتدی
ای والدهٔ غم دیده سینک مظلوم وشهید اوغلی • وی مادر ستم کشیده سنک دنیاده عقبیده
سعید اوغلی • پس امام فرقت تام وحرقت تمام ایله وداع اتدی • جوف اللیلده کیرو
مشهد معظم کا بیناته کتدی • وارد وقده سلام ویردی شرایط وداعی یرینه کتوردی
بو اثناده خواب غلبه ایدب تکرار عالم مناماده کوردی • که سید انام سرمبارکن زانوی
شریفنه الدی • ایتدیکه یا رسول الله جفای متمردن خلاص اولمغ ایچون مدینهٔ منورهٔ
قویوب کیدرم • وزیارت حضرت ربتنک بالضروره ترک ایدرم • تاب آفتاب
حوادثدن برکون آسوده • وشوخ چشمی روزکار زورکاردن طرفة العین غنوده
اولمدم • ترک سکن مألوف کیداعدای بداجمادن خلاصهٔ وسیلهٔ شافیه • وجلای
وطن معروفی کند کرند اشقیای معزت اراتمادن استخلاصه دریعهٔ کافیه • ملاحظ
قلدم دیدکده • ای نور بصر • وی فرزند قمر پیکر • وار داولان بلیاته خوصادراولان
اذیاته متحمل اولوب راضی اول که رضا وظیفهٔ اصحاب وفا وطریقهٔ ارباب صدق
وصفاده • وآینهٔ جمال نمای اخلاص وصیقل مرایای قلوب خواص در بلکه نتیجهٔ
رضای پروردکار • وواسطهٔ نجاة دیدار دز • امدی امرکده مردانه اول تا زقالمنازکه
شهید اولرسن • وپدر مهربانک وبرادر عالیشانک کبی مغموم ومهموم بکا وصول
بولرسن • وریاض دلکش • وحیاض فرح بخش کنارنده مجلس لست ایدب فراغ
دل حاصل ایلیسن • داعوهٔ خوشکوارندن وییوهٔ ابرارندن بیسن امام حسین
روایت ایدر بو اثناده کوردم که رخ رنککون سید ابرار زرد اولدی وبوی

مطلب در صبر و تحمل

مشکبار عنبر نثاری پرکرد اولدی • بو حالدن بکا دهشت کلوب ایتدم که یا رسول
الله بو نه حالت در که شهره اولنور • ایتدیکه ای نور دیده • والی فرزند پسندیده
بو علامات کربلا • وامارات بیدای کرب وبلادر • پس حسین خوابدن بیدار اولدی
شهادتنه متیقن اولوب ذی القعده نقود همتی لوازم حفظ وترحاله مصروف قلدی
وسنه ستین شعبانک ایکنجی کیجه سنده مدینهٔ منوره دن چیقوب عنان یکران ظفر
جولانن جانب کعبهٔ کردل جانبه معطوف قلدی حضرت موسی علیه السلام خوف فرعون
لعین برله ناچار نفس مصردن فرار ایدب کتدوکی تفکر وقصد جماعت قبطیان بد
اینمدن بحضور اولوب چکدوکی سرکردانلغی تذکر ایدب فخرج منها خائفا یترقب
قال رب نجنی من القوم الظالمین ایتدی حرز جان ووردزبان ایدنشدی
اتفاقا صدیقان صادق • ورفیقان موافقدن بعضی • خطاب ایدب ایتدیکه ای
امام فلک تمکین • روضهٔ بهشت آیین • سید المرسلین • نزاهت ولطافتده غیرت
خلد برین • ورشک فزای مقام علیین در قویوب قنده کیدرسن • دنه احمل مقام دلکشاده
آرام ایدرسن • ایتدی حاکم ظلم پیشه • هر طرفدن تغلب وتعدی • ذظالم مفاسد
اندیشه • هم کوشه دن جور روا دیتمه تصدی قلمغه یوز طوتدی من بعد اول حرم محترمده
خرام حرام اولدی • وبعد الیوم اول مقام عالیشانده توطن وتمکن امری تمام
اولدی بیت عاشق صادق اولان کوی نکاری قومیلی • اختیار ایله کشی چنی ترک
ایلمه می • بو بابده حضرت امام نظم اتدوکی جواهر رنکینک ولالی ثمینک بوادج
بیت ترجمه سیدر بیت برادر دل خود من زسر فرپنهی • بسعی هیچ سفر دانکه
مقیدنزوم • سوم از لعل وزبرجد بجز آتین آرند • من بآن لعل وزبرجد زبرجد
نروم • لیک از جور اعادی زچنین جای دمقام • بایدم رفت وکرنه بدل خود نروم
القصه اول شهسوار میدان خلافت اثار نعال اسبان بادپا • روی
زمین آسمان آسا بر بدر وهلال ایدب کیدرکن • ناکه عبد الله بن مطیع نام اشنالرنه
ملاقی اولدیلرکه زیارت کعبه دن کلوردی رکاب عالی لرکه مقبل شفاه اماجلر

واعالی در افواه تبجیل وشفا تعظیم • وتفضیل ایله تقبیل اولندقدن صکره ایتدی
بیت کرده عزم لطف خدا یار تو باد • فضل حق از همه آفات نگهدار تو باد •
دولت واقبال • وسعادت واجلال ایله • شجاعانه عزیمت • ونه سمته مراجعت ایدرسز
ایتدی ظلم وغدر حسادن ایمن • وستم وجور اضداددن مطمئن اولمق داعیه سیله
احبادن دور ومسکن واصدقادن مهجور اولوب حرم ومن دخله کان آمنا نه عزم
ایدرم • واول عتبهٔ شریفهٔ رفیعه یه انتما • وسدهٔ منیفهٔ منیعه یه التجا واحتما ایتمکه
کیدرم قطعه کردون همه اسباب تخم میسازد • وزمن تخمی دیکر می پردازد • از خاک
در جهٔ خودم دور انداخت • جون باد بکرد عالم می تازد نثر عبد اعدا ایتدیکه قطعه
قنده کم عزم ایدرسن ای شه فرخنده خصال • دولت وبخت رکابکده اوله بیک شال • د
حضرت حق اوزکی حفظ ایده مهر آفتدن • قومسون دامن ذاتوکه سنک کرد ملال نثر
اما ذهن قاصره • وخاطر فاترهٔ برخاطره خلجان ایدر اکر مسموع سمع شریف • ومطبوع خاطر
لطیف اولورسه تقریر اولنسون • ایتدیکه دوستان صداقت عنوانک نصایح حکمت
سماتن سمع قبول ایله کوش • بلکه کوش جانه منکوش ایتمک لازمهٔ ارباب کیاست •
وما لابد اصحاب فطانتدر • ایتدی که ای امام معالی همم • برکون سر دفتر ارباب لطف و
کرم • ومهتر بهتر بنی آدم سن • اول جلادن محسود حکام اقطار عالم سن • مکاید اعدای
امتدن مصون • وشدایدی اشقیای ملتدن مأمون اولوب کعبهٔ موحدینی حصن حصین
وقبلهٔ مؤمنینی حصار متین ایدینوب انده معتکف اولمق مناسبدر • زیرا مکهٔ مبارکه
بر شهر شرف آباددر که لم یخلق مثلها فی البلاد دینلمکه لایق • وانک حقنده صادق
واهل حرم سنک وجود بر جودک موجود ایکن غیره اعتبار ایتمزلر • وفرد افریده
سجادهٔ امامته کچورمکی اختیار ایتمزلر • کوفیان غدارک مواعد مزخرفه سنه اعتماد
وشامیان بدکردارک عقاید مزخرفه سنه اعتقاد جایز دکلدر بیت عزه اوله
کی سخن کفتار خلق عالمه • بر زماندر بو که خصمی خصم اولهدر آدمه • معلومدر که مرادا
قاصد وساعی ارسال ایدوب جناب نعم الاکبر اول سمته دعوت اولنه کرک • ویدر

غفران دثار کز • وبرادر مغفرت شعار کز حقنده • واقع اولان ظلم وجفا • وکید واذا
سزدک حضورکزده دخی اطراز الباب • والحاقا بالاحباب انواع ایذا واهانت •
اولنمه کرک • وواردا اولان قاصد حاسد • کلیا سنکا اغرارکه قاصددر • وصدور
بولان ساعی نامرعی حیله خیر الکه ساعی در الحذر ثم الحذر انلرک صحایف کافوره • درج
اندکلری خطوط عنبر فام • وارقام مشکین ختامدن هیچ کس استشمام بوی وفا ایتمدوکی
روایح مشک ناب کبی شایع وذایع • وکلاز عهد وپیمانلرندن • برآهدا استنشاق
هوای صدق وصفا ایلمدوکی • انوار آفتاب کبی ساطع ولامع در • مواضع شکر وآفرینده
اندیشه لری مضرت وکین • ومواقع احسان وتحسینده پیشه لری انتقام ونفرین در •
حدیث رسول بو معنی یه ناطق • وکفتاریمی بو مدعایه شاهد صادقدر که الفتنة
من هٰهنا دیو ایما جانب شرقه ایما ایدرلردی • امام همام کلام حقیقت انجامن
تصدیق ایدوب دعای خیر ایتدی • احترام تام برله وداع ایدوب کتدی • جون مدت
خطو ترحال آخر اولدی • کوناکون برکون کعبهٔ معلایه وصول بولدی • احرام احترام
ایله اول مقام واجب الاحترامه دخول ایدرکن حضرت موسی نک حزن بی پایان
ایله مدینه یه وصول بولدوغن یاد ایلردی ولما توجه تلقاء مدین قال عسی
ربی ان یهدینی سواء السبیل آیتن قرات ایدردی • اهالی کعبهٔ مکرمه استقبال ایدوب
قدوم فیض رسومندن تحصیل سرور وابتهاج • وحسن التفات سعادت غایاتنه عرض
احتیاج ایلدیلر • ومقر عالی ومستقر سامی سنه اشراف حجاز فوج فوج کلوب عرض
عبودیت • واصحاب نیاز کروه کروه خدمت موجب العزتلرینه مستعد اولوب
انها صداقت ایدیلر وایتدیلر قطعه دولت وصل تو دایم زخدای جستیم • کعبهٔ
کوی تو از راه صفای جستیم • هر سحرکاه باخلاص دعا از سر صدق • دست بر داشته
بودیم ترا می جستیم • طاق ابروی تو کان قبلهٔ مشتاقان است • کاه وبیکاه بجاه
دعا می جستیم نثر شولدم که یزید امام سعادت انجامک مدینهٔ منوره دن مکهٔ مکرمه
جانبنه صرف عنان عزیمتن ایشتدی • تدبیر تسخیر امامده اکمال ایتدوک دیو

ولیدی امارت مدینه‌دن رفع ایدوب ابن اشدق نام آدمیسین نصب اتدی •
اول اثناده والی کعبهٔ معظمه سعید بن العاص ایدی • یزید یاننده خصوص محرمیت
ایله خاص الخاص ایدی • دیدهٔ خرم ایله معاینه قلدی که امام معالی شیم حرم محترمده معزز
ومکرم ومعظم ومفخم اولوب • مقتدای اشراف ناس اولدی • شاید ایام اشهر معلومات
وهنگام وقوف دفاتره • اقوام مختلفه وقبایل متفرقه جمع اولدقلرده جیب حیاتم چاک
اوله دیو جبههٔ ضمیری سهم وهم ایله طولدی • همان برشب امثال واشغالی شتر عزیمته یوکلدوب
مدینهٔ رسالت پناهه گیتدی • وبریده مراسلهٔ حضوریت مزید تسوید ایدوب بنیرهٔ فخر
عالم قبله‌گاه بنی آدمه گلوب • عامهٔ اهالی مکه جمیع جانلرندن هوادارز • ودرم جفاندن
معین ومددکارز اولدقلرین اشعار اتدی • اعیان کوفیان امام حسینک اذیت
اعدای بدرایدن طیبهٔ طیبه‌ده اقامتی متعذر اولوب بالاضطرار کعبهٔ معظمه واروب
انده مجاور اولدوغن استماع ایلدکلرنده امام عالیمقامک یاران وفادارلری •
واولاد سید الانامک فلان هوادارلری سلیمان بن خزاعی اونده جمع اولدیلر • و
مذکور سلیمان ایتدی که ای کاملان خرداندیش • وای عاقلان صواب اندیش ضمیر
مشکل کشاکره نهان • وخاطر عیب نماکوزه پنهان اولمیه که امام حسین بیعت یزیددن
مجانبت ایدوب کمال ضرورت ایله جلای وطن • واصناف حیرت ایله ترک مأمن اتمش
ایدی ایمدی حدائقه لایق • وقوانین مروته مطابق بودر که • مولی الیه اقتدا ایدوب
ستارهٔ سعد ساعدلکی ساطع • وطالع همایون مطالع کبی بی پرده مطالع اولوب مهمات
امور لازم الاقامه کمال اهتمام ایله قیام گوستروب تقلبات احوالده کندویه مظاهرت مطلب
ایده وز • وسعی بی شمار ایدوب سجادهٔ امامته • وسریر خلافته کچورمکه معاونت ایده وز که
شایستهٔ تخت خلافت وامامت • وزیبندهٔ مسند خورشید جاه وجلادتدر • وامام
سدید • وهمام رشید • وسید مطاع • وخلیفهٔ واجب الاتباعدر • پس سادات اشراف
کوفه‌دن مسیب فزاری • وحبیب بن مظاهر • وعبدالله بن عیف • وسعد • وطارق ابن
واعش طارق • ومحمد بن عبیده • دبونلرک امثالی تجشونفر دوستان هانی العقیده جمع

اولوب قاضی شریح حضورنده مصحف میثاق دیمانه • ومصحف عهد وایمانه ال اوروب دیدیلر که بز
بعد احفاد رسول • واولاد زوج البتول حضرتلرینه علی قدر الوسع والطاقه صرف نقود وجود
وبذل مقدور ومجهود ایده‌رز • باجمعهم مکاتبت صداقت شمایم تحریر ایدوب ایتدیلر که
بو مخلصان صادق الوفانک چهرهٔ وداد غبار ریادن مبرا ومعرادر • وصحیفهٔ ساتی
اول جنابک طغرای ثنا سیله موشح ومحلی در • ضمیر انوره مخفی • وخاطر ضیاگستره محتجب اولمیه که
یزید عنید تسلط تام • وتغلب تمام ایله بی‌مشاورت اهل ملت جالس مجلس خلافت •
ورابع مراتع حکومت اولشدر • انک عدم استحقاق ولیاقتی معلوم خلایق • وافعال
واقوالی قوانین احکام معدلت آیینه غیر مطابقدر • بو کارنامنجارده وبو امر دشوارده
مطلقا رضامز یوقدر • مادام که گریبان حیاتمز دست اجل ایله چاک اولمیه • ذیل خدمتک
الدن قومق میسر دکلدر • وچشم زندگانیمز باد فنا ایله پرخاک اولمیه • ایاغک طپراغندن
مهجور اولمق متصور دکلدر قطعه هیچ رای نیست مارا جز وصال روی تو • هیچ دامی نیست
مارا جز خم گیسوی تو • برعدو بگشا کمین وز دوستان یاری طلب • ای نهاده حق تعالی
فتح بر بازوی تو نثر لعلای خاندان امامت • ودودمان ولایت ایله مخاصمه ومقاتله
ومجادله ومقابله حصول سیادت منزلیندر • ومستجلب سعادت دارینندر • کمال استعجال ایله
تشریف حضور شریف ارزانی بیورلرکه السفر وسیلة الظفر درمأمولدرکه بعد الیوم اسباب
بختیاری روز بروز متزاید • وافتاب کامکاری ساعت بساعت متصاعد اوله •
بالفعل حاکم کوفه نعمان بشیردر که اوزعالمده مشغول مردحقیردر • گوشهٔ فراغتده دریای
غفلته مستغرق • وابواب امداد رجال روی حالنه مغلقدر • اعیان شهردن برفرد وار
گلمز • وباب قصر الاماره عید وجمعه‌دن غیری ایامده آچلمز • امدی دیار عراق • رایت
آفتاب اشراق ایله مشرف بیورلمغه عنایت اولنه که بز دخی خوش‌نشین • وخدم وحواشین وحشم
جمع ایدوب • نعمانی کوفه‌دن اخراج ایلیوب حاکم شام ایله جنگ انلکه آسان اوله که سردار
لشکر بایدارز • وبنا ساز دیوار استوارز اولمز مثنوی ز تو رایت دولت افراختن • زما
لشکر بیکران ساختن • سپاهی چو آشفته پیلان مست • همه نیزه وگرز وخنجر بدست •

جو با تیغ اهنک خون آورند • زرشک آب و آتش برون اورند • چو تیر از کمان در کمین افکند • سر آسمان بر زمین افکند نز هر کم کر اخلاصی مانند قلم • میان جان بند اینجه آب تیغ تیغ کون ایله حرف وجودن لوحهٔ حیاتدن یو یه لم • و ناوودان ناوکدن ثبات ی اوجاغنه صو قویه لم قطعه الجا که گردنان جهان سر بر آورند • جز تیغ ابدار تو ملک رقاب نیست • دشمن که قتال سوال اگر کند • غیر از زبان تیغ تو اورا جواب نیست •

وبالجمله مصالح مهمات خلافت مهمل • و امور معظمات امامت مختل اولمشدر • بو منوال اوزره انواع محبت • و اصناف صداقت عرض ایدیلر • و ایتدیلر قطعه ای آرزوی دیده و دل اندر هوای تست • جانها اسیر سلسلهٔ مشکسای تست • ما جان فدای خنجر تسلیم کرده ایم خواهی بدار و خواهی بکش رای رای تست نز پس اول نامه لری عبد الله بن مسلم همدانی و عبد الله بن مسمع بکری نام کسنه لره ویردیلر • ملازمت حضرت امامه کوندردیلر • نامهٔ نامی مطالعهٔ امام گرامی برله • هنوز قاصد وارده جواب شافی ویرلمدن • جواب نامه و ویرلمدین اشراف رؤسای کوفه قبلندن پسر شهر حیلاوی • و عبد الرحمن بن عبید راحی کسنه لر امام عالیمقام اتوب اول جانبه کلمک نیتنه کلوب • حضور حضرته ایردیلر • علما کوفه دن ایراد اتدکلری الی مکتوب • علاوه مکتوب صداقت اسلوبی دست شریفلرینه ویردیلر • بونلرک عقبنجه هانی بن هانی سبعی و سعید بن عبد الله خثعمی مکاتب کثیره ایله کلوب • جنات نعم الا باریه داخل اولدیلر • بونلردن صکره شبث بن ربعی • و عروه بن قیس • و بونلرک امثالی کسنه لر که کوفه نک خیارلری • و صاحب اقتدارلری ایدی عبودیت نامهٔ صداقت عنوان برله حضور شریفلرینه ملاقات ایدوب • عز و شرف قضا ارباب اتحاد • بیانی کلوب تقبیل عتبهٔ علیه لری ایله • اقامت مراسم تبجیل اتدیلر • و امام سعادت انجامی • ولایت مزبوره یه التمک با بنده تعجیل اتدیلر نور الائمهٔ خوارزمی کتورمشدر کراعیان کافهٔ کوفیان • امام سعادت نشانه متفق اولمغی • و مختلف الاسالیب یوز بکرمی علاوه مکاتیب ارسال ایلدیلر • که هر بر نیک مضمونی مفهوم مکتوب اول موید و مؤکد • مراسلهٔ سابق الذکری موکد ایدی • رد جوابده تغافل اتدی • و جلوس طاق نسیانه اتدی •

وبالجمله

وبالجمله رسل رسایل کوفیان • مرتبهٔ علو و افراطه ایردی • اقتضای ضرورت ایله جواب نامه یا زوب الل زینه ویردی • مضمون سعادت مقرون نده • ای سادات و اشراف ذی کرام حمیدة الاوصاف • مراسلت صداقت عنوان • و مفاوضات محبت نشان واصل اولوب • جمله نک مفهومی اظهار محبت اوزره منطوی • و اثار مودت اوزره مشتمل و محتوی اولوب • بزم اول مرز و بومه موطی قدم • درکز سلم تلمیح خصوصنده اقدام تام و ابرام ما لا کلام اولمنش • مفصلاً معلوم • و کلیاً مفهوم اولدی • امدی سزک الحاح و ابرامکوز • و اقدام و اهتمامکز • نا مرئی قونلیوب • عرض قبوله ایرکوریلوب • عم زادهٔ مسلم عقیلکه مسلم زمان • و مقبول ابنای دوراندر • دلایل کفایت و کاردانی • ناصیهٔ احوالنده ظاهر • و مخایل سخاوت و مهربانی • جبههٔ احوالنده روشن و باهردر • صوب صوابکره اعلار اولندی • تا که در ربستقیقت حالکره عارف • و صدق مقالکره واقف اوله • شویله که اقوالکز افعالکزه موافق اوله • ن رالیهه بیعت ایده سزکه اندر بزم نایب منابمز در • میان متابعتکز محکم • و قواعد هوا خواهلقکز مستحکم اولوب • ثابت قدم • و صادق دم اولدیکز اعلام و اشعار ایلدککزه • بز دخی حسن اعتقاد • و یمن اعتماد برله عنان عزیمتی اول جانبه معطوف ونعد حتی او طریقه معروف قلورز القصه برکون امام سعادت اقتباس عبد الله بن عباس سوال ایلدیکه بنم قتلم قصد ایدوب منشأ و مولدمدن دور • و زیارت تربت جد بزرکوارمدن مهجور ایدن طایفهٔ بی انصاف و شرزمهٔ ذوی الاعتساف حقنده نه بیورورسز • ابن عباس یخادعون الله وهو خادعهم آیتی قرآت اتدی و اتیدی • ای فرزند رسول سن زمرهٔ ابراردن • و فرقهٔ اخیاردن سن قرهٔ شجرهٔ مبارکهٔ کاینات • علیه افضل الصلوات • حضرت بیوردیکه • خدا تعالی جون بنم فرزندم ارجمندم • معرض هلاکه ایرکوره سزلر الاشول قوم میانده که معاونته قدرتلری واراکن مخالفت و مظاهرت مکنتلری موجود ایکن • معاونت ایدرلر • هر کسندن اعراض ایده نصیبی دار سعادت اتش جحیم • و عذاب و عقاب الیم در • امام همام بیوردیکه اللهم اشهد ابن عباس ایتدی • ای جان شیرندن الذ و احلی • وی کرامایه دن اعز و اعلی کلام حکمت

الجامکدن فهم اولنور که کندو واقعهٔ مایلکلرن نبی کاه ایدرسن • و نبدن اخرت و شهادت
طلب ایدرسن هرقچن امر اوله ای شاه جهان برقوکه • بلی تردد ویررم باشی بله
جانی بولکه • حق علیم در که حضور مسرت موفور کده جنک و جدال ایدرکن اعدای بیکال
اوزرینه اوشسه • شول قدر تیغ بی دریغ اورسه ایدرکه ایکی الم دوشسه • هنوز حقوق
مودتی و لوازم عبودیتی یرینه کتورمش اولمیم • فاما حالا مدینهٔ سید الانبیایه مراجعت
ایتمک لازم اولمشدر • و طیبهٔ طیبهٔ مسرت فزایه عزیمت داعیه سی خاطر فاطره یول
بولمشدر • ذات سعادت آیاتکزدن متمنا درکه • رکاب کامیابکزله کیده وز • دار
روضهٔ مطهرهٔ سید الابرارده قرار ایده وز **قطعه** روضهٔ پاکه هر که اتدی نظر • تومی
دلده ذره دکلوکدره • دوزخه وررسه خاک پاکیدن • آتش آب زندکانی ایدر **نثر**
اول حضرت ایتدی هجوم ارباب خلافدن • و استیلای اصحاب جور و اعتسافدن متألم
اولمسم • اول نزهتکاه وصالدن کتمزدم • میثاق سنوی حضور حفرا اوزره ترجیح المزدم
قطعه بیدلانرا نیست ره در عشرت آباد وصال • بعد ازین ما و فراق کوشهٔ
ویرانه • خانمان کرکشت ویران لیک از اقبال عشق • بر سر کوی بلا داریم محنت خانه •
ابن عباس ایتدی • چونکه مدینهٔ رسوله کتمک و کفتار صداقت شعارم کوش ایتمدک •
باری کوفیانک بدشمایلک رسل و رسایلنه مایل اولمه • و مواعید کاذبه لرینه اعتقاد
ایدوب • حرم محترمدن بر قدم بیرون اوله قایل اولمه • سن قطب دایرهٔ دین اساس •
اساس دولتکوه ازپای ثباتی مرکز قرارده استوار ایله • و سر تمکینی کریبان عزلته چکوب
شرف اعتکاف ایله افتخار ایله • هرچند احباب اولی الالباب • و اصحاب معالی نصاب •
پند بدرانه و نصح مشفقانه خصوص ثبات و قرارده • دریغ ایلمدیلر • اصلا کوش ایتمدی •
مقتضای رای اصابت فایلرنجه کیتمدی **قطعه** با قضا برنمی توان اویخت • با قدر
برنمی توان آمد • هر دری کز قدر کشاده شود • جز از ان درنمی توان آمد **نثر** الحقیقه
خاطر الهام مظاهر امام • مطلع آفتاب اصابت • و مشرق ماهتاب فطانت اولوب مدت
العمر صحیفهٔ تدارکی خط خطادن پاک • و آینهٔ رای ژنکار ضبط وزللدن عاری و تابناک •

ایکن

ایکن • کوفیان بدعهد ایلن یک جهت اولوب علی الدوام اول سمتک تلارکن
ایدردی • و مسلم عقیلک مکتوبنه انتظار چکردی • زیرا دست قضا زمام خاطر امامی و قبضهٔ
قدرتجانی اختیار اهل بیت سعادت فرجامی • اول جانبه چکردی • که سعادت شهادت
الکلا میسر • و تقرب حضرت اول واسطه برله مقدر اوله کرک • اذا اراد الله شیئا هیأ
اسبابه • یعنی فرمان خدای مستعان • برامک فضلنه جریان بولسه • اسباب وقوعن
حاضر و مهیا ایدر • و مقدمات حصول ترتیب و آماده ایلر **مثنوی** : کاری کم مقدر ایلر
مولا • ایدر اسبابینی انک مهیا • او لاحق نسنه اولور بی توقف • انی منع ایده فردست
تصرف • وجوده کلمه حیله برکار • دکلدر اولمسی انک سزاوار **القصه** والی مکهٔ معظمه •
مدینهٔ منوره یه واروب جانب شامه ارسال نامه ایدوب • حضرت امام مقتدای اجلهٔ شهر
اولدوغن اعلام اتدکده • یزید کی حق علاوت فرعی • و اصلیسی تحرک • و هیجان سریان
مخالفت جبلیسی متتابع و متلادک اولوب • اول نقطهٔ دایرهٔ عز و اجلالی صحیفهٔ روز
کاردن نوک حسام انتقام ایله حک ایتمکه اقدام اتدی • و اول نجم آسمان قدر و اجلالی
اوج حیاتدن حضیض مماته دوشورمک بابنده اقدام اقدام اوزره قیام اتدی •
شواهد ده کتورمشلردر که سبب علاوت یزید • اول حضرته ایکی نوع ایله در •
بری صوری • و بری معنوی • معنوی اولان • روز میثاقده اول حضرتک روح پر
فتوحی • یزید عنیدک روحینک عدم مناسبتی • و خلاف مؤانستی در • صوری دخی
ایکی قسم اوزره در • بری اصل • و بری فرع در • حقیقتده فرع اصله تابع در • و
صوری دخی تابع معنوی در • پس تخالف ارواح واسطه سیله عالم اشباحده دخی
علاوت ظهور اتدی • انکچون تا بو مرتبه ده مخالفت ظهور و صدور اتدی • بو بابک
خلاصهٔ کلامی • و محصل مرامی اولدر که • ارواح اولیا و انبیا • و مؤمنان • و مطیعان مظاهر
لطف و رحمت رحمانیدر • تفاوت درجاتیله • ارواح کفار • و فجار • و منافقان و فاسقان
قهر و غضب یزدانیدر • اختلاف درکاتیله • و هر طایفه نک • کل شیء یرجع الی اصله
مقتضاسنجه کندو اصلنه در • پس اول ارواح که لطفه مظهر اولوب مناسبت معنویلری

اولا ارواح انبيا واوليا واهل ايمان واتقيا كبي روز ميثاقده مابينلرنده
واقع اولان تعارف وائتلافلري مقداري بو دنياده دخي اشباحلري بري بريله مناسبت
وائتلافلري اولور اول ارواح كه قعرهٔ ظلمتده شوب ميثاقلري اوله انلرك اشباحي
دخي روحلري كبي الفت واستيناسلري مقدارنجه اولور
در بو تقديرجه ارواح انبيا واتقيا وارواح اهل كفار واهل بدع وهوا مابينلرنده
روز ميثاقده قرب ومناسبت اولمدوغي اجلدن بري برلرندن مهجوب ارالرينه اختلاف
دوشوب ضدا اولورلركه   در قطعه   دوست و
دشمن بو عالم ايچره كه وار   روز اولده جمله طوتدي قرار   بولوشن انده بيلوشور
بونده   نك ايدرمي قديمي يارني يار   اولدي هر جنس جنسنه مايل   نوله يار اولماسه
بكا اغيار   مايل اولورمي زاهده اشرار   دوست اولورمي مؤمنه كفار   اهل نور اولديلر
بونده طالب نور   اهل نار اولدي بينه طالب نار   نثر   انبيا ايله مخالفت كفار واجله
ايله معاندت اشرار جمله بو علتدندر وحب بو علا وتدبردر   چون حاكم محاكم امارت اولان
كوندن كونه قوت وفرصت بولدي   امام حسين حقنده قادر اولدوغي ايذا وجفا
اتدي جادهٔ انصافه قويوب طريق اعتسافه كتدي   بيت   بكه كه تيغ بلا اوردي كهي
سنك جفا   هيچ الذين ظلموا اتدي اغيار دريغ   نثر   بو بابده دنلمشدر كه مخالفت صوري
تابع مخالفت معنوي در وكير صوري دخي ايكي نوع اوزره در اصلي وفرعي اصلي
اولدر كه بني هاشم ايله بني اميه مابيننده واقع اولمشدي بو قضيه نك حقيقتي اولدر كه
عبد منافك دورت اوغلي وار ايدي ايكيسي هاشم وعبد الشمس دركه توام وجوده
كلمشلردر بخباي عدمدن مجلاي وجوده معا بر توصلمشلردر ناصيه لري بربرينه
ملاصق ايدي هرچند سعي ايلديلر جدا ايتمك ميسر اولمدي آخر الامر شمشير بران ايله
قطع ايتنجه فيصل بولمدي عقلاي ذوي التجارب استماع ايلدكلرنده خصوص مزبوري
ميشوم وامر مذكوري مستحسن كوريوب يا ليت زخم شمشير ايله جدا اولنميوب آخر
تدبير ايله آيرلق كركايدي من بعد ايكيسي ما بيننده واولاد واحفادي ميانده

رشتهٔ مخالفت ومحبت منقطع وحسام خصام نيام مصالحتده آرام اتميوب
على الدوام معارضه ومخاصمه مندفع اولمه كرك ديو بيورديلر   نفس الامرده بيلدكلري كبي
اولدي اولا كم عداوت هاشم ايله ميانلرنده ظهور بولدي عبد الشمس اوغلي امية در
هاشمي مكه دن اخراج ايلدي وعبد المطلب ايله حرب بيننده اولان حرب وابو سفيان
ايله فخر عالم ميانلرنده اولان وقايع كتب سيرده مسطوردر ومعاويه ايله امير المؤمنين
علي مرتضي نك احوالي صحايف روزكارده مزبوردر ويزيددن امام حسين حقنده صادر
اولان ظلم بي داد وافعال پر فساد بي داده ايكي سبب واردر اولا بيعت يزيددن
اباء وتفرقي ويدرنه عدم انقياد ومتابعتي ثانيا عبد الله زبيرك بر جميله ومشكله
خاتوني وار ايدي كه صباحت وملاحتده ثالثة مهر وماه وعفت ودياننده ثانيه
عصمت وبنا ايدي صداي نقش زيباسي حجاز وعراقه طولمشدي وآوازهٔ جمال بي
همتاسي بزرك وكوچك ميانلرنده اشتهار بولمشدي اتفاقا يزيد عاشق دلداده سي
وخدنك محبتنك افتاده سي اولدي   بيت   مخبر عاشق جمال توم لاجرم وطالب وصال
توم   يزيد پليد   مكر وكيدلي وحيله وخدعتي اول دايره ايله كوردي كه ابن زبير
بي سبب خاتونه طلاق ويردي مخدورهٔ مرقومه نك نامهٔ حالي ما هذا الا ملك مغري
عنوانيله معنون ودامن عصمتي لوث تهمتدن پاك ايدوكي حسن زليخا كبي مشهور وروشن
ايدي يزيد خاتون فرخنده خصالك كردن حالي عقد عقد نكاحدن خالي اولدوغن
كوش ايتدكده ابو عيسي اشعريه وكالت نامه كوندرت خطبهٔ نكاحنه راغب ودولت
وصالنه طالب اولوب عقد تزويج انتظام وعقد مناكحت استحكام مراد ايدندي بركون
ابو موسي اشعري اول آفتاب عالمتابي بيت الشرف ازدواجه كتورمك سوداسيله تحت
معهوده نيت وجانب مقصوده عزيمت ايدوب كيدركن عبد الله بن عمره راست كلدي
قنده كيدرسن ديو سوال ايلدي ايتديكه مطلقهٔ ابن زبيره كيدرم اكر رضا ويررسه اصالة
وبا وكالة نكاح ايدرم ابن عمر ايتدي اصالتك معناسي مفهوم اما وكالتك مقتضاسي غير
معلومدر ايتديكه اصالة نفس نفيسم ايچون استرم ووكالة يزيد ايچون ديلرم ابن عمر

ایندی بنم قبلمدن دخی سویله‌ ایرتزوج تجویز کوریلورسه سلکا ازدواجه کتخدا کرسی
ایله بعده امام حسین نه طلاق اولدی قنده کیدرسن دیو صوردی کیفیت حاله
واقف اولدقده بنم دخی وکیلم اول دیو بیوردی **القصه** خانه خاتونه وارب
سلام ویردکدن صکره کتاب مرموزاتدن ورق کردان ورساله کنایاتدن
سبق خوان اولدی خاتون ایدیکه ای ظراف دار الفرب عبارت وی ناقد
جواهر فصاحت چهرهٔ مخدرهٔ رموزدن رفع نقاب وعذار عذرای کنایاتدن
رفع حجاب ایدب جواهر مقصودک کان فکرتدن بازار مقاله وزر مرادک
معدن فرحیدن بوته قاله کتور ایدیکه ای بانوی حجلهٔ ناز وی مخدومهٔ حجلهٔ
اعزاز ارباب مراتب سامیه واصحاب مناصب عالیه‌دن دورت نفر رجال معتبر
شرف مقارنتکه طالب وعقد مواصلتکه راغبدر دورت حضوره عرض اولنسون هر
قنقسی ارتزوجه لایق وصالح ومیزان ضمیر کزده سنجیده ورایج کورنورسه اشارت
بیورک حمیم جاندن خدمت ایده‌لم وانواع افراح وابتهاج ایله لوازم ازدواج
مباشرت ایلیم ایدیکه اسم ورسملرین بیان ونام وشهرتلرین عیان ایله ایتدی که
اولی بر فقیر قلیل البضاعت ایکنجی یزید صاحب مکنت اوچنجی ابن عم عالی همت
دوردنجی امام حسین کرمی سیرت خاتون ایتدی ابن زبیر بکا بی جرم وگناه
طلاق ویردی وخواه وناخواه شرف صحبتدن آیردی تنها اولق مناسب دکلدر
قدم الفا استقامت وعنیم حاد صباحت ایکن حجلهٔ زفافده جلوه ساز اولمق سودای
سویدای ضمیرم وخانهٔ ازدواجده احتراز قلق داعیهٔ خاطر کسیرمدر خلوتخانهٔ رحمدن
کاشانهٔ وجوده خرام ایده‌لی شهد عمر دن داد القدم وبوروزکارده ذورق
مرادی دریای مقصوده صالمدم هنوز چهرهٔ آمال برقع موانعدن یوز کوستر دیکی
وکام دل ایله دست مطلوبه دسترس بولق خاطرمسی ال ویرمدی اما سنک سنبل
زار عذارک سمن ویاسمن ایله طولمش وصدف حانک لالی منتظم الاحوالدن خالی
اولمش آفتاب عمرک معدل النهار کهولتدن تجاوز اتمش کل خسارکدن طراوت

ونضارت کتمش بکا مناسب دکلسن ست طبع دامن امیلدن چک وتخم یاسی زمین
زاغته اک تاکه مرضی غرضدن بری الصحه اولوب **وشاورهم فی الامر** مقتضاسنجه سنکله
مشاوره ایده‌لم وهر برینک عواقب کارندن وخاقب کردارندن خبردار اولوب
موجب ومرجح اولان طریقه کیده‌لم ابو موسی انصاف ایدب ایدیکه **م** تشریف وصالکه
باندازه من نیست خاتون ایتدی پس بو اوچ کمسنه‌دن قنقسی ایچون معاشرت
وموانسته قنقسی مناسب وصالحدر ایدیکه اکر تحصیل مکنت ومال وجاه وجلال واستیفای
لذت معاشرت واستکمال عیش وعشرت واستخدام جواری وخدم وغدوده امانی عالم
اولق مقصودک ایسه تهر جلالت پناه یزیده قرار ایله اکر جوان صاحب جمال وعابد
اهل کمال مرادک ایسه ابن عم عالی مقداری اختیار ایله اکر علیهٔ نسب طاهر ایله
اراسته وپیرایهٔ حسب ظاهر برله پیراسته حسن وخلقله معروف ولطف وحلم ایله موصوف
محاسن ذات بهیه ایله یک دانه صدف جهان ومکارم اخلاق سنیه برله مشار بالبنان
مرد عالی همت ومعالی رتبت استرسک امام حسینک خانهٔ سعادت آشیانه‌سی
خدمتکاری وحرم محترمی پرستاری اولمغله افتخار ایله که عروس فاطمه زهرا وخدیجه
کبرا اولدقده عکدن غیری موجب رفع درجات دنیویه ومثمر نتایج سعادت اخرویه‌در
بن حضرت رسالتدن کوش ایتدم وکوش هوشمه منکوش ایتدم ایتدی هر زن که
حسینک محل استیناسده جسم شریفنه مماس اولوب عقد ازدواجی سلکنده انتظام بوله
اتش دوزخ دیران برزخ اکا حرام اوله **بیت** شاه زمانه درشو که قولدر جنابنه
ازاده در او بنده که ایره رکابنه **نظم** خاتون فرخ فال تدارک مالی اتدی وایتدی
مقرردر که دنیانک مال ومنالی وجاه وجلالی فانی‌در وحق تعالی بو جاریه‌سنه
عطا قلدوغی نقود وجواهر ارذل عمره دک کافیدر حضوصا ارباب اولی الابصار
واصحاب معالی اعتبار یانده در قیمن زاکی سنه قیمت ویاقوت رنکین الانفت
کم رغبتدر فی الحقیقه درهم ودنیا زمانه نقش ونکار وادنی زمانده الدن کتدکی
انوار انجاردن روشن وانهار بهاردن معیندر وصاحب حسن وجهاد فی لذت

قريب ده بيرز دجمالِ جميل خلل پذير اولدوغي مقدار **بيت** پيرلك ايررد منلره
ناتوان اولور جوان • رونق باغ وبهاري دفع ايدر فصل خزان **نز** پس خدمت
اهل بيتي قبول ايدوب امام حسينه نكاح اولنمغه راضي اولدي • دولت ابديه وسعادت
سرمديه يه دست رس بولدي **بيت** هر بنده كه خدمت او اختيار كرد • او را خدا
دردو جهان بختيار كرد **نز** وقتي كه بوخبر سمع يزيده وصول بولدي • مباني بغض
وعداوتي مشتد • واحكام حقد وحسد موكد اولدي • واتديكه ابن زبير خاتون مطهرة
طلاق ديركه بو جا بندن نيجه مكر وتزوير وحيله وتدبير اولندي لايتعدد كه بزم حقوق
حرمتمز رعايت ايتمه • خاتون مزبوره يي كندويه نكاح ايليه **بيت** بويله در عالم ايچره
كار فلك كمينه يمك كيمنه اكك • پس عداوت فرعي سبب مخالفت احيا واتحاد اولوب
اول افتاب اسمان كرامتك افق بلاده افوالنه اقدام • دكل بوستان ولايتك
عواصف انتقام ايله ذبولنه اهتمام ايدوب آخر كار خاك كربلاده هزار كرب
وبلا ايله بي آب وبي تاب شهيد ايلديلر **قطعه** دايم رجعي ديدهٔ ما آب مي رود •
بهر نهال تشنهٔ صحراي كربلا • اي دل فغان برآر كه درمانده كشته است • شهزادهٔ
دو كون بغوغاي كربلا

سكزنجي باب

مسلم بن عقيل بن ابي طالب الاف صحابت ايله شهيد اولدوغني بيان ودفرزندان سعادت عنوانك اصناف نوايب ايله معرض هلاك اولدقلرين بيان ايدر اول هماي هوا
سيادت • وافتاب سماي سعادت مقتداي زمرهٔ **يجاهدون في سبيل الله**
پيشواي فرقهٔ **فاتبعوني يحببكم الله** شهسوار معركهٔ **جاهد الكفار والمنافقين**
صف شكن ميدان **واعرض عن المشركين** شاه ملك سپاه • فلك پناه • **بيت**
اي حق ترا ستوده واحمد نهاده نام • جانها فداي جان تواي سيد الانام **نز** يعني
سلطان سرير اصطفا محمد مصطفى • صلوات الله وسلامه عليه وعلي المقربين لديه حضر
حضرتلرندن منقولدركه **ان العبد اذا سبقت له من الله** تحقيقا بر بنده يه وجاب
علي الاطلاق قبلندن تقديم اولنمش اوله **منزلة لم يبلغها بعمله** بر منزله كه كندو عمليله

اكا ايرشمك ميسر • دبر مرتبه كه سعي وكوشش برله نيلي متصور اولميه • يعني بر بنده كه ازل آزالده
لايق كوريلوب نامنه بر درجهٔ عليا به برليغ وصول تحرير • وبر مرتبهٔ اسنابه توقيع حصول
تسطير اولنمش اوله • اول محض فضل الهي • وعنايت ناعتناهي دز داول عزت وكرامت كه
مقرر ومقدر اولمشدر • اول درجه نك عظمتي واول مرتبه نك رفعتي اول مشابه ده دكلدركه
اقدام اعمال ستوده برله وصول ميسر اوله • پس قدرت پر حكمتك اقتضاي سعادت
ازاسندن دركه **ابتلاه الله** خدا ابتلا ايلر اول بنده يي دولت وسعادت بولوب
اول مرتبه ومنزلته ايركورمك ايچون **في جسده** انك جسمنده يعني انك جسمن امراض
واسقام • واوجاع وعلامة كرفتار ايلر **او في ماله** يا مال ومنالنده يعني مالن معوض
تلفه ايركوروب قدرت ومعتدن جدا ايلر • بلاي افلاسه مبتلا ايدوب محتاج دل اغوا •
ايدر **او في ولده** يا اوغلنده امتحان ايلر يعني كل كلزار دل خزان فنايله پر
مرده • وپرتو چراغ چشمن صرصر فواد برله مرده قيلور **ثم صبره علي ذلك** پس اول بنده
بلا رسيده يه توفيق شكيباي ارزاني بيوروب انواع بلياته صابر • وتحمل اصناف
اذيات ادوزره مشابر اوله حتي بو واسطه برله حكم ازليله سبقت ايدن رفعت
ومنزلته • وديوان لم يزليده مقدر اولان منصب وعزته ايرشلرر • امداي انبياي
عزيزه دي خلقان صاحب نيمز • بو جهان بي ثباتده • وبو دار بي افاتده دردو بلايه
وريح وعنايه كرفتار اولميجه • دار الشفاي آخيدن غربت راحت ويرلمز • بزم
ملازمتده • ومجلس خدمتده شمع كردار جان اريدوب زار ودلفكار اولميجه مراحم
عليهٔ پادشاهي يه ايرلمز • مراتب رفيعه • ومناصب منيعه زاويهٔ محنت مجاور اولنكلدر
مثنوي هر بلاي را عطاي باوي است • هر كدورت را صفاي دري است •
زير هر رنج است كنج معتبر • خار ويدي چشم بكشا كل نكر **نز** پس بو معنيدن دركه
هر زمانده خيل سيل محنت خان ومان انبيا واولياي يقرز • دهر آنده شرار آتش
شفقت جان ناتوان صلحا واصدقاي يقرزوب جان ويرمك عشقله جانان اله
كيرمز • زار اولميجي درد له درمان اله كيرمز **نز** پس مرد راه وجوينده قرب آله اولور كه

تیغ قضادن یوز دوندرمیوب هر امری امر حضرت حق وهر کاری فعل فعال
مطلق بلوب کام جاننده اولان مرارت بلاڭ شکرایله تحوایلیه وسپهر خاطرندن
غمام غمومی هوای صفا ایله محو ایلیه قطعه دردام هوای تو گرفتار منم غمهای ترا
بجان خریدار منم جان بازی عشاق اگر هست هوس اول که قدم نهد در بکار
منم روح ارواحه کتور مشلردرکه عزیزلردن بری عیادت بیماری ایجادت
بلوب بر درویش دلریشی و بر مریض پر تشویشی کوردیکه واردیکه انواع الام مکرّبه
گرفتار واسقام متعبه یه مبتلا وزار اولمش بر سبیل تسلّی ایتدیکه ای درویش اهم کم
دوستک بلاسنه طیب خاطر ایله مصابرت کوسترمیه دوستلق دعواسنده غیر صادقلر
درویش ایتدی ای عزیز بو امرده غلط ایتدک هر که دوستک بلاسنده علاوت
ذوق ولذّت شوق بولمیه نیجه عاشقدر مثنوی هر بلا کز دوست آید راحت است
وان بلارا دردلم صد منت است ای بلاهای توارام دلم حاصل از درد تو شد
کام دلم درد عشقت را خریدارم بجان جانم از درد و غمت شادان بود
وز بلایت سینه ابادان بود درد باشد چارهٔ درمان ما درد می بخشد سر وسامان
دردکان درعشق جانان بود درد بنود مایهٔ درمان بود بو معنیه حدیث رسول
ناطق وبو مدعایه گفتارینی شاهد صادقدر لیس بمؤمن مستکمل الایمان من لم
یعدّ البلاء نعمة والرخاء مصیبة یعنی هر مؤمن مستکمل الایمان اولمز مادام که بلای
نعمت ورخاسی مصیبت بلمز ومرارت بلاده حلاوت بلمز مثنوی نه ممکند زاول
ایمان کامل اگر کم مهر حقده اوله غافل دله خرّمی انس اولمق گرکدر غم ودردی
جلیس اولمق گرکدر مرد عاشق ومحب صادق اولدر که میدان بلاده چوکان
قضاسزلی ساماننی کوی کردار هر جانبه کردان اتسه باعث ازدیاد ثبات
ووداد ایله وجسم ناتوانتی مقراض عنا ایله قطعه قطعه قلسه قطعا تغییر وضع
ایتمیوب بلکه موجب مواصلت واتحاد ایله بو کلماتدن مراد ابتلای ال عبادن
بر ذره عیان وبو مقالاتدن غرض شداید اهل بیت سید الانبیادن بر شمه

بیان ایتمکدر عبد الله بن مبارک ایدرکه عازم حرم بیت الله اولوب تن
تنها بر سبیل گذر توکل کن ناگه مانند ماه چاردهٔ اون ایکی یاشنده بر جوان
کوردم کو خال سیاه رنگینی درون لالهٔ نعمانه داغ حسرت اورمش وزلف هندوسی
عسکر رومه داودی زره کیدرمش رشک عارض دلفریبندن افتاب لعظرابده
وشرم طرهٔ پریشانندن سنبل پیچ وتاب ده ایدی جمال پاکی الی غیرت ماه تابان
ومانند افتاب تک تنها پویان اولمش سبحان الله نه شهسوار درکه پیاده
اولمش ونه شهزاده درکه قیود تجملاتدن ازاده اولمش شعر این کیست این این
کیست این این یوسف ثانیست این یا نور ربانیست این یا فیض سبحانیست
این نز بمدار اقدام ایله یانه ایردم لب ادب ایله سلام ویردم وایتدم که ای
محبوب القلوب کیمه تابع ومنسوب سن ایتدی بندهٔ خدایم ورضاجوی خالق
ارض وسمایم ایتدم قندن گلوب قنده کیدرسن ایتدیکه من الله والی الله دیدم که
نه طلب ایدرسن ایتدی داعیهٔ فؤادم رضای خدا ومنفور فؤادم ماسوادر
بیت نه بلاسندن محجوب نه خود وناسی کوزارم ماسوادن کوریوموب دایم
رضاسی کوزارم دیدم که نامک نه در احسان ایله ایتدیکه قطعه قوبلدن بو نه الاه
جانم ارتدم نارعذده نقد جسمی فنا شهرنده شول فلک حقیرم وجودندن نه رسمی
وار نه اسم جون نامکز عیان ایتمدکوز باری نه قبیله دن اولدوغکز بیان
ایله دیدکده دل الم کشیده سندن هزار درد ایله آه اتدی ودیدهٔ غم دیده سندن
سرشک حسرت اقتدی وایتدی نحن قوم مظلومون زستم والم کورمش نحن قوم
مطرودون بر وطن ومسکنندن سورلمش قبیله وز نحن قوم مقهورون بز
شباک قهر اعدایه وکمند کید اشقیایه گرفتار اولمش طایفه یوز ایتدم که بو کلامک
اسلوبندن نام قبیله مفهوم وبو بیانک تقریرندن مراد نز معلوم اولمدی
برنیجه بیت اوقدی مضمونی بو معنی شعر ایدی که سقات حوض کوثر وکفات دیوان
محشر کم که بزی دعاسنده یاد ایلزه مقام نجاته واصل اولور وبزه محب صادق

اولنلر وکلی غایده مزحاصل اولور • وبر کان حضرت رسان اولنلر دیوانی نه قضا
ومحکمه جزایه • واردقلده اعمالنه لایق جزاسن بولور • وافعالنه موافق سزاسن کورر •
بس بری وار نظرمدن غایب اولدی • بوذات سعادت ایات کم ایدوکن بلدوکم
سببدن بادیه حمیرم خار مغیلان تأسف ایله طولدی • اتفاق مکه معظمه یکلاکره
مطاف شریفده اعیان ناس حلقه اولوب برشخص مردم دیده مثال اورتیه السلر •
علاوت تقریرنه ولذت تفسیرنه حیران اولوب قالشلر • یاننه واروب کوردمکه
اول جوان سخن ور دفضایل پرور درکه کلور کن شرف ملاقاتنه • دودلت مقالات
ال ویرمشدی • دقایق کلام قدیمدن • دحقایق احادیث رسول کریمدن سؤال اندکلرنجه
زبان تحقیق • ولسان تدقیق برله نجه عقده مشکله حل ایدردی • ومسایل معضله سی
کشف ایلردی انک کبی مسایل مشکله که **بیت** عقده سی حلنده عاجزدر فحول نقطه سی
شرحنده سرکردان عقول **نظم** مقتبسان انوار فوایدک • وملتمسان اثار عوایدک •
بریندن سؤال ایلدم که • بو جوان فصیح اللسان وملیح البیان کیمدر • ایدیکه مفخر آل عبا • قرة
العین شهید کربلا • سردفتر مظلومین امام علی بن حسین که لقبی زین العابدین در •
هماندم ایلرو واروب ایادی کریمه سن اوپوب کوزلرمه سوردم • ورو مسعود ینی
پای فرقد پایه سنه اوردم وایتدم • یا ابن رسول الله اهل بیت رسالت پناه •
مقهور ومظلوم • ومهجور ومهموم • اولدقلرین کیاد ایتدوکوزه فی الحقیقه بوامت
هیچ برجماعه بونوعله جفا • وهیچ برقومه بودرجه اذا قلدیلر کم اهل بیت رسالته
ایلدیلر • قید حیاتده انلرک کمی قرین بلا ومحنت • وکمی همنشین جفا کربتدر • و
ممالک عراق وخراسان • وسمرقند وصفاهان • تاأقصی ترکستان • سیف حیف
ایله خاک اولنلرک مشاهد منوره سی • ومراقد معطره سی ایله مشرف اولمشدر • وهر
دیار برنامدارک مدفن رحمت مداری • وهر کنار برصاحب اقتدارک تربت
جنت اثاری ایله تزیین تام بولمشدر **نور الله مرقدهم بغنا دیل الرحمة والغفران**
وعطرها بنسیم الانس من حدایق بهشتهم رحمهم برحمة منه ورضوان • وجمله اولاد

داتباع سید المرسلینه اولان اذیات عجیبه دن وشهیدان اهل بیت طهارت
آیینه یازیلین حکایات غریبه دن • بری قصه هر عفنه مسلم عقیل درکه ارسال ایدوب
اکر اول طرفه وارهم • سوی الیه جایز کورورسه بروجهی متوجه اولا وزدیوا اعلام ایلشلردی •
مسلم هنوز برمنزل روان اولمدین ناکاه جانب یمیننده • برصیاد قوده کوردکی
آهوی سکینی طوتوب اوکنده ذبح ایتدی • مسلم بونی کوردکده سفردن فراغت
ایلیوب حضور امامه واروب قصه آهو وصیادی تقریر ایتدی • وایتدی • یا ابن رسول
الله بوفالی متیمن • وبو حالی مستحسن کورمزم • وغویلغلی ایدرم که بو شجره عزیمتک
ثمره سی بار محنت • وبو مزرعه رحلتک حاصلی خار مشقتدر **بیت** من اول روز دانستم
بهمان خانه عشقت • که جز خون جکر خوردن غذای نیست درخوردم **نظم** اول حضرت
ایتدی ای یار غمخوار ودی دلدار هوادار شهباز جواد ندن طایر خاطرک رمیده
وترسان • وبازو قایعدن مرغ ضمیرک خایف وهراسان ایسه آخر کسه تدارک
ایده لم زیرا سرمنزل مراده پای خشیت ایله ایرلمز • وطریق مقصوده مجاهده قلیجه
مشاهده ویرلمز • هر کار خطیرده وهر امر عسیرکه صدور ایده دست اعتصامی حبل المتینه
توکله اوردق کرککه کشاکش روزکار وزور کاردن امین اولنه **وافوض امری الی الله**
سراپرده سن ساحت ضمیرده قوردق کرککه • تاب آفتاب حوادثدن سالم ومطمئن اولنه
بیت اسب توکله شوکنی کم اوله سوار • حیدسعادت دو جهانی ایده شکار **نظم** مسلم
ایتدی بو بنده بی ریا • دایره فرمانکدن بیرون اولمق احتمال بعیددر • وخدمت
موجب الزمکزدن یوز چورمک فعل غیر سدیددر • وبو قطعه نک معنای صداقت
افزاسی نصب العین ضمیر کبیرم • ورشته اتحاد خاطر خاطریدر **قطعه** ایرنجه کلشن مقصوده
راهم • یوروییم صوکبی فرسنک فرسنک • یوزم دو ندر میم بریکا هرکز • اکر بولده خار
اوله وکرسنک **نظم** لکن اینه ضمائده مشاهده صورت اتصالی من بعد ایکونلکن
کلدم که صورت حالی تصویر ایدم • بردخی دیده می انوار دیدارک ایله پرنور دسینه می
مشاهده رخسارک برله سرور ایدم • وشرایط وداعی کاینبغی ادا ایدب کیدم **شعر**

شعر وداعت می کنم جانا وداع آخرین در دل ☼ اگر چه می روم در قصه دارم قصهٔ
مشکل ☼ ندارم طاقت دوری ندارم تاب مهجوری ☼ عجب در دیست بی درمان عجب
فکریست بی حاصل ☼ بود حاصل مراد من گرت بینم ولی دیده ☼ چه سان آید ز مهجوری
بخون اغشته زیر گل نثر امام فرخنده مآثر گریه کنان دعای خیر برله نوازش خاطر اتدی
مسلم عقیل دخی گریان و زار تراب اعتزابه یوزاورب کندی قطعه می روم از سر حسرت
بقفا می نگرم ☼ خبر از پای ندارم که زمین می سپرم ☼ پای می پیچم و چون پای برم می پیچد ☼
بار می بندم و از بار فرو بسته ترم روایت ایدرلر که مسلم عقیل مدینه یه وارب سلطان
الانبیانک ☼ زیارت تربت جنت رتبتلریله مشرف اولدقدن صکره خانه سنه واردی ☼
ایکی کوچک فرزند دلبندی وار ایدی که هر برینه محبت ایدردی ☼ و جان عزیزندن
زیاده سوردی ☼ شاید مغار قتلرنده مصابرت دشوار اوله دیو همراه ایدینوب
سایر اهل و عیالنه وداع ایتدی ☼ وایکی دلیل دوتوب جانب کوفیه کتدی تقدیر الهی
مسالک راهی ☼ دلیل سبیل اولنلر بادیهٔ قلوب تشنه لک تشنه سیله بیابان حیرتده جان
ویردیلر ☼ دلالت اجل برله سر منزل فنایه ایردیلر ☼ سلک واولادنک بدرقهٔ عنایت
ربانی دلیل ☼ ورهبر هدایت صمدانی هادی سبیل اولوب چشمه سار حیاتده حیاتدن
ال یومق معین ایکن هزار محنت ایله عین آبه ییتدي ☼ و آتش افتراق ایله یانوب
یقولوب ایتدی قطعه می زنم هر نفس از درد فراقت فریاد ☼ آه اگر ناله زارم نرساند
بتو باد ☼ چه کنم گر نکنم ناله و فریاد که من ☼ از فراق تو چنانم که بد اندیش مباد نثر
منهل آبدن قالقوب شهر کوفیه واصل و دار مختار دیکله مشهور خانه یه داخل
اولدیلر ☼ دوستان هوادار ☼ و هواداران غمخوار خبردار اولوب یانینه جمع اولدیلر ☼
اول صدر الکتاب صحیفهٔ امانتک ☼ و فصل الخطاب جریدهٔ کرامتک ☼ مناظم اقلام گوهر
باری ☼ و مقاطر ارقام درر نثاری ☼ اعنی کتاب بلاغت آثاری ☼ و خطاب فصاحت
دثاری استماعنه کلکبی سرتاپا چشم اولدیلر ☼ اثناء همایونک مطالعه سندن دماغ
شرف متو ونک مشاهده سندن ابیات افتخاری اوج فرقدینه و الویهٔ مباهاتی

ذروه

مطلب في تعریف الکتاب

دروهٔ غیرتینه ایرکوردیلر ☼ اقامت وظایف ترحیب و تعظیم ولوازم شرایط ترحیب
وتکریمدن ☼ دقیقهٔ نامرعی قومیوب ☼ فرمان واجب الاذعاننه اطاعت ایتدیلر ☼ و
هزار متابعت و رغبت ایله اول حضرته بیعت ایتدیلر ☼ حال بو منوال اوزره اولیجق
مسلم نامدار ☼ امام معالی اعتبار حضرتلرینه کتاب صنایع دثار ☼ و خطاب بدایع
آثار ☼ و خطار رسال و ایصال ایتدی مثنوی عطارد وار رجت و خامه رانده ر ☼
زحل کبی زکی و نکته داندر ☼ خطوط حل جوهر و منثوره حمر ☼ کلای لولوی منظومه بکزر ☼
مضمون جلالت مقرو ننده ایدیکه اعیان کوفه بو بندهٔ صانع العقیده یانینه
کلدیلر ☼ اساس متابعتی تمهید ☼ و مبانی مبایعتی تجدید قلدیلر ☼ آثار صدق و صفا ☼
صحیفهٔ عقیدتلرندن ظاهر ☼ و انوار مهر و وفا خورشید ارادتلرندن طالع و باهر ☼
هر مقام موافقتده مقیم ☼ و جادهٔ هواداریده مستقیم لردر ☼ ما مولدر که ورقهٔ
اخلاص ورقای اختصاص ایله وصول بولدقده سمند اعجاله عزیمت ویریلوب نعل
عزیمتی آتش تعجیله قویه سز ☼ و حمت حمایونی مانند ماه و مهر شب و روز قطع منازل
وطی مراحله صرف ایلیه سز بیت اقبال مطیع و بخت یارت بادا ☼ توفیق رفیق
روزکارت بادا نثر بو مرز و بومی قدوم فیض رسومک ایله آباد ایدوب انوار
دیدار مسرت آثینک ایله روشن وازهار رخسار معدلتک برله کلشن ایده سن بیت
ای خوش آن روزی که از الطاف رب العالمین ☼ وصل تو روزی شود ای الله خیر
الرازقین ☼ و کافهٔ اعیان کوفیان ورود سعادت مورودکزه منتظر و اهل
امامت و خلافت وجود فایض الجودکزه مفتقردر بیت نظام مملکت سلطانتز
اولمز ☼ بو نعود ذوق صحبت خالتز اولمز العقصه بو جانبده نعمان بشیر که یزید قبلندن
اهالی کوفه یه میر و مشیر نصب اولنمشدی ☼ بو معنیدن متنبه ☼ و خبیر اولوب اعیان
کوفهٔ جامعه جمع ایدوب کندو منبره چقوب ایتدی ☼ ای اهل کوفه دایما طریق هوایی
قویوب جادهٔ عناد و فساده کیدرسز ☼ و علی الدوام الفتنة اشد من القتل
وعیدندن غفلت ایدرسز ☼ شول مخالف خلاف که زمین فتنه یه دکرسز بالآخره

متمرغ اقتدر · وایقاد نایرهٔ فساده که مباشرت ایدرسز · عاقبت الامر منتج ندامتدر ·
زهرکیا دیکن مهرکیاهدر · جام نیش جونی شربت نوش ایمز · نجوه فلادن شرم
اتمیوب اهل وعیالکزه شفقت · ونفس نفیسکزه مرحمت ایتمزسز · بر کاره کم خامت
عاقبته مباشرت ایدرسز که مستلزم بلادر · وبر فعل اسادت خاتمته مشارعت قلورسز که
مستوجب سفک دمادر · بن خودسزکله جنک وجداله مبادرت · وفتنهٔ نایمه نک استیقاظ
وانتباهنه مباشرت اتمزم · اکر صادر اولان جرائمکزه استغفار ایده سز انظار وعفو
وصفحه منظر واقع اوله سز · شویله که برقرار سابق کند شر وشوره تابت وتیغ فتنه وفجوره
آب ویره سز · کردارکزک جزاسن بوله سز · چون نعمان وعد ووعید · وترهیب
وتهدید ایله کفتارن آخر اتدی · منبردن اینوب دار الاماره یه کتدی · بلدهٔ کوفه دن
اصدقاء یزیددن معدود برنجه حسود · مکتوب خدعت محجوب تحریر اتدیلر · واجماع
شهرک مسلم عقیله متابعتی · وامام حسینه اجون بیعت ایلی تصویر اتدیلر · وایدیلر
بو دیار ده بر اهل کیاست · وصاحب سیاست · شهامت وجسارتده سام سوار
ایله شریک العنان · وحمیت وشجاعتده شیر شرزه برله رضیع اللبان · وبالجمله تدبیر
کبی هرات ایله معروف · ودیر صفت راست روک برله موصوف برحاکم ایله کفایت
مقداری عساکر ارسال بیوریله که کما ینبغی شرایط حفظ وحراست ولایت · ولوازم
مراسم ضبط وحراست مملکت رعایت اولنه · زیرا نعمان بشیر ضعیف البال وخفیف
التدبیر کسنه در · مکتوب مرقوم واصل ولد قده · یزید مفهومن معلوم ایدنیوب
سرجون رومی که مدبر مملکتی · ومدار علیهٔ امارتی · وبالجمله تدابیر بلاد ده ارای صایبه
منفحر · وتسخیر عباد ده افکار ثاقبه سیله مستظهر · وزیر مشیری · ونصیر وظهیری ایدی
خصوص مرقومی مشاوره اتدی · وزیر مشار الیه ایتدیکه علم عالم آرایه مخفی وضمیر
مشکل کشایه مختفی اولمیه که بوکار عظیمک · وبو خطب جسیمک علی وفق المراد درجسب
اجتهاد حقندن کلک عتبهٔ خلافت پناهک وسدهٔ امارت دستکاهک بنده
زندن عبد الله بن زیادک همت عالی نهمتیله حیز پذیر درکه · اقران وامثالی

بیننده

بیننده اجتهاد موفور · وسعی مشکوری برله مذکوردر · وبومقوله عقده مشکلاتک
انحلالی انامل تدبیر اصابت پذیرینه مربوط ومحصوردر · ایالت کوفه دنی اکا تفویض
اولنسون · فی الحال بصره دن قالقوب کوفه یه داخل · وزیر روشن ضمیره تحسین
اتدی · وحسن تدبیرینه آفرین اوقیوب ایتدی · رای زرینی ایله ممهد بنیان
سلطنت وتشیید اساس مملکت سن · پس ابن زیاده فرمان ارسال اولندی مضمونی
بوایدیکه · سنک شجیع خرده بین · ودلیر خرم آیین · مدبر خصم شکار ومقدام مصلحت
کذار مدقق کاردان · وجری الجنان · وواثق العهد · وصادق الجهد · ثابت الاقدام
وشدید الاقدام · حسن اعتقادم ومحل اعتمادم اولدیغی · یزید مرام علیم · ووفور مکارم
حلیم ظهور کتوروب ایالت ولایت کوفه نی تقلید وتفویض ایدوب · وحل وعقد جمهور امور
قبضهٔ تصرفاکه تعیش اولندی · اهل کوفه کرکه کند واد ملکدن مدرک ومقتدر بر
مرد معتمد علیه تدارک ایدوب برکه قایم مقام نصب ایلیوب ویانکه کفایت مقداری
آدم تعیین ایده سن · وسن عسکر نصرت مجرا ایله علی الفور خطهٔ کوفه یه کیده سن · ولوازم
ضبط مملکتده مقدار طرفة العین تکاسل ومراسم حفظ سالکده طریق حزم ده تغافل
ایتمیه سن · ومسلم عقیل اول دیاره وارمغیله فتنهٔ عظیم حادث اولمشدر · واختلال
بلاده · وتشتت قلوب عباده باعث اولمشدر · حل حتمی وکل نیتی اولدرکه حسینی
امام عالمیان · ومقتدای جهانیان قتل · نام کوس خلافت · واداء حکومتی حجاز وعراقه
صلا اصل · اهلی امان ویرمیوب بلا تأخیر وتسویف معرض هلاکه ایرکوره سن · ودرختر
اثری که رأس المال حیاتی در قطع ایدوب علی التعجیل باب خلافت نصابه کوندره سن · وقتی که
تسطیر اولنان مکتوب پرشور · برید یزید ایله ابن زیاده ایردی مهرن کوتوروب
مطالعه قلدی مفهومنه مطلع اولوب وفور سروردن یوزنه کوزنه سوردی · فی الحال
مثال یزیده امتثال ایدوب تهیهٔ اسباب رحلت · وتعبیهٔ مهمات مسافرتده اقدام واهتمام
ایدوب کیمنک صددنده ایکن ارباب غرض واصحاب حسددن بری ابن زیاده وارب ایتدیکه
امام حسین سلطانم بنده سیله بصره نک روسا واعیانه · ونقبا وارکانه مکاتبات

محبت ابيات ارسال ايتمشلر • هر بريك مضمونندن انشاء الله عن قريب جانب كوفه
عزيمت معين • وداعيهٔ مسافرت مبينلر • يا رسول الله خواه دلخوارى اشتباه • اونلر
همت معهوده • وتلقاى مقصوده عازم اولهلر • وخطهٔ كوفه جولانكاه بكران امامت
پناه جارم اولهلر • بنم اقصاى مرادم انتظام سلك ملك وملل دقصار اراى ماية الفوادم
التيام احوال اصحاب بخلدر • هركم اجابت ايدر لاريب طريق مستقيم كيدر • حاشا كه
طرق باطليه دلالت • وامور عاطله يه دعوت ايليم قطعه هركه او راه راست مى طلبد
كو بيا رو بجانب ما كن • قدمى در حديقهٔ دين نه • روضهٔ قدس را تماشا كن نثر چون
ابن زياد بو حاله واقف اولدى • ومضمون مكاتبه عارف اولدى • حاندم سلمانى كتوروب
انواع وعد ووعيد • واصناف تأكيد وتهديد برله اقرار ايتدوردكدن صكره مكتوب
ايراد اتدوكى آدملرى واعيان شهرى جمع ايتدى • ونايرهٔ غضبى ملتهب • واندام نى اندامى
سوى آتش ديده مثال مضطرب اولوب ايتدى • فاهد امام حسين ايراد اتدوكى مراسلهنك
مضموننى بدايت بيا مدرج نهايت تم الكلام ذكر بالتقرير • وخامهٔ تعبير ايله سرلوحهٔ ضميره
تصوير اتدى • امدى خبير واكاه اولهلر كه هتك اعراض معاندين • وسفك دماء حضرت
آيين ده پدرم زياددن زياده • دواما دفع مرام ظلم واعتسافده • واهنگ جنگ وجدالده
آماده يم • حالا مزيد عنايت يزيد ظهوره كلوب ايالت ولايت كوفه بو بندهٔ نى
منتلرينه همت • واول جانبه دار بسلم عقيلى دهواداران حسينى معرض هلاك ايره
كورمكه اشارت اولنمش • ياران علم السحر انواع فر وكر ايله اول خط خلافت مقرجانبنه
كيلدرم • وبرادر فرخنده منظرم بيرومه دلى الامر نصب ايدرم • شويله كه امر واجب
الاتباعنه عدم التفاتكز • وامام حسين جانبنه رغبت ومتابعتكز استماع اولنه سيل
بلا دورمانكزه • بر حيثيت ايله استيلا بولكه • بند تدبير ايله منسد اولميه دعواصف
جفا خاندانكزه بر مرتبه ده هبوب ايده كه مثال علاب ريح عقيم قابل رد اوليه مثنوى
بكسونهم مهرو آذرم را • بجوشلى ودرم كينهٔ كرم را • كسى كو درآيد ز روى ستيز • من د
كردن او وشمشير تيز نثر اكر سالك مسالك اخلاص اولهلر • مزيد عواطف يزيد برله مراتب

سايه

سايه يه دست رس بوله لر • بس سلمانى موقف سياسته كتوردلر • جوهر روضهٔ كوهر تيغ
ابدار ايله ازدواج ويردى • ونامه ايراد ايتدوكى احباب صداقت آيينه انواع حقارت
اتدى آخر جبر وقهر برله بصره دن اخراج ايدوب شهر كوفه يه ايلتدى • بو قصه جبر عنت
تاريخ اعثم كوفيده مسطور وبين الورضين شهور ومذكوردر • چون ابن زياد قرب
سواد اباد كوفه يه ايلدى كيجه دن ايكى ساعت نجومى مرور ايدنجه جبر اتدى • اول تيره دل
رتبه حاصل كندوى امام حضرتلرينه شبيه ومماثل خلق داعيه سيله سر شرار شرينه مانند
عمامهٔ سيه عمامه صارنوب طيلسان يوزينه برشان • دكمانى قولنه كچوروب
تركش دريجان اتدى • وبراستر اشتر سياقه سوار اولوب دروازهٔ كوفه يه ايردى
خيل وخدم • وخول وحشم برله درون شهره كيردى • اتفاقا اول كيجه ايكى اولدن دوردى
اولوب • زمين وآسمان تاب مهتاب ايله طولمشدى • وكون ومكان دل مؤمن
كردار غرق انوار اولمشدى مثنوى نجم شمع مهرك اولدى غايب • يقريرير چراغينى كواكب
اولوب هم انجمن الجلا روشن • سرا سر عالم اولور تازه كلشن نثر شب مهتابده اهالى
شهر فر مهابت وكرصلابت • ورودن كوروب آنى اول آفتاب شرف نصاب •
يعنى امام عالى جناب ظن ايدوب اعيان كوفه يوللرا وزره دوروب قدوم همايوننه
ناظرلر • واداى مراسم استقباله حاضر ايدى • خصوصا اصحاب شكوه كروه كروه كلوب
مرحبا بك يا ابن سيد الورى • ويا فرزند خاتم الانبيا ديوب انواع مسرت
عرض ايدرلردى • ورسوم تهنيت قلودى مؤدى قلوب ايدرلردى بيت مقدمكدن
سينه مشروح اولدى ديده پر ضيا • مرحبا اى شب چراغ بزم عرفان مرحبا نثر ابن زياد
بدنهاد صميم فؤاددن هر برينه بغض وعداوت ايدردى لكن بر شمه اظهار ايتميوب
سكون ووقار ايله كيدردى • هركز بر فرد ايله مكالمه ايلمزدى • تا دسلامدن غيرى بر
كلام سويلمزدى • بو حالت ايله باب دار الاماريه كلوب قرار اتدى نعمان بشير دخى
امام حسين تصور ايدوب قپولرى يابوب محكم استوار اتدى • وبالاى بامه چقوب
خطاب اتدى • وايتدى اى سر دفتر فنون مكرمت • وى فهرست صنوف محمدت • آخر

آخر منزله نزول ایدوب دار الاماره یه دخول ایتمکه سودا ایتسندن فراغت ایله بو شهره
شهربار اولمق هوسندن کچوب زاویهٔ خمولده عزلت ایله ماداکه یزید مقتدای
امور حکومت و مستوعب جهات امارتدر بکا حضور و راحت ویرمز دست مطالبه
کردن شاهد مطالبه ایرمز خاص و عام نغانه هر طرفدن دشنام ایتدیلر و سرزنش تام ایله
ایتدیلر بیهوده منتظر اولان فرزند رسول خدادر بو بابده عناد و مکابره خطادر
مسلم بن عمر تا بجا فریاد ایدوب ایتدیکه ای مردم کوفه بو عبید الله زیاد در نه امام
حسین عالی نژاددر بو مرغ مهندار در نه طوطی شیرین کفتاددر بو کرکس ثنا خایدر
نه همای فلک فرسای بو مریخ زحل خصلتدر نه آفتاب قمر طلعت بو دجال الضلالت
اثردر نه مسیح جان پروردر بو بلای آسمانی در نه رحمت رحمانی بیت بلمینلر ابی
آب صنوبر کرم شبتاب آفتاب صنوبر نظم چون ابن زیاد ایدوکی ظاهر وعیان
اولدی جمع اولان خواص ذوی الاخلاص سر فرو ایدوب کاکل جانان مثال پریشان اولدیلر
نعمان قاپوسی آچلوب ابن زیاد الجوکیردی قصر لی قصوره جهوب فراش حضوره
ایردی علی الصباح انواع افراح ایله اشراف شهری جامعه جمع ایدوب منشور ایالت
کوفه صورت اعلا ایله قرأت ایتدی و عرض قاطلهٔ تمهید حکومت و الفاء مراسم
تهدید سیاست ایتدی شواهد ده ایدروقتی که ابن زیاد بد نهاد شهر کوفه یه داخل
اولدی مسلم بن عقیلک کلزار ضمیری خار تشویش ایله طولدی پژمان دل و پریشان
خاطر خانهٔ مختاردن جهوب کندی هانی بن عروه نک عروة الوثقی محالصته متمسک
اولوب ایتدی بو دیار محنت مدارده بن مکسور الفواد غریب البلادم نه یار
غمکسارم و نه غمخوار هوادارم دارد رسن سواد دل پرورنک و سوار باردی مردنک
مرحمت شفقت غاینه و شفقت مرحمت آیینه حسن اعتقاد و یمن اتفاق ذیرکه کلام
کربنی خانکده نهان و کاشانکده پنهان ایده سن تاکم بر مدت دست تکاید بر
کردارده امین و جور اعدای ستمکاردن مطمئن اولم هانی صداقت آیین جهرم
فاصنده بیاض دیده دن روشن بر مسکن تعیین ایلدی و ایتدی بیت

حالدی بر توکلوب اول شمس هدی خامه مزه باغ جنت نولا رشک ایله کاشانهٔ مزه
اول مهر سپهر کرامت منزل هانیه نزول ایدکده خلان صداقت عنوان معلوم ایدینوب
جوق جوق کلوب کتمکه باشلدیلر و جناب امام حسینه عرض عبودیت و مطاوعت ایلدیلر
و تکرار تجدید عهد و پیمان و تمهید قواعد سوکند و ایمان قلدیلر که طریق بیعتده ثابت
الاقدام و راه صداقتده شدید الاهتمام اولوب بذل میسور ایدهلر تیغ هر فتنی
مسلک سالکها ولورلرسه یوز چوریوب بلمکیده لر بیت دلبران کرد ولکس شیر کیر
خود شده با جوشن و تیغ و تیر نظم دبا جمله بو اسلوب اوزره هوای صداقتدن دم اورر
سوار و پیاده قتال و جداله آماده یکرمی بیکدن زیاده مردمان آزاده عبودیت کمر
درمیان و بو طلعک فحوای صداقت افزاسن عیان ایلدیلر بیت بز بو کوندن بنده
لک فتراکنه دل نغلدق دشمنکله جنک ایچون خنجر و رش بیل نغلدق نظم ابن زیاد فاسد
اعتقاد مسلم عقیلی زنجیر تسخیره چکمک آرزوسیله جای قرارین تجسس و مسکن و مأوی سن
تفرس ایلدی تمام و فیتن ایتدن جیرالعیوب تفحص و تجسس قالدی و بچه مدت دریای
تفکره طالدی آخر الامر مکر و حیل ابوابن کشاده و کید و غل اسبابن آماده قلمغه شروع
ایدوب کندونک معقل نام بر بندهسی وار ایدی حذاقتنده مسلا آموز مدارس تلبیس
و مجره سوز مجالس تلبیس ایدی نفاق سیماسنده ظاهر و اطوار اشقاق حرکاتنده
باهر ایدی یانه دعوت ایدوب ایتدیکه ای معقل دشبو اوج بیک درهمی آلوب تتبع ان
دودمان شاه مردانه وار و هر بریله تلطف تام و تعطف تمام برله اختلاط ایله لکن
بو جانبه انتسابک شعورندن احتیاط ایله دراینت که ای قوم حق شناس و ای زمرهٔ
معارف اقتباس مسلم عقیل نیتنه بر مقدار اقچه کتوردم اول ذات مکارم صفاتک
تقبیلنه امل هدایت شمایل حصولنه باعث اولدکه خیر الناس من ینفع الناس
مأمولدر که بو مبلغی پیام امامته دست عبودیتم ایله تسلیم ایدم شرف بیعت ایله مشرف
اولان اخوان صفا مذهب اولدوغی طریقه کیدم تا که اول حضرت ادوات جنکه کالت
و آلات کیر و دار ایله اعدای بدرای مجادله و مقاتله قله شویله سیلی بولوب بنی خبردار

ایده‌سن سنی قید عبودیتدن آزاد ومواکب کثیره برله مسرور ودلشاد ایده‌یم
معقل سیه‌دل مبلغ زبوری قبض ایدب السعی منی والتوفیق من الله دیوب کندی
سوق راحله برجایه شریفک قبوسنه یتدی اکره وکیروب عروس مطالب نه وجهله چهره‌کشا
ومخدرهٔ مارب نه یوزدن طلعت نما اولجق خامهٔ اندیشه ایله لوح خیاله تصویر ودکلک
فکرت ایله صفحهٔ صحیفهٔ خواطره تحریر ایدرکن ناکاه افتاب صفت نورانی طلعت
وروحانی ابنیت برمرد عابد وبرشخص مجاهد معاینه قلدی که صبح صادق کبی جامه ومهر منیر
مثال طیلسانلو عمامه کیز اداء نمازده مراسم خضوعی ولوازم خشوعی رعایت ایدب توجه
تام وتضرع تمام ایله عبادت ایدرز امارات افعالدن محب اهل بیت ایدوکی معلوم
وعلامات احوالدن اسرار باطنی مفهوم ایلدی بیت ازاکه نشان عشق مولات
برچهرهٔ او چو روز پیداست نظم بومرد طاعت گزین اول زمرهٔ عفت آیین دن
اولدوغنه اشتباه یوقدر دیوب یرندن قیام اتدی مابیننده واربشرط تحیتی تمام اتدی
بعده بیت امامک نامنی الوب زبانه دعا بیله دیرب زینت بیانه نظم ایتدیکه
صمیم جان ودلدن محب آل عبا ومنشا آب وکلدن مخلص خاندان مرتضی‌یم زیرا
محبت عترت طاهرهٔ نبوی ادمی ظلمت ضلالتدن نور هدایته ایلتدرز ومتابعت
اولاد مرتضوی بیدای شقاوتدن سرحد سعادته ایرشدرر نتکم خدای علیم کلام
قدیمنده وکتاب کریمنده قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی دیو بیورر
علی الخصوص امام حسین غره جبین سادات روی زمین ود واسطهٔ عقد زمرهٔ گزین آل
طه ویس درر تجرع جام خون اندود شقاوتی وتناول لقمهٔ زهر آلود غم وکربتی
نعمت فراوان اوطان ومحبت فرح فزای یاران اوزره ترجیح ایدب حالا مقام ساجدین
کلام واوج بیکانه کتوردم اول صاحب سعادته که حضرت امام قبلندن رسولدر
دعوت وبیعته مشغولدر دلیل سبیل صواب وبدرقهٔ طریق ثواب اولمغه همت ایلک
که خدمت حسرت غایتنه یوز سوره‌یم وبو تقدیره معدوده کیمدو الم ایله دیره‌یم
امیدم اودرکه سلاح وآلات وسایر الات الوب علم وبلده خوبه غالب اوله وخصم کینه جویه

ظفر بوله اول مرد نیکوکردار خطاب ایدب بو جامع که بوکجه ناسی جامع زحملادن
بنی اختیار ایدب راز درونک وسر مکنونک بکا عیان اتمک حکمت نذرز دیدکیم
معقل پرحیل اتیدیکه انوار خیر وفلاح آسا زیرجالکده تابان وظاهر واثار رشد وصلاح
جبههٔ حالکده رخشان وباهر در بو بابده حدیث خیر الانام علیه افضل السلام وارد
اولمشدر که حاجت دنیویه‌یی برمرده مراجعت لازم اولدقده رجال حسان الوجوه
عرض احتیاج ایده‌سز اول سببدن کستاخلقه جرأت اولندی مرآت طبع فلک
ارتفاعه ومشکوه ضمیر خورشید شعاعه روشندر که بر طالبی مطالب علیه‌سنه ایرکورمک
واسطهٔ حصول سعادات ابدیه در وبر فقیری مقاصد سنیه‌سنه واصل ایلمک وسیلهٔ حصول
درجات سرمدیه در اول مرد ساده دل ومرضی الخصایل اتیدیکه کل بیع ایله جواز
تحفه برفرده اظهار وبوتر سر لسته برمرده افشا وانشکار ایلمیه‌سن تاکه برنجی
مقصود جانکدن ومطلوب جنانکدن نشان دیرم اول مکار فسون سازک واول
غدار حیله بازک غلاظ وشداد ایمانینه اعتماد وعهد وپیماننه اعتقاد ایدب
اول بیکانیه کندو خانه‌سندن نشان ویرب بکا مسلم عوسجه دیرلر یارین کل مراد
نهاد که واصل ایده‌یین یعنی مسلم عقیلک مقر سعادت اثرینه ایلده‌یین دیجک
معقل بدسیر علی البحر خانهٔ ابن عوسجه کلدی اولدخی عهد نیک عهده‌سندن کلوب
سلیم کتوردی کندوسنی حضور سعادت موفور حضرته کیرب واقع اولانی کفت لو
خبر ویردی اول حضرتک خاطر عاطری مسقط انوار الطاف الهی وضمیر بی نظیری محیط
اسرار خفیات نامتناهی ایدی اتقوا فراسة المؤمن فانه ینظر بنور الله مقتضاسنجه
اول بیکانه‌نک آشنا صورتک مباسطت وتوددی غرض آمیز ایدوکنه اطلاع تام حاصل
اتدی ومقالات وملاقاتندن مجانبت جلی واعراض کلی ایدب ایتدی ابن زیاد
بدکیش برظالم مفاسد اندیشدر که ماهیان دریا شباک غرندن امان بولمق
ومرغان هوا دام مکرندن خلاص اولق میسر دکلدر محتملدرکه بو شخص انک مکر وتزویر
وتلبیس ایله کلمش اوله رعایت شرایط احتیاطده تغافل اتمه وزنهار وزنهار باب

خرمدن طشره کیتمه• ابن عوسجه خطاب ایدوب ظاهرا قامت انقیادی ملابس صداقت
ایله ملبس• وبنای اتحادی اساس مطاوعت برله مؤسس اولوب جمال حالی حلیهٔ
آثار محبت ایله آراسته• وپیرایهٔ انوار متابعت برله پیراسته در شرف بساط بوس
ایله مشرف• ومقال آتی شاکز برله مشنف بیورلمغه عنایت ایلک دیدیکده ناچار
دخول مجلس رفیع رفیع مکانه رخصت• ووصول محفل منیف شرف نشانه اجازت•
ویردی• معقل بدخصال فی الحال پای خشوع ایله ایچرو کیردی• وجبههٔ عبودیتی
زمین مسکنته وجبههٔ ضراعتی خاک مذلته اوردی• بعده بکاء طویل وناله وعویل
مبلغ مرقومی مسلک اوکنده قودی• اول حضرت مصحف شریفه یمین ویردی تاکه بو
سری برفرده اظهار وبر احده اشکار ایلمیه• اول جاسوس حیل آیین حکام بالملک
ظلام شامه دک اول مکانده مکین اولدی• مترددان صداقت عنوانی رای العین
ث هر قلوب مآل حالترینه اطلاع تام بولدی• فی الحال ابن زیاده واروب صورت
حالی تصویر ایدوب• دواقعه اولان قیل وقالی تقریر ایدوب یارنکی اعیان شهردن
اسما ابن خارجه ومحمد بن اشعث نام کمسنه لر ملازمت طریقیله دار الاماره یه کیردیلر
دیجالی نظام عنوان ابن زیاده ایردیلر• هانی بن عروهٔ اندرن استفسار ایلدی
اتفاقا جواب ویرب دام الآم درد ایله پابسته دیماندر• وعارضهٔ واسقام برله
شکسته واشکاردر اولوب کثرت علتدن غایت نحیف• وقلت صحتدن قوی ضعیف
در دیدیلر• حالا چو مزاجی عرض مرضدن سالم ایدوکی معلومدر• اما زمره صحبتمزدن
ابا ایلکه باعث نه ایدوکی غیر مفهومدر• دیوب منافقانه غرض محبت والفت موجود
ایلدی• ایتدیلر که ایکمز دخی قالقوب خانهٔ ابن عروه یه کیده لم• اکر سوار اولمغه قدرتی
وار ایسه بلاتأخیر مجلس شریفه احضار ایده لم• فی الحال بحث معهوده متوجه اولوب
ابن عروه یه ملاقی اولدقلرنده• اولا خاطرین استفسار ایلدیلر• بعده امیر دیدار شریفه
مشتاقدر دیو غبار الحاح برله سوار ایلدیلر• اول عزیز بلااختیار ع انکه عاشق
بکی روان اولدی• وقتی که قرب دار الاماره وصول بولدی• ایتدی ای یاران

مهربان• وی خلان صداقت عنوان ابن زیاددن طبع زیاده مستنفردر عقل
جازم بو معنایه جازم اولوب ایدرکه بو دعوت بی وقت خطرجانمدن عبارت
وبو عزیمت بی مصلحت حرز فاقماندن کنایتدر• محمد اشعث واسماء تیغ دیرب طلیعهٔ
قوت متفکره دلالتیله ترک تازیهم• وباسهٔ حظ خیالاه بر ویرمک دمیز بان
وهم اشارتیله مهمان غارت کرخوف وهراسی خانهٔ حافظه یه کتورمک طور عقل سلیمدن
دوردر• وقاعدهٔ ذهن مستقیمدن مهجوردر• دیدکلرنده حکم محکم ازلی• وامر مبرم لم یزلی
هرنه ایسه اول اولور دیدی واتیدی بیت هرکه راضی ولاقضا که سنک• لاجرم
یول بولور رضا که سنک نظم پس بی توقف دار الاماره یه کیردی• وبی تردد حضور
ابن زیاده ایردی• لوازم تعظیم اتمام• ومراسم تکریم اختتام بولدقدن صکره ابن
زیاد کنایت آمیز وشکایت انکیز بعض کلمات اتدی• ابن عروه ایتدی کرای امیر
بزدن نه تقصیر اولدی که بو مقوله کفتار رجان سوزه باعث اولدی• ایتدی کم
بوندن زیاده نه واقع اوله کرک اصدقای محبت اسلوب علادن معلوددر محبوب
ایکن• علوی جانمز• وخصم جانانمز اولان مسلم عقیلی اوز کاشانکده نهان
بلکه خلوتخانکده پنهان اتمک• نه دعوای صداقته مطابق• ونه قاعدهٔ محبته
موافقدر• بلکه شرع مروتده فعل محظور• ومذهب انسانیتده کار نامشکور در•
هانی بن عروه• دروغ مصلحت امیز به ازراست که فتنه انکیز حسنیجه دامن انکار
ایله پوشیده قلمق مراد ایلدکدن صکره معقل سیاه روزکاری مجلس مناقشیه
احضار ایتدی• بو شخصی بیلورمسن دیو استفسار ایتدی• نظر ایتدکده بلدیکه بیت
یارصاحب رازنی کشف ایتدوکی نکار ایتمش• یار ایله اغیار ایتمش اغیار اولانه
یار ایتمش نثر کمال خجلت وانفعالندن• ونهایت حیرت وملالندن• ماتمزده شفق
قزب شال خلال سرفرو ایتدی• وایمان شداد ایله ایتدی• دار قرار ملده ساکن
اولمغ الآم سپهر بدمهر غدارردن خلاصهٔ• وسیله اکلی• وجور دور فلک ستمکاردن
استخلاصه• ذریعهٔ قبیل ملاحظه ایدوب بر شب خانه کلدی• وبی حد تفرج قلدی• جریدهٔ

التماسنه قلم زد چگلی رواکورملدم کلبهٔ احزانمی مشرف قلمغه اجازت ویردم حالا
واروب عذر ایده یم تبدیل مکان اتسون دیدکده ابن زیاد ایتدی شویله که
مسلمی احضار ایتمیسن بو محلدن کتمک محالدر و چنگال چنگمدن استخلاص فاسد
خیالدر ابن عروه ایتدی امانت ودیانتمزه اعتماد ومروت وصداقتمزه استناد
ایدوب خانهٔ شفقتمه نازل وحمای حمایتمه داخل اولان ضعیف واجب الاحتشامی
ومهمان لازم الاحترامی خورد وزار بند کند سیاستکه کرفتار ایتمک آیین فتوتده
کار نامعقول وطریق مروتده فعل مدخولدر بلکه ارباب علو همم نظرنده عین
دنائت واصحاب حسن شیم قتلرنده محض اساءتدر **بیت** صفت عاشق صادق
بحقیقت آنست که گرش سر برود پیمان نرود **نثر** ابن زیاد کوردیکه احضارنه رضا
ویرمز امر ایدوب زندان تنک وتاره کوندروب محبوس قلدی چهرهٔ اطلاقه آیینهٔ
خیالده معاینه ایتمکدن اعیسندن مایوس قالدی بعد زمان احضار اتدی و
ایتدی ای ابن عروه مجلس کنده نفس نفیسکی می سورسن یوقسه مسلم عقیلی می ابن عروه
باشنی کوتروب ایتدی اکر بو عالم هیولانیده حیات جاودانی معتزادن مملو ار
روح پرفتوحم اولسه بدن پاکنده اولان بر موی مشکبوینه نثار ایدردم و بو
دنیای فانیده فاینده مثال اشک عاشق بی حد وبی قیاس درّ یتیم اولسه جلیس
فرق فرقد سایلرینه ایثار ایدردم **قطعه** من در ره او کی بجان درمانم
جان چیست که بهر او فدا نتوانم یک جان چه بود هزار جان بایستی تا جمله
بیکبار بر او فشانم **نثر** یا ابن زیاد بطش تام وتسلط تمام ایله حاکم ذو المهابت
ووالی پر صلابت سن بکا نه تعبد بر رسن اعوان وانصارکه دربان دخی نکهبان
سپارش ایله سیطرهسی بلیغ ایله طلبکار اولسونلر جهدلی دریغ ایدوب بولسونلر
دیدکده ابن زیادک نایرهٔ غضبی آتشکدهٔ درونده مشتعل وملتهب اولدی
اول مرد اخلاص شعار گفتارینی تکرار اتدکجه دخی زیاده منفعل ومضطرب اولدی
ودیبن با عله ایدوب ایتدی که سن بنم سیف سیاستمدن باشنی قورترمق میسر دکلدر

ضو متمرّدن رها بولمق غیر متصوردر ابن عروه ایتدی انا لله وانا الیه راجعون
له الحکم والیه ترجعون **بیت** ما بر سوای علم ردری که می افراشتیم بر سرکوی
تو ادل ماتم خود داشتیم **نثر** پس اول سفیه سفاک واول ظالم بی باک اول مظلومی
بر جلاد عقوبت نهاده تسلیم ایدوب شکنجه سنه ویردی انواع عذاب وعقاب ایتدردی
بیهوش اولدقده حضار مجلس التماس ایدوب بو پیر عزیزک عمر گرانمایه سی یکسن طقوزده
یتمش اصحاب رسولدن اولوب علی مرتضی برله مصاحبت اتمشلر دیوب خاکدن
رفع ایلدکلرنده کوردیلر که روان پاکی ساکن معمورهٔ مغفرت وقاطن مقصورهٔ
رحمت اولمش بو واقعهٔ دلکیر وبو حادثهٔ آتش تأثیردن مسلم خبیر اولدقده نیران
غیرتی متهیج وعمان شجاعتی متموج اولوب یاننده اولان اکی فرزند دلبندن
قاضی شریح اوینه ارسال ایلیوب سعادت بیعت ایله مستسعد اولان یاران صادق
الاعتقاده ومبارزان میدان اجتهاده صلا ایتدی فی الحال یکرمی بیک نفره
قریب آدم جمع اولوب محلات واسواق طولدی قعقعهٔ سلاحدن وطنطنهٔ اسبان
صاحب صلاحدن طاس فلک پر طنین اولدی اول حضرت دخی تیرکش میانه وخنجر
حبل المتین عنایت یزدانه تعلیق ایدوب براسب میدان نورده وبر باد پای جهان
کرده سوار اولدی پس مجمع عسکر رکاب شرف نصابنجه روان اولوب کندیلر هزار فر
وشوکت ایله واروب دار الامارهٔ محاصره اتدیلر ابن زیاد یاننده اولان
اعاظم ولایت واقاخم مملکت ایله متحصن اولدی نار کیر دار التهاب واشتهاب
بولدی متیقن ایدیکه دار الاماره یه کیروب پای ثباتلرین متزلزل وبنای
جمعیتلرین متخلخل قلالر ابن زیاد تدبیر وتدارک ایدوب اهل کوفه‌یی وسایر
متابعت ایدن طایفهٔ اصناف تخویف ایله خصوص قتالدن فراغت وزبان
تعنیف برله امر جدالدن مجانبت قلدرمق قصدینه کنار بامه وارب تکلم ایچون
کثیر بن شهاب ومحمد بن اشعث وشمر ذی الجوشن وشیث ربعی نام بدنام کسنه لری
تعیین اتدی وارد قلرنده ایچلرندن کثیر دهان آچوب ایتدی ای قوم غرور عمع

قريب الايام سواد ابادشامدن لشكر ظفر انجام كلك متعين دز وصدمهٔ باد حمله
مردن وجود بی سود كز اوراق خزان مثال خاكه دوكمك متيقن ذرا امير الكبير مجحف
ايانه وسيف سوكنده ال اورشدز شويله كه محاربه كزده ثابت الاقدام ومضاربه
كرده راسخ الاقدام اوله سز ظالم برينه مظلوم وسرور برينه مغموم ومعاقب
واثم برينه معصوم وحاضر برينه غايب معاتب اولق مقرردز كوفيلركه بو كلمات
كوشش ايتديلر هر برينه بيم وياس وخوف وهراس مستولی اولوب عادت قديمه لری
وطريقهٔ معروفه وخيمه لری حسبنجه دغالق طريقن وهرجايلق يولن طوتوب قچديلر
اول بی ددلرك چهرهٔ حميتلرينه تراب وقاحت چالديلر حملهسی قراری فراره تبديل
ايدوب طغلدی الحق يا تنها قالدی مسلم دخی ناچار عودت ايدوب اداء
صلوة ايچون بر مسجده كيردی تمام اولدقده طشره چقدی كوردیكه انلر دخی ناپيدا
اولمش شمشيرندن اوركه يانن بكلر قالمش تفريق جمع لشكر وتمزيق تحمل عسكردن
پريشان حال اولوب ايديكه بو نه طايفهٔ ناخايفه دركه حق تعالی دن شرم وسلطان
انبيادن آزرم قلميوب زبانلری هنوز تمهيد اعتذارده ناطق ايكن تجديد كلمهٔ
اساءته جرأت ايدرلز وديدری آب انابت روان ايدركن ميل حيف وعذر
ايله كحل ندامت چكرلر **قطعه** اندر اول خود نمای می كند اندر آخر بی وفا ی
می كند چون چنين جلوه ند دربيكانه كی بس چرا آن آشنای ميكنند
بس ناچار اتنه سوار اولدی كه شهردن طشره چقه ناكاه سعيد بن احنف يا قيس
نام كمسنه ملاقی اولدقده ايدی كه اير روشن ضمير نه طرفه كيدرسن ونه محلی مشرف
ايدرسن مسلم ايتدی خاطر فاتره بو خاطره وضمير كثيره بو واقعه دوشدی كه شهردن
چقوب بر محلده سرمدو مترقب اولم وانضمام والتيام احباب خلاف
الجامه منتظر اولم تا كه كرة اخری عقد جمعيت انتظام بوله ودن الفريقين رشتهٔ
خصام انقطاع وانفصام بوله سعيد ايتدی **الحذر ثم الحذر** بو فكردن شهره
چقمق داعيهسندن كذر ايله كه دروازهٔ شهر عين امحاكيی قيغش در وسالك

سايه‌نك

سايه سنك هر بری بر طريق ايله بغلنمشدز وكذركاهلره نكهبانلر قونلمشدز كه قوش
اوچمز وقولان كچمز مرزه بس همای هوای جلادتی وسن شاهينی اوج
شهامتی صيد آلمك قصدنه ديده ديده بانلرن دام قورلمشدرز هر طرفده خدام
شديد الاحتجام اقدام اقدام اوزره طورلمشدرز مسلم ايتدی يا نه تدبير ايلهيه لم
ونه سمته كيده لم ايديكه بكا همراه اول سنی جان كبی نهان ايدهيم اول حضرت تابع
اولدقده فی الحال محمد كثيرك اوينه ايلتدی كند ومقدما وارب قدوم حضرتلرن خبر
دار ايتدی **بيت** باغ را باد صبا بس خبر رنكين داد مژدهٔ آمدن ياسمن ونسرين داد
محمد كثير كمال نشاطدن بسيط بساط خاك پاكه پا برهنه بصوب استقبال ايتدی
اكرام بی نهايه واحترام بلا غايه بر له خلوت پر سلوتنه ايلتدی **قطعه** كذر فتاد
بسر وقت كشتكان غمت هزار جان كرامی فداي هر قدمت نكند سرو قدت
برمن از كرم سايه مباد از سرمن دور سايهٔ كرمت بر زير زمين وار ايلدی
اول كنج معارف يقينی انده نهان ايتدی ابو تر مكنونی اسرار الهی كبی اشناد بيكانه
دن پنهان ايتدی آخر كار واسطهٔ غماز غدعه سازايله اول راز نهفته سمع ابن
زياده ايردی اوغلنه كفايت مقداری آدم تعيين ايدوب محمد كثيرك اوينه كوندردی
وشويله سپارش ايلديكه مسلم عقيل محمد كثيرك خانهسنده مختفی دز على الغفله وارب كمال
بصيرت وحسن فراست ايله هاله دار منطقه كردار اول خرلی احاطه ايلهسز بعده
محمد واوغلن دعوت ايدوب مسلم طلب ايدهسن حصار انكاره تحصين ايدرسه جبر وقهر
ايله اوينه كيرهسن تفرس تام وتجسس تمام ايله كوشه بكوشه آرهيوب اكر چرخ برينده
در واكر زير زمينده در بهر حال بولوب دار الاماره يه كتورهسن فرزند ناخلف
زمام برمم ديوب كندی وارب خانه مرقومی حصار ومحاصره ايتدی محمد واوغلن
دوتوب برنج ظالمك الله ويردی پدری ابن زياد حضوره كوندردی كندوی مسلمی
بولق سوداسيله خانه يه كيروب لوازم جست وجوده مراسم حزم واحتياطی بالتمام رعايت
ايلدی اصلا نشان بولميوب بالاخره اول بازحما پروازی المكتور مك داعيهسندن

فراغت ایلدی • ابن زیاد که مجره تعنیف تام • وکاه تخویف تمام ایله یاسیلیجی
احضار ایله • یا آنک یولنه نقد جانی نثار ایله دیو گفت وگوده ایکن ناگاه جانب
شاه راهدن صدای کره نای حرب وقتال پیدا اولدی • غریو موکبدن وصهیل
مراکبدن کوش جهان غلغله ولوله بر له طولدی • مگر که محمد کثیرک قوم وقبیله‌سی
واحباب وعشیره‌سی خصوص مرقومی کوش ایلدکلرنده برق قرابت وعصب عصبیت
متحرک اولوب • اون بیک نفره قریب مرد نجیب گل کبی جوشن پوش اولوب نهال مثال
نهال شکوفه دار سپر وسنان ایله بزندیلر • وماننده باد وزان • وآب روان سمند
تونده بنردیلر • اخذ ثار قصدنه سحاب نوبهار وسیلاب کوهسار کبی تاب وشتاب ایله
شهره کیردیلر فی الحال دار الاماره‌یه ایردیلر • وقتی که ابن زیاد بو حال حیرت ماله
واقف اولدی حقا ندم صندوقه سینه‌سی سهم وهم ایله طولدی • رای مصلحت آرایی نجاتدن
افضل ابحث • وفواید تدبیر بحر تاثیر معامله شمشیردن افید وارجح ایلدوکن حزم تام
وجزم تمام ایله تدارک ایدوب بو آتش افروخته مهادر ماء مصالحه ایله خفته اولمق
قصدنه طریق حیله سلوک ایتدی • آخر محمد کثیری وفرزندارجمندن اول قوم نصرت
انجامه کوسترمک ایچون کنار بامه ایلتدی • زیرا محمد واوغلی چشمه‌سار حیاتدن آل
یوسش وبنفشه مثال یوزیره قوش تصور ایدرلردی چهره زندکانیلرینه غبار
ممات قونلدوغن معاینه قلیجی قبضه حسام خصامدن وعنان لجام اختصامدن
الچکدیلر پس ابن زیاد دیر سعد اختر بن دار الاماره‌یه ایقوبوب تعظیما کندو
یانده یر ایتدی • محمده اجازت ویردی بی باک وفرحناک قالقوب خانه‌سنه
کتدی طشره چقدقده هر برین احتک جنکدن دوندردی تیغ تام برله نکالو کاننه کونداردی
مثنوی نهنکیکه ایله طولو اوله دریا • پلنکیکه ایله پر اوله کوه وصحرا • کشتی پیلدن اوچی
عون یزدان • ایر شیمه سود کلور نقصان • وقتی که شهباز زرین بال مهر حیله کاه
غروبی شکار ایلدی صیدانده کی زاغ وزغنک پر وبالندن دوم الندن روی
جهانی ودامن آسمانی لاله‌ستان وسنبل زار ایلدی بیت ارشیان غوبه قوندی

چونکه شهباز سپهر • قیلدی بنا یوزینی زاغ مشکین بال شب غم اتفاقا اول شب
سلیمان بن صرد خزاعی • ومختار بن عبید • ودقار بن عازب بونلرک امثالی
نیچه دوستان محب محمد کثیره کلوب ایتدیلر که ای محمد مجد الملک المنان نبی الاوان
مرد کاردان ومنیع الشان سن • یا ابن علی البحر فرزند معتبرک اول مرد بدسیرتک
سندن خلاص ایدوب قبایل عربایدن کفایت مقداری مردان کارزار وپهلوان
کیرو واز جمع ایدوب مسلم عقیلی الوب ملازمت حضرت حسینه کیده لم • هر که معارضه
ایدرسه رایت شوکتن وعقد جمعیتن کاکل جانان مثال سرنکون وپریشان ایده
لم والحاصل میان عهد ومیثاق محکم ومعاقد قول واتفاق مستحکم قلدیلر تولدم
که آثار تباشیر صبح نورانی پیدا وطلایع اشعه مهر آسمانی هویدا اولدی بیت
چرخ میدانده التون باشلو سنجاغن چون زیب چکدی شرقدن دیار مغربه لشکر شمس
عثمونی ظهور زمدن حکره اعتضاد زمره بیداد • ومظاهرت لشکر ابن زیاد قصدیله
سواد آبادن • عامر بن طفیل سردار نصب اولنوب راکب وراجل شتابان وعاجل
اون بیک مقداری مردان بر خصایل • مداخل شهردن دار الاماره‌یه وصول بعیلدی
ابن زیاد دنکر سوادن تحصیل مکنت ایدب دل شاد اولدی محمد کثیری دار الاماره‌یه
دعوت ایلدی • اول دخی مراد کهادن اکلدی تعجیل تام وسرعت تمام ایله عشایر
وافاربدن • واحباب واجانبدن • قرق بیک مقداری آدم جمع ایلیوب هر بری
قره دکز موجی کبی کوکه موره غرق اولوب گل ختمی کبی سپرلرین بر دوش ایتدیلر
فی الحال آتلنوب برق شتاب ایله یوریوب دار الاماره‌یی احاطه ایله
دیلر ابن زیاد محمد کثیری کوردکده ایتدی که معلوم اولدی که سلح کندو جان عزیزکدن
آرتوق سورسن • واول نهال نوخیزکدن اکا زیاده محبت ایدرسن • ایتدی ای ابن
زیاد بو دعوایه روادن هنوز فراغت اتمزمیسن امیدم در که مسلم خانمان امانه
ملک نشانده مصون اوله • واعتساف اصحاب خلافدن خلاص بوله حالا انجله قرق
بیک نفر مردان جنک جوی میدان قتالده حاضر اردر کشور ملکوندن ساحت

ظهور دکلجک افعال نامرضیه که ناظر اردر ابن زیاد غلاظ و شداد دیلم اتدی که
ایندی اکر مسلمی حسن رضا ایله کتورب تسلیم اتمزسک اصناف بلا والاف جفا ایله بانک
کیرن واد غلکی تعذیب کوناکون ایله هلاک ایده رین ایندیکه نه زهرک وار در که
تنهده برقلاد کسن دکل که باشن جانه قصد ایدسن ابن زیادک نایرهٔ نخوتی
متلهب ولوایح غضبی مضطرب اولوب سوادی لبقهٔ ملادی کبی قرردی بلا اختیار
یانده اولان دواتی آتدی جبههٔ نورانی مثال زبان خامه ایکی شق اتدی هماندم
سیلان دمدن دیده سی سیلانه وجودی شاخ مرجانه دوندی همان ساعت مقتضای
حمیت تیغ میغ فامه ال اوردی ابن زیاد بدنهادک اوزرینه یوردی حاضر اولان
اکابر معالی اعتبار سپهر وار ارایه کیردیلر انواع ملاطفت ایله شمشیر صاعقه باریغ
کف سحاب ادرارندن بیرون قلوب آبردیلر اتفاق اطوار سلمی تجسس ایدن
معقل سیه روزکار شمشیرین حایل وار طاقنوب محل محاربه ده حاضر عواقب کار
وخامت آثاره ناظر ایدی مزبور محمد کثیره ال دراز ایدوب علی الغفله چکوب شمشیرین
الدی معقل بدکاری ایله چالدی که ایکی پاره قلدی ابن زیاد ترسان دلرزان
قالقوب درون خانه یه کتدی چاکر و نوکرلرینه محمد کثیری هلاک ایلکه بویسپارش
اتدی غلام شدید الاهتمام حسام اختصامه ال اوردیلر هر طرفدن اوزرینه یوردیلر
محمد کثیر مانند قطب فلک ثابت قدم اولوب طوردی آفتاب کبی تیغ چکوب
هجوم ایدنلردن اون نفر کسنه نک ماه حیاتن محاق محاقه دوشوردی **بیت**
تا جهان رسم دست برنهاد دست بردی چنین ندارد یاد **نثر** آخر کار بر ماه کلکله
فرصت بولوب سایهٔ سرو کبی خاکه دوشوردیلر مثال نهال بید وسوسن هر طرفدن
تیغ وخنجر ادوشوردیلر **بیت** دینی بهشت و رحمت پروردکار یافت باساکنان
عالم علوی قرار یافت **نثر** مرحوم مرقومک پسر فرخنده سیری بوحالی مشاهده
قلدقده بلا اختیار تیغ آبدار چکوب حمله ایله حرمن جمعیتلرین پریشان دیکری نفر
آدمینک حرارت عزیزیه ان سونیدرب فاک ایله یکسان اتدی **مثنوی**

قچن حمله ایدیدی بر کروهه دوشردی خوف ولرزه دشت وکوهه چکوب میدانه
کیرسه تیغ برانی ظهور ایدردی کویا برق رخشان **نثر** آخر کار رخذام بدانجام دن
بری جانب عقبندن ایرب زخم نیزهٔ سرتیز ایله شهید ایتدی رحمت زندکانی
سن عالم جاودانیه ایلتدی پس دار الاماره نک داخل وخارجنده حاضر اولان
جیوشن نهنک جوشن حلقهٔ زره وافواج دریا مثال بری برینه کیروب تیغ جکرسوز
ایله باشلر کسلوب قانلر دوکلدی ونادک دلدوز ایله یورکلر دلنوب سینه لر اوکلدی
بیت چو دریای چینی بدر آمد بجوش ز مردان جنکی برآمد خروش **نثر** دبا جلاکرد
بنرد فتنه کرد ایله شهر کوفه طولدی کویا روز رستخیزدن بر علامت ظاهر اولدی
قطعه آتش خون وقوس کرد سیاهی کورنلر اولدیلر کشته و دنک زنینک
یوزی دوندی لاله زاره هوا سنبل صفت اولدی سیه رنک **نثر** ابن زیاد دخی نهان
اتدی بو جنک وجدال که حالا حادث اولمشدر محمد کثیر واوغلی باعث اولمشدر
عین صواب اولدر که باشلرین کسوب قوم وقبیله سنه کوسترهوز تا که رشتهٔ امید
لری منقطع و کرد شور وشرلری مرتفع اولوب **ع** باشی کیتدی آیغ اولمز پایلان
حکمنجه کارزار ایدهلر پس دلاوری شهید مظلومک باشلرین تنلریندن جدا
اتدیلر میدان قتاله برقلدیلر کوفیلر که بو حالی مشاهده قلدیلر شمشیر
صفت باشلرین اشاغه صالدیلر **القصه** شب تار ایر دکده قرار ایده
میوب دیدهٔ تیر کبی کیر دسن کوز لدیلر هر بری آدلی اوینه اوزلدیلر دایرهٔ
دار الاماره ده دیار قالمدی پس مختار کوردیکه مرآت تدبیر صورت پذیر اولمدی
کندو قومیله بنی سعد قبیله سی سمتنه وسلیمان صرد خزاعی محلهٔ بنی زبید جانبنه کتدی
وورقا ابن عازب محلهٔ شرحیده کندوی نهان اتدی بوجانبده مسلم عقیل جکرکوشه
فرزند دلبندی ایله زمرهٔ شهدایه ملحق اولدوغن استماع اتدکده اشک چشمی
کبی بی قرار اولدی اول شب فراش آرامنه خار تشویش ها جلوب باد وزان
کبی تند و تیز و آب روان صفت رهوار و سبک خیز بر سمنده سوار اولدی

مثنوی صبادن سبقت ایلر کبر وقالمز زمانک سرعتی عیننه آلمز ایلدیدی
سرعتینی چرخ سیران قالوردی شویله سرکردان وحیران نثر ویله که بیرون شهره
روان اولنه بکا ید اعلای مقدار دن امان بوله اتفاق طره چقلدو قده محکم بن
طفیل و دارا البرج نام سردار ره ملاقات اولدیکه حفظ و حراست ایچون آکیشر بیک
آدم ایله اول جانبک مداخل ومخارجن ومنازل ومعارجن گشت ایدب مانند
فلک دوار بر برده آرام وقرار ایتمزلردی اما طره ظلام شام چهره بصیر تلرینه
حجاب اولوب مسلمی فرق ایده مدیلر وقتی که طاق سپهرده روزنه مهر آچلدی
روی جهانه انوار طراوت مجلدی چو عزم رزم قلدی شاه خاور بجوم کی
لشکرینی ایتدی معلوم چکوب آق صنجغن صبحک سرانز جبس ملکینه الدی لشکر زنگ
حارس کنانه مسلم سعادت اقتباسه نظر ایدب کوردیکه الات جنک ایله آراسته و سلاح
صلاح برله پیراسته اطوار شجاعت نهادنده ظاهر و آثار شهامت اوضاعنده
باهر فر خدیوانه وکر خسروانه برله بر سمند شهاب عنانه وهلال رکابه دربار
پای زمانه سرعت وگرد ون شتابه سوار اولمش قطعه کونش کبی کزر سر علم
تنها الده نیزه وقولنده قلقان فلک وش قنده کم عزم ایلر ایسه هلال و نجم
اولور جن میدان تیغ السله دریای مواج کمانه اورسه ال باران لجاج نثر
حارس مذکور فی الحال ابن زیاده وارب فلان بردہ مسلمی کوردم بحره سمته متوجه
ایدی دیجک اول شهبار اوج شهامتی الکتورمک باننده هم ن زیاده بیرون
استعجال ایتدیلر آخرغان حاجبه الی نفر آدم قوشوب عقبنجه ارسال ایتدیلر مسلم
دخی دیده حزم ایله کاه اطراف وجوانبه نظر ایدردی کاه اشک چشمی کبی یوله
دوشوب کیدردی ناکاه اردندن توز قوبدی ایچندن بر الای آتلو ظهور
ایتدی هر بری تازی سوار اولوب بطرفة العین ده ایردیلر و تیدی مسلم
عفت آیین الفرار مما لا یطاق من سنن المرسلین معناسی پیشنهاد ایدوب
فی الحال آتندن پیاده اولوب قید سمندن مطلق العنان اولدی تابشتاب

ایلمیان مکلانه روان اولدی ناکاه یولی بر زقاق غیر نافذه ایردی نهایتنده
قلب عاشق کبی خراب بر مسجد وار ایدی ایچنه کیردی خوار غم ومحنت والم ومشقت
برله انده آرام ایتدی بیت چو ملکسینه دوز ایده بو کردون اولور رنجه فریدونک
فری دون نثر نعمان حصول راکبدن مایوس اولوب اسب جهان کردی لجام
تجره چکوب فی الحال ابن زیاده ایلتدی وواقع اولان ماجرای سر بسر تقریر ایتدی فرمان
مظالم عنوانی بو وجهله نفاذ بولدیکه دروازه شهر چشم بصیرتی کبی بغلنوب خط کوز
تجسس تمام وتفحص ما لا کلام ایده لر وهر ایچون زناد یده برمنادی ندا ایده که حرم که
مسلمی شباک تحیره دوشوره و یا خود خبرین کتوره مال فراوان وعطای بی پایان
ویره لر وهر که بعد التنبیه خانه سنده نهان ایده بی توقف سیاسته یتوره لر پس
شهرک قبولرین بند ایدب علی رؤس الاشهاد منادیلر ندا ایلدیلر و مرام عفرت انجام
بالتمام ادا ایلدیلر و الحاصل مسلم با مدن اختتام شامه دک اول منزل خراب مسکن
اولوب چشم اشکبار زندن اوزکه همدم وناله زارندن اوزکه همنفس ومحرم یوغیدی
نه آرام اصطباری ونه رفتار اقتداری وار ایدی قطعه نه قاصدی که
پیامی بنز دیار برده نه محرمی که سلامی بدان دیار برده قتادیم بشهر غریب یاری
نیست که غصه زغریبی بشهر یار برده نثر بالاضطرار بغوله سکنندن طره چقوب
تجسس اطراف وجوانب ایدرکن کوردیکه بر پیره زن قپوسی اوکنده اوتوروب کلمه
طیبه توحیده مشغول اولمش مصباح ضمیری انوار صلاح ایله طولمش طوعه دیکله مسما
بر زن پارسا ایدی مسلم انون برابرینده صو طلب ایتدی پیره زن صوی صوندی نوش
ایدوب بر مقدار آرام ایله کده خاتون ایتدی ای عزیز دردن شهر آتش آشوب ایله
طولمشدر وهر کسک غدیر ضمیری سیل ستم برله پر اولمشدر بو هنکام محنت انجامده
بونده بولنمق سبب محنت وموجب شناعتدر مسلم عقیل زبان نیازی درکار
ایدوب ای مادر بن خاندان نبوتدن دور ودودمان رفعتدن مهجورکوشه
هجرانده خسته وکوچه حرمانده دم بسته بر مرد بیچاره وفقیر آواره نه یار نه همدمم

وننه دار قرارم دار **قطعه** درکوی فنا ساخته دارم وطنی • در منزل درد خسته
جانی وتنی • هرچند بروی کار درنگرم • محنت زده نیست بعالم چو منی **نثر** وجود رکه
خانکده قونجه جانم ارام ایده جک برآشیانه قدر بر جوکر کوری ویره سن کرحدای
لی حمتا • بوانسانیت مقابله سنده بهشت اعلاده قصور هر سرور متبر ایلیه دیدکده
خاتون مرقومه اسم ورسمن وقبیله وعشیره سن استفسار ایلدی . لی نام ونشانلرندن
خبر ویردکده الحاج وقت اناردن تکرار اندی سلم ناملاز ناچار راظهار اسرار اندی
طوغه بلدیکم مسلم عقیل در طوغا کلبهٔ احزاننه الوب برمسکن زیبا انواع تکلفات
غریبه ایله آراسته و برمقام دلکشا اصناف تجملات عجیبه برله پیراسته قلوب مطعومات
ومشروباتدن عنث وثمین ورخیص وثمین دلبوب ممکن الحصول اولانی دریغ
اتدی • وحشا هاده جمال پرکمالن نعمت عظمی بلوب تقدیم شکر یزدان ایتلدی وایتدی
قطعه مکر فرشتهٔ رحمت درآید از در ما • که شد بهشت برین کلبهٔ محقر ما • مقرر ست
کو آتش قدسیان امشب • چراغ حور فروزد زشمع منظر ما **نثر** مسلم بعد العشا صلوة
عشاء ادا سندن صکره کندو حالنه مشغول اولدی • طوغه نک اوغلی کلوب کوردی که
مادری خانه سنده پروانه وار هرجانبه شتابان و شمع کرداز کاه کریان وکاه
خندان خدمت ایدر • یانه وارب ای مادر بو حالتدن بنی آگاه ایله دیو اقدام
اتدی • دامن انکار ایله ستر ایلمکه قادر اولمیوب آخر کار یمین ویردی واتیدی
زنهار وزنهار بوستر نهفته یه برده کشف ایلمه دیو بوجوای واجب الکتمانی برتخصه
سویلمه • عنایت باری یار اولوب مسلم عقیل کلوب بزه مهمان اولدی انوارطلعتندن
کاشانهٔ نور سرور ایله طولدی • میزبانلق شرایطی بقدر المیسور یرینه کتوردم امید
درکه صحایف اعمالمزه مثوبات عظیم وحسنات لایحصی مرقوم اوله • فرزند ناخلف
ارام وقراری قالمیوب روشناسی صبح غماز لغه آغاز اتدکده تا القوب کندی محمد
اشعثه وارب صورت واقعه تصویر اتدی انک واسطه سیله فی الحال ابن زیاده
یتدی محمد اشعثه اوچ یوز آدم تعیین ایتدی وایتدی خانهٔ طوعیه وارب اطرافنی

مانند

در وصف دلاوران

مانند سور احاطه ایله مسلم عقیلا زنجیر تسخیره چکوب بنم بانمه کتور حصول مقاصده
اقدام اقلامی سرحد افراطه یتور • وقتی که تعیین اولنان نثر ذمهٔ شرار ایله تلقای
مقصوده روان اولدی • فی الحال مکان موعوده وصول بولدی صدای سم ستور
وصهیل اسبان قوم شرور کوش مسلمه ایردکده جزم تام ویقین تمام برله بلدی که طلب
جانکه طالبلری ومتاع جانک راغبلریدر **بدیع الزمان چرخ اجباد تیره نهاد**
شبیه زلف جانان کبی تار ومار تلقی صدد دنده تیغ افتاب غلافندن بدیدار
وسپهر زرینه چنبر مهری طاقندن اشکار قلاوغی دمده مسلم دخی دریا صفت
زره دربر وهرمانند مغفر برسر قلوب شهاب اسا سنان برق لمعانی الله آلوب
کل ختمی مثال سپری یا پو نوب • وتیغ بنفشه فامی طاقنوب خانه دن طشره چقدی
حاضر اولان کروه ستیزه کارک هر بری مسلمه هجوم ایدوب تیغ آتشبار چکدی اول
دخی مانند شیر ژیان غریوان وغره زنان کاه شمشیر آبدار وکاه نیزه ایله حمله ایدر
اول خیل خیل آیین دن خیلی ادمک روحلرین دار جزایه کوندردی وزنده اولنلرک
وجه توجهلرین جانب قتالدن دوندردی • وقتی که ابن زیاده اول زمرهٔ مفاسد
اعتقادک پای اقتدارلری رکاب مقاومتدن بیرون اولدوغی کوش اتدی
ملول ومحزون اولوب محمد اشعثه خبر ارسال اتدی وایتدی سکا معاونت ایچون قوللار
طایفه نکه هر بری رستم کارزار ودلیر شیر شکاردر • بو کچه سوار نامدار بر پیاده نک
الندن زبون وزار اولق سوء تدبیر دن ناشی وعجز وتقصیردن متمشی در بو کارده
شعار آیین ارباب رزمدن دور وقوانین اصحاب حزمدن مهجور در بازار معرکه ده
اول خواجه فایده مند اولور که اول قدمده سرمایهٔ سردن کچه مزرعهٔ معرکه ده
اول دهقان حاصل کوتورر که بزر جان کشتزار فنایه صچه حصول مرادات ارتکاب
شدایده منوط در وانجاح مقاصد ومرامات تحمل متاعب محذوراته مربوط در مغفر
پولادنهاد میدان قتالده باشن ور تا پایه قو منجه انسان شرف عنوان ایله هم اولدی
وتیغ هندی نژاد صالدرقاری خلاصدن یوز دوندرمیوب عبودیت کمرن ایکی

یردن قوش تمییز اعتبار بولمزدی اندی چهرهٔ حمتدن پردهٔ تهاونی دست جسارت
ایله رفع ودیدهٔ دقتدن سبل کسلی کحل الجواهر شجاعت برله دفع ایدب بلا تسویف وتاخیر
سوار وپیاده مبلرانه کیرب مردانه لک ایلیه سز اولکه اول شهسوارک روح الوب
شاه مات دیک باینده فرزانه لک ایلیه سز محمد اشعث اینلیکه تقدیم اولنان کلمات
حقدر وبوندن زیاده طعن طنز اولنمسه الیقدر لکن شیر ایسه وز بو شیر افکندز وبزدلیر
ایسه وز بو دلیر صف شکندز موریچهٔ شمشیری شیر بیشهٔ شجاعتی موره صایلمز وزاغ
بلند پرواز تیر شهباز اوج شهامتی عیننه آلمز **قطعه** بود را اول شیر بیشهٔ پیکار
صف در تیز جنگ وکینه گذار کون کبی چکب تیغ عالمتاب پنجه ار اوله سایه وش بی
تاب پهلوانوراگرچه ببر وپلنگ اولیمز لیک شیر ایله هم جنک **نثر** علی الخصوص علی
مرتضی نک بهادر زادهسی در مانند زلف نگار سر آمد جهان دمثال خال عذار
فرید دوراندر **بیت** جو برجوشد از خشم جون تند میغ درآب آتش انداز واز برق تیغ
جون علم حقاوحقلرین اظهار ایدب بو یوزدن اعتذار اتدی ابن زیاد دخی بو
حالک صعوبتن ملاحظه اتدی وایتدی جنکدن ستیزدن فراغت ایدب دفع مرادی
وطبق نهادنجه ملایمت کوسترب امان ویره سز اولکه اول شیری کمند وعده وعید
دشباک بیم ونوید برله بوجانبه کتوره سز محمد اشعث بوکلامی کوش اتدکده اول
سرو فتر اصحاب شجاعته ندا اتدی وایتدی ای مسلم **ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة**
جواهر بن آویزهٔ اذن اذعان ایدب سفینهٔ وجودک گرداب مهلکه دن خلاص
ایت یعنی حسام خصامی نیام آرامه قت امیدر که مرآت صدا آقنده ظاهر اولان
زنک وکدورت صیقل مصالحت برله مجلا اوله تاکه [illegible] ایل امان واطمینانک
صفاسنده چهره نما اوله صلاح کار عالم واصلاح بنی آدم تسکین ده آشوب
دفتن واطفاء نایرهٔ مواد بلا ومحن دراایسه کبیر **الصلح خیر** حصارنه کیردی وجباب
شریکزه خلعت امان ازرانی بیوردی مسلم بیلوردیکه اول خصم لی عانک وعدواهانه
اعتماد وعهد وایمانه اعتقاد مطلقا جایز دکلدر **واحفظوا ایمانکم** فحواسندن

غافل ونقض ایمان خلاف شرط ایمان ایدوکندن ذاهل مرد جاهل در **بیت**
ندیدم من از هیچ کونه وفا که کونه نیاید بغیر از جفا **نثر** بعد صلح وصلاح میسر دکلدر
وجرح عداوت مرهم مصالحت برله التیام بولمق متصور دکلدر پس تکرار تیغ چکوب میدانه
کیردی پنجه دلاوره جام حسام الجوردی تیغ زمرد فامی یاقوت رمانی اقتدی خوف
تندباد قلمسی چهرهٔ اعدای کوه باکی هردب جمعیتلرین کاه صفت پریشان اتدی
بیت کیرب میدانه خیل جنک اتدی جهانی باشلرینه تنک اتدی **نثر** آخر پنجه بدخواه
بدکردارا اتدن اینوب طام ادستنه چقدیلر وسطح بامده اولان یوالق طاشلرینی
مسلمک اوزرینه برقدیلر مجروح قلدقلرنده مسلم کندو کندویه خطاب اتدی وایتدی
ای نفس عزیز نجه بر تیغ تیز جکرسن ونجه دک جنک وستیزه ایدرسن علادی سیه کارک
حسابنه حد وعدد یوق سکا معاون ومظاهر بر احد یوق **بیت** یکم من نفسی نیست
بعالم مارا فریاد رسی نیست درین غم مارا **نثر** جنک وجدال ایلیانشه جقلمز هدهٔ کاهله
کوه کران پرندن ایلمز اکر شیر ژیان مورچه لردن مضرت ایرشسه انک شوکته نه زیان
ایلر وکر پیل دمانه پشه لردن افت تیشسه انک کماله نه نقصان ایلر اکر دریا قطرات
باراندن متغیر اولسه نقصان پذیر اولمز وکر بطحی نسایم وزاندن مغبر اولسه کسه
عیب بولمز همان اولی وانسب بودر که شربت شهادتی نوش ایدب جان شیرنی دیره سین
منازل دنیادن معارج اعلایه ایرهسن **بیت** خون جکرم زدیده بارخ یالود ه
رخساره کجا برم چنین خون آلود **نثر** ناکاه بر سنک دلخراش توب لب ودندانین مجروح
قلدی محاسن شریفندن قان روان اولدی اول کوه وقارک دامن عصمت شعاری
پیرامن کهسار کردار لاله ستان اولدی **بیت** سنکلا اول بدکهر اوردی لب ودندان
صدی در شهوار ایله مملوحقهٔ مرجان صدی **نثر** وقطرات خون ایله محاسن اراسته
اولان [illegible] تاری جواهر رنکین ایله منظوم سلک قیمتدار اولدی پس مسلم ضرب سنکله منکسر
مجروح وغمناک دیوار خانهٔ بکیر بن حمرانه آرقه ویرب طوردی ناکاه صاحب خانه
نواز لقضا کبی ظاهر اولوب شمشیر چکوب بر ضرب مهیب اوردی لب بالاسن کسوب

منزل ثریادن شفق سیال اشکار آندی • دنجوم ثابتانک بعضنی سیار قلدی پرده
لؤلؤی ابلارز اولان اجل تابدار زرنغ اولدقده لآلی شاهوانه لعل بدخشانه دوانه
مرجانه دوندی مسلم دخی تنها تنها رالور شیر کبی اول ستمکار که عقنجه روان اولدی •
چوکان تیغ برآنی شو یله چالدیکه کلّه سی کوی کردار غلطان اولدی • ومسلم پولاد نهاد کبرد
اول دیواره استناد اتدی • وبراجم صو طلب ایلدی کوفیلر کاکثری آنده حاضر ایدی •
جویبار مرحمتلری والنهار شفقتلرندن برقطره ترشح ایتمدی • اول سمن جمن ولایتی
سیراب • واول گلشن نبوتن سعادتی شاداب قلمدیلر آخر بربهره نال مردانه خصال
براکبینه ایچنده صو بویب مسلمه صوندی • دمانه اللدقده کلکون کبی پرخون اولدی • اول
صوی توکوب آب تازه قویدیلر اول دخی برد مله دیده عاشق مثال خون ایله طولدی
دفعه ثالثده آغزینه اللدقده • بابانه قلان اسنان شریفه سی ابکینه ایچنه دوکلدی آنی
کوروب شیشه اندن قودی • وجویبار حیاتدن ال یودی • بعد الیوم بزم آب نوشی
ایتمامز قیامته قالدی • دیرایکن بر بدبخت کلوب ظهر شریفنه بر نیزه اوردی • برکشکل
کبی خاکه دوشوردی اطراف وجوانبدن اوزرینه هجوم اتدیلر طوتوب ابن زیاده
ایلتدیلر ابن زیاد مسلمی معاینه قلدقده • چوکان کبی باشن آشغه صالدی غواصی متخیله
کبی دریای فکرته طالدی • بعد زمان خطاب عتاب امیز ایدوب امام زمانه وخلیفه
جهانه اظهار عناد ایدوب • سبب اضلال عباد • وباعث اختلال بلاد اولمکه دخی
سلم ایتدی امام زمین وزمان • وخلیفه جهانیان حسین در • بودیار الکه فرمایله
کلدم • هرنه کاره که شروع اتدم • رضای خدا ایچون اتدم • ریا وریاست ایچون
اتمدم • طریق حقدن عدول ایدوب نهج باطله کتمدم • وبالجمله مسلم ایله ابن زیاد بیننده
اولقدر قیل وقال واقع اولدیکه استماعی مورث ملال • وباعث انفعال در • آخر ابن
زیاد قتل مسلم قصدنه جلاد طلب ایلدکده • بسر بکیر بن حمران ایلروکلوب بوکون
بنوم بابامی قتل ایلدی • بنده بونی قتل ایده یین دیوب • مبارک الرن طوتوب
بالای بامه چیقردکن مسلم متصل روح پاک مصطفی کاینانه صلوات ویرر ایدی اللهم احکم

بیننا وبین قومنا بالحق دیرایدی وقتی که بالای سطحه ایردی یوزن کعبه یه
طوتوب السلام علیک یا ابن رسول الله مجبا حال زار مدن خبردارمیسن
دیوب زبان حالی بو قطعه نک مضمونن تکلم اتدی • و دیده عبرت دیده سندن قطرات
حسرت اقندی قطعه ای باد صبا عالمی گشت ایلدکده • کیرب حرم کعبیه اغلن کلز
ایله عرض ایلیه بنم حالومی درکاه حسینه • نقل ایلیه کوفه وشامی خبرایله • درکاه حسنه
بندن یوز اوروب سویله دلمدن • زنهار انلره اوله حذر ایله • بر ذرّه نشان کورمدم
انلرده وفادن • سوزک ده حنی یار کبی مختصر ایله پس مسلم کلمه شهادته مشغول اولوب
تیغ قضایه بوین ویردکده بسر بکیر تیغ چکوب قصد ایتدیکه اوره فی الحال پنجه مرجان
کردار • وبرچنار بریده وار الی قوریدی بوحالدن کلّی عبرت آلوپ دینجه مدت
هایم وحایر آقالدی ابن زیاد بو خبر کرامت اثری کوش ایدیجک حمانده مذکوری
احضار اتدی حقیقت حالی استفسار اتدی • ایتدیکه قتل مسلمه آغاز ایلدکده برمرد
مهیب ظهور ایلدی • وقتی که مقابلمه ایردی دندانی ایله انکشت شهادتن اصردی
بو حال عبرت مالی مشاهده قلدقده • بنی حیرت آلدی دست اقتدارم عملدن قالدی
ابن زیاد لب سخریت ایله تبسم ایدوب عادتک مخالف کاره مباشرت وقاعلکه مواجه
کرداره مبادرت اتدک • اول جلادن کوزکه خیالنده حال کورندی دیوب آخر بر
کمسنه یه اشارت ایلدی • اوکلوب بالای بامه چیقدقده • صدر بدر عالم صلی الله علیه
وسلم حضرتلرین کوردی • نا الصور زهره سی چاک اولدی • بالای بامدن هلاک اولدی
بونلردن صکره شامی نژاد برمرد بدنهاد ایلروکلوب سر سعادت اثرن قطع ایدن
ابن زیاده ایلتدی • وتن تابناکن بامدن اشاغه اتدی قطعه فغان ازعالم
بالا برآمد • خروش ازعالم عقبی برآمد • غبار از ساخت افاق برخواست • بیام
قبه خضرا برآمد • باد لهای آتش بار کرنم • بجا موج از دریا برآمد • ازان زاری که
روح مرتضی کرد • غریو از مرقد زهرا برآمد • ربحو ماتم ال محمد • زروح انبیا غوغا برآمد
ابن زیاد تن مسلمی وبدن هانی بن عروه • بردار ایلدی • باشلرین شامه کوندروب واقع

اولان حوادثی سر بسر یازوب اشعار ایلدی. یزید مفهوم مراسله‌ده معلوم
اتدکدن صکره امر ایدوب باشلری در دروازهٔ دمشقه آصوب ابن زیاده
جواب نامه یازوب ارسال ایلدی. مفهوم میمنت مشحونده خطهٔ خلافتده مراتب
امارته وصاحب ایالته متصرف اولنلر سندن موزّد ومکرم ومبجل ومعظم بکسم بوقلم
امور امارتنده خدمات جمهورک مستلزم تدرج مراتب سایهٔ مهمات خلافتده
مساعی مشکورک مستوجب ارتقاء مناصب عالیه‌در. هر فعل که سندن ظاهر اولور
لخلاف نیت خادمه موافقدر. وهر کار که باخر اولورزی ضبط وحفظ امنیت فاده
مطابقدر. وبالجمله وجودک واسطهٔ التیام امور خلافت ورابطهٔ نظام جمهور
رعیتدر. حالا حسین عزم دیار عراق قلدی دیو استماع اولنور. امیدوارکه بو بابده
دخی بذل مقدور وصرف میسور ایدوب ضبط ممالک بلاد وحفظ مسالک عباده
کمال بصیرت وحسن فراست اوزره اولوب سمت معهوده وارمغه مانع اولوب
ممرّ حصاری وبوادیدن قوشی وچور دیرسن. نامه وصول بولدقده ابن زیاد بر
لحاد مضمون مراسله‌دن بهجت تام وساحت تمام حاصل اتدی **بعده** بعض غمازلر
محضر ابن زیاده کلوب مسلم عقیلک بو شهرده دون البلوغ ایکی فرزندی واردر لکن
کیمک یاننده مختفی ونه مکانده محتجب ایدوکی معلوم دکلدر دیدیکنه دلال امر ایلدی
منادی ندا ایدوب فرزندان مسلم هر کیمک خانه‌سنده نهان وکاشانه‌سنده
پنهان ایسه بی توقف دار الاماریه کتوره‌سن انک الله الله مأمولاتندن
متزاید رعایت اولنور. شویلکه کین کاه خفادن محلس ظهوره کتورمیه سیف
سیاسته حقندن کلنور دیو تخویف وتهدید وتنبیه وتأکید ایلدیلر **بونده ام**
زمان بیکارده واوان کیر ودارده مسلم اول ایکی فرزندی خانهٔ قاضی شریحه ارسال
اتمشدی قاضی مرقومک انظار مرحمت اثاریله منظور وآثار شفقت شعاریله
مانوس اولوب منزلنده نزیل مکرم ومهمان مفخم ایدیلر. اول ایکی فرزند ارجمندی
یاننه کتوردی. نظر اتدوکجه بی اختیار اصداف دیده‌لری لآلی بدار ایله طولدی

قطرات عبرات رخسار کلناری ومحاسن کافوری‌سنه روان اولدی. هنوز اول
ایکی پسر خجسته اختر پدر فرخنده سیرلرینک طایر روحی اوکار عالم افکاردن ونشیمن
عقل وحسّ مستعاردن طیران ایدوب کلستان جنانده جولانه وبوستان رضوانه
آشیانه قلدوغن کوش اصغا شدر صاحب خانه‌نک بو وجهله کریه وناله‌سندن ضمیر
کسیرلرینه اندیشهٔ فرقت وبو نوعله سوز شندن کانون درونلرینه آتش حسرت
دوشدی. مورث تحزّن وتحسّر وباعث تألم وتفجّع ندر دیو سؤال ایلدیلر. هرچند
سعی اتدی که بو خبر هایل جهان سوزی مخفی قله. واول نبای جان کسل خان افروزی
پردهٔ اخفاده قله **بیت** این خبر هر چند می خواهم که پنهان می کنم. سینه می کوید که
من تنک آمدم فریاد کن **نثر** عنان صبر دست تدارکندن کیدی. تاسف تام ایله
ایتدی **بیت** بنیاد دین زسنک حوادث خراب شد. دلها بدرد داغ جلای
کباب شد. مهر شرف در ابر فنا کشت مختفی. بحر کرم زحلت دوران سراب شد.
ای فرزندان مقبل ولایل حسنی. دبراحن حدسی شاهدرکه بو دنیای دون خاکدان
فتوردر. نه مکان حضور. بو جهان فانی منزل شروردر. نه محلّ سرور **بیت** هیچ روشن
دلی درین عالم. روزش دی ندید بی شب غم **نثر** قنغی شهریار مجامدک افتاب سلطنتی
کسوف زوالدن مصون اولدی. ونجم خلیفه راشدک ماه خلافتی محاق انتقالدن
محروس ومأمون اولدی. حکم فرمان فرمای **یفعل الله ما یشاء** جملهٔ مکوناتده
جاریدر. وامر مطاع **ویحکم ما یرید** مجموع موجوداتده ساریدر **بیت** کالی بولک
ایرر زوالی. قرارک در پنجهٔ انتقالی **نثر** پدر عنوان دثارکزکه اشرف اعالی واختر
سپهر معالی در مهمان خانهٔ رحمت رحمانده آسوده ومرقد جنتده نشانده **نثر**
نومة العروس ایله رتبهٔ غنوده اولدی **بیت** صحن جنت نشیمن اولسون اکا دهر
خلد مسکن اولسون اکا **نثر** وسزاره عمر طویل وبقای جمیل میسر اوله. اول ایکی اختر برج
سعادت ودکوهر درج سیادت بو خبر آتش اثری کوش ایله کلرنده جامهٔ صبر وقراری
چاک وعمامهٔ سکون واصطباری برخاک ایدوب فرقت تام ایله فریاد وناله قلدیلر

دلکزار رخسارلرین برژاله ایلدیلر بیت که اتیدی نرکس شبنمله تزیین حواله
اولدی که ماه اوزره پروین مر قاضی شریح ایلدی ای مخدوم عالی تبار زمان
کین وانزوادر نه محل ناله و بکادر زیرا ابن زیاد سز شاهین اوج عزتی الکتورمک
قصدنه اطراف واکناف منادیلر صالمشدر هر کم که الکتوره عطای فراوان ایله
رعایت اولنور وهر کم که خانه‌سنده پنهان ایدوب یکین اخفاده نهان قلورسه
کوناکون ایله سیاست اولنور دیو بی حد تاکید وتهدید ایلدیلر بکا بو شهر آشوبده
محبان اهل بیت بس دیو یار وهوادارلکجکر احیا ساولمشدر اعدای بدرای خود
سوسمار ایکن مار اولمشدر هر طرفدن ایذا وانازره حاضرلر وافعال واطوار منه
ناظرلردر خوفم اولدر که تندباد فتنه زیاددن شاخسار وجودکزه حزر کلوب خاکسار
حال حیرت مآلکزه اداسی داقاصی کلمه پس رای صایبم وافکار ثاقبم اولدر که سزی برمرد
صلاح پیشه قوشوب مدینه سلطان الانبیایه ارسال ایدم تا بر دخی فراغ بال ایله
کندو کارمه اشتغال کوستررم وقتی که قاضی شریحدن بو خبر ملالت اثری کوش ایدیلر
بالش وجان خوفندن دوشوب ناله وبکایی فراموش ایتدیلر پس قاضی مرقوم هر برینک
تعبانچه‌سن افتاب کردار بهر زر ایتدی واو غلامسنه سپارش ایتدی وایتدی
حالا دروازه عراقینک حشرینده کاربان قونوب جانب مدینه‌یه روان اولنه
حاضرلردر بونلری انده ایلت سیمای حاللرنده اثار زهد وصلاح وچهره جاللرنده
انوار رشد وفلاح اولنلرک برینه تسلیم ایت اسدام بلده اطاعت ایدوب اول
ایکی شیرزاده شب تاردده رهبر اولوب هزار خوف وحذر ایله جایکاه کاروانه
ایلتدی اول ساعتده کاروان روان اولمشدی اما سیاهی کاربان هنوز مشاهده
ایکن عقبلرنجه روان ایتدی هرچند که اقدام اقدام ایله ملاقات اولنمغه سعی ایتدیلر طریق
مستقیمدن چقوب خلاف سمته کتدیلر وبالجمله کاروانه توصل میسر اولمیوب
دکنک حیران قالدیلر ناکاه اطراف خطردن کوفی ضبط ایدنلره ملاقات اولوب
اولادمسلم ایدوکی معلوم ایدوب طوتوب سرورلرینه ایلتدیلر سروردەفی

ابن زیاده کوندردی وصول بولدقلرده حبس ایتدیلر القصه زندان باغ
محب خاندان اولوب مشکور دیکله مسما برمرد صادق الوفا ایدی بونلرکم
ایدوکن بیلوب نیجه عزت وحرمت ایتدی وبر مسکن زیبایه ایلتدی اطعمه واشربه
دن هر نه قادر ایسه اوکلرینه کتوردی کمر خدمتی میان جانه بند ایدوب بامدن
شامه دک مقام ملازمتده طوردی بیت پرده شامی نقاب ایلدی چونکم افتاب
خوابه واردی روز روشن یاتدی جمله شیخ وشاب مرغ عصافیر کواکب آشیان آسمانده
جمع اولدوغی دمده اول ایکی کبوتر حرم سیادتی قفص محبسدن آزاد ایتدی وقادسیه
یولنه ایلاب فاتحه ودرب ایتدی مرجودرکه من بعد مناهل مقاصد ومطالب
خاشاک عوار خدوخ مصفا ومشارب مارب خار آزار نقایضدن مبرا اولوب
آفتاب مقصود عقده کسوفدن خلاص بوله وشام محنت صبح سعادته مبدل
اولدقده انشاء الله الاعز محل معهوده ومکان موعوده حصول ووصول میسر اولدقده
انده برادرم واردر وارب انکا ملاقات اولسز بو خاتمی نشان ویروب مقصوده
دسترس بولسز اول ایکی فرزند ذوی المفاخر سعی مشکوردن راضی وشاکر اولوب
صمیم فؤاددن دعا ایتدیلر جانب مقصوده دوشوب کتدیلر کردباد مثال سرکشته
حال اولوب ودیده صفت منقلب الاحوال اولوب اشک روان ایدن غریب لیللری
وشعله برق آهدن اوزکه بدرقه سبیللری یوغیدی اما لا راد لقضائه
سبحانه فکر متین ایله مقتضای قضا تبدیل اولنمز ولا معقب لحکمه حکمیله که تقدیر
انکشت تدبیر ایله انحلال بولمز قطعه ایلدک رشته سینی سست تقدیر نجکم ایلیه
ای دل کره کیر فراغت قلکه اول عقده آچلمز انی حل ایده مز انکشت تدبیر نثر
ارادت ربانیه ومشیت صمدانیه اول ایکی همای اوج جلال مدت قریبه‌ده بال
اقبال ایله خطایر انسده طیران وعلایق قفسده سیران ایله لرزن اقتضا ایتمکین
شاه راه مقصودی کم ایدوب نیجه جبال وصحاری قطع ایدوب ونیجه تلال وبراری
طی ایلیوب جای مخافاتدن خلاص اولمق وآفات مهلکاتدن مناص بولمق

احمان دیررلرکه علامت سحر پیدا و دتباشیر صبح هویدا اولدی کوردیلرکه هنوز
قرب سواد شهرده کززلر تکرار قید بلایه کرفتار اولمقدن احتراز ایدب ما تند
آب حمامه خرابستانه روان اولدیلر اول ایکی نهال باغ جنان بری دار چشمه کنارنده
برکهنه درخت جوفنه کیرب پنهان اولدیلر برخاتون چشمه وارب اول ایکی جوانک
عکسن آبده کورب مشاهده قلدی برج آبیده ایکی ماه تصور ایدب حیران قالدی
بیت دل صورت زیبای تو در آب روان دید بیخود شد و فریاد برآورد که ماه
بالای درخته نظر ایدب کوردیکه مثنوی دو گل ازگلشن دولت دمیده دو سرو
ازباغ خوبی سرکشیده دوماه از برج آبی رخ نموده زدیده چشمه باران کشوده
یکی مانند مهر از دل ربایی یکی چون آب خضر از جان فزایی گل رخسارشان زیر کلاله
شده از گریه خونین همچو لاله لب آن کشته خشک از آتش غم رخ این مانده تر از اشک
ماتم بونلردن سوال ایلدیکه نه برجک آفتاب رخشنده سی و نه درجک کوهر
تابنده سی سز ایتدیلرکه غریب محنت کشیده و یتیم مشقت دیده وز پدر
مشفقدن ایرلوب یول یکلش اواره لرز اشبو بو منزلی پناه قلمش بیچاره لرز
خاتون مزبوره نام پدرلرین استفسار ایتدی اول در یتیملر نام پدری کوش
ایتدکده جرح جانیلرین کوبار ایتدی و ایتدی بیت خدایا ای رفیق از منزل جانا
جدا یا دم که من در وادی هجران زدرد دل بفریا دم القصه مسلم عقیلک
اوغللری اولدوغنه واقف اولوب هزار شفقت و مرحمت ایله اوینه ایلتدی
تعیین مقام و ترتیب طعام ایتدی شولدم که عروس قمر بخت الکلیل زراندود
اورتغنی و چهره زال عالم چادر کحلی مرصع شبی بورندی اول مؤمنه صادقه
اول ایکی فرزند ارجمنده برخالی محلده جامه خواب راحت ترتیب ایدب کندو دخی
اوز مقامنده قرار ایتدی بعد زمان اری کلوب خاتوندن طعام طلب ایتدی ایدی
بوکون صناوی لرندا ایلدیلرکه هر کم مسلمک اوغلاریخ بولوب کتوره الکا مال فراوان
ویره لر و انواع رعایت ایله درجات عالیه یه ایرکوره لر بن دخی بو هوا ایله بادیه

حوالی شهری کشت ایتدم بیلمکون صفت قان دریوب انیقدن چقدم الم
کتورمک بیرا اولیوب هر تف و تاب بی طعمه داب قالدم خاتون بو خبری کوش
ایتدکده ایتدیکه ای مرد بدنیت بو نه جسارت خسارت عاقبتدرکه اولاد رسولی بو جمله
طلبکار اولورسن فمن اساء فعلیها مکنجه کردار کک جزاسن بولورسن بیجون وعید
قتل نفسدن غفلت ایدرسن حطام دنیای فانی نعیم عقبای جاودانی اوزره
ترجیح ایلرسن دخی بونک کبی حکمت آمیز و نصیحت انکیز کلمات ایتدی و بوابیاتک
مضمونن حالدن قاله کتورب ایتدی قطعه غنیمت بل وجود نازنینک کیدر دن
قو بوکبر و کینک هیلورسن منزلک چون زیر کلدر نه معنیدن ایلک آزار دلدر
برابر دربونک حب آز و چوق قو معلوم اولیسر واروبوغی ایتدیکه ای خاتون
سن بنم حال زارمدن غافلسن الضرورات تبیح المحظورات مضمونندن
ذاهلسن امور معاشده و خصوص انتعاشده کثرت قلتدن عالم دکرکون اولمشدر
وحالا نایره جوع آتش کده معده مده اشتعال بولمشدر آب و نان وار ایسه
کتور یوخسه نزاع و مجادله لک آردن کوتور والحاصل طعام ملنوب خوابه واردی
بیت صو یونوب کیردوکی دم جامه خوابه جهانک شر و شوری واردی خوابه
جوف اللیلده فرزند مهتر مسلم خوابدن بیدار اولوب ایتدی که ای برادر شویله
فهم اولنورکه مدت یسیرده ایکیمزی دخی جان شیرینی ویره وز یعنی بونکنا
بلادن راحت فزای عقبایه ایره وز زیرا بابام ایله سید الانبیایی و حسن
و حسین ایله علی مرتضایی و فاطمة الزهرای عالم رؤیاده کوردوم باغ جنانده کزرلر
و هرکوشه سن تماشا ایدرلردی ناکاه رسول اکرم بابامه خطاب ایتدی و ایتدی یانه
حادث اولدیکه بو ایکی طفل مظلومی اشرار میاننده قومغه باعث اولدی پدرم
نظر ایدب ایکیمزی کورب ایتدیکه یارن انجه اکیمیزک دخی محنت سرای جهاندن خلد
آباد جنانه ایصاللری مقرردر برادر کهتر کوش ایدب خدای نه همتا همچون بود قضا
علی ما هو الواقع بن دخی کوردم دیدکده مرآت دللرنده صورت ملال و جبین جلال ارده

بچین کلال ظاهر اولوب ایکی برادر موافق لاله وسنبل کبی بری برینه معانق اولوب
کاه الماس تر کانلو لآلی قطرات عبرات سفته قلدیلر کاه رعد وبرق کبی ناله جانسوز
ایله یانوب یاقلدیلر **شعر** بیا ای اشک تا بر روزکار خویشتن گریم • چو شمع از محنت
شبهای تار خویشتن گریم • ندارم مهربانی تا کند بر حال من گریه • همان بهتر که من
بر حال زار خویشتن گریم **نثر** صاحب خانه که حارث بن عروه دیکله مسمی بر مرد بد لقا ایکن
صدای نوحه واوای ضجه سی کوش ایدوب همانکدم طایر خواب آشیان دیده سندن
اوچدی ومهمان حضور سا فرخانه دلندن کوچدی شمع تابدار بیدار ایدوب
اوزرلرینه وارب کوردیکه ایکی غزال تازه بر برینه مایل ولوب قوللرین بر برینک
کردننه حایل قلوب فریاد وفغان ایدرلر باد آدم تردن برک ارغوان مجمر افرزندان
مسلم ایدوکی معلوم اولیجق اول بی رحم وخونخوار واول ظالم وستمکار زهر برینک
رخسارینه طپنجه رادردیکه زخم انکشت درشتی برک لاله سنبل صفت کوک کوک ایلدی
بر برندن جدا اولمسون دیو کیسوی خوش بویلریله بر برینه بغلدی اول زن مؤمنه
صالحه دفور غمدن چاک کریبان ایدوب شوهر بدکارینک دامن کردار پاینه
دوشوب انواع تضرع اتدی دبو ابیات نصیحت سمانک مضموننی ادا ایدوب ایتدی
ابیات بونلرله کم اتسه کارزاری • آخر انک اوله کاری زاری • ظلم ایله بو ایکی
یتیمه • اوغرتمه اوزکی غم لئیمه • اجداد نه حرمت ایله باری • تا کم سکا رحمت ایده
باری • اغلمه که بدرعا ایدرلر • اوجا طوکه صوقویوب کیدرلر • افغان یتیم محنت
آلوده • ایدر نیجه دودمانی پرروده • بونلر که عیلیه آه ایدرلر • مهرک یوزنی سیاه ایدرلر
فریاد وفغان صبحگاهی • برباد ایده نیجه ملک شاهی **وقتی که جلاد چرخ بیداد**
تیغ زرنکار مهری نیام مینا فامدن اشکار اتدی اول غدار سیه روزکار
دخی تیغ خونبارین طاقنوب اول ایکی بزرک زاده پیاده اوکنه قاتدی آب
فرات جانبنه طوتوب کتدی • خاتون مشفقه جوی کردار زار واشکبار اردندن
یتوب ایتدی بو فعل خطره وبو کار شقاوت تأثیره مباشرت کوسترمه کسیلن

باشن کیرو بتمز • صوکره ندامت فایده ایتمز • دست ساقی انتقام آخر سکا ده شربت
حمام الحزن **مثنوی** سنک دخی بقر دار وو دیارک • الندن قورتولش یوقدر روزکارک
رعایت ایلمز پیر وجوانه • کنوررر ارفه سن بهره زمانه • اکر اوله مقامک تخت افلاک •
چو خاکی سن اولورسن عاقبت خاک • نجه دست اجل اوله کلوکیر • انی منع ایده بلمز
ضرب شمشیر **قل الحق ولو کان مرا** حکمنجه لوازم نصایح مشفقانه دریغ ایلمدی •
اصلا کارکر اولمیوب آینه خاطری صیقل پند ایله صفا بولمدی • وسواد ضمیری
کدورات مخالفت وعناددن پاک اولمدی • خاتون مزبوره نکه شمع شفاعتی
نور نصیحت ایله افروخته ودلباس التماسی رشته موعظت بر له دوخته اولمیوب مذکور
ملکورک برفرزند خوش نهادی • وبر بنده خانه زادی وار ایدی مذکورلر وایکی
فرزندی معرض هلاکه ایرکورک دیو ابرام ایلدی • ایتدیلر که حضرت رب العباددن
شرم وشفیع یوم التناددن آزرم ایتمزمیسن که بو ایکی معصوم مظلومی لباس
حیاتدن عاری ونقاب تهابده متواری قلوق استرسن اول ستمکار غدار
حلددن بیرون بحضور مضطرب ونایره خشم وغضب درونندن ملتهب اولوب
دیده سی غافللر کوکلی کبی تیره ودلی جاهللر رایی کبی خیره لنوب مقرابدوکی
سیف حیف ایله فرزند وبنده سن هلاکه ومنزل دمقاملرین خون وخاک ایله
شمشیر چکوب اوزرلرینه یوردکده خاتونی ارایه کیرب قصدلندیکه منع ایلیه اول
ظالم تیره رای خاتونی زخم بی رحم ایله مجروح واول ایکی مظلوم معصومی بی روح
قلدی **بیت** دارمی عالمده عجب بویله سفیه وسفاک • مال امید ایله ایده برنیجه مظلومی
هلاک **نثر** خاتون فرخنده خصایل • زار وعلیل مجروح وذلیل خسته ودم بسته
محزون وخاطر شکسته • بی تاب وتوان • متحیر وسرکردان اولوب ایتدی چونکه بونلرک
خرمن اعمارن صرصر قهر ایله برباد اتدک • جاده انصافدن چقوب طریق اعتسافه
کتدک • باری بو ایکی کبوتر سعادتی آزاد ایله • بو عاجزی مکسور الخاطری دلشاد ایله
هرچند ابرام اتدی تضرع وشفاعتی حسن قبول ایله مستلقی اولمدی صحایف التماسی

رقم انجامه اقتران بولدي • اول جاهل ونادان • اول ایکی طفل سعادت قرینک
باشلرین قطع اتدی • وتن تابناکلرن آب فراته آتدی قطعه جفاکاری
بسی جستند اما • بدین تندی جفاکاری که دیدست • ندارد پشه جز آزار دلها
چنین شخصی دل آزاری که دیدست نثر دریغ وحیف که اول ایکی نهال گلشن اجلال
اول بهار جوانیده سلسال حیاتدن سیراب اولمدین خزان اجل ایله پژمرده
اولوب صولدي • وباغ زندگانیده اثمار اعماردن برخوردار اولمدین
تکرک مرگ ایله خاک اولدي قطعه دریغ ودرد که هردو نوجوان رفتند • بصد
ملالت وحسرت ازین جهان رفتند • چو عندلیب سزد گر بنالم از لاله زار • کنون که یاسمن
گل ز بوستان رفتند • غم یتیمی وغربت هنوز درخورشان • بجانب پدر خویشتن
روان رفتند القصه اول ایکی مظلومک سرلرن بر توبریه قویوب برعت
تمام ایلن دارالاماره یه گتوردی • هنوز دیوان مظالم قایم ایکن ابن زیادک
حضورنه یتوردي • ابن زیاد اتدی که بونک ایچنده نه واردر • اعلای بلد
کامک باشلریدر که امید مراتب علیا ورجای عطای ستوده برله حضورکه گتوردم
دیدکده امر حاکم ایله توبره‌دن الوب باشلری خون وخاکدن پاک اتدیلر • برکن ایچنه
قویوب محضر ابن زیاده ایلتدیلر • قدرت سبحانی وحکمت صمدانی برله اول ایکی
سر شریف نطق صحیح وبیان صریح ایله قرآت قرآن عظیم آغاز ایلدیلر • بو حال کرامت
مآلی وقوعندن اهل دیوان مانند صورت بیجان واله وحیران قالدیلر • وابن
زیاده لرزه ودهشت مستولی اولوب باشن اشاغه صالدي • بعد زمان گتورنه
کلوب سر سعادت اثرلره نظر ایدوب گوردیکه یوزلری قرص ماه • وگیسولری
مشک سیاهه بکزر • کیمک باشلریدر دیو صورت حالی سؤال اتدکده مسلم عقیلک
اوغللریدر دیوب نقیر وقطمیر سرگذشتن حکایت ووقوع اولان ماجرای علی
ما هو الواقع روایت اتدی • ایدیکه سابقا حبله لندقده حقیقت حاللری زیاده
اعلام اولنمشدی طلب اولنورسه نه جواب ویره‌م لمچون زنده ایکن یعنی جانلری

بدنده ایکن گتورمدک • ایدیکه احترازاتدم عوام الناس عموما غلو ایدوب
دست تعدی دراز ایدوب المدن الرلر • امید عایده ورجای فایده‌دن محروم وبی
نصیب قیلورلر • ابن زیاد ایدیکه صوب صوابه اقرب اول ایدیکه بر محفوظ یرده
نهان ایدیدک • اندن کلوب بکا اعلام واعلان ایدیدک • تا که صاغ واسن حضوره
گتوریدم • وسنکله حق مراد نهادکنجه ایله بتوریدم • اول ظالم خونخوار خجلتدن مانند
دهان زخم خورده دمبسته اولوب قالدي • وخیال تیغ باشن اشغه صالدي • ابن
زیادک مقاتل نام بر مرد قابل بذلی وار ایدی • صمیم جاندن اهل بیته محب وهوادار
ایدی • یاننه دعوت اتدی وایتدی • بو بی رحم وستمکارک قتلی سنک شمشیر رای
زرینکه منوط • وخیال فکر متینکه مربوط اولسون • مهر نه سیاست وایذا وحقارت
وجفا دلرسک ایله دیو باشلری بیله الوب گیده سن • تنلری نه محلده غرقهٔ آب
اولدیسه • بونلری دخی اول موضعه صویه صالاسن • وبونی او بدنهاددن
اول مظلوملرک انتقامن الاسن • مقاتل شاد وخرم یرندن طوروب باشندن
عمامه‌سن الوب گردننه ایپ طاقوب • بازار کوفه‌دن مرور اتدررکن اهالی شهر
سرلرین گوروب هر گوشه‌دن بکای جانسوز • وهر کوچه‌دن نالهٔ غم اندوز پیدا
اولوب • انواع سیاست وحقارت ایله محل معهوده ایلتدیلر اول معتبرلري اعزاز
واکرام وتبجیل واحترام ایله جوی فراته آتدیلر شواهده ایدر صویه آتیلن
تنلر حباب آسا بالایه کلدیلر • هر سر کندو تننه ملحق اولوب بازولرین بربرینک
گردننه حمایل قلدیلر • فی الحال پری وار ابصار نظردن نهان اولوب غریق رحمت
رحمان اولدیلر بیت قویوب جهانی رحمت رحمانه گتدیلر • دار القرار روضهٔ
رضوانه گتدیلر • حارث ایدیکه ای مقاتل بنی قتل ایتمه‌دن سکا نه حاصل بکا مهلت
ویر کاشانه‌مه گیده‌یم • اون بیک التونم واردر جمله‌سن سکا تسلیم ایده‌یم مقاتل
جواب ویرب ای مرد سیه دل اگر گنج شایگان • بلکه جمیع اموال جهان سنک دست
تصرفکده اولوب بکا عطا قلسک سکا ذره جه میل بال میسر دکلدر • وقتلک با بنده

اهمال احمال متصور دکلدر • مراد خادم کسب مثوبات اخرویدر • نه افندم خرفات
دنیوی دیوب قدامنه اشارت ایلدی • فی الحال برکه مقاجا واجل مسمی کبی بوغزین
آلدیلر • بی توقف زمین سیاسته صالدیلر حمانده دست وپاین قطع ودیدهٔ الم دیده
سن قلع ایدوب کندم مثال سینه سن چاک اتدیلر • واعضای بریده سن شکم دریاده
قویوب حکم بنا ایلیوب صویه اتدیلر **بیت** سینه سن کندم کبی چاک اتدیلر • کشت
زارغم لی قاکا اتدیلر • مدت قریبه ده تلاطم امواج برله مانند خس وخاشاک کناره چقدی
اوچ دفعه صویه القا اتدیلر قبول اتمیوب ساحله برقدی • برحفره قازوب ایچینه قویوب
اوزرینه سنک وخاک وخس وخاشاک دوکدیلر • جزوی زمانده زمین بانکیبی چوکه اولوب
چقدی خطره اتدی • اوچ دفعه بومنوال اوزره زمین قبول ایتمدوکی اجلدن آتش
یقدیلر • اجزای متفرقه سن ایچنه برقدیلر • یا توب کل اولدی • کردار نا سزاک جزاسی
بولدی **قطعه** طمع برله سعادت اولدی جمع • طمع کار اولن اولمز اهل دولت • طمع
لفظنده کاوچ حلقه شکلی • طمع کاره اولور طوق ملامت • بو خود هر حلقه انده ای حجی
قدر • اولیدر آشیان بوم نکبت • جملهدن اوغردی حارث بلایه • قومادی کندوده
عرض ودیانت • قبول اتمسه نوله اجرایله بر • انی کم ایلدی بوکچه قباحت **من عمل**
سوء یجز به حکمیچه **قطعه** اکر برخانه یه اوروکسه آذر • شرارندن امین اولمز قوم
کتنینک اندوکی یانته قالمز • مکافات اولور اکا خیر اکر شر **طقوزنجی باب**
امام حسین فرخ لقا اولاد واقربا وسایر دوستان صادق الوفا میدان
کربلاده اعدای بدرای ایله محاربه اتدکلری وجام انتقامدن شربت شهادتی
نوش ایدوب بزمگاه عقبایه کتدکلری بیانندهدر حقاکه بوحکایت محنت
غایتک شداید مصایبی وصفن بلغای فصاحت شعار اعانت قوت تقریر ایله بیان
امکانه صغرمق محالدر • دیو حکایت بلیت غایتک نکایت نوابی شرحن فحوای
بلاغت دثار وسیلهٔ صورت تحریر برله حیز ظهوره کتورمک محض خیالدر **قطعه**
امی ترسم که اندر وقت تحریر • زبان از آتش دل در بسوزد • واکر تحریر خواهم ان زمان هم

قلم بشکاند وکاغذ بسوزد **نثر** قلم زبانک گفتاره قدرتی • وزبان قلمک اظهاره
طاقتی یوقدر **قطعه** هرنجه تحریرینی بوغصه نک تکلیف ایدم • حیرتندن باشنی اشاغه
صالورهر قلم • جلا آنجلر قلم بحر سیاه اولسه مدام • بیک وچیراتمز بو دردک بیکده بیرینی
رقم **نثر** بو حکایتک استعلای نوایر غمومن کوش ایدنلرک معنای **یضیق صدری**
حسب حاللری • وبو روایتک استیلای شداید همومن بیان قلنلرک فحوای **ولاینطلق**
لسانی حال حیرت مآللریدر **نظم** سوز سویلمکه قالمدی برذره قدرت • بغلدی
غم وغصه ره نطق وبیانی **نثر** بس وجملهٔ منقصهٔ تقریرده جلوه کروچهره کشا • ونه رسمه
صفحهٔ تحریرده صورت بند ونقش نما اوله **قطعه** زدست گریه کتابت نمی توانم
کرد • که می نویسم ومغسول می شود فی الحال • زآه وناله شکایت نمی توانم کرد • که حلقه
کره بزبان می فتد بوقت مقال **نثر** الحق اول حضرتک آز واقعه دکلدر • واهل بیت
عالی رتبتک مصیبتی جزوی حادثه دکلدر • بوحادثهٔ عظمی وبو واقعهٔ کبری • وقوع
بولمزدن اول واقدم سید عالم • وسند بنی آدم • صلی الله علیه وسلم • بوجرح وجیعک
سیا رقعیین ایله عورینه ایرشدی • وعلی مرتضایه • وفاطمهٔ زهرایه خبر ویرلشدی
جبرئیل وحی رسان • مخبر انس وجان حضرتنه شهادت حسین دن بش وقعه خبر ویردوکی
کنز الغرایب ده منظوم • سلک عیان • ومرقوم کلک بیان در **اولا** امام حسین ملکت
عدمدن فضای وجوده وملک غیب دن فنای سرای شهوده قدم بصلودیغی دمده مبلغ
پیام ملک علام • جبرئیل علیه السلام نازل اولوب ویردوکی اخبار مصیبت اثارک تفصیلی
باب سابقده مسطوردر **ثانیا** اول مهر سپهر قدر وحسب • واول ماه آفتاب
آسمان علم وادب • رحم مادرده دورت آیلق ایکن ام الفضل بنت حارثدن نقل
اولنور ایدرکه • عالم مثالده کوردم حضرت رسالتک تن شریفندن بر پاره سن
قطع اتدیلر • کتوروب بکا ویرب کتدیلر • هوواقعه دن که بیدار اولدم ترسان
وهراسان قیام ایدوب حضور حضرتنه کتدم • وارد قلده صورت واقعهٔ خامهٔ
بیان ایله تصویر اتدم اول حضرت تبسم اتدی وایتدی • یا ام الفضل خایت

ایله مرغوب ومحسن ولطافت ایله خوب وروشن واقعه کورمش سن دخترم فاطمهٔ
کامله بر فرزند سعادتمند حامله در اول ایر بندن بر قطعه وجسمدن بر بضعه در
غرفهٔ علمدن طلعت نما ونگارخانهٔ عصمتدن چهره کشا اولدقده سنی کا دایهٔ
سعادت مایه تعیین ایدرز وقتی که ای وکونی یتدی عالم ارواحدن وحشت
آباد اشباحه نزول ایتدی یدی کوندن صکره بکا ویردیلر خدمت رضاعنه
تعیین اولنم ایله تاج مفاخرتم فرق فرقدانه ایر کوردیلر خاتون مزبور ایدر
روز مسرت افزوده که بخت بیدار رهاون وطالع مددکار رهنمون اولوب
آفتاب فلک اصطفا ابو القاسم محمد مصطفی کلوب خانمزه کیردی قدوم میمنت
ورود ایله شرفلی اندازه ویردی بیت کلدی چون فخر جهان ویردی شرف
خانمزه باغ جنت نوله رنکله کاشانمزه نثر جکرکوشه‌می کتور کورین دیو بیوردی
دست شریفلرینه ویردکده چهرهٔ دلارایس اوپوب وجبههٔ پر انوارین کردن
شریفنه سوردی بعد زمان حسین اراقه قلدی بر قطره سی لباس فخر انارلرینه طلدی
سرعت شتابله دست شریفلرندن الوب ایچون آغلدی اول حضرت بالام الفضل
بم ثمرهٔ شجرهٔ فوادمی دست شفقت وید لطافت برله طوتب آغلمه کر جامه ده
اولان قطرهٔ ناپاکی آب پاک کان لم یکن ایدر اما انک یننهٔ ضمیرینه تأثیرلرن
زنک کدر نه وجهله کیدر بو اثناده جبریل نازل اولوب ایتدی که ای سندنشین تخت
لولاک حسینک بو مقدار کریه سنه محزون وغمناک اولدوکوز شولدم که تشنه دنان
دشنهٔ آبدار ایله حلق شریفی قطع اولوب هلاک اوله وسر سعادت اثری ملاحظت
مستغرق خون وفنا اوله حالیجه اولور خواجه کاینات علیه افضل الصلوة
حضرتلری بو حالدن غایت ملول اولدی نرکس شهلاسی شبنم بر شکله طولدی
الحق ای ارباب قلوب آگاه وای اصحاب تیقظ وانتباه هر کیم بو مصیبتدن
محزون وزار ودبو تعزیتده غمکین واشکبار اوله مقرر درکه سید بنی آدمه موافقت
وسر دفتر جریدهٔ عالمه متابعت ایلمش اولور ودینلمشدر که ارواح انبیا سلطان

اصفیا

اصفیا حضرتلرینه موافقة واقعهٔ امام حسین ایچون ملول ومغموم ومحزون اولمشلر
در قطعه آدم بو غصه دن الم ودردله مبتلا کشتی نوح غرقهٔ طوفان ابتلا کوش
ایلدکده ماتم شهزادهٔ قمو کلدی خروش وغلغلیه خلیل انبیا نیل ایله موسی پیرهنی
کوک بویدی عیسی عملجه سنی ایلدی قبا نالهٔ قیلورسه فاطمه بو غصه ده روا
قان اغلرایسه یاش یرینه مرتضا سزا ثالث خبر شهادت حضرت حسین
امام طبرانینک سیر کبیرنده محرر وسایر کتب معتبره ده دخی مسطوردرکه اوج یاشنده
ایکن اصحاب رسولدن دحیة الکلبی دیمکله معروف فضل وکمال وحسن وجمال برله موصوف
بر جوان وار ایدی الکاسب حبیب الله حکمنجه بعض اوقاتده تجارته کیدردی عودت
ایدوب سعادت ملاقات ایله مشرف اولدقچه خواجهٔ کونین انکا زیاده حرمت ایدر ایدی
هر کلدوکجه بوستان میوهٔ ابدار وشیرین وفاکههٔ خوشکوار ورنکیندن آستین
وکریبانن پر ایدوب اول ایکی باکورهٔ باغ رسالته هدیه کتوررلردی شهزاده لر
انکا مانوس اولوب حضور حضرته کلدکجه یانینه وارررلردی ودبی تکلف جیب ودامانن
ارررلردی وآستین وکریبانینه ال صوقرلردی دحیه نصاب حسندن بهره مند وجمال
بر کمال ایله شهره بند اولمغین جبریل اکثریا دحیه شکلنده متمثل اولوردی اندن حضور
حضرته کلوردی بر کون اول صورت ایله سجده کیروب اول حضرت ایله مجالست ده
بابدن مصاحبت ایلرکن شهزاده لر دحیه تصور ایدوب عادت مالوفه لری وفقنجه
یانینه واروب اوتوردیلر ودبی تحاشی آستین وکریبانینه ال اوردیلر شهزاده لرک
بو نوعه جرأت واقدامندن وبو وجهله جسارت واهتمامندن سید انبیا غرق عرق
استحیا اولوب مراد ایلدی که انلری جبریل یانندن ایره وحجرهٔ طاهره لرینه کوندره
جبریل ایتدی که ای کان شفقت مرجودر که رخصت وعنایت بیوره سز که مقتضای
رضالری اوزره اوله لر تا که دل دریا مثاللرینه غبار تکدر وآیینهٔ ضمیرلرینه
زنک تکسر طاری اولمیه اول حضرت ایتدی سزی دحیه ظن ایدوب بو وجهله جرأت
ایدرلر ورتبت عالی منزلتکز فهم ایتمیوب ترک حرمت ایدرلر جبریل ایتدی ای

ای سرور عالمیان • دی بجتر آدیان • کرّة بعد کرّة بکا امر وارد اولوب علا التعجیل
دار رب حسینک مهد مهتدلرن حال که فاطمهٔ زهرا خوابده در بر مدت راحت اوله دیجه
دفعه طاحون سرعت غوغای دست خدمتم ایله دایرهٔ دید معاودتم برله سایر اولمشدر •
تاکم بر ساعت استراحت بوله • بن که بو خاندان معجز نشانک آسیا کردانی و شهزادکان
عالیشانک کهواره جنبانی اولم • بی تکلف یا نمه کلسه عجب اولمیه • ودخی مثال روی لطف
کوستر سه لر کاداب اولمیه • اما استین وکریبانم بخششدن مراد ما فی الضمیر علوم
وخاطرهٔ خاطر عاطرلری مفهوم اولمدی • اول حضرت ابتدی هر کاه که دخی بونده کلسه
میوهٔ کوناکون ایله آستین وکریبانن طولدرردی حسنه وحسینه هدیه کتوررددی •
طالادی میوه بجا ایدرلر • دفاکهه تمنا قیلورلر • همان دم جبرئیل جانب بهشته ال
اوزادوب تاک میوه تابنا کندن بر خوشهٔ انکور آبدار • دانجار طراوت آثارندن
بردانه انار قوپردی • اول ایکی نو بادهٔ باغ رسالتک اوکنده قودی شهزاده لر
حصول فاکهه دن خوش حال اولدیلر • فی الحال تناول ایلمکه اشتغال کوستردیلر حضرت خیر
البشر چشم شفقت ودیدهٔ مرحمت ایله جبین منوّره لرینه وچهرهٔ بینا کوسترلرینه
نظر ایدرکن جبرئیل ایتدی • یا رسول الله بو ایکی نهال نوخاسته نک حیاتی باد مراد ایله آجلمه
صرصر قهر اهل عدوان ایله پژمرده اوله کرک • وبونلرک مصیبتی جناب شریفکزه ذریعهٔ
ازدیاد شفاعت اولوب الله تعالی حکمت بو واسطه برله منازل عالیه یه دست رس
بوله کرک نظم بروز حشر ببینی بدست پیغمبر • کلیدکنج سعادت بجون لهای حسین
دخی بو نوعله محرر وبو نمطا وزره
مسطردرکه جبرئیل جنتدن بر انار • وبر الما وبر ایوا کتوروب • اول ایکی نهال شجرهٔ اقبال
ونور حدقهٔ فضل وافضال • ویردکده هر بری کل کبی کشاده دل اولوب اولدی خلوتخانه
درونلری نور سرور ایله طولدی • حضرت بیوردیکه • والد ووالده کوز نحفرنه وارک
انلر ایله بیله اکل ایلیسز • امام برلدن بر مقدار باتق قویه سز حرند دم کرتناول ایلر
بر مقدار باتق قورلردی علی الصباح به زرّین کردون کبی بوتون بولورلردی دقتی

فاطمهٔ زهرانک نهال وجودندن شکوفهٔ جوانی چیده ومیوهٔ زندکانی بریده اولدی
انار انارستان ریاض غیبه کتدی • وشولدم که علی مرتضانک • ازهار بهار عمری خزان
اجل برله صولدی ایوا دخی مکان اصلیسنه رجوع ایتدی • اما الما امام یا نده ایدی
کربلاده آتش عطش هیجان • بولدقجه اول سیبی استشمام ایدردی تشنه لک نوعا کدردی
شولدم که پیمانهٔ عمری طولدی الما دخی غایب اولدی
انلر که تربت عالی رتبت امامی زیارت ایدرلردی اول سیب طیب نکهتک رایحهٔ
طیبه سن استشمام ایلرلردی قطعه اکر بر مرقد جنت پناهش بکذری یابی شمیمش •
در مشام جان زبوی مشک تر خوشتر • هوای مشهدش چون روضهٔ فردوس روح افزا •
فضای آستانش چون سرای خلد جان پرور نثر خبر شهادت امام که دورت
یاشنده ایکن ذاتی معجز کا نیاتنده اوتورمشدی • اول حضرت ملایمت وشفقت
برله یوزن یوزنه اورمشدی • همان دم جبرئیل امین نزول ایتدی • وایتدی یا رسول
الله بو نوبادهٔ باغ نبوّتی • ونوباکورهٔ حدیقهٔ ولایتی سورمسن اول حضرت ایتدی
راوی ایدر امام حسینک بو بینده اولان تعوندرک
رشته سی شرندن کردننده بر قزل خط ظاهر اولمشدی • جبرئیل اول حاله نظر ایدوب ملول
ومحزون اولدی • دیدهٔ سعادت دیده سی اشک حسرت ایله طولدی • سید مختار
حزن وکریه سندن استفسار اتدکده ایتدیکه برکون کلکه کربلاده همان اول رشته یک
اشرندن کردنی حزن آلوده اوله • وجان وجنان اهل بیت اول شهید مظلومک
واقعهٔ مصیبتندن غم زده محنت فرسوده اوله رباعی ملک راجان درین ماتم
بسوزد • فلک راهم جکر زین غم بسوزد • بدانسان آتشی کرده فروزان • که از یک شعله
اش عالم بسوزد نثر پش یاشنده ایکن برکون عید اولوب قلوب مؤمنینه
افراح بی اندازه • وصدور مسلمینه انشراح تازه ویرلدی علی الحکایه • بانوی خاندان
الخلیل زرّین بر سرو جامه سراسر در بر قلوب منتظرهٔ افقدن چهره نما • ودریچه شرقدن
طلعت کشا اولدوغی دمده • حسن حسین • رسول الثقلین حضورنه کلوب مانند بلبل

خونش نوا زبانه • وشال طوطی شکرخا بیانه کلوب ای صاحب تاج لعمرک دی ملک
خلعت • یا ایها المدثر • بوکون عیددر • بزرک زادکان عرب • وسایر
کودکان ذوی الحسب سرجله عمامهٔ نوبرین وجامهٔ ملون در بر قلوب عیدکاه ده
دم طاوس کردار زینت تام ایله جولان • وچشم خروس مثال البسهٔ کوناکون برله سیران
ایدرلر • بزه دخی کون کبی شمسی عمامه‌لر • وکل کبی رنکین جامه‌لر کرکدر • دیدکده سید انام
بو مرامک حصولن تامل اتدی • ودریای افکاره توغل ایلدی • فانه مکرمتلرنده بونلره
لایق • وقابلیتلرینه موافق • جامه‌لر دلیوب • نومید وخایب بیت الکرامه‌لرینه کوندرمک
مناسب کورمیوب • وجه توجهین درکاه دانندهٔ راز • وبارکاه شنوندهٔ نیاز قبله
طوتوب عرض حاجة البال • واعلام حال ایلدکده • فالفور جبرئیل کلوب حلل جنتدن ایکی
حلهٔ سفید کتوردی • فرزندان عزیزکه کیدر • دیو حضرته ویردی • انلردخی سرور وفرحله
شهزاده‌لری طلب ایلیوب • خیاط قدرت یال • وبالکره راست • وقد وقامتکره نی کم و
کاست • جامه‌لر احضار ایدب • عالم غیبدن ارسال اتمشلر • برای سرور الحال المنشرح
البال اتشلر • بیت • خلعت فلک خیاط کرامت اراست • برقد وقامت واقبال
شما آمد راست • نثر • وقتی که اول ایکی شهزاده جامه‌لری آرایش لوندن ساده
کوروب • ایتدیلرکه اکرچه بو جامه‌لر جدیددر • لکن ما ندنمی ویا نمی سفید در •
بزه ازهار بهار وانوار انجار کبی رنکین جامه‌لر کرکدر • اول حضرت متفکر اولورقده
جبرئیل امین خطاب ایدب یا رسول الله غم یمه • واندوه ناک اولمه که استاد کارخانهٔ
الصنعة • بو مهمی اتمامه • وبو مقصودی اختتامه ایرکوردیوب • جامه‌لری
بر طشت لجینه قویوب الله ابریق آلوب صو قویدی • اول حضرت دست مبارکیله
یو دی • حسن وحسینه نظر ایدب • نه اصلدنکه مایل نزدیو صوردی • حسن لون اخضر •
وحسین لون احمر طلب ایلدکده • دست معجز نماسن جامه‌لره سوردی • هر برینک
دخی مرادی • وطبق نهادی اوزره جقوب الله الرنینه ویردی • جبرئیل بوحالی مشاهده
ایدب کریان اولدی • کلزار ضمیری خار ملال ایله طولدی • اول حضرت ایتدی

بحمد الله فرزندلر جندلرک کوکب مقصودلری برج مرامدن طالع • وماه مرادلری
سپهر غیبدن لامع اولدی • سبب حزن وملال وباعث کریه وکلال ندر • جبرئیل
ایتدی جنتده حسن وحسین نامنه بنا اولنان ایکی قصرده قصورک بروجه مخصوص
وجهین اختلاف الوان اوزره مکون اولمسی خاطر عاطردیا فیضانده معلوم ومقرر •
وضمیر منیر خورشید لمعانده منقش ومصوردر • کلی درکه حسنک زمرد اخضردن وحسینک
یاقوت احمردن ایدی • حالا دخی حریری اول لونی اختیار اتدکلری اول حالتی
مشعر • واول ملالتی مذکردر • حسنک دم آخرده تاثیر زهردن بشرهسی سبز کون اولسه
کرک • وحسینک سر باسعادتی قطع اولنوب کل رخساری خون لاله کون ایله سرخ
اولوب برک خزان کبی صولسه کرک • در بیت • سبزه رخ بر خاک عالد از غم زهر حسن •
لاله کون کردد شفق از خجلت خون حسین • شواهد النبوة ده حضرت عایشه رضی الله
عنهادن نقل اولنور • برکون جبرئیل امین • امام حسینه رسول رب العالمین یاننده کوروب
ایتدیکه یا رسول الله مدت قریبه ده بو جوانی سنک امتکدن وجو بندهٔ شفاعتکدن
بر قوم بدید اوله • انلرک سیف حیف ایله شهید اوله وجانب کربلاده وقوع بولجغن
تعیین ایدب • بر مشت خاک سرخ کتوردی • بو خاک انک مقتلی اولوب خونیله رنکین
اولسه کرک • دیو خبر ویردی • بیت • هر نه خاکی خون شهرادیله خونین اتدیلر • هیچ
ملکلر سرمهٔ چشم جهان بین اتدیلر • حق سبحانه ندن آل رسوله بو نجه حیف • وهر الحجده
نه عجب اسلوب وآیین اتدیلر • حتی نه لائق در دو شوب میدانه غرق خون اوله • شول
دلاورلرکه فتح قلعهٔ دین اتدیلر • نثر • اما بو واقعهٔ هایلهٔ جکرسوزی بو وجهله روایت
وبو حادثهٔ پر غایلهٔ غم اندوزی بو یوزدن حکایت ایدرلرکه • شول دم که مسلم
عقیل فرمان عالیشان امام ایله بلدهٔ کوفه‌یه وصول بولدی • واکابر مملکت وذوی
المفاخر ولایت جانی جنابه بیعتی تمهید • وقواعد متابعتی تشیید ایدب • یکرمی بیک
مقداری دلاوران مردم شکار • ومردمان خنجر کذار جمع اولدی • مسلم عالی رتبت
عساکر مجموعه‌نک خلوص نیتلرن • وحسن عقیدتلرن فهم اتدی • سواد دیده

ملادازب حضرت امامه مفصل ومشروح نامهٔ روشن بیان یزب ایتدی ای قدوهٔ
اصحاب حقیقت • وی پیشوای ارباب طریقت نامهٔ مخالصت وصول بولدقده
بلاتأخیر کلاسز تاکم بو مرز وبوم • قدوم میمنت رسوم کله شرف بوله ودیدهٔ اولو
الابصار سرمهٔ غبار موکب نصرت آثارکله روشن اوله **بیت** خرّم ولایت اولکه
قدومک شرف ویره • آزاده بنده شولکه رکابکده خاص اوله **نظم** مرجو درکه جوشن توکلی
دربر ومغفر رضای برسر قلوب لازم درست ایله وصوله اقدام وجزم کامل برله
عزّ وروده سعی واهتمام ایده سز **بیت** اولمایه کیمسه کشتی مراده واصل • بی عزم درست
سعی کامل **نظم** دفع هجوم ارباب خلاف • ورفع حضرت اصحاب اعتساف عساکر
مجموعه نک نقود همتلری مبذول ومصروف در وزمام امامت والجام خلافت
کف کفایتکزه تفویض اولنمق ورود مسعودکزه موقوف در **بیت** طاپوکه کرسک
ملک اولمیسه رام • قالمز احوال جهان ذی انتظام **نظم** ودوستان صداقت عنوانک
نرکس واری کوزلری رهگذر لیل ونهارده • وحلقهٔ کرد ارکوشلری درانتظارده در
وضیع وشریف • وقوی وضعیف اخلاق کریمه کوزک شاکری • واشفاق عمیم کوزک
ذاکری اولوب بو بیتک مضمونی وردصبح وشام • وبوکلامک فحواسی اذکار علی
الدوام قلمشلر در **بیت** او شهباز وبریدی شرف مقامزه • کمای اوج سعادت
قونردی بامزه **نظم** بس مکتوب مرقومه اتمام واختتام بولدورب بریدصحت نویدایله
ارسال ایلدی • کوندرده برکون مکان معهوده ایردی جواب نامهٔ دست امامه
ویردی • اول حضرت اجوبه جدیدی کوتوردی مطلع عنوانندن مقطع پایانه دک
کوزدن کچوردی • اول مفاوضهٔ بلاغت مشحونک مضمونی مفهوم • واول مراسلهٔ
حقیقت مقرونک مکنونی معلوم اولنجه داعیهٔ سفر ضمیر ایمنه نظر نده مقرر اولوب
لی تسویف وتأخیر ساق لازمی دست همت ایله تشمیر ایدب مهمات لوازم حظ
وترحاله ال اوردی • وبالجمله لوازم عزمی ایله دفق المرام کوردی خصوص مزبوردن
منتسبان عتبهٔ خلافت پناه خبردار اولدقده آیینهٔ صواب نمای جزعلهم

عجالة الوقت بو عزمی تحسین وبو سعیی تیمن کورمدیلر • ومهما امکن جانب عراقه عزم
رحلتدن فراغتلرین • وداعیهٔ سفردن بچا بنتلرین استدعا قلدیلر • اول حضرت
براهین عقلیه ودلایل نقلیه ایراد ایدب تلقاء مزبوره روان اولمغی
تصمیم ایلدی • استعجال تمام ایله جمله مهماتندن رای سفری تقدیم ایلدی • بوخبر
وحشت اثری عبدالله بن عباس کوش اتدکده امامه وارب ایتدی که ای ملاح
بحار کرامت • وی سیاح اقطار ولایت • لشکر اصطبار رحلهٔ قارردن آتندی زورقی
رحلت عمان عزیمته صالندی • دیو استماع اولنور ضمیر مشتری تدبیره کون کبی
روشن وخاطر خبیر تعطیره عقلا ونقلا مبرهن درکه حدیث نبوینی سافروا تصحوا
بیورلمشدر • والسفر وسیلة الظفر دخی واقع اولمشدر • فی الحقیقه فوایدسفری حدسز
وعوایدسلوکی تجربه برلا یعددر ولی • الغربة کربة • نحواسندن ذهول والجلا
اعظم البلاء • نصیحتی اصغاسندن عدول جایزدکلدر • مشاق سفر خطر عظیمدن عبارت
وشدایدقطع مسافات پرمخافات برعذاب جحیمدن کنایت در **رباعی** ای نیجه
شهزادهٔ عالی نسب • عزم غربت اتدی اولدی نا امید • نیجه لعل قیمتی درثمین •
اولدی بوخاک سیه ده نابدید **نظم** امدی پای فراغتی دامن قناعته چک • وتخم عزیمتی
زمین اقامته اک **بیت** وطن حضور دلبلمز مسافر اولمیجق • نهار وزنهار بکلرن کرک
انه • ولوازم رحلتی تدارک قلمکه کوفیلر اول طایفه درکه پدر بزرکوارک ترک حرمین
قلوب • دیار عراقه وارد قلده نشانهٔ تیر فراق اولدی • ضرب حسام خون آشامدن
جام حیاتی مدام ممات ایله طولدی • وخاقانن دست خسارت ایله نالان ایدب
کندکلری داغ امانت وجرح مصیبت صنور سویدای دلده باقی دراهالی کوفه نک
مهر ووفاسی مانند مهر تو آفتاب سریع الزوال • وصدق وصفاسی مثال ظل سحاب قریب
الانتقال در • اقوال باطله زینه وفور اعتقاد • وافعال عاطله زینه کمال اعتقاد جایزدکلدر
بیت وفا مجوازیشان وکرنمی شنوی • بجوزه طالب سیمرغ وکیمیا باش • امام
ایتدی بوخصوص اسلوب سابقه مغایردر زیرا مسلم بکا مکتوب محبت سبب ارسال

ایدب دار بیعته بکرمی بیک آدم داخل اولدقلری اعلام دروساء کوفه مکاتیب
صداقت اسالیب تسوید ایدب سمت معهوده توجیهمز اهم مهماتدن ایدوکی افهام
ایلمشاردر بنم اول دیاره وارمم ایله ارادت حق ظهوره ومشیت فعال مطلق
صدوره کلمک کرک ابن عباس ایتدی هنوز انفاذ احکام سپاه ورعیت واجرای
مهام ملک وملت والی یزید تصرفنده در اکر کوفیلر حاکملرین شهردن اخراج الصرلر
بعده جناب شریفکزی طلب ایلسه لر معقول ایدی حال بو منوال اوزره اولیجق حضور
قلب ایله اول دیارده طورمق وخیام ادای فراغ بال ایله قورمق میسر دکلدر
بهر حال جنگ وجدال وحرب وقتال مقرر در جایزدرکه اول مللع ساحت تدبیر منظره
تقدیردن یوز کوسترمیه ومخدرهٔ نصرت منصهٔ رخصت جلوه کر اولمق ال ویرمیه
زیرا شول عروس مقصود که حجلهٔ آزالده جلوه نما اولیه وساده شهوده کلمک میسر دکلدر
واول نقش دولت که کارخانهٔ قدمده خامهٔ تقدیر ایله تحریر اولیه سر لوحهٔ ظهورده
صورت پذیر اولمق متصور دکلدر جون کوفیلر خدعت عنوانک کار وکردارلری
غیر سدید در طریق مرافقت وموافقتلری سرحد مخالفتدن بعید در کلمات
مزخرفه لرین مستحسن کورمیه ومکر وفتنه لرندن امین اولمیه سنی نقط صفت اورتیه
آترلر کندولر برکار کردار کنار جزرلر امام حسین بیوردیکه بوکیجه ملاحظه ایدهیین بارین
جواب ویرهیین **شواهد ده** ایدر حضرت امام جانب لازقه کتمک ایچون قرآن عظیمدن
فال ایچدی کل نفس ذائقة الموت وانما توفون اجورکم یوم القیمة آیتی کلدی
صدق الله العظیم وصدق رسوله الکریم جد بزرکوارمدن خوابده کوش ایتدوکم خطاب
وفالده کلن کلام ملک الوهاب بر برینه شاهد ونبوت شهادتی مؤید در دیو بیوردی
بیت معرع دفع تقدیر به تدبیر نشاید کردن ایرتسی ابن عباس کلوب یا ابن رسول الله فکر
تدبیرکز نه منتج اولدی دیدکده امام ایتدی بوکیجه
نیجه بر فکری وساده خیالده جلوه کر قلدم بالاخره سفر عراقه مقرر قلدم قضا وقدر
ومشیت خیر البشر هونه ایسه قبول ایتدم **بیت فارسی** درجلکار رهر که قضا راضی

ششدری کاپلو وصف رنکین اسلوبان
احصون مهرده کی لا بعد در رجال قانی

ازتاب افتاب حوادث چه غم خورد ابن عباس کوردیکه اول حمامهٔ حرم جرخک
بو دیاردن قوشی اوجمش وقافلهٔ صبر وقراری کوچمش اندیکه جون سفر مقرردر
باری ولایت یمنه متوجه اولک که ممالک نفیسی قلوب اهل الله کبی وسیع ورعایا
وبرایاسی حمیم جاندن فرمان لازم الاذعانکزه مطیع در وقلعه ذات البروج
مانند قلاع محمدهٔ قبهٔ فلک الافلاکه برابر وتلال عالیات راسخاتی رفعتده سموات
ایله همسر در وقبیلهٔ همدان محب خاندان اولدوغندن عیزی الکثر اهالی دلالت
جذبهٔ محبتکز مجذوبلر وجملهٔ خواص واثق الاخلاص صادق الاختصاص حدن محبوبلر
در انلرک حصن محبتنه تحصین ایدب کین کین اعدادن برملت امین اولمق
اولی وانسب در وباجمله جای مخافتدن اجتناب واحتراز صوب صوابه اقربدر
بیت فتنه با جوجینه اول جابند ررسته سدید خوف اعدادن امین اولمغه جون
حصن حصین ولایت یمن قدومکز ایله متیمن اولوب سدهٔ سنیهٔ سعادت
ارتسامکز وعتبهٔ علیهٔ محسود الفاکمز مرکز دایرهٔ سپاه ورعیت ومدار اقوهٔ ملک
وملت اولوب قرار ایلدکدن صکره ترتیب لشکر ایدب هر دیاره که عزیمت
ایلیسن ممالک محروسیه ملحق ایدب تحصیل مکنت ایلیسن امام ایتدی کفتار نصایح
اطلانک وکلمات صداقت نشانک صحیح در لکن جانب مزبوره عزیمت داعیهٔ
ضمیرم وخاطرهٔ خاطر کیرم در بو سفر محنت اثرده ظهور بولجق وصدور ایدجک
حادثهٔ کبری واردر دریای غرق انکره محیط درکه بدر غفران دثارم وفاتله منبره
جعوب بیوردیکه اوتیت علم البلایا والمنایا حالا اول کتاب معلوم ونهایت
اعمار وغایت آجال هل بیت مفهوممدر من بعد ابرام ایلمه دیو بابده برکلمه
سویلمه که زمام اختیار ید مشیته ویرلشدر نه جانبه دیلرسه چکر ونیجه ایستر ایسه
ایله ایدر **قطعه** بارها کفته ام وبار دکر می کویم که من دلشده این ره نه بخودمی
پویم من اکر خارم وکر کل چمن آرایی هست که ازان دست که می پرورد می رویم
بونوعده نیچه کلمات ایلدی دیو اسلوب اوزره نیچه نکات حکمت سمات سویلدی زبان

كرامت بياني اول حالده كويا ترجمان الغيب ودواسطهٔ تقرير مغيبات نامتناهي
اولمشدي عبد الله بن عباس زياده متألم اولدي ناچار وداع ايدوب بو معناي
متكلم اولدي **قطعه** شيره دولت ايله عزم اتسك نصرت وفتح همعنان اولسون
شام ايرب گنج منزله ايره سن بخت بيدار پاسبان اولسون **القصه**
ماه ذي الحجه نك اوچنجي كوني حضرت امام اهل وعيالي ونسوان واطفالي ايچون
ترتيب محامل ولوازم حط وترحالي كامل وشامل كوروب مكهٔ معظمه دن جانب
كوفه يه عزيمت ايلدي قضاي الهي اول كون مسلم عقيل لباس حياتدن عاري ونقاب
ترابده متواري اولدوغي كون ايدي امام معالي منزلت دخي صفاح نام منزله
وصول بولدقلرنده فرزدق كه پنجه شاعر فرزانه نظم بلاغتده بيدق سورمش پنجه
ناظم اشعار بلايع شعارك سوق خيالده سبعهٔ معلقه سن دوزمش شاعر ماهر
ايدي رخ فرح بخش امامي معاينه قلدقده في الحال آتندن پياده اولوب ركاب
رفعت نصابنه يوز سوردي واشعار ملايح شعار اوقيوب قارشوسنده دوردي
اول حضرتك فرزدق كوفه دن كلدوكي معلومي اولجق اهالي كوفه دن خبر صوردي
ايديكه حضرتكز سالك مسالك اهل عفت وديانت اولنلرين ظاهر ميل ورغبتلري
سزه در لكن زر وي مالك ممالك قدرت ومكنت اولنلره زمان حضورنده معاد
وبتابعتلري اكادر **قطعه** بهنگام راحت متابع شوند بوقت مشقت منازع شوند
چو دولت درآيد همه چاكرانند بنكبت زهر دشمني بدترانند امام همام تصديق اتدي
فرزدق وداع ايدوب كتدي وقتي كه امام خورشيد منزلت بطن الرمه ديكلمه معروف
منزله يتدي قيس بن مسهر ايله اهالي كوفه يه مكتوب ارسال اتدي مضمون شريفنده كه مسلم
عقيل بكا نامه كوندردي سرير خلافتده مسندنشين اولم بابنده سزك متفق الكلمه
اولدوغكز بلدردي حق تعالي سزه خيرلر ويرسون وسعي مشكوركز مقابله سنده
درجات عاليه يه ايركورسون بن دخي مكتوب عقبنجه وارمق اوزره يم والسلام
قيس نامه الوب جانب كوفه يه روان اولدي كوفه ده بركون قاسيد نام محله اول

بولدي اتفاقا ابن زياد حصين نمير نام بد انجامي بر مقدار عسكر قوشوب ضبط
معابر وحفظ مسالك ايچون كوندرمشدي اول ظالم وبدكار دخي اول محله كلوب
خدمت مزبوره قيام كوسترمشدي ملازمان عتبهٔ اطاعت پناه بو حيلندن غافل
وبو مكر وتدليسدن ذاهل ايدي همان دم قيسي طوتوب حكم نيدا ايتديلر حضور ابن
زياده ايلتديلر ابن زياد امر ايدوب نايرهٔ عذاب ايله جاننه اود ياقديلر آخر
الامر قصر الاماره دن اشغه برقديلر شهباز روحي آشيان بدندن ذروهٔ فلك
بقايه عروج اتدي وحضرت امام دخي اول محلدن كوچوب ذات عرق نام منزله
يتدي بشر بن غالب نام كمسنه يه انده كوردي كوفه دن كلدوكي معلوم ايدنيوب
احوال كوفياندن خبر صوردي ايديكه يا ابن رسول الله **الكوفه لا يوفي** شلي شهودر
وبصر بصيرتلري انوار سعادت مشاهده سندن دوردر حضرت امام تصديق
ايدوب بكران عزيمتي عنان كوستردي كوه وبيابان قطع ايدوب منزل درووده
ايردي كورديلركه مرغزار دلكشا وبر سبزه زار مسرت فزاده مثال اشجار شكوفه
دار خيمه لر قورلمش وماننده كل پيروزه اطناب برير سايه بانلر اورلمش **بيت**
قورلمش هر كناده چتر زيبا دوشنمش هر طرفده نطع ديبا بو خيام كردون خيلك
ناصبي وبو طارم فلك ارتسامك صاحبي كيملردر ديو سؤال اولندي ايتديلركه زهير
بن قيس در جناب شريفنه دعوت اولندقده زهير طريق ابايي سلوك دخي متيقن
امامي رد اتمك قصدنده ايكن تبصر تلميذ وتأمل ما لا كلام ايدوب بونك سهوده
دنه كار نا ستوده در كه ربقهٔ رقيتم ربقهٔ جانمه طوق دولت بلنيم وبندكند عبوديتين
جنانمه قلادهٔ عزت قلميم خامه كبي سردن قدم قلسم روادر واب مثال يوزم اوزره
سوروب وارسم سزادر علي الخصوص دعوته اجابت لازمدر ديو بو معناي بيانه
وبو مخواي عياني ايلدي **مثنوي** ايده يم ديرايسك جهانده حضور آستان
سعادتنه يوز اور كر نظر ايلر ايسه سن خاكه قدرله باشك ايره افلاكه في الحال
قالقوب حضور فايض النور امامه كتدي اول حضرت خطاب اتدي وايتدي يا زهير

چهچه فادرس کریکران مشاهدهٔ محبت الله ده جلوه ساز قلاسن وشمشیر آبدار
ایله آتش افشا واهل فادی منطقی قلوب پروانه وار حوالی شمع شهادتکده پرواز
قلاسن **بیت** زجان بکذری تا بجانان رسی • زنور سعادت بایمان رسی •
زهیر وخورشا دیدن تبتسم اولوب وبوایکی بیتک نخواسن مترنم اولدی **بیت**
سری که پیش تو براستان خدمت نیست • سر نیست اوکه سزاوار تاج عزت نیست •
بپش اهل نظرکم بود زپروانه • دلی که سوختهٔ آتش محبت نیست • یا ابن رسول الله
مدت مدید واملد بعید ایدی که بو دولته مترصد ومترقب • وبوسعادته متشوق
ومترغب ایدم **بیت** منت خدایرا که رسیدم بکام خویش • دیدم شراب شوق
شهادت بجام خویش **نثر** میدان محبتکده وجلای مودتکده طلعت مکاینهٔ
حسامده مشاهده قلنق مرادجانم • وشربت شهادتی پیمانهٔ مغفوردن نوش ایلک
مقصود جانم در دیوب درخیمهٔ امام جیقوب خلاصه امرایتدی • فی الحال خیمه
دخی کاهین کتوردیلر • وثاق جوزانطاق امام قرنبده قوردیلر • بعده اقرب
اقربالسنه ویاران واصحاتی لسنه ایتدی • کیمک که سویدای دلنده سودای شهادت
اوله بنجله مرافقت وموافقت کوسترسون • وانک که حظی اوطیه نیلان مجانبت
ومفارقت ایلسون • اغلب یارانی زهیردن اعراض ایتدیلر • وآرزوی خاطرلری
اولدوغی یره کتدیلر • اندن صکره خاتوننه خطاب ایتدی • وایتدی ای یار غمکسار
وی همدم وفادارم حمیم دلدن امام حسینک غاشیهٔ عبودیتن بردوش ایتدم • و
حلقهٔ رقیتی کوش جانمه حکوش ایتدم • آیق باغی اولمسنک ایاغک یولن ویره سی
وحقوق شرعیکی ادا ایدب قبیله وعشیرکه کوندره یم خاتون ایتدی ای مرد
مردانه • وی یکانهٔ زمانه • دلسن که خدمتکار فرزند مرتضی اولدسن • بن دخی استدم که
پرستار حرم دختر فاطمهٔ زهرا اولم • پس ایکیسی بالاتفاق کمر عبودیت اولاد
رسول بیان جانلرینه استوار ایدیلر خدمت اخفاد بتولی اختیار ایلدیلر **ع**
ابن کار دولتست کنون تا کرا رسد • منزل بزبوردن کوجوب شوق دیکله

سما

متحمل متزلزل ایدکده اول حضرت کوفه دن کلور برآدم کوردی • یانته دعوت
ایدب احوال اهل کوفه دن خبر صوردی • اول مرد ساده دل نقاب ارتیابی رخسارهٔ
تحقیقدن رفع ایتدی • وایتدی اهالی کوفه نک چهرهٔ صداقتلری ناخن نقض عهد ایله
خراش • وحروف مخالفتلری تحریر مخالفت برله صحایف حاللرندن بالکلیه تراش
اولمشدر • سالک مسالک اخلاص وذاهب مذاهب اختصاص اولق تصور دکلدر **ع**
نو سوز زنده وفا وار نه بوز زنده حیا • مسلم عقیل وهانی بن عروهٔ غدر ایله
معرض هلاکه ایرکوربن جمیع زندکانیلرین شامه دوندردیلر تنلرن بردار
ایدب باشلرین شامه کوندردیلر • امام همام بو جبر غم آوری کوش ایتدکن
انا لله وانا الیه راجعون دیوب معاندت دهرلی فرجامه وتعاقب شداید
ایامه صبر ایدب ناله وآه ایلدی • بوحال مصیبت مالدن برفردی آکاه ایلدی
مساوی ایدر مسلکادن اوج یاشنده برقزی وار ایدی که دختران امام حسین
ایله مصاحب ایدی واول حضرت دایم الاوقات مراعات خاطر عاطرنه
راغب ایدی وقتی که منزل مرقومده خیمه اقامتی قوردی قاعدهٔ مألوفه سی
اوزره مجلس عامه کلوب اوتوردی • اول حضرت عادت سابقه مغایر کاه
دیدهٔ مرحمت ایله یوزنه بقه قالدی • وکاه زبان ملایمت برله خاطرن الداکی
حلدن منحیاوز نوازش مراعاتدن • ورعایت واکرامدن دخترک نیل
ضمیرینه نقطهٔ شک دوشوب • یا ابن رسول الله بکا بو مرتبه ده ملاطفت کوسترر
سز • وبر درجه ده رعایت قلورسزکه • اول حقوله نوازشی یتیمان مصیبت
رسیده یه • واول اصل مراعاتی مردمان محنت دیده یه قیلورلر • مکرکه پدرم
دار فنادن رحلت ایتدی جوار رحمت رحمانه کتدی • بو مصیبته صبر وطاقت
بشر بیدن بیرون اولمغین بی اختیار جزع بمانیسی کهرنثار ایتدی • وایتدی
خاطرک پرغم وضمیرک درهم قلمه که پدرک اولیم • وهمشیرم زینب مادرک • و
دخترلرم خواهرک واوغلانم برادرک اولسون دختر محنت رسیده بی طاقت

اولوب داابتاه دیو فریاد ایتدی • و بو ابیاتک مضمونن آداب عرب اوزره
انشا و انشاد ایتدی ابیات ای کاشکی تخت زمانه در نزادمی • تا ایچنین
ز دست پدر رها نبادمی • ای کاشکی شناختمی خوابگاه او • تا سر چو خاک بر قدم
او بنهادمی • ای کاشکی بکریه شدی راست کار من • تا جو بهار چشمهٔ چشم گشادمی
و سایر برادرلری • و توابع و لواحق • و دوستان موافق • بو اخبار موحشه استماع
ایلدکلرنده بر وجهله ناله و افغان ایتدیلر که • زمین و زمانی لرزان و سکان
هفت آسمانی کریان ایتدیلر • بو ابیاتک مضمونن ورد زبان و سمیر جان ایلدیلر
شعر اول کوزم نوری بنم چونکه نظردن کیتدی • کلای دیدهٔ نم دیده روان اغلیلم
ای جکر قان اولیکور ماتم جانانا ایچون • آغلرز باری جله دردیله قان اغلیلم
نو کلوم کوز یاشنی کوزهٔ طولاب کبی • ایده لم حسرت ایله آه و فغان اغلیلم غصهٔ
قصه سنی شرح ایده لم اهل دله • او قو یب غم ورقن بنجه زمان اغلیلم • بنجه بر
صقلیلم دلده مصیبت اثرن • تکلم سوز و کداز ایله عیان اغلیلم • امام حسین
مصیبت مسلدن تنجیز و ملاحظهٔ سر انجام کار ایله متحیر ایدی کتور مثلدرکه امامک
یاران شفیق و هواداران صدیقلرندن • بعض جواهر زواهر گفتار نصیحت
آثار و نظام • و درر فواید موعظت شعار انتظام • ویرب ایتدیلر • ای درج
دولتک در شهواری • وی برج سعادتک نجم سیاری نقش نقلبکزه مرحمت و اهل بیت
عصمت قرینه شفقت قلوب • داعیهٔ سفر کوفه دن فراغت • وطن اصلیکزه مراجعت
بیورک که • اهل کوفه نک عهد عذر آمیز لرنده • وفادن اثر و سینهٔ پر کینه
فتنه انکیزلرنده • صفادن خبر یوقدر • بحر صلاقتلری کحل الجلای حقیقت ایله تکحل
و مهر محبتلری برج مخالفته تحول اولمق میسر دکلدر • اول دیارده غریب سز نعمت
یار وفادار دن بی نصیب سز • پشت استظهاری محراب • دار کعبه دیرمک اقویدر
یعنی دار الامن حرم الله عودت جمله دن اولیدر • فرزندان عقیل و نبیره کان
اصیل بو گفتاری استماع ایتدکلرنده ایتدیلر که داره لم علاوی بر خوندن مسلک

انتقامن الوب خونلرن جرعه وار برله ایچه لم • یاخود اول شربتدن که مسلم نوش ایتدی
بر و خی ایچه لم بیت صراحی وش باش اورتا به قوی بزم رزم ایچره • اجل جامینی
نوش ایلکده شاه عالم یتز هر کز نثر حاصل کلام اخذ ثاره مقصور • و خلاصهٔ مرام القای
نایرهٔ پیکاره محصور در ع بو نوعه زندکانیدن اولوم یک عفرت امام للاخیرة
العیش بعد حول الله دیو بیوردیلر بیت زندکی بهر دیدن یارست • یار چون نیست
زندکی عارست نثر مقام مرقومدن مرور ایدب زباله نام موضعه قوندقلرده عمر
سعددن مکتوب ایله قاصد وارد اولوب مضمون حقیقت اشعارنده اهل کوفه بیعت
سیرتلری حسبنجه قاعدهٔ غدار ریغ انکار • و فیح سر برتلری • و نقض رسم جفاکار لیغی تکرار
اظهار ایلدیلر • مسلمک بساط انبساط جمعیتی منطوی • و شمع جمع مسرتی منطفی قلوب
کشتهٔ حسام خصام • و هانی بن عروهٔ قتیل تیغ الام قلدقلرن اعلام ایتمش • امام حسین
مغموم مراسلدن مال حاله مطلع اولدی • و اول نامهٔ مصیبت عنوانی نکایدرروز
کار روزکار بله مقرون بولدی • بو اخبار ملالت آثارکه • اوردوی همایون امامده
انتشار بولدی • اطراف و اکنافدن جمع اولوب شبستان خرمتنه شمع اولان کاخ
السلامة فی الوحدة دیو مورو ملخ کبی تار و مار اولدی • امام حسین ثعلبه نام منزله
نزول ایلدکده همشیره سی کلثوم خاتونک زانوسن بصد نوب خوابه وارمش ایکن بیدار
اولدی • هزار غصه و اندوه برله اشکبار اولدی • کلثوم ایتدی که ای قرة العین مصطفی
باعث حزن و بکاندر • ایتدیکه حالیا عالم مثالده و آیینهٔ خیالده صورت بکا ایلسیند
عالم ظهور ایتدی و ایتدی • ای حسین حیات ابد • و عیش رغد حصولی قریب اولمشدر
و یالمده بر سوار کوردم بکا ایتدیکه سن روان اولدقجه مرک سنک یانکجه روان اولور •
سن شتابان اولدقجه مرک بیله شتابان اولور نی اختیار بیدار اولدم جوابک بکا سیی
بکا تأثیر ایتدی • حادثهٔ واقعهٔ هایلهٔ نبی بنی دکیر ایتدی پرده کیان عصمت پناه
محزون و بریشان دل • و بکا و ملال ایله منفعل اولدیلر • و اولاد امامدن علی اکبر که جوان
سخن ور و فضیلت پرور ایدی تقدم ایتدی و ایتدی • ای پدر عزیز بز حقده یوز

حق بزملادر • پس مرک بزه و با بزه مرکه ایرشمکدن نه خوفمز واردر • خصوصا عالملر لباس حیات صنوٴ ماه شب تاب کبی مستعار • واساس عمر خانهٴ حباب آسا ناپایدار • وجملا ابنای آدم • بلکه کافهٴ اهل عالم کل شیء هالک الا وجهه شربتیله هلاکه اولمق معین • ومسافران بادیهٴ دنیا اینما تکونوا یدرککم الموت شاه راهندن کذر ایلمک مقرر ومتیقن در مثنوی کر ریخت تخم امانی بکشت زار جهان • که برق حادثه آتش بخرمنش نکند • کدام دوحهٴ اقبال سر کشید بچرخ • که صرصر اجلش عاقبت زبیخ نکند • احادممکنا تدن براحد یوقدر که چهرهٴ فنایی آیینهٴ مرکده معاینه ایتمیه وصدای زنک رحیلی بیک اجلدن اشتمیه قطعه دنیا کذرنده وفلک کردانست • کر باطرب ونشاط کرزندانست • نه دولت ویار ماند نه محنت وغم • دنیا همه کل من علیها فانست • ای پدر چون کلشن فنایی نفحات ریاحین ولدار الاخرة خیر ایله آراسته وکلزار شهادتی شقایق حقایق یرزقون فرحین برله پیراسته بیلورز بزه موت دولت ابدی وسعادت سرمدیدر مثنوی مرک برک آمدکه راحتها درست • مرک سازد مغزرا پیدا ز پوست • مرک بردارد حجاب ما زپیش • تا رویم از فرع سوی اصل خویش • مرک جانها را سوی جانان کشد • بلبلان را جانب بستان کشد نثر پس اول منزلدن دخی کوچوب کتدی قطقطانه نام منزله وارب اولاجقلر کن جمع آمدی • دهر بریله حلاللشوب • حالیا مسلم سیف حیف ایله شهید اولدی • دیو خبر کلدی • کوفیان بی وفایه عادت ناستوده لری ونقیجه هوای حب دنیا غالب اولمش • هر بری طریق وفادن عدول ایدب سبیل نفاقه ذاهب اولمش • من بعد تاب افتاب حوادثدن کام دل ایله بردم آسوده • وظلمت ظلم ارباب علدواندن برشب بستر استراحتده غنوده اولمق محالدر • امدی عنان اختیار کز ولجام ذهاب دقرار کز قبضهٴ رضا وکف ارتضا کزده اولسون • برفرده مانع وبراحده منازع دکلم دیدکلرنده • جادهٴ موافقتدن انحراف • وسبیل صداقتدن انحراف کوسترن • یاران عزیزه الحال بکرات عزیمت عنان دهمند مجانبته میدان

میدان کوستردیلر • الحق امام خورشید رفعتک فرزندان دلبندلری واخوان سعادتمندلری • وخویش وخویشاوندلری • واخص اختصاص ایله مخصوص اولان یاران ارجمندلری قالدی • حضرت امام انلره دخی اقدام ایدب ایتدیکه ای دوستان حق کذار • وی خلان وفادار • اولاد واقربا نیلدن جدا اولمز • وبرقدم ایرلمز آغانزه اجازت میدان فرصت غبارکلفتدن مصفا • وراه رخصت خار فتنه وفساددن مبرا ایکن • جانب کعبهٴ حرامه احرام عزیمت • وتلبیهٴ عودت ایله مراجعت ایلک • دقتی که بوکفتار بیجران اثانیی استماع ایتدیلر • بریردن زبان اخلاص ودهان اختصاص آچوب اظهار صدق نیت ایدب ایلدیلر • یا ابن رسول الله • هزار جان مقدس نثار خاکپایک اولسون که سپهر جلالتک ماهی • ومسند رشید امامتک شاهی سن بیت مایم وخاک کوییت تاجان زتن برآید • هرکه از توسر به پیچد بی شک بسر درآید نظم هرکه بوکون سندن یوز دوندرب خدمت شریفکدن اعراض ایدر • یارین نه کوز ایله جمال فرخ فالکه نظر ایلر قطعه ای قبله هرکه مقبل آید رویت • روی دل بختیاران سویت • امروز کسی کز تو بکرداند روی • فردا بکدام دیده بیند رویت نظم بردامن لطفکدن نه وجهله الچکه وز • مدبرلکمزی نه جانله کشتزار خذلانده اکه وز • خدمت ملازمتک کر سبب حصول ملک ایدر • وباعث پادشاهی تخت مخلد رسنی قویوب قنقی مملکته یوز اوره لم • ونه مملکته عزیمت کوستره لم • بلکه ملک آنی بلرزکه سلطانی سنسن اولسن وجان انکادیر زکه جانانی سنسن اولسن قطعه خوشا ملکی که سلطانش تو باشی • خوشا جانی که جانانش تو باشی • خوش روی که در روی تو باشد • خوشا چشمی که انسانش تو باشی • بدرود دل ابسر بردیم عمری • ببوی انکه درمانش تو باشی نظم ای ریحان روضهٴ رسالت • وکل یاسمن کلشن جلالت • بزی بوستان وصالکدن خارستان فرقت وسنکلاخ افتراقه صالمه که طوتلم جملهٴ عالم بهر کل وکلزاردر • خار خار عشق جمالکله نفرزده خاردن خواردر قطعه باخار غم عشقت آویختهٴ ازدامن • کوته نظری باشد رفتن بکلستانها • کر در طلب ما را رنجی برسد غم نیست • چون عشق حرم باشد سهلست بیابانها •

شبارستدهٔ سعادت آثارک نور باصرهٔ بصیرت اولو الابصار دکحل الجواهر عیون
اعیان شهر ودیاردر • سن شهسوار مضمار هلا ایدن بنجه فرزانه لکلر کوردکنی شناسلق
سمندن میدان متابعته سوردک نعال الجنک جنان جنا نمزده مغرودز • ونخل بوذنک
حلاتی جانمزده مذکوردر • پنجه قلیل الحمسته که بونک کبی یارلق دمنده موافقت التمیه
ودفع حضرت اعلایی بدرای الجون • رکاب شرف نصابلکه کتمیه **بیت** دامن دولت
جاوید وکریبان امید • حیف باشد که بکیرد و دیکر بکذارد • **ر** زبان کیرودار دهٔ اوان
ذهاب دفرارده • فرمان جلیل العنوانه امتثال ایدب حاکپای توتیا اعتبارینی جلنلر
نثار انکلا افتخار ایدرز دیوب اثنای کلامده قطرات عبراتی صفحات جباته نثار
اتدیلر • بو حالت ابله دیدهٔ سعادت دیدهٔ امامی دخی اشکبار اتدیلر • امام قبیلهٔ
مزبوره دعا اتدی • منزل مسفوره دن کوچوب کتدی **نادی ایلدر** ابن زیاد
مخوس جانب مکیه جاسوس کوندرب امام حسین کعبه دن جقوب کوفیه عازم اولدی
خبر کتوره سن دیمکین جاسوس مرقوم احوال امامه واقف اولوب بالاستعجال الجوب
ابن زیادک حضورنه ایردی • امام حسین ایکرمی کوندرکه حرم محترم مسجد الحرامدن
بالفعل قبیلهٔ سکونه کلوب واصل اولدی دیو خبر ویردی • دقتی که ابن زیاد بو خبری
اشتدی • حربن یزید ریاحی یه بیک سوار قوشوب ارسال اتدی واتیدی حسین
مکه دن چقوب بو طرفه کلمک اوزره در • اندی تا بشتاب ایله ایره سن • سمت آخره
کتمکه مانع اولوب کوفیه کتوره سن • حر ریاحی مقال حاکمه امتثال ایدب بادوزان
ونسیم دوان کبی طریق بادیه دن سمت مقصودی طوتوب کتدی • امام شهری طلوت
دخی قبیلهٔ مزبوره دن قالقوب جانب کوفیه عزیمت اتدی • نیجه کمسه دن برمرد
صداقت آیین ایلرو کلوب ایتدیکه ای امام قبلهٔ دین • ابن زیاد بد آیین لشکر
مغرت کزین • احضار ایدب سن حمای همایون فالی لشکار اتمک ایچون تعاد بجانبنه
ارسال ایلشدر • رای مصلحت آرای اولدر که مقر سعادته رجعت • ومسند امامته عودت
ایده سن • بونلر برطایفهٔ جفاکاردر که اصحاب صداقت بینینده خلف وعلا ایله

موتوم

موتوم در • وبرقوم غدار درکه جبین حاللرینده وخلائق داغ فیله مرسوم در • خلعت
خلقتلری طراز قباحت ایله مطرز دمجموعهٔ طبیعتلری رشتهٔ خباثت برله مشرز در • بونلردن
امیدوفا انشدن آب وذره دن نور افتاب • وکور مادرزاددن بصیرت • وغول
بیابانلردن انسانیت رجا اتمکدر • حالیا بو جانبه تعیین اولنان عسکرک اکثری سلمدن
بیعت ایدب صوای صلا افتدن دم اورمش • وخیمهٔ متابعتی فضای هواانفتاده قورمش
بدکارلردر • امام شرف نصاب تصدیق ایدب شرایط نصایح برینه کتوردک جزاک
الله خیرا • دیوب کتدی طریق سلوکدن انحراف کوسترمیوب مراتنام منزلاردن
اول شب انده آرام **طلیعهٔ سپاه صبح ورای پردهٔ افقدن ظاهر وعلم زرنکار مهر**
تلهٔ سپهردن باهر اولدوغی دم ادل افتاب اوج امامت • وماهتاب برج کرامت
داخی کوچوب تلال وجبال کجوب کیدرکن کوردیلرکه برصحرای آبده وبروادی
بی تابده سپاه خر آتکری سایه سنده اوتورمشلر • نلاغهٔ عسکر امامه قریب اولدقده
فی الحال سمند حضومته سوار اولوب کمان کینی قوردیلر • فمر راحله خرکان ترکطناز
ناوک انداز صفت صف بغلیوب طوردیلر • امام عالی مقدار سمند براق رفتار وبرق
آثارن ایلرو سوررب سردار عسکرکم ایدوکن سؤال اتدی حربن یزید ایدوکی معلوم
ایدینوب اتدی یعنی یا حر بزه معاونته می کلدک • بو قصه
خصومته می کوندرلدک • ایتدی که یا ابن رسول الله کلدم الاکه سنی کوفیه ایلدم اکر
مخالفت ایدرسن جنک ایدم **بیت** اولدقده بو کفتاردن اکه ددی اول شاه
لاحول ولا قوة الا بالله **نر** ای حر حالا وقت نماز وطاعتدر • نه زمان جنک وخصومتلردر
انکدن این قوبکلادای نمازه قیام کوستر • بر دخی توابع ولواحق ایله آبدست الدلم
ادای صلوته مشغول ولدلم • حر ایتدی یا امام اوکه جه صفین فریقین جناحین اولدلم
پیشوای زمان ومقتدای جهان سن سکا اویه لم **قطعه** من واقتدا با تو در هر نمازی
کمیست تا زنده ام نیت من • بجا با بروت از روی نازم • کجا دیر پذیرد خلافاعت
من **نر** نماز ظهر بردجه مشروع ادا اولندقدن صکره حضرت امام قیام اتدی شمشیر

برآننه طبانوب برخطبهٔ بلیغ اوقویوب لشکر کوفیه اندی • دا ایندی سزکبکا نوا
آدملریکز کلمینجه بو جانبه مراجعت ومتعاقب قاصدلریکز واردا ولمینجه بو دیاره
عزیمت ایلمدم • سرعت تام ایله کلسن اقتدا ایدجک مقتدامز • ودفع نصرت اعدادن
ایلرو طوروب پیشوا امز یوقدر • اکر سن بزه سردار اولورسن تشتت احوال رعایا الیتام
ومهمات دنیا وآخرتمز انتظام بولوردی بو اعزه دلالتیدن • دفعات ایله مخاوفات
واجلهٔ مملکتدن کرات ایله مکاتبات صادر اولمشدر • امدی اکرمیم فوادن نطاق
متابعتی میان جانکزه نیدانکور اینه مطلق القلب شهر ودیارکزه مراجعت ایدهلم
واکر پای متابعتی رکاب جمایتدن بیرون قیلوب پشیمان اولدکز ایسه بز دخی
عنان عزیمتی سمت آخره معطوف ایدب اوز عالمزه کیدهلم • حر ایتدی یا ابن رسول
الله • عالم السر والجهار شاهددرکه احوالکا تبلردن خبردار دکلم • حضرت امام ایتدی
سنک عسکرک میاننده بنجه آدم واردرکه بنده نامه لری ونتیجهٔ خامه لری واردر بسی
بیوردی نامه لری کتوردیلر بالمجاهره قراءت اولندقده اصحاب اوراق شرمنده وخجل
وشرمسار ومنفعل اولدیلر بیت روسیاه ونکونسار خجلتندن دایما • ایکی یوزلو
ایکی للوفا ومه دفتر کبی تربوانشاده اصحاب نوبهار کبی تاب شتاب ایله برشتر سوار مکتوب
حضور ربنه ایردی • ابن زیادک مکتوب جمیل عنوانی حر بن یزیده ویردی مضمون
فلاحت مشحونی تنده امام مسجد حرامدن چیقوب محراب اطاعته قیام کوسترمک قصدنده عسکر
چکوب بو جانبه عزمی جزم تام ایله محققدر • امدی اول شیر عرین عزین مملکته عزیمت
قلمدین ورنجه سحابی وچنکال سطوتی دامن ولایته ایلتمدین کندی تدبیر وشباک
تذویر ایله تسخیر ایدب برجای وخیم • وبر منزل دهیمده نزول اتدرهسن که چشمهٔ
آفتاب کبی بی آب • وصدور احرار کبی هر تب وتاب اوله • حرکه مفهوم مکتوبی معلوم
ایلدندی • دست اختفا ایله حضرت امامه ویرب ایتدی که نظر ایله ابن زیاد سنی اول
جانبه التمک بابنده نه یوزدن اقدام • ونه جمله الحاح وابرام ایلمشدر • بو
خصوصده ماننده برکار • ومثال فلک دوار • سرکردان ولی قرارم • اکر سیزی

ضبط و ربطنده صورت امکانی کوسترم • علاوه ابن زیاددن قورقرین • واکر
سزکله حربه مباشرت اتسم • خدا ورسولدن خوف ایدرین • اما حاشا که کلام نافرجام
ابن زیادی کوش ایدب سزکله خصومت • ویا جناب شریفکزی مجبه کوفیه الحکم جسارت
ایدم • تدبیر اصابت پذیر بودرکه بو موضعدن جمله لشکر ایله عزم رحلت ایدهوز
شول محله که نزول وآرام نیت ایلیهوز • خواتین پرده نشین بجانه سیله خیام ارمی
بزدن ایراق برده قورهسز • توابع ولواحقه تنبیه ایدهسز • حاضر ومهیا طورهسز
وقتی که کشتکیر خواب توانا وضعفانک ارقه سن یره کتوره • مهارت رحلت دست
رضا کزده • وشهباز عزیمت ید ارتضا کرده • اولسون هرنه جانبه که مراجعت بیوره سز
عنایت خالق الکونین پناهک • وحمت رسول الثقلین بدرقهٔ راهک اوله
قنده عزم ایلرایسک لطف خدا یارک اوله • همت سید کونین مدد کارک اوله لمر پلی ه
عالی اصدار بولدی • ایکی لشکر سوار اولدی • سرعت تام ایله کتدیلر ثلث لیل پرود
اتدکده عسکره نزول ایتدیلر • لشکر خرخیمهٔ راحتده آسوده • وسایبان فراغتده
غنوده اولدوغی دمده امام فرخنده خصال جمله منسوباتن جمع ایدب رخت اقامتی
ناقهٔ رحلته برکندی لر • بقیهٔ شبی تمام شتاب ایله کتدیلر • جمشید صبح عرصهٔ بهره ده
خیمهٔ زرین طناب خورشیدی قوردی • وقاسم لعلین قبای خاور اشقر تیز
رفتار رخشاره زرین ذانوردین اورمدین • بر صحرای بی آبه دبر بیدای بی تابه
ایردیلرکه • اول محلده سموم جانگداز اسردی اثری صحرهٔ همایه طوقنسه مانند حباب
ابریوب آب اولیدی • وتف وتاب آفتاب شول مرتبه ده ایدی که برذره سی
دریای محیط ابرشسه زلال سراب اولیدی • وه وفت وخاصیتندن هیچ برجانور
قرار ایتمزدی • وکثرت حرارتندن بردانه کیاه بتمزدی مثنوی عجب صحرا ایدی اول
موضع شوم • مقام غول ایدی ومنزل بوم • سموم جانگداز ایدی هواسی
بلا ایله پر اولمشدی فضاسی • نسیم صبحگاهی جرحر مرک • نه سبزه وار ایدی نه تاک
نه برک • کورنمزدی او برده لالهٔ تر • مکر قانه بوکنش کاشه سر • صدای بوم ایدی آواز بلبل

سبب عار ایدی حلقه حلقه سنبل • شول کلو چوغ ایدی اول پرده آفت • بو عیلای غم
دشمن کبی غایت • بر یلر کجه ایدی بر دو گردی • دکر عنقا کبی شهره دکردی • صبا
کبی کیجه خوف ایله پنهان • بور رسیکه سیل سیلاب باران • علی الغفله کیجدی شیر
شرزه • دوشردی خوفدن جسمینه لرزه • کیمک کم بردم اوله خوابگاهی • یه باشی کیلار
ایدی یا کلاهی نثر اسب صبا رفتار امام اول جای محنت مداره کلدکده ثوابت قدم اولان
دو دریایه کیرمش آب روان کبی جای کیر اولوب طوردی • امام میمنت فرجام هر چند که
اقدام ایدوب تازیانه اوردی آدم آدمدی • دقیلی قلدرمدی • اول حضرت بو
موضعک آدی ندر دیو سؤال ایلدی • ایتدیلر که بو دشت وحشت آباد • ارض ماریه
کربلا دیمکله یاد اولنور • امام بیوردی که
یعنی بو زمین محل کرب وبلا • ومهبط درد وعنادر • ومقتل آل عبا • ومطرح ظلم وجفادر
قطعه گر نام این زمین بیقین کربلا بود • اینجا نصیب ما همه کرب وبلا بود • اینجا
بود که تیغ بآل نبی کشند • اینجا بود که ماتم آل عبا بود • کار مخدرات من اینجا تبه شود
پشت مبارزان من اینجا دوتا بود • ریزند در مصیبت ما آب چشم خویش • هر مرغ و
ماهی که در آب وهوا بود • نثر علی اکبر ایلرو کلوب ای پدر محترم بدرم بونه فال در که ایلرسن
ونه مقالدر که سویلرسن ایتدیکه • ای جان پدر جدک مرتضی علی برله جنک صفینه کیدرکن
بو موضعه ایردک حضرت شاه مردان آتندن نزول ایتدی • برادرم حسنک زانوسن
باصدوب یاتدی • مدت خفیفه دن صکره اشکبار دیدم شکن تاز خوابدن بیدار
اولدی • بونه حالتدر دیو استفسار ایتدی • صورت واقعه حکایت ایتدی • وایتدی
بو صحرای وحشت قرای قان دریاسی اولسه حسین الجنه دوشوب لطمک خوف وخشیت
بجهه حمیرینه یول بولسه • بیم جان ایله ترسان • وهراسان هر سو روان اولدی
فریاد نه فریاد رس بولدی • واول کرداب هولناکدن ساحل نجاته جیقمق قابل امکان
اولمدی قطعه قانلر الجنه قالوب مردمک دیده مثال • ممکن اولمادی وار ب
بر طرفه دوته کنار • که فریاد نه فریادرس اولمادی انک • ایلدی کرچه که بلبل کبی چوق

ناله وزار • اندن صکره خطاب ایتدی وایتدی یا اباعبد الله بو حادثه جانسوز
وبو واقعه محنت افروز بالمعاینه وقوع بولمقده نه چاره ایدرسن ونه تدبیر ایلرسن
ایتدم که ایام مصایبده صبر وقراری پیش نهاد ایدینورم • وهنگام نوایبده تحمل و
اصطباری نصب العین ضمیر فاتر قیلورم بیوردیکه • انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر
حساب • مقتضاسنجه مزدها بران بی عدد • واجر بلاکشیده کان لا یعددر والحاصل
حضرت امام امر ایتدی دوه لری چوکردیلر • بارد بنکاهی اندردیلر • خیمه وخرکاهی قوردیلر
آرام ایدوب اوتوردیلر قطعه بار بکشایید کاینجا خونها خواهند ریخت • آب روی
ما بخاک کربلا خواهند ریخت • کودکان جعفر طیار را خواهند کشت • گرد بر رخسار
آل مصطفی خواهند ریخت القصه اول حضرت بو تنکنای محنت فزا متصل اولاد
واقربا • ومجمع یاران وفا • ومنبع خلان صفا اولمه کرک ایدوب جویبار فراته قریب
محلده اسب صبا رفتارندن نزول ایدوب خاک کربلایه قدم باصدقده خاکک رنکی
زرد اولدی خاک مرقومدن صعود ایدن غبار مشارردن کیسوی مشکبویی پر کرد
اولدی • ام کلثوم ایتدی ای برادر حال عجیب وحالت غریب مشاهده قیلورم
بو بادیه دن خاطرمه خوف جسیم وهول عظیم مستولی اولدی • ساحت ضمیرم کرد حیفت
ایله طولدی بیت وادی عشق گر لب تشنه درونا یابست • ریکش از خون دل تشنه
لبان سیرابست نثر امام خواهرن تسلی ایلدی • وشهربانوی دعوت ایتدی • وایتدی
ای بنوم یار دلنوازم • وی غمکسار چاره سازم • سکا نصیحتم اولدر که شول دم که بو صحراده
بنم اعضای شکسته می خاکه فرسوده • وجسم ناتوانمی زخم شمشیر وضرب نیزه وتیر ایله خون
آلوده کوره سن • زنهار زنهار ابر باران کبی صاچکز جزوب کریان اولمیه سز وسهر
مویکز وسینه در دیکز خراش ایدوب ناله وفغان قلمیه سز • وصدای نوحه واوای کریه یی
فرد آفریده یه ایشتدرمیه سز • دوست ودشمن کریان وخندان اولمق ایشلدر سز
کر شماتت اعدای بدکردار از مصیبت موتدن دشواردر • ووقتی که اهل بیت عصمت
زینت بو وصیت مصیبت غایتی کوش ایتدیلر • خوار فرقت وحرقت ایله آه وفریاد

ایدب ایتدیلر ای سرور حضر برور بونه خبر غم آوردر که سمع جانمزه ایرکوردک ونیجه
بناء آتش اخردرکه بز غریب دیتیملرک حزمن صبر وقرارنه اوردوک بیت بونه سوز درکه
بزدم جانمزی حوزن اتدک اغلمقدن لیشمز دجله وجیحون اتدک نظم امام ایتدی تقدیم اولنان
معنی بی ضبط وخطا مجلای ظهوره جلوه نما اولسه کرک وتقریر اولنان حوادث بلا
بی شبهه وقوع بولسه کرک همان واقع اولان بلیاته صبر وتحمل وعنایت خالق حیات
ومماته توکل ایدک بو قصه اولدر که حضرت امام اعیان کوفه دن حرد خرائی نام
کسنه رقعهٔ محبت عنوان تحریر اتدی لولو قلدن آب حیات اقلدی مثنوی الذه
خامهٔ شیرین بیانی دبر الکشت جدندن نشانی ایچوب قاغاججون نیجه جکرز
آقرآب زلال روح برور نثر مضمون صحایوننده بیوردی که بزه نامه یزوب کوندردک
اول جانبه مراجعتمز اهم مهماتدن دردیو بلدردک کفتارکه اعتماد وکردارکه اعتقاد ایلدک
کلام اکر علکه وفا کوستروب هوادارلق علمی اشکار ودوفادارلق دعایلمی استوار
قلوب معاونت ومظاهرت ایده من جزاک الله خیرا اکرنه وفاق ایدرسک اهالی کوفه دن
پدر وبرادرم حقنده افعال غیر سدید بنم حقمده دخی واقع اولسه بدیع دکلدر ع
درمان لکم رضا دولنت دیس نامه مرقومی قیس اعرابی برله ارسال اتدیلر تاب
شتاب ایله کیدرکن حافظان راه دوتوب کوفه‌یه الیتدیلر ابن زیادی کوردکده نامه
جهتوب چاک اتدی ابن زیاد اتیدکه بو کاغذ کیمک کاغذی ایدیکه پاره لدک بزه کوسترمه
ابا ایلدک اتیدیکه امام حسینک یاخجون چاک اتدک اتدیکه تاسن اوقیه سن ومضمونه
مطلع اولمیه سن زیرا دوستلر کلامی دشمنلره فاش ایتمک شرط انسانیتدن دور
وفطرت مروتدن مهجوردر بیت اعدایه دوست سرنی اچمق ادب دکل کتمان سرده
سروبرور سم عجب دکل نثر ابن زیاد حضور اولوب اتیدکه یانامه ایرادانده کمکلرک
نامنی بیان ایله ویامنبره جیق حسین وپدر وبرادرن قدح ودینی ویزیدی مدح
ایله والا چکال چنکمدن رها بولمق وتیغ سیاستمدن قورتلمق محالدر قیس اتدی
اظهار اسامی اهل نامه غیر متصور در اما قول ثانی میسردر پس منادی ندا قلدی خلایق

مسجده دیرلدی قیس منبره چقدی سپاس بی قیاس الله ودرود نامحدود رسالت
پناهی دن صکره خدای ستعان کروه انبیایی وزمرهٔ اولیایی ابتلا ایله امتحان
اتدوکن مشعر بعض عنایت حق عباده والطاف نامتناهیت حضرن بلاده اولدوغن مذکور
بعض احادیث نبویه روایت اتدی واتیدی ای قوم آکاه اولک که بنی فرزند رسول
خدا کوندردی تاکم وارب معاونت ایدهسز وبو ولایته والی ایدب امر واجب الاتباعنه
متابعت ایدهسز خلافت وامامت یزیددن احقدر زیرا فرزند حضرت مصطفی وجکر
کوشهٔ علی مرتضی در حالا جزوی آدم ایله کلوب عظیم صحرای کربلادر نیم مجلس حزن وبلا
قنی اول صاحب دولت که هجوم بلادن یوز دوندرمیوب وجه توجهن کربلایه دکستان
کرب وبلایه طوته بیت فی المثل بیابان عشق درد وبلاست کجا غیر دلی کربلا
نیندیشد نثر واقع اولان کلمات کوش ابن زیاده وصول بولدقده اشارت ایدب
منبردن اشاغه اندردیلر بالای قصر الاماره یه چقروب شربت شهادت ایچوردیلر بو قصه
ابن زیاد امام حسین کربلاده آرام ایلدوکن معلوم ایدندکده حضرت امامه مکتوب
ارسال اتدی واتیدی یزید بو جانبه فرمان عالیشان ایصال ایدب حسینی هم تنق
محلده که استماع ایده سن اوزرینه وارب دار بیعته داخل ایتمه اقدام اقلامی ارکاب
اهتمامدن بیرون ایدب رئیس امامه بعیه سن شویله که افر متابعتی برکر ترک
مخالفتی ترک اقرتلمیه خلعت خلقت وجوددن طراز ستعار روحدن عاری قلنجه
شمشیر قضای نیام آرامه قتیمیه سن وعروس مقصود منصهٔ حصولده جلوه کر اولمینجه
بستر راحته یاتمیه سن دیو بیوردیلر امدی جناب جلیل الامال وکریم الخصال دن مامول
لدر که کردن حالکز زیر بیعت یزید ایله محلا اوله تاکم نایرهٔ کدورت زلال
محبت ایله انطفا بوله ورشته الصلح خیر ماینکرده مبرم بلکه الی انفصام حبال
اللیالی والایام مستحکم اوله دیو اعلام ایلدی چون نامه حضرت امامه وصول بولدی
مفهوم نامرضیه سی معلوم ایدینوب غایت ایله مضطرب البال ومشوش الاحوال
اولوب اتیدی وای شول مردبی بصیرتک حالنه که رضای خلق ایچون غضب خالق

عالمی وعتاب رازق بنی آدمی قبول ایلیه بیت رو بدنیا آور ندو پشت برعقبی کنند
خلق ما خشنود سازند خدارا خشمناک نثر موصل ورقه ایراد اتدوکی نامیه جواب
احسان ایدک دیدکده حاله عندی جواب فقد حقت علیه کلمة العذاب دیو بیوردی
قاصد مرقوم ابن زیاده وارب ماجرای علی ماجرا تقریر وصورت واقعه علی ما
هو الواقع منهیه خاطرنه تصویر اتدی اول بدآیین دلی تمکین کانون دروني
نایرهٔ نخوت وکین ایله طولدی دود غضب سقف کاخ دماغنه یول بولدی اطرافه
نظر اتدی واتیدی قنی اول عالم حمت که حسین ایله متصدی حرب وقتال ووقاد نایرهٔ
جنک وجدال اوله بلاد عراقدن حرنقی مقصودی ایسه منشور عالی عنوان حکومتیله
معنون اولسون ارکان دیوان مانند چوکان باشلرین اشاغه صالوب
درج دهانلرینه مهر سکوت اوردیلر کفتارینی هرچندکه تکرار اتدی جواب ویرمیوب
بو حالت ایله طوردیلر هرکس بو کار خطرناکک عاقبتی وخیم ومباشرتی دریعهٔ حصول
بلای عظیم در دیو قبول اتمدیلر آخر الامر عمر وسعد وقاصی یانینه دعوت اتدی وایتدی
نیجه زماندرکه ولایت ری حکومتنه طالب وخلیع اواندر اول ولایتک امارتنه راغب
سن فی الواقع دیار مرقومک حاصلی بسیار ومداخلی بی شماردر حالا دیلرم که منشور
ری وطبرستان نامکه تحریر اولنوب بو امری اتمامه ایرکورم آرزوی خاطرک داعیهٔ
ضمیرک صحرای قوتدن بیدای فعله کتورم عمرو طیب خاطر ایله رضا ویرجک ابن زیاد فلک
حکم زرین نشان نگاری هنوز دورمدن منشور حکومت ری وطبرستان نام بد
انجام ایله معنون اولدی افرانی میان ننده مانند خامه شارایه بالبنان اولدی
مثال نامه عنوان بولدی وچکنفلک مانند زین زرین ایله مزین برسمند بی
مانند ویرلدی وخلعت تشریف کیدرلدی ابن زیاد اتدی یا ابن سعد حالا
حاکم ولایت ری اولدک سکا اللی حبل جبه خانه دبو مقدار التون بخشلرم سردار
لشکر وسپهسالار عسکر ایلرم شول شرطیله که کربلایه وارب امام حسینی بیعت یزیده
دعوت ایده سن ایجابه ایدرسه انک و توابعنک باشلرن کسوب بوجانبه

عودت ایده سن عمرو اتیدی که ای امیر بو امر خطیر دربی تفکر شارعت وبو
کار خطیر بلا تدبر مباشرت اتمک قطعا روا دکلدر اجازت ویرکه وارب دشاوره
فی الامر معناسن رعایت ایده یم اولاد واصحابم واقربا واحبابم ایله شورت
ایده یم بیت هر کسیکه دانشی اوله بسیار ایلمز بی مشاوره برکار ابن زیاد
اجازت ویردي اما سریعا خبر کتور دیو تاکید اتدی عمرو جامهٔ خلعتی در برقلوب
اسب جبار عتنه سوار اولوب منشور حکومتی الینه آلوب خانه سنه کتدی وقتی که اوغلیکر
انی بو صورت ایله کوردیلر ای پدر بو نه جامه واسب وکاغذ قاندن کلدی دیو خبر
صوردیلر ایتدیکه ای فرزندان ارجمندلرم بوکون بکا جلادمالدن برعروس سعادت
ال ویردی که نتایجنک دعلهٔ خوبان کبی نهایتی یوق ونکار رخانهٔ تخیلاتدن برنگارم
دولت یوز کوستردی که فواید قطرات اشک عاشقدن جوق قطعه امروز
بخت نیک بشارت رسان ماست اقبال ونمود مرادات آن ماست روز لیست
این که دل بغراوان دعاش خواست عید لیست این که دل بغراوان دعاش خواست
خبردار اولک که امیر عبید الله بنی برمقدار عسکره سردار ایدوب بو اسب جهان
بهای وبو خلعت کران بهای وبو منشور ری وطبرستان شول شرطله ارزانی
بیوردیکه وارب امام حسین ایله جنک ایدم رقبهٔ اطاعت پذیره بیون
ویرمزسه سرحهٔ فیح جهانی باشنه تنک ایدم کوچک اوغلی اتدی بو نه کفتار فشار
وکلمات ناهنجار در که دیرسن وبو نه فکر باطل وسودای بی حاصل در که ایدرسن
هیچ بلورسن که کم ایله خصومت ایدرسن ونه اصل طایفهٔ شریفه ایله علاوت
ایدرسن حسین جکر کوشهٔ مصطفی ونور دیدهٔ مرتضی وسرور سینهٔ فاطمهٔ زهرادر
سنک پدرک سعد وقاص که جدی حضورنده مسلمان اولوب کفار ایله نیجه کارزار
اتدی آخر نقد جانن یولنه نثار اتدی سن انک اولادینک جانن الوزمی قصد ایدرسن
اندی بو سودای فاسدن کذر ایله قیامت شرمسارلغندن حذر ایله حضرت رسالت
روز قیامتده فرزندلرم ایله نیچون خصومت اتدک دیو زرینه وارب تیغ چلدک

منتسبم • کر بکنم بکشم پادشاه ملک عرب • جه کونه تیغ بر رخ کسی کوراست • شجاعت
ونسب وعلم وحلم وادب فضل • سمان قاتل او دوزخ است می دانم • کماین چنین
عملآرد خدا برا بغضب • ولی چو من نکرم درری حکومت آن • همی رود زدلم خوف
نار ذات لهب • نثر حمزه بن مغیره عمرو سعدک خواهر زاده سیدر حضوص مرقومی کوش
اتدکده • یانه واروب ایتدی • ای خال بو نه حالدر که ایلمش سن حسین کبی صاحب
سعادتک شمشیر وشن قتلنه بل بغلمش سن بو نیتدن فراغت • وبو داعیه دن مجانبت
ایله قیام قیامته دک قاطبهٔ اهل اسلامه سبب لعنت اولورسن • والسنهٔ خلف وسلفوه
غدارلق وستمکارلق نامیله الکلورسن • عمرو ایتدی ای فرزند اکر بویله اتمم ابن زیاد
ایالت ری بکا دیرمزدی حمزه ایتدی اول غلای بی معنا چچون خون ناحق ریخته دن
حسین ایله حضور حقه وارمقدن ترک امارت وکل سلطنت عالمدن فراغت احسن در
وخلافت بنی آدمدن مجانبت احوان الامین در • عمرو سعد برزمان قدم حیرت
اوزره طوروی • دیلدیکه عزیمت سوزی فسخ ایده • عاقبت منصب دنیا دیده بصیرتن
اورتوب چاه ضلالته دوشوردی • پس تعیین اولنان عسکر بیشمار ایله جقوب
کتدی • کونلرده برکون صحرای کربلایه تیدی محاذی اوردوی امامه عسکرین قونداردی
بونده کلکلرن مرادکوزندر دیو امامه آدم کوندردی • اول حضرت ایتدی که بسن واقوان
وامثالک مرار المکتوبلر وقاصدلر کوندردوکوز • اول سمته عزیمت بابنده التماس
حیلت التباهی سرحد افراط ابر کوردوکوز • کفتار کوزه اینا ندم • وکلا انکزی ناکاهی
بیاندم تخم مجاورتی ریکستان کربلاده اکدم • نخال اقامتی بو شوره زمین برعاده
دیکدم • عادت قدیکز مقتضاسنجه شمشیر نقض عهده ال اوردوکوز • غمی زادمی جوز
وزار خاک هلاکه دوشوردوکوز • حالادیلرم که جانب کعبه مراجعت ایدم کسنه مانع
اولمز سبیل حاله کیدم • عمرو بن سعد جواب امامدن خوشحال ومنشرح البال اولوب
شاید امام ایله پسر زیاد مابیننده جبانبی مصالحت لحکم دریشته موافقت بره اولوز
شمشیر محاربه وقتال قرابدن • وتیر مدافعه وجدال جعابندن حیق لازم کلمه دیو

ویرسه نه درسن • و نه عذر ایدرسن • علی الخصوص بست خطک ایله اوج کاغذ کوندردک
نامه کیاعتماد • وقولکه اعتقاد ایدوب کلدی • جمیع حضورنده باطن وظاهر معادین
وظاهر اولوق مناسب ایکن خلاف الک • واو زر رینه شمشیر چکمک • نه مسلمانلغه لایق
و نه انسانیته موافقدر • بو کار ندامت اثاره جسارت عین خسارتدر • آخر
ندامت فایده اتمز • ایکی جهانده بروجهله سواد الوجه حاصل ایدرسن که آب کوثر
ایله دخی یوسک کتمز قطعه دکیه خجلتنه روز قیامت اولجق • طوتلم ظلم ایله بو عالمه
سلطان اولاسن • عدلیله اشلد اینک تا بولسک قدر وشرف • بر ایشی ایشلیه که
صکره پشیمان اولاسن • عمرو بو سیر پسر کمتردن بو زن دوندروب فرزند مهترینه
توجه ایدوب مثنوی دیدی ای فرزند فرخنده بنم • کوکلم آچن یا دلبندم بنم • سن
نه دیرسن رای وتدبیرک ندر • بو عجب رؤیایه تعبیرک ندر • پسر مهتر ایتدی
برادرمک حمله کلماتی خط استوا کبی راست • جرم خورشید کبی بی کم وکاست لکن
اول نسیه بو نقد در قطعه نقد را رایکان زدست مده • وز پی نسیه روزکار مبر
کفت صوفی که آن نسیه نقد • از عطاهای نسیه نیکوتر • ای پسر صحیح سویلدک • وخوب
تقریر ایلدک • حالا بز دنیای اختیار ایلدک • حال اهوال قیامتی • واحوال نکال آخرتی
صکره کوره وز دیدی • علی الحراب ابن زیاد • بد بخت حضورنه واروب حسین ایله محاربه
ومجادله ومقابله ومقاتلهٔ اختیار ایتدم دیدکده ابن زیاد دخی داد مسرور ودلشاد
اولوب نالطان جمیع لوازمن کوردی • بش بیک آدم ایله جانب کربلایه کوندردی •
شهردن چقوب کیدرکن بعض اهل حق دهان طعن باز ایدوب یا عمرو حسین ایله جنک
وجدالی مقرر اتدی سن • اکرچه دنیاده حرب حسین موجب عار • وعقبا ده موصل نار در •
اما حکومت دخی واسطهٔ ذوق وتنعم • ودریعهٔ تکبر وتعظم در دیو طعن اتدیلر عمرو سعد
حسب حال نظم اتدی • ابو المفاخر ترجمه ایدوب ایتدی ابیات مرا بخواند عبید الله
از میان عرب • رسید بر دلم خواندنش هزار تعب • مرا امارات ری داد وکفت
حرب حسین • قبول کن که از ملک راست شور وشغب • بلکه ری دل این یا مال است

ابن زیاده نامه تسوید ایدوب داعیهٔ امامی مفصل و مشروح اعلام ایتدی ابن
ابن زیاد جواب نامه ارسال ایدوب ایتدی بیعت یزیده راضی اولورسه اعلام
ایلیسن والا فرمانه منتظر اولسن نه یوزدن صادر اولورسه موجبیله عمل ایلیه‌سنی
ابن سعد بلدیکه ابن زیاد مراجعت امام حسینه راضی اولمز دمرات پر کدورات
صفا بولمز نامهٔ مرقومی امام همامه ارسال ایتدی اول حضرت مطالعه قلوب ایتدی
بن هرگز گفتار ابن زیاد ایله عمل ایتمزه‌یم و دلالت ایتدوکی یوله گیتمزیم وقتی که
خبر ابا و امتناع امام همامی ابن زیاد گوش ایتدی عرق غضبی نابض اولوب حصین
نمیر و شبث ربعی و شمر ذی الجوشن امام ایله کرد ارلره عسکر قوشوب ابن سعده معاونت
ایچون ارسال ایتدی و ایتدی امام حسینه و توابع و لواحقنه آب فراتدن بر قطره صو
الغه مانع اولسنلر شول دمه دک که بیعت یزیده راضی و امره تابع اوله مستعجل و متقاعد
اوله پس عمرو سعد عمر بن حجاج ایلش یوز نفر آدم قوشوب محافظهٔ آبه گوندردی
حافظان آب مانند حباب صو اوزرنده صو بوصوی گوزلیوب خس و خار گبی کنار جویباری
بکلدیلر و هر طرفدن موج دریا گبی شمشیر چکوب متابعان امامی صو المقدن منع ایلدیلر

قطعه قیلدی انهر فرات اطرافنی خار ایله خس تا که بولمایه براهم صویه اول شه
دست رس حیف کم طوتدی خلافت اشیانن زاغلر پر آچوب حیدی حق ایتمک
دیلر هر بر مکس **نثر** پس امام عالیشانه و فرزندان و متابعانه تشنه لک غلبه ایلدی
عباس علی التی نفر سوار و پیاده بر له صو گتورمک ایچون مانند سیل پر جوش
تابشنا باک گیتدی وقتی که کنار جویباره قریب اولدی حارسان آب مقابل
اولوب میانلرنده آب ایچون نایرهٔ جدال اشتعال بولدی آخر کار اعدایه
غالب اولوب صو آلوبلر مشکلرین پر ایدوب مکان معینلرینه گلدیلر بار زنده‌گی
کیچه امام خورشید مقام عمرو سعد ایله لشکرگاهلری طشره‌سنده چقوب ملاقات ایتدی
و ایتدی **ویحک یا عمرو** حضرت خدادن خوف ایتمیوب بنم ایله محل مقابلیه
و مقام مقاتلیه می گلورسن جد عالیشانم معلومک دگلمیدر حالی مکانم مفهوم دگلمیدر

بوفعل

بو فعل وخامت عاقبتدن حذر ایله و بو اندیشهٔ ناصوابدن گذر ایله زخارف
دنیای دنی غدار ناپایدار در و دولت جهان فانی بی اعتبار در **مثنوی**
گنج بقا نیست درین خاکدان مغز وفا نیست درین استخوان آنچه برین مایدهٔ
خوش نهیست کاسهٔ آلودهٔ دیک تهیست هر که از و کفت زبانش بسوخت
هر که از و خورد دهانش بدوخت **نثر** بونک گبی خسارتلی حصولنه سعی ایله و عروس
دعشوه نمای دهره دل بغلمه **ع** که این عجوزه عروس هزار داماد است عمرو
سعد ایتدی یا ابا عبد الله هر نه که بیورورسز محض حق و صدق مطلق در **حیث**
عالمه حیران و زارم بن دخی بو بلایه دشنوون دشمن دخی اما قورقرن که خدمت
شریفنگ اختیار قسم دار و قراررم و منازل و مبانی استوارم تیشهٔ انتقام ایله خراب
ایدرلر حضرت امام خطاب ایدوب معمار خاکدان دنیا و مبانی جهان بی بقا اول
مرتبه ده محبوب و مطلوب دگلدر که کشی انکا ایچون ملول و حزین و محزون و غمگین اوله
اگر بونده اولان کاخ منیعک و قصر رفیعک معمار عادیان و مبانی شدادیان گبی بر بنا
اولسه سنک ایچون جنتده قصر اعلا و منزل اسنی تعمیر و آباد ایدرلر اگر بنی اختیار ایدوب
یار هوادار اولورسک فانیدن اوسع و کاشانکدن ارفع او باغستانی دیدکده و لایت
کوفه‌ده ضیاع و عقارم و اقطاع بی شمارم واردر اندیشه ایتمکم که ابن زیاد متصرف
اولوب حاصلاتی و ضیاعه علف و مزارع پایمال عسکر تلف اوله امام بیوردیکه اگر
ضایع اولورسه بن سکا اقطار حجازده بر مزرعه تملیک ایده‌یم که حاصلی اندن اکثر
و ملاذقی صد بار اوفر اوله عمرو بدنهاد مانند درس حصاد باش اشغه صالدی
هر گز نطقه قادر اولمیوب مبهوت و دم بسته قالدی حضرت امام بلدیکه بو باغینک
کاسهٔ دماغی وسوسهٔ ابلیس طاغی بر له مملو و سینهٔ دولتی حباب آسا هوای حب
دنیا ایله طوب طولودر بیوردیکه ای عمرو درگاه حضرت حقدن مأمول و فیض فضل
جواد مطلقدن مستدعا و مسئولدر که بندن صکره حرم کعبهٔ مرام اولیه‌سن و دامن
عروس مقصوده دست رس بولمیه‌سن فی الواقع زبان کرامت بیانلرندن جریان بولان

گفتار عبرت آثارک نتیجه‌سی ظهور ایدوب مدت قریبده مختار بو عبیده عمرو سعدی
وهر مهترین که بدرین امام حسین ایله جنگه تحریض اتمشدی حسام انتقام ایله هلاک اتدی
رفت کرد از این سرای مجازاته دوار مکافاته ایلتدی **بیت** چون وجودک خار بس
آخر بقرو دست اجل • اختیه کاخ معیشت با بلند اولمش به پست **نثر** حضرت امام محل
موعوددن عودت ایدوب کلورکن • برزر خضیر حمدانی که زمانک عبّاد وعبّادندن ایدی
وزهاد وصاحب اجتهادندن ایدی • امام همامه کلوب حالینه محزون اولدی وبو سوال
ایلدکه بیوردی که پسر سعده واروب عثمان نصایحدن در بار اولدم • وساوس ابلیسی
اصغا اتدی • استماع گفتار صواب خاطردن ابا اتدی • برزر اتیدی اجازت شریف
ارزانی بیوریلور ایسه یارین واروب شاید پنبهٔ عقلنی گوش هوشندن بیرون
قلم • ومزاج فاسدین نوش نیش ترغیب وترهیب ایله اصلاح ایدوب چنانکه اخبار حسرت
آثار اکلم • حضرت امام وداع ایدوب کتدی • علی الصباح عمرو سعده واروب بی اذن واجازت
خیمه‌سنه دخول اتدی • لفظ سلام زبان شیرین کلام بریردن جاری اولمیوب برمدت
طوردی • بعده حیرت وانفعال وانقباض وملال ایله برگوشه‌ده اوتوردی • عمرو سعد
بو وضعدن غایت ایله متغیر • وبو فعلدن نهایت درجه‌ده متکدر اولوب ابتدا ای برادر
اهل اسلامدن دکل میسن اولا بیلمز • نه واقع اولدی که سلام ویرمکه مانع اولدی •
بریر اتیدی سید الانام علیه افضل الصلوة والسلام بیورمشدر **المسلم من سلم المسلمون
من یده ولسانه** مسلمان اولدر که مسلمانلر دست وزباننده ایمن • وحضرت کار
وکردارندن مطمئن اوله • پس اهل بیت رسالتی وپرده نشینان حرم عصمتی بر
ایچم صودن منع ایدرسن • عالده مسلمانلق دعواسن ایدوب نیدرسن • موجب بنی
اتیه بو زبان کشاده سن • مدت اهل بیت حضرت رسالته حاضر واماده سن تخلی
مقاتله یکلک • سفک دم آلی کرد نکالوک **ح** از خلق خدا هیچ تراشرم وحیا نیست •
بو بابده اولان ظلم وعدوانک • وناحق دوکلن قانک تبعه ووبالی سنک ذمتکده در •
بیت مکن مکن که پشیمان شوی وبد باشد • که عاقبت متوجه ای تن لحد باشد •

درخت پربار وشاخ میوه دارکبی • باشن اشغه صالدی • شرمنده وسرفکنده بر
مدت قالدی • آخر باشن کوتوروب اتیدی • ای برزر یقینا معلوم در که هر که انلر ایله
قتال ایدرز • وحقلرن ضایع ایدوب غضب ایدرز • لا محاله جای قراری نار جحیم • وجزاو سزاسی
عذاب الیم در • اما بن ترک ملک ری قلمزین • وحکومت وایالت طبرستاندن آیرلمزین
برزر بیورد دیکه • یا ابن سعد بهر که بونوعله هوس ملک ری تعلق • لابد نامهٔ سعادت وادبی
طی قلر **قطعه** کیرم که روزکار ترا میر ری کند • آخر نه مرک نامهٔ عمر توطی کند • کیرم که
بکذری تو ز قارون بکنج مال • باوی وفا نکرد جهان با تو کی کند • **نثر** برزر قالقوب کتدی
واقع اولان مکالمهٔ حضرت امامه حکایت اتدی **القصه** عمرو سعد ایله حضرت امام
میاننده واقع اولان مقارنتی • اول سر دفتر مکر وفتن یعنی شمر ذی الجوشن استماع
اتدکده • فی الحال کوفه‌یه واروب قصیدهٔ مجالستی مطلع نهایتنه دک قرائت اتدی وجریدهٔ
مقارنتی افتتاح عنوانندن انتهای خاتمه‌سنه دک حکایت اتدی • ابن زیاد عمرو
امامه متابعت اتدی • تخیل ایدوب مکتوب ارسال ایلیوب مضمون فرعت مشحون نده
بن سنی جنگ وخصومته کوندردم • مصالحت ومجالسته ارسال اتمدم • امدی بران الحال
التهیوب آتش کار اشتعال ویره‌سن • یعنی امر پیکاره اشتغال کوستره‌سن • میدان وغا
سپر کبی طعنهٔ تیر وسنانه کوکس کرمینجه فلنک آرز وهدف مراده ایرمز • ومقدار کبرو
دارده سودای سردن کچمینجه افسر مقصود الکرمز • اکر دولت امارتدن ابا ایدوب
امام حسینه متابعت اتدکایسه • ناکه تحریر اولنان مثال بی مثال واسطه تسطیر اولنان
منشور اقبالی بوجانبه ایصال ایدوب لشکر سردارلغن شمره سپارش قلوب جلادت کار
باردن الچکوب کند وخانکده اوتورمکده • اول دیدکده عمرک ارجهان باشنه
دار وروشنای عالم دیده سینه تار اولمغین **المأمور معذور** گفتارینه مغرور اولوب
امام معالی اعتبار ایله جنگ وپیکار اختیار ایلدی **داوی ایدر** ماه محرمک سکزنجی
کونی لشکر امامک قربه وقطره‌واری جشمهٔ نهر ودلو سپهر کبی آبدن خالی اولوب
اطفال وعیال ونسوان ورجال **العطش العطش** دیو فریاد اتدکده حضرت امام قیام

ایدب برموضعه کلدی بو محلی تارک دیوام ایلدی برمقدارکه قار دیلر بر عین
ظاهر اولدیکه مادهٔ روح روان دن الطف وچشمهٔ آب حیواندن اصفی وانظف ایدی
بیت آب وکل شیرهٔ شاخ نبات * هم مزهٔ شربت آب حیات * چون لشکر
امام اول آبدن نوش ایدب اندن سواد دیلر وستونه شکلرین طولدر ب
آشنا وبیکانه صو ویردیلر کیرو اول چشمه عین الحیات مادرزاد کبی نابدید اولدی
هرچند طلب قلدیلر یرین بوله مدیلر علامت دخی نندن اکاه اولمدیلر اول زبدهٔ
دودمان ولایتک جملهٔ کراماتندن بری دخی بودر * وقتی که بو خبر کرامت اثر سمع
ابن زیاده یتیدی * عمر سعده مغاوضهٔ قهر انکیز در سلسلهٔ عتاب امیز تسوید اتدی
وایتدی ارخای عنان * وتوسیع میدان ایدب حسینه شول درجه ده رخصت * واول مرتبده
مهلت ویرمشسن که بادیه ده چاه قازوب مرادلری اوزره صو بولنوب تحصیل
قوت وتکمیل قدرت اتمش * امدی بو دم جهد مضایقه ویره سن که زبون دبی مجال اوله
واول ورطهٔ هولناکدن استخلاص محال بله * دستکاه معاونت ایچون علی الاتصال لشکر
ارسال اولنمق اوزره در حالیا شمر له دورت بیک آدم کوندرلدی * انکا آرده یزید
کلبی که کوه شجاعتک بیردمانی * وبیشهٔ شهامتک شیر ژیانی در انک ایله دخی ایکی بیک
وحصین نمیر ایله دورت بیک * وعمرو بن قیس وقیس بن حنظله ونصر شامی ایله
ایکیشر بیک وانلرک عقبنجه حجاج بن جبیر ایله بیک * وسابقا سنکا ایله ارسال اولنان
بشر بیک آدم ایله جمله بکرمی ایکی بیک آدم اولور * فی الحقیقه تعیین اولنان عساکر
مقداری عساکر بد طینت وود خصلت بریره کلدیلر * اول مدینه کرامتک اولادی
همایون سوادی استوا دکبی احاطه ایلدیلر بیت چوره سن احاطه اتدوکی کورب خرد
ویدی عادتدر اولور اطراف کلشن خار وخس * نظم * امامک جزوی دخی وار ایدی
توابع امامدن حبیب بن مظهر اسدی درج دهان در نصیحت ایله پر اتدی * بای فرقد
فرسای امامه ایثار اتدی وایتدی ای مظهر انوار ولایت * وی مظهر اسرار کرامت
اکرچه بزم عسکر نشان منیع ایله جلیل در * لکن بو کثرته کوره زیاده قلیل در اما

کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله بیورلدوغی معنیدر وجهت
زاغ شب شهباز بلند پرواز مهرک برحلهسنه طاقت کتورمیوب شبیرهٔ کواکب کریزان
اولدوغی کوندن روشندر * فاما تکثیر سواد موجب اعتضاد ارباب جدال وسبب
استظهار اصحاب قتال در * مداعیان حزم ودبارزان رزم یاننده قدم الخروج قبل
الولوج نکته سن رعایت ایتمک اهم مهماتدن * واتم لوازماتدندر * یقین برده قبیلهٔ
بنی اسد قونمشدر اجازت شریف ارزانی بیورلورسه امید معاونت ایچون بو کیجه
عزیمت ایده یم * خدمت شریفکزه دعوت ایلیه یم * رخصت بولوب اول شب
مانند ماه شب تاب سرعت تام ایله کتدی قائم لعلین قبای افتاب اشقر کلکون
سوار دبیرق براق زرنکار مهر دقلهٔ قلعهٔ سپهردن اشکار اولمدین اول
قومک خوابکاهنه یتیدی * یانلرینه وارب لب دب ایله سلام اتدی * وایتدی ای
قوم باصفا الوفا * جکرکوشهٔ محمد مصطفی * ودیسران علی مرتضی * وسایر اهل بیت رسول
خدا * صحرای کربلاده یکرمی ایکی بیک مردان خونخوارک * وخونخواران مردم آزارک
کمند کرندلرینه مبتلا اولمشدر * نه امید خلاص * ونه بر ملجأ ومناص واردر * بن سزک
قرایب دلخواهکزدن * ودوستان بی اشتباهکزدن اولمغین نصیحت کلام * اکر
شفاعت حضرت رسالته احتیاجکز وار ایسه * امام حسینه معین ونصیر * ومدد کار
وظهیر اولک * اول جملهدن عبدالله بشیر که دلیر شیر کیر * وپهلوان بی نظیر ایدی مسرور
وطربناک * ومحبور وفرحناک قیام اتدی * وایتدی بیت صداقت دعوسی ایدنلرک
سرداریم الحق * الدن باش وجان نقدین نثار اتمک کلور الحق * نثر * ای قوم اکاه
وکواه اوله سزکه دعوت حسینه اول اجابت ایدن وکفنا رعایت نماسنه قالدن
مقدم مبادرت کوسترن بنم * حبیب اتدی ای ابن بشیر بشرک الله بالجنة
العقبه * بنی اسددن طقسان طقوز نفر دلاوران دفا زیبود سلاح مکمل دعوت
امام مفضل برله قالقوب جبر عاشق کبی رونده * وآه مظلوم کبی رسنده تازیلره
سوار اولدیلر الدرینه نیزه آلوب لشکرکاه امام سمتنه طوغرو لدیلر قضای الهی ایله

کیرد قبیلهٔ بنی اسددن برمرد دسته فضلت عمرو سعدی خبردار آتکلده اول
دخی فی الحال تدارک احوال اتدی ازرق شامی نام سیه روزکاره ایکی بیک
آدم قوشوب ارسال اتدی **مثنوی** ازرق شامی سیه روزکاره ایکی بیک
آتلوسی ایله اولدی سوار بیک اره اودردی اوزرین بی کمان اول ایدی [illegible]
جهان پهلوان هر نه دم السه اله تیر وکمان مورچه چشمی ایدی اکا نشان تیغ بکف
جنکه جو پیل خلیده چشم زره هر یکا قان آغلیه کف سپر دوکمز ایدی ضرب
شیر ژیان کیرمز ایدی حربنه بو ایکی طایفه ذات کنارنده مقابل اولوب بازار
کارزارده برزمان آلویلر دیردیلر مانند زلف کره کیر بربرینه کیردیلر **مثنوی**
دوشدی قوپردی بو ایکی لشکره اولدی مقابل یوز یوزه ارلره رزم قیلیجینه کی
ویردی آب کیمسی جکانشنه ویردی تاب نایرهٔ جنک ارده مشتعل بربرینه
حمله ایدب متصل کیمسی دارمعقده کمی کلده کیمسی دیرمکده کمی آلده برق کمی بونکا
اتلمده قوم اسد کوردیکه دشمن قرون طاقتی طاق اولدی وقالدی زبون کوردی
دکل جای جدال وستیز اوزلدی هم بری محل کریز **نظم** آخر کار قوم بنی اسد کندو قوملرینه
پنجه پهلوان بلنک انتقام دام ارکک اجله کرفتار اولدوغن کوریجک باقی قالنلری
دخی بخت برکشته شال فرار اتدیلر دولت دنیا مانند صوب ادباریله توب
کتدیلر حبیب محلی انتالدن ایق کوتورب حضور امامه ایردی احوال شهدای قوم
بنی اسددن خبر ویردی واقعهٔ مزبوره موجب ترادف احزان امام کریم وسبب
تضاعف آلام اهل بیت عفت ایین اولدی **بیت** هردم افزاید غم بالای غم لشکر
غم دائمی افتد زهم **نثر** ابن زیاد امام حسینک قبایل آدم کوندردوکن کوش اندکده
آتش غضبی هیجانه کلوب عمروسعده فرار ارسال ایدب شویله که برکون حرب حسینه
اشتغال ایتمیه سن دامرکارزاره امتثال کوسترمیه سن سنی وتوابعکی موتی ساقته
ومعرض عقوبته ابر کورررم دیدکده عمر سعده خوف عظیم مستولی اولوب موی آتش
دیده کبی انقلاب واضطرابه دوشدی اکرچه بو وقت ایدی عسکرینه امر اتدی نه

ثا الحال اسلحهٔ جنک وجدال ایله آراسته والویهٔ حرب وقتالی افراشته قلدیلر تاسع
محرم ایدی سوار وپیاده حاضر وآماده اولوب اوردوی امام سمتنه یوریدی اقدام
راکب وراجلدن متصاعد اولان غبار رشادر روی خاکستر کون وسپهری بورودی
اول محلده امام حسین سرارامشی بالشن آسایشه قوشمش یاتوب اویومش ایدی وقتی
که ناسواران وقعقعهٔ سلاح مخالفان اشتدی قرنداشی عباسی یکرمی آدم ایله کیب
ورودلرین معلوم ایدنمک ایچون قرشو کوندردی پس سعد جنک وحربی مقرر
قلدوغن بلوب حضرت امامه خبر ویردی امام بیوردیکه لطف ایدب تکرار قدم
رنجیده قیل ودم کرم وسخن نرم ایله سویله بو وقتدر بقیهٔ نهاری ایچون مهلت طلب
ایله خصوصا شب آدینه ولیلهٔ عاشورادر نه جای هیجا ونه وقت وغا وغوغا
در اوله که مراسم طاعته ولوازم عبادته برطریقهٔ عادت مواظبت کوسترم
پس عباس علی تکرار وارد قلده خطاب ایدب ای مردمان کوفه وشام جکر
کوشهٔ فخر انام علیه الصلوة والسلام بوکیجه سزدن مهلت رجا ایدرز ویقینا بیلورکه
بوشب آخر کیجه سیدرز دیلرکه بوکیجه طاعت وعبادت ایله کیجه یاربن علی السحر ایت
جیچ کیین کاه انقلاب برداشته ولوای ذره سکر مهر میدان آسمانده افراشته
اولدوغی دم ارادهٔ خالق الکونین ومشیت رازق الثقلین هرنه ایسه کوره لم
دیجک عمر سعد امرای لشکره خطاب اتدی واتیدی ای امرای روشن رای
ویکبرای مصلحت آرای جوابده نه دیرسز وبو خصوصده نه تدبیر ایدرسز اتیدیلرکه
توبیخ وتهدید ابن زیاددن خوف ایدرز وامان ویرمیوب جنک ایلرز شمر لعین
نعره اوروب بعد الیوم سزه مهلت وامان ویرلمک محالدر واحتمال امهال توقعی
محض خیالدر دیدکده ابوسفیان کندی شمرک بو بی حیالغندن شرم ایدب خطاب
اتدی واتیدی ای قوم بونه سوزدر که سویلرسز ونه غدارلق درکه ایلرسز اکر
بو طایفه روم وحبشدن ویا اقصای مغرب زمیندن کلوب طلب مهلت وامان
والتماس سکون واطمینان اتسه ویرردکوز علی الخصوص بو طایفه سعادت

مخصوص طامهٔ کبری ده ٭ ومحشر عظمی ده ٭ امید شفاعت ایدوکمز بنی عالی درجانک
درسول باهر المعجزاتک اولاد امجادی ٭ واحفاد عالی نژادی در ٭ چونکه خالقدن خوف
وشرم ایتمزسز ٭ خلایقدن دخی آزرم ایلمزسز ٭ **مثنوی** شما بس بخت روی وسست دینید ٭
چو شیطان لعین با مکر وکینید ٭ زحق سبحانه شرمی ندارید ٭ زمردم نیز آزرمی ندارید ٭
نه آخر اهل بیت مصطفی اند ٭ بصد کرب وبلا در کربلا اند ٭ **نظم** وقتی که اول کفتار نصیحت
اثاری اشتدیلر ٭ حسام خصومتی نیام فراغتده قندیلر ٭ نتکان اول محله نزول قلدیلر ٭
دحارس ونکهبان تعیین ایلدیلر ٭ حضرت امام بوندن اول اطراف لشکرکاهه حواله وار
خندق قازدرشدی ٭ ایجن حزم ایله طولدرشدی ٭ تاکه حین جنکده حرم مکرم وحرم
محترم تیر انظار اعدایه نشانه اولمقدن مصون ٭ وتعرض آشنا وبیکانه دن محروس
ومأمون اوله ٭ اول محلده شبیخون اعدای ضلالت مقروندن احترازا بیوردی حیزم
آتشی دردیلر ٭ وامری حافظ ده اقدام اقدام اوزره طوردیلر لهیب مهیب نار دخان
وصوب سمایه صعود ایدن اثر در دخان آتش باردن ظاهر اولان زبانهٔ شراره
فشان ٭ علودی لابدده جویه چو تیغ جوهردار وخنجر زرنشان عرض ایتدوکی دمده مالک
نوده آت دیدی ایلدوکلوب ای حسین نار دار عقبادن اول آتش دنیای خرمن وجود
می اوررسن ٭ دیدکده حضرت حسین **کذبت یا عدو الله** ای دشمن خدا بو احتمال میدر که
سز مقیم جنات نعیم اولاسز ٭ بز قرین اصحاب جحیم اولاوز ٭ مسلم بن عوسجه ایتدی یا ابن
رسول الله اجازت ویر دهان محشو بیانه بر خدنک سهمناک ادیم که لشکر مخالف
انکشت دردهان اتسونلر ٭ امام ایتدی دیلمزم که خصوص جنکده مبادرت ایدم ٭
واراقت دمایه مبادرت کوسترم ٭ سن دهان حضرت حنک قورتسنه ٭ دفعال مطلقک تکنه ٭
بو عبرت ایله نظر ایله ٭ پس جبههٔ تضرعی زمین توقعه اوردی **اللهم ارجا الی النار**
دیو بیوردی یعنی زنی زبانهٔ آتش عقبایه کرفتار اولمدین سلسلهٔ عقوبت ایله
عذاب ناره نیابه چک ذوالحال **دعاء المظلوم مستجاب ولیس بینه وبین الله حجاب**
حکمنجه اثر اجابت دعا ظاهر اولوب آتنک ایاغی نکاف زمینه کچوب بی اختیار ذنا

١٩٥

زین دن جانب سفلیه متمایل اولوب ایاغی رکابده قالوب عنان الندن کیدی
سمند تونند سو لبو سو پویوب کنار ناره کلدکده ایاغی رکابدن چقوب میان
آتشه پرتاب ایتدی **بیت** وردکه کندی علام یولنه اولدی هالک ٭ مالک دوزخه اولدی
جان مالک ٭ بو کرامتی ناظر اولنلر تکبیر کتوردیلر ٭ صدای خروشی کوش عرشه یتوردیلر ٭
حضرت امام سجدهٔ شکر اداسندن صکره اواز بلند ایله مناجات ایتدی ٭ ایکی جانبده
اولان لشکر جملهسی اشتدی ٭ بیوردیکه ٭ خدایا بز سنک اهل بیت رسولکدن ذریت
برکزیدهٔ نبی واجب العفولکدن اوز ظالمان جفاکار ٭ وغداران ستمکاردن دادمز
الیویز ٭ ابن اشعث ندا ایدب سنک پیغمبره نه نسبتک وار درکه بویله دیرسن ٭ وایلاف
وکذاف ایدوب تفاخر ایدرسن ٭ دیدکده امام عالی مقام تکرار درکاه کارساز بنده
نوازه عرض نیاز ایدوب خدایا پسر اشعث بنم فرزند پیغمبر اولدوغم سلب ایدوب
اول حضرته پیوند ونسبتمی وعرق قرابتمی قطع ایلر **فاذلّه فی الیوم ذلا عاجلاً** یعنی
بو کون انکا کندو ذلتن کوستر ٭ رکجانن قطع ایدب دار الجزایه کوندر ٭ هنوز تیر دعا
هدف آسمانه ایرمدین شهباز قضا فضای عالم تقریردن ایرب درونه چنکال قهر
اوردی ٭ وجمیع طمعندن دالم قطیعندن ٭ نه الفور یورکی بوردی ٭ بیک زور دن ایله
آتندن اینوب قضای حاجته مشغول ایکن ٭ بر کژدم سیاه ٭ بامر آلله مرض ذات
الجنب کبی یا ننده بولندی ٭ کویا قضای آسمانی ایدی ٭ که برج عقربدن سوق اولندی
واول بی حیانک خایهسنه بر نیش اوردی که میان نجاسته قالدی ٭ جانی بدن ملوثندن
جدا اولنجه دک مکشوف العوره هر یکادهر جانبه یوالندی **ع** آلجنان بدتنلوکانی مرده بین
بو دخی اول حضرتک کرامت ظاهره لرندندر ٭ پس جعدهٔ قرنی ایلرو کلوب ندا ایتدیکه
ای حسین بو آب فراتی کورر سن که نهر رواندر ٭ ودریای بی پایاندر ٭ اول خدا حقیچون
اندن بر قطره نوش ایتمزسن ٭ وتشنهٔ تشنکی برله هلاک وآتش عطش ایله خاک اولورسن ٭
دیدکده ترکش ملامتن ژاله بار ایدب ایتدی **اللهم امته عطشانا** یعنی الهی انی تشنه
لک برله هلاک ایله ذوالحال اسبی نه سبب ادرکوب ماننده آتش تند ودرکش اولوب کندوی

شهاب شمال الیمن دساره ایتدی و اطرافنده حلقه اولان خلق حلقهٔ زنجیر کبی بربرینه
قاتلدی کلب معلم کبی ایاغی اوزره طوردی اول بی سروپایی کوکی کیرو اریره اوردی
آخر یرندن طوردی آب رسیده رام آلمک قصدنه آردیجه یوکوردی تشنه لک غلبه ایتدی
لاینقطع صو ویردیلر هرچند که نوش ایتدی آتش عطش زیاده اولدی العطش العطش
صداسی افلاکه اولوب دار جزایه کتدی بو دخی روز مزبورده واقع اولان کرامتک
ثالثی در بیت مستجاب اولوب مناجاتی ظاهر اولدی بنجه کراماتی نظم لشکر پسر زیاد بنجه
کراماتی مشاهده قلدیلر هرکز صلبلرینه لینت ورقت کلیوب بادیهٔ جهل و عناد ده
مقیم اولوب قالدیلر بیت نه بلور جوهری خزف ایله قیمتین مکر صراف نظم اول شب
خورشید زر اندود و خورشید غلاف عنبرین اولدی و تباشیر اعلام سیم فام صبح کمین چرخ
برینندن ظاهر اولنجه دک ملازمان امام روی نیازی درگاه حی لاینامه و بارگاه حی قیوم
بر دوام طوتوب کرسنه و تشنه ذکر خدایه و درود محمد انبیایه اشتغال کوستردیلر نور
الائمه خواجه کتوره شدر چون روز تاسوعا آخر و شب عاشورا ظاهر اولشدی
سلطان ستارکان بو مصیبت ایچون رخت اقامتی ماتم خانهٔ علویه کوچوردی افق
شب تاب کردون سیمینه حادث قمری کردار جل سیاه کچوردی بو حالدن فلک دواره مرض
دوار عارض اولدی و بوالمدن کره نار کورهٔ آهنکر مثال یانوب یاقلوب درونی
آتش اضطرابله طولدی و شفق یار شقیق مانند قان آغلدی دامن فرکه آسمانی لاله رنک
ایلدی و سوختهٔ زمین فرق حالنه کرد ادبار و خاکستر خار قویدی بیت دود ظلام
روی زمین را سیاه کرد مه روی خویش را به خراشش تباه کرد نظم اول شب امام بیوردی
شول کرسی که ساج آغاجندن دوزلمشدی بیان صحرایه ایلتوب قوردیلر جمله عسکرین
اطرافنه جمع ایدوب کندولری اول کرسی اوستنه چقوب اوتوردیلر غایت جزالت
و نهایت بلاغت برله برخطبهٔ نصایح اعلان و بر موعظهٔ حکمت بیان قرائتنه
آغاز ایدوب که عقول فصحای بحار معانی بدایع بیانی ذرکنده حایم و حایر و افهام
بلغای ذوی الاعجاز الفاظ جزالت عنوانی ادغامنده عاجز و قاصر ایدی بیت

بعده

بعد حمد خدای بی همتا و درود رسول مالا وحی بیوردیکه الحمد لله علی السراء والضراء اما
بعد آکاه اولک سزکه هیچ بر فردی کندو اصحابمدن وفادار کورمدم و هیچ بر آفریده
اهل بیتمدن رحیم دنکو کوردار بولمدم جزاکم الله عنی خیرا معلومکز اوله که بن بو کیجه
سزکا ایچون مهلت دلدم امدی رای صایب و فکر ثاقب اولدرکه کنار سلامته عزیمت
ایده سز بو غریب بی نصیبی بو تنکنای محنت ملارده قویوب کیده سز ظن غالبم اولدرکه
بنی بولنده کوریجک سزی طلب ایتمزلر و سزکا ارد کوزه دوشوب ارایتمزلر امیددرکه
مظالم اعادیدن رها بوله سز و مکاید بدخواهاندن خلاص اوله سز بیت بن چو غرق
اولدم بلا کرداینه سز جهد ایدک اولکم بار سلامت ساحله ایره سز نظم وقتی که بو کلام
فرقت انجامی برادران و فرزندان و خویشان و متابعان کوش ایتدی متفق الکلمه
جواب ویردیلر که یا ابن رسول الله حضرتکدن مفارقت قلورمز و صحبتکدن مجانبت قلمز
یوقدر فرض ایده لم که سزدن صکره حیات ابد و بقای مخلد بولورق اول حیاتدن
نه فایده و اول بقادن نه عاید که سنک کبی پیشوای نکو کرداردن دور و مقتدای
پاکیزه اطواردن مهجور اوله وز بیت بقیامت برم آن عهد که بستم با تو تا در آن
روز نکوی که وفا جست نبود نظم کمان مراد تخادمز و داعیهٔ فوادمز اولدرکه مادام
جانمز بدنده در روانمز تنده در اوله که اعدای بدآیین ایله مقاتله و دشمنان اولاد رسول
رب العالمین برله مقابله و مجادله ایده وز بیت جسمیز لاله کبی قزل قانه بویه سین یوز
تعلق قرنمه حجرکز رسمی کبی نظم امام حسین جملسنه خیر دعا ایتدی اولاد مسلم عقیله توجه ایتدی
و ایتدی ای اولاد عم دی یوفسه اندل پر غم موا علدکا قوبه کوفیانه اعتماد ایدوب
پدرکزی کوفیه کوندردم اول کروه غدار و اول طایفهٔ جفاکار اهل بیت نبوت
حقنده حق شناسلق مراسم رعایت ایتمیوب عرض مصونن هدف سهام تعرض
و اهانت قلدیلر آخر کران جیاندن خاک معاته دوشورب شربت شهادت ایچوردیلر
حالا سزلک یادکاری سز مادرکز هنوز غم زده و ماتم رسیده در کلوک والده
کزکزان الکه بوار اون بنی هلی قبیله سنه کیدک انلر مدینهٔ رسالت پناهه عزیمت

ایدکجه اولادی رسول فریاد ایدیلر • هزار سوزش و نالش برله ایدیلر بیت سن بز ای روح
روان بو جسمه جانی نیلرز • خاکپایکدن جدا بو خاکدانی نیلرز نثر یا ای رسول الله بو احتمال
میدرکه سز نیران بلا الجره احتراقده • و عمان عنان الجره استغراقده ایکن • بز خس و
خاشاک کبی کنار کوزلیه وز • دود کبی باشمز الوب کیده وز سنک اوغلوکه سمندر
آسا اوده کیروز • و سنک یولکده اولکه جان ویره وز مثنوی جبیننکدن سعادت
نوری بیدا • یوزکدن لمعهٔ دولت هویدا • سوزک دل درد نه درمان بغشلر • خطابک
مرده جسمه جان بغشلر • سوزک هر بری بر در مکنون • فلک کبی کلامک دخی موزون •
تکلم ایلسک جان بلبلی سن • تبسم ایلسک جنت کلی سن • قبوک سایللرن رد اتمه بالله •
دراحسانکی رد ایتمه بالله • سنی ترک ایلمک اسان دکلدر • یوکا اولمین انسان دکلدر نثر
حضرت امام کوردیکه اول جوانمرد از حدیث صدق و صفاده صبح ثانی کبی صادق دم و راه
مهر و وفاده ثابت قدم در • دعای خیر اتدی • و ایتدی جونکم فنم یاران وفادار بو نقطه
اوزره قرار بولدی • کرکدر که واره سز بقیهٔ شبی طاعت و عبادت ایله کچوره سز مخادیم
فالقوب منزللرینه کتدیلر • و اوراد و اذکاره اشتغال تدیلر • ودوداه مظلومان
عرصهٔ زمیندن غرقهٔ ماهه صعود اتدی سیل اشک غریبان پشت کاو و ماهی یه یتدی
بیت اشک چشم تا بماهی رفت و آه تا بماه • ماه و ماهی را براشک و آه میکیرم کواه •
نور الایه ده کتورمسلر درکه مبادی سحر پیدا • و اثار صبح هویدا اولدقده بغتا ن
عرشدن برآواز بلند کلدیکه • یا خلیل الله ازکبی بیجا ای لشکر خدا • و ای دوستان خالق
ارض و سما سوار اولک که حرب و قتال اواندر • و منزل دار القراره رحلت زمانیدر •
ام کلثوم مانند مدهوشان جوشان و خروشان خیمهٔ امامه دار ب ایتدی بیت
هر طرفدن کوکلومه انواع حزن و غم کلور • هر کیادن کوشمه آوازهٔ ماتم کلور نثر ای برادر عزیز
اسماندن کلن اوازه هولناکی • و صدای سهمناکی کوش ایتدکمی ایتدیکه کوش اتدم • و بوندان
دخی عجیب و غریب نسنه معاینه قلدم • بوندن ایکی ساعت اقدم نور باصرهٔ فلک دماغ ان
افوله ایرشدی • و دیده ارم روزنه حتی سد ایلب نظارهٔ کلشن ملکوته اشتغال کوسترمشیدی

بحکم وراثت جدم رسول الله که بیورمشدر تنام عیناي ولاينام قلبي
چشم اشکبار خوابه وارب دل بی قرار بیدار ایدی • کوردم که بر نیچه سکان میشوم
بن مستمند و مظلومی اوزرینه هجوم ایدرلر • لکن اچلرندن بر سک جملهسندن
خشمناک ایلرز بن کندو کندومه دیدم که عاقبت بنی بو هلاک ایلر • بو فکرده ایکن جدم
مفخر عالم • و شفیع بنی آدم • صلی الله علیه وسلم • ظاهر اولوب بندن یکا توجه ایدوب
ای شهید آل محمد • وی فرزندان مظلومان احمد • جملهٔ ساکنان عالم بالا • و مقربان
ملاء اعلا ایله استقبالکه کلدک دیوب • ملکت عقباده درجهٔ اعلایه • و مرتبهٔ اسنایه
وصول بولدغکه بشارت اتدی • و ایتدی جدو جهد ایدوب بوکون منزلکده ار
افطار ایلیه سن • و بوکیجه بزم ایله افطار ایلیه سن • و یا تنده بر فرشته کوردم بیوردیکه
بو فرشته حالا اسماندن کبودن نازل اولوب بر شیشهٔ سبز رنک کتوردی تاکه سنک
قانکله ایله پر ایلیه • و قیام قیامته دک صقلیه • ام کلثوم مغموم خوابدن اکاه اولوب
کریه و کلهٔ و نالهٔ جانکاهه یوز طوتدی • امام ایتدی ای خواهر جملهٔ اهل بیتی طلب
ایلکه محل وداع • و زمان وصیت و انقطا علدر قطعه الوداع ای دوستان کین
دم سفر خواهیم کرد سکن اصلی خود جای دکر خواهیم کرد ما با کراهیم چون یوسف
درین زندان و چاه • مصر عزت را عزیز آسا مقر خواهیم کرد • حاصل دنیا تماشای نیست
کانرا قیمتیست • زو چو صاحب همتان قطع نظر خواهیم کرد • ما ازینجا شاد و خرم
میرویم از بهر انک • منزل اندر بقعهٔ زین خوبتر خواهیم کرد نثر برادران امام و فرزندان
واجب الاحترام جمع اولدقده هر برینک یوزین یوزلرینه سوردی • و هزار سوزش ایله
کوکس کچوردی • و ایتدی ای فرزندان غم دیده • وی یتیمان الم کشیده لوایح فراقکز
بو مرتبهده استیلا • و نوایر اشتیاقکز بو درجهده استعلا بولمشدر که بیانی ظروف حرف
صغرز • بلمزم که نه چاره ایلیم • و غم لی پایانکزی نیجه سویلیم بیت بو فرقت بحر رنک
پایانی یوقدر • جدالق دردینک درمانی یوقدر فرد بعده شهربانویه توجه اتدی •
و ایتدی ای یار دیرینه • وی سرور سینه بلمزم که بو یتیملر ایله نه ایلرسن • و بندن صکره

نه وجهله غلیین بیرسن • اهل بیتدن فریاد وفغان دلدوز • ونالهٔ وآه جکرسوز •
پیدا اولوب افواج امواج دریای مصیبت متلاطم • وعمان غموم واخزان متراکم اولدی
کشتی صبر وسکون کرداب تحیرته • وسفینهٔ تحمل وقرار غرقاب حیرته دوشدی ام کلثوم
بو حالت پر ملالتدن بی طاقت اولوب ایتدی • ای کل ستهٔ باغ لافتی • ویا لاله
نورسته چمن هل اتی • بو نوعه سخن غم اندوز کوش ایلمکه طاقت کتورر • وبو مقوله کلام
دلسوز ایشتمکه قدرت یتورر • جدم حضرت مصطفی بو عالمدن رحلت ایدوکی
محرم علی مرتضی ایدی • اول داخی بال شهادت ایله روضهٔ سعادته کتدکده برادرک
حسن مجتبی ایدی • اندن صکره محرم محرومان • وپناه مظلومان جناب شریفکدر لاکن
اکر سن کیدرسن بزه کیم محرم اولور • دل مجروحمزه کیم مرهم اولور **بیت** فریاد ازان روز که
مالی تو بمانیم • در آرزوی عمر به حسرت بکذرانیم **نظم** بو کلمات وکوده ایکن صبح صادق
سپهر کبود پوشلردن • سر برهنه ودرو خاشیده اشکار اولدی • وآفتاب عالمتاب
سرکردان ودرز درخشان بلا بیدار اولدی • ماتم شهیدان خاندان ایچون دشته
رو زکیسوی شبی بریده قلدی • ودست زمان جامهٔ رزنجیدهٔ فلکی کریبان دن دامنه
دک دریده قلدی **قطعه** هر صبح اکر نه تعزیت آل مصطفاست • پیراهن کبود
فلک غرق خون چراست • کر آفتاب شرع نه در خاک میرود • برقامت سپهر چرا
پیرهن قباست • کر در فراق آن رخ کلکون نسوخت زاد • خورشید را چرا رخ
پیدا چو کوه باست **راوی ایدر** حضرت امام جماعتله ادای نماز صبح قیام کوستردیلر •
هنوز اوراد ودعا تمام اولمادین • واذکار وثنا اختتام بولمدین لشکر مخالفدن
صدای صور نای وحشت امیز • وصفیر نفیر نفرت انکیز پیدا اولدی • سوار وپیاده
حرب وضربه آماده • سلاح کارزار ایله اراسته • ورماح تیر ودار ایله پیراسته
اولوب عزم میدان ایتدیلر • عمر وسعد عسکر مغفرت اثرن جمع ایدوب میمنهٔ ناممیمون
عمر بن حجاجه • ومیسرهٔ میشومن شمر ذی الجوشنه • احمر یوب کندوسی قلب سپاه ایله
قلب سپاهده قرار ایدوب • ورایت هزیمت آیتن نصب ایدوب هل من مبارز

صدای کوش مریخ نخجر کذار ایرکورد کلدی عسکر حسینی مخالف مجازاولان سپاه
عراقه بو وجهله برک ونوا و ساز وسلب ایله کوردیلر • بزرک وکوچک عشاق وار
خدمتکارلق شدن میان جانلرینه بند ایدوب جنک جنکه آهنک ایلیوب اوتار قانون
صفت صف بغلیوب دوردیلر • لشکر امام زیاده قلیل ایدی • اما کثرت دشمانلان
لیباک اولوب • میمنهٔ یمین معینن زهیر بن قینه احمر لدی • ومیسره یسیر قرینن حبیب
بن مظهره سپارش ایلدی • ورایت نصرت آیتن برادری عباسه ویردی • اکرچه جای
قلب صدر در لکن اول صاحب صدر قلب لشکرده جای کیر اولدی • وبالجمله ترتیب
صفوف • صاحب سیوف اختتام بولدی • ومبارزان امامک هاتف غیبی کوش
هوشلرینه بو ندایی • وسروش عالم لاریبی سمع جانلرینه بو صدایی ایرکوردیکه **قطعه**
روز شکست جنک باید کرد • کوشش تمام وتنک باید کرد • تا شود مرد عرصه در میدان
تنک بر آب تنک باید کرد • وقت جوشش شتاب خوش باشد • وقت کوشش
درنک باید کرد • اندرین بحر غوط باید خورد • جا بکام نهنک باید کرد • رزم بارای
سکان روبه باز • همچو شیر وپلنک باید کرد • وز پی دیدهای کج بینان فکر تیر
خدنک باید کرد **بیت** شود کم ایکی لشکر بغلدی صف • تلپلر قبضه سینه اوزدیلر
کف نغر حضرت امام حسین • خیمه کردی عمامهٔ مظلل بالغمامهٔ برزی ورداء سید
المرسلینی در بر قلوب • وشهسوار میدان **انا بن علی بالسیف** فخرلرینک شمشیر
عالمکیرین • حمایل دار طاقت اولوب • مرکب راکب براقدن • بجز نام اسب صبا سیاقه
بنوب صف مبارزانه کلدی • اول سردفتر بلغای حجاز • رجز فصاحت بیان قرائته
اغاز ایتدی • اول جمله دن بری بودر که بطریق التبرک تحریر اولندی **شعر** انا ابن علی
الطهر من آل هاشم • کفانی بهذا مفخرا حین افخر • وعدوی جنک جویه خطاب ایدوب
ایتدی وایتدی ای اهل عراق بلورسز که بن نبیرهٔ حضرت مصطفی وسبط رسول خدا وجکر
کوشهٔ زهرا وقرة عین مرتضی وبرادر حسن مجتبی یم • وعم جعفر طیار • وعم پدرم
حمزهٔ نامدار در • واوشبو باشمده اولان دستار • وقوشندوغوم شمشیر آبدار ذو

دبرودشنانلدوکم زه‌ای بی همتا • وزیر ران اولان اسب تیز با • جدم فارس جولانکه
اسری حضرتکلری • لشکر اعدادن صدای اعلا ایله • دیدیلرکه • ای حسین جمله کفتارک
عیب وریبدن مبرا • وخلاف صدقدن معرا در • امام بیوردیکه پس نه وجهله اوزرمه
تیغ بی‌داد چکرسز • وقتلمی حلال بلوب قانمزه اش بررسز • ودشت دواديده
ومجاری وبوادیده جاری اولان آب ودود دامنه وهوا وصوامه یهود ونصرانی وکبر
وترسایه حلال ایکن • اهل بیت رسالت وخاندان نبوت حرام ایدرسز • بومقاله‌دن نواح
اهل جیدن کریه وزاری صداسی پیدا اولدی • سامع علیه امام سعادت انجامه وصول
بولدی • متأثر اولوب برادری عباسی • واوغلی علی اکبری انلره کوندروب بیوردیکه
وارک اهل بیته دیکوز • حالا کریه وناله ایله پریشان دل • وامر ماتمده مستعجل
اولمسونلر • زیرا حزن والم • وشیون وماتم زمانی دکلدر • کردن نید قضایه بیون
دیرسونلر • وکیسولری کبی عقللرین باشلرنه دیرسونلر • وارب دجه شرو حاوزره
تقریر اتدکده • خاموش اولدیلر حضرت امام تتمه کلامه اغاز اتدی • وایتدی ای
قوم بی وفا آکاه اولک که خدای تعالی کنزی حرام اتدی • بن هرکز بلان سویلدم
وخلاف صحیح وعده ایلدم • اقوالمدن برفردی محزون • ومنفعل وافعالمدن براکلی
پریشان واززده دل قلمدم • وصحیفه حالمه خامه تکلیف چکلدن • فرایض الهیه واوامر
رسالت پناهی‌دن برین ترک ایلدم • ودایم الاوقات طیبه طیبه ده خدمت
تربت سید انبیاده قایم • وزیارت روضه سید اصفیایه ملازم اولوب محراب
طاعتده مثال دیده مکینم • وکنج فراغتده ابر وصفت کوشه نشین اولمشدم • شوق
عبادت معبود عالم • وذوق روحانیت مخر اولاد آدم برله کنج وحدت بولمشدم بیت
دلده شوق وسینه ده سرورم وار ایدی • ایرودوشدوم حاصلی غایت حضورم وار
ایدی نثر انده دخی سبب ریب المنوندن مصون اولیوب • بالضروره ترک مأمن
وجلای وطن قلوب حرم بیت الحرامه واردم • کاه مطاف لطیفده طایف • وکاه ملتزم
منیفده واقف کاه تجلیل استار بیت معظم ایله مسرور • وکاه تقبیل استیلام حجر

الاسود

الاسود مکرم بر مجبور کاه مدعی ده دعاده • وکاه سعی ایله مفاده ایکن • واحدا بعد
واحد مکاتیب وقاصدلرکز وارد اولوب مضمون جمیل نحو تنده اکرچه امامت وخلافت
طالب وراغب جوقدر • لکن سندن الیق واوفق کسنه یوقدر • زاویه خمولده انزوا
وبالش راحت ورخوته اتکا عقول ارباب معالی الامور دن • دور وقیاس تحول
ذوی العقولدن مهجوردر • امیدورکه بالاستعجال اجوبه کلاسن • بوهوادارلری مشرف
قلاسن • تاکم قدوم میمنت رسومکله مفتخر • وسعادت ورود مسعودکله مستظهر اولورز
دیو بلدردکز • بن ساده دل جهره کلامکز • رنک تزئین کز بدن متواحاندم • کفتار
مزخرفکزه اندم • نیچه بو محلا کتوردکز • فنون مکر ومکیدنکزی سرحد کماله یتوردکز
نایره مکرکز که متاع صبر وسکونمز برباد اتشلدر • اکر بحرف کوش کوهه اوقسم
الحال صفت تنت الجبال بثا ظاهر اولیدی • وبر ذره‌سن سمع شب تیره نهاده
دیسم فی الفور اثر ظلمات بعضها فوق بعض روشن وباهر اولیدی • وحالا سزک
واسطه کوزله دارالملک دلم مهموب لشکر انفعال • وسفینه حالم غریق کرداب
ملال اولدی قطعه دریای غصه را بن وپایان بدید نیست • کار رخانه رام وسامان
بدید نیست • دارم درون سینه ودل صد هزار تیر • پنهان چنانکه یکسر پیکان
بدید نیست نثر پس بربر روسای کوفه‌دن که جمع شکر ده حاضر وکفتار حقیقت
اثار امامه ناظر ایدیلر • خطاب اتدی وایتدی ای عمر وسعد وی عمرو بن حجاج
وی شیث ربعی وی فلان وفلان جملکز نامه یازوب کوندرب میدان صداقتده
جان وباش نثار اتمکه معاهده ایدوکوز • حالا اوزریمه کلوب اغرارمه جاهد
وقانم دوکمکه قاصدسز • انلر اصلا ر مکاتبدن خبرداردکلوز دیدیلر حضرت امام
نامه‌لری اوده اورتده چقردی هر برینه کوستردی جمله‌سی بوحالده علمز یوقدر دیوب دال انکار
سرفرو ایدوب طوردیلر • داخی دامن انکاره ال اوردیلر • حضرت امام تجفیف اولوب
نامه‌لری اوده اورتده عمر وسعد ایلروکلوب • ای حسین بوکفتاردن نه فایده
دبوکلماتدن نه عایده • یا یزیده بیعت ایله ویا امید حیاتدن فراغت ایله دیو

الندہ کی بیتری کمانه قویوب • ای اهل کوفه وشام • امیر عبدالله یانلره شهادت
ایده سز کرک لشکر کاه حسینه اقلادق اتی بن اولدم • دیوب جانب امامه بر تاب
اتدی • حضرت امام مجلس مبارکن طوتوب اتدی • غضب ربانی قوم یهوده اول
وقت اشتداد بولدی که عزیری ابن خدا در دیدیلر • وخشم جلالی طایفهٔ نصارایه
اول زمانده مشتد اولدی که عیسای ابن الله تصور اتدیلر • وسخط الهی بو مجلده
سزه مهیا اولدی که فرزند پیغمبر خدانک هلاکنه قصد ایلرسز حالابن واصبر وما
صبرک الا بالله مقتضاسنجه شکیبایی دن انحراف کوسترمزم ان الله یحب
الصابرین مبتغاسنجه عروهٔ وثقی صبر وتحملدن قوپمزم انشاء الله مدت قریبده
نتایج ظلم روزکارنزالم وعذارلره کار ایدر • وعن قریب اوج جاه حرمتدن قعر
چاه ادبار • ومذلته کرفتار ایلر که بیت که کرد در همه عالم کمان ظلم بزه • که تیر
لعنت جاویدرا نشانه نشد نظم منتظرم که بحکم ان الله یمهل ولا یهمل سریعا جزای
کردارکز • وسزای کفتارکز بولهسز مثنوی هرکه آیین ظلم پیش نهاد • بنا بر دست
وپای خویش نهاد • چند روزی اکر سراف زد • دهرش آخر زپا در انداز د نظم امام
حسین عنان یکران بیان میداندن دونه رب کنده لشکر کاهنه کلدی دی محاربه
اعدایه خاطرن مصمم قلدی • وبو واقعهٔ شابوه بحرت نبویه نک التمشی بیلنده جمعه
کونی واقع اولدی لشکر اعدانک علادی خصوصنده روایت اصح اولدر که
یکرمی ایکی بیک سوار وپیاده ایدی • وملازمان امام یتمش ایکی نفر مرد آزاده
ایدی انک اوتوز ایکیسی سوار قرق پیاده ایدی راوی ایدر چونکه صفوف
قتال آراسته اولدی • طرفیندن چشم ترصدی میان میدانه دکوب طوردیلر •
تا کم آغاز جنکه حربه کم سبقت ایده • ومیدانه کرمکه کم مبادرت کوستره حربن
یزید ریاحی کوردیکه حال بو منوال اوزره اولدی آتن سوروب ابن سعد یاننده حصول
بولدی • ایدیکه یا ابن سعد امام حسین ایله جنک وجدال عزم میدر • ایتدیکه شیطه
بو جنکده نجه مخدوملر چاکر ونجه سرورلر زیر اولسه کرک • درون حرکاه کردبرد

ایلا

ایله طولسه کرک • ایتدی که یارین رسول خدایه نه جواب ویررسن • ابن سعد هرکز
جواب ویرمدی • حر خوف روز محشردن ادعانه کیرمدی • حر مدکوردن اوراقی
ایدب صولنمق بجانه سیله اتن جوبیار ره صالدی • اما انلامنه بر مرتبه ده لرزه
دوشدی که کندوی ضبطدن قالدی • برادری مصعب ریاحی ایتدی ای برادر
بن سنی هیچ برحوکرده بویله خوفناک کورمدم • نیچون مانند آفتاب سراسیمه وسرکردان
وشال آب بی قرار وسرکردانسن • سن خود پنجه جنکده تیغ شجاعتله اعدایه دست
بردن کوسترشسن • بو لرزهٔ تن واضطراب جان وبدن نه در فرا ایتدی •
ای برادر سبب زلزال بالم زوال آفتاب حیات • وطلوع حکم مماتدکلدر نفسیمی
بهشت ودوزخ میاننده مخیر قلدم • متحیرم که نعیمه می میل ایده • یوقسه تنکنای
بر عنای جحیمه می کیده • بر مدت تأمل اتدی وایتدی قطعه آچوب بال شهادت
ای برادر • بنوم مرغ روانم اوجمغ استر • خلاص اولوب عجوزده هر دو ندن •
جان باغنده حوری قوجمغ استر نظم الحال سمند صبا رفتارنه تازیانه اوردی •
حضور امامه کلوب آتندن اینوب خشال دال نعل کلوب پای سمندنه یوز سوردی •
ایتدیکه یا ابن رسول الله ظن غالبم ابو ایدی که عسکر نجالفک آیینهٔ دللرنده ظاهر
اولان زنکار مخاصمت صیقل مخالفت برله زدوده اولیدی • پرتو شمع موافقتدن
بزم مملکت نور سرور ایله طولیدی • حالا کوردم که تمرد وعصیانلری ظاهر اولدی •
خدمت سعادت خاتمکزه مبادرت اتدم ایا توبه موز قبول • وعذرم مقبول •
اولهمی قطعه با خجالتهای کلی روبراه آورده ام • جان پر درد وزبان عذر
خواه آورده ام • بر من بی دل میفشان دست رد زیرا که من • بر امید روی سوی
بارکاه آورده ام نظم حضرت امام بالای اسبدن دست مبارکن سرو رویه سوردی •
وایتدی ای حر هر چند بندهٔ مذنب دست استغفاری درکاه ملک غفاره رفع
ایلیه امید در که هو الذی یقبل التوبة عن عباده حکمنجه مقبول اوله • وبنم حقمده واقع
اولان جرمکدن کچدم • وصحیفهٔ سیئاتکه خامهٔ عفو چکدم • امدی خصوص کیرودارده

عالی همم و محل پیکارده ثابت قدم اوله که بو روز بیروز بازار سعادت و جلوه
کاه شهادت در حر ازاده محبت شهزاده برله عنان عزیمتی صوب میدانه دوندردی
اقدام تام ایله طرید اوردی جولان کوستردی جانب اعداده مصعب برادرین
کوردی که دولت دنیایه پشت و پا اوروب دست ولایی دامن آل عبایه اورمش
و سایبان همتی فرق فلک سعادتنده قورمش محاندم محبت حضرت امام جانندیر
اتدی سمند آتش سرعته ارخای عنان ایدب میان میدانه کلدی اعدا برادری ایله
جنک ایدر ظن ایلدی یانه وارد قده ایدیکه ای برادر خضر وقت اولوب نبی ظلمت
نکرتدن آب حیات معرفته و بادیهٔ شقاوتدن سرچشمهٔ سعادته ایرکوردک
اهل مخالفدن بیزار اولدم سکا همیم جاندن یار هوادار اولدم فردای قیامتده
بر یرمزه کواه اولم حضرت امامدن بهره جوی و شفاعت خواه اولم پس حر برادرن
حضرت امامه کتوردی صورت واقعه معرض عرضه بتوردی مقتلکده برنده کتود
مشلردر وقتی که حر خدمت امامه واردی ایتدی که یا ابن رسول الله بوکیجه پدرم
عالم رؤیاده کوردم صوردیکه ای حر بو بر قاچ کون اچنده قنده ایدک و نه یرلرده
کزدک و نه کاره مباشرت وکیملر ایله معاشرت اتدک ایدم که بادیه جانبنه
سفر اتمشدم موارید طرایق امام حسینی نبولنجکه کتمشدم پیر روشن نهاد بنیاد
فریاد ایدب سنک فرزند رسول الله وحبیب حبیب الله ایله نه کارک وار در
اکر تاب آتش دوزخه طاقت کتوریرسک وار حسین ایله جنک ایله والا اخلادن رحمت
وسید انبیادن شفاعت دیلرسک اعدا سیله برده اهنک ایله امدی حالا دیلرم که
اعدا ایله حرب ایدم امام ایتدی حر ایلتکه حربه تعلیم اتسونلر حر ایتدی یا ابن
رسول الله جلادن اقدم سنکله محمتکه شمشیروش بیل بغلیین بن ایدم بکا دستور
ور حالا دخی میدان صلا اقده دشمن بد خصلت ایله اول محاربه ایلیین بن اولم
حضرت امام میدانه کیرمکه اجازت ویردی حر ازاده مهر کرده برق مانند
حرب سیوفدن یوز دوندرمز دلاور ایدی صف کارزارده بیک سواره برابر

طوترادی فی الحال سمند سبک خیزه سوار اولوب عزم میدان اتدی و رجز اوقوی
وایتدی قطعه منم شیردل حر مردم ربای کمر بسته پیش ولی خدای منم شیر و
شمشیر بران بدست که دارد بران شیر و شمشیر بای نر عمرو سعد حرکه اسلحهٔ
حرب وضرب ایله میدانه دلیرانه کیردوکن کوردیکه ملول و محزون اولدی اعضاسنه
زلزال تام ایله استیلا بولدی مشاهیر عربدن صفوان بن حنظله طلب اتدی و ایتدی
وار حری ملایمت و نصیحت ایله بو جانبه کتور اکر عناد ایدرسه تیغ خون افشان ایله
معرض هلاکه یتور صفوان صطوت تام حرکه مقابلسنه کلوب ایتدی ای حر
بحمد الله سن مرد عاقل سن و مبارز کامل سن روا میدر که متابعت یزیددن مجانبت
ایده سن خدمت حسینه رغبت کوستره سن حر ایتدی ای صفوان سن خود نصاب
دانشدن بهره مند مرد خردمند سن کلامک طبع بالکه و مقالک عقل وادراکه اوبلی
یزید بر مرد مفسد فاسق پیشه و بر غدار مکر اندیشه در مثنوی هر کورد نی
ادمی انسان دکل مصطفی بوجهل ایله یکسان دکل بقمه دبرک صورتینه
جانی یوق صورت زیبا درامانی یوق حضرت امام حسین مالک ممالک ولایت
وسالک مسالک طریقتدر خوارق عادات ظاهره سی بی حد و بوارق کرامات باهره سی
لایعد رسول رب العالمین جد عالیشانی و جبرئیل امین کهواره جنبانیدر بیت
نقل وحرزی بیانه کلمز یوز بیکده بری عیانه کلمز صفوان ایتدی بیت
وصفش از حد و بیان بالاتراست هرچه میکویی ازان والاتراست نز اما
دولت ومال وجاه واقبال جانب یزیدده در سپاهیلره زیره زیب
وزینت ومرتبت کرک تقوی وطاعت وعلم وفضیلت نه یراد حر ایتدی ای
غافل نه کار وی ذاهل سیه روزکار جاه دنیا دیدکک جاه عقبادن عبارتدر
ومال تقلیب ایله آمدن کنایتدر قطعه وبرمه نقدک متاع دهره صقین کرم
اولمز جیفه بو بازار ذری قو زیرخاکی یاد ایله ای زبردست زیردست آزاد
دیدهٔ قلبکز ختام غفلت ایله مختوم وجبههٔ حالکز داغ شقاوت برله موسوم در

بوکلاتدن صفوان نادان غضبه کلدی• فی الحال حربه نیزه حواله ایلدی• اول دخی
مهر تابان کبی النه نیزه وسنان رخشانی رخشان اولوب دیده• خشم ایله نظر ایتدی
میان سینه• بر کینه سنه• بر نیزه اوردی که یلمانی پشت درشتندن کذر ایتدی همان
اول نیزه ایله خانه• زیندن آلدی• قوت تام ایله خاک هلاکه چالدی• اعضاسی
خرد اولوب استخوان پهلوسی حلقه• زره کبی بر بریته کیردی• همان ساعت روح
لی فتوحی دار الجزایه ایردی• صفین فریقین دن صدای نعره وخروش بالا اولوب
اولیای امام مسرور• واعدای بد انجام مقهور اولدی بیت بوندن ارتوق صفا
می اولور• که کوره دشمنی دستار مراد بخش نثر صفوانک اوچ برادری وار ایدی هر
بری شجیع تیغ کذار ایدی• اخر مفارقت برادر ایله بر قهر اولوب حرکاوزرینه
بربردن حمله ایلیجک ومن یتوکل علی الله فهو حسبه عنانسن پیش نهاد ایدینوب
اوزرلرینه آت سوردی• بری کمربندندن طوتوب بیره اوردی• مرغ روحی
قفص استخوانی سندن اوچوردی• دیکرینک فرقنه تیغ سینه شکاف اوردی
کلهٔ سی خامه کبی ایکی شق اولوب اتندن چقلدی بیت کلاس شق ایتدی تیغ
ابدار• شکل جوزا اولدی انده اشکار نثر بری دخی خوفندن سمت اعلایه جان
اتدی• فی الحال عقبندن ایرشوب تیغ زخم نیزه ایله هلاک اتدی• پس حر جانب
امامه واروب اتدی که یا ابن رسول الله بندن خشنود اولدکمی• امام ایتدی نعم
یا حر انت حر کما سمتک امک حرا سندن خشنودم وسن آزادسن مادرک
نام قودوغی کبی یعنی روز قیامتده آتش دوزخدن آزاد• ونعم جنات نعیمله الله تعالی
سن• حر که بو بشارت فرحت اشارتی کوش اتدی• دریا مانند جوش وخروش
اتدی تکرار نعره اوروب میدانه کیردی• عواصف هجوم ایله خرمن زندکانیلرین
باد فنایه ویردی• بو حال اوزره ایکن اتی سکرلندیلر حر آزاده پیاده قالدی
شعلهٔ خشم جهان سوزی ونایرهٔ قهر غیرت افروزی مشتعل اولوب دریای
کارزاره طالدی بیت به نیزه خارا سوراخ میکرد• به پیکان موی را دوشاخ

میکرد نثر وقتی که امام حسین حری نطع میدانده پیاده کوردی• فی الحال رخت معین
ایله مزین• بر اسب تازی کوندردی• رکاب همایونی اوپوب سوار اولدی•
بیت عنان مرکب خود تاب میداد• بجوش نوک سنان زآب میداد نثر بیان میدانه
کلوب جولان اتدی• بهردین آیین اطرافنه جمع اولان اعدای بنات النعش کردار
متفرق وپریشان اتدی• بو اثناده جانب امامه متوجه اولمق مراد ایلدکده
هاتفدن آواز ایردی• ای حر اردکه دونه که حورای بهشت قلدیکه منتظر وعیناً
پاکیزه سرشت دروده که منتظردر بیت بیکانه اول اولمکدن وتن فکرن ایله جانانک
اول حضرت جانانه آشنا نثر پس حر یوزین جانب امامه دوتوب اتدی که ای امام
عالیمقام• جدک سید الانام• علیه افضل السلام• خدمتنه کیدرین• خبر ویرایک• وصیت
وپیغامک وار میدر• حضرت امام کریه کنان اتدی که• ای حر بز دخی دم بدم عزم الکلده
وعقبنجه کلمکده یوز• حر جری الجناح• تیغ سرفشان چکوب کندوی نیزه صفت قلب
دشمنه اوردی• اولکز کلی برق کردار قلیجدن کچوردی• مراد ایدندی که علملرین
نکونسار ایدوب علمدارلرین هلاک ایلیه• وجیب حیاتلرین شقهٔ علم کبی از چاک ایلیه•
شمر لعین قولنده اولان عسکر مغرت قرین جمله اوزرینه آت صالدیلر• اول مرکز دایرهٔ
شجاعتی نقطه مانند اورتیه الدیلر• هر طرفدن برق وباران صفت شمشیر وتیر
اوشوردیلر• وهر جانبدن زخم هایل جان کسللر کوردیلر• آخر قسوره بیکانه
سینهٔ حره بر نیزه اوردی که آتندن یقوب بیره دوشوردی• حر غیرته کلوب
قسوره نک بشنه بر تیغ اوردی که سینه سنه دک چاک ایتدی منزل مقابر خاک
هلاکه اتدی حر نعره اوروب یا ابن رسول الله ادرکنی دیجک حضرت امام فی الحال
اوزرنه واروب فلکدن کوتوردی کندو انکه کاهنه کتوردی• ودست مرحمت
ایله یوروب آستین شریفیله رخسارنده اولان غباری پاک ایتدی• حر کوزین آچدی
باشن زانوی امامده کوروب تبسم اتدی• وایتدی یا ابن رسول الله بندن راضی
اولدکمی• امام بیوردی که• بن سندن خشنودم الله سندن خشنود اولسون حر دفادار

عوض شکر اندن اظهار استبشار اتدی • و بو مضمون تکلم ایدوب نقد جانی نثار
اتدی بیت بدین مژده کز جان فشانم رواست • که این مژده آسایش جان ماست
ماتم حرا ایچون امام حسین و توابعی اغلدیلر آتش حزن ایله جان و جکر طاغلدیلر حکم
قنفی کتور مشدر که حضرت شهزاده مصیبت حر آزاده و قوعنده اوج بیت
مرثیه نظم انشا ادرب بو در شعر لنعم الحر حر بنی ریاحی • صبور عند مختلف
الرماحی و ابو المفاخر حر فرخنده ماثر حقنده بیور مشدر قطعه خوشا حر فرزانه
نامدار • که جان کرد بر آل احمد نثار • ز رخش تکبر زود آمده • شده بر براق شهادت
سوار • بعشق جکر کوشه مصطفی • بر آورد از جان دشمن دمار اما چون مصعب
کوردیکه برادری بال شهادت ایله روضه قدس و حدیقه انس تماشاسنه
کتدی • اجازت حضرت امام ایله عزم میدان کارزار اتدی • کروه اعدایه آت
صالوب کمین طعمه شیر شمشیر و کمی کشته سنان و تیر ایلدی • آخر جام شهادت
نوش اتدی • رزمگاه دنیادن بزمگاه عقبایه کتدی بیت الطاف خدا ایچی
اولسون • حوران جنان جلیسی اولسون راوی ایدر حر که علی نام برا وغلی
وار ایدی که میان لشکر مخالفده قالمشدی کوردیکه پدر دعشی لباس حیاتدن
عاری اولدی • قولیلات صورتی بهانه سیله لشکر بد خواهدن چقوب لشکرگاه
امام عالی جاهه وصول بولدی • آتندن اینوب زمین ادبه باش قویوب پدرینک
اوزرینه وار ب یوزن یوزینه سوردی • امام عالی نظر ای جوانمرد سن کسی دیو صورد
ایتدی یا ابن رسول الله بن حر بندگک اوغلی یم • کلام که جان نقدین خاکپایکه
نثار ایدیم الولد الحر یقتدی باباه العز نکته سن آشکار ایدم بیت
پسر کو ندارد نشان پدر • به بیگانه خوانش نخوانش پسر پس امام حسین
دعاء خیر قلدقده اجازت شریفی ایله رجز کویان و جولان زنان میدانه
کتدی • میان صفینه وارد قده مبارز طلب اتدی • لشکر شام دن بر مرد بد
انجام مقابل اولدی قطعا مجال و یرمیوب خانه زیندن کتوردی نوک نیزه ایله

قوت تام

قوت تام ایله سایه مانند پیره اوردی • اعضاسی بند بند سوکلدی • و ریزه ریزه
استخوانی قیرلدی • بر پهلوان دخی ظهور اتدی • انی دخی بر ضرب ایله دار الجزایه ایلتدی
و اتیدی قطعه ریاحی تراد منم من بنده ام • بسی دشمنان را سر افکنده ام • من
از دالاد خویش شرمنده ام • که او کشته شد من چرا زنده ام نثر تکرار اسب شجاعت جولان
کوستردی • او کنه کلنی مجرای علامه کوندردی • دلاورلکن کورن سرولز دیولانیک
مشاهده ایدن دلاورلر هر طرفدن تحسین • و هر جانبدن آفرین اوقودیلر قطعه
آفرین خدای بر پدری • که تو پرورد و مادری که تو زاد • بخت نیکت بمنتهای امید •
برساناد و چشم بد مرساد نثر آخر اول قره عین شجاعت حدقه دیده مثال اور قیه
الدیلر طرفة العینده پدر نامدار • و عم بزرکوارینه ملحق قلدیلر بیت ایمان و امان
معینی اولسون یا رب • حوران جنان قرینی اولسون یا رب اما غلام حر که غره
دیکلمسنتمایدی غره مه آسا پرتو شجاعت ناصیه حالنده تابان مردشهامت
عنوان ایدی • مولی و مولی زاده سن بو حالده کورب کریان اولدی • آتش
مفارقت ایله جان و جکری بریان اولدی • عنان اختیاری الندن کتدی • آت
دپوب لشکرگاه بد خواهه یتدی • میدان نبرده سمند نوندن کلکون اشک
عاشق کبی مطلق العنان قلدی • زخم تیغ و ضرب سنان ایله انجه بدکردارک روح بی
فتوحن دروازه عدمه روان قلدی • و حضرت امامک یا نه کلوب ایتدی یا ابن
رسول الله کستاخلق قلدم بی معذور طوت که هنوز مراسم آداب قتالی • و لوازم جنک
و جدالی رعایتده قاصرم • لکن بن بنده دلرم که بوکون جانی قدمکده نثار ایدم
تا که بادی عرصه محشرده خواجگان شهر و دیاره اوزرینه افتخار ایدم بیت
اکر مرا بغلامی خود قبول کنی • بسا کرشمه که بر شهر و شهریار کنم نثر حضرت امام تحسین اتدکدن
صکره سرور تام و حبور ما لا کلام ایله میدانه کیردی • آز مدتده نقد شهادت ایله
متاع سعادت جاودانی صاتون آلدی • خواجه و خواجه زاده سنه ایرشچون کشتی
حیاتن دریای مماته صالدی بیت صکره تک پدر عمری سلخ اولدی • جام کام حیاتی

تلخ اولدي محدثان اخبار كيرودار بويوزدن روايت ومخبران آثار
جنك وپيكار بو وجهله حكايت ايدرلركه دقتي كه اشبو درت نفر شهيد وحيد
پوشش دُرِ فاينلرن كچوب بهشت بهشت جاودانه كتدي امام همام ميان
صفينه دارب آواز بلند برواز ايله ندا اتدي واتيدي اي اهل شام دي
كوفيان حيل انجام ابتدا بن سزكله محاربه وجادله ومدافعه ومقاتله اقدام
متقدما سزه قصد اوقي اتدكز البادي اظلم حكمنجه ظلم وعدوانده كوزكن حتوز
كمان حرب وقتالي قورمدم وقبضه شمشير جنك وجداله ال اورمدم ع از لشكر
من كشته تكشته مردي حرد برادري ونبده وپسري سزك لشكرزدن ايدلر
امالواي واللاي افراشته وعلم نصرتي برداشته قلمق قصدنه جان عزيزلرن نثار
اتديلر رخت اقامتي قاللو رب دار الملك آخرته كتديلر بن كره اوني سزك ادزركه
حجت طوترم تاكم محكمه محشرده وحسابكاه خير وشرده سزك بنوم اورزمه جنكمز
ودعاوي وخصومتكز اولمية باري كلوك بو اوج كاردن برن اختيار ايلك
اوّلا بكا رخصت ويرك جانب يزيده كيده يم الكله مناظره قليم اكر اني كلابه
حق الكدنه ايسه بيعت ايده يم سپاه كينه خواهدن بري ايتدي بز سني
يزيد يانته وارمغه قومزكه مرد شيرين زبان وفصيح البيان سن شايد كنه
معاذ دلپذير كايله يزيدي حيد ايده سن تسن عمل ولطف جيل برله الندن
خلاص اولوب كيده سن امام ايتدي چونكه بو قوله رضا ويرمدكوز قويك
بني بومحلدن عودت ايدب روضه مقدس جد بزركوارمه واره يم بقيه
عمري طاعات وعبادات ايله كچوره يم ايتديلركه بو قوله دخي رضا ويرمزز
ومطلقا جواز كوسترمز محتملدركه قبايل عرباندن عسكر دوشوره سن تكرار
دعواي امامت اقامت كوسترسن قطعه امامت انكه قامت كتورسكه
كم اوله اقتدايه مايل ولمز جهانده باغ اولدقده وجودك ايسه خلق سندن
زايل اولمز تكرار افطار اقصارده اتطار فتنه وفتور متقار تردامصار آفاقده

شرار شر وشور منتظر اوله اول حضرت بيوردي كه جونكه بوقولده دخي عمل اتمزسز
باري بكا ويارانمه واولادمه واخوانمه صو ويرك كه حاجت انسانك وكافه حيوانك
آبده حتى شربي وارددر ايتديلركه صوآدن اغزكه المه وحديث آني هركز زبانكه كتورمه كه
اكرسن وعلا زمانك واولادك ويارانك رحيم ورفات اوله لر آب فراتدن برقطره
نوش اتمك ميسر دكلدر مكر يزيده بيعت ايده سز والا آبي خوابدن غيري برده
معاينه قلمق متصور دكلدر امام بيوردي كه انكبي ظالم وغداره متابعتدن اولوم
احسن وكشته سيف حيف اولمق اهوندر مثنوي لئيم دودكي اولمقدن زبوني
اولوم يكدر بكا اي جرخ خوني اكا دير مرد اولان سرداروسرور اعلي دم مبارزه
بررميدان كلك كه نامرد نامردون ممتاز اوله وهنرورلي هنرسزدن امتياز بوله
ديدكده ايتديلركه نعم انصفت يا ابن فاطمه بوقوله اول جهتدن راضي اولديلركه
داب ادب مبارزان عرب اول ايدي كه معارك حرب وقتالده وميادين ضرب
وجدالده نام ولقبلرن وكنيت وشهرتلرن يادايدرلردي ومفاخر قبيله
لرن ومآثر عشيره لرن انشا وانشاد ايدرلردي جونكه طرفيندن عهد وميثاق
وقول واتفاق مقرر اولدي بس پسر سعد قبلندن سامارادي كه مبارز خودراي
وپهلوان نبرد آزماي ايدي البسه ملوكانه واسلحه مبارزانه ايله آراسته اولوب
برسمند تيزكام وبي آرامه بنوب قبيله وعشيره سن اكوب وكنديني اوكوب معركه
مبارزانه كيردي حل من مبارز صداسن سامع دليرانه ايركوردي بوحالده حسان
زهير حضور امامده حاضر ايدي ايتديكه يا ابن رسول الله بومردكه حالا ميدانه
كلدي مبارز صف شكن ودلير مرد افكن در بكا دستور ويردرزين اقدام
اقدامي متنزلزل ومباني شجاعت وجراتن متخلخل قليم حضرت امام اجازت
ويردي مذكور قبيله بني اسددن اولوب ترك وطن ايدب خدمت شهزادة
ومحبت اهل بيتي اختيار اتمش مرد نيكوكردار ايدي بنجه دفعه بزم رزمده اقداح
افراح ظفر نوش اتمش وپنجه كرده كرناي جنك وحربدن صداي نصرت اثر كوش اتمش

دلاور چابک سوار ایدی بیت درافکنده مرکب بمیدان دلیر بغرید مانند درنده
شیر نر بو حالت ایله عزم میدان اتدی سامر زهیری کوردکده سرتا پا قلبی
متزلزل اولوب نصیحته آغاز اتدی و ایتدی ای شهسوار مضمار محاربت و ای نامدار
میدان مبارزت اوتانمزمی سن که مال و منالک و اهل و عیالک ترک اتدک خاکرک
تقویت و تمشیت حسینه برکاتدک زهیر اتدی ای ناکس بوالهوس خلق عالملدن شرم
و خلاق بنی آدمدن آزرم ایتمیوب اهل بیت مصطفی یه قلیج چکرسن نعمت فانی
دنیا ایچون عقوبت عقبای اختیار ایدرسن سامر دیلدی که تکرار گفتاره آغاز
ایده آغزنه بر نیزه اوردی که یلمانی قفاسندن چقدی زور اتدی تندن یقدی
بیت کورنلر صاندیلر نوک سنانی قفاسندن چیقمشدر زبانی نظم روحی قابض
ارواحه تسلیم اتدی زاویهٔ حیاتدن هاویهٔ مماته گتدی و ابن زهیر مقابلهٔ قلب
لشکر مخالفه واروب نعره اوردی که بنی بلن بلسون بلمین آکاه اولسون که بنم حسان
بن زهیر الاسدی ع بیشه زار شجاعتک اسدی قنی اول مرد نبرد که بنکا جنک
ایده کوره لم بخت کیمه یارلق ایدر دکمی خاک هلاکه صالور بیت کوی شکست دی
در روز خم بلای دربی کو حریفی که قدم برسر آن کوچی نهد نظم ابن زهیرک صیت صلابت
شجاعتی اطراف مشرقینه و نسیم ذکر شهامتی اکناف خافقینه مقابله و معارضه دن
ایرشدی اول یکانهٔ آفاق معلوملری اولیجق هر بری شمشیر آسا باشلرن آشغه
صالدیلر مقابله و معارضه دن ال چکوب علم کبی یرلو یرنده قالدیلر سردار لشکر
بو حالدن مضطرب اولوب ایتدی ای قوم مغو غفلتی برمز و جوشن کسانی در بر
تلق قلت حمیتدن و کثرت دنائتدن ناشیدر نیچون میدان رزمه گتمزسز و نامکر
مبارزلر میانده ذکر جمیل ایله یاد اولمغه سعی اتمزسز بو اثناده نضر بن کعب نخعی
بو بکلسردارلردن و کوفه نک دلیر نامدارلرندن ایدی آتن چکردی زهیره
مقابل اولوب ایتدی ای زهیر کل سنی ابن زیاده ایلتوب رعایت اتدوره یم خارستان
مشقتدن کلستان راحته ایر کوره یم زهیر جواب ویرمیوب فی الحال طعن نیزه ایله

مجرای علا

مجرای علامه ایر کوردی برادری صالح کعب میدانه کیردی ابن زهیر کوز آچدرمیوب
الکادی نیزه حواله قلدی ضرب نیزهٔ رد املک ایچون صالح آتنک بر طرفنه اکلدی ناکاه
آتی سرکشلک ایدوب صالحی یره چالدی ایاغی رکابده قالدی آت سوریوب جسمی
خار و خاره دن آزرده و مجروح و اعضاسی تکدکلکدن شکست بولوب بی روح اولدی
کعب بن ناصرک ماتم مفارقت پدر و غم مصیبت عم جاننه کار اتدی آتنه تازیانه
اوردی کلوب ابن زهیرک مقابله سنده دوردی ابن زهیر اول نفسده بر نیزه اوردیکم
یلمان سنان ظهرندن ظهور اتدی فی الحال دار الملک حیاتدن شهرستان عدمه کتدی
اول فرزانهٔ نطع شجاعت بر فرددن یوز دوندرمیوب فی الحال سوارادکندی صف
بغلیوب پیاده لر اوزرینه آت سوردی انکشت نیزهٔ ایله سرتیز ایله یکرمی یدی نفر علادی
جنک جوی و درشت کوی رقعهٔ حیاتن دوردی بیت نیزه قان دوکمدن اولمادی
بر دم منفعل صانکه برجانا ندر بالا بلند و بخت دل نظم عمرو سعد حجر الاحجاره توجه
اتدی و ایتدی مجد عدد لشکر جرارک مایهٔ استظهاری و مغفار کیر و دارکی رستم پلارشهاری
سن میدانه کیروب بو بلای سیاهک کاکل جانانه مانند باشن قطع ایله شر و شوردن
اوستمزدن دفع ایله حجر اتدی هیهات هیهات بیت پیل ایله پشه بادیله ذره
قادر اولورمی هیچ مقاومته نظم شیر ژیان اوکنده روباه نه حیله آغاز ایده که هنر کوستره
و شهباز شکار باز ایله تیهو نیچه پرواز ایلیه که جان قورتره بیت بونی کم کوردوکی
دار شیر ژیان حیلهٔ دمنه ایله اوله زبون نظم بو شیر ژیان مبارزینی اسد در تیغ
صف خونریزلکده سر آمد در هنوز جانلدن اوصانمدم و چشمسار حیاته قانمدم
بیت کوزنی که باشیر بازی کند بخون ریز خود دست بازی کند نظم مکرکه اوج یوز
سوار تیغ گذار اوج برده کین کاهه کیروب طوره لر کمان کینی قوروب حسام حصام
ال اوره لر شول دم که بنوم اوزرمه کله و نیزهٔ خونریز ایله حمله قله کمینلدن ظاهر
اولوب اوستنه یراغ اوشوره لر زخم جان ستان ایله مغاک هلاکه دوشوره لر
بونلر بو تدبیره ال بیر ایدوب اوچ یوز سواری کین کاهه ایلتدکده ابن زهیر بو مکر

دفتنه دن غافل متقبل با زر طلب ایتمکده ناکاه بجر میدانه کلوب منزل ماشی
کبی براق آتی ایراقده دکلدی طوردی حسان یا ابن الاجار بر دکل جنک ایده لم
دیو یانته چیقدی بجر ایتدی خصومته کلدم نصیحته کلدم ای حسان بو شجاعت و زنت
و بو شهامت و جرات که سنده وار نیچون ابن زیاده متابعت المز سن که سنی مراتب
سامیه یه ایرکوروب اقرانک بیننده سرفراز ایده و اعطای مال فراوان ایله ترفی
احتیاجدن بی نیاز ایده اکرچه امام حسینک جمال حالی زیور زهد و ورع ایله حالیدر
لکن خزینه اقبالی مال و منالدن خالی در مناصب عالیه طالبلرینه لایق و مراتب
سامیه راغبلرینه موافق اولدر که اهل دولته متابعت ایده لر بی دولتلردن مجانبت
قیله لر حسان اتدی ای بی دین احمق دبی سعادت دولت و عزتی خدمت امامدن طلب
ایله که همای همایون بال اوج ولایت و صاحب دولت دنیا و آخرتدر هر که زمام
اختیارن دست تصرف ابن زیاده ویره بی دولت و دون همت در بیت
دولت از مرغ همایون طلب و سایه او زانکه با زاغ و زغن شهپر همت نبود هم بجر
سنکدل خاموش اولوب بر کلمه سویلمدی کمال خوفندن بر قدم ایلرو کلمدی حسان اوزرینه
آت دپرتدی بجر صورت هزیمت کوستروب جانب کین کاهه جان اتدی و کینده اولان
عسکره بکا فریادرس اولک دیو فریاد اتدی فی الحال کندولی اندن اشغال اتدی اول
کروه بد خصلت و دد خلقت تمام اختصامدن خروج ایدوب اوزرینه آت صالدیلر
تیر و کمان و تیغ و سنان ایله دیده مثال اورته الدیلر طعن و ضرب اغاز ایدوب
نوک نیزه ایله جمیع ذره کبی کوز کوز اتدیلر و هر کوزدن مانند چشم زره قان اقدیلر
هر کز عیننه المیوب بی باک و فرخناک شهباز باز کبی اوزرلرینه هجوم اتدی هر بریسن
چل یورسی کبی طاغتدی شیث ربیع علا الفعل عقبندن یتلدی بر نیزه اوردی که
زرهن سوکوب بر سنان کنعنه ایردی حسان زنجان عفان شهاب کبی نیزه سن
براغوب الده برق مانند تیغ آتش فشانن آلدی اللی نفر علاوی بدخویک طارجیا تن
نفسن هانه صالدی بیت آفرین بر برق تیغت کو بیکدم خصم را در میان ترک مغفر

فرق پیدا ایکندر اما وجود پرجود نه طقسان پرده زخم ایروب سلاح اوستنده
جای کیر اولمش ایکی یوزدن زیاده اوق واریدی اتی رفتاردن و دستی کاردن قلق
مرتبه سنه واردی امام همام بو حالی کوروب نایره حرب سکندرلندن یعنی حرب دلاورلندن
اول نفرادم ارسال ایلدی واروب اجلرینه کیروب پنجه دشمن بدخواهی قتل ایدن
ابن زهیری بولوب فالکدن کوتوردیلر مجروح و آزرده دل بی طاقت و منفعل مفتون
فایض النور امامه کتوردیلر کوزین آچوب امامی یاننده کوردی و زبان حال ایله ایدی
بیت فلک قدم دوست شدم نیست کسی را این عیش که امروز مرا در قدم اوست
اول حضرت زبان تلطف و دهان تعطف بر له بیوردیکه ای حسان حق کذارلق و
وفادارلق مراسمن یرینه کتوردک خاطرکده اولان خاطره اظهار و ضمیرکده
اولان داعیه اشکار ایله امر نده اقدام و اتمامی خصوصنده اهتمام ایلیم ایتدیکه
یا ابن رسول الله فدای ذو الجلال بکا برجام مالامال آرزلال ارسال ایلدی جبرائیل تا کم آنی
نوش ایلیم بعده مراد فوادم نه ایسه سویلیم اول جناب اجابته نظر ایدوب ایتدیکه
ای یاران ابن زهیره جنت شرابن ویردیلر و مراتب عالیه سن کوستردیلر بیت
در پی آن تیغ که بر سر خورند شربتی از چشمه کوثر خورند هماندم روح روانی قالب
تنزیهندن رحلته اغاز اتدی بلبل زبانی تکلمه قادر اولمیوب طوطی روحی شکرستان
یرزقون فرحین سمتنه پرواز اتدی بیت ندم کم مدت عمر اولدی اجل الحال
اولمیه اولدی مده حاضر کوز آچوب یومنجه هر کز امان یوق اکر شاه زمان ایسه زمان
یوق حضرت امام بیوردیکه ابن زهیرک ساعد سعادتی ساعدی ساره کبی صاعد
ایلمش که اول جهاد ده دخی جان بها یه اولادی خدا و رسول کندودن راضی اولوب
... پایه بولدی داعی ایلد شهادت ابن زهیردن صکره ایکی لشکر مانند زاده مر
چشم و کوش اولمش لرایدی که حبلادن اقدم قدم مبارزت کیملر ایده عزم میدان
ایده و تیغ دلیر صف آرا مانند مهر جهان بها اله سنان آتش فشان الوب مجلای
شجاعتده جولان ایدوب لشکر شقاوت اثر طرفنده کوفیان و شامیان آتشی جهان

سوز عنادی افروخته و رایت شرارت رایت قتالی افراخته قلمشلر ایدی **مثنوی**
بنرآزمایان اهل کسل • پرازخشم سینه پرازکینه دل • جو آتش بسوزندکی کشته کرم •
نه مهر و وفا و نه آزرم و شرم **نثر** بو جانبده حسابعان شاه زاده کونین و نور دیده
الثقلین علیه صلوات الله وسلامه • ما القتل النظر بالیمین • دست اعتصامی **حسبنا الله**
ونعم الوکیل دامننه در شلرایدی • و پای ثباتی **فقاتلوا التی تبغی** مرکزنه قویوب
طور شلرایدی • اکرچه اعدا چوق بونلر آز ایدی • لکن هربری شمشیر آسا اهل دل عربده
ساز ایدی • حردلار که مغفور زره کیردی • کویا حمنی آهنده مغفر آسا ایدی **بیت**
هریکی راینزه چون شعله آتش بکف • هریکی را ناوکی چون برق سوزان در کمان **ابو**
المؤید کتور شدر که بو اثناده لشکر بیدادن • بندکان ابن زیاددن • سالم
و یسار نام • ایکی بیه روزکار آتلرینه جولان کوستروب معرکه محاربیه عزم ایتدیلر • کندو
لرن مدح ایدوب آتدیلر • قنی اول مرد نبرد میدان مبارزتده بزه مقابل اوله حرب
شمشیر ایله افشانمزه • وطعن سنان جان ستانمزه متحمل اوله • **بریر خضیر همدانی** و حبیب
بن مظاهر مراد ایدندیلرکه بو ایکی خود کام وجود ناپسند ایله جنک ایده لر • و ساحت
میدان حلقه زره کبی کوزلرینه تنک ایده لر • فی الحال حضور هدایت موفور امامه کلوب
خصوص مرقوم ایچون استخاره قلدیلر • حضرت امام توقف ایدوکده ایکه کرد دکلدیلر مکاشفا
عبدالله عمرو کلبی خدمت حضرته کلوب ایتدی • یا ابن رسول الله بکا اجازت ویرکه
خرمن بقالرینه آتش فنا اوره یم • و باد مبارزت ایله کلکلرین کوکه صاوره یم حضرت
امام دقت نظر و حدت بصر ایله نکاه ایتدی کوردیکه بر مرد کندم کون • و دراز بالا
و فربه بازو و خنده رو و کشاده ابرو کرشها مت سیمای حالنده ظاهر • و فتح نشان
جبین احوالنده باهر • خطاب ایدوب یا عبدالله بو ایکی غلام مدبری سن هلاک
اتسک کرک • رخت زندکانیلرین عالم فنایه التسک کرک • دیو بیوردی حصف مصاف
وار جواز اجازت ویردی • عبدالله قوت قلب حاصل ایدوب بی توقف میدانه کیردی
یسار کینه کذار قرشو کلوب نیزه حواله قلدی • عبدالله رد ایدوب بر تیغ بران

اوردیکه

اوردیکه فی الحال آتندن یقلدی • سالم غیرتنه کلوب تیغ چکوب عقبندن یتدی •
دو نوب بر ضرب ایله آنی دخی هلاک ایتدی • پس غلامان ابن زیاد مکر خصومتی میان
جانلرینه بند ایدوب آت دپرتدیلر • حریکادن اوزرینه هجوم ایتدیلر • اول دخی توکل
حق ایدوب اوزرلرینه آت براغوب تیغ وسپر کبی اعدای بر بریه اوردی • حزمی
جمعیتلرین باد توقه بر له صاوردی **بیت** کیمی قلدی حلف تیری بپاره • کیمی
ایتدی علف تیغ دماره **مر** آخر بر بدکار • و سیه روزکار زبر زخم حایل ایله شهید ایتدی
روح مروحی روضه رضوانه کیتدی **قطعه** برداشت پای روی بپاه علم نهاد • واین
کیست کو براه علم پای ننهد • شاه و کدا و پیر و جوان و بلند و پست • ازدام هولناک
اجل کس نمی جهد **راوی ایدر** شهادت عبدالله دن صکره **بریر خضیر همدانی**
ظهور ایتدی که زاهد بزرکوار • و عابد پاکیزه روزکار ایدی • اجازت ایله میدانه
کیروب رجز فصاحت آثار و شعر بلاغت اشعار اوقیوب حب دنشین اکلدی **ابو**
المفاخر ترجمه قلمشدر **ابیات** منم بریرم ولی پر حزم • منم آنکس که برد کم م
بندۀ الم و بر خار جهان • نیک میدانکه زهر بد بترم • دست برد امن الخارزده ام
پرده برو تخم الخا بدرم **مر** فی الحال دشمن ستیزه کار ایله بر جنک سهمناک و بر قتال
وحشت ناک اشتغال ایتدی • که ملکلرده ملکلر حیران قالدی • و مریخ چنبرکذار انکشت
تعجبی دردهان قلدی **بیت** کران جنک رستم بدیدی بخواب • شدی از نهیبش
دل زهره چاک **مر** هر کیمه که بر زخم اوردی • طومار حیاتن دوردی • کیمه کم قلچ حواله
قلدی کرک اجله نواله قلدی • لشکر مخالف دولتنک اولوب یزید بن معقل نام
پهلوانی محاربه بریره تحریص ایتدیلر • انواع ابرام و الحاح ایله رزمکاهه ایلتدیلر •
مقابل اولدقده ایتدی • ای بریر بنم کمانم اولدر که سن ضلیل صحرای ضلالت و کمراه
راه غوایتدن اولهسن • بریر ایتدی حاشا که اول شمع محراب امامت ادین مضل •
و اول مرشد حق پرسته تابع اولان مبطل اوله **مثنوی** کیمکم تیره اوله روزکاری •
سوییینو رشمع فهم تابداری • کیمک حقا انسه چشم بختی کور • اکا ظلمت کورینور پرتو نور

یزیدا ایتدی ای بریر کل سنکله حضرت خدادن تمنا قیلدم هر کم مبطل در محق اولدہ
هلاک اولسون • جای قراری خون وخاک اولسون • بو قوله راضی اولوب ایتدیلر
مثنوی بحق ره روان راه توفیق • بحق آب روی اهل تحقیق • عنایت قل بزه حق
ظاهر اولسون • کنش کبی عیان وباهر اولسون • اوکم مقبول اوله منصور اولسون
شوکم مردود اوله مقهور اولسون • محق دستنده مبطل کشته اولسون • تنی خاک ودمه
آغشته اولسون نثر ایکیسی دخی دست تضرع روی نیازه سوردیلر • جلد قبضهٔ صمصام
اختصامه ال اوردیلر • یزید بریره تیغ حواله قلدی • بریر سپرن قارشو دوتوب
حملهسن دفع ایلدی • بریر دخی دست سحاب آسا دامنه شمشیر کردار آلدی • بر زخم لی رحم
اوردیکه تارک ناباکی سوفار تیر کبی دراز دونیم ایدوب فاک هلاکه صالدی عیار
کبروار دمحک کارزار ایله هر کسک عیاری روشن واشکار اولدی بیت
خوش بود کر محک تجربه آید بمیان • تا سیه روی شود هر که دروغش باشد نثر بریرکه
خصمی هلاک ایتدی دونوب امامه کلدی شول دم که حضور هدایت موفورنه ایردی
اهل جنت اولدک دیو خبر ویردی • بو بشارت علیه دن وبو اشارت سنیه دن
بریر پاک اعتقاد مسرور ودلشاد اولوب تکرار عزم رزم ایتدی مثنوی شو دکلو
ایلدی اعدای کشته • که اولدی جمله میدان پشته پشته • روان اولدی او دمده خون
کلکون • آقردی سو بو ماننده جیحون نثر اخر الامر بحیر بن اوس نام بد انجام مک زخمی
واسطهسیله روح مروحی طایر سرابستان انس • وندیم فوادی قدس اولدی ع
دوست بر دوست رفت یار بیار نور الائمهده مسطوردر که بحیر مرقومک
عبد الله جابر دیکلو حروف بر عم زادهسی وار ایدی ایلرو کلوب ایتدی که
ای بحیر اول شمع جمع افاضل یعنی بریر ملک خصایل که قتلهٔ مقربان درکاه الهدن
وزمرهٔ خواص اهل اللهدن اولوب • مرد پرهیزکار • وتقوی شعار ایدی زخم
شمشیر ایله شهید ومنزل حیاتدن بعید قلدک سن حسابگاه حشرده میزان عدل
وداد قورلمزمی • اول عزیزک خون ناحق ریختهسی صور طلمزمی بیت بوغی شهدا

دردل خون درکردن • نکری یکی آخر که چه خواهی کردن • بحیر اتدوکی ایشه پشیمان
ونادم • حایر وهایم • لشکرکاهدن چقوب بر مرتبهده ناله وفریاد ایتدی که دود
آهی ایوان کیوانه ایردی • هزار حرقت وفرقت ایله جان ویردی • بریردن صکره
وهب بن عبد الله کلبی میدانه کیردی که جوان زیبا روی ونکو خوی ایدی •
حسن وجمالده غیرت مهر درخشان • ولطف وکمالده رشک آتش جان ایدی • بر
ماه ایدی که عارض دلفریبی سینهٔ ماهه داغ غیرت اورمشدی • ور آفتاب ایدی که رخساره
تابدارنه جبین سارادن سایه بان قورمشدی بیت هر چه بر صفحهٔ اندیشه کشد
کلک خیال • شکل مطبوع تو زیباتر از آن ساخته اند نثر اول جوان زیبا روی واول
پهلوان فرخنده خوی • اون یدی کونلک داماد ایدی • لکن هنوز زلال وصال
عروسه تشنه لب ایدی بیت ایکی کوترش ایدی کرچه فرقت • دلال ور محشوی
داغ وصلت نثر وهب مرقومک قمر نام فرخنده اختری واز ایدی • اهل بیت رسالته
جان ودلدن هوادار ایدی • ایلرو کلوب ایتدی • ای فرزند دلبند • وی جوان
ارجمند • نکا محبتم بر مرتبهدهدر که بر ساعت سن سز اولسم • رفاهی انکی میدان و
جنافلده غلطان ایدرم • وانس والفتم بر درجهدهدر که کلزار رخسارک برنفس کورمسم
عقلم حیرت الوب جویبار کردار کندمدن کیدرم بیت چو در خواب باشم توئی
در خیالم • چو بیدار باشم توئی در ضمیرم نثر اما چشم شفقت ودیدهٔ درایت ایله نظر ایله
که جکرکوشهٔ رسالت پناه بو دشت کربلاده • وبو صحرای پر بلاده سپاه کینه
خواه میاننده عاجز ودرمانده ومتحیر وفرومانده در اکر شیر پستانم سکا حلال
اولسون دیرسک شیر وار میدانه کیر وداره کیر مکا آهنک ایله عدوی عربده جوی
ایله دلیرانه جنک ایله • اولکه او سرور کائناتک پاینه جانکی نثار ایدهسن • مردان
راه خداکبی ترک هوا ایدهسن قطعه سر کویش هوا داری هوا را پشت پای زن
درین اندیشه یک سو شو دو عالم را قفای زن • طریق عشق میجوئی خرد را الوداعی کن
بساط قرب میجوئی بلا را مرحبای زن نثر وهب ایتدی ای مادر بنم دخی رایم اولدر که

میدان محاربه‌یه کیرم • و مردانه لکه برله سر آلوب جان ویرم **ابیات** به بنده کی حسین
افتخار خواهم کرد • برای حضرت او جان نثار خواهم کرد • درون معرکه شیران دشت
هیجا را بطعن نیزهٔ بی جان شکار خواهم کرد • دلیروار بمیدان حرب خواهم کرد •
به تیغ و کرز و سنان کارزار خواهم کرد **نظم** اما اول عروس مهربان که بو غریبلره
بره یار همواردر • و بو محنتده مونس و غمخوار اولمشدر • هنوز نهال وصالدن برومند
و نعمت مواصلتدن بهره‌مند اولمامشدر • اکر اجازت ارزانی بیوریلورسه واره
یم آخرت حقن حلال ایتدوره‌یم • مادری ایتدی وار اما طایفهٔ نسا قلت عقل
ایله موصوف • و کثرت حیل برله معروفدر • شاید بر افسانه ایله سنی فریفته • و بر فسون
برله شیفتهٔ قلوب • بو دولت ابدیدن دور • و بو سعادت سرمدیدن مهجور ایده
وهب ایتدی ای مادر خاطر عاطرک خوش طوت • کوکلم محبت امام همامی میان جانه
اول نوعله بند ایتدم که سر انکشت خدیعت ایله انحلال بوله • و نقش مودتی سرلوحهٔ
جانه اول رسمه تحریر قلدم که مکر و مکیدت برله اضمحلال بوله **بیت** . بر روی صفحهٔ دل
ما از وفای دوست • نقشی نوشته اند که نتوان ستردنش **نظم** اجازت مادردن آلنجه
عروسه واروب ایتدیکه • ای بانوی دمساز • وی مونس دلنواز • بنم اول که فرزند
رسول خدا • بو دشت وحشت فزاده • بند کرب و بلاده کرفتاردر • و غریب و تنها
مهجور یار و دیاردر • دیلرم که نقد جان طبق اخلاصه قویوب خاک پایینه نثار
ایتمکله عرض عبودیت ایدم • و آیت سعادتی مصحف شهادتدن قرائت ایدم •
تا که روز قیامتده رضای خدا آفرین حاصل • و شفاعت رسالت پناهی رهین
امامم اوله • عروس چون بو سوزی دلدن آه ایتدی • و ایتدی نولیدی شرع محمدیده
طایفهٔ زنان محاربه ایتمک جایز اولیدی • بر دخی مجربینه مغفر کیوب دوک
بریرینه نیزهٔ سرتیز الوب صف رجالده ارلکلر کوستریدم • اول حضرتک مقدم
همایوننده جان فشان اولوب سعادته ایریدم • یقیناً معلومدرکه هر کم بو کون
امام حسین ایچون روحن فدا ایلر • یارن براق کرامته سوار اولوب قصور بهشت

برینی

برینی و جمال باکمال حور العینی تماشا ایلر • کل امدی سنکله حضور امامه وارهلم شرط
ایله فردای قیامتده بن سنی بهشت پاکیزه سرشته کریمیسن **وفاکهة مما یتخیرون**
ولحم طیر مما یشتهون سماطنه ال ایرکوریمیسن • وهب راضی اولوب حضور امامه
واردقلرنده تضرع و زاری • و تجرع و بی قراری برله ایتدی کهای ملجأ ارباب
معذرت • وی فهرست جریدهٔ فضل و مکرمت • شویله استماع ایتدمکه هر شهید آنلری
زمینه دوشه حوران جنان دست شفقت ایله طوتوب • زانولرین بالین قیلورلر
ایمش • و قیامتده دخی حور العین جفت و قرین • و رفیق و همنشین اولورلر ایمش •
بو جوان دخی اول امید ایله عزم رزم ایتمک دیلر • و خاندان نبوت عشقنه جان
روان ایتمک استر • بن بوندن هرکز متمتع • و خوان وصالندن منتفع اولمدم • و بو دیاره
غریب و بیچاره‌یم • و خان و ماندن جدا دوشمش آواره‌یم • نه مادر و پدرم • و نه
خویش و پیوند و برادرم واردر • مرادم اولدر که قیامتده بنسز جنته کرمیوب بنی
یار و جلیس و الیف و انیس ایده • و دخی جناب شریفکزه سپارش قله که بو غربت
زده • و مصیبت دیده • اهل بیتک حرم محترمی کنیزکلرندن معدود اولم مادامکه
جان بدنده • و رمق تنده در خدمت موجب العزتلریله افتخار قلم • زیرا مقرردر که
سراپردهٔ عصمتک دامن والاسی دست نامحرمدن مصون • و تعرض آشنا و بیکانه
دن مأموندر **بیت** ناوک عصمت تیکردی افتابک چشمنی • سایهٔ چتر فلک قدرینه
قلمسیدی نکاه **قطعه** شول زمانکه عروس بیچاره • جمله کفتارین تمام ایتدی • صدف
دیده دن امام همام • قطرات لآلی آقیدی **نظم** بو اثناده وهب خطاب ایتدی و ایتدی
یا ابن رسول الله اکر شفاعت جدک ایله دخول جنت میسر اولورسه بولنز کریم و سماط
نشاط مناطنه ال ایرکوریمیم • و جناب نعیم المآبکزدن التماس ایدرم که بو بیچارهٔ مخدرات
حجرات خدمتکارلغنه • و سراپردهٔ عصمت پرستارلغنه قبول ایلیه‌سز حضرت قبول ایلدکلری
هنکامده وهب وفادار • بر سمنده سوار اولوب زره و مغفر کیدی • و تیغ و سپر طقندی •
مثنوی کونش کبی اورندی خودهٔ زر • دکل حاجت اکرچه ماهه مغفر • الینه الدی بر

تیغ فلک کون • عدونک قلبغ الچون بغرنی خون • تیغ رزتشان وسنان آتش فشان ایله میان میدانه کلدی • کویا آفتاب شعشعه دار وسط النهاره نصف آسمانه کلدی • اسب کوه پیکرینه جولان اتدرب فن مبارزتده نجه لعب وهنر کوستدی شعر فصاحت آیت ونظم بلاغت غایت قراتنه آغاز اتدی قطعه این چنین دوست که جان می بخشد • وحب کلبی سک کوی حسین • دست او تیغ زند تا که کند • روی اشرار چو کیسوی حسین نثر اخر میدانه ازطلب ایدب گاه شمشیر وتیر وکاه سنان آتش تاثیر ایله اول مقدار کارزار اتدی که زخم شمشیر برانندن زمین لاله زار وکثرت تیر باراندن آسمان ژاله بار اولدی آزرمانده چوق اردیلدی میان میلانده کشته اردن پشته ربیدا ایلدی • پس مادري حضورنه کلوب ایتدی ای مادر بندن راضی اولدکمی که بوجه ارلک ارایلدم • ونجه سردارلرک سرن الوب دلاورلک ایلدم بیت باش باش علوي خاکه صالوب ارلک ایلدم • میدان رزم ایچنده دلاورلک ایلدم ایتدی ای فرزند فرخنده ماثر • سندن راضی وشاکر اولدم • لوازم مردانه لکی تمام فرزانه لکی بریته کتوردک • اما داعیهٔ خاطر وخاطرهٔ ضمیر فاتر اولدرکه مدت عمرک اتمامه ایرنجه • دفع معرت اعدای بدنهاد اولسن • یعنی تیغ وسنان ایله جناح لشکر امامه قول تنا داولسن بیت تا اولنجه بویله جنکلنمک کرک • کیک جهانی خصمه تنک اتمک کرک نثر ایلدی فرمان برم • اما جان ودل اول نوعروس جانبنه مایل ز اکرامر ایدرسک وارب وداع ایده یم • حسرت قیامته قالمسون وارب برنغمه کوره یم قطعه خدا برامکن ای باغبان مقابله چندان • که یک نظاره کنم باغ نو شکفته خود را درازخواب خوش ای بخت مکر بکشا یم • بروی تهویمش چشم شب خفتهٔ خود را نثر مادري اجازت ویردي • فی الحال وارب خیمه یه کیردی • کوردیکه سوز فراق ایله جکردن آه ایلر ودرد اشتیاق برله کوکب راه اولوب آغلر بیت نها ویر دل من روزکار بار فراق که تیره باد چو شب روزکار فراق نثر ایتدیکه بیچون بودجهله • بو نوعله نالان سن دیدی که بیت جان غم فرسوده دارم چون ننالم آه آه • آه دردآلوده دارم

وصف مبارزان

چون بکریم زار زار وهب حال زاره عروسه ترحم ایدب باشنی دزینه الوب حالت فراق ونکابد افتراقدن مکالمه ایدرکن هل من مبارز صداسن کوش اتدی بی اختیار یرندن قالقوب هزار سوز وکداز ایله ایتدی قطعه رفتیم وداع ما زد ایما یادکرد وزآب دو دیده خاک کل با بدکرد • کر بد دیدی همه نیکو باید کفت • ور در نری بود لجل باید کرد نثر پس ب صبا رفتارنه سوار اولوب عزم میدان اتدی طره اوردی وجولان کوستردی شیر ژیان وهزبر برغران کبی تیغ ابدار ونیزهٔ جان شکار ایله هر کیمه زخم جانکسل اوردي حرمن حیاتن باد فنایه ویردي بیت عزیوان بهر خابنی بی شافت • به نیزه دل دشمنان می شکافت نثر سپاه مخالفدن بر مبارز ظهور اتدی که حکم بن طفیل دیکله سی سوار نامدار وبهادر صاحب اقتدار ایدی • مقابل اولدقده نوک سنان مردم ربایله فانه زیندن اتدی قدر جاهل کبی بر مقدار یوجلدب سانه صفت یره چالدي • اعضاسی جوشن میغ کبی پاره پاره اولدي • ایکی لشکردن ظاهر اولان عریو وفریاددن کنبد فلک دوار طولدي • اندن صکره بر مرد مبدانه کیعوي وحب نامدار بی اختیار قلب لشکر مخالفه اوردي • هر کیمه لشکر زخم ایرکوردی برم زندکانیدن ایغی کتوردي • اول مقدار که الندۀ اولان نیزه ریزه ریزه اولدی پس ال اورب تیغ بنفشه فامن نیام انتقامدن عریان اتدی هر کیمه که چالدی تیغ قضا کبی مغفر وسپر مانع اولمیوب سایه صفت بی جان اتدی بیت بهو جا که خود وسپر یافتی • بشمشیر برنده بشکافتی القصه لشکر مخالف جنک تیر آهنک وحیددن دل تنک اولوب سردار لشکر اشارتیله هر طرفدن اوزرینه هجوم ایلدیلر • ناکاه سمند تو ندنه زخم ایرکورب اسب شطرنج کبی بی روح قلدیلر اول فرزانه نطع شجاعت • پیاده اولدقده فی الحال اوزرنه یراغ اوشوردیلر ماه زندکانیسن چاه محاقه دوشوردیلر • قاتل وهب باشن قطع ایدب لشکرگاه امامدن یکا غلطان اتدی • والدهسی قارشو وارب هزار رغبت ایله الوب یوزن یوزنه سوردي • وایتدی احسنت بارک الله مراد نهادمه مطابق

سربازلق شرایطنی یرینه کتوروب باش و جان نثار اتدک الجنة تحت ظلال
السیوف معناسن آشکار اتدک قطعه حدیث فخر عالم موجبنجه شهید اولدک
یبرک جنتده رالحق شهادت اوجنک شهبازی سن سن خدا اتدی میسر نکا اوجتی
بس عادر بیچاره ساحت کیرودارده واب سرلبیری سینهٔ پرکینهٔ قاتل وجبادرب
هلاک اتدی دبرچیمه عودیله اوج بدکردارک عتاب حیاتن کسسته قلوب قرارکاهن
کتدی بیت اکه عورت دیمک کم اراک اتدی علودن سرالوب سرورلک اتدی
عروس اول جوانک تن فرسوده سن وبدن خون آلوده سن کوروب ناله و ماتم افزاری
زمینه‌دن افلاکه دآه جکرسوزی سمکدن سماکه ایرکوردی وروان اولان خون کلکونی
کلکونه وار یوزنه سوردی مثنوی نشینه شاد اوله دنیاده آدم کلورمش چونکه سور
آردنجه ماتم بو کلشندن کیدر هردم وبرکل الکچون زار اولور بیچاره بلبل نثر ناکاه
خدام شمردن بری عقبندن ایروب زخم هایل ایله هلاک اتدی عروس مانوس منقرهٔ
حیاتدن مجلهٔ مماته کتدی بیت بتر می سبزهٔ تر بوستانده که آسیب ایر فصل
خزانده بوندن صکره عمرو بن خالد ازدی مجلای محاربه‌ده جلوه نما اولدی
که بلند بالا و زیبا لقا مرد صادق الوفا ایدی سمند براق رفتارنه خنک فلک
مانند منقش کیم کیدرب ماه کبی سپرین یاپدی آفتاب کبی شمشیرین طاقندی شوکت
تام وسطوت تمام ایله سوار اولوب تازیانه اوردی بیان میدانه واروب طوردن
وبرنجه بیت اوقدی ترجمه‌سی بودر ابیات ای نفس عزیز ترک جان کن ترتیب
بهشت جاودان کن ازبهر شهود عرض اکبر خودرا بشهادت امتحان کن ازشعلهٔ
تیغ اسمان کون اطراف زمین چوارغوان کن درمعرکه همچو شیر مردان سر
پیشکش خدایکان کن نثر ادل پلنگ نهنک کیرودار قلب وجناح ویمین ویسار
دلیوب شیر ژیان کبی هر طرفه حمله ایدوب کاه تیغ آتشبار ایله مبارزان میدان
با دصولتک آب روی حیاتن خاک هلاکه صاچدی دکاه سنان جان ستان ایله
پهلوانان کوه صلابتک معدن اجسامندن کان لعل آچدی وبالجمله قتل بسیار

ومحاربه

ومحاربهٔ بی‌شماردن صکره مرغ روحی شاهین اجله شکار اولدی یعنی متوجه
جنات عدن تجری من تحتها الانهار اولدی اندن صکره اوغلی خالد بن
عمرو برسمند میدان نورده وبرباد پای جهان کرده سوار اولوب رجز کویان
وجولان کنان عزم رزم ایدوب بر مدده خاک میدانی دماء اهل طغیان ایله مانند
لعل بدخشان رخشان اتدی وساحت معرکهٔ خون مخالفان ایله شال صفحهٔ کلستان
لالستان اتدی عاقبت خالد بن عمرو دخی پدری عمرو بن خالد کبی خلد آباد وصاله
دوحال باد خلده ایردی قطعه چون ذره بخورشید درخشان پیوست چون قطرهٔ
سرکشته بعمان پیوست جان بود میان وی جانان حایل فی الحال جان داد بجانان
پیوست نثر بوندن صکره سعد بن حنظلهٔ یمنی ظهور اتدی که تیرانداز لقله برمرتبه
ده مهارتی وار ایدی که تیری تیر قضا کبی خطا اتمزدی وشهاب آسا آندوغی یره
دوشمزدی چون عرصه‌گاه نبردی معارضه‌دن خالی کوردی بیت دماغش زکین
برآمد بجوش برآورده چون رعد غران خروش نثر همان دم اوق کبی میدانه آتلوب
کمان چاچوب حرکتیه که تیر اوردی مرغ روانته پرلرن بال ایدوب آشیانهٔ زندکانیکی
اوچوردی مثنوی کیمه تیر اوروب ایلر پرلرین بال یوسندن اوچوررا آنی فی الحال
عدو ز سینه سینی اتدی ترکش الکچون الفلرین بوکدی کمان وش نثر آخر زخم سهمناک
عدو ایله چیشمه سار حیاتدن ال یودی بنفشه مثال یوزی بیره قودی بیت
روی او حدیقهٔ جان کرد اشیان در ریاض رضوان کرد نثر اندن صکره عمرو بن
عبدالله مذحجی ظهور اتدی که نهنک دریای هیجا وپلنگ کوهسار وغا ایدی
میدان نبردده کیمی تیغ آبدار ایله منزل خاکه وکیمی سنان برق آثار ایله مغاک
هلاکه صالدی بیت سیم سیما تیغ او برفلک اکر دی کذر همچو سیما از جنبش سنگ کشتی
بی قرار نثر ساحت متسع المساحت حربگاهی اعدای کج رایه تنک وتیغ سوسن
پیکر بنفشه فام خون دلیران دشمنان ایله لالهٔ رنک اتدی عاقبت حرب مخالفان
ایله خارستان جهاندن گلستان جنانه کتدی رحمة الله علیه بعده حماد بن انس

برسمند نونده سوار اولوب عزم میدان ایتدی گرز کبی پنجه صف شکن و مردافکن
افکنک زخم تیر و ضرب شمشیر ایله قدی کمان ایتدی آخر صاحب قران اجل یدۀ املی
بغلیوب لقاء عینا و رخسار حور اتماشاسنه گتدی بیت مرغ خط بادمی بر دارد
بوستان کلی آشفته چه کند دل بیچاره بلبل اخر بوندن صکره وقاص بن مالک که تیر
اندازلقده مانندسی سعد وقاص سهم اعلانی و تیغ زنلکده مثال رستم دستان
ید علیاسنی دارایدی بیت عرصۀ حرب پهلوانی ایدی تیرزنلکده سعد ثانی ایدی
علاوی بر خوبدن اون بر پهلوانی هلاک ایتدی نوبت که اون ایکنجیه تیدی برمرد
نابکار رعقبندن کلوب ضرب نیزه ایله آتندن دوشوردی همانندم فراش قدرت
خیمۀ حیاتن دوشورب سایبان اقامتی عرصۀ جنانه قوردی بیت جرعه
ازجام شهادت چشید رخت بایوان سعادت کشید اخر اندن صکره شریح بن
عبیده مانند آفتاب تیز کام و مثال شهاب زرین لگام برسمند باد حرکت
و آتش سرعته بنوب برق خاطف کبی شمشیر گذارلق و شهاب ثاقب صفت
نیزه دارلق کوستروب نیجه پهلوانی خاک ایله یکسان ایتدی و نیجه یلانی دعوی مبارزتده
یلان ایتدی مثنوی بهرجا که نیزه برافراختی جهانی زمردم تهی ساختی بهرسو که
مرکب برانگیختی بشمشیر خون یلان ریختی اخر ناگاه آتی صورچدی کندوسی یوزی
اوزرینه یقلدی اوزرینه کلدیلر ضرب متعاقب و متواتر ایله اجزای مجموعه سن متفرق
قلدیلر شهباز روانی آشیانۀ تندن و مرغ جانی لانۀ بدندن اوج بقایه پرواز
ایتدی شهادت مرقومدن صکره مسلم بن عوسجۀ اسدی ظهور ایتدی افکار ثاقبه
سیل ثابت رایی و آرای صایبه سیل لشکر آرایی ایدی غزوۀ آذربایجانده عبلۀ
اوتانک و عنترۀ کفر و طغیانک تیغ آتش فشان ایله خرمن جانلرینه آتش برقمش و نوک
سنان جان ستان ایله جاکلرینه اود دقمش ایدی بیت گرز او مغفر شکستی برسر
گردان رزم تیغ او جوشن بریدی بر تن مردان کار اخر و علی مرتضی حضورنده نیجه
دفعه قرآن عظیم ازبر اتمش و کندوی اول مرتبه یه ایلتمش که امیر المؤمنین برادر دیلمش

مرد مردانه و فرزانه یگانه ایدی اجازت امام خورشید منزلت ایله براق برق
صفت آته چقدی میان معرکه یه ایروب قبیله و عشیره سن آکوب ارطلب ایتدی
اهل خلافدن بر پهلوان مانند بحر جوشن کلوب مثال موج شمشیر چکوب مسلمه حمله قلدی
مسلم حمله سن رد ایدوب پهلوسنه بر نیزه اوردی که فی الحال آتندن یقلدی سپاه عصمت
پناه بو حال مسرت مآلی کوردیلر آواز تکبیر و صلای تحسین اوج ثریایه ییتوردیلر
بر نابکار دخی ظهور ایتدی انک دخی مذاق جانی جام اجل چاشنیسن طوتدی بو
اسلوب اوزره القی التی نفر بد اختر که شراب زندگانیلرن سراب و سرلیدولتلری
فنا بحرینه حباب ایتدی عاقبت کثرت زخم کاریدن بی تاب و توان اولوب چنار
مانند الی کاردن و سرو مثال ایغی رفتاردن قالوب برگ خزان کبی خاکه دوشدی
امام فرخنده مآثر و حبیب مظاهر فی الحال آت صالوب اوزرینه کلوب کوردیلرکه
هنوز دفتر حیاتنده رقم رمق باقی در نفس نفیسی بری برینه ملاقی در امام بیوردی
ای مسلم رحمک الله بن کندم یاران بونده قالوردیلر جمله موز باش و جان نثار ایدب
شهید اولورز دار بری برمزی جدم حضرت رسالت دیلدم شاه ولایت یاننده
بولورز مسلم بو گفتاردن مسرور اولوب کوزین آچوب امامی کوروب تبسم ایتدی زبان
حالله بو مطلعک مضمونن تکلم ایتدی ع حق نه خوشدر اول سفرکه اوله سن همراه اکا پس
حبیب ایتدی که ای مسلم ابشر بالجنة مسلم آواز حزین ایله بشرک الله بالخیر دیوب
جانب امامه توجه ایتدی مژدۀ فدویک سلطان انبیایه و علی مرتضایه وصل ایلدین
دیرکن جان ویردی بو انجمن عشرت فنای دنیادن نشیمن نزهت فزای عقبایه
ایردی نور الائمه ده مسطور در که پس مسلم قتل اولندقدن صکره کریه کنان عزم میدان
ایتدی حضرت امام نظر ایدوب یانندعوت ایتدی و ایتدی ای جوان گیرو دون که
پدرک قتل اولدیسن دخی موت هلاکه ایرسن مادرک ضعیفه ضایع ایدرسن جوان دیلدی که
دونه مادری فریاد ایدوب ای فرزند ارجمند بنم رضام اولدر که میدانه گیروب حرب کرزکان
ایله قامت سعادت اعلای جوکان ایله سن آخر سندخی صولجان تیغ جلاد ایله

بانشكي كوي كردار غلطان ايده سن قطعه امامك يولنه ترك ايت وجودك كيرب
ميدان رزمه اركك ايله سرين آل سونسر تيغ اودر علاويه سروك ويرسن دخي سرورلك
ايله سر تشنه لك تب وتابندن بي تاب اولكه باغ وجودك بو ساعت سلسال شهادتدن
شاداب وحوض كوثردن سيراب اوله كركدر ديو فرزند دلبندن حرب اعدايه
تحريص ايتدي اول دخي حميم جاندن قبول ايليوب يكران صبا عنانه تازيانه اوروب
رزمكاهه كتدي كرز كران النه آلوب عواصف صبا زرت ايله هر نه جانبه كه واردي
جنود عنودك باشنه عاد وثمود قوبردي مشت درشت كرزي هر كيمه كه تيدي سربي
خردن خرد اتدي قطعه مقابل اولسه اكا كوه البرز طوته خوف ايليوب خوف كريزي
سر اعدا كه شكل عقده بيدي اني حل ايلدي شمشير تيزي فرد جزوي زمانده يكرمي نفر مرد
نامردي خاك هلاكه صالدي اعلاي بدرايدن مراد لعادر دوستان وقفنجه انتقام
آلدي بيت عجب خلق ايتمش آني براون طوغنجه بوبله طوغنسه اراناد دن سرانجام
كار باشن قطع ايتديلر والده سنك اوكنه اتديلر بيت ويررسه نوله اول سروسهي
نهال باغ جنت در ويرر بر نثر اول حقيرۀ دل سوخته سر پسرين آلوب كاه دلادر كينه
تحسين ايدردي وكاه سر بريده يه باقوب آغلردي بيت نوله بلبل صفت ايدرسه
فرياد جوان ايكن كل آسا اولدي برباد فرد بوندن صكره هلال بن نافع افق ميدان رزمدن
طالع اولدي اكرچه نام ناميسي هلال ايدي اما جمال زيباسي بدر آسمان كمال
ايدي اول شهزاده قبايل پر فضايل عربك بر قبيلۀ اصيله سندن بر زهره جبينه
مشتري اولمش ايدي نتيجۀ خطبه خطبا اولوب جملۀ نكاح بزم زفاف ايله زينت
بولمش ايدي لكن جام سرور انجام ازدواجدن بادۀ ابتهاج دن نوش
ايلمامشدي يعني الماس رجوليت ايله در نا سفته قلماشدي وقتي كه رزم زرم
قلدي نو عروس طاوس خرام دامن دامادي طوتوب ايتدي كه قنده كيدرسن بو معركۀ
هولناكده كندكي هلاك ني هوا كله خاك مي ايدرسن هلال ايتدي اي يار دلپذير
اكرچه محبتك دامن كيردر لكن طريق محبت امامده سردرمك سرمايۀ فتوحات دوجهاني

ومايه

ومايۀ سعادات جاوداني در بيت بعهد محبت وفا ميكنم بخاك درش جان فدا
ميكنم فرد مقصودم اولدر كه ياران صداقت آيين ودوستان شهادت كزين
كبي زخم تيغ بنفشه فام كلزار وجود اعلاده قزل كللر آچم وقطرات خونلرن اوراق
كل كبي خاكه صچم بو خبر مسامع عليۀ امامه ايردكنده ايتدي كه اي هلال دل عيال سنك
جمال حالكه مايل نكرانده رجوم عموم مغار قنكله زار ونا توانده يكنلك زمانلري د
جوانلق منقوانده ديلمزم كه بر بريكزدن جدا ودرد هجرانه مبتلا اوله سز
بيت يار صادقدن بو عالمده جدا اولمق نه كوچ درد قهر هجر ياره مبتلا اولمق نه
كوچ فرد هلال سرفرو اندي وايتدي يا ابن رسول الله بو كون سني بو عالمده قويوب
عشق بازلق وعشرت سازلق اغاز ايتسم يارن خلاق كونينه ورسول ثقلينه نه جواب
ويره يم ونه عذر ايده يم ديوب سپر قمر تد دبرن كتفنه صالدي وغفر آفتاب
نظيرين باشنه كيوب كمان هلال شكلن الينه آلدي وتير خدنك ايله مملو بر قنديل
رزنكاري بلينه بغلدي وتيغ يماني جوهرداري كردنه حمايل ايلدي تيراندازلقده
بر مرتبه ده پهلوان ايدي كه خدنك عقاب نكار رنك طوسي جكر خصم بدكرداردن
تير تيز پر رنك شكاري دل دشمن جكرداري ايدي بيت تيرا وچون بنهد چشم برابروي
كمان زه بكوشش طو آيد ززبان سوفار بس هلال نافع كالبدر الساطع والبرق
اللامع ميدانه كيردي سپاه روسياه شاميدن قيرنام بر بدانجام دار ايدي
اسب خصومتي ساحت معارضه سوردي محل مقابليه ايكي يوز آدم مقداري مسافه
قلدقده طوردي هلال كمان قضا نشانه تير قدر نفاذ قويوب سينۀ قيلي نشانه ليوب
بر وجهله بران اتدي كه سپر سينه سندن چوب سوفارنه دك يره باتدي بيت
قوت بازوسن آلمز خرده دك يتري بيان اولسه كر سوفادو پيكاني ربا نيلا دها
ضرب بازوسن كورنلر حيدرن حزبدال چكديلر رايت مقاومتي ساحت فرخته
دكديلر هلال كوردي كه رزمكاه معارض كينه خواهدن خالي قالدي تشن
غيظي مشتعل اولوب بادكردار اوزرينه آت صالدي قلب سپاه روسياهه

اول مقدار تیر جان شکار اوردی که میدان قتالدن یوزلین دوندردی
اول روباه دهقه آیینلری سرتا پا کرپیه دوندردی مثنوی سپهر مغفوی شوبله
دلیر تیر یکین عریان ایدر کیمینی کفکیر کبی کیر بیدی انکله شیر جنکه دونردی زخم
تیرندن بلنکه بر مرویدرکه هلاک سکسن تیری دارایدی حریری افعی زهر
دار ایدی جلاسن کمان کینه قوبوب اعلایه کوندردی هیچ خطا ایتمیوب هر
بری برآدم اولدردی عاقبت روحی منادی غیبدن ارجعی الی ربک ندااسن
کوش ایتدی فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی آشیانه سنه کتدی بیت
طایر روحینه جنت آشیان اولسون انک همنشین و همدمی حور جنان اولسون انک
مرحوم مرقوملردن صکره عبدالله بن حمزة المازنی که پهلوان عرصهٔ ملاءت م
و نیغان معرکهٔ بسالت ایدی میدانه کیروب یکرمی سکز آدم هلاک ایتدی آخر
وسیلهٔ شهادت ایله قرب عالم غیب و شهادته کتدی بوندن صکره یحیی بن
سلیم المازنی ایلرو کلدی مبارز حرب دیده و پهلوان پسندیده ایدی
محیای و مماتی لله رب العالمین آیتین ورد زبان ایدوب میمنه و میسرهٔ دشمن
بد سیرت آت برقلی آتش شجاعت ایله نیچه دو دو سیرت سیه روزکار نود
وجودین یقدی سرانجام کارکندو دخی سر ویردی ابن سلیم مقام تسلیمدن قلب
سلیم ایله دار السلامه ایردی اندن صکره عبدالرحمن بن عروة الغفاری
های مبارزتی معرکهٔ قتاله قودی کندی مدح ایدوب ایکی اوچ بیت اوقودی
ترجمه سی بودر ابیات جون من اندر عرب جوان نبود ۰ در عرب جه که در جهان
نبود ۰ جون بدستان حرب آرم روی ۰ رستم زال را امان نبود ۰ جان فدای
حسین خواهم کرد ۰ که جز او راحت روان نبود تمّ شیر پلنک انتقام کبی میدانه
کیردی ۰ فی الحال اوتوز نفر بدکردارک اساس خانهٔ حیاتن سیل فنایه ویردی
ناکاه سهم قضا کبی صوب اعدادن بر تیر کلوب پیشانی نورانی سنده جای
کیر اولدی اول زخم و جیعدن مشامّ دلکیر اولدی مثنوی نزول آتش قضای آسمانی

نه ممکندر سپر منع ایده آنی تمّ دیدیلر تیری آتشدن کورنلر شعاع مهر عالم تابه بکزر
تیری جقرر دقدن صکره تند و خشمناک اولوب اون ایکی بد فرجامی دخی هلاک ایتدی
عاقبت شهید اولوب روضهٔ رضوانه کتدی بیت قودی دنیای کتدی عقبایه
همنشین اولدی حور عینایه ۰ بوندن صکره مالک بن انس المازنی دستور مالک
ممالک دین ایله میدانه کیردی سردار لشکر اولان عمرو سعدک مقابله سنه ایردی ایتدی
ای عمرو اکر پدرک سعد وقاص سندن بو فعل شنیع صدورن و بو کار خطیر ظهور ایده
جکین بلیدی سر خرا ترک کندو ایله قطع ایدوب سطح خاکی وجود معرّت اثر کدن پاک
قلیدی عمرو سعد بو سخندن مخجل و بو کفتاردن منفعل اولوب سیاه رو سیاه خطاب
ایتدی دائیدی ۰ بر مرد قوی همت یوقمیدر که معارض اولوب بو کستاخ پیادبی
خاموش ایده ۰ و تیغ آتش بار ایله برد جهله حقندن کلکه حدیث حسب و نسبیه اوین
ایده ۰ بر مبارز جقوب مقابل اولدقده مالک فی الحال آنی در که مهالکه صالدی روح
ل فتوحن مالکهٔ دوزخه اصمرلدی ۰ بوندن صکره پنجهٔ آتش کبی لشکرک تندباد انتقام
ایله شمع حیاتلرین مرده و آب زندکانیلرین فسرده قلدی آخر کندو دخی جام حمام
نوش ایتدی ۰ غوغای دهر دنی فراموش ایتدی بیت ترک ایدوب دنیای دونی
قلدی اهلندن فرار ۰ سکنان عالم علوی یه اولدی همنشین تمّ اندن صکره عمر
بن مطاع الجعفی عزم میدان ایدوب علاوی کینه جوی ایله مردانه جنک ایتدی ساحت
وسیع کارزاری دیدهٔ مخالفانه حلقهٔ زره کبی تنک ایتدی توغ کبی باش بالش بردار
ترک سر آویزهٔ نیزهٔ هلاک ایتدی ۰ آخر سر ویردی سمای آخرته کتدی ۰ مرحوملردن
صکره قیس بن منبه مانند شیر شکاری ۰ و مثال پلنک کوهساری عزم ساحت
کارزار ایتدی ۰ الفاظ در بارندن جواهر منظومه نثار ایتدی بعض ابیاتک ترجمه
بودر ابیات بن قیس منبه ام دم رزم ۰ اعدا درا تشه پسندم ۰ کیوانه ایرشه
خوف تیغم ۰ میدانه فجن صالم سمندم ۰ رستم اکر اولیدی زنده ۰ بند ایلر ایدی
خم کمندم ۰ چکسیدی اکر علای بندن ۰ بیک بند ایده هر کره بندم ۰ بو بنده یه

دنیه ده نه غم • چون شهزاده حسین اوله اقدم • شول دم که نصیب اوله شهادت
نصب اوله جنانده تخت نبدم نظم کمان کینی بازوی مکننه • وگرز گرانی کف کفایته
الوب . بر وجهله هجوم اتدیکه گرز گران سر صف کوه شکوه اعدای مانند کاه پریشان
وتیر تیز پری مرغ روان خصمایی شکار ایدب • تن فرسوده لرین خاک ایله یکسان
اتدی مثنوی نه دم که دست اوره گرز گرانه • دوشر جان قورقوی پیر وجوانه
کیم که طوغرلسه تیر جان ستانی • التدن قورتره بلمزدی جانی نظم بو اثناده سالار
کوفه میسرهٔ ابن سعددن جنوب عزم میدان جنک اتدی • کوردیکه ضرب وحرب
مقاومت دایرهٔ اقتدارندن بیرونندر • فرار وگریزه آهنک اتدی • قیس [illegible]
دلی باک عزیمنک اردنه دوشوب کیدرکن سردار لشکر مخالف امر ایله برچوق سوار
ایرب اوزرینه یراغ اوشوردیلر • عاقبت الامر اسب اتدکا نیدن خاک هلاکه
دوشوردیلر • سالار کوفه اگرچه فرار ایلدی • اما هزار خجلت وانفعال برله دار
برنده قرار ایلدی مثنوی هر که خصمه واره دم بیکار • بخت برگشته کبی ایده فرار • کرده
باشنی قورتره سلامت اولور • لیک بی عرض اولوب ملامت اولور • باشنی ایله باشنی
هر که قاچه دشمندن • آدی کمتر اکله زنندن نظم بو محلده یمین امام سعادت قرینک
گرد سپاهٔ پیدا اولدی • توزبار بلوب اچندن برجوان اژدروان عنوان هویدا
اولدی • بر سمند مانند برق تازه ورعد اوازه سوار اولمش که کلکون انسکن
سریع آلدو شبدیز آهندن تیز رو ایدی • هرجانبه عزم ایتسه فاندیشه دن
اول ایرردی • وجهان مردلکده سیاه وتمکن کوی سابقت تیردی مثنوی
قنجی یچه اوچرقوش ایرزایدی • ایزن توزین ییلمزیل کورمزایدی • قوایلن
نه دم کم بال آچردی • کوزینه خنک چرخک توز چچردی • اول سمند نونده ماه
نوکبی لکام زرکار اورمش • وجلاجل زرین وسیمین ایله مزین کیم کیدرمش وگنبد
دخی افسر کیوان مانند خود عادی برسر • وجوشن قیلولو چهرهٔ مریخ کبی سرخ ورخشان
برجامهٔ در بر قلمش • وخدنک اجل آهنک ایله مملو بر ترکش زرکشی میانه بند ایدوب

کمان بهرام نشان بر قوس بلند خانهٔ بازوسنه حمایل قلمش • وغمزهٔ خوبان چین کبی
فتنه انگیز • ومژهٔ محبوبان عاشق کش کبی خونریز بر نیزهٔ النه المش • شیرژیان
کبی جوش • وهزبر غران کبی خروش قلوب جولان کنان • ورجز کویان سرتا پا
میدانی سیر اتدی • رعد کبی نعره اوروب یلدرم کبی شتاقیوب لشکرگاه مخالفه نظر
اتدی • وایتدی ای مردمان کوفه وشام • وای بی رحمان خون آشام • بنی بلن بلیون
بلمیین اگاه اولسونکه بنم هاشم بن عتبهٔ وقاص پسر عم عمر وسعد بی اخلاص
کندوی مدح اتدی وایتدی مثنوی منم اول شیر دل کم نامی • انوف دشمن بدخواهی
هاشم • بنم اول پهلوان پر شجاعت • نعمت شوکت وبحر صلابت • بنم اول اسوار
عرصهٔ جنگ • قلن میدانی دشمن باشنه تنک • کونش کبی جکرسم تیغ عریان •
اوله سایه کبی اعدا گریزان • دم ایچاده تیغم شیر شرزه • اوقومک هر بری بر ماده
گرزه نظم بعده صفوف امام سمتنه توجه ایدب السلام علیک یا ابن رسول الله
اگرچه زادم اعدا که یارد • ویار انکه اغیار اولدیسه • بن بیلدکم وسنک دوست
ودشمنک دشمن • سنی سونلره کل سومینلرک کوزنه دکن اولوب رکاب
شرف نصابکده نقد جانی نثار • وخدمت ملازمت درگاه منزلتک ایله ایکی جهانده
افتخار ایتمکه کلدم دیوب عرض اخلاص • وانهاء اختصاص اتدی وایتدی بیت
نقد جانی بولوکه ای شه نثار اتسم کرک • کون کبی مهرک جهانه اشکار اتسم کرک •
هاشم مرقوم جنک صفینده پنجه پهلوانک گریبان حیاتن سرپنجه شجاعت ایله چاک
وحرب بجده عقیل بیله اولوب پنجه دلاوران اردوان عنوانی نیروی بازوی
مبارزت ایله بی روح صنم کبی بیجان ایدب جای قرارین خاک اتدوکی تواریخ
صحابه ده معلوم • وصحایف قصصده مرقومدر • وباجمله حر موکده مشت درشت
هاشم • هاشم انوف عنوف مبارزان پر نخوت وکامر ودس دلاوران پر هلاکت
ایدی بیت پنجه دورایدرسه بو سپهرلی قرار • کلیه میدان دهره بویله برچابک سوار
رزم میدانده کورسه ضرب جرار برنظر • قوال دلوردی درخشنده رستم واسفندیاره

پس سمند ادهمت امام ایله عزم میدان رزم ایتدی آواز بلند پرواز ایله ندا ایدوب
ایتدی بنمله معارض اولمغه کسنه طلب ایتمزم الاعم زادم استرم اول حضرته خصم
بکا خصم اولانك بد کرداری طلب ایلرم عمرو سعد طعنه ماشمدان شرمسار وسر
کردان وشال اوراق خزان زرد رخسار ولرزان اولدی زیرا مهر کبی تیغ زن
ایدوکن کورمش ایمش و سپهر کبی صاعقه بار اولدوغن اشتمش ایدی دلاور لك عنوانیله
مشهور اولنلری جمع ایتدی و آندی بن بزرك سردار کزین میدان قتاله کمك وعاق
مقابل اولوب جنك وجدال اتمك بکا مناسب دکلدر زیرا قطب مدار علیه میانه
فلکدن تجاوز اتمز وپرکار آهنین پای دایره مرکزدن طشره کتمز بیت
چو سردار ایده تنها کارزاری نه اچون اویله راه بونجه سواری نظم امدی بر پهلوان
جری الجنان اختیار ایدك که عم زادم ایله مقابل اولمغه قابل اوله میدان مصافه
کیروب حسام خون آشام ایله انتقام اله سمعان بن معاقل که تحیه حلب بکی اولوب
بیك سوار ایله معاونته کلمش مبارز کار آزموده وماننده حیف وشتا کرم وسرد کورمش
مرد روزکار دیده ایدی همان دم عزم رزم ایدوب سمند نوند نه تازیانه اوروب
مقابله هاشمه ایردی زبان تلطف درکار ایدوب هزار اکرام ایله سلام ویردی
واتیدی ای بزرك زاده عرب وی مبارز ذوی الحسب معلومکدر که عم زاده کك
منشور اقبالی ایالت ری وطبرستان ایله معنون ودیباچه حالی تذهیب امال
وامانی برله مزین اولمشدر حسینك هرکز مال وتمکینی وخزینه ودولتی یوقدر آنی
قویوب بوکه متابعت اتمك اوزره دولتك ترك ایدوب بیکانه کمك خلاف عقلدر
بیت کیمکم یار اوله بخت وسعادت اولور انك انیسی اهل دولت نظم انك کم ایلیه
اقبالی ادبار اولور بی دولته یار وهوادار هاشم ایتدیکه ای ناکس بوالهوس
مزخرفات دنیای دونی قدر ورفعتمی صانورسن ورنك نیرنك چرخ بوقلمونی
نقش عزت می بلورسن شعر نچه برنك کچه بکا بو چرخ مکار دل وجان منظرسنی
ایلیه بر نقش ونکار نچه بر آب وهوا ایله صوارب شب وروز اکرسن مزرعه

جانکه تخم اوزاد طوتلم شاه اولسن مملکت دنیایه بوکون جاصلك نه جو قویوب
کیتملوسن آخر کار نظم ای سمعان عقلوکی هر جم توغ کبی باشوکه جمع ایدوب زخارف
دنیادن فراغت ایت که فانی در نعیم فردوس اعلایه رغبت ایله که جاودانیدر
قطعه اکر دهر بتو جام جهان نمادنیا به نیم جو مستان زینهار جام جمش کشیده
دار قدم ار جیم حرمت اد که پیشتر جمه نامحرمند در حرمش نظم ای سمعان محکمه اسلامده
دعوی دین ایدرسن اولاد حقنده الا المودة فی القربی معناسندن غفلت ایدوب
کین ایدرسن افتاب سعادتك ابر عصیان ایله اورترسن وچشم سار دولتك خاشاك
طغیان برله مکدر ایدرسن شویله که نیت حضورتدن رجوع ایدوب کم عبودیت
فرزند مصطفای میان جانکه بند ایلیه سن پایه رتبتك ومرتبه عزتك قدر علیا
کبی رفیع وبلند ایدهسن بیت جون میتوان بمنزل روحانیان رسید حیفست
در بوادی غولان قدم زدن نظم بو خبرکه سمع سمعانه ایردی کمال اضطرابدن قلب
سیاهی تیره لندی وبصر بصیرته اشعه انوار نصایحدن خیره لندی ایدیکه ای
هاشم بر مرتبده باده غرور ایله سرمست وجام سودای خام ایله حمد ست اولمشسن
که نه پسر عمکدن شرم ایدرسن ونه ابن زیاددن آزرم ایدرسن حاشم خشمناك
اولوب عم زاده سنه دشنام اتدی پس حرافیندن نایره غضب اشتعال بولدی
سوکره کیرودارده کیروب بری برینك حمله سن رد ایدرکن هاشم بر تیغ اوردیکه فرقندن
خانه زینه دك ایکی بولدی مثنوی شو ظالم کم ایده ظلمی فراوان ایدر دور آخر
انی خاکه یکسان سونمه هر اولورسك سپهره کسوف ایرر دمادم کوکده مهره
پس هاشم صف عمرو سعده مقابل طوروب مذکوره خطاب ایدوب ایتدی که ای بد
بخت بی دولت وی مدبر پر غفلت پدر فرخنده سیرك مقبول عام وخاص
حضرت سعد وقاص در که غزوه احدده انا نبی بالسیف حضرتلرینك حضورنده
اعدای دینه اوق اتوب اول افتاب ماه نکاف اوزرینه پروین آیین جمع
اولان بدکارلری بنات النعش کبی طاغتدی لاجرم اول حضرتدن لطف واحسان

وکوهر یکدانهٔ کان کرمکان حقهٔ دهانندن آرام فلاک ایلی داتی دررین اوزر
لرینه ایتدی وبنم پدر ناخلفم که عتبهٔ وقاص ذر عتبدهٔ اوصاف یار وظهیر دعمدهٔ
کفر وطغیانه مددکار ونصیر اولوب جمع کرد ار الله یالن قلچ الوب اقدام انتقام
اوزره طوره شدی وجواهر لب ودندان معدن رسالتی سنک سنکین برله اوره شدی
بوحالت بجیدن تعجب وغایتده امر مستغرب در که سن آنک کبی پدر فرخنده فرجامک
اوغلی ایکن اولاد رسول سندن خصومت وعداوت صادر ایلره. بن بونک کبی
پدر شقاوت انجامک پسری ایکن بندن مراسم عبودیت وشفقت ظهور ایلدی یخرج
الحی من المیت ویخرج المیت من الحی معناسی ظهور ایتدی پس بعده بوکلماتی کوش
ایدوب وفور حیاسندن آب روان کبی کندودن کتدی ودیدهٔ بی شرمندن
اشک ندامت آقتدی القصه چون سمعان بوحقارتله هلاک اولدی وجود
بی سودی مستغرق خون وخاک اولدی برادری نعمان بن مقاتل بیک سوار ایله
سمعانه یار وهوادار ومیدان مظاهرتده معین ومددکار ایدی هاشمک اوزرینه
کلدیلر حملهٔ حمله قلدیلر هاشم بیردل وفور عدودن وکثرت جنکجودن بی باک
اولوب پای ثباته قرار ویردی جانب اعدایه روی شمشیر کبی برحمله ایله اول
دکرز کران سرکبی برصدمه برله پنجهٔ دلاوری قلدی بیت کسنه ایده مزدی حمله سنی
قضا سیلابنه کلدر پیه سد نظم بوکیرو داری رستم دستان چشم انصاف ایله مشاهده
اتسه اول شهسوار میدان شجاعتک مانند نعل سم سمندن اوپوب خاک پایین
توتیای چشم جهان بین ایلردی واکر سام ونریمان بوجنک دیکاری معاینه
قلسه رشتهٔ عبودیتی طوق کردن جان قلوب تحسین ایلردی بیت ترک خنجر
دارکردون هردم چرخ برین احسب ادمید وحکمت آذین باد آفرین حضرت
امام کوردیکه بیک سوار هاشم نامدار اوزرینه ات صالدی جاسم مانند قطب
مدار علیه اورته لرنده قالدی یاران وفاداره نظر ایدوب هاشم جکر داره
معاونت رفاقی داول شیر مردم شکاره مظاهرت اوانی دردیوب برادری

فضل

فضل طقوز نفر دلاور قوشدی که انکله اون نفر اولدی هر بری مثال شمشیر کمر خلقتی
درمیان ایدوب مانند تیر جانب معرکه طوغلدی عمرو سعد انلری کوروب ایکی بیک
آدم ارسال ایلدی که اول دلاورلری محل کیرودار ایلتمیه لر یعنی هاشمه واصل
ایتمیه لر پس اول سپاه کینه خواه سر راهه کلوب طوردیلر تیغ فتنه واشوبه ال
اوردیلر انلر کلوب ملاقی اولدقده برجنک عظیم اولدیکه آوازهٔ کیرودار ایله قباب
افلاکه طولدی سلامت زه کمان کبی کوشه کیر اولوب خنجر فتنه تیغ اجل کبی نیام
انتقامدن آشکار اولدی مثنوی جکر تاب شد نعرهای بلند کلوکیر شد حلقهای
کمند زعکس سر تیغ وبرق سنان سر از راه میرفت دست از عنان نثر تعالی کوس
حامدن مستان جام مدام کبی بابش ایتق بلور نزاولدی وعواصف ریاح
رماحدن پهلوانلر شکوفه کبی خاکه دوکلدی مثنوی چکلدی هر طرفدن تیغ بر تاب
کانک تابندن اولدی مغزلی تاب پیره اوق دمرندن یاغلدی ژاله بتوردی
دکدوکی یرلرده لاله نثر حرب یکان جان سوزدن قوجقلر حلقه زره اولدی وزخم
سهام جکر دوزدن طوغلغه ارخانهٔ زنبور مثال پر کره اولدی القصه
علاوی بدخوی کثرت رجال ووفرت ابطال واسطه سیله غالب اولوب طقوز
نفرین دخی شهید ایتدیلر روان پاکلرین دار فانیدن عالم جاودانیه ایلتدیلر
دریای معرکه بر کرداب ایدی که نفوس کرام ایله تموج ایدر دایرهٔ قتال بر آسیادر که
عزیز ارخونی ایله دونر امام فضل بن علی حربهٔ جان شکار ایله هر قنغی صفه واردی
پدر بزرکواری کبی رخنه پیدا ایتدی وهر نه سمته که طوغلدی مانند تیر قضا کچوب
کتدی آخر زخم تیر ایله آتی دوشوب کندو شهید اولدی ماتم خانهٔ عالم صدای
نوحه وزاری برله طولدی اخوان امام عالیشاندن اول کسنه که فاد خلی پاین
کوش یوردقون فرجین جام نوش ایتدی بو یدیکا رحمة الله علیه مثنوی قانی
اول پادشاه پاک کردار الکاده قیلدی بو چرخ ستمکار شفق صنعک ایدن آفاقی
کلکون بوغمدن قان قتندی خنک کردون نثر چونکه اول اون نفر وفادار شهید

اتدیلر نعمان بن مقاتله معاونت ایچون هاشمک دستنه ات ویردیلر هاشمی
ایکی بیک مقداری سوار بهوار ساعلدو ار محیط اولدی شمال جبال تحرک اولوب
دریای فتنه امواج آشوب ایله طولدی ماشم عنزیه کلوب سمند صبا عنانته
تازیانه کوستروب نعمانه نقص واردی پنجه جرات ایله طوتوب باشن قوپردی
بیت قوپردی باشن انک اول جهان کیر نته کم کوسفندک کلهسن شیر نر فی الحال
دولوب علمدار عسکره بر زخم اوردی که آندن نقلوب فالکه هوا ز وعلی مانند
بخت برکشته نکونسار اولدی اول غدار وستمکار علمداری اولمش وعلمی
سرنکون اولمش کوریجک منهزم اولوب سردار ولشکر دمیر دونکر طالع برکشته دار
شکسته فرار اتدیلر الحذر الحذر کویان قرار کاهلرینه کتدیلر بیت خایبا خاسرا
بعون الله منهزم اولدی دشمن بدخواه نثر دیرایکن ابن سعد مذکورلره آدم قوشوب
تکرار ارسال اتدی اول عمان شجاعت سمتنه سیل دبار اقندی کلوب احاطه ایلدیلر
هاشم هر جانبه حمله ایدوب تیغ آتشبار ایلدی پنجه بدکردارک تخم حیاتن کشت زار
مماته اکدی لکن استیلای کثرت عطشدن وفرت زخم موحشدن غایت زبون
وپای اقتداری رکاب مکنتدن بیرون اولمشدی نه راه کریز ونه مجال ستیز
آخر الامر ضرب شمشیر آبداردن شربت شهادت نوش اتدی بزنکا فردوس
اعلایه کتدی بیت دیدی بهشت ورحت پروردکار یافت باساکنان عالم
علوی قرار یافت نثر بوندن صکره حبیب بن مظاهر ظهور اتدی که مشاهیر
اصحاب کبار دن وجماهیر زهاد ونامداردن اولوب سلطان انبیادن پنجه احادیث
شریفه استماع ایلمش وقرآن عظیمی فاتحه سی ابتداسندن خاتمه سی انتهاسنه دک از بر ایلمش
ومدت مدیده علی مرتضا خدمتنده اولمش بین الناس تعظیم تام وتکریم تمام
بولمش ایدی کهن سال ایدی جزم شهادت ایله عزم رزم اتدی حضرت امام مذکور
یاننه دعوت اتدی وایتدی ای حبیب جد وپدرم یادکاری سن واصحاب
واحبابک افتخاری سن بنی تنها قویوب کتمه احباب واصدقای ملول ومحزون

اثنا خصوصا پیر ناتوان سن حربه حربه قدرت وحمله حمله اسلحه کار
زاره طاقت کتوره مزسن حبیب اتدی ای سرور یکانه وی بهتر فرزانه
پیرلر مراسم حربک دقایقن بلور الحرب خدعة مفلس جوانلردن زیاده رعایت
قلورلر مرجودر که بنیان ایوان حیات دشمنه باد حمله آتش آهنک ایله تزلزل ویرم
وجانی وجودی بنیادلرن صدمه شمشیر آبدار برله خاک فنایه ایرکورم اخربان
دخی بولکده باشن وجان نثار ایدرم بو تنکنای دنیا بی بقادن فضای
بهجت فزای عقبایه کیدم شعر فردا که مقربان خاک سکن در حشر شوند راکب
مرکب تن آغشته بخون بجکر آلوده کفن از خاک سر کوی تو برخیزم من نثر امام عالیشان
کریان وتأسف کنان اجازت ویردی حبیب شو اد قویوب سلوت شهادت
ایله میدانه کیردی بو ایکی بیتک ترجمه سیدر شعر حبیب مظاهرم مرد مرد
بها کیزم از آتش وآب کرد سری داری از دوستان پر وفا ولی دارم از دشمنان
پر زدرد نثر تیغ کوهرداری معدن بنا مدن چقوب عریان اتدی خون اعدا ایله
صحن میدانی لعل بدخشان اتدی بیت هیجا دمنده ایلدی تیغی روانه خون
لعل مذاب اقتدی ومیزاب آب کون نثر ناکاه بنی تمیم قبیله سندن بر بدبخت
زخم سیف ایله خاکه دوشوردی قصد اتدی که قیامه کله حسین نیر فرق مبارکنه
بر تیغ اوردی ادرکنی یا ابن رسول الله دیوب چغردی حضرت امام سرعت
تام ایله اوزرینه واردی حبیب مظاهر زبان حاله بو فحوالی بیان وبو معنی عیان
ایلدی شعر همرانه سرکشیدم سر دره سکانت موی سفید کردم جاروب آستانت
لعل تو جان دمن هم رسیده جانی حرمی بکو که باد اجانم فدای جانت نثر امام حسین
حبیب مظاهره جنت بشارت اتدی اول پر روشن ضمیر بو مژده دلپذیر ایله
سفر آخرته کتدی بیت هر زمان یار دیکر بار سوی بندد درشادی بدل
غمزده درمی بندد نثر بوندن صکره حریر معتوق ابو ذر غفاری علیه الرحمة الباری
ظهور اتدی اکرچه رنک رویی مثال خال سیه فام ایدی اما ضمیر منوری غیرت مهتابان

ایدی • مانند حلقهٔ دیده النور فی السواد معناسن روی حالنده عیان ایدی
بر مرتبه ده مرضی الخصایل • و بر و جمله مقبول الشمایل ایدی • هر کسک سویلای دل
کبی قلبنده یبر ایتمش • وقت مبارزتده مریخ خنجر گذار کبی درجهٔ یگانه لکه یتیشمش ایدی •
شوا اوقویوب مبارز طلب ایتدی ترجمه سی بو در شعر چون سوی میدان شجاعت
بخرام • بس خصم کی جان شود از ضرب حسام • بکزیده مردانم اگرچند سپاهم •
بستودهٔ شاهانم اگرچند غلامم • فردا بود آسان بشفاعت همه کامم • امروز برآید
بشهادت همه کامم راوی ایدر النه تیغ آلوب پیاده میدانه کیروب هر کیمه کم ضرب
جان ستان اوردی • فی الحال طومار زندگانی سن دوردی • اهل اعدا رجال دفعا
اتدی • که تحصیل ریاض وجه اتدی • آخر شهید اولوب ریاض جنانه کتدی بیت
جانی دیرن واصل جانان اولور • بنده ایکن پادشه سلطان اولور نظم بونک
آردنجه یزید بن مهاجر جعفی میان میدانه کیردی • نیچه بدکاری تمثال دیر
کبی بی جان قلدی • آخر شاه راه فنادن منزل بقایه ایردی • اندن صکره
انیس بن معقل اصبحی صمصام اختصام چکوب میدانه کیروب مردانه جنک اتدی
اعدای جنک جویدن مانند سیل مواج • امواج سیال جوی خون اقتدی • بالاخره
طایر روح مقدسی تنکنای هیاکل جسمانیدن فضای ریاض روحانی قبلنه پرواز
اتدی • مرحوم مرقومدن صکره عباس بن شبیب الشاکری لازم رزم میدان اتدی
شودب نام بنده سنه خطاب اتدی • دایتدی • حالا اخلادن کربلادن مزد عظیم ذخوا
جسیم اوجی زمان و کشتی روانی دریای شهادته صله جی آن در • حضرت امام حضورنده
جام شهادت نوش اتمک منتهج وصول سعادات ابدیه و مثمر حصول مرادات
سرمدیه در • سنک رایک نه در • ایدیکه عنان حیات الدن کیدنجه سایه وار
رکابکدن ایرلم سکا معین و نصیر اولوب اعدای بدرایه تیغ بی دریغ اورمق
بابنده طرفة العین اهمال قلمرم مثنوی اگر یاری قله تأیید باری • دو شورم
خاکه نیچه خاکساری • شود کلو قتل ایدم جنک جوی • تجم کوندن آقدم هر سویه صوی

عباس اتدی کربن دخی سندن بونی اومرم بحمد الله ظلمت ظنم نور یقینه تبدیل و نجم
کامم برج تحقیقه تحویل اولدی • پس ایکیسی دخی حضور امامه واروب عزم رزم ایچون
خاک تخرثه یوز اوردیلر حضرت بونلره دعا ایدوب اجازت تشریف ویردی • لر حقال
ساعت اولا ایکی مرد دبر و عزم رزم اتدی مقتل دینوریده محرر در که ربیع بن تمیم
دن نقل ایدوب ایدر که بن عباسک نیچه معرکه ده مهر سپهر آسا النه تیغ آتشبار الوب
خرمن اعدایه اود اوردوغن مشاهده • و ساده خصومتده دوزکار زدرکار کبی
توزلر قوپردوغن معاینه قلمشدم • ایراقدن کوروب لشکر اعدایه • دیدم که زنکاه
برکسنه کیردی که شیر ژیان انکله هم پنجه اولمق • و هزبر غران صدمه • قهرندن امان
بولمق میسر دکلدر بیت کلن صان یلدی باشلو اژدها در • قضای مبرم و خشم خدا در
بز بو قبیل و فا للده ایکن عباس نعره اوروب رجل برجل دیو ندا اتدی قلب لشکره
خوف عظیم مستولی اولوب مقابله و معارضه سندن هر کس ابا اتدی • سردار
لشکر ایتدیکه چون بر بر جنکه صورت ویره مزسز و ضرب حربه مقاومت کوستره
مزسز • باری جمله حمله ایلک امیددر که کمرکی اورتیه الهسنز زخم تیغ آب شکل و آتش
ایلمکدن هلاکه صالسز • بو قولی قبول ایدوب دلیران زره پوش • مانند دریای پر
جوش هر طرفدن اوستنه آقین صالدیلر • عباس کوه شکوه حزین وار بیت
جنکه کیردی پهلوانلر فوج فوج • پس انه سن دریاده ظاهر اولدی موج نظم عباس بو حالت
مشاهده ایدوب آب حباب کبی باشندن مغفرن و تندن زرهن چقروب اوزرلرینه
هجوم ایدوب آت برقدی غلام سعادت انجام خواجه سندن جدا اولیوب تقف
دارنغ ایلیوب اعدای جنک جونک جانه اود ارتقدی شعر کشینک سوکلو یاری کرکدر
بلا وقتنده غمخواری کرکدر • عدو بیله یوزه یوز جنکه کیره سه • وفاداری قفاداری
کرکدر نظم والحاصل آردندن کلن دشمنی کوزلدی • حضرت و کوزندن دفع ایلدی راوی
ایدر ایکی یوزدن زیاده • سوار و پیاده اوکنه قاتوب کیمی قاچوردی • و کیمی
زخم جان ستان ایله خاکه دوشوردی • ربیع بن تمیم ایدر میانه زده نوعا اشنا لق

وارایدی• ایتدم که یاغباس زره دمغفرک چقوب خذوا حذرکم امرندن غفلت
ایدرسن• غرنیق دریای غنا اولمغه صبا درت ایدرسن• دیردوکی جواب بو مضمون
ایدی بیت چومن در بحر غمانم بخونریزی مترسانم• کسی کابش زسر بکذشت ازباران
چه غم دارد نثر آخر خواجه دغلامه هر طرفدن زخم متعاقب اوردیلر دار الملامدن دار
السلامه ایرکوردیلر بیت عجب بازار در بازار رزمک صاتیلور بنده وآزاد
یکسان نثر بو مرحوملرک شرهادندن صکره حجاج مسروق جعفی که حضرت امامک
مؤذنی ایدی• مثال مژکان دلبران تیرزن• ومانند کیسوی جانان کمند افکن
ایدی مثنوی نجن یارب چکوب تیر آتسه پران• اکر کوه اولسه خصمی ولرزان ندم
کرال اوروب صالکندی• اوینه حلق خلقه بنده بندی نثر نها ندم میدان معرکیه
کیروب کاه الف دهانی هر طرفه صالوب سرور وان کردن کشکه اجل کبی بوغزن آلوب
تمام انتقام آلدی• اول جماعت بدنیت هجوم موءذندن شادی اولوب هر طرفدن
تیغ چکوب اوستنه تیر وسنان آتدیلر آخر زخم تیغ آبدار ایله خاکه یکسان ایتدیلر•
مرحومک عقبنجه یوسف حارث بن ربیع اوغلی مالکه ایتدی که کل بز دخی اجازت
امام ایله رزمکاهه واروب امر بکاره بر وجهله کوشش ایدهلم که تلخندن قان حلقان
دلیرانن سربازک ونیزه سینه طیانن سروران سرافرازک حرب تیغ جان ستانن
ایله تن ازین سرازندن دورن وبرق سنان آتش فشان برله دیدۀ حیاتلرین بی
نور ایدهلم• اولدخی شارق آمالدن نجم سعادت طالع• ومطالع اقبالدن مهر شهادت
لامع اولوب بندخی زمرۀ شهدادن اولاوز• حصول مراتب علیۀ اخرویه برله
بهرۀ داز بولهوز• پس پیر وپدر درود ونیلرین یانمغه مانند شمع قیامه کلدیلر•
ایندیلر که لشکر مور شماره ودیو خصلت سلیمان رتبه نک حوالیسن حلقۀ خاتم کبی زیر
نکینه الدی• مضیق محاصره دن استنشاق نسیم خلاص میسر• واحاطۀ دوایر خطیدن
طریق مناص متصور اولمدوغنه آغلرز• دیاران وفانک وخلان صفانک تفریق
جمع طغاته وتفریق شمل ملاته قادر اولمدقلرینه جان وجکر داغلرز اول حضرت

جزاکم الله خیرا دیو دعا ایتدی• ایکیسی دخی صفدن چقوب نیت صاف ایله مصافه
کتدی• هر کیم کلوب انلره مقابل اولدیسه شرر رکضات علاو سوزندن خرمن وجود
لرینه اودا اوردیلر• وباد حملۀ آتش آهنک ایله کلکلرن کوککه صاوردیلر• آخر زبهکاه
دنیای فانیدن بزمکاه عقبای جاودانی یه کتدیلر فالحکم لله العلي الكبير واليه المرجع
والمصير بیت مقبول ره عشقت اوکی ز سر اندیشد• چون ما حقرا ورده او تحفه
صفت چشش بوندن صکره غلام ترک که حافظ کلام معجز نظام• وفارس میدان
بسالت وانتقام ایدی حضور امامه واروب چهرۀ عبودیتی خاک مذلته وجبهۀ رقیتی
بساط مسکنته• واروب ایتدی که نفسي لنفسك الفدا یا حبیب حبیب الله شویله معلوم
اولنور که تقدیر سبحانی• بو ستمکارلرک تدبیراتی دفعنه• وقضای ربانی بو غدارلرک
مراداتی حسبنه جاری اولوب تلمعوز بو کرداب هولناکده• دیو غرقاب هلاکده
نابدید اولاوز• باری اجازت ارزانی بیور نقد جانی قدم شریفکه نثار ایلیه یم
رسوم کارنامۀ دستم دستانی• انکار ایلیه یم قطعه کیروب میدانه کوکلم کار
زار ایتمک دیلر• دشمنی بدخواهنک کارینی زار ایتمک دیلر• دوشوروب خاک سیاهه
انجه سروراسرن• بولوکه جان تعدی آخر نثار ایتمک دیلر نثر اتیلکه بن سنی زین
العابدین ایچون آلوب صاقلدم اکه جبه انتشدم• وارانلدن استیذان ایله اکر اجازت
ویررسه جیلنکده مرکوز اولان مبارزتی عیان ایله بوآثاري استاد و بواخباری
ایراد ایدن بو نوعله روایت ایدرکه• اول زمانده امام زین العابدینک حال
مزاجی باد مخالف عارضه دن منحرف اولمش• وقلعۀ بدننه نقب انداز علت
یول بولمش صاحب فراش ایدی• عتبۀ فرقد رتبت لرینه واروب مقام عبودیته
یوز اوردي کلام میمنت انجام امامي اعلام ایلدکده• بن سنی لوجه الله قید عبودیتدن
آزاد ایلدم باقیس سن بلورسن دیو بیوردی• فی الحال زمین آسا دامنن اوپوب
وامامه حامدن اجازت الوب برق لمعان کبی تیغ آتش فشانن میانه بند ایتدی
وشهاب ثاقب کبی سنان خون فشانن الوب رزمکاهه کتدی زین العابدینه

خبر وبردکلرنده بیوردیکه داسن خیمهٔ قالدرک تاکم اول ترک سربازک وغلام آزاده
سازک جنک دیکارن وحرب وکیرودارن تماشا ایلیین داسن خرکاهی رفع
اتدیلر کوردیکه مژکان خطایی دار نیزه وارا ولوب کیتک ناوکیر وارا یلدی
وجودنه اوداوردی وکینک بنان تیروسنان ایله طومار عمرن دوردی بیت
الندہ رمحی اژدر پیکر ایدی شجاعت چرخی اجره مخور ایدی مرقوم اعدا اصابهٔ
قهرندن معارضه قدرت وهیبت حربندن مقاومته طاقت کتورمدوکلری اجلدن
کندوی یمین ویساره اوردی کاه نعات عربی کاه کلمات ترکی برله اشعار اوقوردی
ترجمی بودر شعر ای حسین الکو روحانی نسخهٔ مکرمت سبحانی منم ان ترک اصلی
باشم کرتوام هندوی حضرت خوانی تیغ دردست من از بجز تو برسر خصم کشد
ثعبانی چه شود کر تو زروی خویش خویش سرخ روی ابدم کردانی روی بر روی
من نکنی نه تاکم ترک سرای فانی نثر والحاصل نیجه اشقیایی سقره قودی آخر
تشنه لک شنه سی جاننه کار اتدی غایتده زبون ودلفکار اتدی تکرار حضور
زین العابدینه کیردی اول جناب مبارزتنه آفرین اوقیوب وشجاعتنه تحسین
ایلدب حصول جنت وکوثر خبرن ویردی ترک چالاک مسرور وفرحناک کیرو
دونوب مصاف کاهه کلدی هرکه که معارضهٔ تقدیم اتدی روح بی فتوحن قبضهٔ
شمشیره تسلیم اتدی آخر منادی غیبدن ارجعی الی ربک نداسن کوش اتدی
مرغ روحی بال شهادت برله آشیانهٔ خاکدن پرواز ایدب نشیمن افلاکه کتدی بیت
روی دل در حدیقهٔ کرد منزل اندر ریاض رضوان کرد اندن صکره حنظله بن سعد
بجلی مابین صفینه وارب ندا اتدی وایتدی ای جنود عنود خوف ایدرم که مانند
قوم نوح وکروه عاد وثمود وجودیکز سوده کز غریق بحر طوفان عذاب ودادیکز
حریق نیران عقاب اوله اکر حصول عفو تبدن وتنزل بلیتدن امین اولمق دیلرسکز
قتل امام المکروب واقع اولان جرایمه انابت ایدک صف اشقیادن چقوب
جانب انضمامه کیدک زین العابدین بیوردیکه ای ابن سعد بو طایفهٔ بدخلقتک

چهرهٔ حاللري زیور انسانیتدن خالی در هر وجهله عذاب الهی یه لایقلر در وعقاب
نامتناهی یه مستحقلردر نقد کفتارک بونلره خرج اتمه که جواهر کلامک بدکوار یاننده
قدر وبهاسی وشمع تابانک لیل ایجرار مجلسنده نور وضیاسی اولمز بیت اکر عالم
بطولره سر قیر بود نه احتی اولکشیه کم اولکور نثر امام حسین بیوردیکه منازل شهدا
دنیا وما فیهادن اولی در ای ابن سعد بو مقالدن کسب حالت وعرض بشاشت
اتدی وایتدی شعر به بنده کی حسین افتخار خواهم کرد برای حضرت او جان نثار خواهم
کرد دلیروار به میدان رزم خواهم رفت به تیغ وکرز وسنان کارزار خواهم
کرد درون معرکه شیران دشت هیجی را بطعن نیزهٔ بی جان شکار خواهم کرد نثر
همان ساعت میدانه کیردی پنجه کوه صفت صاحب تمکینلرک وجود بی سودلرن کاه
کبی باد فنایه ویردی میان میدانه جنک مبارزانه وقتال دلیرانه قلدی عاقبت
درجهٔ شهادته وذروهٔ سعادته ایردی بیت چون ایدر یاری یار نه واصل
اجلک یوق نظری والحاصل نثر مرحوم مرقومک عقبنجه یزید بن زیاد بن اشعث الشعبی
ظهور اتدی کرکمان کشلکده یای چکر وتیر انداز لقده نشانه تیر بولنمزدی
میان میدانه داروب قبضهٔ کمانه ال اوردی سکسن عدد تیر دلدوز اتوب الکی
نفر بدکرداری تیر خاکی کرداد خاکه دوشوردی مثنوی چکوب یایی اوقاتی
سپهره دوشوردی خوف وخشیت ماه ومهره نه دم تیری خلاص اولیدی زه دن
کچردی جوشن ودرع زره دن نثر سمت اعدایه هر تیرکه اتردی حضرت امام اللهم
سدد رمیته واجعل ثوابه الجنة دیر ایدی کوشش بسیار وقتل بی شماردن
صکره اعدای غدار هر طرفدن هجوم ایدب جروح متعاقبدن بی قرار اولدی
آخر طایر روحی تیر انداز اجله شکار اولدی انک عقبنجه سعد بن عبدالله الحنفی ظهور
اتدی کر محمد حنفیه اقرباسندن ایدی مرد شمشیر زن ومبارز شیر افکن ایدی بر اسب
رهواره سوار اولمش ایدی که آب روان کبی زمین نورد وباد وزان صفت جهان
کرد ایدی سرعت ایله رفتاره کلسه بیک وهم وخیال انکله ایقدامش اولق محال ایدی

قطعه زمان سرعت ده وقت تکاپوی • اولیمز باد صرصر اکه همپا • کذر ایلر
سحاب وبرق مانند • نه کوه ودشت اولور مانع نه صحرا • نثر عزم میدان اتدی طرید
وجولان کوستردي بیت بکردید پیش وپس چپ وراست • باشادوانکه هم
آورد وخواست نثر هر مبارزی که میدانده کوردي • فی الحال برق خاطف کبی
ایریشوب ضرب تیغ ایله وادی عدمه کوندردی • عاقبت لکل اجل کتاب
حکمنجه روزنامهٔ حیاتی پایانه یتدی • راقم اجل کل من علیها فان رقمن صحیفهٔ
زندکانی سنه ثبت اتدی • عقبنجه جناده بن حارث انصاري محکم وسلح میدانه
کیردی کارزار بسیاردن صکره قنطرهٔ عبوردن منظرهٔ حبوره ایردی آردنجه
اوغلی عمرو کلام حکمت اعلام الولد سر ابیه حکمنجه عمل ایدوب عاقبت ضرب تیغ ایله
شهید اولدي • فی الحال پدر رحیده حضالنه وصول بولدي بیت بار بربستند آخر
زین جهان پر غرور • رخت درجنت کشیدند از سر ذوق وسرور نثر بونلردن صکره
حرة بن ابی مرة غفاري انصاري مثال هژبر شکاري • هر جانبه حمله ایدوب
یقین ده اولان تیغ آتشبار • وایراقده طوراني تیرجان شکار برله • وادی عدمه
کوندردي • هرکم که کوردی حمله مردانه جنکنی • تحسین وآفرین اوقودی • والدینه
آخر الامر بو عالم پرالمی ترک اتدی جنات تجری من تحتها الانهاره کتدی بیت
شوکم حق یولنه ترک ایده جانی • نصیب اوله جنان جاودانی نثر کتوشلر در که محمد
مقدادي وعبد الله ابو دجانه بربریله اتفاق ایدوب اجازت امام ایله میدانه
کیروب طایفهٔ طاغیه نک کاه انامل سنان جان ستان ایله طوامیر اعمارن منطوی
وکاه تند باد حمله برله شمع زندکانیلرن منطفی قلدیلر بیت شود کلو کشته اولدي
اهل طغیان • پراولدی پشته لردن صحن میدان نثر یغیلیدی کسیلن باش تنلدن
طولیدی رزمکه برج وبدندن نثر بو اثناده ملازمت حضرت امام ایله مشرف اولمق
ایکرندن ایکی عسکر مخالفدن • بر مقدار سوار اولایکی جیبن اعیان مبارزتی مردمک
دیده مثال اورتیه آلدیلر • هر طرفدن مژکان جانان کبی تیر وخنجر چکوب آت صالدیلر

مرقوملره معاونت ایچون بندهٔ علی مرتضی سعد وقیس بن ربیع واشعث بن سعد
وعمر بن قرظه وحنظله وحماد نام التی نفر دلاور پولاد نهاد جمله حمله ایدوب اعدای
تیره رایه براغ اوشوردیلر • لاله کبی دماغی سودا ایله پر اولان سرکشلرک سرلرن خاکه
دوشوردیلر • شهاب پیکان خاره کذار ابدان ارباب عدوانی غرباله دوندردي
بریق شمشیر دشمن شکار ابصار روحلرینی توحلرینه من خطف الخطفة فاتبعه شهاب
ثاقب معناسن کوستردي • اما کثرت اعدای جنک جوی • ودفرت جفای بدخوي
اول مرتبه ده دکل ایدی که مقاومت میسر اولیدی • اولاً محمد مقداد • وعبد الله ابو دجانک
کریبان حیاتلری دامن کل کبی چاک اولدی • وسرلری لاله کردار مستغرق خون وخاک
اولدي • واول التی نفر دخی برطریقهٔ یاران کذشته راه موافقت • وطریق مرافقت
سلوک اتدیلر • بوششی درفاینده • هشت بهشت جاودانیه کتدیلر رضوان الله
تعالی علیهم اجمعین بیت مرکدن کمسنه بولدی نجات • اکثروا ذکر هادم اللذات
بو محلده حضرت امامک یاران هوادار • وهواداران وفادار وملازمان باحز
الولا • وچاکران صادق الوفالرندن التی اوچ نفر کسنه شربت شهادت نوش
اتدی • رزمکاه دنیادن بزمکاه عقبایه کتدی امام امام زین العابدین دن غیری
اون طقوز نفر باقی قالوب اون التیسی فرزندان وبرادران واقربادن واکیسی
یاراندن • وبرینی عبد مشرادن ایدی • هر بری مفصلا بیان وعلی الترتیب
عیان اولنسه کرک مثنوی چو نوبت باآل پیمبر رسید • جهان جامهٔ صبر برهم درید
زمین شد پر از فتنهٔ زلزله • فلک کشته پر شورش غلغله نثر زبان روزکار مهزاد
زاری برله بو بیتک مضمون متکلم ایدی بیت چیست یارب کاتشی در بوصهٔ
عالم زدند • فتنهٔ انکیختند وعالمی برهم زدند نثر دنلک صاحب ادوارلی قرار دلی
بو نظمک مضمونی مترنم ایدی نظم تا شد روز قیامت اهل عالم را چه شد •
تا دیده صور فرزندان ادم راچه شد نثر چون امام حسین بو کجه سربازان محبتک
دیبا رزان مغارمود تنک قبای بقالرین مقراض قضا ایله بریده وجیب حیاتلرن

سرپنجهٔ قهرمان اجل برله دریده گوردی سوز حسرت ایله آه دردناک ایدب ال
الله اوردی **بیت** حال زارن نکر ایدب اولدمده کم آه ایلدی درد ولدن
جمله اهل بیتی آگاه ایلدی **نثر** اهل بیت بلدیلرکه باعث حصول ملال مفارقت
یاران صدیق وسبب ورود انفعال مصیبت خلان شفیق در جمله متفق الکلمه
ایتدیلرکه **بیت** اولمه درهم غم ایله ای مه خورشید خصال قولنسون خاطرکه ذره
قدر گرد ملال **نثر** سزدن صکره بزه حیات گرکمز یولکده اولمکه جان ویررز حرب
سیوفلدن وحرب صفوفلدن یوز دوندرمزز **بیت** میدانی عدو پشتهٔ طاراتمکه
کلدک جان نقدنی بولوکه نثار ایتمکه کلدک **نثر** امیددر فدای قیامتده لاله کبی
خونین رخسار قلوب باهمی ایله خاکدن باش قالدرمق میسر وسعادت شهادت
ایله نائز اولان خلان وفایل حشر اولمق مقدر اوله بر آتش شوق ومودت سوخته
لریوز شعلهٔ نار بلادن خوف ایلمزز دریای محبت غرقه لریوز سیلاب
قوت وفنادن غم یلمزز **بیت** ماجوداده دل ودیده بطوفان بلا کوییا سیل غم
خانه زبنیاد ببر **نثر** امام حسین بلا اختیار اغلدی بر برینه خیر دعا ایلدی **پس اول**
کسنه که اقارب حضرتدن میدان مبارزته قدم بصدی **عبدالله بن مسلم عقیل**
ایلدی ایتدی که یا ابن رسول الله بکا اجازت ویر اسب تحتی ساحت ممتنع
المساحه عالم آخرته سوره یم وسلام دنیامکی پدرم مسلم عقیله ایرکوره یم
بیوردیکه ای پسرعم هنوز پدر وبرادرلک جرح مصیبتی اوکلمامشدر وداغ
فرقتی التیام بولمامشدر بو مصیبت دیدهٔ شمع شبستان کبی اودلره یقوب
اغلتمه وپدرلک بزم مصیبتده ساقی دوران صونودوغی جام زهرالوده یه
سن شربت تلخ هجران قتمه داعیهٔ اعلای پدر رای نیم بدر وجودم لحاق عمانه
وبحجیاتم احتراق فوائد دوشمکدر سنده هرکز معارضه ایلمزلر دهرنه سمت
توجه اتسه کوز برکلمه سویلمزلر **قطعه** تماشا قیل نجوملک لشکرینه اکرچه کم طولودر
چرخ بدمهر کمندینه کسوفیله خسوفک طوتلمزمی بری الامه ومهر **نثر** عبدالله

ایتدی که

ایتدی که یا ابن رسول الله بنات پاک حضرت اله که جدوکی آخرالزمانه پیغمبر
وخاتم الرساله عالمی سخرا ایلمشدر بنی خصوص قتالدن منع ایلمه اولکه خدنکله
پدرعفوان دشمنارم در چشم ایرم نته کم قبلهدن اول وفادارلق طریقنده
پدرم عدودن سر الوب جان ویردی بوکون بن دخی اقربانک قبلسندن اقدم
جان ویرم امام طوبی خرام اول سرو روانی کنار اتدی دایتدی دل دیلرام شکله
آباد ایدی وجان تمکینم مصاحبتکله خرم وشاد ایدی اول دخی بکا حرام اولدی
ودنیاده ام مصاحبت تمام اولدی **القصه** شمع ایله میوب ناچار وداع
ایدب اجازت ویردی عبدالله که فرشهامت وکر مبارزت ایله شواقوتور
میدانه کیردی **مثنوی** منم پور مسلم شجاع عرب منم بو آتش عدو چون حطب
بهاشم مراهست فخر ونسب عزیزم قبیلهٔ شریفم نسب نمایم بصمصام اکنون
ادب برادرم زلشکر خروش وشغب **مادی ایدر** وقتی که عبدالله مسلم
میان میدانه کلدی گاه مانند مریخ شمشیر آبدار وکاه مثال شهاب ثاقب
نیزهٔ آتشبار ایله عرض هنر قلدی اخذ ثار پدر وبرادران ایچون مبارزی ابلان
مبارزانی زیر وزبر قلدی پسر سعد قدامه بن اسد فزاری نام پهلوان متوجه
اولدی وایتدی ای قدامه صاحب شهامه رستم دستان کبی پنجه جنک ویکارکور شش
دلاور نعمان سن وقهرمان اجل کبی پنجه دلیر شیرگیرک ارقوسن بیر وکتورمش
پهلوان سن بوجوان هاشمیه مقابل اولوب بزم رزمده جنک جنک چنک
اورب عود وجودن بیره چالمق آغاز ایله کندوکی مبارزان عراق ومبارزن
حجازمیان ننده مثال نیزه سرفراز ایله قدامه اقدامه کلوب ساز وسلب برله کمال
ومرتب براسب تیز کام سوار اولدی کرکم ودکلاه کلکون افتاب ایله
همعنان وطی منازلده پیک ماه جهان پیمایله توامان ایدی **مثنوی** جواشک
عاشقان کلکون خوش رو جهان پیما تراز شبدیز خسرو بسرعت بر فلک
پیشی کرفته به پویه باقمر خویشی کرفته **القصه** کلوب مقابل اولدقده عبدالله

نیزه حواله قلدی قدامه اتجه ترتدی حملەسن رد ایلدی هرکاه که عبدالله یراق
حواله ایدب اوزرینه یورردی قدامه مقاومته قادر اولیوب طریق عجزه سلوک
ایدب اسب گریزه عنان گوستردی هرچند عبدالله اردنه دوشوب تونغه
اقدام قلوردی اتی یوریلوب تکه تازدن قالوردی زیراکه اسب عبدالله
حسرت جودن کاهه وقلت علفدن برقوری گیاهه دونمشدی **مثنوی** اوللدن
اریه تک اوقینه اوماج اولور باشی بوینی قوس حلاج بیدی اریه برچه تردامن
دیدب آیتنی کوبی پنبه کردار جون عبدالله قدامه تیل جامه قومقدن
عاجز قالدی مانند شهاب نیزه سن براغوب شال آفتاب شمشیرن الدی
قدامه کوردی که الندن سنانی کتمش فرجناک اولوب سمند تازی سنه تازیانه
عوض ایدب برق رخشنده کبی تابشتاب ایله ایرب سینه عبدالله سنان خاره
شکاف حواله ایلدی عبدالله ماه نوکبی برجانبه میل ایدب حملەسن رد قلدی ذوالفقار
دمانه برتیغ اوردی که باشنک نصفی پران اتدی کمر کاهندن طوتوب سایه
دار خاکله یکسان اتدی ذوالطال اسب قدامه سوار اولوب کندو اتن خدمتکارنه
ویردی خاکدن نیزه سن الوب مبارزطلب ایدب بوابیاتک مضمونن ادا
ایدرک میدانه کیردی **قطعه** امروز بە بینم پدر سوخته جا نرا بشنو غم مظلوم
کشتم روح روانرا یادولت جاوید درآغوش درآرم در روضه فردوس
عروسان جنانرا زان پیش کر باشیر خلوت جنشینم باخاک برابر کنم این جمع
سگانرا **راوی ایدر** سلامه بن قدامه شبی عت عبداللهی که کوردی عمرو سعده
خطاب اتدی وایتدی یاعمرو مجرای دغاده نچه پلنک تیزچنک ودریای هیجاده
نچه جنک‌آهنک شیر پنجه قلدم بوجوان حاشمیده کوردکم جرأت وجلادتی دقوت
وهراستی هیچ برنده کورمدم **بیت** هرتیغ زنده که واره انده جدال اولسه سرلر
سم سمند میله پایمال اوله **نظم** چون سپاه مخالف بو حرب وضربی مشاهده قلدیلر
جوکان مبارز تندن وصولجان صولتندن کوی روانلرنی خلاص اتمک
میدان

میدان امکانندن بیرون ایدوکی بلدیلر هیچ برفردک زهره سی اولمدی که میدانه
کله اول پهلوان زمان عنوان ایله معارضه قلە عبدالله برمقدار توقف اتدی
کوردیکه میدانه کمسنه کیرمز تشنه لک تف وتابی جانه کاره دکرمشلک احتلالی دل
غلیل زاره قلمشدی قرار ایدەمیوب میمنه لشکره حمله ایدب حیره حمر حریره کرجنک
نهرواندن قاچمشدی واوغلی کامل بن حمیره ونچه انلرک کبی بوددای کرداب هلاکه
صالدی بعده کندو نیزه کبی قلب سپاهه اورب صالح بن نصر ایله ایکی نفر آدم
اولدرب میسره یه توجه قلدقده قدامه جیفنی برلە نچه سیه روزکارلرک صبح حیاتن
شام ایدب انتقام الدی مرادایدی که لشکرکاه امامه کله اول فرزانه یکانه نک
ربادە لربولن بغلدی علی الغفله خلاغ دمشقی نام صاحب خداع عقبندن ایرب
اتن سکرلدی آخر اول خلاصه خاندان عقیل زخم نیزه ابن مراجم برله قتیل اولدی
قطعه دریغ وحیف که مهرسپهر فضل وکرم بکال برج شرف اولمشدی بولدی
زوال همای روح هما بونی بال اچوب کتدی نشیمن اولدی اکا اشیان قرب
وصال **نثر** وقتی که مرحوم مرقوم کمانلیسی **جعفر بن عقیل** برادرزاده سن کشته وخون
وخاکه اغشته کوردی مانند شمع تابان سوزان وکریان حضرت امامه وارب
استیذان اتدی رخصت بولوب رجز کویان عزم میدان اتدی بعض ابیاتک
ترجمه سی بودر **نظم** قرة العین عقیلم من ومولای حسین دل وجان پاک
زالایش هرتهمت شین پسر عم منست این شهزاده که هست قرة العین نبی چشم
چراغ ثقلین این حسین بن علیست که جبریل امین بردرش خادم ودرادر خلیل
احتجین **نثر** هرمبارزکه معارضه اچون مقابل اولوردی نا الحال قفص وجودی طوطی
ناطقه روحدن خالی قلوردی ساحت حربکاه حده سپهر وکان کبی کوکس کردی هلاله
اعلا ایله جعفر اراوله میدانه کلسون دیرایدی جون اول مکان مردم خوار
باش باش جنک انکدن عاجز قالدیلر جمله هجوم ایدب اول مهین اعیان تجانی
دل علدوکبی اورتیه الدیلر اول قدر ضرب متواتر وزخم متعاقب اوردیلر که سفینه

اصطبارى كرداب اضطرابه وكشتى قرارى امواج انقلابه دوشدى آخر غريق
درياى رحمت اولدي • ذاكر غايه شهادت بولدي بيت درفرقت آن نورد
دل دراحت روح • جانها همه محزون شدد دلها همه مجروح نثر چون فرزندان عقيل
عقيله دنيادن خلاص بولدي برادري عبدالرحمن بن عقيل حرب وقتاله متصدي
اولدي برسمند آه عنانه • وانكك جولانه سوار اولوب شمشير آتشبار ميانه بلا اتدي
حربه كردن كش ومردم كش الله الوب ميدانه كتدى بيت دمادم بدان حربه مردم
كش • بمردم كشي دمي داد خوش نثر اول قدر جنك وجدال اتدي كه روى اسمانى غبار
وارت جهادن زنكاري • وصحن ميدانى كثرت خون اعدادن كلنار قلدى عاقبت
الامر سهم عبدالله بن عروه خثعمي برله جام سعادتدن شربت شهادت نوش اتدي
عبدالرحمن عند الرحمن مقعد صدقه كتدى چون اولاد عقيل بامر الملك الجليل رايت
عزيمتي دار الملك عقبايه دكدى • نوبت مبارزت فرزندان جعفر طياره دكدي جمله
اولادندن محمد بن عبدالله بن جعفر تقديم اتدي حضور امامه وارب هزار سوز و
كداز وتضرع ونياز برله ايتدي • اى شهباز اوج ولايت • وى عنقاى قاف قربت •
رجاى خاطرم • ومدعاى ضمير فاترم بو دركه چند پاكيزه سرشتم ايله فضاى خوش هواى گلشن
طيران المدن • وبال شهادت برله آشيانه سعادته كتمدن • بو چند صفتان ويرانه
ادبارك • وبوم سيرتان اشيانه الكارك • دانه وجودلرين مانند مرغ دانه چين
منقار كارزار • ونوك نيزه كردار ايله عرصه حياتدن چين ايدم • حضرت امام
اجازت ويردكده ميدانه كيروب مبارز طلب اتدي اهل كوفيه دنا اهلان شامه
خطاب اتدي وايتدي نظم باشما كارزار خواهم كرد • برشما كارزار خواهم كرد
وز براى دل حسين على • جان خود را نثار خواهم كرد • تاكنم دست ظالمان كوتاه •
نا بجرب استوار خواهم كرد • كين خود از شما بخواهم خاست • سر دل آشكار خواهم كرد •
شكوه در پيش جعفر طيار • از شما اين شمار خواهم كرد نثر هر كم نيزه سنه طيانوب مقابله
كلدى سنان جان ستان وتيغ سرافشان ايله چالشوب خاك ميدانى خون روان ايله

آميخته

آميخته قلدى آخر طاير روانى جناح نجاح ايله آشيانه قدسه كتدى حوصله مرغان
سبز بال كلزار جنانده قرار اتدى بيت حيفا كه راحت دل وآرام جان ايدى • شاه
زمان وقلوه خلق جهان ايدى نثر همشيره امام رهنمون زينب خاتون فرزند دلبندك
وقوع واقعه مصيبتندن شيون ماتم افزون ايله ناله قلدى • وبكاى جكر سوز ايله كلزار
رخسارن پر ژاله قلدى • وقتى كه ناله خواهر سمع امامه ايرشدى • يانته وارب نصيحت حكمت
آيت ايله تسلى ويردي بيت هر كه ايدر قضايه كوكلى رام • دهرايچنده بولور تسلى تمام
د مرحوم مرقومك عون نام برادري وار ايدى دلبرنامدار ودلاور مردم شكار ايدى
آذر مفارقت برادر جانانه كار ايدوب كندويي تير كبي هيجان ميدانه اتدى • ذو الحال قاتل
برادرى معوض هلاكه ايركورب حضور امامه كيدى وايتدى • اى خال حضرت ز هجوم فراق
برادر ايله مدهوش واز سرودن قلدى وقلعلان سرى فرق اتكدن قالدم • اول سببدن
لى اذن واجازت عزم رزم ميدان قلدم • مرجو دركه بوكستاخ خلق معذور يبورسز •
عساكر مخالف ايله مقاتله اجازت ويره سز • اول حضرت چوق نصح وپند اتدى ممنوع
اولمدى آخر هزار حسرت ايله ادبوب قوجوب اجازت ويردي عون عون الهه
توكل ايدوب رجز كويان ميدانه كيردي • ترجمه سى بودر نظم ما بيم نعقوت عيانها
برخاسته از زره كمانها • بر عرض رعيت شهادت • بر دست نهاده نقد جانها • چون
اختر تيغ زن كشيده • در ديده اهرمن سنانها • اى قبله طرازدين تازي • ما طاليم
نيستيم از انها • كز خدمت تو ملول كرديم • در زير وزبر شود جهانها • ما بغود شيم
حاشه لله • وصل تو باصل خانمانها نثر پس كينه برادر ايله تيغ آب كون وآتش فشان
چكوب خرمن اعمار اعداى خاكسارى برباد اتدى چوق سواردن چوق بدكردار
دار الجزايه ايلتدي بيت شود كلو دوكدى خونى تيغ بران • كه اولدى سنك خاره لعل
مرجان نثر معين عون اولوب عون الهى • دوشوردى خاكه نچه روسياهى نثر عاقبت
لباس حيات مستعاردن عارى اولدي حله شهادتى دربر قلوب بل احياء عند
ربهم مقامنه وصول بولدي چون خواهر زادكان امام علم شهادتى عالم آخرته

دكُرى نوبت برادرزادكان عاليشان حضرتة دكُرى قبلدن اوّل عبدالله بن حسن
ظهور اتدى كه سرو سهى كبى نوخاسته بدر تمام كبى ناكاسته جوان مه رخسار ايدى
شجاعت وشهامتده وصلابت ومهابتده نقدصاحب ذوالفقار ايدى بر
شهباز اوج بسالت ايدى كه منقار سهم خونباري وچنكلدن نسرطايرلاشيان فلك
زمان وبريلنك بيشه مبارزت ايدى كه چنكال حربهٔ مردم شكاري سهمندن اسد
سپهركبكى برقان اولمشدى مانند جوهر شمشير از پا تا بفرق پولاد واهن غرق
اولدي قطعه زمان كيرودار وقت پيكار ارنلر مغفر وجوشن كيررلر علاونك
ضربنى دفع اتمك ايچون سرا سرتيغ وشن آهن كيررلر بورنيب وفرّ ايله عمّيسى حضورينه
واردب ايتدى كه اى خلاصهٔ خاندان رسالت وى نقاوهٔ دودمان ولايت
وكرامت بكا دستور ويركه بار مفارقت اقارب وخيشاوندم ومصيبت ياران
دلبندم طاقتم طاق اتمشدر وعسكر ملال كشور وجودم بر مرتبه ده پايمال اتمشدر كه عنان
اختيار قبضهٔ اصطباردن كتمشدر اول جناب دروندلدن آه اتدى بهزار حسرت ايله
ايتدى بكا اجازت ويرهين كه برادرم حسنك نور ديده سى وفرزند كزيده سى عبدالله
تكرار اقدام ايدب دامن كردار اقلامنه يوز اوردي اول حضرت ناچار اجازت
ارزاني بيوردي بيت ايا غم او بدى تعظيما اوحهوش نبغشه وار اكلدى سروركش
عبدالله براسب تيزكامه وبر بادپاى تندخرامه سوار اولدي كه سرعتده كندو
سايه سندن سبقت ايلردى وماننده موج كندوى دريايه اوررسه ميان آبده حباب
با ننه اتش خجلت وشور ردي مثنوى بدى كشور يرپى برآدم ايله صهيلندن
سهيله هيبت ايرر قراراتسه اولور كوهه برابر قراراتسه ايرشمز باد صرصر
هزار فر وكر ايله عزم ميدان اتدى طاوس كبى جولان اتدى وايتدى شعر انا نكروني
فانا فرع الحسن سبط النبى المصطفا الموتمن وبعض شعار فصاحت شعاردن بر
وجهله ترجمه ايلمشلردر شعر خواجهٔ هر دوسرا جدّ منست جدّ ديكر ولى ذوالمنن است
پدر محترم محتشم نور بينائى زهرا حسن است دين شهنشاه كرامت يه حسين عادل

راه حق وعم منست نايب ذوالمنن است اندر دين انكه امروز امام زمن است
طاير قدسيم عم پدرم شهره طيار مرصع بدن است توجه مرثى توبا خار وخسان
روشن پرورش اندر چمن است فرد حاصل عمر شما اهل نفاق طاعت ديو ردى
اهرمن است زود رفتن بسقر كار شما جان ربودن زبدن كار من است فرد
مبارز طلب اتموب شمشير كبى ده شمنك اوزرينه چكلدي كروه مخالف بامواصف چو منلان
امواج دريا كبى بربرينك اوزرينه چكلدى يغلدى قلب سپاهه يعنى قرار كاه ابن
سعد روسياهه وار نجه يكرمى نفر آدم هلاك اتدى وايتدى مثنوى علاوى اولدر انكه
اشتباهى صور لمز كردم ودماوك كناهى هلاك ايت موذى چو قدر تغالي سنك
اولمز قصاص وحسابي عبدالله اول شياطين الانسك اوزرينه مانند رجوم نجوم
ايردكجك ابن سعد خوف ايدب كريزى مامن حيات بلدى كندوى ميان لشكره
نهان قلدى چون عبدالله دونوب مصاف كاهه كتدى ابن سعد آدم ارسلدن
چقوب مواعدزر وخلعت ايله عساكر ناميمون حرب عبدالله تحريض اتدي
كندو لشكرندن بحتر بن عمرو شامى ايلر وكلوب ايتدى كه اى ابن سعد سپهسالار لق
دعوى سن ايدرسن دهر يرده مبارز ميدان شجاعت كچرسن بو فضل ناشايسته
شرايط سرداران حزم آيين دن دور ولوازم دلاوران شجاعت كزيندن مهجور در
بيت سردار اولن علم كبى ثابت قدم كرك جان ويرمه باش اوله عالى همم
كرك نه ايجاب ايدر كه بو جوان حاشيمدن فرار ايدب سردارلق آب رويني
خاك ايده سن وكريبان عرض وناموسك نامرادلق اليله چاك ايليه سن بيت
خاك كبى عرضك پست ايلمك شيشهٔ ناموسى شكست ايلمك ز من بعد طعن سنان
لسان ارباب وبنى وسرزنش كرز طعن اصحاب ارمدن خلاص اولمق محالدر ابن
سعد شرمسار اولوب مانند شمشير باشن اشغه صالدي ومثال دهان تير دبسته
قالدى بعد زمان باشن كوترب ايتدى كه اى بحترى قانه صو حملم وچشمه
حيا لمدن ال بوملم اكر سمند قرار عنان كو ستروب جان لشكره كيرسم

مطلب رزم گاه

یکران جیاتدن میدان محاربه‌یه دوسمک مقرر وصورت وجودی اینهٔ ثباتده کورنمک
غیر متصور ایدی کفتار رنک صدق وکذبن بلمک استرسک اوشته میدانده حاضر از
بروار مبارزه منتظر در مثنوی سرو تاجی از دعوی انکیختی * بناموسی رنکی برآمیختی *
برو تا ببینی که این مرد کیست * بدانی که انجام ناورد چیست * جوابی رسی
برتوکین آورد * زتندی کره برجبین آورد * چنانت دهد مالش از تیغ تیز * که تا
مرک خواهی از و یا کریز * نثر بختری بداختر عمرو سعدک بو کلماتندن منفعل اولدی
نایرهٔ خشم وغضبی مشتعل اولدی کندویه تابع اولان بشیوز سوار نامدار ایله
عبدالله‌ک اوستنه حمله حمله آتدیلر وسپاه امام حسیندن محمد بن انس وابن سعد
ابو دجانه وبندکان حضرتدن پرویزان نام پهلوانلر عبدالله‌یه معاون اولمغ
ایچون رزمکاهه کتدیلر * پرویزان مثال ببر پران ایلرو آتلدی بختری بداختره
مقابل اولدقده بر برینه حمله قلدی * عبدالله بن حسن النه نیزه آلوب اول سوار
کینه دار ترک اوزرینه هجوم اتدی * اسعد ومحمد دخی حمله ایدوب عقبندن کلوب
تیلی پرویزان شهزاده‌یه کوردیکه قوم مخالف حمله اتدی بختریدن فراغت ایدوب
خدمته جان اتدی * اول چار رکن ایوان شجاعت بش یوز سوار نامدارک
اوزرلرینه حمله ایلدکده وجه توجهلرین دوندروب اوکلرینه قتدیلر * قوه قوه ملکوت
لشکر ابتره ایلتدیلر قطعه غو لرکم قادر اولطایه ستیزه * عنان همتی دتر کریزه *
اولومدن خوف ایدنلر جنکه کیرمز * مقابل اولمزلر تیغ تیزه نثر شیث ربعی که بشیوز
سواره مالک ایدی صف لشکردن ندا ایدوب بختری بونه حمیتدر قنده کیدرسن
بوجه سوار ایله دورت نفردن فرار ایدرسن دیوب تکرار دوندروب کندو دخی
بش یوز آدم ایله ساحت کارزاره آت صالدیلر * اول دورت پهلوانی نطفه
کدار قوشدوب اورتیه آلدیلر * بونلر دخی پشت توکلی عون وعنایت خدایه
ویردی حتی دفع مضرت اعدایه طوتوب عبدالله شیثه * وپرویزان کیرو بختریه
مقابل اولدی * ومحمد واسعد سایر خاکساره ایله بیکاره مشتغل اولدی جنک

وجدال

وجدال وحرب وقتال بروجهله امتداد وبرنوعله اشتداد بولدیکه بریق تیغدن
دیدهٔ مهر خیره لندی * وغبار سم اسبدن آیینهٔ سپهر تیره لندی مثنوی هوا تاب
نفسدن بغلدی میغ * جهان نادود برقدی شعلهٔ تیغ * غبار ایچره شعاع تیغ بران *
قرا بولوت ایچنده برق رخشان نثر نعره وخروش مبارزان * وغریو وجوش
محاربان کوس معکوس فلکی کم کم کلکدی قبهٔ زرنکار سپهری پرطنین اتدی
بیت غریو نعرهٔ شیران شیرزه * برقدی قبهٔ افلاکه لرزه نثر ابن سعددن
منقولدر که محاربهٔ کربلاده بر دیرانک قوت بازوسن تماشا قلدم فلک
عظمت وکبری یاسی حتی چون اکر براهجوم صو بولیدی بلا تردد جمله عسکره غالب
اولیدی یوز قرق آدم هلاک اتدی * نیچه طعن سنان ایله نیجه جان بکس ضرب
تیغ بران ایله خاکه یکسان قلدی قطعه الکله کیمکه کلدی ستیزه * سرام جسمی
اولدی ریزه ریزه * سنودکلو دکدی صاچدی خون کلکون * النده شاخ مرجان
اولدی نیزه نثر بو اثناده عثمان موصلی قضای ناکهانی کبی قفاسندن کلوب
ضرب سنان ایله اتندن دوشوردی * پیاده اولدقده نیزه سس برغوب مثال
نهال کل ختمی سپرن یا پنوب سوسن لاله ریزه ال اوردی * چون اسعد ابو دجانه
پرویزانی پیاده کوردی * فی الحال آتنه تازیانه اوردی * وارب اطرافنده حلقه
اولان خلقه هجوم ایدوب اون دورت آدم هلاک اتدی * ما علاهی تندباد حمله
سندن اوراق خزان کبی طغلوب کتدی * اسعد پرویزانه یتشوب وارب
اتنه بندرمکه مشغول ایکن * علوی کینه جوی هجوم ایدوب مانند سیل مواج جوانب
اربعدن قوبولدی * ازرق شامی نام سیه روزکار اسعدی غافل بولدی ضرب
سیف ایله عرصهٔ عرضه کاه شهادته ایلتدی * روح اسعد اسعد حال ایله سوی منزل
سعادته کتدی بیت دار محنتدن چقوب ایردی مقام عزته * روح اسعد حال
ایله کتدی جنته نثر بو جانبده عبدالله بن حسن که شیث ربعی برله مغارن مقاتله
طورمشدی * واثنای حربده واحدا بعد واحد ایلدی زخم اورمشدی شیتک

طاقتی طاق اولنجه جنک دبکار اندی آخر معنای الفرار مما لا یطاق برله عمل ایدب
اعوان وانصارنه ایله فرار اتدی عبدالله کوردی که لشکر مخالف پرویزان واعلی
اورتیه المشرخ فی الحال آت سوردی اسعد قتل اولدوغی محلده ایردی همان ساعت
قاتل اسعدک عقبندن ایریب معرض هلاکه ایرکوردی وبختری بداختره ایروب
سنان جان ستان ایله مجروح قلدی واطرافده اولان مبارزان ستیزه کار
حمله سنه مقاومت ایده میوب طغلدی **بیت** نه یرده جیدا یجون برآچه شهباز
دکل ممکن که بیتهوا ایده پرواز **نثر** عبدالله کوردیکه پرویزان مجروح وازرده وشکسته
وزخم خورده زبون وبی مجال دلش ال هونوب آت اوکنه الوی برنجه قدم کمکان
التنده اولان اسب روش ورفتاردن قالدی زیرا جروح تیر وسناندن غایتله
زبون وقلت خورد وآشامدن حالی دکرکون اولمشدی عبدالله سبکبار اولسون
دیو اتدن نزول اتدی پرویزان دخی سمند حیاتدن پیاده اولوب دار الملک
سعادته کتدی **قطعه** ازظلم وحسرت یاران وفادار دریغ ترک احباب کرفتند
بیکبار دریغ بالب غرقه بجون تشنه برفتند افسوس مایا جانیم بصد حسرت وبجا
دریغ **نثر** عبدالملک شهر وجودنه نار حسرت دوشدی شمع شبستان کبی یاندی
طوتوشدی **بیت** کرچه کم مشکل اولور یاردن ویار آیرولغی جاندن مشکل ایش
سوکلو یاردن آیرولغی **نثر** عبدالملک عاماندن عون علی اول شاهی نطع زمینده
پیاده کوروب فی الحال آت سوروب حضورنه ایردی کندو یده کین الکاویردی
بر اشهب آتش جنبش ایدی که سرعتده مانند شبدیز خسرو بلکه کلکون اشک
عاشقدن تیز روایدی سوار اولوب دست توکلی حبل المتین حسبی الله اوروب
وپای یقینی رکاب وما توفیقی الا بالله قویوب دل فی طرح دنیا ومافیهادن
قالدروب وعنان اختیاری قبضه ارادت آفریده کاره ویروب **بیت** رواح
کرد رخش عنان تاب را برانکیخت چون آتش آب را **نثر** پس لشکر مخالفه توجه ایدب
مبارز طلب ایلدکده یوسف بن اجار مقابل اولوب نیزه حواله قلدی عبدالله

وصف اسب

حماسه رد ایدب برسنان جان ستان اوردیکه اتندن تجلدی **شعر** الا ایه
سنان جان ستانی دوشوره خاکه جسم اروادانی کنش کبی جکرسه تیغ بران
شفق وش طاسی چرخی طولدره قان **نثر** یوسفک طارق نام پسری کشته سرشته
زندکانی پس کشته کوروب سموم آه اتی وآیین اولی الالبابی ترک ایلدی وحان
وقاحتی باز وزبان ملامتی دراز ایدب نیجه مختشیات سویلدی عبدالله حدت
وغضب مستولی اولدی بی اختیار نیزه حواله قلدی طارق ضرب تیغ ایله نیزه سن
ایکی بولدی وقصد اتدیکه عبدالله زخمناک ایده سرپنجه شجاعت برله کریبان حیاتن
چاک ایده عبدالله ال اوزتدی بلکی قادر یوب شویله صقدیکه استخوان ساعدلری
ساعدا اولیوب شکست بولدی دست آغوله میان بندندن طوتوب زمینه
چالدی فی الحال دار الجزایه واصل اولدی طارق مرقومک عدرک بن سهیل دیمکله
معروف عم زاده سی وار ایدی قبیله سی بیاننده دلیر نامدار ایدی عم زاده سنک
رخسار حیاتنه غبار ممات صاچلدوغنه محزون اولوب بی اختیار رزمکاهه کلدی
ووفور قهرندن خامه کردار زبان درازلق ایدب حیدر کراره وفرزندان نام
داره حرف اتدی عبدالله اوکفتار ناهنجاردن متغیر اولوب تیغ خارا شکافی
محرق طوتوب شویله چالدی که نیمه بدنی خاکه دوشوب نیمه اخری خانه زینده
قالدی **بیت** ای سنر حانه کرکم زنده قالدی بولندن جسمی نصفی زینده قالدی
عبدالله ایاغندن چکوب بیانه اتدی وکندو اتندن اینوب انک آتنه سوار
اولدی مبارز طلب ایتدی واتیدی **بیت** بچون رزمکاهی قویه خالی ظهور
اقسون ارا اولن اوشته میدان **نثر** اعدای بدرای کوردیکه پربیل مست ارکه
کوه کاهه وتیغ زهر آلوده برک کاهه صایلر هر که میدانه کیره مانند دراج چنکال
شاهنه کرفتار وشال هورپای پیل دمان ایله آزرده ورنا اولور پس هر کسک
مرآت ضمیری تمثال خوف ایله پر اولدی وساحت خاطری خاشاک خشیت برله
طولدی عبدالله کوردیکه میدانه کمسه کیرمز وانتظار واضطرار ایله ایشی باشنه ایرمز

محزون دلننک عزم رزم ایتکده ناکاه زمینده بر نیزه کوردی ال اوروب یردن
کوتوردی میمنه لشکر نحوست اثره توجه ایدوب اول ایکی تبه روزکارک حاصل
عمرین باد فنایه ویردی صف مصافدن چقوب کویان
حضور امامه ایردی • اول جناب بیوردی که ای روشنایی چشم عم وی بهجت فزای
سینهٔ پر غم • حالا جدّ و پدرک دفع حرارت عطش ایچون شربت صافی و راحت جراحتک
ایچون مرهم شافی احضار ایلمشلردر • عبدالله بو خبردن مسرور و فرحناک اولوب
قوم بدکرداره هجوم ایلیجک بش بیک مقداری غدار و ستمکار رجله حمله ایدوب
اول مرکز دایرهٔ شجاعتی اورتیه آلدی • عبدالله دایرهٔ بلانک احاطه سندن نقطه
کبی مقام حیرتده قالدی مثنوی کلدی جمع اولدی لشکر جرار صف در و تیز جنک
کینه گذار • سور کبی قوشاتدی دایره سن • خار وحش طوتدی گلستان یوره سن •
اول قوم منحوس عبداللهی امید خلاصدن مایوس ایلوب هر طرفدن شمشیر و خنجر چکوب
نیزه و تیر آتدیلر • وجود نازنیننه هر حلقهٔ زره باشنه بر زخم اوروب زبون
ایتدیلر • عباس علی که علمدار لشکر ایدی علمی علی اکبره تسلیم ایتدی برادری عون ایله
عبدالله عون ایچون رزمکاهه کیتدی عبداللهی اول دریای خونخواردن کنار
سلامته چیقاردی کثرت ضعف ایله آهسته آهسته روان اولورکن فهیان ابن
زهیر عقبندن ایریب میان کتفنه بر زخم هایل اوردی که اتندن یقلدی سمند
زندکانیدن پیاده اولوب فی الحال شاه راه شهادتدن دار الملک سعادته
عزیمت قلدی بیت جای مقیم روضهٔ خلد برین اوله • قبری انیس حضره دکین
حور عین اوله نثر عباس علی بو حالی معاینه قلیجق سر فهیانی چوکان تیغ ایله شویله
چالدی که کوی کردار غلطان ایتدی • اوغلی حمزه نیزه حواله قلوب صدد نده ایکن
انک دخی عوامصف شجاعت ایله زورق زندکانیسن ساحل دریای عدمه ایتدی
پس عبداللهی خاکدن کوتوردیلر حضور امامه کتوردیلر بو واقعه دن کانون
درون مخدرات حجراته آتش حزن و غم • و نایرهٔ الم و اندوه دوشدی خصوصا

مادر مشفقه سی شمع صفت یاندی طوتشدی بیت ازباغ ناز رفتن سرو چمن
دریغ • کنج جهان نهفته بزیر زمین دریغ نثر دریغ اول نهال کل کامرانیه که اول بهار
جوانی ده خزان اجل ایله پژمرده و حیف شغول چشمه آب زندکانیه که هبوب باد زمهریر
فنا برله فسرده اولدی مثنوی بو گلشنده غنچه گل اولدی ظاهر • کما و راقه یبله وار
مادی آخر • غنچه سرو سهی اولدی خرامان • که حکره اولدی خاک ایله یکسان • اکر شاه
اکر میر و کدا در • اجل ایینه آخر مبتلادر • ساوی ایدر جونق قاسم بن حسن
کوردیکه • برادرینک چهرهٔ زیباسی که گل گلستان ملاحت ایدی • باد صرصر فنا ایله
صولمش • و قامت بالاسی که سرو بوستان لطافت ایدی • مثال نهال ارغوان •
قانه غرق اولمش • بی اختیار کریان و سوزان • ماتم کنان • و ناله زنان بیت
دیده سی اشک خون ایله کریان • سینه سی نار هجر ایله بریان نثر حضور امامه کلوب
ایتدی که قطعه افتراق برادر بله شها • طور مغه هرکز اختیارم یوق • دللره
قلدی صبره هیچ مجال • اشک چشمم کبی قرارم یوق • اجازت شریف ارزانی بیورکه
بن دخی سایر دلاوران شمشیر کذار و دلیران شیر شکار کبی میدانه کیره یم •
سؤال اهل طغیانه زبان تیغ سریع البیان ایله قطعی جواب ویره یم بیت
حسام قاطع و بازوی کامکارم ایله • نزاع دشمنی فصل ایده یم حضور کله نثر اول
حضرت بیوردیکه ای جان عم سن برادرم حسنک یادکاری سن • و بکم دیده نک
انیسی و دلکاری سن • نه زبان ایله اجازت ویره یم • و نه جان ایله نفی وجود که رضا
کوستره یم • بو اثناده مادر قاسم کلوب اوغلی علم رضای مشوقلمات ایتدی •
اول شیر ژیانی بند بند ایله کندو خیمه سنه ایلتدی و ایتدی بیت ای بدلم کرفته جا
لطف کن از نظر مرو • مرهم سینه جون توی مردم دیده هم تو شو نثر قاسم که خیمه کیرب
اوتوردی • سر فکرتی زانوی حیرته قویوب بر مدت طوردی • ناکاه یادینه کلدی که
پدری امام حسن او سرو سرفرازه بر بازو بند آتمشدی • نهال بازوسنه غنچه صفت بند
ایدوب ایتمشدی شول دم که بلاده اندوه بسیار • و ملال بی شمار سکا غالب اوله بو تعویذی

سعادت نویدی آچوب کوره‌سن حرف بحرف اوقویوب مضمونی یرینه کتوره‌سن
املی هیچ بوندن زیاده مغموم ایتامی و بوندن ارتق مغموم هنکامی اولمز تمام و قیتلیدر
تعویذ مرقومی آچوب کوردی خط پدر فرخنده سیری یوزنه کوزنه سوردی بیورلشکه
ای قاسم سکا وصیت ایلرم که تکک حسین صحرای کربلاده شامیان شومک کندیخجلسنه
وکوفیان مذمومک دام ادباسنه کرفتار اولدقده نقد حیاتک خاک قدمنه نثار ایله
سن و سربازان سوکه المحبت میاننده جان فشانلغ ایله افتخار ایله‌سن هرچند
سنی محاربه‌دن منع اقدام ایده زنهار اسب بجانبه عنان کوسترمیه‌سن و سپهر
کردار بکار بدکرداردن یوز دوندرمیه‌سن زیرا انکک محبتنه جان فدای انکک افتتاح
باب شهادت و وسیلهٔ ادراک سعادتدر بیت کدام کشتهٔ عشق و لیست روبر
فلک که جان کشت بجونش غریق رحمت نیست نثر قاسم چون وصیت نامه قرائت
ایتدی دل مجروحن رحم سلوتله راحت ایتدی فی الحال قالقوب حضور امامه ایردی
رقعهٔ وصیتی دست شریفنه ویردی مضمون منیفنه مطلع اولوب درون دلدن
آه ایدوب ایتدیکه اگرچه مضمون خط استوارکی راستدر لکن سنک موا جکده
بکا بر وصیت دخی اتمشدر حصول مرنده اقدام اقلامی سرحد احتمامه ایلتمشدر
داعیهٔ نهادم اولدرکه وصیت مرقومه قیام کوسترم و علی الفور یرینه کتورم پس
ال الناقوب خیمه‌یه کیردی برادراندن عون و عباسی ایچرو چغردی امام حسینک
اسبابی طورردن صندوقی آچوب امام حرقومک کندو ردایسن و برجامهٔ قیمتدار
جامهٔ زیبالیسن چقردی دست شریفیله بر عمامه صاروب قاسمک باشنه کیروب
کندو دختری که نام زاد اولمشدی نکاح ایتدی اصل وصیتی بودر دیوب الی الله
وبروب خیمه‌دن طشره کتدی قاسم دست عروسی دوتوب کاه یوزنه باقوب
کاه باشنی اشاغه صالوب دریای افکاره مستغرق و تاب نایرهٔ شرمندن کل
رخساری مثال ژاله عرق عرق اولوب طورر کن ناگاه عدوی بدخواهدن حیل
بهار زمداسن اشتدی محبت عروسدن الچکوب عزم رزمی تصمیم ایتدی عروس صاحب

ناموس دامنن طوتوب ایتدی کهای قاسم نه فکر ایلرسن بنی قویوب قنده کیدرسن
بیت سن کیدوب درد فراقیله بنی زار ایتمه دوشوب بند غم حجره کرفتار ایتمه نثر
قاسم دیدیکه ای دختر عم دیدی انیس دل پر غم لطف ایدوب دامن کیر اولمه بوکون نسیم
بهجت و سرور ریاض حیاته و شمیم فرحت و حبور مشام جهانه ایرمز اگرچه مهر محبتک
کاشانهٔ خیرمه پرتو صالمشدر لکن ثمرهٔ شجرهٔ ازدواجدن تمتع و علاقهٔ دیدار کی
قیامته قالمشدر بیت عزور ید رجاسندن جدالق نولیدی اولمیدی اشتیالق
حالا دیلرمکه دفع مضرت اعدا قصدنه حربگاهه کیرم آخر ارجعی الی ربک شاه رحمنله
مقام شهادته ایرم مثنوی غباری بر دمید از راه بیداد شبیخون کرد بر لشکر ایج
شمشاد برآمد ابری از دریای اندوه فرو بارید سیلی تا سر کوه ز روی دشت
باد تند برخواست هوا را گرد با خاک زمین راست رسید از عالم غیبی صدایی
صدایی نه ندای آشنایی که احسنت ای زمانه وی زمین زه عروسا زا بلا مادادن
چین ده القصه اول عروس حجلهٔ عفت و بانوی حجرهٔ عفت نقاب حجابی
چهرهٔ کلامدن رفع ایتدی نامه‌کی بیانه و خامهٔ صفت زبانه کلوب ایتدیکه بور
دکوز که سجلهٔ حشر اولمز قیامته قالدی اول کون نره‌سنی نه محلده طلبکار اوله‌یم
و نه علامت ایله حبت و جو قیله‌یم قاسم خطاب ایتدی ای بانوی سازکاره
بنی جد بزرکوارم حضورنده طلب قلسن و بو آستینی دریده‌دن بیلسن دیو
سر آستینی جیب غنچه‌کبی چاک ایتدی بو صورت ایله خیمه‌دن چقوب کتدی چون
ایکی یار وفادار بربرندن جدا اولدی درون خیمه دخان آه و فغان ایله طولدی
مثنوی بوی کورنش دکلدر اهل عالم که بر برده اوله سوریله ماتم دکل رسم
عروسی آیین داماد که اوله منزلنده آه و فریاد نثر امام ذوالمکارم کوردیکه قاسم
میدان رزمه عازم اولمشدر جانب دعوت ایتدی یاننه کلدکده ایتدی چون
کندو ایاغکله کورستانه کیدرسن بو صورت ایله کیمه بس لباس اوربدامن جیب
کبی کریبانن چاک ایدوب لباس کفنه شبیه ایلدی و طرفین عمامه‌سن علاقه‌ی

اوستندن آقوب زیر زنخدانندە نبغلدی کندو تیغی الندە دیردی میلان کار
زارە کوندردی قاسم عزم رزم ایلدی ماند بلبل خوش نواز بانە وشال
طوطی شکر خا بیانە کلوب اشعار بلاغت اشعار اولدی ترجمەسی بودر ابیات
دل خریدار جاه خواهم کرد • جان شکر ریز شاه خواهم کرد • بهر سم مرکب سرخود
ماه وماهی تباه خواهم کرد • آب هندی واسب تازی را • بر شهادت گواه
خواهم کرد • بلبل آیین بنغمهای حزین • بانک اسپندآه خواهم کرد • کبریا را کفیل
خواهم کرد • مصطفی را گواه خواهم کرد • با بتول وعلی شکایت قوم • در حرم
اله خواهم کرد نثر اول دلیر نیل جوشن • ودلاور پیل کوش • مانند ببر وشال
ابر رزه پوش اولوب میان میدانە واروب اعدا ایلە جنک ایلدی غمزۀ خوبان
کبی پنجەمردم ناوک اندازک میدان وسیع حربکاهی چشم تاتار کبی باشنە تنک
ایلدی مثنوی اوروب اعدایە تیغ آبداری • دوشوردی خاکە نیجە خاکساری
نە زهر قاتل اولور تیغ بران • کیما ایچورسک اولور خاکە یکسان نثر بارزان شمشیر
دار تیغ جان سوزی وهمندان وحاربان تیرگذار خدنک دلدوزی سهمندیا
میدانە کیروب زە کمان کبی کوشە وکنارە کوزلر ایدی وپرکار وار دایرە
چزرلر ایدی قاسم میان حربگاهدە طوروب مبارزان موکب انتقامە لکن
اجل کتاب مغاس تفسیر ایدردی وبو ابیاتک مضمونی تقریر ایلردی
مثنوی ندم خورشید تیغ اولە رخشان • عدو انجم صفت اولە پریشان • کمان
کشلکدە بر یایم چکر یوق • اوق اتمقدە نشانە یتر یوق • بوکون برک اولمز کا
همسر اولوبن استیسن کلسون برابر نثر کوردیکە هیچ کس قرشو دورمز شمشیر
جلادل اورمزلی اختیارات ویردی ابن سعدک مجازسینە واروب ایتدی
ای ستمکارلی وفا وی تیرە روزکار پرجفا امام مظلومک بونجە یاران
هوادارن شهید ایدک وخویش وند دلفکارن سرجنگ لانە کاتیدن بعید
ایدک هنوز وقت اولمدیمی کە بو فعل ناسزادن فراغت ایدەسن نە اغنی

قوبوب

قوبوب پنجە انصافە کیدەسن مثنوی رعایت ایلیی آیین دینی • قومز دل اوده
سندە نقش کینی • نکوخواهک سعادت رهبری در • بداندیش اول انلردن
بری در تشنە لک تانبدن کل کلزار رسالت بی تاب اولدی صوزلق حرارتندن
سبزەزار باغ آل صولدی بیت کسە لایق کورمزانی تشنە لکدن دریغ
جان • انلرکم خاک پای چشمۀ حیوان در نثر عمر وسعد جواب ویروب ایتدیکە
یا وقت اولمدیمی کە آتش کبی سرکشلکدن فراغت ایدوب یزیدە بیعت ایدەسز
وبسر زیادە متابعت ایدەسز تاکم بو مضایقەدن خطر اتندن • وبو مهالکدن امن
امین اولوب کیدەسز • معلوم کدرکە ایکیلکدن برلک داولولمدن دیرلک یکدرز
قاسم غضبە کلوب یزیدە نفرین ایلدی • وابن سعدە ماند سنان اطالە لسان
ایلدی • وایتدی ای متاع دینی حطام دنیایە صاتمش • وای سرمایۀ امانتی آب
خیانتە اتمش ظالم بدکیش • وخاین منافق اندیش بر عالم جاهلدن بیعت
المق • ور زاهد بر فاسقە متابعت قلمق معرض هلاکە ایرکورمکە نصب نقل ایمک
قنغی دیندە مقبول شروع • ونە اصل ملت میاننده پسندیدە ومطبوع عالمدر
قطعه حماۀ حرمک صیدی چون حرام اولدی • حرم امامتە قصد ایلمک حلال اولدی
وبالی اولیە نکتا نی الجسە برظالم • انکلە جنک وجدال ایلمک دبال اولدی نثر قاسم
ایتدی ای ابن سعد بوکون اتوکە صو ویردکی ایتدیکم ویردم • اندن بو محلە
ایردم بیوردیکە • دیلک یا ابن سعد • بونجە مسلمانلق درکە اتوکی سیراب
ایدەسن • شیر بچکان میدان امامتی • وشاه سواران عرصۀ ولایتی آتش عطش
ایلە بی تاب ایدەسن بیت تشنکان کربلایە کوزلرندن غیری چیچ • کسنە مردملک
ایدوب ویرمدی برقطرە آب نثر قل لا اسئلکم علیە اجرا الا المودة فی القربی معناسی
رعایت المزسن • ومذکر • اذکرکم فی اهل بیتی تحوسن اشتمزسن نیچون التهاب
آتش عطش قیامتی تذکر وساقی حوض کوثر قاتندە فور وخجل اولاجغکزی تفکر
ایلمزسز قطعه دولت دهر دون ایچون عاقل • ایلمز کمسیە تعدی وحیف • نیچون

بنجون اتسون که مدتی جون ادلور مثل طیف خیال در مرتبه ضعیف نثر ابن سعد اعلا
جواب ویرمدی اما سپاه کمراهنه نگاه ایدوب ایدیکه بو سواری بیلور میسز
ایدیلرکه بیلورز قاسم بن حسن در جدی علی مرتضی وجده سی فاطمهٔ زهرا در ساحت
خاک جولانکه ابلق لیل ونهار اولنلی سپهر سیر بونک کبی فارس میدان شجاعت
معاینه ایتمشدر وخورشید نیزه دار ومریخ خنجر گذار فضای افلاکی حربگاه
قلمی کورش تیر و بخلیس شمشیرزن استمشدر بیت سپه کرچه باشد جهان در جهان
نترسد ز حرب کهان ومهان اعدا بو کلمه بر برجک آنکله باشه چقلم وجبیل
راسخ صدمهٔ سیل ایله نقیلم فکر صایب وتدبیر مناسب اولدر که بر یردن اوزرینه
هجوم ایده سز امید حیاتدن محروم قله سز لشکر مخالف ترسان وهراسان می صره
قاسم عزم ایتدی قاسم هردل بو معنیدن غافل خیمهٔ عروسه کتدی جون در خیمه یتدی
آواز عروسی کورش ایتدی وانده مفارقت ایچون کاه آه ایدوب غلر که ناله قلوب
اکلر قاسم دخی کال رتبه ده آرزومند ایدی بسرود درد آمیز ایله ترنم ایدوب بیت
محنت انکیز برله تکلم ایتدی بیت بروتا آندکی جانا که بسیار آرزو دارم وداع
عمر نزدیکست ودیدار آرزو دارم نثر عروسی حق قاسمک اواززن ایشتدی در خیمه یه جوب
ایتدی بیت خوش ایدی زکجا میرسی بیا بنشین بیا که می حسرت برد دیده جابنشین
قاسم اندن اینوب یانه واردی ایتدی ای دختر عم وی انیس دل پر غم نه قرار
زمانم ونه کفتاره امکانم واردر زیرا اعدادی بد خوی مانند زخم دل صد چاک هر
طرفدن اعدا جمشدر دلم که تکرار میدانه کیرم صولت تیغ آبدار ایله حرارت
عنبر ریزه لرن سوندیروب سیل فنایه ویرم حق علیمدر که اخشبا اهلسندن مفارقت
الزم ودرضا مله فوبوب کتمزم بیت زدیدار توام دوری ضرورت می شود ورنی
نخواهد هیچ موجودی که جان از تن جدا باشد نثر پس قاسم تابستابله وداع ایتدی میدانه
محاربه یه کتدی اما متصل عروسی مانوس حالی فکر ایدردی انک زبان حالندن بو
مضمونی کوش ایلردی بیت در آرزوی روی توایام زر گذشت واحسرتا که

باتو

باتو نکفتیم سر گذشت نثر وقتی که حربگاهه یتدی مبارز طلب ایتدی مصراع
اول پهلوانه هیچ معارض بولنمدی اول شیر جنک جوی واول پلنک نهنک خوی
بر قهر اولوب قلادهٔ جبر وتحملی قوروب کندوی دورت کره عسکرک یمین ویسارنه
وقلب وجناحنه اوردی هر برنده بازار کارزار ردونق پهلوانک نقد حیاتن
چرخه سوردی وهر نه دم معارضهٔ خصماندن فارغ اولوردی میان معرکه یه کلوب
مبارز معارض طلب قیلوردی دفعهٔ رابعه ده که منازع طلب ایتدی پسر سعد ازرق شامی
نام بد انجامی یانه اوقیوب ایتدی ای ازرق لشکر شامیانه سپهسالار اولدینک
حیثیتدن غیری بزیدن اون بیک التون سالیانه آلوربرنا ملارسن وطنطنهٔ
شجاعتی اسماع دلیرانه جهانه ایرکورشن لیر پر اشتهارسن نیجون بر جوانک میدانه
کیرورسن میانی حیاتن شمشیر ابدار ایله سیل فنایه ویررسن ازرق ایتدی ای
عمرو بونه سوزدرکه دیرسن بو غایت لطیفه ی ایدرسن بنم مرتبهٔ شجاعتم اکلیوب
پایهٔ قدرم پست وآبکینهٔ ناموسم شکست ایتمک کا مناسب میدر اهالی ولایت
معروف شام بنی بیک سواره برابر وسام ونریمانه همسر طوتارلر روا میدر که نام وننک
ایدم بونک کبی کودک ایله جنک ایلیم عمرو ایتدی ای شقی مدبر وی جاهل متکبر بو
جوان پیر حسن مجتبادر فرزند شیر خدادر تعللی قو میدانه کیر اریسک بوکا جواب
ویر ازرق سیدالی ایدیکه جسمی جوشن کبی پاره پاره قلسه لر صفتین قریعین حال
حیرت مالمه چشم حقارت ایله انظار معلق لر بو کودک ایله مقابل اولنق محالدر اما
چونکه بو قدر ابرام ایتدکز دورت اوغلوم واردر هر بری چشم اهوانه کبی شیر افکن
وترکان دلبران کبی تیرزندر بوکون کوندره یم وارسون جنک وجدال قلسونلر
نا لحال اسب حیاتدن پیاده ایدب سنی بو اندیشه دن فارغ البال قلسونلر پس
پسر مهترین چاغروب کندو شمشیرن قوشادوب اسب صبا رفتارنه بندردی ودرز
وقولجاق وبات ویراق برله پیراسته قلوب میدانه کوندردی نا الحال صلوب
سنان جان ستان ایله حمله قلدی قاسم حمله سن رد ایدب مانند آفتاب تیرهٔ آتش

تابن راست قلوب اوستنه طوغرلدي پس ازرق سپر پولادلغادن قرشو طوتوب
بر ضرب اوردی که نیزه سنک صری بوکلدی قاسم نیزه سنی براغوب النه شمشیر آلدی
اول دخی نیزه سن براقوب شمشیر آتش فشان الینه آلدی اوستنه آت صالدی قاسم سپرن
قرشو دوتوب قوت بازو ایله چالوب ایکی بولدی اول ضربدن پشت دستی
مجروح اولدی لشکرگاه امامدن محمد انس قاسمه سپر کوروب فی الحال سپرن الینه
الوب استعجال برله قرشو واروب قاسمه ویردی دستارینک برنغاردن بر توب
پاره سن صردی پس ازرق آتش غضب ایله کوز قرروب تکرار یلک تیغ ایله کلوب کچ
ای سورجوب دلبندی دوشوب ماتند توغ سر برهنه قالدی قاسم چابک سوار
تابشتاب ایله ایرب بر حمله بر حمله الدی اطراف صافکاحی برکار دوار دوندردی
آخر سپره چالوب اننه جکنتلردی بر تیغ مجوهری وار ایدی غایت ایله مصنع و
قیمتدار ایدی قاسم ال اوزادوب خاکدن تیغ و نیزه سن آلدی کیرو دونوب میدان
حربگاهه کلدی ازرق فرزند ناخلفی خون دخاکه مستغرق کوروب چهرهٔ حالی معبر
و مشرب امالی مکدر اولدی اوغلی پدرین کال ملالده کوروب اجازت واحد
بعد واحد میدانه کیردی هر بری ضرب حسام خون آشام ایله جان ویردی ازرق
بو حالدن غضبناک اولوب دیده اری طاس پرخونه دوندی مانند گرد باد سینه
چاک ایدوب باشنه طپراق صچوب اول میدانده نجه زمان دوندی مثنوی کیمک نجه
دونوب یوز طوته ادبار بلا لو بشی اولور بوینه بار اولو نمانی هر کم ایده
دلشه هجر یوز صوینی بیره همیشه نثر بالاخر قصد انتقام ایچون ساز وسلب
ایله آراسته واسلحهٔ حرب برله پیراسته اولوب برسمند بونده سوار اولدیکه کرم روکده
واهن خایلقده آتشی ایله رضیع اللبان وتیز کاملقده وخوش خراملقده باد
ایله شریک العنان ایدی مثنوی زنعل و به صحن زمین گرفته هلال زکوش او چه
روی زمین گرفته سنان نه در مفاصل او سستی زتاب رکاب نه در طبیعت
نفرة زتاب عنان نثر همانده الینه نیزهٔ آتش فشان آلدی اننه تازیانه اوروب

میدانه صالدی تقابل اولوب ایدیکه ای قاسم سنک دل دی نابکارنی حاصل بو
کون دورت اوغلوم هلاک اتدک که هر بری حکه الآیده بولنمزدی و تیغ زنکلده
کسنه یغم اولمزدی صرصر فراق کلزار جمعیتم پژمرده وعواصف افتراق شمع رفاهیتم
مرده قلدی قاسم ایتدی که بو بابده غم یمه واندوه غمم دیمه که اولاد بدنهاد ک
نوشی اندوکی جامدن سکا دخی ایچوره یم برنفسده سنی اول سه کار دبدکردار ره
یتوره یم اما حضرت ازرق قاسمه تقابل کوروب محزون اولدی زیرا ازرق مثال شیر
دلیرلکله موصوف و مانند شمشیر قاطعلکله معروف ایدی دست تضرعی درگاه
عزته رفع ایدوب حیم جاندن ودرون جناندن مناجات اتدی قاسم پردلنه فرصت
و فرصت دیلدی بو اثناده ایکی دلیر شیر افکن بر بر ینک اوزن ایکی حمله سن رد اتدی
هر بری فن بهادرلک سرحدالجازه ایلمدی آخر ازرق غضبه کلوب سمند قاسمه بر نیزه اوردی
قوائمی نکال اجل ایله شد دوش ده آمد وشد مسدود اولدی حضرت امام نظر ایدوب
اسب قاسمی بی روح کوردی فی الحال محمد انس ایله کندو یدک کوندردی واصل ولدقده
سوار اولوب تیغ الماس لعل وزمرد فامی معدن نیا مدن اشکار ایدوب آهنگ
جنک اتدی ازرق بدکوهر میدانه چکوب حربگاهی باشنه تنک اتدی قطعه بیاتا بنرد
دلیران کنیم درین رزمگه جنک شیران کنیم ببینیم کرا بلندی کراست درین کار
فیروز میدان کنیم نثر چون ازرق اول تیغ جوهرداری قاسمک الینده کوردی بو
بو شمشیر آتش تابی شمسهٔ شمس کبی هزاره بیاره الدم بعلی سکاکم ویردی دیو صوردی
ایدیکه اوغلک یادکاریدر حالا بو با زر میدان شجاعتک کمربند استظهاریدر ای
ازرق اقران داشلک میانده حرامت ایله شهره بندسن و تیغ زنکلده آفتاب
کبی بی مانندسن روامیدرکه سمند نوندکک زیر تنکه بند ایکی ترک ایده سن میدان
حزمی تو بو سطریق غفلته کیده سن ازرق کف پای کفینی رکابه بصوب میزان عقل
ایله وزن ایدوب خطاسندن حذر اتدی آخر الامر غایت حزم ایچون اکلوب خرام سمنده
نظر اتدی قاسم فرصت بولوب میانه بر تیغ اوردی که خیار تر کبی دو نیم قیلدی نقلدیات

قابض ارواحه تسلیم قلدی مثنوی غوا بلکه اوله سرور و حبور اولور التبله آخر
حزن و مقهور انلکم تیره ایده روزن افلاک نه فرو برسه کرک شمع ادراک
قاسم کندو آتندن اینوب اسب ارزقه سوار اولوب جنیبت امامی لجامندن یدکی
اول حضرتک حضور هدایت موفورنه ایلتدی و ایندی ای عم بزرکوار اکرچه صو
بولیدم ناودان نیزه دن اعلای بدر ایک کلزار حیاتی اوجاقلرینه صوقویدم ایل
حضرت تسلی ویرب بیوردیکه حالیا جد عالیشانک النده شربت کوثر نوش ایدرسن
عموم حرارت عطشی سرجمله فراموش ایدرسن دلدیکه نوید فرح فزا و بوا امید ترح زدا
ایله عموم رزم ایله حضرت بیوردیکه مادرکه وارکه نار اشتیاقکله سوزان و بار
افتراقکله نالان و ناتواندر بیت خرابیم است اندرجان نثل از دست فراق تو
دلش پیوسته می سوزد ز درد اشتیاق تو نثر قاسمک دخی دریای اشتیاقه جوشش تدی
جانب خیمه یه روان اولوب آواز مادری کوشش اتدی ایدر دی که ای فرزندار جمند
وی آرام دل دردمند ایا جمال باکمالک بردخی کورمکمی یا خود درد فراقکله جان ویرمکمی
بیت رفتی از دیده من بهر سرایم بی تو تو کجایی که ندانم که کجایم بی تو نثر عروس
دخی کاه اغلر کاه اکلر بو مضمونی تکرار ایلر بیت رفت آن یار مار از دل زدی بو
هوس ماند هر نم هجران او با جان شیرین همنفس ماند نثر قاسم که افتراق مادر و عروسیکه
اشتدی مانند بلبل ناله و فریاد اتدی مادر و عروس آواز قاسمی کوش ایدوب خیمه دن
طشره چیقوب اشک چشملری کبی یوکرشدیلر جکدن فارغ اول درون خیمه یه کیردیو
ایاغنه دوشدیلر بیت دیده از هجر تو خونبار شد ای مردم چشم مردمی کن که شواذ
دیده خونبار جدا نثر هزار ملامت ایله نصح و پند ایتدی و ایتدی لطف ایدب لوازم
مصابرت بلیته و مراسم تسلیم حکم اوتیه مواظبت ایلک که سبب سعادت دوجهانی و موجب
مصادقت اقبال جاودانی در بنم سزدن مفارقتم اختیاری دکل اضطراری در اکرچه
سیل آب دکل میدانه در اما توجه جان و دل جانانه در بیت ما برفتیم و دل آواره
در کویت بماند جان نماند از هجر و در دل حسرت رویت بماند نثر چون قاسم وداع

ایدب

ایدب سمت رزمکاهه چکلدی جنک حتی اعلام دشمن بداخترانکونسار اولنکه معروف
قلدی وقتی که نیزه دار قلب سپاه طوغلدی پیاده لر اطرافن بغلیوب سد راه اولدی
و سوار کینه کذار جوانب اربعه سن برد جمله محیط اولدی که نطاق بیان احاطه سندن
عاجز و طوق ضلالت کبی خبر ضبطدن متجاوز ایدی قصد اتدیکه کنار سلامته چقه هر
طرفدن شهاب آسا تیر و سنان آتدیلر سمند صبارفتارین زخم کران ایله لیجان اتدیلر
قاسم آزاده نطع میدانده پیاده قالیجق شیث ربعنام بدانجام اوستنه اتسورب
سنان جان ستان آتدی سینه بی کینه سنه راست کلوب یلمان سنان ظهرندن
کذار اتدی اول جکده کاسمه کیرو بیلی برده زخم حایل و جرح جان کسل ایرشدی کثرت
اراقت دمادن غایت زبون اولوب یا عماه ادرکنی دیوند آتندی اول
صدا کوش لعامه ایردی امام همان ق لطاالت سورب میدان اعدادن الوب
بارکاهنه کتوردی هنوز حیاتدن بر نفس و نایره زندکانیدن بر قبس باقی ایدی
اول جناب سر شهادت افسرن زانوی مرحمته آلوب یوزین یوزینه سوردی مادر
و عروس انده حاضر اولوب کریه ماتم افروزه اغاز اتدیلر آه جانکاه حسرتناله درد
آلوده پیسار اتدیلر بیت رعد کبی آه وافغان قلدیلر برق کبی یاندیلر یاقلدیلر
قاسم کوزین آچوب تبسم کنان جان ویردی بو ابخی عسرتدن تنیمی عشقه ایردی
بیت دریغا که پژمرده شد ناکهانی کل باغ دولت بروز جوانی نثر ناکاه بارکاه
امامت پناهدن آواز مصیبت سازیمد اولمغین مخدرات عصمت آیات بریره
جمع اولوب ناله جانسوزی ایوان کیوانه و آه ماتم افروزی کنبد کردانه ایرشدردیلر
قطعه خون دل جوش ایلیوب بی اختیار کوزلرندن هر برنک اقدی رود دم
رسم ماتم اولدو مجنون جامه سن ایلدی کیمی سیه کیمی کبود نثر مادر قاسم ایتدیکه ای مظلوم
مادر دریغ اول ماه رخساره که سپهر شبابده رشک آفتاب عالمتاب ایکن عرصه
جهانی روشن اتلدی محاق فراقه کرفتار اولوب خاکه برابر اولدی و حیف غول رحیم
قابض البرکاته رنجات وجود و افضالندن متعطشان بوادی اشواقی سیراب

قلمدن خاشاک هلاک ایله مکدر اولدي **قطعه** دردا که از حادثه غمناک
افتاد • در دیده زینب الم خاشاک افتاد • نو بادهٔ عمر از شاخ امید • نا کی
رسیده بود بر خاک افتاد **نظم** دختر امام حسینی دست وپای خون داماد ایله کلکون
قلدی وکلکونه دار یوز زینت سوردی • دبو مضمونی زبان حال ایله بیانه کتوردی •
قطعه بی دلانی که یاران بکشند • سرخ روی بخون یار کنند • نو عروسان شوی
کشته بظلم • دست وپا بچنین نگار کنند **راوي** ایدر شول دم که قاسم آندن
دوشوب یا عماه دیو ندا اتدی • بو ابیات فرقت غایتک مضمونن ادا اتدی •
قطعه بیا عم وداعی کن بابلی آتشم بنشان • که تیغ از استخوان بگذشت وآب
ازفرق کار از جان • بیا زان پیش کز حلقم برید خنجر ملعون خون • شود مرغ
دلم از تاب رزم کربلا بریان • کجا شد خواهرت زینب کجا شد مادرش زهرا
که اندر خاک وخون بینند چشم ما شده پنهان **نظم** قاسم حالت رحلتده که تسم ایلدی
بو مفحوای کلم ایلدی **قطعه** ای جوان مردان شیعه زینهار • بر جوانم بگریم زار زار
هم غریبم هم جوانم هم شهید • هم بکشته هم جدا مانده زیار • هم پدر هم مادرم نادیده
سیر از جوانیم هم نخورده هیچ بار • یکدو ساعت یک دو ساعت بود دامادی تمام
سیر نادیده عروسم در کنار • کاش زیرکه روا کی دارد این • مرمرا کردند زینب سوار
خوار و زارم **نظم** شهادت قاسمدن صکره **ابوبکر بن علي** امام حسینه کلوب ایتدیکه
ای برادر بکا دستور دیر بو غدار ستمکار ایله جنک ایدهیم چون
آخر اولومدر باری سنک حضور شریفکده نقد جانی نثار ایدهیم **نظم** امروز که
یارمن مرا مهمان است • بخشیدن جان ودل مرا آسان است • دل را خطری
نیست سخن در جان است • جان افشانم که روز جان افشان است
اجازت امام ایله ابوبکر بر سمند آهو سیاق سوار اولدي که تیز رولکده ابر وبادی
بکجردی وابرش تیز جنبش خیالدن محل مقصوده اول ایردي • به کرمی چو آتش
به نرمی چو آب کرد بر ده از آهوان در شتاب • مانند آفتاب الندیغ آتش

تاب اولوب مراد نهادن انشا وانشاد ایدرک عزم میدان اتدی • صولجان
شجاعتیله روس عدوی بدخوی کوی کردار غلطان اتدی ترجمه سی بودر **ابیات**
شاه برادر منست اختران اسمان دین • مهتر بهتر زمان قبلهٔ قدوهٔ زمین • لاله روضهٔ
صفا کلبن باغ مصطفا • چشم چراغ مرتضی سرور انام راستین • گوهر کان اجتبا گوهر
اهتدا • طرهٔ ان طاوها چهره کشای یا وسین • من نه برادرم خادم دعاکردم
بشن دو دیدهٔ شما خارجیان تیره دین • در کذر مخاصمت صاعقهٔ اجل کان • بر فلک
سعادت مشتري زحل کین • تحفهٔ جان ودل بکف آمده ام بدرکهش • دیدهٔ رخ بر
آستان تیغ وکفن در آستین **نظم** حضرت امام اکا تحسین ایتدی • بلاغت وفصاحتنه
افرین اوقودی • هر نه جانبه کات حالوب هجوم اتدی • نیچه مبارز میدان شجاعتی
معدوم اتدي **راوی ایدر** ابوبکره یکرمی بر زخم ایردي آخر طعن نیزهٔ موصلی
برله جان ویردی **بیت** رخت ازین منزل فانی بر بست • بطرفخانهٔ فانی بپیوست
بوندن صکره **عمر بن علي** اجازت حضرت ایله عزم بیکار ایتدی • اشعار بلاغت
شعار برله بو معنی اشعار اتدی **قطعه** ما عافیت نثار ره دردکرده ایم • جان از پی
مزید علم فرده کرده ایم • زین بحر ایکون جو کسی ابخوش نخورده • دل را ز آب خورد
جهان سرد کرده ایم **نظم** وقتی که اسب صبا رفتارنه سوار اولوب الندیغ ابدارلیله
بادبان آسا نیچه روزکار دیدهٔ پهلوانک کشتی حیاتن کرداب هماته صالدی **بیت**
کیرسه میدانه تیغ ونیزه ایله • برق لامع شهاب ساطع ایدی **نظم** آخر الامر سرمایهٔ سرین
ویروب متاع شهادت الوب بو جهان بی وفای هیچه صاتدی رخت حیاتی سرای
اخرته ایلتدی **بیت** جانش مقیم روضهٔ دار السرور باد • کلشن سرای مرقدا و پر
زنور باد • بو نک عقبنجه **عثمان بن علي** اجازت سبطینی برله نظم در بار نثار
ایدرک میدانه کیردی • مردانه لک علمی علم مهر کبی سپهر اعلایه ایرکوردي • بو ادعی
بیت انک ترجمه سیدر **بیت** آمد عثمان بجنک تیغ یمانی در یمین • خورده
تغتل شمایش برادر یمین • شامی مدبر چرا تیغ کشد بر حسین • نیست دلش یا مکر

دیده‌ٔ انصاف ببین • صبح سعادت دمید وقت طلوع منست نظم مست شوم و مدام
از قدح حور عین • هر جانبه آت صالوب خاتم کبی نام و نشان صاحبلرینک طومار
حیاتن • ومناشیر ثبات منطوی قلدی آخر الامر طایفه‌ٔ اشرار اول قطب دایره‌ٔ
شهامتی احاطه اتدی زخم گران یزید ابطحی واسطه سیله اخرته کتدی بیت ای دریغ
آن سرو باغ زندگانی من که شد • در جوانی همچو گل پیراهن عمرش قبا نظم شهادت مرحومندن
صکره عون علی ظهور اتدی که جوان خوب سیرت و زیبا صورت ایدی امامه
کلوب ایتدی که ای برادر آذر برادر بغومی خون • وحرارت عطش عالم دکرکون
ایتمشدر صبر و قراره طاقت قالمدی اجازت شریف ارزانی بیور که مراد نهادم
حاصل ایلیه‌یم یعنی جان محنت کشیده‌می برادران کذشته‌یه واصل ایدم •
مثنوی عنایت ایلرایسه ایزد پاک • چست چابک دشمنی چاک • کنش کبی اوب
دستمه نیزه • قیلم چشم عدوی ریزه ریزه نظم امام ایتدی ای برادر لشکر مخالف
بسیار • وپیاده و سوار بی شمار • عون ایتدی که شیر شکار ربازو فرت روباه
داهودن غم یمز • وشهباز بلند پرواز کثرت کبک دتیهودن خوف ایتمز مثنوی
بکو غم درین حرب مردانه دار • چه اندیشه از لشکر بی شمار • دل و دست و بازو
بکار آورم • جهان بر عدو تنک و تار آورم نظم پس عزم رزم ایدب الله حسام خون
آشام الدی • شامیلرک روز حیاتن شام ایدب کوفیلرک کام نهادندن انتقام
الدی • ابن الاجار ایله ایکی بیک پیاده و سوار هر طرفدن اوزرینه ات صالدیلر
اول پهلوان نامداری نکین انکشترین کبی اورتیه آلدیلر • عون عون خدایه متوکل
و همت سید الانبیایه متوسل دلوب شمشیر شجاعت چکوب صفوف اعدایی برین
اتدی • عنان نکران صباجولانن جانب امامه دونوب کتدی حضرت امام ملاحظه
اولدقده اتدوکی دلاورلکلره آفرین اوقودی • وقلدوغی ارلکلره تحسین اتدی •
وایتدی که ای عون سن کمال مرتبه‌ده مجروح و نهایت درجه‌ده مفروح سن خیمه
دار زحملرک بغله برمقدار آسایش ایله ایتدیکه ای برادر بزرکوار بروح روان

محمد حنفانک بنی حرب عدوی بدکار زدن منع ایلمه که تشنه لک دشنه‌سی جانه کار اتدی
وحرارت آتش عطش مغز استخوانه تیدی • امیدم درکه جام حسام ایله خون اعدای مانند
جرعه نصیب تراب ایدم • وجان لب تشنه‌می زلال شهادت برله سیراب ایدم امام
بوردیکه اهی اسب ادهمی کتورسونلر سوار اول که امیر المومنین حال حیاتنده سکا
وصیت اتدی • بو باد پای جهان کردی زیر ران قلسون دیو اشارت ایلدی •
غلمان کتوردی زین زرین ایله آراسته • واسلحه حرب برله پیراسته قلدیلر عون دخی
زره داودی لبس در بر قلوب تیغ یمانی سن طقندی نیزه‌ٔ رو یمن الله آلوب
اول سمند جبار رعنک اوزرینه بندی • وقتی که نوحه‌ٔ حربکاهه کتدی زبان رمانلرن
بو مضمونی کوش اتدی بیت چه افتاده است که باز این سوار بی‌باشد • کدام سرو
ز بالای زین فرود آمد نظم صالح بن سلمه عونه نظر قلدقده جمله اندامنه لرزه دوشوب
عداوت دیرینه‌سی ازدیاد وکینه‌ٔ سینه‌سی اشتداد بولدی • باعث عداوت اول
ایدی که خلافت امیر المومنین علی زماننده عون صالحی مست لا یعقل بولوب
حکم حضرت علیه کتورشدی • حد سکربین بولسون دیو کلرنده بحسب الغرض سکسن
تازیانه اورمشدی شول محله که عون میدانه کروب آهنک بکار اتدی صالح دخی
حسام انتقامی نیام خصامندن چکوب زبان تحشی درکار اتدی • عون
بو کلمات سفاهت آمیزدن غضبناک اولدی حمله‌ٔ اولدوب بر نیزه اوردیکه اول طالح
صالح نام اسبدن جیادن دوشوب خاک اولدی بیت زنم رزم انجره ایدوب
جوش و خروش • مرک جام خواه نا خواه اتدی نوش نظم صالحک بر برادری وار
ایدی • برادرن وادی عدمه کتمش کورنجک آذر مفارقت جاننه کار ایدب میدانه
کیردی عون اتی وخم طعن نیزه ایله شول حال برادری مقامنه ایرکوردی • عاقبت
الامر میمنه و میسره‌دن سوار بدکردار اول مهر سپهر شجاعته حظ استوا کبی اورتیه
آلدیلر • مانند برق لامع هر طرفدن اوزرینه قلج صالدیلر اول شهسوار نامدار نعقد
صاحب ذوالفقار نیزه کبی سرشک وجودلی سودین نیزه‌ٔ سرتیز ایله ریزه ریزه ایدب

هلاک اتدی و صراحی مثال خونیلرکه خون باده فامن جرعه دار نصیب خاک ایتدی اثنای
جنکده وجود پرجودنه زخم لی پایان ایردی آخر خالد بن طلحه برنیزه اوردی آتندن
یره دوشوب ایتدیکه بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله یا ابن رسول الله سنک حضورکده
معرکه مهلکه یه کیروب مجاهده اتدم دمهره مجتلکه دار آخرته کتدم بیت کرسرم خاک رهت
بردرتو باد جانا سعادت سر تو نظم مرحوم مرقوملردن صکره برادری جعفر بن علی
امامدن اجازت الدی جانب علادی جنک جویه آت صالدی زبان شمشیری کل من
علیها فان معناسن تفسیر صغیر تیری اینما تکونوا یدرککم الموت فحواسن تقریر اتدی
مثنوی در افکنده خود را دران کارزار چو شیری که کو افکنده در شکار چو خورشید
تیغش درخشنده شد عدو چون ستاره پراکنده شد کسی را که ایزد بود کارساز
زخصمی لشکر بود بی نیاز نظم سعی بسیار و کوشش بی شمار دن صکره اول چراغ دودمان
ولایتک شمع حیاتی باد اجل ایله منطفی و اول کنج جواهر معانی زیر خاک فنانده مختفی
اولدی بعده عبد الله بن علی که مانند برق خاطف تیغ کذار و مثال شهاب
ثاقب نیزه دار ایدی حضور امامه کلوب مانند شمع سوز درونن اشکار اتدی
و نهان حالی ایله اتدی قطعه ای گشت تخم شادمانی ها وصل تو اصل کامرانیها
میروم کوههای غم بر دل می برم از درت کرانیها نظم ای برادر اخوانک کذشته حسرتیله
طاقتم طاق اولدی تن فرسوده پایمال جنود فراق اولدی شرف اجازت ارزانی
بیوردیو تضرع ایلکین اجازت ویردی فرزند شیر خدا براسب آهو صورت
پلنک هیبته سوار اولوب میدانه کیردی اول پهلوان میدان مبارزتک تیر جان
ستانی کاه مثال خیال ال اعدادن کچوب کیدردی کاه مانند دل جکرلرنده قرار
ایدردی و بالجمله یوز یتمش نفر خاکسارنی خاک ایله یکسان اتدی آخر الامر زخم بی
حد ایله ثوب حیاتندن عاری اولوب حله رضوانی کیوب خلد آباده دوغری
کتدی بیت نجات یافت ازین دامکاه رنج و عنا نزول کرد بکلزار جنت
الماوی عباس بن علی که لشکر امامه علمدار ایدی افتراق برادران و یاران

ایله

ابتدا النقصان

ایله زار و دلفکار ایدی دیده عبرت دیده سندن سیل خونین روان اتدی
زبان بیان ایله بو مضمونی عیان اتدی بیت ایا برادران عزیزان کجا شدند
در دشت کربلا همه از هم جدا شدند نظم پس طمام قرار و زمام اصطبار قبضه اختیارندن
بیرون اولوب علمی کتوردی حضور امامه کتوردی ایدیکه بنم علمدارلغم قیامته قالدی
من بعد قراره قدرتم و تحمله طاقتم یوقدر اجازت ارزانی بیور امام عالیشان
کریه کنان بیوردیکه ای برادر سن شیرزاده مجموعه لشکر و مرکز دایره عسکرسن
اکر مقدار طرفة العین جای قرارکدن حرکت ایده سن کار کارزار مختل و بهار جمعیت
خزان تفرقه یه مبدل اولور عباس ایتدی یا ابن رسول الله جانم سکا فدی اولسون
نعمت پر نقمت دنیادن بیزار اولوب دل غمناک زیاده تنک اولدی و آیینه سینم غبار
آزار اغیار دن پر زنک اولدی ان شاء الله امیددر که منکران شامی و مدبران
کوفینک کرکی کبی حقلندن کلم مرا و نهادم اورزه خویش و خویش دنک مرادن آلم
امام اتدی جونکه عزم میدان رزم مقرردر باری روز قیامتده حجت اولمغیچون
سکا بعض کلمات سپارش ایده یم میدانه کیردکده اول قوم بی انصافه دیه سن
اکر کوش التفات ایله کوش اتمزلرسه جنک و جداله آغاز ایده سن عباس علی بر
مبارز نامدار ایدی پدری علی مرتضی کبی شیر مردم شکار ایدی مثنوی جنکه جیان
بغلسه شمشیر دوش فاک وله جای علاو تیر دوش جنکده اول شهره آفاق ایدی
برق کبی قلیجی براق ایدی نظم براسب آهنین خای و تیز پای و بر سمند رعد صدا
و برق نمایه بندی پشنه مغفر شامی سن کیوب تیغ میر سن الینه آلوب سپر تکی
یاپندی بیت برقه کرفته درکف و ابری به پیش روی ماه نهاده بر سر و جرخی
بزیر ران فرو وقتی که میان میدانه ییتدی عنان یکرانی چکوب ایتدی ای قوم
بوسیده وسرو زیعنی فرزند پیغمبر ایدرکه بنم بو بجه برادران هوادارم و خویش وند
غمخوارم هلاک ایلدیلر و بنجه اصحاب و احبابک نایره انتقام ایله جای قرار ان خاک
ایلدیلر باری بعد الحین بر مقدار صو ویرسونلر آتش عطش ایله لب خشکیده و جکر

تفسیده اولان اطفال وعیالی صولر سونلر شرط ایده یز که حسابگاه محشرده وعرصه گاه خیر وشرده حضوت المیوب بو امر حضرت قاضی الحاجاته حواله ایده یز وهرنه سمته رخصت واجازت اولورسه چقوب کیده یز عباسدن بو کلام جگرسوزکه کدلور بولدی سپاه ابن زیاددن غلغله پیدا اولدی طرفین اولوب بگی یان وپشیمان دکیم واله وحیران وطرف اخری زبان فحشی دراز ایتدی شتم وقدحه آغاز ایتدی شمر ذی الجوشن وشیث ربعی وحجر بن الاحجار اتفاق ایتدیلر ایلرو کلوب ایتدیلرکه ای فرزند ابو تراب وار برادرکه دیکه اگر روی زمین طوفان نوح مثال غرقه آب اولسه الا وفرزندلرینه برقطره صو ویرملک محالدر مگر یزیده بیعت وابن زیاده مطیع ومنقاد اولوب متابعت ایلیه لر عباس حصول مرادن محروم ومایوس دونوب کتدی حضور امامه کلوب ماجرای حالی عیناً ماجری عرض ایتدی اول مهر سپهر ولایت ماه نوکبی باشن اشاغه صالدی اندیشه آب ایله بحر حیرته طالدی ناگاه خیمه امامت پناهدن آوازه العطش العطش پیدا اولوب صلای کره نارهٔ وآه جگرسوزک دخان پرشراری گنبد دوّاره ایردی عباس اهل بیتک آتش عطش ایله سوزشن جحیم دلدن نالشن کوروب کانون درونه آتش شفقت دوشدی نار غیرت ایله یاندی دوتشدی الزه مشکی مطهره الوب ایدیکه مانند باد جهان کرد عزم جویبار ایدوین یا وارب تحصیل آب روا ایدب صو المو ویا خود سفینهٔ وجودم غرقاب هلاک صالم مثنوی در بحر عمیق غوط خواهم خوردن یا غرقه شدن یا گهری آوردن این کار مرا طراست خواهم کردن یا سرخ کنم روی ز تو یا کردن داوی ایدر عباسی آب فراتدن منع ایچون دورت بیک صاحب جنگ ونبرد آهنک سیل غابطکبی یول الوب دوردیلر امواج دریا مثال قبضهٔ شمشیره کف اوردیلر عباس ایدیکه ای قوم اهل اسلام دن می سز ویا خود کافر بد فرجاممی سز مثنوی دیدیلر اغز اچوب یزیر حاشا لله که اولاد زکا فر هر بریمز معین شرع مبین هر بریمز نصیر دین معین کیمنز حاجی کیمز غازی کیمنه تیغ عشق

سربازی عباس ایتدیکه دعوای اسلام لایقدرکه عامهٔ خواص وعوام وجملهٔ دد ودام سیراب اوله جگرگوشه کان حضرت مصطفی ومرتضی آتش عطش ایله کباب اوله قلادن اوتانمزمیسز حالا نه کنار جویبارده خوش حالسز حال تشنکان صحرای کربلادن فارغ البالسز بیت تراکه درد نباشد زحال ما چه تفاوت تو سوز تشنه چه دانی که بر کناره فراتی آب فرات نگهبان اولان بنیوز نفر نیردی بازدایله سحاب کاندن تیر باران ایتدی عباس دخی مانند گل سپرن یا یو نوب سنان جان ستان ایله اوزرلرینه حمله ایدوب اجلی تیشه دن بیمش نفرن برک خزان کبی خاک یکسان ایتدی ماعدای مانند اوراق انجاز واقطار امطار تار ومار اولدی عباس کنار جویباره ایردکده تکار فرسان لشکر عقبندن ایروب امواج دریا اساهر طرفدن تیغ چکوب وحباب مانند سپرلرین یا پوب اوزرینه یوردیلر عباس شجاعت عنوان دخی زجر خوانان دشوکویان الحلرینه کیردی تیغ آتشبارینه خون اعدا ایله آب ویردی ترجمه شعر یودر شعر عباس علیست بحر غازی از پشهٔ خسرو حجازی آورده بزیر ران دردست آب بین وباد تازی سرمی بازم مگر که بابم نزدیک خدای سرفرازی برآبی سپه کشیدن کاریست که نیست کار بازی غافل شوید ازاکه نبود بیهوده سخن دین درازی سر والحاصل ضرب شمشیر آتش تاثیر دن طایفهٔ معاندینک کمی خاک ایله یکسان وکمی خوفله پریشان اولدی کنار جویباری خار وخاشاک معارضلدن خالی کوروب مرادنجه صولنوب مشکی کنتفرینه الوب روانه اولدی لشکر مخالف مانند باد عواصف هجوم ایدوب عقبندن ایردیلر نابردهٔ بیکاره اشتعال ویردیلر ناگاه نوفل بن ازرق برحربه اوردی عباس علی مشغول ایکن دست یمینی بدندن جدا ایدوب یره دوشوردی ادل الحلده شو او قودی جملادن بری بودر شعر والله لو قطعتم یمینی لاحمین صابرا عن دینی ترجمه سی بودر شعر اگر کاست دشمن دست راست زمردی ودین هیچ چیز نکاست زنم تیغ مانند پشم ابی که بی آب برگشتن من خطاست اگر آب یابم وگرنه کنون سر اندر سراب کردن رواست

بس عباس منکی کتف یسارنه آلدی هر طرفدن پراغ اوشوردیلر صول الن دخی دشور
دیلر منکی دنلانیله طوتوب رکابیله دشمنی یانندن دور اتدی ناکاه ضرب تیر
ایلر مشک چاک اولدی ضمننده اولان آب نصیب خاک اولدی زبان زمان بو
مفهومی بیان و بو مضمونی عیان ایلدی **قطعه** بآب شور جهان تر مکن لب حسرت
کز شربت مهیاست از شراب طهور برین مضیق فنا دل منه که جای دکر برای عشرت
تو برکشیده اند قصور **نثر** پس عباس اولا یکی زخم وجیهدن زیاده زبون اولدی
اقدامی اقلامی رکاب مقاومتدن بیردن اولدی ناچار آتندن ییقلدی **ادرکني**
یا اخي دیو ندا قلدی بلکه دنیادن کذر ایدر براه درد آلود قلدی که زمین کربلا
زلزله‌یه اول رخش کرب و بلایه ولوله دوشدی **قطعه** سپهر کردون زین مصیبت
جامهٔ جان چاک کرد خسرو انجم کلاه خسروی بر خاک کرد قامت کردون دوتا شد
چهرهٔ مه شد سیه برق این آتش مکر بر قبهٔ افلاک زد **نثر** وقتی که وفات عباس
مغفرت لباس اهل بیته داغ مصیبت اوردی حضرت امام **الآن انکسر ظهري**
وقلت حیلتي دیو بیوردی **راوی ایدر محمد انس که** عبلک یار و هوادار و مونس
و غم خواری ایدی نظر ایدوب کوردیکه عباس میان میدانده لاله صفت خون
و خاکه قالمش زورق حیاتی دریای محاربه‌ده قالمش کمال استعجال ایله اوزرینه وارب
نالهٔ جان سوزه و کریهٔ ماتم افروزه بشلدی اطرافنده اولان سوار کینه کذار
دنیا دکان نطع کیرودار هر طرفدن علم حرب قواله قلوب شهید اتدیلر سر منزل
حیاتی بعید ایلدیلر **ع** او هم بشهیدان دکر ملحق شد امام حسین اول دشت
وحشت آبادده اوچ اوغل ایله قالدی که علی اکبر و علی زین العابدین و علی
اصغردر سایر ریک درخت وجودلری برک حیاتدن عریان و شاخهٔ
جسملری اوراق خزان فاکیل کیسان اولدی و بلدیکه میدانه کیرب **بیت**
آتش کارزاره تاب ویره خنجر کیرودار ه آب ویره **علی اکبر** ایلرو کلوب
ایتدیکه ای پدر روا کورمه که سندن صکره بر نفس زنده اولم لطف ایدب بر آن

صبر ایلکه بن دخی حضورکده جنک و پیکار ایدهیم سرمایهٔ سرم و نقد حیاتم قدم
کرم بخشکزه نثار ایدهیم **قطعه** نیجه‌در بزه بو سوز سلفدن عزیز قومکن دوشمن
شرفدن حیاتندن کچوب اولمک کرکدر جفا رنجکه‌دن مهر نا خلفدن **نثر** اول جناب
افوات عفت آیینی و بنات عصمت قرینی حیمه‌دن چقوب علی اکبرک دامن آسا
ایاغنه دوشوب محاربه‌دن منع اتمکه قصد اتدیلر و نهار الحاح و ابرام دلخراشه اقدام
برله ایتدیلر ای نهال کلزار کامرانی وی هلال آسمان امال و امانی لطف ایدب
میان میدانه کتمه وجود بیرجودکز آماج تیر بلایه اتمه علی اکبر کلمات اقربای کوش
القیوب سمند عزیمته عنان کوسترمک داعیه‌سنده اولدی و مانند تیر دلدوز قلب
دشمنه طوغرولدی حضرت امام دخی اجازت ویرمدی علی اکبر روان پاک سید
انبیایه و جان تابناک علی مرتضایه بیین ویرب چشمه چشمندن قطرات اشک
روان اتدی و ابرام و الحاح مرتبه افراطه ایلتدی اول حضرت ناله و زاریدن دیرت
و اضطرارنی کوروب کندو دست شریفله زره و مغفر کیدردی و حیدر کراردن یادکار
قالن کمر ادلی میانه بند ایدوب ایب عقابه بندردی مادر و خواهرلری منعه قادر
اولمیوب اشک برینه قان آقتدیلر و هزار زاری برله زبانه کلوب اتیدیلر **بیت**
اول شهسوار کمکه آهنک ایدر دریغ صحن جهانی دیده فرحه تنک ایدر دریغ **نثر** علی اکبر
خویش و خویشاوند و پدره وداع ایدوب عزم رزم اتلاتی فر شجاعت و کرشمات
ایله حربکاهه کتدی **مثنوی** نوله کون کیبی تسخیر میدان اللنده نیزه و قولنده
قلقان دوشوردی نار غیرت قلب مهره آتن ایلندرب قلدقجه جولان **نثر** اون
سکز یاشنده بر جوان پسر تدبیر ایلدی که آیک اون دوردی کبی جمالی کمال بولشدی
صحن میدان عکس رخسار رنکینندن نمودار فردوس برین اولمشدی **بیت**
ماهیست درخشنده چو بر پشت سمندست سرویست خرامنده چو بر روی زمینست
عکس کوست عمر و سعله نظر ایدب بر فارس چالاک و بر شهسوار بی باک کوردیلر که
رخسار آبداری طعنه کر ماه و آفتاب و کیسوی تابداری غیرت مشک نابدر

بنان حیرتی دهان تعجبه آتوب بر برندن سؤال آتدیلر و نجان حال ایله اتیدیلر بیت
این کیست سواره که بنا شد بجهان کس • مانند وی اندر هنر و صورت و معنی •
عمرو سعد اسب عقاب اوزره کورب ایتدیکه بو بیر مهر حسین در خلق و خلق جهتندن
مشابه رسول ثقلین در راوی ایدر هردم که شوق مشاهده لقای حضرت مصطفی •
اهل مدینه غلبه ایلسه کلوب جمال با کمال علی اکبره نظر ایدرلر ردی • دوق سماع
کلام سید الانام غالب اولسه کفتار در ربار امام حسینه صدف کوش ارقولاق
طوترلردی القصه اول نهنک دریای شهامت • و اول پلنک کوهسار شجاعت
عزم ساحت حربگاه ایدکده کلک لسان ایله سلک بیانه کتوردوکی ابیاتدن بری
بو در شعر انا علی بن الحسین بن علی • نحن و بیت الله اولی بالنبی • عبارات رایقه
و استعارات فایقه برله علو نسبین و سمو حسبین بیان ایدوکی منظومانک ترجمه سیدر
قطعه منم علی حسین که خسرو مهر • فراز تخت فلک کمترین غلام منست • من از نژاد
شهی ام که قدر او میکفت • که خطبه شرف سرمدی بنام منست • عنان ز من که منم
برنخواهم تافت • چرا که توسن تند سپهر رام منست نثر اول پهلوان حاتمی نسب
دورت طره مشکباری دار ایدی • هر بری مانند دره عمری تا بدار ایدی ایکیسی
روی رخبانه و ایکیسی طرف قفایه صالشدی • زبان زمان اول شهسوار کیاده
تحیده سن بیان • و بو قطعه یک محوس عیان ایتدی قطعه خسروا آفتاب ماه و نجوم
هر بری قاپوکا غلام اولسون • چونکه اولدک شبیه فخر انام • حسن ارنده سکا
سلام اولسون • سیز جنک فلک تخراولوب • ابلق روزکار رام اولسون •
دولتک کون بکون اولوب افزون • حسن و خلقک کبی مدام اولسون نثر راوی ایدر
علی اکبر چون جولان کمان بازار کارزاره کیردی دشمن اوباش ایله صواش
قماش آتوب ویردی • مبارزان قدم بدکار ریزوی بازوسن معاینه قلدقده
دیده تیر کبی کیردسن کوزلدیلر • خوف جان ایله کوشه کریزکاهه اوزلدیلر علی
نامدار دریای وغاده مانند نهنک تیز جنک هر جانبه حمله ایتدی • با دسطوت

ایله

ایله عدوی تیره نهاده کوز آچلدرمیوب سحاب کبی جمعیتلرین طغتدی پس حضور
پدره مراجعت ایدب ایتدی که ای سرچشمه ولایت ذبحنی العطش والثقلنی الحدید
یعنی بنی صوسزلق حرارتی و سلاح و جوشن ثقلتی زبون ایتدی • اکر دفع غایله عطشی
ایچون برایچم صو بولیدم اعناق اهل نفاقه شویله اوریدم که وانزلنا الحدید فیه
بأس شدید نکته سن اظهار و صنوف صاحب سیوفه بری برینه قاتوب اول وجهله
تزلزل ویریدم که وزلزلوا زلزالا سرن اشکار ایدیدم • امام حسین بانه دعوت
ایلیوب لب و دندانن خاکدن پاک ایدب انکشترین خاتم انبیا ایله آغزنه ویردی
درد عطشه اندر دیو اندر دی تشنه لک بر مقدار تسکین بولوب تکرار میدانه
کیردی حل من مبارز صداسن میدان آسمانه ایرکوردی • و اشعار بلاغت
شعار ایله حسب حال اشعار ایلدی ترجمه سی بودر شعر ساقی کوثر آب میخواهد •
سیر محلبی شراب میخواهد • بچه شیر در طریق خطر • راه آب از کلاب میخواهد • کیسوی
سیه سغید حسین • کیست کز خون خطاب می خواهد • کیست ان کوز فرطبی نمکی
دل زهر اکباب می خواهد • مؤمنان در بهشت منکرها • سوی دوزخ شتاب می خواهد
اول فارس تکاور شجاعت و نهوشی نابیده شهامت تام و سطوت تمام ایله میدانه
کیرب مبارز طلب ایتدی • عمرو سعد طارق بن شیث نام سیه کاری دعوت
ایتدی و ایتدی اکر وار ب تند باد حمله ایله بو سرو جویبار شجاعتک کل حیاتن پژمرده
و شمع ثباتن مرده ایدرسک اولورسک سنی ابن زیاده عرض ایدوب حکومت رقه
و موصلی سکا آلی ویره یم • ایدیکر شاید فرزند رسول مقتول اولمسنک انتقامک
غیری مقبول اوله عمرو سعد یمین ایدب خاتمن چیقاروب الله ویردی طارق خاتمی
دست تصرفه آلوب امید حکومت موصل ایله جنکه کیردی • سنان جان ستان
ایله علی اکبره مقابل اولدی • اول سرو جویبار شجاعت مثال نهال کل کبی جانب
شماله مایل اولدی تملس رد ایتدکدن صکره دونوب بر نیزه اوردی که ییلانی
سپر کینه سندن کچوب ارقه سندن چیقدی بنروی بازو ایله نیزه سر تیزین الرقه

طارق یوزی اوزرینه بقلدی اسب عقابه چکنلدی وجودنا بودن خاک ایله
یکسان اتدی طارق نعمت حکومت دندان طمع تیز ایدرکن طعمه منقار عقاب
نیزه اولدی من حفر بئرا لاخیه فقد وقع فیه حکمنجه خراسن بولدی طارق طوارق
حدثان روزکار ایله هلاک اولدقدن صکره عمرو طلحه نام اولاد بدنهادلردن نیام انتقامدن
حسام خصام چکوب میدانه کیردیلر زمان یسیرده لباس مستعار عمردن عاری اولوب
پدر بداخترلری مقامنه ایردیلر عمرو سعد کمال مرتبه ده بحضور و دلخایت درجه ده بر
فتوز اولوب مصراع بن غالب ام ایلدی که میدانه کیره اول شاه بیت شهامتک
بیت وجودن سیل فنا ایله خرابه ویره مقابل اولدقده نیزه ایله حمله ایلدی علی اکبر
مطلع بنامدن آفتاب کردار تیغ چکوب نیزه سنی ایکی پاره قلدی مصرع دخی بلدیکه
تیغ حکیطا اکبر برزخم اوردی که مصراع بیت کبی اورتاسندن ایکی بولندی خاک
فنا مفراع مصراع اولدی عمرو سعد فعلندن زیاده منفعل اولوب آتش خشم و غضبی
مشتعل اولدی محکم بن طفیل و ابن نوفل نام بدکردارلری دعوت ایدوب هر برینه
بیک نفر سوار کینه گزار قوشدیکه هر بری پیشه موکه ده شیر ژیان و دریای غزاده
نهنک جان ستان ایدی فی الحال ایکی بیک سوار هر طرفدن آت صالدیلر اول ماه
سپهر شجاعتی هاله وار اراده ربته آلدیلر بیت قالدی اعدا ایچره شاه پرشکوه
حاملکه دریای احاطه اتدی کوه نظم علی اکبرک شجاعت صورتی کانون درونده
اوقلان نایره شهامتی مشتعل ایدوب جحیم دلدن نعره اوروب تیغ آتشبار ایله اول ازدحام
هجوم اتدی برحمله ده ایکی بیک سوار شیر صولتی مانند رمه کوسفند اوکنه قاتوب
قلب سپاه دشمن برخواهم ایلدی بیت کیمینه زخم اوردی کیمن ایلدی هلاک
جان کیردی کورک کورسنه قویون سورسینه نظم حملی موکه دن عودت ایدوب
حضور پدره کلوب کلدکده ایتدیکه العطش العطش امام بیوردیکه ای جان پدر و ای نور بصر
غم یمه که مدت یسیرده آب کوثر نوش ایدرسن الم آتش عطشی کلی فراموش
ایدرسن علی اکبر بو مژده فرح فزایه مانند آفتاب شعشعه دار الله تیغ آتشبار

الذی

الدی لشکر ستاره شمارک یمین و یسارینه آت صالدی بیت سپه کرچه باشد
جهان در جهان نه ترسد زحرب کهان و مهان نظم لشکر خاکساری بری برینه
قتدی بو آشناده چشم شریفنه زخم بی پایان ایردی اطرافن نیزه تیز ایله آتندن
دوشوب ای پدر بکا ایرشی دیو چاغردی شعر بکذار رجو فاکم فتاده حال ای
بخت بدین طرف برسان نازنینی سوار مرا نی برم زغم ای یار جان برای خدا
خبر برید زمن یار غمکسار مرا نظم آواز صدای علی اکبر سامع علیه السلام ایردکده
آت صالوب فاکدن کوتوروب خانه زینه صالدی خیمه کتوروب جامه خوابه
یاتروب باشن دزینه الدی ایتدیکه ای فرزند دلبند وی ارام دل دردمندانه حالم
سن کوزن آچوب ای پدر ابواب سما کشاده و حوران و غلمان جام شراب ایله اما
اولوب کل دیو اشارت ایدرلر دیوب نقد ودیعت روحی تسلیم اتدی جنات
عدن مفتحة لهم الابواب سمتنه کتدی حرم محترم امامدن صدای مصیبت افزا پیدا
اولوب فریاد ماتم افروزی سامع قطان محافل انس و ناله جکر سوزی مجامع سکان
صوامع قدسه ایرکوردیلر و تأسف تام و تألم تمام ایله ایتدیلر که حیف اول کمال
نور کستر آسمان ولایة که افق امامتدن طلوع ایدوب مدارج معارج کاللده
بدر اولمدین حجاب افول ایردی و دریغ اول نهال بوستان کرامة که جویبار سعادتدن
نشو و نما بولوب انوار مآثر و اثمار مفاخر ایله ارایسته اولمدن صرصر اجل سنانک
هوای فنایه ویردی بیت فاکه دوشدی چونکه اول رخسار و خد و خط نر لاله کل
بتمسون عالمده ریحان اولمسون نظم حضرت امام دخی صدف دیده دن لآلی سرشک
نثار اتدی سوز درون شمع کردار اشکبار اتدی و ایتدی شعر ای عزیز پدر
کجا رفتی وز کنار پدر چرا رفتی برنخورده ز بوستان حیات سوی کاشانه
فنا رفتی بمصطفی جد تست میلانم که بنزدیک مصطفی رفیق مرغ زهرا و مرتضی بودی
سوی زهرا و مرتضی رفتی نظم بو دردو غم حاصلک شورشن اول مصیبت دیده بلورکه نایره
واقعه شیبا علت فرزند دلبندله سوزان و بو زخم جانکسلک زحمتن اول محنت

کشیده اکلرکه جراحت حادثهٔ مفارقت پسر ارجمند ایله نالان اولمشلردی وله
بیت هلاک جان من آن پسر داند • که او از نوجوانی دور باشد القصه
امام حسین کوردیکه هیچ بر طرفدن یار و مددکار و هیچ بر کوشه دن غمخوار و هوادار
ظاهر اولمز • لازم کلدیکه کندو اوزی میدانه کیره • نایرهٔ حرب و قتاله اشتعال ویره •
مخدرات حجرات عصمت حال جانی ملاحظه ایدوب مهاجرت امامی یاد ایتدیلر • بی
اختیار جمله ناله و فریاد ایتدیلر • امام بیوردیکه • ای بانوی حرم عصمت وی
پرده کیان تتق عفت اولا بودرکه سکون و اصطباری شعار و تحمل و قراری
دثار ایده سز زیرا قوس قضادن آتلان تیر بلیته صبر جمیلدن غیری سپر و نیام
قدردن چکیلن تیغ محنته رضای جزیلدن اوزکه مغفر اولمز • هنگام مصیبتده
جزع موجب محرومی ثوابدر • و ثواب صابران بلا رسیده کان بی حد و حسابدر
ماتم شیون سبب حصول ملال اصدقا و موجب تفریح قلوب اعدادر مثنوی
انجا که بود شکستکیها • صبرست کلید بستکیها • دری که نشایدش نشان یافت
در درج صبوریش توان یافت مز محنت زدکان اهل بیت زبانه کلوب
بو فحوای بیانه کتوردی بیت دل ندارد طاقت بار فراق • این دلست
ای شاه سنک خاره نیست مز حضرت امام تصدیق ایتدی و ایتدی بیت
صبر کردن بر فراق چون منی • سخت دشوارست اما چاره نیست مز پس حضرت
سکینه نام دختر ان الله الوب نوازش تام ایله مرآت مثال یوزینه نصوب همشیره
لرینه نظر ایتدی و ایتدیکه • بو کون بو دخترک درونته یتیملک داغی دولسه
کرکدر • زنهار و زنهار رنجیده خاطر ایتمیه سز • دل یتیم زیاده نازک اولور حقوق
رعایتده قصور قومیوب اجتنبیه سز • و دیجا عازم دار الملک آخرت اولدقلر
صکره سوکمکان و موی کنان سینه زنان و جامه دران ماتم ایتمیه سز که رسوم
بدعتدر • و عادت جاهلیتدر • اما نعم کوداز یاشین یاشین اشکبار اولرکز
منع اتمزم • زیرا مظلوم و بیچاره لرسز دخان و مانددن جدا دوشمش آواره لرسز •

دهنگام

دهنگام شهادتمده انواع اذا کورسکز کرکدر • بو کلام حیرت انجامدن ام کلثوم
و زینب و شهربانو و سکینه نک سفینهٔ سکینه سی کرداب لجهٔ غرقاب حیرته •
دوشوب کریان و اشکبار و محزون و سرنکون اولدیلر • امام انلره تسلی ویروب
قصد ایتدیکه اسب صبا رفتارینه سوار اوله ناکاه خیمهٔ امامدن صدای فریاد جان
کاه و نوای ناله و آه پیدا اولدی حضرت سبب صوردی ایتدیلرکه علی اصغر
بر قطره آب حسرتیله چشمهٔ حیاتدن ال یومق و تشنه لک دردیله هلاکه یر قومق
اوزره در زیرا پستان مادری بر وجهله خشک اولمشدرکه اول طفل شیرخوره
هر چند سعی ایدر بر قطره شیر بولمز • انجوق التهاب آتش عطش جکرسوزی بردم
ساکن اولمز حضرت امام علی اصغری الوب میان صفینه ایلتدی اول قوم بی
انصافه خطاب ایدوب ایتدی • ای قوم اکر زعم فاسدکز • ورای کاسدکزده بن
کنهکار ادم مانند روزکار و روزکار ظالم دغلکار ادم • بو طفل شیرخوار خودکی طفلک
معصوم و زبون نه دلیل ایله آب نوشی انکلدن ممنوع و محرومدر باری بوکا برجم
صو ویرک که درونی دردن لاله کبی یانمش کوینمشدر • زبان پرتف و تابی
ابانهٔ آتشه دوشمشدر بیت روان ایکن لبنده آب حیوان • روا میدر صوسز
لقدن ویره جان مز ایتدیلرکه سن بد آبی خوابده دخی کورمک میسر دکلدر • و روی
زمین دریا مثال ایله مالامال اولسه بر قطره سی ویرمک متصور دکلدر ع افسوس که
انصاف درین قوم نبود • بو اثناده توابع یزیددن قبیلهٔ آزاددن حرمله بن
کاهل نام جاهل امامه قرشو کمان چکوب تیر اتدی اول تیر کردن علی اصغره راست
کلوب نوک پیکان طرف آخردن کذار ایتدی حضرت امام تیری چکوب بیانه
اتدی • روان اول خون ردای مبارکیله پاک ایتدی بیت ماه نو را چه اتفاق
افتاد • که چنین زود در محاق افتاد مز امام همام جانب خیمه یه متوجه اولوب
مادرین دعوت ایتدی و ایتدی آل بو طفل شهیدیکه حوض کوثردن سیراب
اولدی و ریاحین جانی باران رحمت رحماندن شاداب اولدی چون مادری

شهربانو و خواتین اهل بیت بو حالی کوردیلر بی اختیار فریاد و فغان اتدیلر
و بیزار فرقت و حسرت برله ایدیلر قطعه عزیزا نازنینا جان مادر • تو بودی
نور دو عینان مادر • چه کویم کاشکی آن تیر بران • نخستین آمدی بر جان مادر •
امام همامک اقداح اعداده صهبای لعل سیماسی خاک ایله طولدی • و دل صد چاکی
تنور درونده آتش حزن ایله کباب اولدی بیت رفتی و سیر نه دیدی رخ
تو دیده هنوز • کوش یک نکته ز لبهای تو نشنیده هنوز راوی ایدر علی اصغر
تشنه لیکی کسنه ایدی که جام شهادت نوش اتدیلر • رخت زندکانیلرین دار
الملک بقایه ایلتدیلر • امام حسین ایله زین العابدین دن غیری کسنه قالمدی •
حضرت امام نظر ایدب فرزند دلبندلرینک یتیم و غریب اولجقلرین و کندودن
صکره اهل بیتک تنها و بیکس قالجقلرین ملاحظه ایدیبوب بی اختیار نار حسرت
کانون درونندن ملتهب و آب حسرت چشم چشمندن منسکب اولدی شعر
ای دریغا دیده انصاف اگر بینا بدی • سبط پیغمبر چرا در کربلا تنها بدی •
بر غریبی حسین در درد او بکریستی • حضرت خیر النبیین گرد آن صحرا بدی •
کی توانستی کشیدن تیغ در رویش کسی • گر علی مرتضی با ذو الفقار اینجا بدی •
فاطمه از حسرت تشنکان اهل بیت • جامه بر تن چاک کردی کاندران غوغا بدی •
گر حسن بودی دران صحرای پر کرب و بلا • از غم سوز برادر واله و شیدا بدی •
راوی ایدر چون امامک یاننده زین العابدین دن غیری رجالدن کسنه
قالمدی • اول دخی بیمار و زار و قوی ضعیف و دلفکار ایدی • پدرین تنها
کوروب غیرته کلدی • خیمه دن طشره چقوب الینه نیزه آلدی • دیلدیکه حربکاهه
کیده • دشمن ستمکار ایله بکا رایده • اول حالده چند مرض ساحت مزاجنه استیلا
بولمشدی • و حرارت تبدن نهال وجودی مانند برک خزان لرزان اولمشدی • چون
امام بو حالی مشاهده اتدی • زین العابدینی عزم رزمدن منع اتدی • و اتیدی
سنک سلسله انقراضه حایل دورانده انقطاعه بولمیوب پدرایه اهل
بیت

بیت اولسه کرکدر • و اولاد عالی نژادک کاشف استار مغیبات و واقف
اسرار کرامات اولوب هر بری بر دیار جلیل الاعتبارده اشتهار بولسه کرکدر •
و بن سنی کندومه وصی ایدب خواتین عفت آیینی سکا سپارش ایلرم • و شمول
امانت که بزرکوارمدن • و پدر عالیمقدارمدن بکا واصل اولمشدر اکرم لرم • اولا
قرآن عظیم • و فرقان کریم که کلام معجز نظام الهی • و مجمع حقایق نامتناهیدر • مصحف
فاطمه سعادت خاتمه و جفر ابیض و جفر جامع و جفر احمر و علم غافث و مزبور
و علم منایا و جفر خافیه و باقی علوم غریبه و عجیبه در که ائمه اهل بیتدن غیری
کسنه اکا واقف • و عرفای نکته شناس غوامض اسرارنه عارف دکلدر • پس امام زین
العابدینی خیمه یه ایلتدی طالب تقوی • و راهب رضای مولا اولمسن وصیت
ایدب عهده سنده اولان اماناتی تسلیم اتدی • و آلات جنک و پیکاری کتور
دیو شهربانویه اشارت اتدی • و زبان فرقت بیان ایله وداع اتدی و اتیدی
قطعه اینک آمد نوبت من الوداع • الوداع ای کثرت من الوداع • زود دلهای
شما خواهد شدن • سوزناک از فرقت من الوداع • دمبدم خواهید چون
ابر بهار • کریه کرد از حسرت من الوداع نثر پس امام حسین جزعی هجری دیکله
معروف اولان جامه ذریه و عمامه سرور عالمی بر سر قلدی • و سپر حمزه
صاحب شجاعتی یا پشوب • و ذو الفقار شاه ولایتی حمایل وار طاقنوب
فرحدبوانه • و کرجبار رزانه برله میدانه عزم اتدی • پرده کیان حرم عفت
و حجله نشینان حریم عصمت اشک چشملری کبی پاینه دوشوب • ای شهسوار
ملک ولایت • و ای تاجدار اقلیم فتوت • بو غریبلری تنها و بیکس قویوب
قنده کیدرسن • متعات لازمه موزکه سپارش ایدرسن • دیو فی نجه الکلشدیلر •
هزار فرقت و حرقت برله نالش قلدیلر • حضرت بوردیکه سزی خدایه اصمرلدوم
اول بنم وکیلمدر جمله مهماتکز اکا سپارش ایلدم وکفی بالله شهیدا چون امام
میدانه وارب نیزه سرتیزن نهال مثال یره دکوب حقه دهانن آجدی •

لعل درر پوشش کوهپاشندن ادا، رنکین ایله جواهر منظومات مجدی اکرام کریمه
قریب ابیات اوقنمش لکن بو پوشش بیت تبرکا قید اولنمش **شعر** خیرة الله من
الخلق ابی ثم امی فانا ابن الخیرتین فضة قد خلقت من ذهب وانا الفضة
ابن الذهبین فاطمة الزهراء امی وابی وارث الرسل امام الثقلین من له
جد کجدی فی الوری او کشیخی فانا ابن العالمین ذهب فی ذهب فی ذهب
ولجین فی لجین فی لجین بو ابیاتدن بعضینک ترجمه‌سیدر **شعر** جدم خیر
الوری فاضلترین انبیاست آفتاب اوج عزت شمع جمع اصفیاست منقبتهای
پدر کر برشمارم دور نیست در درج لافتی و بدر برج هل اتی است مادرم خیر
النسا فرزند خاص مصطفی بر کمال او کلام بضعة منی کواست وز برادر کر بپرسی
هست شاه دین حسن آنکه سبط مصطفی و نور چشم مرتضی است حمزه سرخیل
شهیدان باشدم عم پدر جعفری اصل ونسب در جلوه عالم کجاست ای ستمکاران
سنکین دل که اخلاق شما بی وفایی ونفاق وحیله ومکر ودغاست جمله خویشان
فرزندان وعزیزان مرا قتل کردید این چه است واین همه طغیان چراست
این زمان بهر هلاک من کمر بسته اید کشتن من در کدامین مذهب وملت رواست
یک بیک بخشند یاران من ازین ماجرام حضرت حق در قیامت حاکم ما و شماست
نثر بیوردی که ای قوم شول خدادن خوف ایلک که کیجه کیدر کوندوزی
کتورر ذی روحی مرده ومرده‌یی ذی روح قلور اکر بو خلقین خدایه ورسول
محمد مصطفایه ایمان کتوردکز ایسه احوال پر اهوال قیامتی یاد ایلک بنی
بو جور بیدادن آزاد ایلک شمدیه دک برادر وفرزند واقربادن وسایر
یاران واحبادن نیچه‌سنی تیغ کینه‌یه هلاک ایلدکز جای قرار این خاک
ایتدکز حالا بکا قصد ایدرسز اکر مملکت ایچون ایسه رخصت ویرک چکوب
کیده‌یم خارج ولایته عزیمت ایده‌یم دیر مقدار صو ویرک که حرارت
نایره عطش ایله حالم دیکرکون دروننزکان لعل کبی پرخون اولدی شویله که

راضی اولسنز روز قیامتده سزه خصومت ایتمیه‌یم والا الحکم لله قد نفینا بقضاء الله
امامک کلماتی اول اشقیایه تأثیر ایدوب شامیان شوم نادم وپشیمان وکوفیان
مذموم زار وکریان مقام حیرتده وادی‌ء وار سرکردان ونقطه مثال پای بند اوان
اولوب قالدیلر بجتری بن ربیعه وشیث ربعی وشمر ذی الجوشن نام بد انجاملر شکرک
بو حالن کوروب شاید بو کاردن فراغت ایده‌لر یزیده وابن زیاده مخالفت ایلیه‌لر
دیو خوفا اوچی دخی امامک مقابله‌سنه کلوب ایتدیلر که یا ابن ابو تراب نیچه بر قصه
دراز ایدرسن کل سنی ابن زیاده ایلدیم یزیده بیعت ایله بو مهلکه‌دن
خلاص اولوب سکنا اولونکه عودت ایله والا بو کرداب بلاده قالورسن آخر تشنه
لکدن هلاک اولورسن اول حضرت سکوت ایتدی اشارت عمر وسعد ایله پیاده
لر ایلرو کلوب اول عالیشانی خدنک جنکه نشان ایتدیلر برج قوسین تیرباران
ایتدیلر **بیت** مرغان خدنک تیز پرواز قان ایچمکه آچمش ایدی منقار اصلا
امامک ذات سعادت آثارنه واسب رفتارنه ضرر کلمیوب تیراندازان
خطاکار منفعل اولوب مقابلو مقامنه کتدی اول جناب دخی جانب خیمه‌یه
عودت ایتدی ناکاه بر غبار پیدا اولوب ایچندن بر شکل عجیب وبر شخص مهیب
ظهور ایدوب حضرته ایردی بو عبارتله سلام ویردی **السلام علیک وعلی جدک**
وابیک وامک واخیک امام انام رد سلام ایتدی واتیدی سن کسن که بونک
کبی زمانده کلوب بن مظلوم بیچاره‌یه وبو مغموم آواره‌یه سلام ویررسن ایتدی
مولای بری یا امام ومولای مخبر آخر الزمام بکا زعفر زاهد دیرلر سنک بو بیابانه
در دقتی که پدرک بئر العلم دیکله معلوم اولان چاه کلشن ضرب ذوالفقار ایله
فرزی دیولری مسلمان قلمش ایچلرندن بنوم بابا عزت واعتبار ویملا دیو له
انی حاکم وسردار ایتمش پدرمدن صکره چاربالش امارته بن اوتوردم دیو
دستور شریف ارزانی بیورن شکر ظفر جیرم الوب کلدیم بوطایفه غداردن
مراد نهاد دوستان وفقیح انتقام الدین **بیت** دوستانه شاد کردام بتوفیق خدا

ورن ستمکاران رادر اندازم رهایی امام بیوردیکه ای زعفر جزاک الله خیرا بن
سکا ادمیلری قتل ایلکه اجازت ویرمزم زیرا رجیم لطیف سز انلر سیزی کورمزلر سز
انلری کوررسز علی الغفله کلوب مادکزجه تیغ اوررسز بو تقدیرجه ظلمدر اکرچه بدر
حنینده کفار ایله جنک ایچون ملائکه نازل اولمشدی اول بر امر ایدی که فرمان خدائی
برله وقوع بولمشدی ایدیکه برکیمسه ده مزی انلره انسان صورتنده کوسترهلم اندن
صکره ادوات جنکه ال اوره لم بیوردیکه غم اعدا ایله غایت دلکیر اولدم نعمت زندکانی
عالمدن سیر اولدم و علم مثالی یاده کوردم که بن بوکون شهید اولسم کرکدر جوار
رحمت رحمانه وصول بولسم کرکدر لطف ایدب بو قومه متعرض اولمه پس زعفر حضرت
امام ایله وداع ایتدی حسرت وندامت برله دونوب کتدی راوی ایدر حضرت
امام کوردیکه ارباب بغی و عناد و اصحاب فسق و فساد خصومتدن فراغت ایتیوب
الات حرب وقتاله دست اورمشلر ذات سعادت آیاتنه منتظر اولوب طورمشلر
تکرار سمند صبار فتارنی صوب رزمکاهه سوردی ادا اولان میدانه کلسون دیو
بیوردی تمیم بن قحطبه که شام بکی ایدی غایت شجیع و نامدار و کندو قوم و قبیله
سی ایچنده عالی مقدار ایدی امامه مقابل اولوب ایتدیکه ای پسر علی نیچه خصومت ایدرسن
توابع ولواحقده کمسنه قالمدی بونجه سواران شیر کردار و پیادکان سوار شکار
ایله باشه می چیقورسن حضرت امام خطاب ایدب ای غدار ستمکار نه سیزدن بنزان
ایکین مسلط اولوب بونجه اعزه نامداری و اجله دار و دیاری قتل ایتدکوز بونه
کفتار ناصحیحدر که سویلرسن ونه ترهات بیهوده در که نقل ایلرسن تطویل کلام
ایله مردانه لکده نک وار ایسه میدانه کتور دیوب بر نعره اوردی که زمین و زمانه
ولوله دکون دنکانه غلغله ذلزله دوشدی لشکر ابتردن کیمسنک زهرهٔ بی بهره یکی
کاسه سرندن آب دکیمینک شمع تابناک ادراکندن تاب اولدی تمیم دخی سراسیمه
اولوب دست و پای عملدن قالدی حضرت امام کردننه بر تیغ اوردی سر مغرورن
تن منحوسندن جدا ایدب خاکه دوشوردی دصعفا علایه هجوم ایتدی حرکت خوف

وخشیت مستولی اولوب داعیهٔ مقاومتدن کچوب ترسان و هراسان کریزان
اولدی عواصف حملهٔ آتش اهنکدن خرمن جمعیتلرین مانند کاه پریشان اولدی
مثنوی چکبه برق کبی تیغ عریان رجوم آسا اولور اعدا پریشان کیمه کم تیغ بران
ایله ایردی تنن سردن سرن تندن آیردی م یزید ابطحی ایلرو کلوب کندو ادلین
ندا ایدب بونه جیغنز لکدرکه ایدرسز بونجه دلیر غیر کیر برادمدن قچرسز کورک
اهلی بن انکه امرن نه دجمله تمام ایدرن دیوب آلات سلاح ایله اراسته و ادوات
حرب وقتال برله پیراسته اولوب معرکه کیردی نفس الامرده شجاعت و شهامتی عراق
و حجازده مشهور و جرات و جسارتی بزرک و کوچک یاننده مذکور ایدی سپاه
عمر و سعد چون آنی امامک مقابله سنده کوردیلر عرض اشاشت ایدب صلای
جوش و خروشی ذروهٔ افلاکه ایلتدیلر بو جانبده اطفال و عیال امام بو حاله واقف
اولوب بیم یاس برله جناب حقه توکل ایتدیلر امام بیوردیکه ای ابطحی نچون بی کناهک
قتلنه قصد ایدرسن بیان میدانه کیروب دایرهٔ ادبدن طشره کیدرسن ابطحی
جواب ویرمیوب شمشیر چکوب حربه متصدی اولدی اول چابک سوار حمله اوله
وسط میانه بر تیغ اوردی که قلم واسطی کردار ایکی بولدی اول حضرت اناده کشنه
اولمغین سیلاب برشتاب کنار آب فراته عزم ایتدی شمر لعین نهاد نکهبان آب
اولان اجناده ندا ایدب ایتدی شویله که حسینه بر ایچم صو ویره سز حیات تازه
بولوب تحصیل مکنت ایدر باد حملهٔ آتش تاثیر ایله جمله کوز خاک ایلر پس نکر ملو
ایدب امام ایله اب فرات یاننده صف چکوب طوردی اول حضرت اسب
ذوالجناحی اوزرلرینه سوروب تیغ اوردی زبدهٔ افاضل عصر و مالک ازمّه
نظم و نثردن بری امامک تیغ جوهرداری واسب ذوالجناحی وصفنده بر قطعه
سویلمش جواهر زواهر عباراتی و درر غرر استعاراتی سلک بیانه نظم ایلمش
قطعه تیغ کوهر دار او الحق زروی کوهری آتشی همرنک آب در نک آتشین کوهر او
تابناک و آتش او ابناک آب و آتش کشته یک جا هم عنان و هم قرین کرده آواز خون

دلیران در صف میدان جنگ. غلغل ار کوب اسبش خاک را با خون عجین. تیز تک فلک
عنان جولاد سم فارانکاف. خرد سر کوچک دهان لاغر میان فربه سرین. تیز صوت
پیل پیکر کوه کن دریا گذار. رعد هیبت برق سرعت باد جنبش تیز بین. اینت
مرکب اینت راکب اینت تیغ و اینت مرد. ای سنای آفرین بر جان پاک آفرین نثر
وقتی که حضرت امام باغیلرک اوزرینه آت صالدی و تیغ اوردی سرو کبی سرکش
اولانلری مانند برگ خزان خاکه دوشوردی مثنوی کیمه قیلدی اوردیسه خاکه جسر
نته کم بکر و باری باد صرصر. شود کلوا وردی تیغ الکوتی. قزل ارمق کبی آقتی خونی
اوج قت صف اعدای محبوب لب جویه ایردی سوار اولدیغی باد پایه صو ویردی
و بر اوج صو الوب صادا ایلدیکه نوش ایده. بیحینر یغلرینه بونداو خبر ایردیکه
ای حسین سن بونده آب سرد نوش ایدب دفع غایله حرارت اتمکده اعدای بد
رای خیمه کی جناب آسا برباد ایدب نخب غارت اتمکده امام حسینک بو خبر غم
آوردن کانون درونی نار غیرت ایله پر اولدی. ایدن محبوب باد وزان
کبی خیمه وارد قدده غیردن خالی بولدی بلدیکه اول خبر مکر علادی جنگ جوی غدار
دشمن ستیزه جوی در کتومشلر درکه امام لب جویدن در خیمه وارنجه دورت
یوز آدم هلاک اتدی سفاین حیاتلرین صرصر صرامت ایله گرداب ممات ایلتدی
مثنوی قیرن اولانلری قردی سراسر. محراکا صاحب قرانلر. اوکندن کچدی
بوکجه پهلوانلر. بودکلوا اولوراجق پهلوانلق. چون امام خیمه وار ب خانه
زیندن ساحت زمینه نزول اتدی. سرا پرده اهل بیته دخول اتدی جملسی حضور
حضرتده کلدکلرنده بیوردی که ای پرده کیان حرم عصمت وی صدر نشینان محجله
عفت با شکره مجور کز. ودیانکره کم لریکز بندایدب بنم مصیبتمه حاضر اوله سز اما
جامه لرکوز برتمیه سز. جزع و فزع اتمیه سز و بنم یتیملرومه کا ینبغی رعایت
ایده سز و بری بریکزه بر موجب شیمه قدیه حرمت ایده سز. پس زین العابدینی
طوتوب در آغوش اتدی یوزن یوزنه سوردی و ایتدی قطعه

بیاجانا

بیاجانا وداعی کن با آبی آتشم بنشان. که تیغ از استخوان بگذشت و آب از فرق کار
از جان. بیا زان پیش کز حلقم بریزد شمر ملعون خون. شود مرغ دل پاکم زتاب
کربلا بریان. کنارم گیر کز بویت شود جان حزین خرم. سخن گو تا زگفتارت
دل غمگین شود شادان. ای فرزند دلبند وقتی که مدینه منوریه ایره سن بنم سلام
اخوان صفا یاره کوره سن. وایده سن که پدرم وصیت ایلدیکه هر کمنده بر کفتار
رنج و بلا. وکشته تیغ جفا کوره لر. بنم کربلاده کرفتار کشتند کرب و بلا اولوب
حلق ناحق بریده پاشها دته ایر دیکه وهر محلده که یاران وفا جمعیت ایدب
آب شیرین نوش ایده لر بنم بو پریشانلق واد لسنده عزیب و تنها لب تشنه
و جگر تفسیده جان ویردوکوم یاد ایده لر قطعه ای همدمان شفق و دوستان
من. یاد آورید واقعه دلستان من. در جوی دیده چشمه خونین روان کنید
از بهر آب دادن سرو روان من. زد آسمان عمامه خورشید بر زمین. ان دم
که غرقه بخون گشت طیلسان من. پژمرده گشت زغم گل صد برگ آفتاب تا دید
فرق خون رخ ارغوان من. آب فرات کف بسر و سر بسنگ زد. وقتی که تشنه
شد لب کوهر فشان من. کربید خون بتعزیت من که میرسد. صد کونه فیض جان
نثار از جان من. بو اثناده شهر بانو ایلرو کلوب ایتدی ای نور حدقه کامرانی
و نور حدیقه دو جهانی. بن بو دیار محنت ملا رده عزیزم مساعده خویش و خویشاوندان
ی نصیبیم. سنک خواهر و دخترلرک اولاد حضرت رسالتدندر هر بری ایکی جهانده
اهل سعادتندندر. لابد هر کس انلره حرمت و رعایت ایدر. اگرچه بن دخی یزدجرد
پادشاهنک دخترم. اما بو دیار ده بنی کم بلور یا کم رغبت ایدر جنابکدن
غیری امیدکاهم. و درکاهکدن اوزکه ملجا و پناهم یوقدر بیت دیار غربته دوشدم
غریبم همکسارم یوق. سنک مهرکدن اوزکه کوکلم الکلردخی یارم یوق. امام بیوردیکه
بحضور اولمک دامن حالکز دست نوجندن امین اولوب کاکان محترم و مکرم
اولورسز. و سفینه احوالکز گرداب انقلابدن خلاص اولوب ثبات دکلین بولورسز

القصه امام هر بريله وداعلشوب سوار اولدي اول داغ وداع آخرين ايدي
وديدار بازپسين ايدي وقتي كه عزم رزم ايتدي زبان حالله ايتدي قطعه لاابالي
وار دستي بر جهان خواهم فشاند هرچه اين گيردم دامن ازان خواهم فشاند دامنا
آخر زمان دارد غبار حادثه آستين بر دامن آخر زمان خواهم فشاند پاي غيرت
بر سر كون ومكان خواهم نهاد دست همت بر سر جان وجهان خواهم فشاند راوي
ايدر چون امام رزمگاهه كتدي صوت اعلا ايله ندا ايدوب مبارز طلب ايتدي عمرو
سعد ايتديكه اي مبارزان ذوي المفاخر بونكله باشه بالش جنگه قادر دگلسز زيرا
بو بر پهلواندر كه هنگام جنگده چنگ ادرسه كوه گرانك كمربندن قرر وشيران بيشه
سوكره مورچه شمشيرنه طعمه ايدر بيت اول شه عاليجنابيله طوتوشرسه اگر دست حمله
كتوره چرخك آرقاسي يره رزمه مناسب اولدر كه جمله حمله ايدوب اوستنه آت صالسز
مانند قطب مدار عليه اورتايه النز همان ساعت لشكر پر جوش مانند دريا زره
پوش اولدي بيت جمله عسكر زره پوش اولدي ودستنده تيغ هر كورن جانوردي
طوتدي عالمي بر قبيله ميغ غزوس داير كرد اراحاطه آلمق ايچون هر طرفدن آت صالديلر
اول ذات شريفي نقطه مركز گبي اورتايه الديلر امام مريخ انتقام افتاب مانند
تيغ چكوب لشكر ستاره شماره حمله ايدوب هر سويه جوي خون روان ايتدي ميداني
مجمع گلشن گبي لالستان ايتدي اركان زمينه صداي رعد آواي نالين رسول الله برله
تزلزل وردي وعيون اعدايه شعاع برق نماي تيغي يكاد البرق يخطف ابصارهم
معناسن مشاهده ايتدردي مثنوي علاوه دوشدي برق تيغ رخشان خنس
اودلره ياندي نيستان قيلچي باغ كينه آب ويردي سرسناني گوكده ماهه تاب ويردي
بر جنگ عظيم اولديكه دلاورلك سم سمندلرندن پيدا اولان غبار اينه گردونه وفلك
نا وردگاهه سپهر ابگونه ايردي اثناي جنگده تن نازنين امام مجروح اولوب زحمت
زخمدن بي مجال اولمغين جنگدن فراغت قلدي اسب ذو الجناحه دخي آمد وشد
متعذر اولمغين عملدن قالدي عمرو سعد امامي ضعيف كوروب قتلنه قصد ايتدي حضرت

بيوردبكه

بيوردبكه بني قتل ايتمكه سن گندوكي گوررسن عمرو سعد شرم وحيا برله دونوب كتدي
شمر بدكردار پياده لره امر ايتدي اطراف امامي مانند سور استوار احاطه ايدوب
حكم بند ايتديلر اول حضرت عنبر شكوب تيغ آتشبار وصاعقه انثار ايله هجوم ايتدي
جمله منهزم اولوب كتديلر شمر شرير بو فعلدن منفعل اولوب امام همامك قتلي
بابنده اول طايفه ناخايفه نك بعضي ايله حسام انتقام چكمه ال براتديلر دقوت
بازويه طيانوب سام اهتمامي تشمير ايتديلر مقابل اولدقده دست تعديلرين
دراز ايله ديلر بعضي ستمكارلر دخي خيمه حضرته داروب نهب وغارته آغاز ايلديلر
امام حسين چاغروب ايتديكه اي آل سفيان بلوز ردينيدن بتر اسز عار دنلدي
معترسز شمر ايتديكه اي حسين مقصودك ندر بيوردبكه بن جون بنم خيمه مه تعرض
ايدرلر بو نوعله كستاخلقه جرات ايلرلر شمر غدار اول ستمكارلره اشارت
ايتدي يانينه كلدكلرنده توبيخ ايدوب ايتدي بزم مرادمز قتل حسيندر نيچون
معانكاهي قويوب كيدرسز خيمه لره واروب نهب وغارت ايدرسز القصه
تكرار آهنك جنك ايلديلر اول حضرت كردار كنندو مركزنده قرار ايدوب ايدردي كه
هرچند كه نظر ايدرم بر يار غمگسار كورمزم وهرنه قدر كه نگاه ايلرم بر غمخوار دخي
دار بولمزم قطعه بهر كه مي نگرم روي كند سوي من ميان اين همه بيگانه آشنايي
نيست بكي روم چه كنم چاره ئي نمي دانم درين تنگناي حرمان كه ره بجاي نيست
راوي ايدر پياده وسواردن حمله ايدوب امامه يقين وارد قلرنده مهابت
حضرتدن خوف دهر اسي مستولي اولوردي اقدام اقداملري پايدار اولميوب
تزلزل بولوردي آخر ايراقدن طوروب اول عاليشاني نشان ايتديلر سحاب
كماندن تيرباران ايتديلر آتنه زخم ابرسون ديو پياده اولدي زيرا جد
بزركوارندن وپدر عاليمقدارندن يادكار قالمشدي چون اول شاهي پياده
كورديلر في الحال اوستنه آت سورديلر ايچلرندن بري پيشاني نوراني سنه بر تير
اوردي حضرت يزي چقورد قده موضع جراحتدن جوي آب گبي خون روان اولدي

اول تشنه‌کش بزم وحدت جام بلور صفت دست شریفی آچوب طوتدی حق اندم
لعل ناب ایله طولدی سرحد یونه ورودی کلکونه سوردی و بیوردیکه جدم محمد
مصطفی و پدرم علی مرتضی یه بو حیلت ایله کیدرم و کندو قاتللرینک احوال ندامت
مآللرین سربسر حکایت ایدرم راوی ایدر اول مجلده اعلای بدرای وجود برجود
یتمش زخم لی رحم اوردی امام همام ابی المجال اولوب قبله‌یه قارشو اوتوردی اول
ستمکارلر بر کلوب قصد ایدرلر ایدی اول ذات سعادت آیاتی کوردکلری
کمال شرم ایله دونوب کیدرلر وایدرلردی که مرادمز دکلدر که خون آل رسول که ذخیره
قالة حسابکاه محشرده موجب مواخذه اوله بیت سهل کاری نیست خون آل احمد ریختن
خاک غم بر فرق فرزند محمد ریختن مر آخر الامر زرعه بن شریک نام بدبخت ایلرو کلوب
دست شریفنه زخم سهمناک اوردی و سنان بن انس نام بدکار الله سنان اتوب
بر وجهله زخم ایر کوردی که اول سرو آزادی خاکه دوشوردی و خولی ابن یزید اصبحی
آتندن اینوب الله یراغ آلدی قصد اتدیکه سر سروری قطع ایده اللری دست جبار
کبی رعشه‌یه کلوب عملدن قالدی برادری شبل دخی قصد اتدی امام اسمعیل بخاری
علیه الرحمة الباری ایدر وقتی که امام دوشوب برکسنه قتلنه قصد اتدی اول حضرت
بیوردی که سن بو کاردن فراغت ایت وار کندو عالمکه کیت بنم قاتلم سن دکلسن
دلایق کورمزم که سن اولاسن آتش دوزخه کیروب بو کار ناسزانک جزاسن بولاسن
اولکسنه کریان اولوب ایتدی که سن بو حاله کیردک کیرو بزی قایرسن روز جزاده
معذب اولیالم علی می یرسن بس الندهکی تیغ عریان ایله دوان وشتابان عمر جلده
کتدی وار دقده استقبال ایدوب حسینی قتل اتدوکمی دیو سوال اتدی واجب القتل سن
دیو عمر حوالایلدی یاننده اولان خدام ذوی الانتقام هر طرفدن یراغ اوشوردیلر
عنان عزمی جانب امامی معطوف ایدوب کلورکن اول حضرته قریب کلدیده زخم خونبار اوروب
دوشوردیلر چاغروب ایتدیکه یا ابن رسول الله حسنک محبتکه شهید اولدم باری
بنی طلب ایده سن سایر شهدا ایله بهشت پاکیزه سرشته بیله ایلده سن بیت

بعهد محبت وفا می کنم نثار که درت جان فدا می کنم مر امام عالیمقام آواز بلند ایله
ندا اتدی بو جبلک مضمونن ادا اتدی بیت چون برسر کوی مهر من کشته شدی
از عهده خون بهات بیرون آیم مر امام مظلوم زمینه دوشدکده زمین دتریوب
آسماندن صدای ناله کلدی خصوص هبرت مخصوصک وقوعندن انده اولان حالی
حیرتالدی القصه اون نفر سوار سیه روزکار امید جاه و قبال ودرجای منصب
ومال ایله پیاده اولوب اللرینه شمشیر الدیلر سر شریف امامی قطع اتمکه کلدیلر امام که
بونلره نظر اتدی هر برلری شرمندن دونوب کتدی الا سنان بن انس وشمر ذی الجوشن
کتمدی بو ایکی سک مردم خوار مراد ایدندی که ایلرو واره لر شمر تقدم ایدوب اول صاحب
مدارک سینه سی اوستنه چقوب اوتوردی قرة العین کوزین آچوب سن کمسن دیو سوردی
ایتدی که شمر ذی الجوشنم بیوردیکه یوزکدن طولغاگک چابن رفع ایله حتی که رفع
اتدی صدق یا رسول الله دیدی زیرا دندانلری دندان خنزیر کبی طشره چقمشدی
وبیوردیکه سینه کی برهنه قیل وقتی که برهنه قلدی سینه سنده داغ برص کوردی دیو نشان
دخی کواه کلام رسول اللهدر دیو بیوردی دیوکه رسول خدا عالم رؤیاده یارانی ایله
نمازی وقتنده بزم یالمزه کلهسن دیو خبر ویرمشدی و سنک قاتلک بو شکلده اولا
دیو بونشانلری کوسترمشدی ای شمر بلورسن بو روز نه روزدر ایتدی روز جمعه
وعاشوراده و یا نه ساعتدر وقت خطبه ونماز جمعه ودعادر بیوردیکه بو ساعت
شرفیده خطیبان امت محمد منبره چقوب خطبیه آغاز ایدرلر نعت حضرت رسالتده
ذکره اهل بیتی کرلر بونک کبی دمده بکا قصد اتمک قنغی مذهبه موافق ونجه آیینه
مطابقدر ای ناکس هیچ ... حضرت رسالت جبارک یوزینی دفعاتله
سینه سور شدرسن اوستنه چقوب اوتورسن وکردنم که بوسه کاه ایدنشدر سنکا
تیغ اوررسن حالیا روان پاک یحیی وجان تابناک زکریا علی نبینا وعلیهما السلام
یمین ویب رمده حاضرلردر بو حال مصیبت مآله ناظر صدر صفه سینمدن قیام
ایلکه وقت نمازدر اداء صلوة ایدهیم و بارگاه قاضی الحاجاته عرض حاجت

ایده‌ین جونکه نمازده ایکن زخم اورلق بکا پدر مدن میراث ایش بن دخی نمازده
ایکن نه دیلرسک ایله شمر سینه‌سی اوستندن قالقدی • اول حضرت نمازه طوردی
وقتی که سجده‌یه واروب خاک پاکه یوز اوردی شمر ارام اتمدیکه نماز امام تمام اوله
سجدهٔ اولیده شربت شهادتی ایچوردی طایر روح شریفی خارستان جهان فانیدن
گلستان جنان جاودانیه ایردی انا لله وانا الیه راجعون له الحکم والیه ترجعون
مثنوی ذال دهرک نجه‌در احوالی • غالبدن دخی دکل خالی • کیمی سلرسه ناز و عزت
ایله • خاک ایدر حکره درد و محنت ایله • اهل جاهک برینی چاه ایلر • تخت و بختن تبه
تباه ایلر • کون کبی مهر که ایره افلاکه • ای ذو الجلال ایرشدرر خاکه • نیجه رستملری زبون
اتدی • بغری حسرت ایله خون اتدی • نیجه شاه جهانی خاک اتدی • نیجه بغری هلاک
اتدی • داد الندن بو چرخ خونخوارک • آه الندن بو دهر غدارک • طوتدی عالم یوزن
غمامهٔ غم • دوکسه کوز یشلرن نوله شبنم • نوله قان اغلرسه انس و ملک • نوله خونابه
دارسه فلک و فلک • کریه‌لر قلدی ابر تیره نهاد • اکلیوب رعد ایلدی فریاد • کوردی
بو حالی مهر عالم تاب • کتدی خاور زمینه پرتو تاب نثر بو حالده صوامع ملکوته
غلغله و عالم جبروته ولوله دوشدی • ماه و افتابک طاقت و تاب اولدی زهره
خاطر زهرا ایچون طربدن ال چکدی • کیوان بالای هفت آسمانه الویهٔ تعزیه دیکدی
عطارد قلمی براغوب مریخ تیغی نیامه قاتدی • مشتری اوز خانه‌سنده متواری
اولوب زحل ختم خانهٔ اندوهه ایلتدی • فرشتکان جو آسمان نالان و برق
و سحاب سوزان و کریان اولدی • نواحی کربلادن جنکلر نوحه‌سی ایشدلدی غضب
خدادن زمین زلزله‌یه کلدی • هوا متغیر اولوب دریالری جوشه دکوهلری لرزشه
کتوردی • مرغان هوا آشیانه‌دن متفرق اولدی نعرهٔ غراب البین ایله عالم طولدی
اوازناله و کریه اطرافه احاطه اتدی • اما فاطمه کم ایدوکی فهم اولنمدی • و نه محلدن جلوه‌ده
اتدوکی بلنمدی بعض مکان مخصوص تعین ولنمدی قطعه اندرین غم نه همین ارض و سما
بکریستند • کاهل عالم از ثریا تا ثرا بکریستند • در هوای آن لب محروم از آب فرات

ماهی اندر آب و مرغ اندر هوا بکریستند • اولیا کشتند بهر مرتضی زاری کنان • انبیا
بر اتفاق مصطفی بکریستند • در قصور جنت الفردوس حوران سربسر • از برای خاطر
خیر النسا بکریستند نثر بو واقعهٔ هایله‌نک وقوعندن • و بو حادثهٔ غایله‌نک شیوعندن
پرده‌نشینان حرم عفت بوح اهل بیت حضرت شهاب آسا اوده یاندیلر و شفق
کردار قانلره بویندیلر • هر بر بیک عرق امیدی کسسته • و ابگینهٔ دللری سنک جفا ایله
شکسته اولدی • جانلری خرمن صاعقهٔ آتشه دوشدی سیم شبستان کبی سراپا
یانوب طوتشدی • خصوصا اهل بیتک یار صادق و احمد مختارک صدیق موافقلرینک
مرد للرینی شام ماتم و سپهر خاطران غمامهٔ غم احاطه ایدوب سحاب نوبهار کردار
اغلشدیلر • و برق و رعد صفت یانوب یاقلوب اکلشدیلر بیت برفلک از دود آتش
از خروش من دل اختر بسوخت • شعلهٔ آهم چو پروانه فلک را پر بسوخت • زاهد از
سوز عشقش لب خشک و چشم و دیده تر • آه ازین آتش که زد شعله خشک و تر بسوخت •
تاریخ احمد بن اعثم کوفیده مسطوردر و سایر کتب تواریخده مذکوردر که امام
حسین قتل اولندقده غبار سرخ یاغوب عالم ظلمات ایله طولدی • بو مقدمهٔ غلاب
اوله دیوهم کس کمانه دوشدی • بر ساعتدن صکره غبار مرتفع اولوب عالم انجلا اولدکده
فرس ذو الجناح • امام صاحب فلاح موضع شهادته ایردکدن صکره اول دشت وحشت
ابادی ماشه کرد باد کشت اتمشدی بعده ناکاه برکوشه‌دن عیان اولدی • روی
و مویی خون امامه سورب اشکفشان • دوان و شتابان مستقر اهل بیت
سمتنه روان اولدی • حریم حرم امامت اسب ذو الجناحی اول شهسوار میدان جهاددن
جدا کوروب تکرار نادعاتم ایله جان و جکرلرن کباب اتدیلر • و سر چشمهٔ چشملرندن
خونابهٔ حسرت اقتدیلر بیت آب حیوان کبی اولوب اشکبار • قاره کیدی قوسی
کعبه وار • برق آسا یاندیلر یاقلدیلر • رعد کبی آه و ناله قلدیلر • اسب ذو الجناحه
خطاب ایدرلردی • هزار سوز و کداز ایله دیرلردی مثنوی که چه کردی خداوند اسلام
چه کردی شهنشاه ایام را • چه خاکست ای اسب بر روی تو • ز خون که سرخست این موی تو •

اندر توجه قلا قجه ذو الجناح باشن اشاغی صالوب چشمندن اشک روان ایلردی
روی خون آلوده سن پای فرقدسای امام زین العابدینه سوررردی مخدرات
حجرانک حریری بر نوعله زاری ونوحه ایدب اشک دیده لري باران کبی تهمل ایغردي
ودود آهلری ابر سیاه کبی کوکلره آغردی **قطعه** یکی بیهوش شده از قتل شمشیر
یکی در حسرت قاسم عزیوان دل زینت چو کردی نوحه آغاز زغم بکریستی مادر در
افغان بکفتی ای شهید تشنه کشته فلایت باد خواهر را تن وجان نظم چو نوحه
برکرفتی ام کلثوم زکردون خون بباریدی چو باران سکینه چون پدر را نام
بردی سیه کشته زغم خورشید تابان شمای مؤمنان کر راست کویید که ما بودیم
اندر عهد ایشان نکردی در عشور اکر دشادی مباش اندر عشور اشاد خندان
فغان ونالها از دل بر آرید که خورشید شریعت کشت پنهان نثر بو وادیده هایلنک
قصه سی نیجه عبارت وسیله سیله تقریر وبو حادثه مشکلک غصه سی نه اصل استعارات
ذریعه سیله تحریر اولنور ای مؤمنان زمان کریه وزاریدر واوان ناله وسوکواریدر
قطعه مصطفی خون زدیده باریده مرتضی جامه چاک زاریده فاطمه با پلاسی
در کردن روی را سر بسر خراشیده زینب از زخم سینه کرده کبود آتش اندر جکر
بجوشیده کفت ای قاتلان سنکین دل وین نه کاری بود پسندیده خود زاز پشت
زاسب افکنده سری اورا بظلم ببریده **ابو المؤید خوارزمی کتوردی که** اول
اسب مفارقت امام عالی رتبه دن آشفته بی قرار اولدی عاقبت الامر باشنی
کوی کرد از ادل مقدار زمینه اوردی که دم ونفسی انقطاع بولدی **بیت**
وردی جانن بود ردیله حیوان طاکی انسان ایدرسه آه وفغان نثر حدوث واقعه
امام وقوعندن شمر لعین برنجه نامرود بد آیین برله اثاث خانه بنوت جاروب
خسارت چالغه نیت اتدیلر جایکاه خواتین عصمت پناه ستمته دار جیوب سایر
خیامده اسباب وامتعه دن هر نه بولدیلرسه الوب نهب وغارت اتدیلر شمر شریر
قصد اتدیکه امام زین العابدینی دخی مرض شهادته ایرکوره حمید بن مسلم ایدی که

سبحان الله بو جوان مظلومک سیف حیف ایله قانن دوکمکدن فراغت ایله که دام عرضه
کرفتاردر مفارقت پدر وبرادران وغم حسرت عم وعم زادکان برله زار ونالان
در عمرو سعد شمر بد کردارک ال طوتدی وایتدی بو کودک بیمار وخسته دور زجاج
مزاجی سنک مصائب ایله شکسته در داعیه قتلدن فراغت ایله که جرم وجریمه دن معصوم
ونوازش پدردن محرومدر تیر استشفاع عمری هدف اجابته مقرون قلوب اول فعل
شنیعدن فراغت اتدی پس رؤس شهدا او جماعت نسا ایله کوفه یه عزیمت اتدی
بو کلام فرقت انجامک نهایتی وبو پیام محنت اعلامک غایتی اوتنجی بابده بین
التفصیل والاجمال بعون الملک المتعال بیان اولنسه کرک **اونجی باب**
ایکی فصل اوزره مبنی در فصل اول اهل بیته واقع اولان وقایع منهی وفصل
ثانی قتلای امام حسینک عقبات عقوباتن شرح وتحتویدر
خواطر حافظه عقلایه وضمایر زاکیه فضلایه مخفی بیورلمیه که دور آدمدن بلکه
ابتدای عالمدن بو دمه دک صحایف روزکارده واقعه شهدای اهل بیتدن جان
سوزرک قصه پرغصه تحریر وصفحات اعصاره حادثه کربلادن محنت افزورک
بر حکایت پر شکایت تسطیر اولنمامشدر شهادت امام سدره مقاملرن بو کتاب
بلیت عنوانک ترجمه سی تاریخنه دک طقوز یوز التمش عام فرخنده انجام مرور اتمشدر
هر کاه که هلال ماه محرم الحرام بام فلک فیروزه فامدن انکشت نمای خاص وعام
اولور داغ مصیبت هلال سلام تازه لنور بو ابیاتک مضمون محنت سازی اهالی
عراق وحجاز میانده آوازه لنور **قطعه** ای عزیزان در غم سبط نبی افغان کنید
سینه را از سوز شاه کربلا بریان کنید از پی آن تشنه لب بر خاک ریزید آب
چشم در میان کریه یاد آن لب خندان کنید نخل قدش زار جوی دیده ها آبی
دهید اندر آن ساعت که کشت کلشن وبستان کنید کر رسد از سنبل سیراب
بویی در مشام یاد آن جعد سیاه وموی مشک افشان کنید **کتوردیلر که** ماه
محرم ماه محترمدر وامام حسین شاه محتشمدر اول ستمکاران سنکین دل داد ول

متجبران جاهل نه ماه محرم حرمت و نه شاه محتشم عزت ایلدیلر روز عاشوراده
شور پیدا ایلدیلر احوال اهل بیتی دگرگون ایتدیلر بو تجلی روزده که انجلین روی
دل فروزی غرق خون ایتدیلر عجب کون ایدی که ارواح انبیای مرسلین
و زمرهٔ ملائکهٔ مقربین موافقت سید الاولین و الاخرین ایچون کریان و حوران
بهشت و ولدان پاکیزه سرشت موافقت بتول عذرا ایچون نالان اولشلر ایدی
زمین اکلیوب ایدردی که بو کون روز عاشورای پرشوردر زمان فرمان ایلیوب
دیردی که بو کون روز فتنه و شر و شوردر قطعه بیا ببکر که عاشوراست امروز
جهان تاریک بی نورست امروز بریده حلق و لب تشنه جگرسوز سر از تن تن از سر
دوراست امروز رخ چون افتاب او دریغا بمیغ تیغ مستوراست امروز
عارض محمد مختار شمع له شریفی تن لطیفندن جدا اولدی خانقاه عالم ناله و
فریاد ایله طولدی قطعه روز عاشوراست بردارید از سر تاج کبر داندرین
ماتم پلاس هجر در گردن کنید چاک سازید از غم شاه شهیدان جیب جان
قطره‌های خون ز جوی دیده در دامن کنید عیون الرضاده مسطوردر که روز
عاشوراده مراسم مصیبت و لوازم تعزیت قیام کوستروب اول روزی کندویه
روز محنت و بلا بله و سماطنی طلاق ایلکوب ترک مهمات دنیا قیله حق تعالی
روز قیامتی اکا روز فرح و سرور ایده و دیده‌سن روضهٔ جنانده جمال فرخ فال
اهل بیت ایله پر نور ایده بو دخی عیون الرضاده ریان بن شبیب نقل ایتدوکی
احادیث شریفه دندر یا ابن شبیب اگر دیلرسک جنت اعلاده درجات عالیه
و مقامات سامیه‌ده بنم ایله اولسن بنم غمم ایله غمگین و حزنم ایله حزین اول و بنم
دوستلغمده ثابت اول که هر کس کی دوست ایدنورسه انکله حشر اولنور نیکه بد
هر نه ایسه سزاسنه کوره جزاسن بولور ای ابن شبیب اگر امام حسین ایچون دیدهٔ شفقتدن
اشک حسرت اقدرسن یعنی کلزار که شبنم سرشک نثار ایدرسن حق تعالی جمیع صغیره
و کبیره کی بغشلیوب اول آب روان سبب مغفرت کناهان و باعث شستشوی

الهای

اوساخ عصیان اوله اگر مراد ایدینورسک لباس جناندن عاری اولوب
قرب حضرته ایروسن امام حسینی زیارت ایله و اگر دیلرسک غرفات جنانده ساکن
اولوب سعادت سرمدی بولسن قاتلان حسیندن نفرت ایله کتور منقلدرکه
دیار خراسانده عمرو بن لیث نام بر پادشاه نامدار و بر شهنشاه عالیمقدار
وار ایدی عادت مالوفهٔ و قاعدهٔ معروفه‌سی اول ایدیکه امراسندن هر بیرکه
بیک نفر سواره قادر اولوب عرصهٔ عرضه کتوربدی حکم عالیه‌سنه مظهر دوشوب
بر گرز زرین احسان ایدردی بر کون اول جناد جراد عداد علی الانفراد حضور
پادشاه هیجانه اولندی یوز یکرمی گرز زرین صاحبی میر نامدار بولندی پادشاه
دریا یسار ریمن و یسارنه نظر ایدوب بو حالت مسرت آثاردن کمال مرتبه‌ده مفتخر اولماسات
درجه‌ده مستبشر ایکن محزون و گریان آت اوستندن کندوی یره آتدی سایه
گهی خاکه یوزن اوروب بلبل صفت نالان اولوب ژاله مثال کوز یشلرن اقتدی
شهنشاه تاجدار بعد زمان لاله کبی خاکدن باشن قالدردی ندمای قدیمسندن
بر نیک افرحالی جوهر محرمیت ایله حالی یدی سررشتهٔ بلاغته انتظام ویروب
ایتدی ای ملک ملکه خصلت بحمد الله عدد ایردهٔ ملک و سلطنتک وسیع و وزرای
آصف رای و امرای صف آرای امر که مطیع تحت حکومتکده اولان تختگاه خلافتک
و سایر مملکتک موحل اقدام خصم جان شکاردر مرکز عادی کینه گذاردن اولمغدن مصون
در و حالا یوز یگرمی بیک مرد نبرد و پهلوان شیرمرد الات پیکار ایله آراسته
و عدد کارزار برله پیراسته‌در زمان خنده و سرور نه اوان گریه و فتوردر بیت
این نه وقت گریه و فریاد تست وقت شادی و مبارک باد تست نظم عمرو آنکه
چون لشکر ستاره شمارم عقد ثریا مثال منتظم الاحوال کوردم محاربهٔ کربلا خاطرمه
خطور ایدوب ایدم که کاشکی اول زمانده حیاتده اولیدم امام معالی اعتبار ایله
اول صحرای محنت ملاده بیله بولنیدم مانند افتاب اله گرز زرین الوب وشهاب
اساوغمی شیاطین آیینی اوزرینه التوب خون اعدادن بسیط زمین لاله زار دکار

دشمن بدکرداری ناله و زار ایدیدم • یا طلعت نغزی آینهٔ یغلده کوردم • یا دخی
شاهد شهادته ال ایرکوردیدم **القصه** وفاتندن صکره عمری خوابده کوردیلر •
باشنه مکلل تاج واکننه مرصع دیباج کیر • وفرس فرد وسدن برینه سوار اولوب •
غلمان نازک بدن • وحوران سیمین تن برله سیران ایدرز • ایتدیلرکه حالک نیجه اولدی
ایتدی حق تعالی بکا مغفرت ایتدی • صفای بندن خشنود ایدوب مقام جنت
ایتدی • شول نیت سبیله کرشکر عوض اولدوغی کونده آلمشیدم • و شهدای
کربلا ایچون چشمه چشممدن قطرات اشک اقتشدم • بو خبردن بونکته معلوم و بو اثردن
بومعنی مفهوم اولدیکه مجرد برنیت که نصرت امام ایچون برکوکلدن کذر ایده • موجب
نجات بسیار شیه • اول شهدانک جناسی رفعت درجات و علو غایتدر **قطعه**
شهید ازالحشم کم مبین کایشان بهر زخمی • کراینجا یافتند انجا ز رحمت مرهمی دارند •
اگر رفتند با درد و الم زان عالم ناخوش • بدار الخلد بی درد و الم خوش عالمی دارند •
عیون الرضاده بیور مشلردر لکه بزه واقع اولان ابتلای یعنی واقعهٔ کربلایی
یاد ایدوب آغلیه ویا خود برکسنهٔ آغلته جمله عیون کریان اولدوغی دمده انک
دیده سی کریان اولمیه • ولکه بزم ذکر مزله مجلس احیا اتسه حولقیامتده دلگر مرده .
اولدوغی زمانده انک کوکلی اولمیه • پس ای عزیز قرنداشلر جهد ایدوب بو ایام
مشقت انجامده • دیده کوزدن قطرات اشک نثار ایلک • و اول قطره لری ضایع
وبیحاصل تصور ایلمک که روز **لا ینفع مال ولا بنون** ده سزک حدیقه کوز آب دیده
اوله رک • و حدایق حسناتکز سرسبز اولوب نضارت و طراوت بوله رک کذرنه که
بیورمشلردر **بیت** اشکی بیداد آلوده و کیجی بردار • آهی بزن آهسته و ملکی بستان •
نور الائمه کتورمشدرکه ای مشتاقان اهل بیت اغلاکوز و ای محبان خاندان
اکلکز که روح مقدس امام حسین حوذج قدسدن سزک دیده کزدن روان
اولان قطراته ناظردر • شول کونده که کرشفاعتی درمیان ایلر کندو ایچون مغموم
واشک نثار اولنلره انتظار شفقت و مرحمت برله نظر ایدوب • روی حالرین تبسم

نصیحت

وخندان ایلر **بیت** آخر هر کریه آخر خنده ایست • مرد آخر بین مبارک بنده ایست
امام اسمعیل بخاری سیر کبیرده کتورمشلرکه امام زاهد قدس سره روز عاشوراده
ایتدی که ای مسلمانلر بو مصیبت آسمان الکلک • و بو تعزیت جزوی قیاس ایلک **قطعه**
زین ماتم از سپهر بخاتون گریستی • از چشم اختران همه شب خون گریستی • چون ابر کاشکی
همه تن چشم بودمی • تا تن درین غم از همه افزون گریستی **تم** بوندن اول تحریر اولنمشدرکه
امام حسین قتل اولندوغی کونده حوالی بیت المقدسده هرسنک دکلوکه قالدررلردی
تحتنده تازه قان بولورلردی **شواهدده کتورمشدرکه** زمخشری کتاب ربیع
الابرارده ام معبدک خواهر زاده سندن روایت ایدر • ایتدیکه فخر عالم نم ضیمله
یتوب اویوردی • بیدار اولدقده آب طلب ایدوب دست شریفین یودی • و مضمضه
ایدوب آب مضمضه خیمه مقابله سنده برمحله دوکدی • وقتی که سبزه زار سپهر کواکب
نرکس مثالدن خالی • و ورد زرد خورشید ایله حدیقهٔ افق خالی اولدی **بیت**
آچلوب کلشن چرخک کل رعناسی بینه • باغ جنتک بی دهرک یوزی خندان اولدی •
کوردم که اول مضمضه مانند همت اصحاب کرم برعالی درخت • پیدا اولمش مثال
سدرة المنتهی برک و بار ایله زینت بولمش • میوه سی غایتده بزرک و شیرین •
و خوشبوی و رنکین ایدی **ع** بوی آن چون بوی عنبر طعم آن چون طعم شهد • اگر کسنه
وتشنه تناول اتسه سیر و سیراب اولوردی • واگر بیمار رسیم اکل ایلیه صحت و شفا
بولوردی • هر شتر و کوسفندکه برکندن یر ایدی • سدی زیاده اولوردی • بوجهتدن
نامنه شجرهٔ مبارکه دیر ایدی طلب شفای بیمار ایچون هر وادی و نادیدن بوجانبه
توجه ایدرلردی • شجرهٔ مبارکه نک میوه سندن الوب کیدرلردی • بر سحر کوردم که میوه لری
دوکلمش • برکلری بچلمش • خبر وفات سید المرسلین شیوع بولدی • وفاتی حضرتدن
صکره میوه سی آز ویردی • او تو زییل تمام اولدقده میوه لری دوکلوب یچلمدن شاخ
دک باری خار اولدی • ناکاه خبر وفات امیر المؤمنین اشتهار بولدی • اندن صکره
میوه ویرمدی اما اوراقندن منتفع اولورلردی • ارباب اورام واسقام الوب

اندن شفا بولورلردی • برکون کوردم شجرهٔ مبارکه نک دبندن قان چقوب
روان اولمش • ونه مقدار رادمانه واریسه صولمش وکیجه که شب تار ایردی مشعله دار
فلک مشعلهٔ ماهی یاندردی • وقنادیل کواکبی اویاندردی بیت بحکم شب ایرب
یاقه قمر شمع • نجوم اولدم اولور پروانه دوش جمع نثر درخت مذکورک دبندن نوحه وزاری
کلدی • اما هیچ کسی کورمندی بجهامرات کاینا تده نه نه حادثه صورت پذیر اولدی
دیو هرکس خبره مترقب ومنتظر اولدی • ناکاه قتل سردار شهدای کربلا حضرت امام
حسین شایع ومنتشر اولدی بیت این زمان محنت است ای دل دمی خرم مباش
خون کری درماتم اواز درختی کم مباش نثر بو خبر جان سوزی روایت وبو اثر غم
اندوزی حکایت ایدنلر ایدرکه چون اول غدار وکینه دار از وادل خونخوار وستمکار
الآت کیرودار وادوات جنک وپیکار ایله کین کیندن ظهور ایدوب شاه شهدا ایله
وتشنکان کربلایه غالب اولدیلر قطعه دریای فتنه موج زد ودشمنان چوسیل
خود را بران امام وفادار ریختند • پرهای بلبلان سحر کوی سوختند • خونهای طوطیان
شکرخای ریختند • هرمیوه که بود زبستان مرتضی • چون شکوفه برسرم خار ریختند •
ان سرو بوستان رسالت زپا فتاد • حوران سرشک برکل رخسار ریختند • مرغان
کربلا زپی ماتم حسین • خون برلب فرات زمنقار ریختند نثر روی عالم غبار اندوه
ایله تیره • وچشم فلک دود آه ماتم زده کان ایله خیره لندی • مؤدالایه کنوز شهادتکه
اول ساعتده عرش عظیم زلزلیه وکرسی وسیع حرکته کلدی • باد از فریاده ودریالر
جوشه کلوب مرغ دماهی سرپر خروشه کلدی • اول جهتدن برکبوتر سفید حوادث زمینه
اینوب پروبالن خون امامه الوده ایدوب پروازه کلوب مدینهٔ منوره یه کیدوب
روضهٔ پاک حضرت رسالت واربه اطراف محفوفه بالالطاف که دوز ایدردی
پروبالندن قطره قطره قان طمردی • اما لی مدینه بو مرغک کشفنده متفکر وبو حاله
نک علمنده متحیر ایکن • برقچ کوندن صکره خبر واقعهٔ سرخیل ابرار ونقادهٔ اهل بیت
سید مختار شیوع بولدی • بلدیلرکه اول مرغ نامهٔ حال شهدای کربلای بال

شکسته سنه بسته قلمش • روضهٔ پاک حضرت اعلام الجون کلمش بیت پناه که بر دو مرغ
اکر نولیم حال • بسوز واقعهٔ من بسوز دش پروبال نثر واقعهٔ مرغان خون آلوده سیاه
مشهور در جلددن بری کنز الفوایدده مسطور در • بر یهودینک صاحبهٔ کرد نازبر
دختر زیباسی وار ایدی • حسن وجمال ایله شهرهٔ شهر ودیار ایدی • لکن امراض مختلفه
عارض اولوب دستی برک چنار کبی کاردن • وپای سرو کردار رفتاردن معطل اولمشیدی
ودیدهٔ جهان دیده سی نرکس صفت نابینا اولوب چهره سی برک خزان دیده کبی
صولمشدی • پدرینک خارج شهرده بر بوستانی وار ایدی • تبدیل آب وهوا قلعه سی
امراضدن بعضی زایل اولمق اومیدیله اول موضعه ایلتدی • دایم پدری ایله انده اولوردی
ناکاه بر مهم واقع اولمغین • پدری دختری بر درخت تحتنده قویوب شهره کتدی • دختر
تنها قالوب علی الصبح بر عیزی درختدن • بر مرغک آوازین استدی صداسی دردناک
اولوب دل دختره تأثیر اتمکین قیاس ایله آب روان کبی سورینی سورنی مرغ اولدوغی
درخت سمتنه کتدی مصراع ایدر اعمایه رانی رهنمالق • وقتی که درخته ایردی باشن
قالدروب بالای درخته توجه ایلدی • باوجود نابینا ایدی اتفاق دیده سنه بر قطره
خون کرم طملدی فی الحال صحت بولدی • پس لن اوذرندی قطرات خوندن آلوب چشم
احزنه ودست وپایته سوردی • کوزی اچلوب دست وپای کی کان قوت بولدی •
مثال کبک خرامان • ومانند طاوس جنان اطراف باغی کشت اتدی • پدری باغه
کلوب برزن زیبا کوردی که عذاری کل شکفته یه ورخساری ماه دو هفته یه بکزر •
صوردی که سن کمسن • بو درخت تحتنده بر نابینا والکان وانواع اسقامه کرفتار
دختر وار ایدی نه قنده کتدی • دختری پدری یانه کلوب سنک اول معیوب ومبتلا
قزک بنم دیو قصهٔ مرغی حکایت اتدی • پدری شادلغندن بیهوش اولدی کندویه
کلدکده النه یا پشوب تحت درخته ایلتدی • یهودی نکاه ایدوب بر مرغ کوردی که
پروبالی غرق خون اولمش تعجب اتدی دایتدی ایها الطیر المبارک من این تجیء وما
بالک یعنی ای مرغ همایون بال دی همای فرخ فال بو جانبه عزمک قنقی کلشندندر وبالکده

خون قیلندز بهود بیک حکایتنه باعث اولنغ الجون الطعام ربانی برله مرغ ربانه
کلوب ایتدیکه بز بر الای مرغ ایدک اشبا ترزدن بروازایتدک طلب آب و دانه
ایجون هر بریمز بر طرفه کتدک نصف نهارده سورت حرارت هوادن اکثرمز فلان
وادیده جمع اولوب بر درخت سایه سنده قرار ایتدک کشت ایدوکمز وادیلان دیبوب
ایچدوکمز آب و دانه دن بری بریمزی خبردار ایتدک ناکاه فهیم حسینجه بر مرغ ایردی
که ای مرغان امام حسین کربلاده تاب افتاب ایله بریان اولدی سز سایه درختده
آرام و حضور ایدرسز اهل آسمان و زمین ماتم و مصیبته مشغول اولدیلر سز آب و دانه
غمن می یرسز جمله موز الطعام الیم برله جانب کربلایه روان اولدق امام مظلومی میدان
کرب وبلاده شهید اولمش بولدق تن شریفندن هنوز قان آقردی ماتم ایدوب
ناله و فریاد قیلدق اول بادیه بر تاب و حادیه بی آبده یاندق تغلدق بن ضعیف
البال بی اختیار اعماکده وستنه دوشدم تا نه بولشدم بو اول خوندرکه پر و بالمدن
متقاطر اولور هر که که بو خوندن بر قطره دایره لاریب خیر و برکت بولور یهودی
بو کفتاری کوش ایدوب ایدیکه اکر حقی حق پیغمبر اولسه انک اوغلندن بو کرامت
و برکت ظاهر اولمزدی و بو بنم دخترم یمنت قطرات خوندن صحت بولمزدی پس
دختر دلبندی و سایر خویش و خوبش ومندی ایله مانند شمع بار رق قالدر ب
مسلمان اولدی خانه دللری نور ایمان ایله طولدی ع از قدرت خدای چنین ها
عجب نیست تاریخ ابو حنیفه دینوریده محرر در که عمرو بن سعد سر امام حسینی
خولی بن یزید اصبحیه ویردی هان اول کون کمال استعجال برله بسر زیاده کوندردی
یار نداسی حر کاهده وار ب سپاه بی انتباه حلاج کشته اولنلرن جمع ایدوب خازن
قلوب دفن ایتدی تن فرزند سید انبیا و سایر شهدا به ملتفت اولیوب
خاک و خون میانده قویوب خیمه سنه کتدی اوچنجی کون حاء السحرا ایلدی خواتین
اهل بیت جامه لرن کیوب یوزلرین اورتوب شتر ره بنوب کندیلر میان معرکه دن
کذر ایدرکن ناکاه غرق خون و خاک اولان تن بی سر شهدایه نظر ایتدیلر اول قدر

شیون و ماتم ایلدیلرکه رفتاری خامه بریع الجریان ایله شرحی تحریر و شولحظه عرض
علته دغم ایتدیلرکه تفصیلی سخن کزاری فصحای بدیع البیان ایله تقریر و اتمز علی الخصوص
زینب خاتون که برادری حسینک تن شریفنه نظر ایتدی بی اختیار بنیاد و فریاد ایتدی
و ایتدی واجداه و اجیب الله بو سنک جکر کوشک حسین در که کاه ردی زیباسن
اوپردک و کاه روی مبارککه سینه با سکینه سنه سور ردک و بو جماعت سنک
اهل بیتکدندر که محنت بلای کربته کرفتار اولدیلر و بو صحرای کرب و بلایه شغوب
خور و زار اولدیلر قطعه بجای غالیه بر روی خاک خون آلود کند غالیه آسای
مشک سای حسین سپهر شیشه شای بر اشک یاقوتی که آب می طلبد لعل
جان فزای حسین تشنه بر سر خاکستر افتاب منیر کبود پوش شده از بی عزای
حسین مر کفتار زینب خاتونی هر که کوش ایتدی بی اختیار ماتند رعد اکلدی
و مثال بر قطرات اشک آقتدی القصه عمر و سعد رؤس شهدای قبایله تقسیم
ایدوب قبیله هوازنه یکرمی ایکی سر و قبیله بنی تمیمه اون دورت سر ویروب
و حصین بلری انلره سردار ایتدی و قبیله کندویه قیس بن اشعثی سردار ایدوب
اون اوچ سر ویردی و بنی اسد قبیله سنک سرداری عوره التی سر و قبیله
ازده بش سر و بنی ثقیفه اون ایکی سر ویروب جانب کوفیه کوندردی سر امامی
خود بونلردن اول خولی ایله کوندرمشدی راوی ایدر خولی سر امام ایله جانب
کوفیه عزیمت ایدوب تا بشتاب ایله کتدی کونلرده بر کون کوفیه قریب
محلده کیجه کتانه کلوب نزول ایتدی خاتونی ابرار انصاردن اولوب حمیم
دلدن محب خاندان اولمغین خولی سر سروری اندن نهان ایتدی مکان مزبورده
بر تنور وار ایدی خفیه انک ایچنه قویوب پنهان ایتدی چون شب ایردی
خاتون عادت قدیمه سی اوزره تهجد ادا سنه قیام ایدوب کوردی که تنور اولمغله
خانه قلب اهل الله کبی نور ایله طولمش کویا صد هزار شمع تابان افروخته اولمش
متعجب اولوب بعین بصیرت و نظر دقت برله کوردیکه اول نور تنوردن چقر

وصوب سمایه توجه ایدر تعجبی زیاده اولوب طورر کن کوردیکه جانب آسماندن
دورت زن نازل اولدی دوردی دخی اوغلانیه کیروب تنوره واصل اولدی
ایچلرندن بری تنوره ایچنه کیروب سرداری حضرته کتوردی اغلیوب کاه ایدی کاه
یوزینی یوزنه سوردی ایتدیکه ای نازنینک مظلوم وشهید اوغلی حق تعالی
سنک قاتللرکه مکافات ایتمنجه قایمهٔ سوشی الدن قومایم واولنی دادلردن
دادا ایتمنجه حالمه مشغول اولمیم اول زنلر دخی آغلدیلر عرض ماتم ایلدیلر آخری
تنوره قویوب غایب اولدیلر زن انصاریه تنوره واروب سری حضرته چیقروب
نظر ایتدی کوردیکه سر امام حسین در زیرا دفعاتله کورمشدی بی اختیار اول تغلان
فریاد ایتدیکه عقلی باشندن کتدی بو بیهوشلقده هاتف غیبدن ندا ایردیکه
بیحضور اولمه شوهرک ایتدوگی گناه ایچون سکا عتاب اولمز وهیچ برکشینک
گناهی آخردن صورولمز هاتفدن سؤال ایلدیکه بو درت زن که کلدیلر کیملردر
ندا ایردی که اولا سری تنوردن چیقران زن والدهسی فاطمهٔ زهرادر ایکنجی
انک مادری خدیجهٔ کبری در اوچنجیسی مریم درکه مادر عیسی در دوردنجیسی آسیه در
زن فرعون دغادر چون خاتون کندویه کلدی سر امامی الوب خون وخاکدن
پاک ایدوب مشک وکلاب ایله یودی وغالیه وکافور سوروب کیسوی پریشاننه
شانه اوروب بر مقام رفیعه قودی کلوب خولی بیدار ایدوب ایتدیکه ای شقی
دون وی مطعون ومغبون بو سر کیمک سریدر که کتوروب تنورده نهان ایتدک
کندو والک ایله جانکی نار جحیمه آتدک ایتدیکه سر حسین در خاتون ایتدیکه زینب وانی ندبه
ماتم اولوب فوج فوج ملائکلر کلوب زیارت ایدرلر وکریه وزاری قلوب سکا
لعنت ایدرلر وبن دخی ایکی جهانده سندن بیزارم دیوب خانهدن چیقوب
کتدی های قتله کیدرسن اوغلانجقلرک یتیم می ایدرسن دیو چوق تضرع
ایتدی خاتون ایتدی که ملاحظهٔ حال ومحافظهٔ مال ایتمیوب فرزند رسولی
یتیم ایدرسن شهیدی کندو فرزندک یتیم می ایدرسن خاتون مزبورکه چیقوب کتدی

تمام وزن نی پیدا اولمیوب هیچ کس اندن خبر المدی شوهری اطراف واکنافی تجسس
قلدی اصلا بوله مدی چون صباح اولدی جلاد بی داد فلک سر مهری طبق فیروزه
تمام ایله خلق جهانه عرض ایتدی خولی دخی سر امام همامی طبقه قویوب ابن زیاده
ایلتدی اول جاهل دد اهل داد دل بد کوهر دسنک دل اول کان جواهر معادنک
لعل بدارن ولالی تابدارن ادردی زید بن ارقم کم صحابهٔ کرامدن ایدی فریاد
ایدوب ای ابن مرجانه کستاخانه اول لب ودندانه اوره که بنم یاننده فخر عالم اول
لعل نابی ولالی سیرابی دفعاتله اوپمشدر دیوب ناله وزاری قلدی
حضار مجلسک هر بری مانند شمع کریهٔ جانسوز ایله یانوب یاقلدی ابن
زیاد ایتدیکه اکر پیر ضعیف ومحنی ونحیف اولمسک بوینک اوررودم خلق عالمه
عبرت کوستررودم القصه ابن زیاد امر ایتدی که اشبو سری ایلتوب کرد
سردار لشکره ویره لر تا کم غزی سر لکی نیزهیه دیکوب شهره کتوره لر سر حضرتی که
سرداره ایلتدیلر نیزهیه دیکوب عزم راه ایتدیلر قطعه دیدیلر نیزهیه شرف
ویرهجک سر فرزندار جمند نبی جلوه که اولدی بر نهال اوزره کل زیبای
کلشن عزتی کتورشلردرکه لشکر اعدا که کربلادیکی کوندن صکره کشهدای اتوب
تنلرن تنها قویوب کتدیلر اهالی ولایت عارضیه بو خبر جانسوزدن آکاه
اولوب جانب حرکاهه عزم ایتدیلر کلوب کوردیلرکه اول صحرا اجساد بلا رؤس
ایله زین اولمش اواز نوحه وزاری برله هر جانب طولمش قطعه قنلو قنلو تنلر
ایله سرسبز میدان جنک نافهٔ خونین ایله کویا ختن صحراسیدر پهلوانلردن
قالمش شمشیرله جای قتال موج کلشن کویا درد وبلا دریاسیدر اما هیچ
کمسنه کورلمز بلدیلر که جنیلردر که شهدا ایچون نوحه قلورلر وقصاید مرثیه
اوقورلر جملهٔ ابیاتدن بری بودر شعر نساء الجن یبکین نساء الهاشمیات
بنات المصطفی احمد امام للبریات نظم یعنی زنان پریان ناله ونوحه وکریه وضجه
قلمقدن دختران برکزیدهٔ انس وجان واهل بیت پیغمبر آخر الزمانه موافقت

ایدرلرکه شواهدده منظوردر تقاتدن بری نقل ایدر بنی طی قبیله سندن برینه
سوال ایتدم که ماتم امام حسینده جنیلر نوحه سن کوش ایتدکمی ایدیکه بو قبیله دن
هیچ بو قدر که بو خصوصی کوش ایتمش اوله واوخ عبارات دافصح کلمات برله مرثیه
لر اشتمش اوله اکرچه بن دخی بنچه ابیات ایشتدم اما بو ایکی بیتی یاد داشت
ایتدم شعر مسح الرسول جبینه ٭ فله بریق فی الخدود ٭ ابواه من علیا قریش وجده
خیر الجدود ٭ یعنی حضرت رسالت دست شریفین جبینینه مسح ایتدی انک بارقه
انوار جمالی اول مس واسطه سیله ظهور بولمشدر یعنی رخسار تابدار جبار کیله کون
کبی باهر اولمشدی انک پدر و مادری یعنی علی و فاطمه قبیله قریشک بهتری ایدی
و جدی یعنی حضرت رسالت اجدادک بهتری ایدی القصه اهل غاضریه اول
کیجه انده اولوب بیت شو دم که صبح صادق کوستروب یوز ٭ کفن ارض ایلدی دنیایه
دوبدوز ٭ انلر دخی شهدای کربلا ایچون تجهیز و تکفین احضار ایتدیلر دهر برنک
نمازن قلوب حرکاه دفن ایلیوب مقاملو مقامنه کتدیلر دچون ابن سعد کوفه یه
واصل اولمغه بر فرسخ یبر قالدی سر امامی نیزه لره دکلن سرلره باشلایوب شهره
عزم ایتدی ٭ ونسا و جواری حضرتی محفلره بندروب عقبلرنجه یلا ایلتدی بیت
کتبده سرو پا برهنه نجازه لی جهازه بندردی شهره بو صورت ایله کتوردی ٭
دیرلر بو قول مقبول کلدر و سرحد صحته موصول کلدر زیرا بو وجهله ایلتدیلر اهل
بیته نسبت اولنه خی اهانت کلی در ٭ زیرا انلر پرده کیان حرم عصمت و حجله نشینان
حریم عفت دررلر ٭ دیده آفتاب جهانتاب سایه عالی پایه لرینه نظر المشدر
و باد عام کرد که حجره پاکیزه لریندن کذر المشدر قطعه عفایف حرم دین که پیش
سده ایشان ٭ بهشتیان همه جاروب کرده جعد عنبر ٭ نطواق جله ایشان
نموده ماه سبک رو ٭ نه سایه بر سر ایشان فکنده مهر منور ٭ وقتی که لشکر خبر قدومی
ابن زیاده وصول بولدی شهره منادیلر دکوب اهالی کوفه یراق و یساق ایله
داقنمسونلر دیو یساغ ایتدی ٭ وایکی بیک نفر سوار و پیاده ارسال ایدوب سرلری

مخفلری

ومحفلری احاطه ایتدروب بکلتدی تاکه فتنه وفساد ٭ وغوغا و عناد اولمیه پس
مردم شهر طشره چقوب سرلری و محفلری کورد کده جرس کبی دلدن ناله و فریاد قلدیلر
وشمع صفت کریه جانسوز ایله یانوب یاقلدیلر ٭ دنکرابتردن بعضی ایتدوکنه
پشیمان اولدی امام زین العابدین بیوردیکه چون طایفه عسکر شهدا ایچون
ماتم ایلر پس نه اهل جماعت بونلره تیغ اوردی وسرلرن نیزه لره دکوب شهره
کتوردی ابو المؤید ایدر اهالی کوفه حوالی محافل اهل بیته جمع اولوب اغلدیلر
امام همام ایچون ماتم ایلدیلر ٭ زینب خاتون درون هوادجدن ایتدیکه ای کوفیان
پر حیل ٭ وی صاحبان مکر و غل ٭ برادرم دفعاتله پیغام دروغ آمیز ومکاتیب
فتنه انکیز ارسال ایدوب هزار رغبتله بو جانبه دعوت ایتدکز آخر بهتری عالمیانه
بدترین ادمیانی مسلط ایدوب بغض و عداوت ایدکز آل رسولک هلاکنه باعث
اولدکز شمدی عرض ندامتمی ایدرسز ٭ روح مقدس نبویدن شرم ایتمدکز شمدی
برنوم یا نمزده چشم زیادن اشک حسرت می چکرسز ٭ اول قوم ایچنده کوفه خواجه لرندن
بر پیر فانی وار ایدی متصل اغلردی محاسن شریفندن قطرات اشک نثار ایلردی
ایدیکه ای خاتون قیامت حق بیور رسن ٭ سیزک پیرلرکز بهترین پیران وجوان
لرکوز شریفترین جوانانلردر ٭ دکوفیلر حقنده هر نه بیورلشلیه حقدر انلردن
صادر اولان قباحت تا روز قیامت موجب عار و ندامت اولمغه حققدر ٭
قطعه این جور و جفا حشل است ای کوفیان بی وفا ٭ وین جور ظلم ظاهر است ای
شامیان شوم ردی ٭ در زمان حرب با ما خنده های قهقهای ٭ وز پس قتل شهیدان
گریه های هوی هوی راوی ایدر هر کم سر مبارک امام حسینه نظر اتسه هیبت
وسطوتندن بیهوش اولوب کندودن کیدردی ٭ ورؤس شهدا میاننده
اول حضرتک سری نجوم ایچنده ماهه بکزردی قطعه سر حضرت رؤس غیره نسبت
نجوم ایچره مه تابانه بکزر ٭ یشل رمح اوزره قانلو قانلو سرلر ٭ سراسر لاله نعمانه
بکزر شواهدده زین مرقدن نقل ایدر سروری کوفه نک کوچه لرندن کذر

اندرده ایکن ساکن اولدوغم خانه‌نک روزنه‌سی مقابله‌سنه کلدکده ام حسبت
ان اصحاب الکهف والرقیم کانوا من ایاتنا عجبا ایتی تلاوت ایلدی بو حالک
غرابتندن دبو امرک مهابتندن بکا اوزکه حالت ال وردی و اعضامده اولان
موبلرک جمله‌سی اوربردی و بر عزیزه بیوردیکه سرلری دردار الاماریه کتوروب نیزه
لردن اندردکلری مجلده بن امامک سر سعادت اثری یانلده طوردم لعل در پوشنی
متحرک کوروب الفاظ کوهر پاشنه کوش اوردشدم ولا تحسبن الله غافلا عما یعمل
الظالمون ایتی تلاوت ایدردی اول خبابدن بونک کبی امر غریب و سر عجیب بعید
دکلدر چون سردار لشکر اشرار سرلری پسر زیاده ایلتدی سر امامی تکرار الناتوب
روی و مویه نظر ایتدی اندامنه لرزه و دست و پاینه رعشه دوشوب سعادت
اثر امامی طوتامیوب قوت تماسکدن کیدوب بلا اختیار بالالی تختنه قودی سر
مزبوردن بر نور ساطع لامع اولدی که مانند لمعان مهر عالمتاب عالمی منور ایدوب کیسوی
خورشیدیندن بر رایحه ذکیه فایح اولدی که شام جهانیانی معطر قلدی بیت
شام عالمی قلدی معطر دماغ آدمی ایتدی مجز ابو المفاخر کتوردشدرکه ابن زیاد
بدنژاد سر امام عالی نژادی اولدوغی اوستنه قودقده جامه‌سنه بر قطره قان
طملیوب صماندم جامه و پیراهنی دلوب کوشت فخذنه ایردی انکن خی طرفه دیدن
کچوب رخت وتختی سوراخ ایدوب زمینه کیردی اول سوراخ مجروح و ثقب
معقودندن اولقدر رایحه کریهه فایح اولوردیکه هیچ بر مشام استشمامنه طاقت
کتوره مزدی روایح قبیحه‌سی بجمع الجوان آهوی صحرای چین کبی مشک کوتردی
لکن رایحه کریهه‌سی اولکیدن ناخوش و بدتر اولوردی کشته میدان هلاک
و آغشته خون و خاک اولنجیه دک اول جرح برالم و اول ریش بی مرهم قابل التیام
اولیوب بو بلایه مبتلا اولدی حتی ابراهیم اشتر نخعی ابن زیاد بدنهادی کشته
زمیانده اول علامتله بولدی بیت حسین مجتبا ابن رسولک باشن کسمکه سعی
ایتدی اوفاجر انکده آز زمانده کتدی باشی نه صاندیسه باشنه کلدی آخر

روایت ایدرلر منتسبان دودمان ولایتی و متعلقان خاندان رسالتی مجلس
ابن زیاده ایلتدکلرنده زینب خاتون جملدن مقدم واردی هیچ کیسه سلام
ویرمیوب کمال استغنا ایله کچوب اوتوردی ابن زیاد بوکلوب باقوب اوتوران زنکلر
دیو صوردی ایتدیلرکه زینب بنت علی مرتضادر و دختر فاطمه زهرادر ایتدیکه
شکرلر پایان و تحیت فراوان اول اله سزاوارانه که سزی رسوای ایدوب
کلماتکزی یالان ایتدی زینب خاتون بیوردیکه حمد نا محدود و شکر نا معدود
خالق کون و مکان و رازق انس و جانه که بزی کندو پیغمبری معتبرنه و نبی دوحی آورنه
منسوب قلوب ویطهرکم تطهیرا ایتی نامه خالمزه عنوان ایتدی حق تعالی فسقه
وظلمه روزکاری رسوای جهان ایدوب سوزلری یالان اتسون که اندیشه‌لری
فسق و فساد و پیشه‌لری کبر و عناددر ابن زیاد ایتدی برادرک حسین و اهل بیت
حقنده صنع صانع نیجه کوردک ایتدی ایلکدن غیری نسنه کورمدم ارادت ازلیه
انلر شهید اولمق مقرر ایدی جد بزرکوارم و پدر نامدارم برادرم خبر ویرمشلر
ایدی حکم سبحانیه راضی اولوب ورود انتظار چکردی شوکه مقدر ایدی مسیر
اولدی اما حق تعالی سنکله انلری جمع ایتسه کرکدر اول وقت نصرت و ظفر و جنت
و سقر کیمکدر بیله‌سن و مصیب و مخطی کیمدر معاینه قلسن جنت نعیم کامرانی
و عذاب الیم جاودانی کیمه میسر اولور کوره‌سن دست ندامتی زانوی حیرته اوره‌سن
ابن زیادک بو کلماتدن نایره غضبی ملتهب اولدی و لواعج خدعتی اشتعال بولدی
جلاد احضار ایدوب قتلنه قصد ایتدی عمرو بن حرب بن مخزومی تفرع دنیاز
ایتدی دایتدی ای امیر هفوات کلام نسوان و هزلات کلمات زنان عفو
اولنمق کرکدر خصوصا ماتم زده و محنت رسیده اوله و بونک کبی تواتر ولواحقدن
جدا دوشمش مصیبت دیده اوله ابن زیاد قتلندن فراغت ایدوب ایتدی که
ای خواهر حسین حق تعالی سنک برادرک طغیان عصیاندن خاطرمه آسایش ویردی انک
تو ابعنک قتلندن کوکلمه ارامش ویردی زینب خاتون بیوردیکه ای سکران

شراب سرور • وی حیران اسرار غرور هوای جاه وجلال • وخیال سلطنت واستقبال
ایله خصومت سید ابرار دن • وانتقام قادر وقهار دن خوف اتملک بیت
فردات کند کا نون سینه • توجه میدانی که چه کردی فرقتل بهتر ومهتر خاندان نبوتی
وقطع اصل وفرع نخلستان ولایتی • راحت دل وحضور کامل خارخسار اولجقدر •
قطعه نه قدر ظلم اولورسه مظلومه • تیز کچر صنمکز ظلم اولور ظالمک گردننده لیک
اوظلم • طوق لعنت کبی مؤبد اولور • پس ابن زیاد زین العابدینه توجه ایدب
بوکیمدر دیو سؤال اتدی • ایتدیلر که علی بن حسین در • ایتدی که بن آنی جنکده قتل اولدی
دیو استماع ایلدم • زین العابدین بیوردیکه • اول علی اکبر در • او لو برادرم ایدی
که قتل اولدی • بدرقهٔ شهادتله سر منزل سعادت عظمی یه وصول بولدی • ان له
ان له مطالبا یوم القیمة یعنی حق خدا یوم الجزاده انک برکسنه سی اوله که خون ناحق
ریخته سن سندن طلب قله • ابن زیاد غضبه کلوب امر اتدیکه سرای اوکنده بوینن
اوره لر • باش حضور قباحت موفورنه کتوره لر جلاد قصد ایلدکده زینب
خاتون یرندن طوروب ایتدیکه • سنک دم آلودن اوصانمدکمی قانه قانه بوچه
قان ایجدک هنوز قانمدکمی • بونک خونندن فراغت ایله • یاخود بونک برینه
بکا سیاست ایله • زین العابدین ایتدیکه ای عمه بنم ایچون منت ایلمه • وسن خاتون
سن رجال یاننده سوز سویله • پس پسر زیاده توجه ایدب ایتدیکه بنی سیف حیف
ایله سن شهادتله ابر تکله تخویف اتمه که • طینتمز آب مصایب ایله کل اولشدر •
واجزای وجودمز نایره نوایب برله کل اولشلر • قتل وقتال بزه عادتدر •
شهادت خود عین سعادتدر قطعه مارا قتال دشمن بدکیش عادتست •
با اهل بغی حرب نمودن سعادتست • نه دعا جرا بشهادت کند کسی • حقا که
آرزوی دل ما شهادتست • ابن زیاد رد جواب وسؤالدن عاجز اولوب
ملازملرندن برینه یاننه دعوت اتدی • وایتدی بنی بو طایفه نک کفت وکونیلی
فلاحی ایت طشره چقوب فلان جامعک قربنده اولان سرایه قوندر • وعلی فتح

المرام هر برینک مهمات لازمه لرین کوره • موجب فرمان ایله عمل اتدی • تعیین ایلدکی
محله ایلتدی کوفیان بی شفقت سیف سیاست ابن زیاددن خوف ایدب عتبهٔ
علیهٔ وسدهٔ سنیه لرینه کلوب کتمدیلر • لوازم تعزیتی • ومراسم ملازمتی رعایت
ایتمدیلر • برنجی کوندن صکره ابن زیاد رؤس شهدای • واهل بیت خاتم انبیایی
شامه ایلتمک ایچون سوار اسبابن احضار اتدی • ویش بیک آدم تعیین ایدب
زجر بن قیس ومحفر بن ثعلب وشمر ذی الجوشن نام بد انجاملری سردار اتدی •
قطع مراحل وطی منازل قلوب کیدرکن • هر منزلده بر کرامتی ظاهر وهر قونقده
خارق عاده بر برهان عظیم الاثاری لایح وباهر اولوردی • لکن اول حکایات
کرامت بنیاتدن صحته اقرب واستماعه انسب • اولنلر صحایف بیانه وصفحات
عیانه تحریر اولندی • اول جمله دن بری وقتیکه حران نام محله ایردیلر محل مذبور
یهی حرانی دیمکله معروف بر یهودی وار ایدی • اقرانی یاننده حسن فوکات
وکمال کیاست ایله بر شتها رایدی • اهالی کاروانه استقبال ایدب بر تل
رفیع وبرجای منیعده طوروب سربسر اری کوزدن کچوردی ناکاه چشمی بر فرزند
سرور عالمه راست کلوب کوردیکه لب کوهر فشانی حرکت ایدر زبانه دار
کوش اوردی وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون ایتی ایشتدی
بو حالک مشاهده سندن واله وحیران • ومتعجب وسرکردان اولوب بو کیمک
سریدر دیو سؤال اتدی • ایتدیلر که سر امام حسین بن علی مرتضی در • ایتدیکه
والده سی کیمدر • ایتدیلر که فاطمه بنت محمد مصطفی در • وقتیکه بو کفتاری کوش
اتدی • رحیق تحقیق خم درونده جوش اتدی • وایتدی اکر جد رفیع الکانی حق
وبنی مطلق اولمسه راسی مقطوعندن بو کرامت ظاهر • وبو حالت باهر اولمزدی •
بیت وروندن کیدب زنکار انکار • پر اولدی سربسر انوار اقرار • نه لطال اله
نوکبی برحق کوتوردی کلمهٔ شهادت کتوردی • وباشنده اولان عمامه سن چقروب
بیک دینار رحیح العیار ایله لوازم حظ وترحاله • ومهمات نزول وارتحاله صرف

ایده سز دیو زین العابدین حضرتلرینک اوکنده قودی حارس رؤس شهداء آد
نکهبان اهل بیت مرتضی اولان سیه کار غضبناک اولوب ایتدیلرکه والی شامدن
خوف اتمیوب نیچون بو طایفه مأسوره رعایت ایدرسز دیو قوم مقهوره حرمت
ایلرسز امدی بو جانکك اطرافندن دوز اول یوقسه سنکده نی بانك کسرز
سرشرانکز بو سرلره حشر ایده رز یحیی حکیم جاندن ودرون جاندن مسلمان
اولمشدی خانۀ درونی مهر ومحبت اهل بیت ایله طولمشدی هماندم غلامنه الات
کیرو دار احضار اتدوروب تکبیر کنان اول قوم میشوم اوزرینه هجوم اتدیلر
نیجه خاکسارك نقطۀ وجودن صحیفۀ ثبا تدن دهان جانان کبی معدوم اتدیلر
عاقبت الامر شهادت نوش اتدی سرای سرود افرای اخرته کتدی اوزرینه
بنا اولنان کنبد بالفعل معموردر دروازۀ حرانده یحیی شهید دیمکله مشهوردر
حالا کنبد کردون مداری ملجأ اصحاب حاجات وکعبۀ ارباب مراداتدر بیت
درهر دو جهان کر آبروی مطلب بکذر بسر خاك شهیدان عشق نقل ایدرلرکه
لشکر نکبت اثر شهر موصله حصول وصول میسر اولدقده میر موصل ادم کوندروب
ایتدیلرکه شهر وحصاری وکوچه وبازاری عروس نوبهار کبی کلستان کبی اشکال
اراسته وطاوس فلك کبی اسمانی رنکا رنك لولولرله پیراسته قلسز دهدف دکل کبی
طبق طبق دروکوهر وسیم وزر احضار ایده سز تا کم استقباله چقوب بزه ملاقی
اولدقده استمره نثار ایده سز زیرا خلیفۀ زمانك وحاکم جهانك علاوی بد
خواهی وطالب ملك وجاهی اولان حسینك وتوابعنك سرلری بزم ایله در وانك
اهل بیتی دخی محبوس ومقهور یانمزده بیله در اول زمانده موصلك ملکی میر علاء
الدوله ایدی شهرده اولان علمای عظامی وکبرای ذوی الاحترامی وبا جمله ارباب
مناصبی واصحاب مراتبی جمع ایدوب بو خبر ملالت اثری حکایت وبو قصۀ پر غصه
روایت ایلدی وایتدی زنهار وزنهار بو طایفۀ شفاعت عنوانه استقبال
ایدوب عرض بشاشت قلیه سز تا کم انلرك داستان فضاحتی اوقندجه

بیله الکلمه سز قواعد اتفاق ممهد ومعاقد عهد ومیثاق مشید قلدقلرندن صکره
آدم تعیین ایدوب لشکره نزول ونعمت وعسکره مال وخلعت کوندردیلر
اما شهره دخولدن منع ایدوب موصله بر فرسخ بر ده بر منزل واسایدی انده قوندیلر
محل مزبورده سرامامی وضع ایلدکلری سنك اوستنه بر قطره قان طملمشدی هر سال
روز عاشوراده اول سنکدن خون تازه ظاهر اولوردی اطراف واکنافدن
اولان خلقك هر بری کلوب اول خونی زیارت ایدوب مراسم تعزیتی رعایت
قلوردی قطعه هر سال تازه میشود این درد سینه سوز که کم نکردد درد که
بی دواست اندر شفق هلال محرم ببین که هست چون نعل اسب شاه بخون
غرق کشت راست ای تشنۀ فرات یکی دیده باز کن کز آب دیده بر سر قبر تو
دجلهاست نثر نوبت امارت بنی امیه عبد الملك مروانه دکجه حال بو منوال
اوزره ایدی حاکم مزبور سنك مرقومی محلندن رفع اتدی اول قطرۀ خون
دهان جانان کبی معدوم اولدی اما اول جای عالیمقدارده کنبد سپهر کردار
بر قبه انشا ایلدیلر مشهد نقطه نام ایله مسمی ایلدیلر ای عزیز سنکدن خون
روان اولمق عجب دکلدر اعجب واغرب اولدرکه بلاد روم ده بر کوه اعلا
وبر جبل اکنا ده بر سنکه شیر شکلینه قازمشلر هر سال روز عاشوراده اول
شیرك دیده لرندن عین افتاب جریاندن قلنجیه دك ایکی کوز چشمه اقردی
اول آب رواندن نوش ایدرلر وتبرکا خانه لرینه الدوب فلق بامدن شفق شامه
دك اطرافنه جمع اولوب ماتم ایدرلردی قطعه کوه از حسرت آن تشنه لبان
می کرید بحر از حسرت آن خسته دلان می جوشد آه ازان سنکدل بیخرد تیره
درون کز حیرت نکشد آه زغم نخروشد راوی ایدر چون لشکر مضرت اثر
قرب موصلدن خیام ارامی قلدروب عنان عزیمتی نصیبین شهرینه دوندردیلر
حاکمی اولان منصور بن الیاسه اخبار ورودی اخبار ایچون آدم کوندردیلر
حاکم مظالم سیر وصول خبر بردن وقدوم لشکردن سرور وخندان وحبور

وشادان اولوب شهری شهرت تام ایله زینت اتدی وعسکرن اتلاندروب
کمال شوکتله استقباله عزیمت اتدی لشکر خجسته شمایل درون شهره داخل اولدقلرنده
ناگاه ندم ابر قهر آلهیدن برق جهنده واتش سوزنده ظاهر اولوب شهرک نصفن تخریب
یاقوب خاکه برابر اتدی واهالی شهرک بنیاد عیش وعشرتلرندن زیر وزبر اولدی بیت
یقوب خاک اتدی آتش شهر شهرت ❊ شلدر بو کتورر شهرت آفت مر لشکر معرفت
اثرانده نزول آلیوب شرم وخجلت برله چقوب کتدیلر سلیمان بن یوسف نام
حاکم شهره یتدیلر سلیمانک ایکی قرنداشی وار ایدی بری جنگ عظیمده تیغ علی
مرتضی ایله قتل اولنشدی بری سلیمان ایله حکومتده شریک اولوب شجاعت وشهامت
ایله شهرت بولنشدی دروازهٔ شهرک بریسی اکا متعلق اولوب ایکیسی دخی مراد
ایدندیکه سرکرده جانبندن دخول ایده میانلرنده جنگ اولوب سلیمان قتل
اولندی هر کس ایاغ اوزره کلوب فتنه وآشوب ایله شهر طولدی بیت
قوپلدی داخی قیامت تولدی ای باخدا ❊ بو بر ینه کیردی عالم قوپدی طوفان بلا
لشکر بدکردار انده دخی قرار ایده میوب جانب حلبه توجه ایتدیلر حوالی حلبده
بالای کوهده برابادان کوی وار ایدی اطرافن کمر جوز اکرد ادسوار استوار ایدی حلب
قلعهٔ سپهر کبی محکم حصار ایدی اسمنه معوره دیرلر ایدی دزداری النسده اهل
عزیز بن هارون دیمکله مذکور ایدی اهالی قلعه حریر باف یهودیلر اولوب طوقلری
قماش حجاز وشام وعراقده مشهور ایدی شو لدم که اول کوه بلند شکوهک ذیلنه
یتدیلر کثرت آب وعلف واسطه‌سیله انده قرار اتدیلر دقتی که بیت قمر چقلی شرف
ویردی سپهره ❊ جلوس اتدی بجوم بر سر پره مر شهربانو خدمتنده شیرین نام بر کنیزک
وار ایدی نور جبیندن چراغ دل وجان منور وبوی کیسوی پرچیندن مشام جهان
معطر ایدی بیت نور جبینی آتش عالم یوزن منور ❊ زلف قوقوسی تلش جان برمتی معطر
شهربانو خدمتنه کلوب کریه وناله آغاز اتدی سبب اول ایدی که شهربانو مدینه‌یه
داخل اولدقده یوز کنیزک بی نظیری وار ایدی که هر برینک چهرهٔ رخشانی گلگونه

آن ایله حالی وچاه زنخدان اب لطافت برله مالی قطعه هر بری لاخلخه غنچه دهان
هر بری سرو کبی خوش رفتار ❊ هر بری چشم آهوانه ایله ملکجان غارت ایلیجی تاتار
کبی نورانی چهرهٔ مهر کبی ❊ لاله وش کیمی آتشین رخسار ❊ نقش دیوار کیبی حیرت ایله
بونلری کوروب کریب فرخار مر اول شب که حجلهٔ زفاف امام حسینه کیردی اللی جاریه
ازاد ایدوب علی زین العابدین متولد اولدقده قرق جاریه یه دخی عتاق نامه ویردی
اون جاریه‌سی قالوب حضورنده خدمت ایدرلردی شیرین انلر میاننده ❊ سلک
شبهه ده در شهواره بکزردی برکون امام شیرینه نظر اتدی مطایبه یوننده شهربانویه
خطاب اتدی وایندی شیرین زیور حسن ایله آراسته ودحلیهٔ قابلیت برله پیراسته
در بیت دو شکر چون عقیق آب داده ❊ دو کیسو چون کمند تاب داده / شهربانو
امامک اکا مایل فهم ایدوب ایتدیکه یا ابن رسول الله بن آنی سکا بغشلدم اول جناب
شهربانونک اندکی خیالی ملاحظه بیوروب ایتدیکه بن دخی اول بردی ازاد ایلدوم
شهربانو فی الحال کبی یرندن طوروب جامه‌لرندن بر مرصع جامه کتوردی کندو الیله شیرینه
کیدردی امام بیوردی که بوقدر امکدار جاریه لر ازاد اتدک هیچ برینه بو تجلیل
خلعت ویرمدک وبو نوعله رعایت ایدوب کندو الکله کیدرمدک ایتدیکه شیرین
شردن شرف عتقه ایرشدی وانلرین کینه نک عتقاسی در پس انلردن امتیاز
بولمق ایچون بورعایتک اضعافی انک سزاسی در مثنوی نکاه هر کم قول اوله پادشه در
یولوکه سر دیرن صاحب کلاه در ❊ ایدن آدابی عشقک رعایت ❊ سک یاره ایلر
تعظیم حرمت مر شیرین اول زماندن برو خدمتنده ایدی اول شب که دامن کوه جاده
قرار اتدیلر شهربانو کیدوکی جامه کهنه‌یه نظر ایدوب کندویه ویردوکی جامه مرصع
یاد اتدی بی اختیار کریهٔ غم اندوزه آغاز ایدوب ناله وفریاد اتدی آخر شهربانودن
اجازت طلب ایلدی که حصاره وارب بقیهٔ نار اجدن النده بولنان پیرایه‌سن
فروخت ایدوب انده طوقنن حریردن بر جامه الوب کتوره تاکم شهربانونک جامهٔ
کهنه‌سن چیقروب برته لباس جدید کیره ❊ وقتی که اجازت ویردی فی الحال عزم ایدوب

مانند کبک دري بالاي کوهه ایردي دروازهٔ قلعیه وارروغ دم ثلث اوّل ایدی
درحصار عیس غافل کبی مقفل ایدی حلقهٔ درحصاره ال اوردي فتح بابه منتظر اولوب
طوردي درزدار قلعه اول کیجه بر واقعه کورمشدی حقیقت واقعیه واقف اولمق
ایچون باب قلعیه کلوب طورمشدی اوازهٔ حلقهٔ دری کوش ایلدکده ای شیرین
سن میسن دیو چاغردي اول دخی بلی بنم دیو جواب ویردی درحال باب قلعهٔ
فتح ایلدی تعظیم وتکریم ایله خانه سنه الیندی شیرین صوردی که بنم نامم ندن بلدوک
ایدیکه اوّل شبلده خوابه وارب موسی وهارون علی نبینا وعلیهما السلام کوردم
سروپا برهنه چشمهٔ چشمندن اشک روان ایدرک ودرون دلدن ناله و فریاد
ایدب کلورلر ایدم که ای ستیدان بنی اسرائل دی برکزیدکان ملک جلیل سزه نه حال
اولدي ایدیلرکه حضور بوغمه واقف وبو المه عارف اولمدکمی آخر الزمان پیغمبری محمدک
سبط کربلاده قتل اولندی مبارک سرلریله اهل بیتن الوب جانب شامه متوجه
اولدیلر قطع منازل ایدب بوکیجه اشبو کوه زیلنده اولان صحرایه کلوب دمول ایدیلر
ایدم که سنز محمدی بلبورمیسن موسی علیه السلام ایتدی که ای عزیز رسالت حضرت
محمد حقدر واکا نازل اولان کلام قدیم کلام ملک فعّال مطلقدر مرکز سپهر رسالت
نقطهٔ دایرهٔ نبوتدر بز اکا ایمان کتوردک هرکه ایمان کتورمینه کام کامی تحقیق اوده
یتورمیه ایکی عالمده فایده سی خسران دعایده سی نیران اوله **بیت** محمد در شرف
ویرن بوخاکه هزاران آفرین اول نور پاکه **نظم** ایدم که بکا برشان کوستر که یقینم زیاده
اوله بنی وادی کماندن سرمنزل تحقیقه ایلده ایتدیکه طور امدی قلعه قاپوسنه وارکه
ورای بابده امام حسینک معتوق ازلی شیرین نام برجاریس بولسک کرک حلقهٔ
دری دیر تکده فتح باب ایلیکه سنک کوچک اولمق واسطه سیله دار الملک اسلامه داخل
اولسک کرک وسر امامه وارب بزدن سلام ایرکور اندن بهر نه کفتار جواهر اثار
کوش ایده سن آنی اوبزهٔ کوش هوش ایده سن **مثنوی** هر نه سوز که انده کوش
ایده سن انی منکوش کوش هوش ایده سن کونکلی معدن جواهر ایده سن

هوشنکی مخزن سرابرایده **نظم** بوانشاده مانند شمع تابدار خواب غفلتدن بیدار
اولدم نا الحال قالقوب دروازهٔ قلعیه عزم ایتدم آوازهٔ حلقهٔ دردن نامک
شیرین ولدوغن جزم ایتدم اوشریفلري موحیجه حلالم اولمغه رضا ویرمیسل اثناییکه
مکر سلمان اولاسن وشهره بانو حضرتلرینه وارب اجازت الهسن بلی شیرین عودت
ایدب خانونه کلوب بنات واخوات امام حضورنده ماجرای حکایت وقصه واقعه
روایت ایتدی چون خورشید جهان آرا حضرت موسی اسا ید بیضا ایله سرکوهدن
ظاهر اولدي ساحت عالم نور ایله تسیر طولدي **بیت** دبیر صبح قلدی حکمت انشا
کونش چکدی اکا التونلو طغرا **نظم** وارب اول عزیز باسعادتي واهل بیتی حفظ ایدنلره
اون بیک درم رشوت ویردي حضور اهل بیته وارمغه اجازت الوب خواتین حجرات
عصمته سلام ویرب هر برینه قیمتدار جامه ارکیردی وامام زین العابدینه هزار دینار
ویرب حضورنده سلمان اولدي خانه درونی نور ایمان طولدي وامام حسین حضرتلرینک
مبارک باشنه یقین وارب طوردي ایدیکه ای ستید موسی وهارون علیهما
السلامک سزه سلام کتوردم سر امامدن آواز کلوب الهک سلامی انلره اکا وزرینه
اولسون دیو بیوردی عزیز اندی ای ستید بکا برخدمت بیورکه حقک رضاسی
انده اوله بیوردیکه چون کندوکی مقام اسلامه یتوردک شوکه امر مهم ایدی یرینه
کتوردک هرکه فریق اهل ایماندن اولوب طریق ایقانه سلوک ایدرلر لاریب
حضرت حقک ورسولنک رضای شریفلرین تحصیل ایلر وجون بنم اهل بیتم احسان
ایدب اول ایکی بیمرک سلامن کتوردک جد وبدر وبرادرم خشنود ایدب مقام قربه
ایردک پس شهربانو امام اندی عزیز ایله شیرین سلک ازدواجده انتظام بولدی اهالی
قلعه بوحالی حلایت مالی کورب عموما سلمان اولدي **بیت** سایهٔ آلینی چون برسر
ایشان فتاد درزمان هر ذره شان خورشید عالمتاب کشت **امام اسمعیل ابو
الحنوقدن** روایت ایدب ایدرکه سر شهدایه هرکیجه اللی نفر کسنه موکل اولوردی
نکهبانلک ایچون اولان ثعبان مثال اطرافنه حلقه اولوب طورردي برکیجه انلر میانلرنده

بولندم نبدن غیر نسی خوابه دار رشدی ناگاه جانب آسماندن بر صدا گوش
ایتدم بنیاد عالم کون وفساد برباد اولدی صانوب کندومی فراموش ایتدم
آخر عقلم باشمه جمع ایدوب کوردم که نورانی جامه لر ایله کندم کون بلند بالا ایکی
کمسنه صوب سمادن خاک غبرایه نزول ایتدی و کندولری برهنه قلوب براماسی
صندوقدن چیقروب یوزن اوپوب دیده لرندن قطرات عبرات آقتدی
متحیر اولوب یرمدن طوردم قصد ایتدم که اندرن یکا کیدم سرسوری اللرندن
الوب ضبط ایدم بری چاغروب ایتدیکه کلوب کستاخلق ایلمه که بو آدم صفی الله
ذریتی فرزند فخر جهان و تعزیت نبی فخر الزمان ایچون کلمشلر ناگاه کوردم
بر صدای مهیب دخی ایروب نوح نجی علیه السلام نازل اولدی بو منوال اوزره ابراهیم
خلیل و اسمعیل و اسحق و یعقوب علیهم السلام بری در پی کلوب واصل اولدیلر آخر
حضرت حبیب خدا سید انبیا علیه افضل التحیة والثنا اصحاب کبار و حیدر کرار
و حمزه و حسن و جعفر طیار ایله نزول ایتدی جمله سنک طره تابدارنی و گیسوی مشک
بوی عنبر باری چوزلوب پریشان اولمشدی بر بر کلوب سر مبارکی زیارت
ایتدیلر و اللرینه الوب کمال مرتبه ده تعظیم و حرمت ایتدیلر و نوردن بر کرسی
قوردیلر سلطان انبیا هزار عزت ایله اوستنه چقوب اوتوردیلر و اطراف و اکنافه
کرسیلر کتوردیلر انبیا علی نبینا و علیهم الصلوة والسلام بر بر یرینه کچوب
اوتوردیلر اندن صکره بر فرشته ظاهر اولدی بر النده شمشیر و بر النده عمود آتشین
طوتر بنم یانمه کلوب الدیا پشوب طوردی فریاد ایدوب یا رسول الله بن محب
خاندانم بونلر بنی اکراهله همراه ایتدیلر دیدکده اول فرشته اوزمه بر طبانجه
اوردی اول طبانجه نک یری سیاه اولدی حال دل کمراه تباه اولدی قطعه
نوکم دشمن اوله آل رسوله اولور البته ظهر اول جلاله ایچون چهره سندن ظاهر
اولدی طبانجه موضعی شکل جلاله فخر عالم صلی الله علیه وسلم ان صلی ویردیو
بیورمغین بندن ال چکدی بیهوش اولوب کندمدن کتمشم صباحه دک

مست ولا یعقل یاتمشم صباح اولدقده نگهبانلر تفحص ایلدیلر هیچ بر ندن اثر پیدا
اولمدی سراما بنه اول صندوق ایچنده بولندی اما صندوقک اطرافنه سر مبارک کلدن
کلدن دیمکه اولشدی تحلیلی بالوب کلوب اولوب اما لنک خراسن بولمشدی
راوی ایدر علی البحر ثم ابو الحتوة طلب ایلیوب یانته کتوردی کوردیکه یوزینک
نصفی سیاه اولمش سببن صوردی ماوقعه تقریر ایلدکده درون دلدن درد ایله
بر آه قلدی همان ساعت اوستنه یقلدی بیت کوردیلر زهره سینی چاک اولمش
حرکتدن قالوب هلاک اولمش خبر لشکرک بعضیلری همراه اولدقلرینه پشیمان اولوب
پریشان اولمق فکر ایتدیلر لکن اتمام سفره اقدامدن غیری چاره یوقدر دیوب
کتدیلر بیت در باره سفر را ساز کردند بی رفیق شتاب آوارگی کردند ابوسفیان
دمشق ایدر سراما شامه ایلدن جماعت دون حمله همراه ایدوب شامه قریب
اولدقده بو خبر شایع اولدیکه مسیب بن قعقاع خزاعی لشکر جراری احضار
اتشلر شبیخون آسه رک بر شهدای آلوب میدان جلالکلن کردنکشلر کمران
قطع ایدوب تنلرن غرق خون ایتسه رک سروران لشکر بو حالدن مضطرب البال
اولوب مطلع تباشیر بامدن مقطع دیاجیر شامه دک کتدیلر شبکاه بر منزله
ایندیلر اتفاق منزل مزبورده بر دیر محکم و بر کنشت معظم کوردیلر راوی ایدر
شمر بد خصلت بی توقف در دیره واروب صدای اعلا ایله بر نعره اوردی بر پیرکه
سر حلقه اهل دیر ایدی بالای بامه چقوب اطراف دیری احاطه ایتمش لشکر کوردی
شمردن صوردی که بو لشکر بونده نیلر ایتدیکه لشکر یزید در کوفه دن شامه
کیدر ایتدیکه سبب توجه شام ندر ایتدیکه دیار عراقده بر شخص علم عصیانی
افراشته و رایت استقلال افراخته قلدی حکومت خلافته متصدی و اختلال عالمه
مؤدی اولمغدن حذر اولنوب عسکر چکوب اوزرینه واریب جنکلاندک وانک
و باشی باشی یاران اولملرینک سرلرین قطع ایدوب نیزه لره دکدک واهل بیتنی اسیر
ایدوب یزیده الیتک اوزره یوزنده پیر نظر ایدوب سرلری کوردی بوسر اوک

سرداری فنقسی در دیو صورتی شمع سرا اعامی بشارت ایلدکده بچشم بصیرت ایله
نظر اتدی مهابت امام دل پیره اثر اتدی ایدیکه بنجون بو دیری حاطه ایلدکز
شمع اتیدی شو بلا استماع اولندیکه بر طایفه اتفاق اتشلرکه علی الغفله اوزرمزه
کله لر بوسرایی و بو اسیرلری خواه و ناخواه المزدن الهلر داعیه هجومدن سکره خاطره
خاطر عسکر اولور که دروندیره کیروب بو کیجه آرام ایده لر جمعیت مواکب پریشان
اولدقده چقوب گیده لر بهر اتیدی بو کجه دواب و رجال دروندیره صغشق
محال در اما رئیس داسراری دیره قویوب تیقظ تام و تحفظ تمام برله دایره
دیری حراست ایدک و ثریا آسا قنادیل مهر و ماه صفت شاعلها قویوب لوازم
حزم رعایت ایدک بیت دیر سکز دشمن شبخون التمسون هیچ دکل الجنم
بیدار اولک نثر سرداران لشکر قول پیری پسند ایدوب سر سعادت قرین اعامی
بر مقفل صندوغه قویوب دیر الجنده بر مضبوط خانه ایلتدیلر و زین العابدین
ایله اهل بیته بر محل لطیف تعیین اتدیلر شب ایرکده بهر دیر متصل صندوق
اولدوغی خانه نک اطرافن کشت ایدردی سر مبارککا اعامی عین الیقین کورمک
دیلردی ناگاه کوردی که خانه مزبوره بی فتیله و روغن پر نور اولمش تعجب
ایدوب آیا بو روشنا و بو نور ضیا قاندن کلور دیو پروانه وار اطراف خانه
کشت ایدوب اول نور تابانک حقیقتنه ایرمک داعیه سیله روزنه خانه نزدبان
اوردی فی الحال قدام اقدام ایله اوستنه چقوب کوردی اول نور ساطع ساعت
بساعت متزاید و انا فانا صوب سمایه متصاعد اولوب بحر بصیرتی تیره لندی
دیو نور دیده سی خیره لندی قطعه در داکه هیچ دیده ندارد درین جهان تاب
اشعه لمعات جمال دو الجاکه کرد بلقه نور او ظهور کو عقل دم مزن که نباشد
مجال او نثر بعد زمان هجوم نوایب و فور زایل اولدی سقف خانه آچلوب
بر محفه نازل اولدیغی الجندن بر خوب رو خاتون چقدی یانچه اولان کنیزکلرک
قامت موزونی طوبایه باش اکر و جواری دنیا اللرینه صو قویمغه دکمز ایدی

طرقوا طرقوا دیو ندا ایدرلردی مادر آدمیان یعنی حوا صفیه الله کیجه بو دیر
لردی حیین بو اسلوب اوزره مادر اسحق ساره خاتون و هاجر مادر اسمعیل
نزول ایلدی بعده راحیل مادر یوسف و صفورا دختر شعیب و کلثوم خواهر موسی
و آسیه زن فرعون و مریم والده عیسی کلوب دخول بولدی ناگاه بر خروش عظیم
پیدا اولوب بر محفه دخی نازل اولدی خدیجه کبری برله بعض ازدواج طاهرات سید
کاینات کلوب واصل اولدی سر با سعادتی صندوقدن چقاروب اللرینه الدیلر یوم
زیارتی ادا ایدوب والده حیران قالدیلر آخر ناله و زاری برله بر نورانی عماری
ظهور اتدی ایچلرندن بری چاغروب ایتدی ای پیر ترسا بو سورادن نظر
اله که خطادر بو کلن خاتون قیامت فاطمه زهرادر هر کیم عقلی باشندن کتدی
مست و مدهوش اولوب یاتدی چون کندویه کلدی کوردیکه روزنه حجاب
اچلمش درون خانه یه نظر متعلق اولقدن قالمش ماننده حلقه در روزنه کوش
اوروب دکلدی ناله جانسوز و کریه ماتم افروز کوش ایلدی ایچلرندن بر خاتون
آواز مصیبت ساز ایله ایدردی که السلام علیک ای اناسنک شهید و مظلوم اوغلی
وی مادرنک غریب و مغموم اوغلی ای مادرنک نور دیده سی دی فرزند ارجمند بنده لیدیکی
غم چکه که بی سنک خصمای آتش انتقام ایله یاقوب کوینده رسم کرکدر و ناره غضبنک
آب مکافات برله سوندرسم کرکدر اخبار ده موجوددر انا رده ثابت الوروددر که
فاطمه زهرا اول شب امام مظلوم ایچون مرثیه کونه بر قج بیت انشا و انشاد اتدی
خواتین تتق عفت کوش ایدوب ناله و فریاد اتدی بعض ابیاتک ترجمه سی بودر
قطعه کر به نسبت ابر نیسان همچو من بکریستی چشم پروین بر سحاب قطره زن بکریستی
کاشکی صد دیده بودی مردم چشم مرا تا بصد دیده بران فخر زمین بکریستی رشته
سوی حسین ان تشنه شد در خاک و خون چشم شب کو تا بران مسکین رسن بکریستی یوسف
مصر نبی را جامه پر خون شد کجاست دیده یعقوب تا بر پیرهن بکریستی کوه را
کر کوش بودی تا شنیدی ناله ام باهو مسکین دلی کوه از حزن بکریستی طفل خورد شهر بانو

تشنه لب شد آب کو • تا بران لب تشنه ٔ شیرین دهن بکریستی نظم پیر ترسا بهوش
اولوب کندو یه کلدکده کوردیکه • اول حالی دعاری عیش عیاندن متواری دلشن
همانندم یرندن قالقوب درخانه نک دهند دغک قفلن دل عاشق کبی شکسته قلدی
ذالحال صندوقدن سر شریفی چقروب مشک وکلاب ایله شسته قلدی بر سجاده اوزره
قویوب محراب دارایکی جانبنه شمع یاندردی • مقابلسنه کچوب زانوی ادب
اوزره اوتوردی کریه کنان سر سرور ه نظاره قلدی • سیف حیف ایله یوره کی پاره
پاره قلدی • هزار خشوع واعتدال • وخضوع وابتهال • برله ایتدی که ای سر سرفراز
عالم • وی بهتر بهترینی ادم شویله ظن ایدرم کسن اول قوم عالی تبارد شول طایفهٔ
معالی اعتباردن سن که • اوصافی توریت موسیده مذکور • وانجیل عیسیده وزبور
داوده مزبوردر • اول خدا حقیچون سکا بوقدر قدر ومنزلت • وبو مقدار عز وحرمت
ویرمش کحرمان حرم عصمت کلوب سنی زیارت قلدیلر • ومحرمان سراپردهٔ نبوت
ماتم ایدوب نالهٔ جان سوز ایله یانوب یاقلدیلر • نه کسن سراسر حالک بیان
سرکذشتنک عیان ایله • سر امام همام نامرحی لاینام • زبانه کلوب ایتدیکه • ای پیر
مظلوم ستم رسیده • ومهموم الم کشیده • مقتول تیغ بلا • ومقهور دشت کربلایم
نظم منم خستهٔ بی دل ناتوانی • نه یاری نه کاری نه خانی نه مانی • اسیر غریبی
شهید حزینی • نه همراه امینی • ازکس امانی نثر ایتدیکه لطف ایدوب توضیح مهمات
وتبیین مجملات ایلک • بیوردیکه ای پیر سؤالک حالی نسبید میدر زدیا سوز تشنکی
وتعبدمیدر • اکر حسبدن ایسه مثنوی بن نور دو چشم مصطفی یم • فرزند علی مرتضی
یم • سرو فتریم بو خاندانک • مطلوب رسول مجتبی یم • بتیق که غریب مستمندم
مظلوم شهید کربلایم نثر هرکه بو سوزلری کوش ایتدی دردی دریا کبی جوش ایتدی
ذالحال قالقوب صورت حالی اهل دیره تصویر • وسرنامهٔ کرامتی سر بسر تقریر ایلدی
یتمش نفر مریدی واسا ایدی فریاد ایدوب جامه لرین چاک ایتدیلر کلمهٔ شهادت
کتوروب امام زین العابدینک دست دیانینه دوشوب ایتدیلر یا ابن رسول الله

اجازت

اجازت ازرانی بیور • دیردن طشره چقلم بو ظالم وغدارلرک اتش شبخون ایله
خان ومان حیاتلرین یاقوب یقلم قطعه بزه امر ایله ای عزیز جهان • دیردن
حرب قصدینه چقلم • اتش انتقام ایله بر بر • خان ومان وبقا لرین یقلم • امام
زین العابدین بیوردیکه جزاک الله خیرًا آنلر دمیدم جزالرین بولق دقزد قلدی
چاه کرفتار اولق اوزره درلر قطعه جهانده ظلم ایدنلر آخر کار • کند ظلمت
اولور کرفتار • چقر ظلمک ظلا ایله یولندن • دوشه قازدوغی چاهه چار وناچار
چون صباح اولدی رئوس شهدای واهل بیت مرتضائی دیردن چقوب یوله
کیردیلر • قطع منازل وطی مراحل ایدوب شهر عسقلانه ایردیلر • یعقوب عسقلانی
کربلادن عسکر ایله بیله کلوب حاکم شهر اولمغین امر ایدوب دکانلری قماشه
کوناکون ایله دونتدردی • ونه مقدار کوینده خوش آواز وسازندهٔ نغمه
پردازوار ایسه جمع ایدوب کوچه وبازارده سرود وسازه اغاز ایتدردی •
بساط فسق وفجوری • وسماط شر وشوری • بسط ایدوب آلات منکرات وخمور
مسکرات برله آراسته قلوب شراب ارغوانی موکب عقول فساقه شبخون اتدی •
وسماع ارغنونی اسباب عموم دست تاراج اوزتدی • بو اثناده که عسکر
ایله سر شهداکه شهره کیردی • صلای طبل مسرت واوای نای بهجت عیوقه ایردی
برجوان بازرکان وارایدی شهره هنوز کلمشدی • اسمنه زیر خزاعی دیرلردی
اول کون بازار عسقلانده طوروب شهرک زینتی • وخلقک نشاط وسلوتی
تماشا ایتدردی • برکسنه دن سؤال اتدی که ایا نه حادث اولدی که زینت
شهره وبهجت ناسه باعث اولدی • ایتدیکه عراقده برطایفه یزیده عصیان
اتمشدی • آنلری قتل ایچون امرای شامدن • دکبرای کوفه دن عسکر کتشدی
اول کردن کشلرک سرلریدر که سراسر کوندرلره دوزدیلر • ومحفه لرده اولان
خواتین آنلرک اهل بیتی در که اسواق ومحلاتی کزدردیلر • زبیر ایتدی بونلر
مسلمانمیدر یا مشرک • ایتدیکه مسلمانلردر • اما لاله کبی طاغیلر وسرو کبی سرکش

دباغیلردر صوردیکه بغی وعناده سبب نه ایدیکه انلرک سرداری ایدرکه امام
یزیددن بن احق واولایم • و هر وجهله الیق واحرایم • زیرا پدر و برادرم دخی
امام ایدیلر • و هر وجهله مقتدای انام ایدیلر • صوردیکه پدر و مادری کیملر ایدی • ایدیلر که
پدری امیر المؤمنین علی مرتضی • و مادری فاطمه بنت محمد مصطفی • چون زبیر بو کلماتی
کوش ایتدی محزون و غمناک امام زین العابدین جانبندن دونوب کتدی • دار دقلعه
حضرت صوردیکه نه کیمسن بو دیارده نسن ایدیکه غریبم بیوردیکه **بیت** او که شادی
وخندانسن نیچون غمناکسن • جامه نو کیمشی اطلسن کریبان چاکسن • **ز** ایتدیکه دل
سبیلندر که جد عظیم البرهانک ودو المجد ماجد کریم الشانک بلدم • دشمن اولان
ظلم دادانی • وفعلها سزانی علی التفصیل فهم ایتدم کاشکه بو شهر پرآشوبه کلمایدیدم •
بو حال پر ملالی معاینه قلوب حومه حیرتده قالمیدیم • دریغا که قوم و قبیله‌دن دورم
بو غربت خانه‌ده بیچاره و مهجورم • بو قضیه بو بدکارلره برکار ایدیدم که الی انقراض
الدوران السنه اناملده مذکور و صحایف ایامده مزبور اولوب قالیدی **قطعه**
چه کنم چه چاره سازم که اسیر درد مندم • بکجا روم چه کویم که غریب مستمندم • سر کریه
دارم اکنون لب خنده کشته بسته • بهزار غم بکریم که خوشی دلی بخندم • **ز** زین العابدین
اکا خیر دعا ایتدی • زبیر عرض عبودیت ایتدی و ایتدی بکا بر خدمت بیور که ادای
با بنده مجدد مساعی اولم • تا که قدام سعادت ارتسامکزدن معدود اولمغله قدر
و منزلت بولم • بیوردیکه اولکسه که پدرمک سرینی طوتر اکا ایت که لطف ایتسون
شترانی محمل میانندن چقوب ایلرو کتسون • زیرا مجموع خلق سری تماشا ایکچون
یانیجه بیله کیدر • خواتین عفت آیین تنها قالوب حضور ایدر • زبیر وارب
اول کیمسنه یه التی دینار ویروب مقصودین بیان ایتدی • ذلک الملعون محفه ار میانندن
چقوب ایلرو کتدی • زبیر تکرار حضرته وارب خدمت آخر امر ایلک دیو ابرام
والقامی حد مبالغه‌یه ایرکوردی • حضرت بیوردیکه اگر جانک وارسه کتور نه الحال
کیدب مخدرات اهل بیتک هر برینه ایکی جامه و زین العابدینه جبه و فراجه •

دعام کتوردی • بو حالده ایکن فریاد و خروشی پیدا اولوب سقاق اسواق صلای
های وهوی ایله طولدی • کوردیلر که شمر ناپاک برالای مست بی باک ایله نعره زنان
و شادی کنان ظاهر اولدی • زبیره غیرت محبت آل عبا و حمیت دین سید
انبیا غلبه ایتدی • ایلرو واروب شمره کنان ایکیلرین طوتوب ایتدی ای غدار
ستمکار بو کیمک سریدر که کوندره دکدک • و بونلر کیمک فرزندیدر که شترلره بندردک •
مثنوی شمارا دیده‌های نور باد • دل از دیدار حق مهجور باد • شمارا جای
جز بجحیم مباد • زحق جز لعنت و نفرین مباد • **لع** شمر یانده اولان خدامنه
خشم ایتدی و ایتدی بو کستاخی نیچه سویلدرسز بی ادبانه کلماته رخصت ویررسز
همان ساعت تیغ و خنجر اوشوردیلر • مردمان شهر دخی هر طرفدن سنک و خشت اوردیلر
شولقدر مجروح اولدیکه خاکه دوشوب کندودن کتدی • هرکس شهید اولدی قیاس
ایتدی • نصف اللیلده کندویه کلوب کوردیکه جسمنده زخم بی رحم اورلمش فرط ضعفدن
و قلت قدرتدن حالی دکرکون اولمش • خوابکاهندن خاکی کورب هزار زور و زار •
ایله قالقوب روان اولدی • شهر قرببنده بر مشهد وار ایدی • همان اول سمته طوغریلدی
سلیمان پیغمبر بنیاد ایتشدی • نیچه پیغمبر مدفن و نیچه پیغمبرزاده‌یه مکان و مسکن ایدی •
وارد قعده بر جماعت کوردیکه سرلری برهنه و جامه‌لری چاک • دیده‌لری نمناک و دللری
غمناک ایدیکه سرزده مشاهده اولان حالت نه حالتدر که سراسر موجب ملالتدر • اهالی
شهر عموما عیش و عشرته و سر منقصت و عسرتده ایدیلرکه • ای عزیز وقتی شادی فاجیلکلر
و زمان محنت مجتنب قالانلر • اکر عادن ایسک وار انلر ایله شادان و خندان اول
واکر اجادن ایسک کل بزمله نالان و کریان اول • **بیت** ای شمع بیا تا من و تو زار
بگریم • کاحوال دل سوخته هم سوخته داند • **م** زبیر جسمنده‌کی جراحتلری و واقع اولان
ماجرای تقریر ایتدکده • بونلر ایله هم حال اولوب بر زمان یاقوب یاقلدیلر • آخر بو ظالم
و بی انصافلردن انتقام الق بابنده تدبیر قلدیلر • زبیر اوزمالیله اسب و سلاح
الوب یوز نفر ادم کندودن بیعت ایتشدی انلره ویروب جمعه کونی عموما مشهددن

چقوب شهره کتدیلر جامع کبیرده خطیب بالای منبرده قتل ایدوب حاکم شهره سیاست
اتدیلر انلرک قصه لری مستقل برکتاب اولمشدر بین المورخین شهرت بولمشدر
القصه وقتی که لشکر ابتر سرور ایله حدود دمشقه ایردی یزید تحصیل مسرت ایدوب
سرافتخاری ایوان کیوانه ایرکوردی وامر ایتدیکه شهراجیین مانند شهر چین نقوش
زیور زیبا ایله زینت ایده لر و پیر وجوان وارد اولان عسکرک ایراد ایتدوکی
روس واسرای سیر وتماشا ایچون دروازه شهره کیده لر کنز الغرایب م
محرر در سهیل ساعدی نقل ایدوب ایدر که برکون بطریق التجاره ولایت شامه ایرشوب
کوردم حوالی شهرده شکر ایدرلر مانند روز عید طبل وطور ناچلار لر باعث
جمعیت وسرور ومورث فرح نه در دیو سوال ایتدم ایتدیکه مکر سن اعرابی سن
ایتدم که بن سهیل ساعدی یم صحابه رسولدن ام لشکر اسلامک ساعدی یم
اول کسه درون دلدن برآه درد ناک ایتدی دیده لرندن عبرات حسرات نثار
ایدوب ایتدی عجبدر که تعزیتده خون باران اولمیه واهل علو وان بربلای عظیم
کرفتار اولمیه قطعه آسمان ازجبهه اکلیل مرصع برگرفت ترک کردون اندرین
ماتم کلاه از سر گرفت مهره همچون چنگ کیسوهای خود را باز کرد بلبل ناخن
چهره بخراشید وافغان درگرفت نثر ایتدم که بو مصیبت نه مصیبتدر ایتدیکه بوم
امام حسینک سریدر که اهل کوفه قطع ایدوب یزیده ارسال ایلدیلر شام خلقی بو حاله
مسرور اولوب تماشایه کلدیلر ایتدم که اول سری قنغی بابدن شهره ایله تورلر
ایتدیکه باب ساعاتدن همان ساعت ایلرو کیتدم بادصبا کبی افغان وخیزان
شتران اهل بیت امامه ایتدم سرنیزه ده بر سر کوردم حضرت رسالتک سرمبارکنه
بکزتدم بکا برحالت مستولی اولدیکه بی اختیار کریه وناله اغاز ایتدم خواتین
عفت کزیندن بری ایتدیکه ای پیر نیچون اغلرسن کیمک داغ مصیبتیله جکرک طاغلرسن
ایتدم که سن کمسن بیوردیلر دختر امام حسینم کرم دخی زیاده اولدی داغم اوزره
داغ اولدی ایتدم که بن سهیل ساعدی یم جد بزرکوارک اصحابندن ام هرنه خدمت

وار ایسه بیورسعی ایده یم دنه حاجت لازم ایسه قیام کوستره یم بیوردیکه
بونیزه داره منت ایله سرپدر ایله روس شهدای ایلرو ایلتسونلر انظار نظاره
اوستمزدن دور اتسونلر زیرا هرکس سر پدر نظر ایدر بزی قویوب انک تماشاسنه
کیدر نیزه دار اک سردار نه دارب ایتدم که سنک یانکده برحاجتم واردر اکر
قبول ایدرسک سکا دورت یوز دینار ویره یم کیسه کی دهیانیده افتاب کردار
بر زر ایده یم قبول ایدوب زر معینی قبض ایتدی سایر نیزه دارلر ایله محفه لر
میانندن چقوب ایلرو کتدیلر وادی ایدر شهره کتدکلرنده جامع اوکنده
بر بیر طوردی بنفشه زار کاکلی یاسمن کبی اغوش ودرونی لاله دار صحرایی
هواده قرمش ایدی زین العابدین ایله محفه لرده اولان خواتینه نظر ایدوب
ایتدیکه شکر وسپاس اول خالق جن وانسک حضرتنه که یزیده فرصت ویروب
سزک دار ودیارکز خاک دا اکابر دا عیانکز هلاک ایتدی فرمان قرآن هرکسه جاری
وروان در اکا امتثال عین اسلام محفلی ایاندر قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة
فی القربی آیتنی تلاوت ایتدکمی ایتدیکه ایتدم بیوردیکه ذوالقربی بزوز حضرت
اقرب اقرباسندن اوز بزه محبت لازم ومودت مهم در دیدیا انما یرید الله
لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا آیتنی کوردکمی ایتدیکه
کوردم بیوردی شول اهل بیت که آیت تطهیره اختصاص بولمشلر بزلرز اول
آیت شریفه بزوم حقمزده نازل اولمشدر پیر که بو کلمات هدایت آیاتی کوش ایتدی
کندویه کریه غالب اولوب مانند بحر جوشه کلوب ایتدی یا ابن رسول الله بنی معذور
دوت که بو بحر کرم فعیته ایردوب در شهوارین حوزه تصرفه کتورمشم و بوکانک
عورینه یتوب دست طلبی جواهر تابدارنه یتوره مشم علو شانکز معلوم و کوه
مکانکز مفهوم اولمشدر پس قبله متوجه اولوب الحق بوقوم شریفه بدخواه اولقدن
توبه کار اولدم و بونلره دشمن اولنلردن بیزار اولدم دیوب سویلدوکی
ناسزا سوزلره پشیمان اولدی بای شتر زین العابدینه دوشوب مانند شکبه

غلطان اولدي • واتيديكه الحق كربندن خشنود اولوب توبهم قبول وندامت
واستغفارم مقبول اولدي ديه قبض روح ايله فالحال وفات اتدي طاير روحي
فاد خلي في عبادي آستانه سنه كتدي **قطعه** پير در كوي محبت جان بلا دن
جان براي وصلت جانان بلادن • جون زسر دوستي آكاه شد • با شهيدان درزمان
همراه شد **راوي ايدر** سر شهدا شهره كردوكي كون تماشا يه كلن اعيان انسان
ايله سواد اباد شام شويله مالامال ايدي كه حلقهٔ ديدهٔ قدر خالي ير بولنمز ايدي •
وتراكم انفاس متكاثره دن مرآت آفتاب بجا بدره قالوب ذره جه منتبه اولنمز ايدي •
يزيد امر ايدوب دار الاماره ده اولان كوشك انواع زيب وزينت ايله آراسته
اولوب زنبوري پرده لر آصلدي • ومقابله سنده اولان صفه ديباي زيبا
دوشنيب مقعد زركش وبالين منقش ايله مزين قلندي • وساج وعاجدن معمول
زر وجواهر ايله مرصع بر تخت مصنع قورديلر • تختك حوالي سنه كورسيلر وضع اولنوب
امراي شام دكبراي كوفه مراتب مناصب مقتضاسنجه يرلو يرنه جلوس اوتورديلر •
جون شمر اول ايكي يك ايله دار الاماره يه كلدي امر اولندي كه ايچرو كيره لر سرلري داخل
بيت درون خانه داخل ايدوب يزيدك حضورنه ايره لر • وارد قلنده اهل بيت
صفه نك برجانبنده بيكر اتديلر • واولكرينه سرا پرده چكوب سرلري تختك مقابلنه
ايلتديلر • يزيد سرلري كوردي • صاحبلرينك حالندن خبر صوردي • جونكه هربرينك
حال بلدي • سر امامي كتورك ديو امر قلدي • شمر سر امامي بشر بن مالكه ويردي تا كم
ايلروايلته • دايتديكه امامك قتلي يا بنده عرض مباهات ايدوب آكا مناسب ابيات
اوقو اوله كم سكا كلي انعام ايده • شمرك بونفي اول ايديكه قاتلان امام حقنده يزيدك
بنغضيني طوتوب مزاحن بله تاكم آكا كوره شربت بغليوب علاج قله • بس بشر سر امامي
تخت اوكنه ايلتدي بو ابياتي ادا اتدي **بيت** املا ركابي فضةً وذهبا •
اني قتلت الملك المحجبا **هر** يعني بر ايله بزم ركابمز سيم وزر له كه بونك كبي سرا ذات
عزت صاحبي پادشاه نامدار وشهنشاه عظيم المقدارى قتل ايلدك **شعر**

قتلت

قتلت خير الناس اما واباً • وخيرهم اذ ينسبون نسباً **تر** معناسي خلقك خيرلوسن قتل
اتدك • اتا انا جهتندن يعني نسب عالي وحسب متعالي يوننده ن • بومضموني متضمن
بر تيج بيت دخي اوقودي • سر مبارك امامي اوكنده قودي • يزيد بو كفتار زمالحت
اثاردن مضطرب اولوب اتيديكه جون بو وصفله موصوف ايدوكي معلومك وبو
نعت بر منعوت ايدوكي مفهومك ايدي نچون غلو اتدك جلاده اشارت
ايلدي فالحال كوشكدن طشره چقوب ميلان سياسته ايلتدي • جون لالهكون
جرعهٔ جام فسقه كبي نصيب خاك اتدي • بشر اولكسنه لردن ايدي كه امام حسين
قتلنه مانند نيزه بيل بغلمش ايدي • بناي حقوقه تيشهٔ عقوق ايله زير وزبر قلمش
ايدي **مثنوي** سنك اثار فلك اي برادر • كلور باشوكه برير خيرا كرشر • صقين ظلم
اتمه كم جرخ دوار • مكافات ايدر آكا آخركار **تر** بس يزيد غلامندن برينه امر
اتدي • سر امامي آفتاب مانند بر طشت زرين اچينه قويوب حضورنه ايلتدي
اندكي چوب ايله اشارت ايدوب حسينك نه كوزل لب ودندانى وار ايمش ديدكده •
حضار مجلسدن بري جوب ديديكه اي يزيد الكده كي چوبي كيدر كه اول لعل درربار
ودر لعل اري رسول حضرت باري نيچه هزار بار اوپمشدر **قطعه** آن لب كه بوسه
داد بار بار رسول • سوبش بچوب كردن اشارت كجا رواست • وان سر كه كنار نبي
داشتي وطن • در طشت زر نهاده به پيش توكي سزاست **ابو المفاخر خوافي**
كتورمشدر اول زمانده يزيد الندهكي چوبلن لب ودندان امامه حواله اتدي •
سمرة بن جندب كه اصحاب كبار دن ايدي • انده بولونوب بو فعلدن منفعل ولكن
اتيدي **يا يزيد قطع الله يدك** نه جانله جوب اورمق ديلرسن كه اول لعل نابي
واو در سيرابي • مفخر اولاد حضرت آدم صلى الله عليه وسلم كرانلر اوپمشدر • يزيد
غضبه كلوب اتيديكه اكر شرف صحبت فخر لولاك اولمسه ايدي سني هلاك ايدردم سمره
اتيدي كه بو عجب حال وطرفه مقال در كه بنم اول حضرتله مصاحبتم ياد ايدوب رعايت
ايدرسن • فرزند عزيزنه بو نوعله حقارت ايدرسن • اول عزيزك بوكلماتي هرگس

تأثیر ایدب دیده لری خوناب وسینه لری کباب ایلدي بیم ایدی که بر حادثه
پیدا اولیدی آخر سمرهٔ مجلسدن رفع اتدیلر هنگامهٔ ازدحامی طغیان ایلر ابو المفاخر
تازي کتورمشلر اول مجلسدن رفع اتدیلر بر تاجر یهودی وار ایدی ای
یزید بو سر کیمک سریدر دیو سؤال اتدی واتیدی اول سر کشنک سریدر که عراقده
امیر المؤمنین اولمغه آهنگ اتدی دار الامان بیعته داخل اولمیوب انده اولان
عسکر ظفر مآثر ایله جنک اتدی کندونک وتوابعنک سرلریدر که حضوره کتوردیلر
دهر بدرنگ کردار وپندارن سربسر غرضهٔ تلف ایتوردیلر یهودی اتدی دعوای
امرتیت علامت شرافتدر بونک پدر وجدی کیملر ایدی که بعضتدن ابا اتدي
بنیرهٔ پیغمبر آخر الزمان ایدوکن استماع اتدی واتیدی ای یزید دأب سکا
اکر پیغمبرک حق پیغمبر ایسه بنم سلسلهٔ نسبم یتمش اتادن داود علیه السلام پیوسته
اولور لکن امت اولانلر بو واسطه برله بنی خوش کورورلر شرایط رعایتم ولوازم
خدمتم کما ینبغی یرینه کتورررلر محمد خود هنوز کتدی لاریب که رسالته اقرار ایلرسنز
پس نیچون اولادن سیف حیف ایله قتل ایدوب اهل وعیالن بی اعتبار ایدرسنز
قطعه جواب چیست شمارا اکر سؤال کند محمد عربی از شما بروز جزاء که آن چه بود که
با اهل بیت من کردید چون بملک بقا رفتم از سرای فنا جزای آنکه شمارا بحق
نمودم راه روا بود که چنین ما رسد بمن ز شما نثر یزید بو کفتار نصیحت اثاردن بیخبر
اولوب ایتدیکه ای یهودی پیغمبر ذحیله اذا ابدنه یوم الجزاده بن خصومت
ایدرم دیو بیوردي یوقسه جلاده امر ایدرم تحدی سنک بوینک اورردي یهودي
ایتدیکه ای ابله دل بی بصیرت اول حضرت که یهودی ایچون خصومت اکلی مقرر ایله
دار قیاس ایت که جکر کوشه سیچون نلر ایده یزید بو سوزلردن بی حضور اولدي
نایرهٔ غضبی اشتعال بولدي یهودینک بوینن اوردی اماندکده یهودی بر لطف
کبی برندن محجوب سر امامی الندن الوب ای کزیدهٔ آل محمد رسالت جدک عالیشانکه
اعتقاد وشفاعت یوم التناده استناد اتدم دیوب باجان من صدق الله

ایمان

ایمان کتوردم جلادل دادامان دبر سوب بوینن اوردي سعادت درین ایله
مستسعد اولوب المرء مع من احبه حکمنجه رتبت ومنزلتن مقامات عالیهٔ
شهدای کربلایه ییتوردي کتاب آخرده مسطوردرکه
قیصر رومدن یزید بعفرت مزیده الی طرقیله بر ترسا کلوب تحف لطیفه وهدایای
نظیفه کتورمشدی اتفاق اول مجلده حاضر وواقع اولان وقایعه ناظر ایدی
حقهٔ دهانن اجوب فصاحت درلرین مجوب ایتدیکه بن حضرت رسالتک ایام
حیاتنده بطریق التجاره مدینهٔ منوره یه کتشدم طیب طیبه مایل اولدوغن
بلوب ایکی نافه مشک دبر مقدار عنبر اشهب احضار اتشدم حضور حلایت موفور
واربه مشرف اولدم سعادت خانهٔ ام سلمه ده بولدم بعد السلام اول عطرلری
حضورنده قویوب طوردم بیوردیکه بونلر اتیدم که هدیهٔ محقره درخدمتکه
کتوردم بیت پای ملخی پیش سلیمان بردن عیب است ولیکن هنراست
ازموری نثر اول حضرت نامک ندر دیو صوردي عبد الشمس ایدکده سنک نامک
عبد الوهاب قودم دهدیه کی قبول اتمزم مکر مسلمان اولاسن دیو بیوردی نظر
ایدوب کوردم که حضرت عیسی خبر ویردوکی انوار رسالتی کضوء النهار ظاهر
وآشکار بتوق مانند تجلی دیدار ثنا باهر ایدی بیت عیسی بنام اوچو بایام مژده
داد ازین نام او نقش جان بمرده داد نثر حضور حلایت موفورلرنده ایمان
کتوردم هزار شوق ایله عودت ایدوب ولایت رومه ابردم کنج السلامی خفیده
نهان ایدوب هیچ کسه عیان ایلمدم اهل عیالمه دخی سویلمدم نیجه ییلدرکه پیش دخلم
و دورت قرنم مسلمان اولدي سابقهٔ عنایت ازلی ظهور بولدي حالا قیصر
رومک وزیریم هیچ کس احوالمزه واقف واضعالمزه عارف دکلدر اول کونکه
ام سلمه خانه سنده ملازمت حضرتنده ایدم بو سرک صاحبی کوچوک ایدی حجره دن
ایچرو کیردی آفتاب رخساری درون خانه نور وضیا ویردي اول حضرت
طوتوب در بغل اتدی لب ودندانن اوپوب ایتدی رحمت حق اول کمسنه دن

دورا اولسون که سنی ناحق هلاک ایده لر ونن تابناککی آلوده ٔ خون وخاک
ایده لر برکون ینه اول حضرتک حضورنده ایدم بوجوان برادریله کلوب ایتدی
کرابکم کورش دوتدق بری برمز بعصلدق قنغمز توتلو ایدوکی معلوم اولمیوب کمان
بجنی بحمدق دیلرز که یقین ایده سز بوردیکه کوشتیکرک سزه لایق دکل بو بابده
بحدث وجدل موافق دکل وارک خطه یزب کتورک هرکک که دست خطی قرار بولنشی
اوله انک قدرت وقوتی زیاده اولمش اوله فی الحال یزوب کتوردیلر اول خطی
نسخه ٔ کامله ویردیلر اول حضرت برمقدار تأمل ایتدی وایتدی بابا کزه وارک که
خطک انواعن یازر غبار وجلینک هرقنغسی راجح ایسه تحقیق ایدر انلر قلقوب
پدرلرنه کتدکده حضرت دخی درون خانیه عزم ایتدی حضار مجلس طغیلوب کتدی حضرت
سلمانه صوردم که نیچون بنیره لرینک نزاعن قطع اتمدی ایتدیکه اول حضرت انکیسن
دخی صور هر برینه جان ودلدن محبت ایدر هر قنغسنک خطنه رقم نسخ چکه خامه
دار فاطری شکسته بولوب لوحه ٔ قلبنه غبار کلوب اول برینک طومار ضمیرینه اقدام
سرور یازیلور اول اجلدن هیچ برینک خطن ترجیح ایتیوب پدر جلیل القدر لرینک
محقق قلمنه تعلیق قلور ایدم که ای سلمان لطف ایدوب بکا بدری نه حکم ایتدوکی
محل تحقیقه ایرکوز مفصل ومشروح بکا خبر ویرز ارته سی ملاقات اتدکده ایتدیکه شول
معنی که ضمیر آفتاب نظیر حضرتدن مرور ایتشدی فاطر عاطر امیرالمؤمنیندن دخی کذر
اتشی انلر دخی بو خصوصی مادر فاطمه ٔ زهرایه حواله اتمش ایتمش مادرکوزه وارب
دیه سز که جدکز برده امر ایتدی وارک خط یازک هرکیمک که خطی بهتر اوله لابدانک
قدرت قوتی بیشتر اوله یازب ایلدیکده پدرمزه حواله ایتدی پدرمز دخی
بزی ممیز قلدی کل امدی نظر ایله هر قنغیمزک خطی احسن ایدوکن تعیین ایدوب مقرر
ایله فاطمه دخی اندیشه قلدیکه جد بزرکواری وپدر عظیم الاثاری مراد ایتمدیکه
بونلردن برین غمناک ایده بس خطاب ایدوب ای دُرّ کرانمایه ٔ مادر ودی سرمایه ٔ
پیرایه ٔ مادر معلومکز درکه بنم لوح دلم معرفت خطلرندن ساده وصحیفه ٔ خاطرم قید

اطلادن

اطلادن ازاده در لکن عقد تعرفده عقد بنات النعش کردار یدی دانه لولوی
تابدار زر در درر سعادت اثر کوزه نثار ایده یم هر قنغکز زیاده اولورسه
انک خطی احسن وقوتی زیاده در دیه یم دیوب نثار ایتدی هر برینک صدف کفنه
اوچ دانه انجی کیردی حضرت عزت جبرئیله امر ایتدی وارب پر باز کیله اول
باقی قلان انجی ایکی پاره ایله تاکه هر بری برن آلوب برابر اوله فی الحال کلوب
ایردی اول بردانه ٔ ایکی بولدی هر بری برن آلوب سلک مرامه لری انتظام بولدی
بس ای یزید مصطفی ومرتضی وفاطمه اسلمزاکه انلرک بوبار ضمیرلری مکدر اوله
وحضرت عزت جلت عظمته دیلمزکه دل مرآت ضمیرلری مغبر اوله بن رو ملره استماع
اتدم که سن ابه ریزه ٔ الماس قدرت براذرنه الجوریشسن مبارک جکرن تجشی
ایکی پاره ایلدرشسن حالا بو سرورک تجشی ایکی بولاشیله سرشریفن قطع ایدوب
زین العابدین ایله اهل بیته بو جه حقارت ایلدک حتی ده خاتم انبیاء اهانت
ایلدک رضای خدایه مخالفت ایلدک وای سنک سزلی سا ماکه وسنکله بوکاره
مباشرت ایدن اعوانکه قطعه ای ناکسان جنسبت فرزند مصطفی باشد هیچ وجه
رواکین چنین کنید برحلق تشنه ٔ شه دین تیغ کین کشید درخاک وخون لعان
رخ آن نازنین کنید یزید بو دحلردن مار پیچیده کبی در حم اولوب ایتدی که
بزه عین حقارت ایله نظر ایدرسن انکچون عرض جرأت ایدوب سر حد ادبدن طشره
کیدرسن اکر رسول قیصر اولمسک سکا سیاست ایدردم عبرة للناس باسک
کردم دانا بو سوزلری ایلچیه اولمز زوال رسول روم ایتدی که ای بی شرم دنیاجیا بو
نه انصافدرکه رسول قیصره حرمت ایدرسن رسول ملکه اکبره اهانت ایلدرسن
یزید کمال اضطرابندن غلام چوب بو مرد کستاخی مجلسدن قالدرک دیو امر ایتدی
عبد الشمس تیغ تردد ونزاع کفت وکوی ترک ایدوب کتدی یزید اهل بیت سمتنه
توجه ایدوب خاتونلرک بعضنه کتورک انلر ایله کفت وکو ایده لم دیو امر ایتدی ام کلثوم
وزینب خاتون اوکنه وارد قلده ناکاه زینب خاتون سراماهی کورب برد جبله ماتم

اندیکه آنده حاضر اولنلری اغلتدی آخر یزیده توجه ایدوب ایتدی ای یزید رعونت
مزید هیچ ملول مسن نه اصلا کاره مباشرت و نه بویله فعل شنیعه مبادرت
و مسارعت قلدک سنک خاتونلرک پرده آردنده مستور و خندان اهل بیت
رسول الله بین الناس مقهور و نالان آخر بو عمل نا سزا صورلمزمی دیوان حشر قورلمزمی
یزیده لرزه مستولی اولدی جوف خوف ایله طولدی بو خاتون کیدر دیو سؤال
خواهر حسین بن علی مرتضی و دختر فاطمه زهرادر ام کلثوم ایلر و وارب آنلرکه
اجازت ویر برادری اله آلوب کورهیم بو حسرت آتش انکیز اشک ریز روز
رستخیزه قلمایجون یوزن یوزمه سورهیم وقتی که اجازت الوب رخصت
بولدی سر سروری اله الوب مدهوش اولدی کندو یه کلدکده ایتدی که ای
یزید حق تعالی دن تمنا اولنور که دنیاده بردرده اوغریه سن که درمان بولمیه سن
دیر بلایه کرفتار اوله سن که بر آن راحت اولمیه سن قطعه آدمکم بردرده اوغرنک
بری درمانی یوق اندوکه ظلمت شب هجران کبی پایانی یوق پاره پاره
ایلدک تیغ ستمله بغرمز نیلدک نتدک بکا حیدین یوق ایمانی یوق نثر یزید ایتدیکه
ای ام کلثوم بزه هر نه قصد اتدوکوز ایسه حق تعالی باشکزه کتوردی بحره
پندار کز ثمره ادبار ویردی دعوی دروغکز لی فروغ اولدی ملاحظه کوز
عکسی وقوع بولدی ام کلثوم ایتدیکه حق تعالی منافقلره دروغ کوی دیلشدر که
ان المنافقون لکاذبون و آنلر حقنده وعده عذاب بیورشدر که یعذب
المنافقین والمنافقات بحمد الله اهل بیت پیغمبر کذبدن مبرا و نفاقدن معرادر
یزید عنید انلر ایله تکلمدن فراغت ایدوب وجه توجهین زین العابدینه طوتوب
ایتدی بوا و غلانجق کیدر ایتدیلر که علی بن حسیندر یزید انی قتل اتدیلر دیو
استماع اتمشدم ایتدیلر که اوچ دار ایدی علی اکبر ایله علی اصغری ورطه هلاکه ایتود
دیلر بو علی اوسطدر که زمان بکارده بیمار ایدی طوتوب حضورکه کتوردیلر
یزید ایتدیکه ای صبی عجبا سنکده معلومکمیدر که بدرک کندو نامه سنده خطا او تیق

وجار باشنی خلافتده مقام طوتمق دیلدی الحمد لله مقصد اقصاسنه وصول بولمدی
نهال آرزوسی مثمر اولمدی زین العابدین بیوردیکه ای یزید مینزلری بزم بدرلرمزی
انشا اتدی بوقسه سنک بدرلریکزمی پیدا اتدی خلافت بزم بدرلرمزدمی
قالدی که دین بولندی جهادیله سرحد اجتهاده یتوردیلر یاسنک بدرلریکزدمی
قالدی که درکاه الهه شرک کتوردیلر ای یزید بزوم سنکله رشته خصومتمز
محکمه قیامتدن غیری یرده قطع اولمز بو عقده مشکله سرانکشت کفت وکوی
برله انحلال بولمز وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون قطعه
روزی که ابدرو جکر از هول خون بود حکام را لوای خجل سرنکون بود اما ز بهر
دینی دون داده دین ز دست اندیشه کن که حال تو آن روز چون بود نثر یزید
بوکلماتدن غضبه کلوب جلادی داد نه امر اتدیکه اول شمع هدایتی طشره چقروب
مقراض تیغ ایله بوینین اوره و سر مبارکی حضور فصاحت موفورنه کتوره
جلاد زین العابدینه ال اوزتدقده ام کلثوم ایلرو کلوب حضرت رسولک دختر
زادلرندن بوندن غیری محرم قالمامشدر دیوب ایکی الیله چکوب الیقودی
و بو بیتی انشا ایدوب فالحال وقودی بیت أنا دیک یا جداه یا خیر مرسل
حسینک مقتول و نسلک ضایع نثر ترجمه سی بودر ابیات ای جد امجدم بکا فریاد
ایدب دیرم قتل اتدیلر حسینکی پامال اتکی سن عالی قدره کورنجه الحقلقی اتدیلر
ترک ایلیوب رعایت جاه و جلالکی نثر یزید بونی کوش اتدکده اعضاسنه لرزه
دوشوب زین العابدینی حسن ملاطفت وکمال ملایمت برله یانینه دعوت اتدی
صدر مجالسنده کندو اوغلی ایله همسر قلدی و ایتدی بنم اوغلم سنکله هم سندر قادر
سن آنوکله میدانه کیره سن خصمانه کورش طوتوب ارقه سن یره کتوره سن
ایتدیکه کورشمه ملزم ایلکم که النه بر خنجر ویر حضورکده جنک و جدال ایده لم هم تنقم
مقتول اولور سه قاتلم حلال ایده لم بو محلده هنکام شام ایرب نقاره دار الامارة
دوکلمکه باشلدی پسر یزید ایتدیکه ای پسر حسین بو بنم بابامک نوبتی درسنکبابانگ

نوبتی قانی بیوردیکه برمقدار ارام ایله ناکاه مؤذن اذان اوقودی
ایتدیکه اوشته بابامک وجدمک نوبتی کونده بش کره اورر سنک بابا کمک
نوبتی پنج روزه در روزنامچه حیاتی پایانه ایردکده نوبت امارتی غیره انتقال
ایدب قانون نامهٔ دیوان عنوانی ومنشور نام ونشانی فی الحال دورلور مثنوی
شوکه عالم کوزینه زره دکل نوبت پنج روزه عزه دکل دولت منصب سرای
سپنج برایکی کونده اوله محنت وریخ نثر دار الغرب امامتده سکهٔ سعادت ومنابر
عزت وکرامتده خطبهٔ فضیلت بزم نامزده درمن بعد دخی اویله اولسه کرکدر
بیت تادر روزکار بود دور دورماست تانام کاینات بود نام نام
ماست نثر حضار مجلس امامک عبارت فصاحت دثارنه ونکتهٔ بلاغت آثارنه
تحسین اتدی یزید اوغلنه اشارت ایدب زین العابدین ایله مباحثه دن تسکین
اتدی اما یزید امام ایله جوق بحث اتدی سؤال وجواب سرحد اطنابه یتدی اکر
تحریر اولنسه کلام مذیل یعنی غایت مطول اولور جمله دن بری امام بیوردیکه ای
یزید جبرئیل بزوم خانمزه می دخول اتدی یا سزک وآیت تطهیر بیزم حقمزده می نزول
اتدی یا سزک والی آخره نیجه بونک کبی کلمات پرنکات اتدی اخر یزیدک انداهنه
رعشه دوشوب مباحثه ومکابره دن فراغت اتدی وایتدی یا ابن رسول
الله نه دیلرسک ول مراد فوادک ندایسه عیان ایله مجلسده روا ایده یم اتدیکه
قاتل پدری بکا تسلیم ایله قصاص ایده یم النفس بالنفس حکمنجه حقندن کلدیم
بیت عقوبت عفودن یک موضعده کل سوری دن آتش موقعنده یزید
کوزندن کلن حسا کرک قاتل سردارلرندن قاتل امام کمدر ایدوکن سؤال اتدی
اتدیلرکه خولی بن یزیددر احضار انکا اجون فی الحال رسول ارسال اتدی
کلدکده ایتدیکه امامی سنمی قتل اتدک سیاست بشیر بن مالکی کورمشدی خوفندن
انکار ایلدی انک قاتلی سنان بن انسدر دیو جواب ویردکده آنی دخی کتوروب
استفسار اتدی ایتدیکه بن انک قاتلنه لعنت ایدرم حاشا که بن انی قتل

انشی اولم انک قاتلی شمر ذی الجوشندر قتل امام علی رؤس الاشهاد واقع اولشدر
بین الناس مشهور ومبیندر شمردن سؤال اولندقده استبعاد اتدی یزید اتدیکه
مجلسی سنک حقکده متفقلردر حاشا بونلر دروغ کویلردر دیو فریاد اتدی یزیده
غضب مستولی اولوب البتده قاتل بولنمق کرک دیدکده شمر ایتدیکه قاتل حسین
اولدرکه قبایل عربی جمع ایدب عسکره اسب سلاح ویردی زاد وزواده احضار
ایدب دارک حسین ایله جنک ایلک دیو سوزه کوندردی یوقسه کیمک نه جانی واد
ایدی کر اولنلقابلینی عرض هلاکه وزواله تیوریدی وسر شریفنده اولان بویلرک
بشارتنه حرز کتوریدی بو کلماتدن یزیده خجالت کلوب غواص مانند باشن اشغنه
صالدی خلقک یوزینه بقمغه یوزی اولمادی خیسبدن دریای حیرته طالدی بعد
نعان زین العابدینه توجه اتدی وایتدی بوندن غیری هرنه دیلرسک دیله بودر
دیکه سرپدری وسایر رؤسای شهدای بکا ویر کربلایه ایلدیم هر بیت آن خرغلت
الحاق ایده یم ایتدیکه بو بلتمسک مقبول دخی نه بیوررسن ایتدیکه اهل بیته
اجازت ویر مدینهٔ منوره یه کتسونلر مزار رحمت مدار جد بزرکوار مزده طاعت
اتسونلر ایتدیکه بو مهمک دخی تقبل اتدم دخی نه بیوررسن ایتدیکه یارن جمعه در
اجازت ویر منبره چقه یم خطبهٔ عالی رتبهٔ بن اوقویه یم اجازت ویردکدن صکره
پشیمان اولوب قراءت خطبهٔ خطبای حظ مشامدن برینه مقرر ایلدی خاطر
دریا مقاطر امامی عواصف خلف وعده برلر منغیر ایلدی وندا اتدرب خلق جامع
جمع اتدکده خطیب منبره چقوب آل سفیانی ستایش ومدح وآل ابی طالبی مذمت
وقدح ایلدی بطلان اهل بیت امام حسینی بیان وحقیقت واولیت یزیدی
عیان قلدی زین العابدین بی اختیار جا عزوب ایتدیکه ای خطیب سامی نوم
وی دروغ کوی میشوم رضای مخلوق اجون جانکی چاه جحیمه اتدک شناع دیم
کران بهای عنبر فاحش ایله حطام دنیا یه صاتدک قطعه بی رویی نفس وهوای کی
راه حق انیست خطایکی آل عبا از همه فاضلتر اند ذم چنین قوم جرایکی بس

یزیده متوجه اولوب ایتدیکه سعدوکه وفا ایله منبره چقه یم برخطبهٔ عالی رتبه
اوقییم کم مشتمل رضای سبحانی ورسول علاء خانی اوله وستمعان مست معانی
اوله یزید اتدی منبره چقمق لازم دکل منبر کبی ایاغ اوزره دوررکن قرآت ایله
زبان بربیانکه هر نه کلور سویله اما اهالی شام ایاغه قالقوب الحاح واقدام والحاف
وابرام ایدوب ایتدیلرکه شول فصاحت وبلاغت که السنهٔ اهالی حجازده در
مرتبهٔ اعجازده در اجازت ارزانی بیورکه بوجوانک عبارات فصاحت آیاتن
واستعارات بلاغت غایاتن استماع ایده لم **بیت** منبری وعظی نزین ایلیوب
روح نطق منور ایلیوان **نثر** یزید ایتدیکه ای اهل شام بو جوان هاشمی نسبدر
معه افصح فصحای عربدر شاید منبرده برطریق ایله آل ابوسفیانی تفضیح وبنی امیه یی
تقبیح ایلیه ایتدیلرکه بو صبی صغیر کوچکدر الندن نه کلور ونه دیجکدر مرادمز اول
درکه جدندن احادیث شریفه نقل ایده نصایح واضح برله جمله مز شرف ایلیه
القصه اول عزیزلرک التماسی حیز قبولده واقع اولوب منبره چقدی برخطبه
قرآت ایتدیکه سهام ادمام فصحای شیرین زبان حدف تعریفنه ایرمکدن دکل
وبصایر ضمایر بلغای زیبا بیان اسرار توصیفنه اطلاع متصور دکل بدایع الفاظ
دلکشاسی جلوه های عرایس اسرار بلاغت ودلایل اعجاز وروایع معانی جان
فزاسی غنچه کشای نفایس ازهار کلشن راز در **قطعه** لوامع کلماتش چو مهر عالمگیر
ظرایف سخنانش چو ماه نورافزا بدین لطافت وخوبی کسی نکرده ادا سپاس
ایزد واوصاف خواجهٔ هر دو سرا **نثر** حمد وثنای الهی ونعت حضرت رسالت پناهی
دن صکره برموعظه بیان ایتدیکه نارهٔ تاثیرندن دللر زم شعله تعرفندن
سینه لر کرم اولدی **بیت** غلام آن کلماتم که آتش انکیزد نه آب سرد زند در
سخن بر آتش تیز **نثر** اول سرو بوستان کرامت وتذرو کلستان سیادت خطبه
تمام ایدوب ایتدیکه ای اعیان ولایت شام وی جمله خواص وعوام معلومکز
اولسونکه **انا ابن رسول المختار وانا ابن المصطفی سید الابرار**

یعنی بنم پدر صاحب معجزه ومعراج وخداوند تاج ودواج بنم فرزند راکب براق
افضل بخوران بالاتفاق بنم پدر سبحان الذی اسری ومجاور حرم قاب
قوسین او ادنی بنم پدر خطیب فاوحی الی عبده ما اوحی وعندلیب کلشن علمه شدید
القوی بنم پدر خواجهٔ یثرب بطحا وصدر مسند اجتبا واصطفا بنم پدر حضرت حبیب
الله یعنی محمد رسول الله بنم پدر شهسوار مضمار هل اتی وشهریار تختکاه لافتی بنم
پدر وصی ونبی بابها ومفتاح خزانهٔ انا مدینة العلم وعلی بابها بنم پدر صاحب
مناصب ومناقب ومظهر عجایب وغرایب حضرت علی ابن ابی طالب هرکاه که
ابن فلان ابن فلان دیردی حضار مجلس ناله وفریاد ایدردی بعده بیوردیکه بنم
پدر دختر سید المرسلین سیدهٔ نساء العالمین بنم پدر کوهر درج فاطمة بضعة منی
واختر برج من اذاها فقد آذانی بنم پدر مادر سادات ومنبع سعادات وشفیع
اهل عرصات بتول عذرا فاطمهٔ زهرا رضی الله عنها بنم برادرزادهٔ سبط رسول
وقرة العین بتول امام مسموم وممتحن امیر المؤمنین حسن بنم فرزند شهید مظلوم
وغریب مهموم نور دیدهٔ محمد مصطفی وسرور سینهٔ علی مرتضی مبتلای میدان کرب
وبلا امیر المؤمنین حسین شهید کربلا بو محلده جمله ناس جوش وخروشه کلوب
بی اختیار آه وافغان ایتدیلر بوقبهٔ زنگاری کم کم کلسلدیلر شهرا لجه غلغله
وزلزله مرد وزنه عربده وولوله دوشدی **مثنوی** اولقدر اولدی آنده ناله وآه
طوتدی کوکلر یوزینی دود سیاه شو لقدر آقدی دیده دن یره قان پنجه جوی
اولدی بردم ایچره روان **نثر** یزید بو غوغای واد وحامی وبو غلوی عامی کوروب
حادثهٔ عظیم پیدا اوله دیو خوفا مؤذنه اقامت ایله دیو ندا ایتدی غرض بو که کلام
میمنت انجام امام منقطع وکریه وزاری خاص وعام مندفع اوله مؤذن یرندن
طوروب عرض قامت ایتدی **الله اکبر** دیدکده امام ایتدی **نعم لا شیء اکبر منه**
مؤذن ایتدی **اشهد ان لا اله الا الله** امام ایتدی **شهد بها لحمی ودمی وشعری**
وبشری مؤذن ایتدی **اشهد ان محمدا رسول الله** امام عمامه سن چقروب

موذنك اوستنه اندي وكيسوي مشكبويني سيه بختلر كبي پريشان اتدي • وايندي
اي موذن اول محمد حقيچون • برمقدار توقف ايله موذن خاموش اولدي جماعت
دركفتاري امامه مانند صدف كوش اولدي • پس امام يزيده توجه اتدي وايدي
اي پسر معاويه • بو رسول كريم سنك جدڭمیدر يا بنم • اكر بنم جدمدر ديرسك
كذب صريح در • واكر سنكدر ديرسك • پس نيچون بنم پدرم بهترين عترت رسول
ايكن ام ايدب شهيد ايتدردك • و مخدرات سرادقات عصمت وطهارتك اوزرنه
نكهبانلر قويوب • اسارا آسا شهر بشهر كزدردك • و بو مستمندي يتيملك دردنه
كرفتار اتدك • فراق پدر و برادر ايله جان وجهاندن بيزار اتدك • بوجمله نازرا
ايشلركسن اندك نه دل ايله لا اله الا الله محمد رسول الله ديرسن • ونه اميد
ايله اكا رسول صلوات كتوررسن قطعه • نه فخر انبيادن شرم ايدرسن • نه اولور
حاكماي خونخوار ظالم • نه خلقدن ونه خدادن شرم ايدرسن • كه بو نكده اوله بوجه
مظالم نز • پس ال ادرب كريبان چاك اتدي • جانب جماعته توجه اتدي وايتدي
اي مسلمانلر سيزدن عبري هيچ كسه واريميدر كه انك جدي رسول الله اوله • بو مجلده هم
برحالت مستولي اولدي • ناله جانكاه ايله درون مسجد طولدي بيت هم كوكلدن
كرا ودم ناله حسرت قوپدي • كوش ايدنلراني صاندي كه قيامت قوپدي نظم • يزيد
اهل اثناده فتنه روزكاركي قيامه كلدي موذنه اقامت ايله ديو امر اتدي اداي
صلواتدن صكره علوي عامدن • وعدمه عوامدن خوف ايدب صورت حالي
حال ريا ايله اراسته • و چهره مقال حليه حيله ايله پيراسته قلوب نداالتورب
اهالي دمشقي جمع اتدي • شمر بدكاري امرا كوفه ايله حضورلرينه كتوررب ايتدي اي
بدبخت و سيه كارلر دي ميشوم بدكردارلر نيچون حسيني قتل اتدكوز • اكر زنده
كتوريدكوز بن آني رعايت ايدردم • و سزه نيجه حرمت و رعايت ايدردم
ابن مرجانه حق تعالينك غضبنه اوغراسون كه بونك كبي امر عظيمه اقدام ايلدي
واهالي عراق و شام بينلرنده بني بدنام ايلدي تاريخ العالم نام كتابدن

محزردر

محرردر • وقتي كه يزيد بو سوزلري سويلدي شهري وروستايي هر جانبدن هجوم
ايدب قتله امام حسينه دشنام و يزيده توبيخ و سرزنش ايلدي • بو فعل ناسزا ارتكابيله
دخي زياده لعنه مستحق ايدي • بلكه وجود بي سودي نابود اولسه لايق ايدي • يزيد عنيدك
خباثت ذاتي قابل تعريف • و ذمايم صفاتي ممكن التوصيف دكلدر • اكتساب جرايم
دستياننده جري الجنان • وارتكاب عظايم خطاياتنده جلي العدوان • دولت سلامده
اكا مانند برشقي مدبر • و بربدبخت متجبر • كمشدر • اوچ بيل طقوزاي امارت اتدي
زماننده نيجه ظلم و بدعت اتدي اولــ ايلنده قرة عيني صفوت مصطفي يعني
حضرت امام معصوم مظلوم حسيني ظلماً وعدواناً قتل ايلدي قطعه رواسي مهد لحده
دوشه ناحق بويله عالي قدر • كه اولشدي انك روح الامين كهواره جنباني • نه
لايق مرده تقلق تندباد جور وظلميله • رسالت بزمكاهنده بيتي شمع شبستاني •
نهال ارغوان كبي روامي غرق خون اتمك • ولايت بوستاننده بيتي سرو خراماني •
روامي كوندرب كوندرلر شامه شول سري كاناكه • رسوله بوسه كاه اوله رخسار
تاباني ايكنجي ايلنده مغرب آفتاب نبوت يعني مدينه حضرت رسالت اوزرنه
عساكر شقاوت ماثر ارسال ايدب اوچ كون اول شهر محترمي نهب و غارت
اتدردي • نساء مخدراته و بنات محصناته ال اوزادوب اعيان شهره انواع قهار
اتدردي • حتي ديرلر كه بيك قيز بكارتي زنا ايله زايل و بيك عورت اول كونلرده
وطي حرامدن حامله اولدي اوچنجي ايلنده قبله عالمي و بيت الله محرم معظمي
طوپه طوتوب يقدي و ياقدي • و مكه مشرفه اهلندن نيجه عزيز قومي خوار ايدب
فاك • مذلته برقدي • بونك كبي خطيات موجبة الملامات • كفر و زندقه علامتدر
بوندن غيري كندونك ديوان اشعارنده نيجه كفر و الحادي شو عباراتي دعوا اعتقادي
مظهر اشاراتي واردر كه معناسنه واقف اولان تكفيرنده توقف دنا ويلنده ارتكاب
تكلف اتمز • بوجمله ايله علماء امت يزيد عنيده لعنت ايلمك باينده خيلي اختلاف
ايلدكلرندن صكره بونك اوزرنه اتفاق • و بو وجهله استحقاق ايلمشلردر كه •

در بیان لعنت یزید

هر کم امام حسینک قتلنه مباشر ویا خود آمر ویا ارشاد وکده جایز کوروب راضی
ومستبشر اولدیسه اول کسنه لعنته مستحق دهر وجمله مذمته لایقدر معنفات ثقات
ایراد اولنان آثاردن کالشمس فی رابعة النهار روشن وآشکاردر که یزید پلید
اول سعید شهیدک ظلما وعدوانا قتلنه الحق مباشر اولماشدر والا هر وجهله تحریض
وامر وراضی ومستبشر اولمشدر بو مدعانک اثباتنه دلیل وادراک حقیقتنه واضح
سبیل وارد که اوشبو واقعهٔ شنیعه نک شیوعندن وحادثهٔ شنیعه نک قوعندن
صکره عبد الله بن زیاد بد نژاد کافر اعتقادی دیار عراقدن کندو یاننه
دعوت ایدوب بو خصوصده واقع اولان افعال قبیحه سن تحسین ایلدی واحوال جزیله
وتحف نفیسهٔ جلیله ایله بهره مند ایلدی ومقربان حضرتندن واعیان ارکان دولتندن
قلدی حتی انکا شول مرتبه ده اعزاز واجلال ایتدیکه ان الله الوب حریم خاصنه
ادخال ایتدی رفعت شان وعلو مکان ایله نادرهٔ دوران ومشار بالبنان
اولدی یزید پلید که شعرای قریشک فصیح بلاغت ورزی وبلیغ بدیع الطرزی
ایدی برگیجه ام الخبایث ایله دمساز ووصلت ونشوهٔ وصال ایله سرمست اولدی
فی الحال بر قج بیت آباد وایجاد ایتدی وسازنده سنه امر ایتدی علی الفور ترانه
بغلیوب مجلسنده سر آغاز وانشاد ایتدی اول ابیات بودر ابیات اسقنی شربة
تروی فؤادی ثم مل فاسق مثلها ابن زیاد صاحب السر والامانة عندی ولقد
بر مغنمی وجهادی قاتل الخارجی اعنی حسینا ومبید الاعداء والحسادی ترجمه
ابیات ویرکه برشراب که قانده یورکم دون بر قدح دخی هر ابن زیاد
ایچون همراز ومؤتمن دراول کانی متقلرم جمع غنایم وغزوات وجهاد ایچون
اولدر حسین خارجینک قاتلی هم اول هلاک دررا عادی اهل عناد ایچون پس
اکر بنیرهٔ رسول وجکر گوشهٔ مرتضی وبتول سیف حیف ایله مقتول واقع اولوق
اول منافق وفاجر وفاسق ومجاهر قاتنده مقبول اولمسیدی انک قاتلنی قتل
ایلدوکی تقویه جه دستکاهندن مردود ومعزول ودرکاهندن مطرود ومخذول

مطلب جواز اللعن على يزيد

قلمق لازم ایدی یزید عنیدک طینتنده رنک صفا وطویتنده بوی وفا اولمیوب
عداوت اذیت جوی خاندان حضرت مصطفی اولدوغنده بوجه من الوجوه اشتباه
اولمدوغی اجلاء قدوهٔ مفسرین وحفاظ وعمدهٔ مذکرین ووعاظ نقاد معانی
والفاظ افاضل علمانک اتبلی امام حافظ ابو الفرج ابن الجوزی حنبلی خلفای بنی عباس
دن امام ناصر واکابر علما حاضر ایکن جامع بغداده منبره اوزره علی رؤس الاشهاد
یزیده لعنت ایلدیکچک بعض سخیف العقل وضعیف العلم بالنقل مجلسندن قالقوب
کتدکلرین کوروب الا بعدا لمدین کما بعدت ثمود اوقودی بو بابده برکتاب
تالیف ایدوب آدنی کتاب الرد علی المتعصب العنید المانع جواز اللعن علی یزید
قودی کنز الغرایب نام کتابده مسطوردر که یزید اهل بیته کندو سرایده
بر محل تعیین ایتمشدی رعایت صوری غایتنه وحرمت ظاهری نهایتنه یتشدی
امام حسینک چهار ساله بر دختری وار ایدی که پدری یاننده غایت عزیز ایدی
وپدری دخی دختری یاننده جان شیریندن لذیذ ایدی پدری شهید اولدقدن
صکره پدرم قنده در دیو دایم استفسار ایدردی بربیره کتدی یوقسلی دیر ایدی
برگیجه عالم منامده کندوی پدری کنارنده کوروب کمال سروردن بیدار اولدقده
پدرین یاننده بولمایچق نالان وزار وگریان وبی قرار اولوب نیچون اغلرسن
دیو سؤال ایلدکلرنده صورت واقعهٔ علی ما هو الواقع تقریر وتصویر ایتدی هر چند
صبر ایله دیو نصح وپند ایتدیلر متسلی اولمیوب ایتدی بیت بحلم الله کرما تاب
شکیبایی نیست طاقت روز فراق وشب تنهایی نیست نثر بن بعد صبره طاقتم
وارامه قدرتم یوقدر یا پدرم بونده کتورک یا بنی انک حضورنه یتورک
اهل بیت بو گفتار آتشبار کوش ایدوب دریا کبی دردن دلدن جوش ایتدیلر
نهاد حسرت آباد زمیندن بنیاد فریاد ایدوب حلقهٔ دود آهی کوش کرهٔ سپهره کوتوردیلر
اندیلر یزید خوابدن بیدار اولوب ایتدیکه عجبا اهل بیت میاننده نه اهل
واقعهٔ هایله حادث اولدی که بو وقت بونک کبی نالهٔ جان سوزه وفریاد ماتم

افروزه باعث اولدي صورت واقعهٔ تصویر اندکلرنده ایتدیکه سر امام حسین یا نمز ده
درایلدک باشده که تسلی بوله سریدر اکا سرمایهٔ سکون اوله خادم یزید سر بهادر کی
بر طبق ایچنه قویوب اوستین اورتوب اهل بیته کتوردی فرمان یزیدی عرضهٔ
عرضه بتوردی طبقی الوب دخترک اوکنه قودیلر کشف غطا ایدب کوردیکه بر سر در
النه الوب دقت ایله نظر ایلدکده بلدیکه سر معتبر پدر در حالا ندم تیغ حسرت مغز
استخواننه ایردي سینهٔ پر دردن آه سرد چکوب جان ویردی اهل بیتک دللرینه
ینه تازه داغ اولدیلر تعزیت امام و مصیبت شهدا تجدید اولدي قطعه
ایرکورب تازه مصیبت خانه دانه ای اجل ینه بر آتش براقدک بو جهانه ای اجل
قالمیه آیین سور و رفع رسم سرور بویله قالورسه اگر دور زمانه ای اجل خرمن صبر و
قرار خلقه بر اود دوشدی کم قورقم اولدر حشر اولنجه شویله یانه ای اجل خانه دانه
ایدوکک رسم ستم آیین کین حشره دک یازلسه صفحهٔ داستانه ای اجل قالمیه بر سینه
کا نده اولمیه داغ فراق اود براقدک خرمن بیر و جوانه ای اجل نثر یزید بو حالدن
خبیر اولدقده وارب انلره سلام ویردی لوازم مراسم تعزیتی بر ینه کتوردی
بیت سلامنده سلامتدن اثر یوق کلامی چهره سنده نور و فر یوق ام کلثوم
اول مجلسده اجازت الوب خارج سرایده بر منزله نزول ایتدی و جمله اهل بیتی آنده ایلدی
و زنان اکابر عرب و مخدرات اهل حسب و نسب حاضر اولوب آیین تعزیتی یرینه
کتوردیلر و خدمتلرینی حد انتهایه یتوردیلر ام کلثوم مرثیه نظم ایدب حال
حیرت مآل اهل بیتی و شهدای کربلایی اشعار ایله اشعار ایدردی کوش ایدنلر احداق
دیده دن لآلی آبدار نثار ایدردي و اول ابیات مصیبت آیات بودر بیت
ماتت رجالي وافنی الموت ساداتي وزادني حسرة من بعد لوعاتي شعر فریاد که
بن حسرت دیدار ایله قالدم بی مونس و غمخوار دل زار ایله قالدم یا نوب یاقولوب
آغلدوغم ایلکوز عیب داغم کبی چون دیدهٔ خونبار ایله قالدم اول سرو سهیلر
اولوب آزاد دل بن بند غم دوران جفاکار ایله قالدم هر درده دوا ایدنجي

علیهم اولنلر صحبت کتدی دین بو دل افکار ایله قالدم ایلر صوکبی دولت یلاره
ایرشدی صد حیف که بن حسرت دیدار ایله قالدم ابو المؤید روایت ایلدیکه
یزید اهل بیتی مدینهٔ منوره یه ایصال ایچون تهیهٔ اسباب سفر ایدب هر برینه لایق
اولدوغی منوال اوزره خلعت تشریف و یربب زر بخشلدی نعمان بشیری اوتوز
نفر سوار ه سردار ایدب جناب شریفلرینه خدمت ایچون معا ارسال ایلدی نزول
ارتحالده اهل بیتک مرادنجه اولوب طریق آدابه سلوک ایتدیلر مهر و ماه کبی شب
و روز قطع منازل ایدب مدینهٔ منوره یه یتدیلر امام زین العابدین سرلر ایله
شامدن چقوب شهر صفرک یکرمی ایکنجی کونی کربلایه واصل اولدي سر امام حسین
ایله رؤس شهدا ابدان شریفلرینه انضمام بولدي راوی ایدر اهل بیت مدینهٔ
منوره یه قریب محله کلدکلرنده اهالی مدینه خبردار اولوب ناله و فغانه باشلدیلر
علی الخصوص مهاجرین و انصارک صغار و کبارلري هزار اضطراب و بی قراري
برله کریه کنان استقبال ایلدیلر حین ملاقاتده دختر و خواهر امام حسینی لباس عمزده
و پلاس ماتمده کورب دیده لرین خوناب و سینه لرین کباب ایدب بر وجهله ماتم
ایتدیلرکه زمینه زلزله و فلکه غلغله دوشدی قطعه عالمی راجان در یغ
ماتم پریشان کشته است خانه دلها ازین اندوه ویران کشته است آفتابی
از مدینه رفته سوی کربلا با بسی کرب و بلا در خاک پنهان کشته است چشم ما
ایچون رخش و رخون دل کشتست غرق حال ما مانند گیسو بس پریشان کشته است
بو حالت ایله مدینهٔ منوره یه کیردیلر شمال باد شمال غبار راه برله روضهٔ پاک
حضرته ایردیلر سینهٔ سوزاندن آه جکر سوز و دل پر درددن نالهٔ غم اندوز چکوب
ایتدیلر واجداه وا محمداه بزسنک خاندانک بیچاره لرندن اوز دیز سنک
دده مانک غریبلرندن اوز صحرای کربلانک مصیبت دیده لرندن اوز بادیهٔ
هجرانک محنت کشیده لرندن اوز محروم ماندکان آب فرات اوز درماندکان
عقبات اوز لکدکوب جفای کوفیان بی وفا اوز آزردهٔ چرخ ستم شایان

بی شرم وحیا اوز قطعه یا رسول الله برآر از روضه تا بنکری اهل بیت خویشتن
را زار وغمناک وحزین در بلای دشمنان دین کرفتار آمده کس جها دادر
جهان هم کز کرفتار این چنین نثر اهل بیت کریان ونالان ایکن ام سلمه رضی الله
عنها امام حسینک دختری که بیمار اولوبن مدینه ده قالمشدی النه یا پشوب
اول شیشه که امام قتل اولندوغی دم ایچنده اولان خاک کربلا قان اولمشدی
دست آخره الوب کریه کنان چهرهٔ طاهره دن طشره چقدی اهل بیت دختر
امام ایله مادر مؤمنانی ذاول شیشه ایچنده کی قانی مشاهده ایدوب دردلری
متضاعف وسور حسرتلری مرادف اولدی امام حسینک دختر دخواهری ایلرد
دارب ام سلمه ایله کورشدیلر واول سرو آزاد برله برک برک قوجشدیلر بو تعزیه
که روضهٔ حضرت رسالته واقع اولدی حدی تقریردن بیرون وحیز تسطیردن
افزوندر بیت درحوصله قلم نکنجد رازم کاتش بلبیان نی نتوان کرد بو تعزیت
ومصیبتده مدینه ده اولان خاص وعام مساهم ومشارک وحصه دار وشترک
در بیت مطلقا درجهان کون وفساد کس چنین تعزیت ندارد یاد نثر ام سلمه
اهل بیته تسلیلر ویروب ودلدارلقلر کوستروب بیوردیکه غم امام حسین ایچون
کریان اولمغک فوایدی بی حد وعوایدی لایعد دنیته کم دیباچهٔ کتابده محرر درکه
هرکم ایچون اغلیه ویا اغلیتنه ویاخود اغلینه سبب دخول جنت وذریعهٔ حصول
سعادت در عیون الرضاده مسطور در پس دعبل خزاعی روایت ایدوب ایدرکه
بابامک حالت موتده زبانی مانند سوسن تکلمدن قالدی وکل رخساری مثال
درون لاله کبی قرردی بو واقعه دن محزون الخاطر اولوب صورت حالی خلقدن
نهان ایتدم میتنی تنهاده یوب خانه لحدده پنهان ایتدم اولکیجه عالم مناده
کوردم که شمع کافوری کبی آق جامه کیوب یوزی پر نور اولمش ول نتدم اولان
عقده حل اولوب فصاحت وطلاقت بولمش احوالندن سؤال ایتدم ایدیکه سکرات
موت وغمرات فوت ده که روم سیاه وزبانم لال ایدی سبب اول ایدی که پیالهٔ

بیالهٔ دروغم مانند صراحی غنچه مدام خمر له مالامال ایدی حتی بوحالله دفن اولنمشدم
ناکاه حضرت رسالت پناه قبرم کنارنه کلوب طوردی شهدای اهل بیت
حقنده دیدکک مرثیهٔ اوقودیو بیوردی بن دخی اوقودم بیت لا اضحک الله
سنّ الدهران ضحکت وآل احمد مظلومون قد قهروا نثر بو بیتک معناسی بودرکه
ابد الدهر بنم دندانمی خندان ایلمسون اکر شاد اولوب خنده اوره بونکبرله که
احمد مختارک آل اخیاری اشرار الندن مظلوم ومقهور کوره ابیات آخره اولنجه اول
حضرت دیدهٔ سعادتلریدن قطرات عبرات اقتدی مرثیه تمام اولنجه
خوب دیمش سن دیو تحسین ایتدی وبکا شفاعت ایلدی بوکیدوکم جامه آنلر
بغشلدی بس بو خبردن معلوم اولدیکه امام مظلومی مدح ایتمک وحالنه ترحم ایدوب
آغلمق موجب اجر جمیل وباعث جزای جزیل در قطعه دیده کر بهر شهید کربلا شد
اشکبار یابد از نور سعادت روشنی روز شمار از عقیق تشنهٔ شاه شهیدان
یاد کن کوهر اشکی ز بحر دیدهٔ خونین ببار هر که امروز کریانست از بهر حسین
باشد خندان بود فردا بصد را اقتدار فصل دوم
امام حسینی قتل ایدنلرک عقوباتی بیاننده در بوندن اسبق صحیفهٔ
رضویه دن برحدیث نقل اولنمشدی که کشندهٔ امام حسین اوددن تابوت
ایچنده دست وپای اغلال آتشین وسلاسل نجین ایله مقید اولوب
وعذاب وعقابی عذاب اهل ناردن افزون وشدائد بلیاتی حد
حصردن بیرون اوله کرکدر بو دخی صحیفهٔ رضویه ده مسطور درکه فخر عالم
صلی الله علیه وسلم بیوررکه موسی بن عمران علیه الصلوة من الملک المنان برا
برادری هارون وفاتندن صکره دست دعای درکاه کبریایه طوتدی الهی
برادرم هارون بو تنکنای دنیای فانیدن فضای بهجت فزای عقبایه کتدی
آنی وبنی بارلطف نوالحال وحی ارسال ایلدیک بدایت قیام عالمدن نهایت
دور آدمه دک اولین وآخرین بندن طلب ایلسک حمای دعاکی بزی اجابة ددکّامی

استدعاکی کنکرهٔ کرسی اجابته ایرشدرب حلاسین یرلغیم الآقاتل حسین
که اندن دست مشتیم ایله اخذ اثار ایتسم کرک یعنی عقوبات عقبات جحیم
کرفتار ایلیم کرکدر بیت کسی کو الجنان خونی بریزد جنان افتد که هرکز بر
نخیزد کنز الغرایب نام کتابده مسطوردر که دوزخده اولان بلالرک جمهتری
و بزرکتری شدید دیکله مذکوردر مثنوی شاه ماران دوزخ ادی شدید نیشی
زخیلا آب اولوردی حدید زخم اینایی کوهی کاه ایلر اهل دوزخ الندن آه ایلر
کندی هرکون تپش کرده لرزه دوتر وزهرین بیراه هجر حق تعالی بیوررکه ساکن
اول بن انلره حواله اولوب اهرسک کرکدر وزهر بر قهرکی اول خونخوارله ایچورسک
کرکدر بو عقوبات آخرتدرکه بی غایت ونهایتدر دنیاده دخی کوفه وشام
سپاهیلری که اول معرکه ده حاضر وسایر تماشاجی وسیرانجی لرکه بو حاله ناظر ایدی
وبالجمله قتل امام ایچون مسرور وخندان ومجبور وشادان اولانلرک هربری بر
بلای عظیمه وبرعنای جسیمه کرفتار اولدی کنز الغرایبده امام سدی نقل ایدوب ایدرکه
خوارجدن بری که قتلهٔ امام حسیندن ایدی بزم ایله مصاحبت ایدرکن اهل
مجلسدن بری ایتدیکه هرکم قتل امام ایچون فرحناک اولدی عاقبت بدترین لرک
ایله هلاک اولدی خارجی ایتدیکه بو دروغدر انکه قتلنه مسرور اولنلردن بری من ایدم اول
زماندن الی هذا الآن دمشق وعراقی کشت اتدم همان اول مجلسده شمعدن بر
شراره پیدا اولوب قدرت الهی برله ریش خارجیه دوشدی بروجهله ممنوع اولمیوب
طوتشدی اول ناکس قالقوب جانب جویه شتاب اتدی وصول بولدقده نی
توقف کندی برتاب اتدی میان آب وآتشده کوشت وپوست تماماً ینوب
کل اولدی اغرقوا فادخلوا نارا سری دیدهٔ اولوا الابصارده ظهور بولدی
بیت آب نادیده شهیدانرا جو آتش درزدی بایدت بی شک درون آب
آتش سوختن بیت دیکر نفسا وبخش پرهوا در تو ایا انسه سرهبر یل موسی ایتاعنه
آتش مانع اولمز چونکه آب حسن بصری قدس سره نقل ایدب ایدر بر کسنه کلوب

بندن مسایل شرعیه اکر نوردی اما طبع اندن زیاده متنفر ایدی زیرا وقت تکلمده
بربد رایحه پیدا اولوردی که استشمامنه طاقت کتوره مزایدم دایما شرم حجاب
اولوب سببین صوره مزایدم آخر برکون سؤال اتدم نهایت مجل ومنفعل اولوب
ایتدیکه اکر بنی رسوای اتمز ایسک درد درونم بیان وستر سربسته می عیان ایلیم
ایتدیکه بن اول طایفه دن ایدم که کنار جویبار فراتده حباب وار خیمه لر قورمشلق
امام حسینی دن لشکرن منع ایتمک ایچون نکهبان اولوب طورمشلق واقعهٔ کربلادن
صکره واقعه ده کوردم که قیامت قایم اولوب بکا تشنه لک مستولی اولمش
کانون دردم آتش عطش ایله طولمش صواستیو سرصویه روان اولدم ناکاه
کوردم که فخر کونین وعلی وفاطمه وحسن وحسین وصحابهٔ کباردن بعضی کنار
حوض کوثرده اوتورمشلر بعضی مانند سرو جویبار ایاقده طورمشلر ساقیلر
وسقالر سلسبیل ایدرلر طرف طرف جمع اولان خلق الوب ایچرلر حضرت رسالت حضورنه وارب
اوج دفعه آب طلب اتدم بر قطره ویرلمدی عطشم آتشنه صو سپلمدی دوردنجی دفعه ده که
فریاد اتدم اول حضرت بیوردیکه بونلرن آب ویرمزسز ایتدیلرکه یا رسول الله بو اول
طایفه دندرکه کنار فراتی بکلردی وعطاش تشنکان کربلایی لب آبدن منع ایلردی
حضرت بیوردیکه اسقوه قطرانا یعنی اکا قطران ایچرک چون اول قطراندن ایچدم
خوابدن بیدار اولدم بو رایحهٔ اول قطرانک اثرندن کندوده بولدم اول زماندن
الی هذا الآن هر نه اکل اتسم درونده قطران اولور رایحه سی سبب کراهیت مشام
انس وجان اولور حسن بصری عذر خواه اولوب ایتدیکه من بعد بری قید محبتدن
ودوام ملازمتدن آزاد ایلک آز زمانده عمری پایانه ایروب ذلت ومحنت ایله
جان ویردی قطعه اعدای ترا دهد خداوند مرکی که از آن بتر نباشد فردای
در آن جهان مقامش جز نار سقر مقر نباشد ابوالمفاخر کتورمشدرکه بر کسنه
کوردیلر یوزنه نقاب اورتوب کعبهٔ طواف ایدردی الهی بنی یرلغه بلورم یارلغمیه جق
ویردی سادات ومشایخ حرم ایتدیلرکه ای محجوب حجاب غفلت دی غرقهٔ کرداب

جمالت حضرت واجب الوجود مفیض الخیر والجوددر • ارباب طریقت واصحاب حقیقت
یاننده نا امید اولمق کفردر • هرکیمک که جرم وکناهی بی حد وبی نهایت اولسه درکاه
الهه رجوع ایدب توبه وانابت قلسه امیددر که رحمت رحمانه داخل وروضهٔ
رضوانه داخل اوله مثنوی اکرچه حددن ارتقدر کناهم • یینه درکاهیدر امیدکاهم •
نه دکلو ایسه قوللر خطار • اودمر حضرت حقدن عطار • نیچون بونکبی ناسزا سوزلر •
سویلرسن • اول ارحم الراحمینک رحمتندن یأس ایلرسن بیت شول یوز قره‌سی
کم آنی یوغرایدی دریا • آخر اودم پاک ایده اشک ندامت نثر اول شخص ایتدی که
مکر بنم یانمه کلوب قصهٔ پرغصه‌می اذن اذعان ایله دکلیه سز • تاکم موجب یأس
وحرمان نه ایدوکن اکلیه سز • فی الحال یانمه وارب اوتوردیلر قصهٔ نامرضیه‌سنه
کوش اوردیلر • ایتدی بن اول عسکردن ایدم که امام حسین ایله کربلاده قتال
ایلدیلر وشهادت حضرتندن صکره • اول طایفه‌یه رفیق اولدم که سر شریفین آنلر ایله شامه ارسال
ایلدیلر بنوم ایله اللی نفر کسنه ایدی • هرکون سراوک یانجه بیله کیدرلر ایدی • اول
مرکز دایرهٔ کرامتک سر شریفین مانند شمع اورتایه قویوب اطرافن احاطه ایلیوب
شرب خمر ایدرلردی • بن خمر ایچمیوب مجلسلرندن نفرت ایدردم • دایره‌لرینه اوغرامیوب
برکناره وارب کنار چزردم • برکیجه عادتلری مقتضاسنجه شرب خمر ایتدیلر مست لایعقل
اولوب یاتدیلر • بن بیدار ایدم ناکاه کوشمه صدای ناله وآه • وآوای فریاد
جانکاه ایردی هرچند تجسس ایتدم هیچ کسه کوریوب بالایه نظر ایتدکده کوردم که
ابواب سموات مفتوح اولمش • روی هواده امامک باشی اوستنده نوردن
برخیمه قورلمش اول حالده اوچ کسنه ظاهر اولدی • هر برینک جسملری روحانی و
رویلری نورانی اشاغه اینوب سرامامی زیارت ایلدیلر • وبرکسنه دخی کوردم
سبزجامه وسفید عمامه کیمش • باشم اوستنه کلوب قرار ایلدی • بونلرکیملردر دیو سؤال
ایتدم • ایتدیکه مقربان حضرتیدن جبرئیل ومیکائیل واسرافیل ناکاه جبرئیل زیر
خیمه‌یه وارب انزل یا صفی الله دیدی کوردم که آدم وشیث وادریس

نزول ایدب سرامامی زیارت ایتدیلر • بردفعه دخی زیرخیمه‌یه وارب انزل یا
نبی الله دیدی نوح وسام نزول ایتدی • بردفعه دخی انزل یا کلیم الله دیدی
موسی وهارون نزول ایلدی • دفعهٔ آخرده انزل یا خلیل الله دیدی ابراهیم
واسمعیل واسحق نزول ایتدی • دفعهٔ دیکرده انزل یا روح الله دیدی عیسی
نازل اولدی • هر پیغمبر که نزول ایلدی سر سروری زیارت ایدردی • بردفعه دخی
زیرخیمه‌یه وارب انزل یا حبیب الله دیدی حضرت رسالت سعادت
واقبال ایله نزول واجلال بیوردی • یانجه صحابه کبارندن چوق کسنه وار ایدی •
اما اشراف اهل بیتدن علی وحسن وحمزه وجعفر طیار ایدی • چون حضرت
خیمه‌دن روی زمینه نزول ایتدی سرامام حرکته کلوب بیتشی ایلدو کتدی یوزن
پشت وپای حضرته قیوب آواز بلند ایله ایتدی یا جداه کور ستمکاران بی وفا
وغداران پرجفا نه کانلر ایلدیلر • سید عالم صلی الله علیه وسلم سرسرورک اللرین یوزن
یوزنه سوروب بی اختیار کریه قلدیلر • وجمله انبیا اول حضرته موافقت بابنده شمع
کریهٔ جانانه سوزه آغاز ایدب یانوب یقلدیلر قطعه آدم درین عزا بجم ذ
غصه مبتلاست • کشتی نوح غرقهٔ طوفان ابتلاست • جان ای خلیل زآتش
نمرود دم مزن • این شعله بین که در جکر شاه کربلاست • رنکین جراحت
پیرهن موسی زنیل • وزدست غصه جبهٔ عیسی چراقباست • کویا برای ماتم
سلطان دین حسین • چندین خروش وولوله در خیل انبیاست • اینها
غم از برای دل مصطفی حزنند • آن خود چه داغهاست که برجان مصطفی است •
کرمرتضی بکرید ازین غصه درخوراست • ورفاطمه بنالد ازین حالها رواست •
سوزش نه بر زمین بود وبس که بر سپهر • برهر که بنکری بهمین داغ مبتلاست نثر
پس جبرئیل ایلرو کلوب ایتدیکه یا رسول الله جمله بر بلوک ملائکه کلشدرکه بو آلتی
نفری هلاک ایده لر اول حضرت بیوردیکه مأمور اولدوغکز امری ادا ایلکز
اول ملائکه‌لرک اودلو حربه‌لری وار ایدی • هرکیمه کم برحربه اوررلردی فی الحال

جسمنه آتش دوشوب ینردي قمرق طقوزی یانوب بکا کلدکده ایدم که الامان الامان یا رسول الله بیوردی رح لاغفر لك الله معلوممز درکه اول حضرتک کمال غزلیتندن صادر اولان تیر دعاسی نشانه اجابته اصابت بولمق وهیجان حمیتلکه منبادز اولان نداسی آستانه رب العزتده مسموع اولمق ممکن دکلدر اهل حرم یوزندکی نقابدن سؤال ایلدیلر ایتدیکه اول واقعه نك هیبتندن واول حادثه نوك دهشتندن شکلم متغیر اولمشدر فی الحال حجابی رفع ایدوب کوردیلرکه صانع قدرت انی خوك صورتنه قلمش ایتدیلرکه حرم محترمدن دور بلکه بو مولد شریفه دن مهجور اول که شانکدن ایمن اولاوز فی الحال حرمدن چقوب کتدی هنوز اون قدم ییر کتمدین هوادن صاعقه خشم الهی نازل اولوب اول بد اختری خاکستر ایتدی قطعه از برق ستم هر که زد آتش بشهیدان شد سوخته صاعقه خشم الهی رزهر که الم یافت دل آن شه مظلوم حقا که بیابد الم نامتناهی راوی معتبر و ناقل بخن در بر وجه جمله عیان و بونوعله بیان ایدرکه امام حسین وسایر شهدا قتل اولندقدن صکره عساکر ابن زیادک سوار و پیاده سندن وبالجمله بنده و آزاده سندن هیچ کس قالمدیکه بر آن آسایش و بر زمان اراملق بلمش اوله هر بری بر عقوبت ایله جان ویردی مدت قریبه ده دار الفنایه ایردی کنز الغرایبده مسطوردرکه جابر بن یزید الازدي عمامه امام همامی آلوب باشنه کیدی دماغی شویله مختبط اولدیکه دیوانه اولوب زنجیره اورلدی اول قید ایله مقید ایکن فوت اولوب فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا زنجیری ایله مسلسل اولدی وحبوانه حضرمي وعبد الرحمن بن حصین نام بد آیین پیراهن پاکی تن تابناکندن چقروب کیدکده ابرص اولدیلر وپیراهن مزبوره یوز یتمش یرده زخم بولدیلر واسود بن حنظله اول حضرتک شمشیرین آلدی جذام اولوب اعضاسنده آکله زحمتی پیدا اولوب نخافت جسمله حلاله دوندی خلق عالمه انکشت نما اولدی مالك بن یسار که جوشنن آلدی عقلنا ختلال کلوب

دیوانه

دیوانه اولدی سنك طعنه طفلان شهره نشانه اولدی آخر باشنه بر سنك طوقونوب مغزی پریشان اولدی بو یریشان نلق بر له دار الجزایه وصول بولدی شواهدده مزبوردرکه شمر اول حضرتك یوکلری ارسنده بر مقدار زر سرخ بولدی آلوب خانه سنه کتوردکده زر مزبوری ایکی بولدی نصفن دخترنه بغشلدی اول دخی زیور آلمق ایچون ادم کوندروب زرکر کتوردی زرکر زری بوتیه قویوب آتشه اوردی جمله سی هبا ونا چیز اولدی کانون درون زرکر نار حیرت ایله طولدی شمر اعتماد ایتیوب کندوده اولان نصف زری حاضر ایتدی زرکره امر ایدوب حضورنده اریتدی اول دخی هوایه منقلب اولدی شمر بو حالدن متفکر ومتعجب اولدی کتورمشلردرکه حضرت امامك بر قچ دوه لری قالمشدی اول طایفه دن بعضی اکل ایچون الوب ذبح وطبخ قلمشدی لحم مطبوخ شویله تلخ اولدی که انتفاعدن قالوب طعمه ضباع ضیاع اولدی بو حادثه عظمی سپاه بی انتباه میاننده اشتهار بولدی قصه عقوبات قتله امام مظلوم علی التفصیل کتب تواریخده مرقوم در امام یافعی کتاب مرآت الجنانده کتورمشدرکه قتل امامدن صکره از زمان تجدید ابن زیادی قتل ایتدیلر سر شرارتن دار الامارة کوفیه کتوروب سر مبارك امامی قودقلری محله ایلتدیلر امام ترمذی عمارة بن عمیردن نقل ایدوب ایدرکه ابن زیادك ورفقاسنك سرلرن مسجد کوفیه کتوروب قودقلرنده بن انده حاضر ایدم مذکورلرحال حیرت مآللرینه ناظر ایدم ناکاه کلدی کلدی دیو براواز پیدا اولدی کوردم که بر ییلان سرلر میانندن کلوب سوراخ بینی نحسه زیاده کیردی تیز جك چقوب کتدکدن صکره تکرار کلدی کلدی دیو فریاد ایتدیلر کوردم کیرو اول ییلان عمل سابق ظهوره کتوروب نیجه دفعه بو منوال اوزره کلوب کتدی جمله ناس بو حاله تعجب ایتدی مثنوی قچن برجانبه اوله روانه دوتردی هیبتی تیر دکانه کمند آسا اولیدی حلقه حلقه سپر شکلینی عرض ایلردی حلقه وجودین زینت ایتمشدی کرهلر کورنلر کیدی دیر زرهلر اول عهدك علمای کرام

داول عصرک فضلای کرامی بیوردیلرکه بو خصلت رامامه اتدوکی معاتبک کافتندن
وکندویه ظاهر اولان علایک علاماتندن در شواهدده محرردرکه بلخیلردن
بری مدینه ده خطبه اوقیوب امام حسینک قتلنی یاد اتدکده اظهار بشاشت
واشعار هشاشت قلدی اول کیجه مدینه ده هر کس هاتف اوای هیج الادآ وصدای
صریح الفحوی برله اوج بیت کوش اتدی بری بودر بیت ایها القاتلون جهلا
حسینا ابشروا بالعذاب والتنکیل ترجمه ای جهل وناداٰنلق یوزندن حسینی قتل ایدنلر
بشارت اولسون سزه قید وبند انکال آتشین ایله عذاب بیحد بیحسابه ایکنجی
بیتک ترجمه سی بودرکه سماده اولان ارواح انبیا وملائکه مقربین سزه شتم شدید
ایله دشنام ایدوب نفرین ایلر اوجنجی بیتک معنیسی بودرکه سزه لعنت ایلدی
حضرت عیسی وسلیمان علیهما الصلوة من الملک المنان بو دخی شواهدده
مسطوردرکه روم غازیلرندن بری نقل ایدوب ایدرکه کنائس کفاردن برکنیساده
کوردم بو بیت یازلمش خط جلی برله کتبه بابنده قازلمش اول بیت بودر بیت
ایرجو امة قتلت حسینا شفاعة جده یوم الحساب یعنی حسینی قتل ایدن
امت اومرمی قیامت کونی جدندن شفاعت ابو الملفا فرایدر بو بیت درت
بیتدرکه دیوار کلیساده یازلمشدی وتاریخ تحریر تحتنده قازلمشدی حساب
اتدیلر تاریخ بعثت حضرت فخر عالمدن اوج یوز ییل مقدم واقع اولمش ابیات
مرقومه نک مضمونی بودرکه عجبا امت لمجتدن قاتل امام حسین عالیمقام روز
قیامتده جدی خیر الانام علیه افضل السلام حضرتلرندن امید شفاعت درجایه
عنایت ایدرلرمی فی الحقیقه غاینده عجب ونهایتده دکلمیدرکه برظالم وغدار
برکشته نک فرزند دلبندینک جکرن آتش عطش ایله بریان واولاد واحفادین
واصحاب واحبابین زار وکریان اتدکدن صکره اول مقتول ومظلومک واول
محسور ومحرومک اتاسندن امیدوار تعطف ومرحمت وطلبکار شفاعت اوله
ع زهی تصور باطل زهی خیال محال لکن ابتدا دوراندن بو زمانه دکن مرآت

وجودده صورت پذیر اولمیین امر خطیری آسان تصور ایدوب ارتکاب مساعت
دهر جبار بی دینک امر نه مطاوعت ایدن کروه کمراهان بونک کبی فعل شنیع
جدید وبدیع دکلدر قطعه تعجب است مرا زان لعین که از سر جهل نداشت حرمت
اولاد پاک مصطفوی بریخت خون حسین وهنوز میدارد طمع بلطف خدا دشفاعت
نبوی از حضرت بحر مواج امام حافظ مسلم بن حجاج جامع صحیحنده احادیث مرویه
ابی هریره دن ایراد اتدوکی حدیث صحیح درکه بدا الاسلام غریبا وسیعود غریبا
کما بدا در بو حدیث شریفدن مفهوم اولان معنی اولدرکه دین اسلام ابتدای حالنده
غریب ونفرت ومظاهر تدن ایله بعید ایدی زیرا جناب سید السادات ومعلم
الخیرات حبیب مجتبی محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم حضرتلرینک بعثتندن اوکدین
جمله عقلای عالم وکافه طوایف بنی آدم عامه غرقه دریای غوایت وسرکشته
بیدا ضلالت ایدیلر وقتی که سرور سروران رسل وهادی خیر السبل حضرة ناردن
خلع الجا والنفاذ واوامر الهیه انلره الخا وانفاذ ایکیجون ارسال اولندی اظهار
امر بعثت ایدوب خلق دین اسلامه دعوت ایدیجک هر قبیله دن بر ر اکیشر اول
دعوته اجابت اتدیلر وعشیره وقبیله لری مخافتندن خفیه بیعت اتدیلر کفره فجره
بونلردن هر کیمک که اتباعنه اطلاع بولورلردی اکا انواع جور وجفا واصناف
شکنجه قیلورلردی انلر بو محنت واذیته لوجه الله صابرلر وتحمل اعبادی محبت
روزه شابر ایدی حتی صحابه کرامدن نیجه لرک ایذا واهانته صبر وطاقتلری قالمیوب
ایکی کره دیار حبشه هجرت اتدیلر انواع حسرت ایله ترک ماوی وجلاء وطن ایدوب
اختیار غربت اتدیلر وانلرکه هجرت حجرتی اختیار اتمیوب ملازم استانه رسول
اولدیلر کیمی خاک درکهی پایمال وکیمیسی شمع حجرکبی مقتول اولدیلر تا که سرور انبیا
ومهتر وبهتر اصفیا صلی الله علیه وسلم حضرتلری افق مغربدن صوب سمایه صعود
ایدر هلال طالب الکمال کبی مقصوره مستوره بطحادن جلوه کاه طیبه شرف
فزایه هجرت ایلدی بارقه انداز بشیر ونذیر اعدا سوز واشعه انوار سراج منیر

عالم افروز اولمغله شلیوب اهل اسلام روز بروز سرافراز و بهره‌ور اولدیلر
دولت قاهرهٔ اسلام اقطار امصارده ظاهر و دعوت طاهرهٔ سید الانام هر
دیارده شایع و باهر اولدی اکابر و اصاغر احزاب حصن حصین اسلامه حلول اد
قبایل و عشایر اعراب دین ملک علامه افواجا دخول ایلدیلر بو اسلوب اوزره قوت
دین و عزت اسلام و مسلمین یوما فیوما متزاید و کوکب کرنای سید المرسلین
اوج علایه متصاعد اولمقدن خالی اولدی اخر الامر موقف عرفاتده ذو العرش رفیع
الدرجات حضرتی اهل اسلام اوزرینه بیان منتی ایچون الیوم اکملت لکم
دینکم و اتممت علیکم نعمتی دیو شفیع مطاع حضرتلرینه وحی واجب الاستماع
ولازم الاتباع انزال ایلدی بوندن صکره شاهباز عرش پرواز روح سید الانام
نشیمن ناسوتده چوق ارام المیوب مقام قدس لاهوته مایل اولوب مدت قریبه‌ده
رفیق اعلایه واصل اولدی برحالده که امور جمهور امت سلک استقامتده حسن
انتظام ایله منتظم و شمل اهل ملت تطرق تفرقه‌دن مصون و ملتئم ایوان اخوت
ایمان المؤمنون کالبنیان موجبجه کما ینبغی راسخ الارکان اولوب مؤمنلره
هر قنده ایسه بری برینه معین و ظاهر و دستگیر و مظاهر ایدیلر و حضرت شیخ
الاسلام مستحکم دین سید الانام فاتح اقفال باب توفیق خلیفهٔ رسول الله
ابو بکر الصدیق و حضرت مظهر الاسلام علی رغم عبدة الاصنام الصادع بالحق و
الاخذ للحقوق امیر المؤمنین عمر الفاروق رضی الله عنهما زمانلری آخر اولنجه‌دک
حال بو منوال اوزره مستمر ایدی همان که اول ایکی رکن رکین منتقض و آنلرک
زمانلری منقضی و منقرض اولدی ابلیس لعین شیطنت آیین ارباب دین متین
اوکلرینه شبهات و شهوات دانه‌لرین مجوب دام مکاید و مفاسد قوردی و
شمشیر لهو و هوا ایله یوللرین اوردی اکثر مسلمین دام لعینه کرفتار و دار ا و اهوا
سبیله بربرندن بیزار اولدیلر بو اجلدن اختلاف عقایده یول بولوب
فرقهٔ واحدهٔ ثلث و سبعین ایلدی و تزیین شهوات آنکلا ابن ابی آبایه

اعدا قلوب قلوب اخوان اهل ایمانی پر حسد و کین ایلدی حضرت فخر عالم صلی
الله علیه وسلم انما اخشی علیکم شهوات الغی فی بطونکم و فروجکم
ومضلات الفتن دیو بیورددوغی سرّی ظاهر و روشن اولدی چونکه
اکثر ناسی وسواس خناس اغواسیله خانهٔ مکر و فتنه داخل اولدی اوللره
اولانی تدابره و تعاضد تحاسده متبدل اولدی لاجرم اصحاب عقول و ارباب
فطن طفل رضیع اللبن کبی زهرت دنیایه مفتتن اولوب سفک دما و قطع ارحام
کبی عظایم آثام ارتکابه اقدام و اهتمام ایدیلر پس مقدمات مرتبه‌دن معلوم
و بو کلمات مرکبه‌دن مفهوم اولدی که یزید پلید نکبت مزید و عبید
بن زیاد عنید و عمرو سعید مرید و انلرک اتباعی و اشیاعی که قتلهٔ جکر کوشهٔ
سرور انبیادرلر علاوت مصطفی و مرتضایی و خصومت فاطمة الزهرایی
قبول ایلدیلر نعوذ بالله بو نه فتنهٔ معضلهٔ عظیمه در که عاقل و کامل عقل و ایمانی
سلب و نامه ادعا فی عنوانی فمثله کمثل الکلب ایلر امدی ای عزیز قرنداشلر
کلک السعید من وعظ بغیره مقتضاسیله عمل قیلالم ذکر اولنان احوال اشقیادن
عبرت الالم انلرکبی شهوات نفس اماره‌یه و زهرات دنیای غداره‌یه مفتون
اولمیالم بو پنج روزه نعمت بر نعمت جزئیهٔ سبیله سعادت اخرویهٔ سرمدیه‌دن
الدانوب باکلیه مغبون اولمیالم مناجات الهی ذات پاکنک
حرمتیچون اولو العزم انبیانک عزتیچون کروه اصفیانک صفوتیچون رسول
کاینانک دعوتیچون شهید کربلانک کربتیچون دم آل محمد حرمتیچون بحق
زجر نوح و صبر ایوب بحق هجر یوسف حزن یعقوب بحق محرمان مجلس
قدس بحق محرمان کعبهٔ انس بحق آب روی اشک ریزان بحق نالهای
جمع خیزان بو کلده جمع و نشر صاد قلر ایچون بلا که جبر ابدن عاشقلر ایچون
قپوکه طوغری وارن راه حق سحر وقتنده اولان آه حق بنی بنلک بلاسندن
خلاص ایت ایرشدر لطف عامک فیض خاک ایت کرم اکا ایت اکا هلقدن

خلاص ایت جهلا کمراهلقدن ٭ حقیقت شاهدینه عشق بازایت ٭ دوعالمدن
غنی وبی نیازایت ٭ چراغ عشقکی مجلس فیروزایت ٭ شب دیجوری شونکله
روزایت ٭ کوکل شمعینی قل نورکلا انون ٭ اوله جان خانه سی تاکم منور ٭ میسر
قل فراغت کوشه سینی ٭ نصیب ایله قناعت توشه سینی ٭ دلوی حب ماله مایل
اتمه ٭ زبانم تو هاته قایل تمه ٭ منور قل درونم فکرک ایله ٭ روان ایله زبانم ذکرک ایله
یوزومه اکسوک اتمه کریه دن آب ٭ که بیدار ایده غفلت ویرمیه خواب ٭
کناهم کبی کوکلده امل جوق ٭ ولی درکاهه یارر عمل یوق ٭ کنهکارم بکا اولدی
کنهکار ٭ سیه کارم خطا شعار کردار ٭ قررمقده دل داغنده ریش ٭
شب عصیانده قالدم شویله دریش ٭ نه دکلو چوغسه جرمم خدایا ٭ کسلمز
رشتهٔ امید قطعا ٭ دمی رحلتده قل لطفکی همراه ٭ یولوم اوره ایه تا شیطان
کمراه ٭ قجن والتفّتِ الساق اوله ظاهر ٭ کرم قل دستکیر اول قومه جایر ٭
قجن باتش قالدرم یردن چولاله ٭ اقیتمه اشکمی مانند ژاله قجن محشر کونی جمع
اوله آدم ٭ شفاعت ایده خلقه فخر عالم ٭ کرم قل ایله جامی یه عنایت ٭
ویرلسون جرعهٔ جام شفاعت **نثر** عنایت بی غایت الهیدن دکرم حضرت
رسالت پناهیدن ٭ امید واثق ٭ ورجای صادق اولدرکه ماتم زدکان
شاه شهیدانه ومحنت کشیدکان آخر الزمانه دبو حکایت جکرسوزک
راقمنه ٭ دبو روایت غم اندوزک ناظمنه ٭ دباجله اوقویوب یازنلره
ولالی کفتارنه صدف کبی قولاق دوتنلره ٭ مواهب فیض فضل نامتناهی
الهیدن حصهٔ اتم ٭ وجام شفاعت احمدیدن سهم اعظم واصل ومتواصل
اوله ٭ آمین یا رب العالمین بحرمت طه ویس **قطعه** چون تمام اولدی
سعادت نامه نام شاهله ٭ اوسرم دوته جهانی سربسر آوازه سی ٭ صفحهٔ
مصحف زماندن اولمسون برحرف حک ٭ ابتر اولمیه فلک اوراقنک شیرازه سی
الطاف علیهٔ سبحانیدن متوقع ٭ واعطاف جلیهٔ صمدانیدن مستطلعدر که خامهٔ

ارباب انشا زینت کر اوراق اجزا ٭ اولدقجه اول پادشاه سلطان زبانک
نام نامیسی عنوان رسایل وذات کرامیسی ممدوح افاضل اولمقدن خالی
اولمیه امین یا مجیب السائلین **بیت** عرض جوهرله قایم اولدقجه وجودی
دولت ایله دایم اولسون ٭ قد وقع الفراغ من تنمیقه بعون الله وحسن
توفیقه علی ید افقر عباد الله واحوجهم الی رحمة ربه الودود ٭
الفقیر الحقیر حسین بن محمد عفا الله له ولوالدیه و
واحسن الیهما والیه ولسایر المسلمین اجمعین ٭
بلطفه ومنه فی ثلث وعشرین
شهر ربیع الاول من شهور
سنه اربع وتسعین وتسعمائة ٭
من الهجرة النبویة ٭
بباطن آمد
المحمیة ٭